هوخت

گفتار نیک

اردیبهشت ۱۳۴۴



مراسم سپاس و نیایش زرتشتیان تهران

شماره ۳

ل ۱۶

سپاس بی‌پایان بدرگاه اهورامزدای بی‌همتا که همواره دعای خیر ملت ایران را مستجاب فرموده و شاهنشاه بافر و داد ما را در پناه خود از شر پلیدان نابکار مصون و محفوظ داشته است و دست اهریمنان خیانت پیشه را در آستین قطع ووجود ناپاکشان از دامن این کشور زدوده است بیگمان این آرزوئی است که از زبان مردم اینکشور گویاست زنده باد شاهنشاه نابود باد دشمنان ایران

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

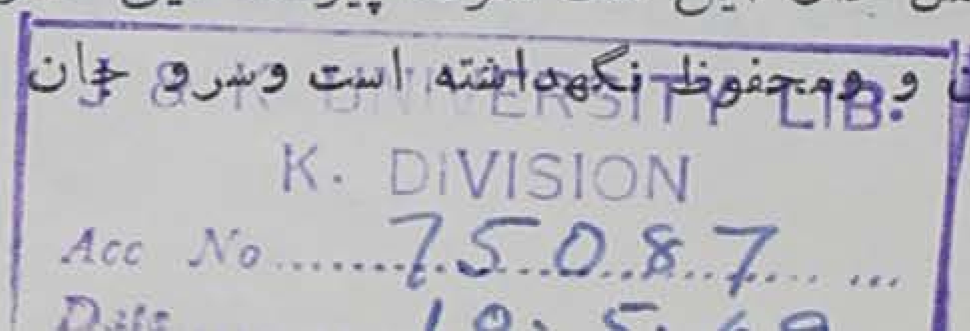
رفع خطر از جان مبارک شاهنشاه



حمد و سپاس بی‌حد و بی‌قیاس خداوند عالم را سزاست که یکبار دیگر خطر حتمی را از سر ملت شریف ایران دور ساخت ونیز خائنین را ازهدف اصلی باز داشت ومظهر استقلال و تمامیت ارضی خاك کشور ایران را از توطئه‌ای عظیم بر حذر داشت چراکه روز ۲۱ فروردین سال جاری فردی خائن وشخصی نالایق دل ازمهر شاه و وطن‌برتافت ودرلباس مقدس سربازی وظیفه خدمتگزاری رافراموش نمود وقصد جان وارث تاج وتخت کیان وقبله‌گاه آمال وآرزوهای بیست ودومیلیون ایرانی کرد که خوشبختانه این‌تیر بسنگ خورد وداغ برآورده شدن این آرزو بردل آن‌تیره بخت نهاده شد وتا ابدلکه ننگ بر دامان پلیدش گذاشته گردید که اگر واقعاً نقشه پلیدانه‌اش بمرحله اجرا درمیآمدهم‌اکنون کشور عزیز ما سرنوشتی دیگر داشت و روزگار مردمانش بـه تیره‌گی و پریشان حالی بی‌مانندی کشیده شده بود .

آری این اولین بار نیست که خطری حتمی ومسلم جان‌شاهنشاه ایران وبقای کشور وملت بزرگ مـارا تهدید میکند بلکه این مقصود پلید بارها بمنصه ظهور رسیده است که خوشبختانه هربار با شکستی فاحش روبروگردیده است و این چیزی جز پـاداش نیکوی الهی به نفس خیر و اعمال عادلانه شخص اول مملکت نیست چراکه شاهنشاه ما از بـدو جلوس بر تخت سلطنت چیزی جز رفاه و سربلندی ملت خود در مد نظر نداشته‌انـد و اساس سلطنت خویش را برپایه‌های برقراری مساوات ورعایت‌عدل و داد قرارداده‌انـد و همواره برای رفاه وآسایش وسعادت این ملت تلاش وکوشش فرموده‌اند.

قلب رئوف و مهربان شاهنشاه ورفتار و اعمال نیکوی ایشان درباری وکمك به ـ مستمندان و ترقی وبزرگداشت ملت ایران باعث گردیده است که خداوند بزرگ همواره مراحم بیکرانش راشامل حال این ملت نموده پیوسته این کشور را از بلایای آسمانی و خدشه‌های زمینی مصون ومحفوظ نگهداشته است وسرو جان اولین فرد آنرا همیشه در



ظل عنایات خویش از هر گزندی مبری گردانیده است و اینستکه شاهنشاه عظیم‌الشأن ما با الهام از این موهبت الهی پیوسته با کمال شجاعت و بی‌پروائی برنامه‌های مترقی خویشرا دنبال فرموده و با نهایت خونسردی باعمال مغرضانه خائنین وطن برای جلال و بزرگی ملت ایران بذل مساعی وعطف توجه خاص میفرمایند وازآنجاست که ملت ایران نیز بخوبی قدر این موهبت عظمی را دانسته وامنیت و آسایش و آزادی خویشرا مدیون پدر تاجدار خود میداند وهمیشه برای سلامتی ذات مبارکشان دست دعا بدرگاه باریتعالی برمیدارد وهر وقت که خطری متوجه معظم‌له میگردد بسیار نگران گشته باتمام قوای خویش برای دفع این خطر تلاش میکند و ازاینجاست که هنوزهم ازواقعه جانگدازی که درکاخ‌مرمر روی داده است و توطئه‌خائنانه‌ای نابود گردیده‌است وشاهنشاه دادگستر مابسلامت مانده‌اند دست دعا بدرگاه خداوند تعالی برداشته ازاین نعمت بزرگی که شامل حالش گردیده است مراسم نیایش رادر هر کوی وبرزن بانجام میرسانندمانیز بنوبه خوداین بخشش عظیم‌الهی را درحفظ ونگهداری جان شاهنشاه عالیقدر خود ازیك خطر مسلم وحتمی بپیشگاه پدرتاجداروهم‌میهنان عزیز تبریك عرض کرده امیدواریم که همواره وجودذیجود شاهنشاه بزرك که‌مظهر آزادی و استقلال‌وطن وملجأمستمندان وپناهگاه کلیه‌دادخواهان‌است ازهر گزندی محفوظ داشته‌آنوجودمبارك‌را که برای ملت کهنسال ایران باعث حصول خیروبرکات‌لایزال الهی است تاابدزنده وپاینده بدارد

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه بعضی از جملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا و کمتر دارای خط‌خوردگی باشد

۲ ـ دریکروی کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات‌مشکل‌خواناتر باشد.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۱۸)

خاندانهای شاهی اولیه آریان در هند

گرچه گزارش تاریخ باستانی هند، بسا در این گفتارها نابجا انگاشته شود، ولی چون اوضاع کنونی هند از حیث زبان و کیشهای گوناگون، معلول عقاید وسازمانهای اجتماعی دوران دیرین است که از دو عامل روحانیت و سلطنت چند نژادی پدید آمده است. پس گریز ما بتاریخ سیاسی و اجتماعی کهن ودیپلوماسی نوین آن کشور بازمینه این گفتارها بیگانه نیست ویك گونه پیش‌پردازی برای نتیجه فرجامی است.

در شانزدهمین گفتار، اندکی از باورهای دینی آریانهای تازه درآمده بهند ـ از کتاب «مانتراها» که کهنترین نوشته آنها بوده ـ ازچگونگی دوره «ودیك» ورهبری برهمنان یادشد. در مانتراها ازعقیده بازگشت پس از مرگ (تناسخ) چیزی نوشته نشده وچنین چیزی را باور نمیداشته‌اند. ولی پس از آنکه هندوها = آریانها بچند تیره ودودمان‌از هم جداگشتند، دوخاندان ازآنها بسلطنت رسیدند.

یکی بنام «رامایانا» خاندان «راما» (Rama) شاهان این خاندان خود را فرود آمده یاجدا شده ازخورشید میدانستند وایوذیا Ayodhya نزدیك اوده کنونی راپایتخت خود ساختند. خاندان دیگر بنام «مهابهاراتا» که خودرا چکیده یا فروافتاده ازماه می‌دانستند، پراياگ (الـه‌آبادکنونی) و سپس «هاسیناپورا» نزدیك دهلی نو (امروزی) را پایتخت قرار دادند.

گزارش تاریخی این دو خاندان سلطنتی را از دو چکامه مشهور میتوان دریافت. آنکه وابسته بخاندان «رامایان» است وبنام «راما» سرسلسله خاندان یاپیش‌تازان خانواده بوده وپهلوان داستان است، گفته‌اند شاعری بنام «والمیکی» آنرا سروده است. اکنون این «راما» در پیکر «ویشنو» (Vishnu) ستایش میشود وچنین باور میدارند که او به

جهان خاکی آمد تاجهان رااز شر ستمگری ونابکاری (Monster) یاغول بزرگ «روانا» Ravana که پادشاه «راکشاساها» بوده برهاند (دورنیست همین غولها در اصطلاح اوستا. اهرمن خوانده شده باشند) . فشرده داستان چنین است که :

راما ، در جنگل «دان‌داکا» ناپدید میشود و زن او «سیتا» هم در دست روانـا ـ اسیر می‌افتد وراما در پی زن بجستجو می‌پردازد ودرمی‌یابد که وی در کاخ روانادرسیلان گرفتار است ، باسپاهی ازمیمون بسیلان میتازد ، باپرتاب تیری از کمان «سیوا» (یکی از خدایان خورشیدی) روانا ـ ازپا درمیآید وکشته میشود راما زن خودرا می‌یابد. این چکامه بازیباترین لطایف ادبی ساخته و پرداخته شده ، اهمیت تـاریخی بسزایی دارد و میرساندکه هندوها درآن‌عصر بجنوب هند و دکن راه یافته و جزیره سیلان را نیز پیدا کرده‌اند .

اما خاندان «مهابهاراتا» پادشاهان «ماهواره» گزارش جنگی‌بزرگ ؛ بهمان‌درجه عظمت و شهرت جنگ «رامایانا» شاهان‌خورشیدی نیزازآنهادرمنظومه‌ای‌سروده‌شده‌است. نام بنیادگذار این سلسله «بودا» (نه‌بودای پیمبر) (Buddha) بوده که در هاستیناپورا سلطنت میکرد . او را فرزند سوما Soma (یعنی ماه) میدانند از نسل وی «ویاسا» (Vyasa) پدر «دریتاراشترا» و «پاندو» را سراینده منظومه حماسی یادشده میدانند. دریتاراشترا سه‌پسر داشته‌که آنهاراکوروس یاکراواس میخواندند (وپیداست‌که چند زن داشته است) اما پاندو پنج پسرداشت‌که‌آنها را پاندوس یاپاندواس‌میخواندند .این‌چکامه یا منظومه، جنگ خونینی راکه میان عموزادگان برسر تخت وتاج هاستیناپورا درگرفته مینمایاند. در این جنگ بیشترین سرکردگان هندوستان بخانواده کوروس یا بخانواده پاندوس پیوستند .

از میان آنها «کریشنا» (که اکنون درپیکریابت ویشنوستایش میشود) ازنامی‌ترین کسانی است‌که در منظومه یادشده بخانواده پاندواس پیوست. دوسپاه‌درکارزارکوروکشترا سبزه‌زارکوراواس روبرو شدند. درمدت جنگ هشتاد روزه‌که با خشم و تحرک‌بسیارانجام میگرفت ، هزاران جنگجوکشته یا زخمی گردید. درپایان پاندوها پیروز گشتند ، پایتخت (هاستیناپورا) بدست آنها افتاد ولی جز مدتی کوتاه نتوانستند در آنجا آرام بگیرنـد زیرا همینکه بشوه این‌همه خونریزی وکشتار از خویشاوندان اندیشیدند ، چنان دستخوش اندوه وپشیمانی‌گشتندکه از شدت غصه وشرمساری پشت‌پا به سلطنت خود زده بدان‌پایان داده ، راه‌کوهستان هیمالیا را درپیش‌گرفتند و با «دراپاتی» زن مشترك برادران خـود همنشین و همدم‌گردیدند (البته در آن زمان رسم چنین بود که زن برادر بدرود گفته خود

را گرامی میداشتند و اورا بانوی خانواده بشمار آورده نگاهمیداشتند نه بنام‌همسری‌بلکه برتری اززنان دیگر) باری - یکروز «ایندرا» خدای بزرگ ، بر آنها آشکار گردید و آنانرا با خود بکیهان (Heawen) برد.

از این داستان حماسی ادبی افسانه‌آمیز، نکاتی چنداز فلسفه‌عقاید، ازسازمان‌اجتماع، ازنظام سیاسی وفرهنگی آریان دستگیر میشود.

۱ - اینکه آنها کیش ساده طبیعی داشته وبسیار خوش‌باور وپاکدل بوده‌اند ، سپس درآمیزش بابومیان بکیشهای خدایان پرستی گرویده‌اند .

۲ - برای جاگیری با بومیان درافتاده باقدرت بسلطنت رسیده ، سپس‌میان‌خودشان بر سرفرمانروائی مطلقه جدایی افتاده ، به تیره ودودمانهای گونه‌گون پراکنده‌شده‌اند .

۳ - کسان باهوش ودانش، یابگیریم زرنگ که ذوق ادبی‌ونیروی ابتکارداشته و با سواد بوده‌اند ، بانوشتن‌داستان‌ها، سرودن شعر وسخنوری ، زمام‌عقل وادراك واراده‌مردم را با روان‌شناسی بکف گرفته بمقام روحانیت ورهبری دین وآیین رسیده ، حکومت‌معنوی ونظام مادی را اداره میکرده‌اند. اینها نه بنفع ورشد فکری مردم ، بلکه بسود مادی و شادکامی‌خودکیش خدایان‌پرستی راگسترش میدادند ونیروهـای طبیعت رامجسم میکردند و دستگاه آخوندی را چنان مهیب جلوه میدادند و خود را میـانجی خدای بـزرگ و آفریننده خدایان کوچك با سخنان دل‌انگیز وپرشور می‌نمایاندندکه مردم حیات وممات خودرا مرهون اوراد واذکار وقربانی بخدایان میدانستند ، اما خود را خردمند Sage یافیلسوف ورازواندرزگو میدانستند، زیرا آرینها هرگز به پیامبری که‌از پیش‌خدای‌بزرگ آمده باشد باورنداشتند وآنها هم چنین ادعایی‌نمیکردند و «مانی» را هم که شهریـاران ساسانی باپیروانش‌کشتند بهمین‌گناه دعوی پیمبری بود.

مانو نخستین قانون گذار هند

The code of Manu

پس ازکتابهای «ودا» از لحاظ اهمیت و کهنسالی بی‌گمان - کتاب قوانین «مانو» است‌که‌گر چه تاریخ نگارش آن دانسته نیست ولی نویسنده آن مردی خردمند و جامعه شناس بوده (وچه بسا نام مـانو با «مانی» دوره ساسانی ما ازیك‌نشان وریشه باشد) همین اندازه میدانیم‌که این مجموعه قوانین ، برهمنهارا توانایی بیشتری دادکه ریاست وقدرت قاهره دولتی را بیابند و سیستم طبقاتی را استوار سازند. آنها مردم را بچهـار طبقه از

بقیه درصفحه ٤٦

سخنرانی موبد رستم شهزادی بمناسبت روز زایش اشوزرتشت در خرداد و فروردینماه ۱۳۴۴

بانوان وآقایان محترم در فروردین یشت راجع بواقعه زایش اشوزرتشت چنین آمده است :

«یوژدا مشیائی ائیسپی زاتم وهیشتا یوسپیتاموزره‌تشترو » ای مردم بشارت بادشمارا که زائیده شد بهترین فرد بشر یعنی سپیتمان زرتشت .

در کتابهای اوستا کلمه‌ایکه بعنوان پیغمبر برای اشوزرتشت بکار رفته واژهٔ (مانتره بر) یعنی دارنده یا آورندهٔ مانتره است مانتره در اصل بمعنی گفتار آسمانی یـا کلام نافذ و سود بخش میباشد و امروزه این کلمه بصورت منتر یاورد درآمده که بازهم بمعنی کلام نافذ ومعجز آساست .

واژهٔ مانتره در اوستا اغلب باصفت سپنته یامقدس و پاك همراه بوده و مانتره‌سپند گفته میشود یعنی گفتار پاك وآسمانی وهزاران سالست که زرتشتیان با ایمان کامل ایـن مانتره سپندیا کلام مقدس اوستارا چه درمواقع سختی وتنگی یاخوشی وناخوشی وچه بعنوان دعا وعبادت یا جهت تسلی غمزدگان و تقویت روح یا طلب فیروزی در کارهای خطیر یا برای شادی روان درگذشتگان وطلب آمرزش آنان باهمان لفظ اصلی اوستائی میخوانند ونسبت بدرجه ایمان وعقیدهٔ خود ازآن فایده برمیگیرند . عده‌ای از دانشمندان وعلمای دین راهم عقیده برآنست که برای استفاده بهتری از اثر نیك آن باید اوستارا باهمان تلفظ اصلی آنچنانکه برایمـان آمده سروده شوند،

مانتره چگونه موثر واقع میشود

بنا بعقیدهٔ دانشمندان روانکاو در درون هرآدمی نیروهای مرموز زیادی نهفته شده که بطور کلی مـا آنهارا نیروی روحی یا ایمان مینامیم وهرگاه بوسیله عامل متحرکـی این نیروها برانگیخته شوند اثرات شگفت‌انگیزی در انسان بروز کرده و وسیلهٔ انجام کارهائی خواهند شدکه از عهدهٔ یکفرد بشر معمولی خارج است. یکی ازین عوامل تلقین بوسیلهٔ گفتار تقویت‌کننده و روانبخش یعنی مانتره سپند و برانگیختن نیروهای اندیشه و ایمان است که درطی تاریخ بشر اثرات عجیب زیر ازآن حاصل شده وهرچه بعقب برگردیم این استعداد رابیشتر در بشر مشاهده میکنیم مانند :

۱ ـ تحمل شدیدترین شکنجه وآزارجسمی بدون احساس درد ـ درمورد پیغمبران وشهدا وپارسایان ومرتاضان .

۲ـ گذراندن‌مراسم‌سخت وجانفرسای ور یا قضاوت‌الهی که‌بانگلیسی‌آنرا Ordeal نامند نظیر ورسیاوش وآدرباد ماراسپند وغیره .

۳ ـ معالجهٔ دردهای درمان ناپذیر وسخت‌که معمول پزشکان روانشناس امـروزی ومانتر پزشکان ایران‌باستان بوده .

٤ ـ انجام کارهای خطیر وشجاعانهٔ زایدالوصف نظیر کارهای اسفندیار روئین‌تن در ایران وژاندارك در اروپا وسایر فدائیان ومیهن‌پرستان درمیدانهای جنگ.

بدون وجود این نیرو هیچ پیغمبر یا مصلح بزرگ وهیچ جهانگیر یا سردارمقتدری نمیتوانست بهدف خود رسیده و بانجام آن‌کارها موفق گردد . ازین روی در فنون جنگی وعلم سربازپروری سفارش شده‌که تقویت نیروی روحی سربازان واجبتر از تقویت نیروی جسمی آنان است زیراسربازی‌که با نیروی ایمان و قوای روحی مسلح باشد هفتاد درصد موفقیت او درمیدان جنگ تأمین است . این موضوع در یکی از یشتها بنام ورهرام یشت بخوبی نمودار است وموبدان قدیم این یشت رابرای تقویت روحیه سربازان‌پیش‌ازعزیمت بجنگ سرائیده وقسمت برگردان آن یعنی (عهه‌ریه) راهمهٔ سربازان باهم میسرودند .در اورمزدیشت راجع به اثر سودبخش ونیك مانتره چنین آمده است :

تداستی مانترهه سپنته‌هه امه‌وس تمم : تدورتره‌وس‌تمم . تدخره ننك‌هس‌تمم . تدیاس کرس تمم. تدواره‌ترغیوتمـم . تدبیشه زیوتمـم. یعنی این مانتره سپند از همه نیرومندتر فیروزی دهنده‌تر ـ خرمی‌بخش‌تر ـ مؤثرتر ـ تواناتر وشفابخش‌تر است .

در اردیبهشت یشت ازمیان پنج نوع پزشکان ایران‌باستان (مانتروبیشه‌زو) یامانتره پزشك یعنی پزشکانیکه با مانتره بیمار را معالجه میکردند از همه بلندپایه‌تر محسوب شده و بآنان‌لقب (بیشه زنام بیشه‌زهه) یعنی پزشکان پزشك میدادند وحتی امروز هم ازین روش استفاده میشود .

چه بسا اتفاق افتاده‌که بیماران سایر مذاهب هم پس از ناامیدی ازمعالجهٔ پزشکان دست توسل بدامان موبدان زده و جهت بهبودی خود از مانتره‌های اوستا استفاده می ـ نمودند .

در اروپا نیز امروزه معالجهٔ امراض روانی یا صعب‌العلاج جسمی را بروان پزشکان واگذارکرده وآنان باروشهای مختلفی‌که بنام هیپنوتیزم ومسمریزم و مانیه‌تیزم معروفست بیماران راشفا می‌بخشند .

اثر نیك مانتره را میتوان بوسیلهٔ امواج صدا یا نور یا نیروهای دیگر تقویت کرده بفاصله‌های دوردست فرستاد

ایرانیان باستان اززمان بسیارقدیم پی بوجود امواج صدا برده و میدانستند که هر گاه این مانتره‌هارا بوسیلهٔ امواج سریعتر و نیرومندتری‌مانندصدایانور یانیروهای‌دیگری تقویت کنند میتوان اثر نیك آنرا بهمراهی آن امواج بفاصله‌های دوردست‌تری فرستاده و تا حدامکان افرادبیشتری رامشمول فیض آن سازند بدین سبب موبدان میکوشیدندتامانتره هارا بوسیله عوامل نامبرده زیر پخش کنندتاهرچه بیشتر وسریعتر برتصفیه محیط وآرامش خاطر ونیرومندی جسم و روح ودفع غم واندوه مردمان برآیند.

۱ - تقویت اثرنیك مانتره بوسیله امواج صدا :

یکی از روشهای باستانی گستردن اثر مانتره بوسیله صداست و بهمین سبب موبدان درآدریانها هنگام ادای‌نماز وسرایش اوستا بنواختن زنگ میپردازند ودراوقات برگزاری یسنا وویسپرد زنگ کوچك پرطنینی را با دسته مخصوصی بصدا درمیاورند.

یکی از دانشمندان بشردوست اروپائی دربن‌باره مینویسد : هنگامیکه سوت‌کارخانهٔ نزدیك منزلم بصدا درمیاید من فورا دعای سلامتی و تندرستی وصلح وآرامش جهانیان را زمزمه‌کرده آرزو میکنم صدای آن‌سوت دعای خیر مرا بفاصله‌های دور پراکنده سازد. دعای سحرگاهان هم ازآن‌جهت مؤثرتر است‌که این آرزوهاکه از قلبی سوزان و دلی دردمند و پاك سرچشمه‌گرفته درهوای صاف ولطیف نیم‌شب سریعتر و باموانع کمتری بسوی هدف پیش میرود حافظ روانشناس فرماید :

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
دعای نیم‌شبی دفع صد بلا بکند

۲ - بوسیلهٔ امواج نور:

بهمین جهت موبدان درهنگام نیایش ونماز روبروی آتش ونور ایستاده تاامواج‌نور مانتره‌هارا بنقاط دوردست پراکنده سازد و زرتشتیان وهندوان ویونانیان قدیم نور راپیك ورسانندهٔ نماز بشری بآسمانها بشمار میآورند وبشر امروزی‌نیز همین کار را بادستگاههای تلفن ورادیو وبی‌سیم ورادار انجام میدهد زیرا این دستگاهها صدا را بهمراهی امواج نوریکه از برق بدست میاید بانیرو وسرعت زیادی بفاصله‌های دوردست میفرستند. جای شگفتی است‌که می‌بینیم در جمله‌ایکه موبدان درهنگام برگزاری مراسم یسنا وآفرینگان وویسپرد روبروی شعله‌های آتش ونور میسرایند باکمال وضوح وبا اشاره باین‌موضوع‌مهم علمی‌است که میگویند :

« براوج و زور ونیروی وتکی وهماوندی وفیروزگری این‌خشنومن باوزایاد» یعنی بشودکه این‌انوار مقدس براوج وزور ونیروی وسرعت وقدرت ونفوذ این‌نیایش بیفزایند»

همچنین راجع به‌امواج انوار خورشید وماه نیزدرنیایش ویشت مخصوص بهمین‌نام بطور وضوح اشاراتی موجود است ازجمله در خورشید نیایش آمده :

هنگامیکه‌نور خورشید بتابد صدها هزار نیروهای مینوئی‌آن‌نور رامیگیرند ومیبرند و برروی زمین پخش میکنند تا پاکی در جهان بیفزاید وتن و جان نیرو و توان‌گیرد و همین نیروهای نادیدنی را امروزه ذرات‌موج‌نور میخوانیم که انوار بدون وجودآن‌هرگز بزمین نمیرسید .

باز درماه نیایش میخوانیم : هنگامیکه ماه میتابد آن نوررانیروهای مینوئی‌بزمین میرسانند .

۳ ـ بوسیله نیروی فکر واندیشه :

امروزه علم تله‌پاتی **Telepathy** یاانتقال فکر بفاصله دور ثابت‌کرده است که مغز انسان دارای دستگاههائیست‌که هم میتواند امواج فکر را باسرعت زیادی بفاصله‌های دور فرستاده ودرعین حال امواج فکر دیگران رانیز باهمان سرعت‌دریافت کند یعنی‌بطور خلاصه مغز انسان هم دارای دستگاه فرستنده وهم‌گیرنده است وهرچه رابطه انـدیشه و احساسات دونفر بهم نزدیکتر باشد بهتر میتوانند بدریافت امواج فکریکدیگر نائل‌آیند بدین وسیله‌گاهی اشخاص غفلتاً حادثهٔ مرگ نزدیکان خود را از فواصل دور حس‌کرده یاباصطلاح بایشان الهام میشود وهرگاه مغز فردی باندازه کافی مستعد و نیرومند باشد میتواند افکاردیگران را تحت سلطه خود درآورده وبرآنها حکومت‌کند .

بدین سبب دانشمندان پیش‌بینی‌کرده‌اند‌که اگر پیشرفت فکر و پرورش نیروی‌مغز در انسان بهمین روشی‌که ادامه دارد پیش رود روزی خواهد رسیدکه بشر بتواند بدون مکالمه وصحبت افکارخودرا بدیگران منتقل ساخته وبااشاره‌ای‌تمام مکنونات قلبی وارادی خودرا بآنان بفهماند بهمین جهت است‌که دانشمندان موجودات‌کرات دیگر راکه از ما جلوافتاده‌تر فرض میکنند آنانرا مجهز بآنتن مغزی‌تصورکرده میگویند طرز مکالمهٔ آنان باهم بوسیله امواج مغزی آنانست نه حس‌گویائی .

رعدی آذرخشی یکی از شعرای دانشمند ایرانی راجع بتوسعه این نیـرو دربشر آینده میفرماید :

من بر آنم‌که یکی روز رسد درگیتی که پراکنده شود کاخ سخن را بنیان

بقیه درصفحه ۴۷

مردی که بیش از پنجاه سال به فرهنگ این کشور خدمت کرد باسربلندی زندگانی را بدرود گفت



روانشاد محمدعلی حکیم‌الهی از چهره‌های درخشان فرهنگ این کشور و از خدمت گذاران کهنسال فرهنگ ما زرتشتیان بشمار است که در دوران نخستین خدمات فرهنگی مازرتشتیان همکاری خود را آغاز ودرتمام مدت خدمت خود بانهایت صمیمیت و دلسوزی این وظیفه مهم اجتماعی را انجام داد و با اندوخته‌ای فراوان از شمار پرورش یافتگان محضر فیاض خود وگنجینه‌ای از شخصیتهای علمی فراوانی از تعلیم یافتگان مکتب خود زندگانی جاوید یافت ونام بلندآواز خودرا جاودانه بربرگهای زرین تاریخ فرهنگ این کشور ثبت نمود.

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

ترجمهٔ موبد فیروز آذرگشسب

تجزیه و تحلیلی از تفسیر بهرام یشت یا فیروزی نامه تألیف سرکار سرگرد م. اورنگ بقلم هیربد جمشید جی کاوسجی کاتراک

بی نهایت خوشوقتم که فرصتی بدست آمد تا تقریظی بر کتاب با ارزش فوق که اثر دیگری از یك دانشمند پرکار و بااستعداد ایرانی است بنگارم. سرکارسرگرد اورنگ تابحال دوازده کتاب سودمند و پرارزش بشرح زیرراجع بزبان و ادبیات و فرهنگ ایران باستان تألیف نموده‌اند.

یکتاپرستی در ایران باستان ـ جشنهای ایران باستان ـ لغت‌نامه اورنگ ـ کتاب صددر ـ تفسیر یسنا هات ۱ تا ۱۰ درسه جلد ـ خیتودت یا هم‌بستگی دراوستا سوشیانت‌ها یا سه موعود آینده ایران ـ شرح و تفسیر گاتاها هات ۲۸ تا ۳۰ یسنا درسه جلد.

خوشبختانه درمورد چند فقره از تألیفات فوق نگارنده تقریظهائی نوشته است و همیشه با رضایت خاطر مشاهده کرده که سرکارسرگرد اورنگ در نوشته‌های خویش و در شرح و تفسیر یسنا و گاتاها سعی کرده است تا مفهوم واقعی و روح اصلی متون مقدس را بزبانی بسیارشیوا بیان کند. گرچه نوشته‌های این دانشمند ازلحاظ مفهوم باسایرین اختلاف دارد ولی هیچ خواننده‌ای نمیتواند تحت‌تأثیردلایل منطقی وتوضیحات بکر و روشن این نویسنده قرارنگیرد طبیعی است همانطوریکه مولف دانشمند اغلب متذکر گردیده‌اند تنها یکنفر ایرانی و فرزند همین آب وخاك خواهد توانست کتب و نوشتجات نیاکان خود را بنحواحسن درك کرده ونکات مبهم وتاریك آنرا روشن سازد سرکارسرگرد اورنگ درتفسیر گاتاها هات ۳۰ بهم‌وطنان خود توصیه میکندکه ترجمه وتفسیرهای خاور شناسان غرب را درمورد اوستا و پهلوی باقید احتیاط مطالعه نمایند و از توضیحات غلط و مغرضانه آنها گمراه نگردند. نگارنده این‌موضوع را دربحث انتقادی‌خود راجع بکتاب «فیروزی‌نامه» و همچنین درمقدمه کتاب انگلیسی خود بنام زناشوئی در ایران باستان مخصوصاً ذکر کرده است تانشان دهدکه چگونه خاورشناسان غرب مفهوم واژه‌هائی مانند «خیتودت» و امثال آنرا تحریف و دگرگون ساخته و مردم راگمراه میسازند.

روشی راکه سرکار سرگرد اورنگ در ترجمه وتفسیر بهرام‌یشت اتخاذ کرده‌اند همان رویه‌ایست که نامبرده در آثار قبلی خود بکار برده است بدین معنی که اول متن اوستائی هر بندی را ذکر کرده و سپس همان متن اوستائی را با نویسه فارسی و بعد ترجمه تحت‌اللفظ واژه‌ها را داده‌اند و درپایان توضیح و تفسیر کافی راجع بهر بند نقل کرده‌اند ضمناً مولف دانشمند ۷۸ صفحه کتاب را اختصاص به واژه‌های اوستائی و معانی آنها ازلحاظ دستورزبان داده ودر ۱۲ صفحه آخر کتاب نظرات و عقاید دانشمندان را راجع بتألیف قبلی خود یعنی « تفسیرهات ۳۰ یسنا » ذکر کرده است حروف اوستائی و چاپ فارسی این کتاب وهمچنین کاغذی که بکار برده شده بسیارخوب بوده وجلب‌توجه خواننده را میکند .

سرگرد اورنگ ازقرار معلوم گاتاها و یسنا راکنار گذاشته و توجه خود را به یشتها که ازادبیات کهن مزدیسناست معطوف نموده است بهرام‌یشت یکی از یشت‌های بسیار مهم است و همانطورکه مولف دانشمند درمقدمه کتاب ذکر نموده‌اند بهرام چنانکه بعضی‌ها تصور کرده‌اند ستاره مریخ وربالنوع جنگ نیست‌بلکه منظور از بهـرام «فتح و فیروزی خداداه است » کسانیکه راستی وپارسائی و نیکوئی راپیشه خود ساخته‌اند بطور مسلم از شکوه وفیروزی خداداده برخوردار خـواهند شد . در سرتاسراین یشت واژه « ورترغنو اهوره‌داتو» ذکرشده است‌که خاورشناسان آن رابه « فرشته بهرام آفریده خدا » تـرجمه کرده‌اند ولی‌سرگرد اورنگ آن را بمعنی « فیروزی خداداده » ترجمه نموده واقعاً فکری است بکر وتفسیری است‌بسیارجالب و بهمین‌علت نیز نام‌کتاب رافیروزی‌نامه گذاشته است.

دراولین ده فصل کتاب ذکرشده است‌که بهرام‌بشکلهای مختلف مانند باد و گاو نر و اسب وشتر وگراز وپسرجوان و پرنده وبره وبزوپهلوان ظاهر شده و باشخاص پـارسا ونیکوکارفیروزی خواهد بخشید ولی سرگرد اورنگ مینویسد سرباز شجاعی‌که از میهن خود دفاع میکند یا هرشخصی‌که مایل است درزندگی بافیروزی هم‌قرین باشدباید صفات ده‌گانه بهرام رابشرح زیر کسب نمـاید .

سرعت - چالاکی - استقامت - تحمل وبردباری - شهامت و مردانگی - تواضع و فروتنی وغیره :

موضوع فوق بحثی است واقعاً جالب و درعین‌حال بسیار الهام‌بخش .

درفصل ۱۱ تا ۱۳ اشاره به تیزبینی و دوربینی ماهی کر - اسب و کرکس شده و از خداوند موهبت‌های مزبور برای اشوزرتشت آرزو گردیده است.عبارتیکه در فصل ۱۳ بهرام یشت‌بمفهوم تیزبینی کرکس‌ذکرشده : «ناؤمیه‌هچه دنکهات » میباشدکه‌عموم خاورشناسان

بقیه درصفحه ۴۹

چگونه جراید از نوروز ۱۳۴۴ استقبال نمودند

تمام جراید و نشریه‌های روزانه وهفتگی وماهانه بدون استثنا مطالبی راجع بنوروز وتاریخچه ، آداب ورسوم آن انتشار دادندکه نه تنها از افسانه‌های چند وچون بدوربود بلکه بیشتر بحقایق فلسفی ومقام منطقی آن پرداخته بودند .

با اندك ژرف نگری میتوان دریافت که علاقه نویسندگان و اهل مطالعه بمسائل میهنی برپایه راست وبرپاشنه درست قرار گرفته ورهبری احساسات‌را بدست خردسپرده‌اند، استنباط ازاین روش عالی است که پرتو امید بخشی دردلها تابان وآینده‌ای بس درخشان دربرابر چشم مجسم میگردد .

این حقیقت را باید پذیرفت که اینگونه جشنها وآئین وسنتهای آن زائیده مقتضیات وخواسته‌های مردم این آب وخاك است وباسرشت وخوی ساکنین وآب وهوای آن‌سازش دارد و بهمین جهت است که گذشت سده‌های بسیار ودورانهای دور ودراز توأم با نشیب و فراز هم نتوانسته است بدست فراموشی سپارد ، بیگمان برپاداشتن این جشنها را باشکوه وجلال هرچه بیشتر گویای تجلی حس میهنی ودلبستگی بزادگاه خود است وپیروی‌ازین روشهای نیکوکه رشته یگانگی رابهم پیوند داده و گره‌های آنرا استوار مینماید سزاوار ستایش است .

اینك نمونه‌هائی از چند نشریه :

مجله تهران مصور چنین آغاز مطلب نموده است « بی‌آنکه بخواهیم گزافه‌گوئی و خودستائی‌کنیم ملت ما ازدورترین‌روزگاران باستانی همواره از انسانی‌ترین و بهترین فرهنگها برخوردار بوده است - جنبه‌های شاعرانه ولطیفی‌که فرهنگ ایران باستان راپر کرده است بیگمان در هیچیك از فرهنگهای جهانی دیده نمیشود اگر بعضی گوشه‌های اساطیری فرهنگ یونان‌کهن راکنار بگذاریم دیگر درتاریخ باستان‌که روزگار پرورش وشکفتگی اندیشه انسانی بوده است ظرافت اندیشه ایرانی‌را هیچکدام ازملل‌دیگر نداشته است .

یکی ازگوشه‌ای دلنشین وچشم‌گیر فرهنگ ایران باستان در مورد جشن نوروز-

چگونگی پیدایش ـ برگزاری ونگهداری آئینها وترتیبات آن است وسپس فلسفه وآئین‌و نیایش نوروزی که از دوران باستان بمارسیده بتفصیل وبانهایت دقت منعکس داشته است.

مجله امید ایران نیز مصاحبه‌ای ازاستاد دانشمند پورداود بعمل آورده وطی‌پرسش وپاسخی حقایق را برای خوانندگان مجله روشن نموده وچنین باظهار مطلب پرداخته :

« برای بسیاری ازجشنهای ما یك آغاز داستانی قائل شده‌اند ازجمله همین جشن‌سال نورا بجمشید که یکی از پادشاهان پیشدادی است نسبت داده‌اند همین پادشاه درهند در دین برهمنی ودرکتاب آنهاکه بنام وداست بنام جم خدای مرگ است و آنگاه اختراعات و اکتشافاتی که منتسب بجمشید است برشمرده وسپس بفلسفه مذهبی نوروز پرداخته و چنین بیان داشته‌اند درهمین جشن فروردین است که فره‌وشیها بروی زمین فرودمی‌آیندو بعقیده ایرانیان ده شبانه روز برای سرکشی بازماندگان خاندان دیرین مشغول میشوند . در جای دیگر برابر پرسش «عید نوروز فعلی جزو سنن ملی است یا بیشتر شکل عملی خود راحفظ کرده است چنین فرموده‌اند :

« نه بنظر من جزو همان سنن ملی است» و همچنین برابر سئوال آتش از نظر ایرانیان قدیم چه حرمتی داشته چنین توجیه فرموده‌اند :

« آتش درقدیم قبله‌ایرانیان بشمار میرفت ودرمیان‌عناصر اربعه مقام بسیارارجمندی داشت . در تمام معابد ایران همیشه آتش روشن بود ، ایرانیان آتش را نماینده فروغ آسمانی میدانستند .

مجله سپید وسیاه نیز چنین مینگارد (زرتشت پرسید ای اهورامزدا ای مینوی چرا ماه فروردین را بهتر وگرامی‌تر میداری ؟ اهورامزدا پاسخ داد درماه فروردین بود که جهانرا آفریدم وبجهانیان زندگی عطاکردم » ودر مقدمه چنین توضیح داده‌اند :

ترانه‌ها ـ آوازها ـ جشنها و از میان همه این بدایع جشن نوروز جانگشاتر و دلپذیرتر و باشکوه‌تر است ـ چه رازیست در این جشن بهاری که ازدو هزارسال پیش از میلاد تادوهزار سال بعد از میلاد مسیح تنها جشنی است که در تاریخ کهن جهان هنوز پا برجاست باوجودیکه حوادث بسیار دیده وترکتازیها وهجوم بیگانگان را تماشاکرده‌است درطول قرنهای بسیار این جشن نامهای گوناگونی پیداکرد .

نظیر جشن نوروز ـ جشن بهاری ـ جشن فروردین ـ بهارجشن وهرمز جشن اما هرچه بوده آغاز این جشن همواره هرمزد روز روز اولین فروردین‌ماه بوده‌است و سپس بتفصیل اصول و فلسفه برقراری نوروز را شرح داده و در پایان چنین توصیه نموده‌اند :

بقیه درصفحه ۵۰

بیانات افتخار آمیز حضرت رئیس جمهوری تونس در ضیافت اعلیحضرت همایون شاهنشاه

قبل ازهرچیز لازم میدانم سپاسگزاری خودرا از استقبال گرم و باشکوهی که ازما بعمل آمده است بآن اعلیحضرت وملتشان تقدیم دارم ونیز مایلم ازطرف خود وملت‌تونس احساسات قدردانی ومودت خودمان رابآن اعلیحضرت و ملت نجیب ایران عرضه دارم . در همین اولین تماس خود باسرزمین ایران بخوبی احساس میکنم که ازکشوریکه وارث یکی ازبزرگترین حیثیت‌های تاریخی جهان است بازدید مینمایم کشوری که‌سرچشمه‌اندیشه بشری وزادگاه تمدنی است که نفوذ معنوی آن عمیقاً درفلسفه وادبیات اسلامی اثربخشیده است کشوری که مدت زمانی مرکزثقل تمدن جهان وناظر یکی ازبزرگترین لحظات‌تاریخ بشری بود جای تعجب نیست اگر تاریخ جهان ایفای چنین نقشی رابعهده ایران گذاشته باشد زیرا ملت ایران درچهارراه تلاقی سرزمینها وفرهنگهای مختلف‌قرارگرفته‌ازدوران بسیارکهن توانسته است تمدنی را بوجودآورد که نبوغ آن هم شرق و هم غرب را تحت تأثیر خود قرارداده است . درپایان بیانات خودباز چنین فرمودند :

اعلیحضرتا ـ علیاحضرتا ـ خانمها وآقایان من بکشوربزرگ ایران که‌آنهمه‌تمدن وفرهنگ بشری را سیراب کرده است بملت پرافتخار ایران و بپادشاهی که قبلهٔ امید همه افراد ملت خویش است وخودرا سراسر وقف تأمین سعادت ملت کرده است از صمیم قلب درود میفرستم و سعادت و سلامت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی وعلیاحضرت شهبانوی ایران وترقی روزافزون ملت ایران را آرزومندم.

بمناسبت هفتادمین سال زندگی سرافراز و پر افتخار دوست سخن پرور و سخن گسترم جناب آقای **محمود فرخ خراسانی** سروده شد.

محمودی بختیاری

فرخ



بر تو خجسته فرخ آزاده آفرین
کت آستان سپهر زداید بآستین

ای سرفراز مرد که در گوهر و نژاد
هستی تو از تبار فریدون آبتین

زنهار گر ز تازی باشد ترا نشان
داری نشان ولیك زکاوس و کی پشین

در چهر ومهر گوی ربوده ز همگنان
در فر و نام ، نام گرفته بر استین

یار تو کیست ؟ آنکه کله‌سوده بر سپهر
خصم‌تو کیست؟ آنکه جبین‌سوده برزمین

کین از تو گشته لاغر مانند نیستی
چون‌هستی‌ازتو گشته، آزادگی،سمین

آزادهٔ را گرفته مهر تو در کنار
بیگانه را نشسته خشم تو در کمین

آنکس که باتو دوست،شکوفاوشادمان
وآنکس که‌باتوخصم‌دژم‌خوی‌ودل‌غمین

بالد بخویش آنکه‌توخواهی ورازمهر
نالد بدرد ، آنکه تو باشی ورا بکین

پژمرده ازتو چهره تازی و اهرمن
بشکفته از تو گلبن آئین راستین

پادافره رقیب بهجرش همی نشان
پاداشن حبیب به پهلوی او نشین

از آفرین تست سرافراز «مرزبان»
ای شادمانه ، ازتو ، دل این، فراز بین

از آفرین خلق نبالیده‌ام بخویش
بالم بخویش کز تو شنیده‌ستم آفرین

خوانندم ار سخنور آری سخنورم
کز خامه تو رفته این گفته ثمین



بقیه درصفحه ۵۰

اجرای مراسم سپاس و نیایش



انجمن زرتشتیان تهران درساعت پنج‌ونیم بعد از نیمروز پنجشنبه٤٤/۱/۲٦ باحضور گروه انبوهی ازهمکیشان در تالار خسروی آئین نیایش وسپاس را بشرح زیر بجا آوردند نخست آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن زرتشتیان وسناتور محترم سخنرانی‌جامعی بیان داشتندکه بااحساسات تجلیل آمیز حضار همواره مواجه بود .

آنگاه مراسم نیایش‌وسپاس توسط چهارنفر ازموبدان درحالیکه عموم‌بحالت‌احترام ودعا ایستاده بودند باآهنگ‌اوستائی اجراگردید وحضارنیز برابر آئین‌باستانی‌احترامات بایسته رابجای میآوردند .

پس ازپایان نیایش خوانی آقای موبدرستم شهزادی‌ترجمه پارسی نیایش وسپاس را درهمانحال‌که حضار درحال قیام واحترام ایستاده بودند قرائت نموده و در پایان بطور دسته جمعی ایدون باد ایدون تراج باد (برآورده شدن خواسته خودکه سلامتی‌وپایداری وجود شاهنشاه بیداربخت است) آرزونمودند.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس نیایش و سپاس که بمناسبت سلامتی ذات اقدس شاهنشاه دادگستر از سوی انجمن زرتشتیان در تالار خسروی برگزار گردید

همکیشان ارجمند بانوان و آقایان گرامی

اهورامزدای یکتا راسپاس وشکرگذاریم که همیشه شاهنشاه دادگستر ما را در پناه خود از هرحادثه سوئی پاسداری فرموده ووجود مقدسش راکه همواره منشأ خیروسعادت وموجب افتخار وسربلندی ملت ایران میباشد محفوظ داشته است.

درود وسپاس به اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی‌شاهنشاه بزرگ وخردمندی

که برای تأمین آسایش وآرامش مردم این‌کشور شبانه‌روز نیاسوده وآرمانش برسعادت و سرفرازی عموم ملت استوار است .

تجلیل وکرنش بپدر تاجداری‌که در پاسداری و احیاء میراث درخشان باستانی و سنتهای پرافتخار و تاریخی این‌کشورکهنسال ازهیچ‌کوششی نهراسیده و از بذل جان و مال هم دریغ نفرموده‌اند .

بپاس این سجایای ملکوتی و خصایل عالی‌معنوی وانسانی است‌که فردفردایرانیان برای سلامت وسعادت شاهنشاه عظیم‌الشأن خود همواره دست دعا بدرگاه خدای بزرگ دراز نموده و از دل وجان طول عمر وپایندگی سلطنتش را بافرو شکوه وجلال خواستار بوده وهستند.

ما زرتشتیان‌که شاهدوستی ومیهن پرستی جزء فریضه دینی وملی وباخون ماسرشته شده است درنماز روزانه خودضمن نیایش وستایش تندرستی ودیرزیوی و کامکاری شاهنشاه محبوب خودرا ازدرگاه اهورامزدا آرزو مینمائیم .

اینك نیز بپاس این موهبت بزرگ سپاس خدای را بجا میآوریم واز درگاه‌لایزالش خواستاریم‌که همواره وجود مقدس شاهنشاه بافر وداد ما را تندرست و شادکام و بآرمانش کامروا فرموده و دودمان پهلوی بزرگ و بویژه علیاحضرت شهبانوی نیکوکاروواالاحضرت ولایتعهد عظمی را درکنف حمایت وعنایت خود حفظ فرماید .

پروردگارا این آرزوی قلبی مارا برآورد فرما .

ترجمه نیایش و سپاس که توسط آقای موبد شهزادی قرائت گردید

پروردگارا شاهنشاه مارا نیرو و فیروزی ده – بپادشاهیشان پایندگی و کامروائی بخش . شهریار ما را با توانائی و خوشخوئی ودادگستری کامروا فرما – برشکوه و جلالشان بیفزا – بردشمنانشان چیره‌گردان – خداوندا بر پادشاه مارنج و سختی هموار نما تابتوانند بدخواهان وزشت خویان وبداندیشان رانابودکنند.

درود میفرستیم وآرزومندیم‌که شاهنشاه ما برهر مشکلی چیره آیند ودر هرنبردی بردشمنان پیروزگردند –کینه توزان‌وبدخواهان رابراندازند - پروردگارا از توخواهانیم که بداندیشان و بدکرداران از دورشان دورگردند – نیك‌اندیشان و نیك‌گفتاران و نیك کرداران پیوسته بآستانشان نزدیك باشند .

بقیه در صفحه ۲٦

متن سخنرانی دانشمند خاور شناس آلمانی پرفسور رامپیس که روز جمعه ششم آذر ٤۳ با آلمانی ایراد فرمودندو آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی آنرا به پارسی ترجمه نموده‌اند

زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

(بخش ۱)

اکنون ۱۰۵ سال از نخستین ترجمه علمی سرودهای آسمانی یا گاهان زردشت پیامبر میگذرد . این ترجمه از دانشمندی بنام م.هاوگ بود که بنیان کار خودرا برروی دستور زبان گذارده و بترجمه‌های پهلوی وروایات پارسی توجه نکرده بود.

تقریباً همزمان با او فر . شپیگل کوشش کرده بود در ترجمه‌های خودمیان روایات پارسی ودستور زبان سازشی برقرار کند لیکن بروایات بیشتر توجه کرده بود تا قواعد دستوری و درنتیجه تصویر دیگری از سرودهای گاهان بدست آمد .

کار جیمس دارمستتر مانند شپیگل بود با این فرق که بیش از شپیگل از روایات پارسی پیروی کرده بود. ترجمه‌های او بعدها اساس متن انگلیسی کتابهای مقدس شرق»(۱) شد .

در این میان کریستیان بارتلمه کار پژوهشهای اوستایی را تابدانجا پیش برد که ۶۰ سال پیش (۱۹۰٤) کتاب «واژه‌نامه ایران باستان»(۲)ویکسال پس ازاین ترجمه«گاهان» خودرا بآلمانی زیرعنوان «پندهای منظوم زردشت» (۳)منتشر کرد ، آثاری که حتی‌امروز هم با همهٔ نقصهائی که بحق برآن وارد است ، بنیان استوار برای هر گونه بررسی علمی سرودهای آسمانی پیمبر ایرانی است . با اینکه ممکن است برای هر یك از واژه‌ها ، یا

۱ – The Sacred Books of the East
۲ – Ah iranisches Wortebuch
۳ – Zarthustra's Verspredigten

اصطلاحات متن اصلی غالباً یك معنای دیگری پیشنهاد کرد ، بازهم نباید اظهار نظرهای اورا ندیده گرفت ، هرچند آنها امروز مردود وغیرعلمی باشند.

باین ترتیب این دو کتاب همچون «دوستون ساختمانی» پژوهشهای اوستایی و گاهانی اروپائیان قرار گرفت ، زیرا بنیان بررسی‌های متنهای گاهانی از آندرآس ـ واگرناگل و ه . لومل و مطالعات ك . ف . گلدنر چاپ کنندهٔ متن اوستا همگی بر اطلاعات بارتلمه استوار شده بود وهیچگونه مطلب تازه دیگری بیان نکرده بودند .

تنها یوه . هرتل کوشیده بود که با اثر خود بنام «آئین روشنائی و آتش»(۱) به ـ گاهان زردشت وجهه دیگری بدهد ولی وی در این کار زیاده روی کرده بود بطوریکه گذشته از چندتن دانشمندان آشنا بمتن سرودهای گاهان برای دیگران مطالبی بیسرو ته ازهم گسیخته و بی‌نظم وقافیه شده بود که هیچگونه بگفتار پیغمبران مانندگی نداشت .

همچنین متن ترجمه انگلیسی گاهان توسط ماریا ویلکسن‌سمیت (۱۹۲۹) که‌ازنظر زبانشناسی مورد توجه بوده چیزتازه‌ای دربارهٔ زردشت و آموزش او همراه نداشت . چه این اثر فقط درهمان چهارچوب توجیهات وتعبیرات معانی‌که بارتلمه درکتاب «واژه‌نامهٔ ایران باستان» خود نوشته بود مانده بود .

در سال ۱۹۳۰ لومـل درکتاب خـود بنام « دین زردشت از روی اوستا» وصف منظمی از تعالیم آموزشی زردشت پیامبر بزرگ کرد . بدبختانه در این نظم ترتیب‌زمانی وتاریخی رعایت نشده بود . بلکه فقط یکبار این موضوع را از گذشته عقب بجلو مرور کرده ویکبار هم ازنظر چگونگی سـالمر زردشت بررسی‌کرده بود. ترجمه‌های گاهان او که چند سال پس ازآن چاپ شد واصل وبنیادکتاب تاریخ ادیان او را میساخت هیچگونه نظر تازه‌ای عرضه نکرد و چنانکه درمقاله‌اش درسال ۱۹۳۱ نوشت « زردشت یك‌روستائی بود » .

نخستین کسی‌که با مکتب بارتلمه بمخالفت برخاست ه . س . نوبرگ بود که در کتاب خود بنام «دینهای ایران باستان» که در ۱۹۳۸ بزبان آلمانی منتشر شد بانظرهای خود در بارهٔ پیامبر وبنیاد دین او توجه شایانی جلب کرد و زردشت رایك پیشوای شمن معرفی کرد وگروه گاهانی را در برابر گروه میترائی نهاد.

ولی درجزئیات مسئله وهمچنین دربارهٔ نقل وروایت سخنان آلمانی گاهان‌زردشت وکهنگی وقدمت زبان گاهان درمیای زبانهای آریائی اندیشه‌های کاملا درستی اظهارکرد. ازاین گذشته خود پاره‌ای ازقسمتهای سرودهای گاهانی را دقیق‌تر از بارتلمه وپیشینیانش

۱ - Licht und Feuerlehre

فهمیده بود ولی همه وقت نتیجه‌های درست از این دانشهای تازه‌تر و بهتر نگرفت زیرا «فرضیه‌ی شمن‌ها ومیترا» مانع از دید بیطرفانه او بود. اگر کتاب وی تمام پژوهشهای اوستائی تا آن تاریخ برهم نزد وشور و غوغائی بپا نکرد گناه جنگ جهانی دوم بود ؛ در کلیات و اصول شاگردان مستقیم او گ . ویدن گرن و ست . ویکاندر پیـرو روش او می باشند.

پس از جنگ جهانی گذشته ، همینکه جوانان از جبهه‌های جنك بازگشتند ودوباره بدانشگاه رفتند ، انتقاد عمومی در تمام آنچه‌که تا آن تاریخ نوشته شده بود حتی نکته گیری بآن دو «ستون ساختمان‌ایرانشناسی» بارتلمه: نکته‌گیری «واژه‌نامهٔ ایران‌باستان» ودستورزبان اوستا ، چنانکه شاگرد بارتلمه در «کتاب مقدماتی برای اوستا» شرح داده بود آغاز شد . ازآن سو باصطلاح «مکتب مونیخ» توسط کارل‌هوفمان وشاگردش ه.هومباخ ازیك سو ومن ازطرف دیگر بترجمه وبرگرداندن گاهان بزبان آلمانی ادامه‌دادیم.

همین کار ترجمه‌که با محدودیت وسائل‌آنروزی‌صورت گرفت‌باکمال وضوح گرفتاری دور و تسلسل را آشکار ساخت : اگر انسان واژه‌نامهٔ بارتلمه را مورد استفاده‌قرارمیداد ناچار میشد همان قواعد ودستوری راکه او وضع کرده بود بپذیرد در صورتیکه از طرف دیگر ژرف‌بینی بارتلمه وترجمه دقیق وی ازگاهان موجب‌شك وتردید فراوانی دردرستی این ترجمه‌ها شده بود پس با این ترتیب یك ایران شناس میبایست این کار را دوباره از آنجا آغاز میکردکه یکروز م .هاوگ آنجا متوقف شده بود ، یعنی نه‌بدنبال بارتلمه‌بلکه همگام بااو واژه‌ها ومعانی آنهارا بایست درگاهان بررسی‌کرد. البته برای‌کمك واطمینان ازنتیجه کار میتوانست یا ممکن بود از آثار بارتلمه استفاده‌کرد.

بدینگونه روش کار هومباخ بوجود آمدکه سرانجام در سال ۱۹۵۹ گزارش تازه‌ای ازگاهان زرتشت‌که حاصل پژوهشهای‌گوناگون او بود بخوانندگان عرضه شد . (نخست، در آغاز جوانی ، وی میپنداشت‌که ترجمه‌گاهان را دریکسال میتواند بسرآرد، ولی این کار به۹ سال‌کشید) . اینست روش کار او وهمچنین روش‌کار من ، جز اینکه من‌پرگمانتر وبا احتیاط بیشترپیش میروم و تاکنون چند نمونهٔ اندك بصورت آزمایش ازاین‌ترجمه‌ها منتشرکرده‌ام‌که‌بیشتر آنها درکارپایان نامهٔ آقای دکترسیف‌الدین‌نجم‌آبادی‌که زیرعنوان «جهان دیگر نزد زردشت ـ توبینگن۱۹۵۶» نقل شده است.

بقیه در صفحه۵۳

گزارشی از برگزاری جشن زایش اشو زرتشت

ششم فروردین بنا بسنت دیرین که بمناسبت زایش اشوزرتشت وبرگزیده شدن آن پیامبر بزرگ بپیامبری روزی بزرگ و بلندپایه دانسته شده و از دیرزمان آئینهای دینی وجشنهای شادی‌افزا بر پامیگردد و حتی این روز را نوروز شاهنشاهی و نوروز بزرگ خوانده‌اند .

خوشبختانه زرتشتیان ایران وجهان نیز درحال حاضر در اینروز جشنهای شایسته وآئینهای بایسته دینی برپا میدارند وبشادی ونیایش میپردازند .

برابر گزارشهای‌رسیده درتمام شهرستانها ودهات‌زرتشتی‌نشین یزد ـ اهواز‌ـشیراز کرمان ـ اصفهان ـ یزد و زاهدان مجالس جشن و آئینهای مذهبی بر پـا گشته وضمن نیایش خوانی باسخنرانیهای سودمند شنوندگان را ارشاد نموده‌اند.



صحنه‌ای از برنامه موسیقی جوانان سازمان فروهر

در تهران از طرف انجمن زرتشتیان از ساعت چهار بعد از نیم‌ـروز جمعه ششم فروردین در تالار خسروی مراسم نیایش‌خوانی وسدره‌پوشی بر پا گردید که در آن گروهی ازهمکیشان شرکت‌جستند و ازسخنرانی سودمند موبد دانشمند آقای‌رستم شهزادی‌استفاده نمودند .

سازمان فره‌وهر جوانان زرتشتی نیز سه‌شب متوالی (۷ر۶و۵) فروردین در تالار دبستان گیو بابرنامه‌های سرگرم کننده وآبرومند جشن برپا داشتند که هر شب متجاوز از پانصدنفردرآن‌حضور یافته وبااستفاده‌ازسخنرانی‌ومشاهده برنامه‌های هنری ونمایش‌تاریخی





وکمدی ـ برگذارکنندگان وگردانندگان آنرا تشویق وتجلیل مینمودند .

پس ازبیان خیر مقدس وگزارش مختصری ازکوششهای سازمان توسط آقای خسرو باستانی موبد دانشمند آقای فیروز آذرگشسب در شبهای پنجم و هفتم سخنرانی جالبی ایراد نمودندکه از هرجهت آموزنده بود .

فرزانه دانشمند آقای دکتر بوذرجمهر مهر نیز به میمنت چنین روز بزرگ در شب ششم با بیانات دل انگیز ومطالبی گلچین از اوستاد وچکامه‌هائی ازشعرا شنوندگان‌را مستفیض نمودند.

آقای محمودی بختیاری نیز باسخنان آتشین وچکامه‌ای شورانگیزکه خود سروده بودند حضار راسخت تحت تأثیر بیانات خودقراردادند .

برنامه‌های موسیقی وهنری جوانان نیز جالب بود . نمایش بیژن ومنیژه اقتباس‌از شاهنامه بابهترین وجهی بروی صحنه آورده بودند در این نمایش تمام هنرپیشگان اززن ومرد نقش خود راباستادی ایفانمودندکه از هرجهت سزاوار ستایش است .

نمایش کمدی قهوه‌خانه مشهدی صفر نیز برای بینندگان بشاشت خاطری ایجاد نمود. زحمات هیئت مدیره سازمان فره‌وهر و جوانان باذوق وکوشای ما درخورتحسین وتقدیر است و امیدواریم این سازمان‌که در انجام وظیفه اجتماعی‌خود شاهد موفقیت‌بوده درآینده نیز درانجام برنامه‌های خودکامروا باشند .

بقیه سپاس و نیایش

آرزومندیم‌که نیکانرا پاداش نیك بخشند وبدان را بکیفر بد خود رسانند ـ فریب دهندگان وکژمنشان را نابود سازند.

پروردگارا زندگی شاهنشاه مارا درازدار . برآرمانشان کامروا فرما .

پادشاه ما را دوستدار نیکوکاران و دشمن بدکاران ساز . باشد که نیك‌نـامیشان جاودان گردد .

خداوندا از توخواستاریم‌که بهترین زندگانی وشادکامی بانیروی پاکی وراستی و پارسائی بشاهنشاه ارزانی‌گردد ـ پروردگارا ازتو خواهانیم که آرزوی ما را برآورده فرمائی . ایدون باد ایدون‌تراج باد.

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل‌کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله بآدرس‌جدیدآنهافرستاده‌شود

سخنرانی دانشمند جوان آقای محمودی بختیاری در جشن زایش اشو زرتشت

بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
شما را در جهان هرروز جشنی باد و نوروزی

ازاینکه مجالی یافتم تا دراین روزخجسته باشما سخنی بگویم وشادباشهای قلبی خود راپیشکشتان کنم خوشوقت و سرافرازم وبدینوسیله نوروز آرنك فروغمند فرهنك ایران‌زمین و یادگار ورجاوند نیاکان هنرآفرین رابشما عزیزانم شادباش میگویم . و آرزودارم که سال نورا باخوشی و شادمانی بسر برید . برای ما ایرانیان وجودجشنهائی چون نوروز که مانند دیگر سنتهای ملی دارای فلسفه شگرف انسانی است درخورواهمیت است فرهنك هرملتی رابـاید ازروی سنتها و شیوه‌های زندگی آن ملت شناخت . جشن ملی وعید رسمی ایرانیان نوروز است بررسی اندکی پیرامون همین جشن هرآدم روشن‌بین را در برابر شکوه و ژرفای فرهنك ایرانی بکرنش وامیدارد. ازروزگاران دیرین ملت ایران بشناخت کیهان وپیوندزمین وآسمان توجه داشت.وآنگاه که خورشید ازشاخ گاو به شاخ بره میگراید (ازبرج ثور به برج حمل میرود) و اندازه‌روزوشب برابرمیگردد و هواملایم‌میشود وخورشید باوج خود میرسد سال‌نو ایرانیان آغازمیشده دراین هنگام نقاب خاك از چهره گلها و گیاهان برافکنده میگردد و طبیعت جوانی وزیبائی ودلفریبی خود را ازسرمیگیرد برای ماایرانیان نوروز وآغاز بهار دوجشن‌است یکی آغازسال نو وزیبائی طبیعت ودیگری پیدایش شخصی ارجمند که جهان مردمی باو میبالد و از فرای روشنش اندیشه و خرد بجهان سایه‌افکن گشت . زرتشت وخشوربزرك آریان و پیام‌آور خردمند ایران نمودار انسان‌کامل و اندیشمند بودآیین‌فرخنده‌اش برپایه منش وگفتار وکردارنیك استوار است. وآدمی از فروغ اندیشه‌اش براهریمن تیرگی و اندوه وویرانی چیره گشت . و از آنجاکه آدمی گرامی‌ترین موجود است و هستی‌بوجود اووابسته است وبکمك اندیشه و خرد هر دشواری راآسان‌ساخته وهرناچیزراچیز کرده و درخورستایش ونیایش میباشدناچارزرتشت که نمونه کامل این موجود است ستایش را درخور است و نیایش را سزاوار است . من در اینجا چکامه‌ای که بهمین‌مناسبت ساخته‌ام تاآنجاکه حافظه‌یاری کند دروصف او میخوانم .

ای افسر بهاره ای مـاه فـرودین
ای روشنی‌فزا ، ای شادی‌آفـرین
ای از توروزگار فرخنده‌چون‌بهار
وی از تو زندگی شیرین ودلنشین
هنگام دلکشت زاد و پدیـدگشت
وخشور سرفـراز آیین راستین
خرم شدی از آنك خندید بررخت
زرتشت نامـدار وخشور بافـرین
زرتشت نامـدار آن‌کز فـروغ او
گسترده گشت مهرافسرده گشت کین
از رای روشنش شد راستی پدیـد
و از فـر بهمنش شد بـارور زمین

***

ای فام تو روان همدوش با زمـان
وی مهرتو بجان چون‌نقش برنگین
شد از تو مرز جـم زیباتر از ارم
شد سنك چون گهر شد زهرانگین
مهراست وکینه‌است بازیگران دهر
شد فربه از توآن شد لاغر،ازتواین
ای روز زایشت جشن جهـانیان
وی رای روشنت‌بنیـان داد و دین
تا دیده برجهان بگشودی از نهان
بد خنده‌ـات روان از لعل شکرین
با دانش و خرد همزاد و همدمی
بالـد بتو همان نـازد بتو همین
هنگام زایشت نـاهید بـر سپهر
بیرون کند برقص دستی ز آستین
ایران چو مینوان ما ناد جاودان
سرسبز باد و خوش هربام وهرپسین
کش رهبرآمدی از سوی اورمزد
کش زیور آمـدی از فـر آبتین

بی‌شك ارزش ملتها بستگی بچهره‌های درخشان مردان خـردمند و اندیشمند آن دارد. وآن‌فرهنگی سروری‌وبرتری داردکه پی گیروبی‌دنبال شودوگسست‌درهرزمان ودوره ازاین چهره‌های درخشان ببیند فرهنگهایی‌که تنها یك دوره درخشان دارند. نمیتواند استوار بخودبوده باشد وبی‌شك ازسرچشمه دیگری سیرآب گشته اما فرهنك ایران زمین تاآنجاکه سند داریم ازروزگـار زرتشت تـاکنون خالـی ازاین‌چهره‌های درخشان نبوده است و درهرروزگاری یکی ازاین اختران تابناك درخشیده است . فـردوسی - خیام - حافظ نمونه‌های‌آن میباشند . و سنتهای بجامانده‌گواه ریشه‌داری و پرمایگی این فرهنك است . اما دراین جشن نمی‌خواهم بسخنرانی بپردازم و دراین زمینه سخن بگویم . تنها میخواهم شما رابازیبائی‌های بهار وارزش‌این‌فرهنك نامدار و سنتهای ریشه‌دارآن آشناسازم ایرانی هرچه را ستوده ستودنی‌بوده است. و هرچه رانکوهیده زشت ونازیبا بوده است .

من بامداد روز پنجم فرودین‌که بتهران‌رسیدم . بردامنه سپهر وستیغ‌البرزتابش‌خورشید نگریستم‌آشوبی درخود پدیداردیدم‌ودلباخته این همه زیبائی گشتم بربام‌برآمدم ،خورشید ازپشت‌کوه بالامیآمد و پرتوهای‌زرین و دلفریب خود را برتیغه برف‌آلود وسرافرازالبرز

میپاشید آنچنان باشکوه وورجاوند بود که بی‌اختیار در برابرش زانو زدم و نیایشش کردم و بیاد چکامه بهار افتادم که فرمود :

صبحدم ست و گلان دیده گمارند بخورشید — چون پیش بت نوش لبی شیفته یی چند

باخود گفتم پس:

ما نیز نیایش برخورشید گزاریم — خوشا که نیایش برخورشید گزارند
آنگه که برون آید و از اوج بتابد — آنگاه که پنهان شود اندرپس الوند

این دورنمای زیبا را بفال نیك گرفتم و ضمن نیایش خورشید گفتم.

آباد شود بار دگر کشور دارا — وآراسته گردند و به‌اندام وخوشایند
آن طاق که‌شدساخته‌درساحل دجله — وآن کاخ که‌شدسوخته دردامن سیوند
هرشهرشود کشوروهرقریه شودشهر — هرسنك‌شود گوهر و هر زهرشودقند
دیگردر غلطان‌رسدازخطه بحرین — دیگر زررویان رسد ازکوه سگاوند
باردگر افتد بسر این‌قوم کهن را — آن‌فخر کزاجدادقدیم‌است پس‌افکند
آن دیو کجاکارش پیوسته دروغست — از مرزکیان برگسلد بویه وپیوند

من این سال‌نورا با اینهمه زیبائی و دلفریبی که درپیشانی دارد و یقین دارم بدینستان زیبا و پر بار وخرم دنبال خواهد شد سال به‌روزی وپیروزی‌وشادکامی وخوشی برای ملت ایران میدانم و میخواهم. دراین‌سال آرزودارم که فره‌ایزدی یارمند و طبیعت دلپسند درشادمانی ونعمت رابروی مردم ایران بگشاید ونیروی‌تلاش وکوشش آنان را بیفزاید تا براهرمن سستی وتبهکاری وتنبلی وبیماری چیره گردند و بدانسانکه‌دودمانهای ایرانی هنگام فرارسیدن نوروزخانه‌تکانی میکنند وگردهای‌سال کهنه را ازچهره‌خانه‌ومانه خودمیزدایندا‌ین‌مردم‌رنجدیده وستمکشیده وبیگانه زده رابخودآردتاگردانده وسستی را ازخود دورکنند وبانیرویی شگرف ودلی شاد واندیشه‌یی‌آماده وروشن راه سرافرازی و آزادگی راپیش‌گیرند . برای‌اینکه سخن خود راباخوشی بانجام‌برسانم ناگزیرم که مانند همیشه باسخن‌آسمانی حافظ که ازجان و خرد بنیادگرفته گفتارم را خوش فرجام سازم. این‌غزل راکه‌گوئی گزارشی‌ازیك بندگاهان مینویست وآهنك جان ودل من است در نظر آورده‌ام . پس توای دوست من:

بیا تا گل برافشانیم و می‌درساغراندازیم — بساط کهنه برچینیم‌وطرحی نو دراندازیم
شراب ارغوانی‌راگلاب اندرقدح ریزیم — نسیم‌عطر گردان‌راشکر درمجمر اندازیم

بقیه درصفحه ۳۵

از : حبیب‌الله آموزگار

یزدان - اهریمن - زروان - روزگار



مدیر محترم مجلهٔ سودمند «هوخت» مقالهٔ بسیار آموزنده و تاریخی آقای موبد رستم شهزادی که بمناسبت روزدرگذشت اشوزرتشت سخنرانی کرده‌اند درشمارهٔ ۱۲ سال ۴۳ بدقت مطالعه و استفاده تاریخی کردم - چون نگارنده بآثار تاریخی میهن عزیز (مانند دیگر میهن دوستان وحقشناسان) علاقه زیاد دارم این است که گاه گاهی بمناسبتی مزاحم شده وچندکلمه‌ای درستونهای مجله مینگارم اینك چندکلمه :

۱ - درقسمت زروانیان که موبد دانشمند باآن بیان شیوا ومستدل شرح داده‌اند اگر بجای (زمان) در ترجمه یا تفسیر (زروان) کلمه (روزگار) بود شاید مناسبتر می بود زیرا روزگار اعم از زمان وغیرزمان است - خاصه که نویسنده محترم باستناد آیات قرآن و حدیث کلمه (دهر) بعنوان ترجمهٔ عربی آن نوشته‌اند و درست وبجاهم نوشته‌اند زیرا معنی تمام کامل (دهر) روزگار است !

۲ - درذکر حدیث منسوب به‌پیغمبر اسلام ، ظاهراً اهل حدیث! لاتسبوالدهر فانه هوالله است نه (فان‌الله هوالدهر) زیرا بمعنی اول ، دهر خدا است و این‌بدان معنی‌است که طبیعت وروزگار وبالاخره هرچه هست ونیست خدا است واین معنی باعرفان‌وحقیقت خداشناسی واینکه نیست خدائی جزاو وهرچه هست‌او است بهتر وفق میدهد - ولی بمعنی دوم علاوه برآنکه برخلاف ظاهر حدیث است ، روزگار راشناسانندهٔ خدامی‌داند نه‌خدا راشناسانده وآفرینندهٔ روزگار !!

چون سخنران محترم احاطه برکتابهای مربوط بآئین زرتشتی و یکتا شناسی دارند - اگر لطفاً توضیح دهندکه کلمه (یزدان) که بعضی جمع (ایزد) میدانندکه در استعمال الف حذف شده و بعضی مشتق از (مزدا) می دانند - ازچه وقت ودرچه وقت و در چه مورد درآئین‌زرتشتی استعمال‌شده وبمعنی (سپنتامینو) آمده ، چون در تمام تعبیرهای مقالات‌این مجله‌راجع

به فرشتهٔ نیکی و بدی یا نور وظلمت همه جا دربرابر (اهریمن) اهورامزدا نوشته شده در صورتیکه اهورامزدا خدای یگانه است وفوق همه وخارج از ردیف مخلوقات است .

٤ ـ درصورتیکه (یزدان) در اصل جمع (ایزد) بوده اساساً کلمهٔ (ایزد) کی وکجا بمعنی (سپنتامینو) استعمال شده درصورتیکه تاکنون آنچه درکتابهای نظم‌ونثر فارسی‌دیده شده‌کلمهٔ (ایزد) برای خداوند و بمعنی (اهورامزدا) استعمال‌کرده‌اند ؟چنانکه کلمهٔ (ایزد متعال) از بهترین تعبیر ادبی برای نام‌خداوند شناخته است.

در هرصورت هرگاه معنی اصلی این دوکلمه (یزدان ـ ایزد) ومحل استعمال‌آن‌در کتابهای دینی زرتشت روشن‌گردد و دربرابرکلمهٔ اهریمن‌که تاکنون کلمه (یزدان) بـکار برده‌اند درست و بجا باشد دراین‌صورت دربرابر اهریمن (که انگره مینو یعنی آفریده ذات بد است) نباید اهورمزداکه آفرینندهٔ همه نیك‌ها و بدها است بکار برد بلکه همان جملهٔ متداول (یزدان واهریمن) بایدگفت ونوشت بویژه اگر فلسفه و شأن آنهـم بهتر معلوم‌گردد .

در خاتمه از اینکه‌گاه‌گاهی چند سطری جای آن مجله سودمند رامی‌گیرم پوزش می‌خواهم چون منظورم بهتر روشن شدن اذهان و افکار عامه نسبت بنامهای مقدس‌خداوند یکتا وفرشتگان مقرب ومقدس او ونامهای نامبارك شیطان ودیوان وبدکاران است تابرای جویندگان راه حقیقت چراغی فراراه باشد و درزبان پاك ومقدس فارسی آن‌کلمات بجا و بمورد استعمال شود.

هوخت ـ چنانچه در مقاله‌ای اهورامزدا برابر اهریمن قرار داده شده باشند ناشی از اشتباه بوده حال آنکه‌ازطرف نویسندگان این مجله برای‌رفع این اشتباه‌مقالات مفصلی انتشار داده وابهام آن روشن‌گشته است اما بامطالعه دقیقی‌که شده است حتی‌کلمه یزدان‌که بمعنای ستایش سزایان (یانیکان) است در برابر اهریمن قرار دادن هم درست نیست بلکه در برابر واژه اهریمن‌که بمعنی بداندیشی است واژهٔ وهومن که نیك اندیشی معنی میدهد شایسته است .

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

اعطای عنوان دکترای افتخاری دانشگاه رم بجناب آقای شجاع‌الدین شفا



جناب آقای شجاع‌الدین شفا رایزن فرهنگی دربار معظم شاهنشاهی که از چهره‌های درخشان واز خدمتگذاران فرهنگی وانتشاراتی این کشور بشمار می‌آید مقرر است دانشگاه بزرگ ومشهور رم عنوان دکترای افتخاری ادبیات را به معزی‌الیه اهدا نماید.

آنان که به ابتکارات وخدمات فرهنگی و مشاغل مختلف اجتماعی آقای شفا آشنائی دارند تصمیم دانشگاه رم رایك امر شایسته وقدردانی بموردی میدانند.

ازین جهت ضمن ستایش از اقدام بموقع دانشگاه رم این موفقیت را بآقای شفا شادباش میگوئیم.

خلاصه‌ای از یک نامه

نامه‌ای از آقای جهانگیر شاهد که درخلال آن معرف نویسنده‌ای بااحساسات‌است بدفتر مجله رسیده که در ضمن خورده گیری از بیعلاقگی افراد اجتماع پیشنهاداتی هم داده اند .

مثلا نوشته‌اندکه چرا در جلسات سخنرانی‌ها نباید بیش از ۸۰ تاصدنفر حضوریابند یا آنکه چرا انجمن زرتشتیان وسازمان فروهر بر علیه برخی نشریه‌های زیان‌آور به ـ مبارزه نمی‌پردازند و اگر جز این باشد چه نیازی باین تشکیلات است و ضمناً در تحت پنج ماده پیشنهاداتی داده‌اندکه بیشتر بشعار شبیه است تایك پیشنهاد .»

ماده اول چنین است :اجتماع بیشتر برای تمرکز افکار مختلف و ریختن صوتهای حرف‌مانند درمیدان . ماده بعدی راجع بتبلیغ بیشتر است اما نه تبلیغ‌دینی . ماده‌سوم ـ بثمر رسانیدن پیشنهادات افراد. ماده چهارم شوق بیشتر برای راه بهتر وبالاخره درماده پنجم نوشته‌اند زنده باشیم زنده دینی و اجتماعی و آنگاه خواهران و برادران خود را اندرز داده‌اندکه سستی و بیعلاقگی رابدور کرده برای زیست بهتر وهمبستگی هر چه‌بیشتر بکوشند .

هوخت ـ آقای شاهد چنانچه بجلسات‌سخنرانی‌های معمولی‌سازمانهای‌دیگرهم سری بزنند خواهند دیدکه آنجاها هم عده‌ای بیش ازپنجاه نفر نیستند ـ راجع بمبارزه بانشریه‌های زیان‌آور طرق مختلف دارد بخصوص هنگامیکه مقررات خاصی وجود ندارد یعنی‌آنگاه‌که مبارزه مستقیم میسر نباشد مصلحت آنست‌که ازطریق غیر مستقیم وباانتشارات سودمند بمقابله برخاست آنچنانکه تابحال هم شده است.

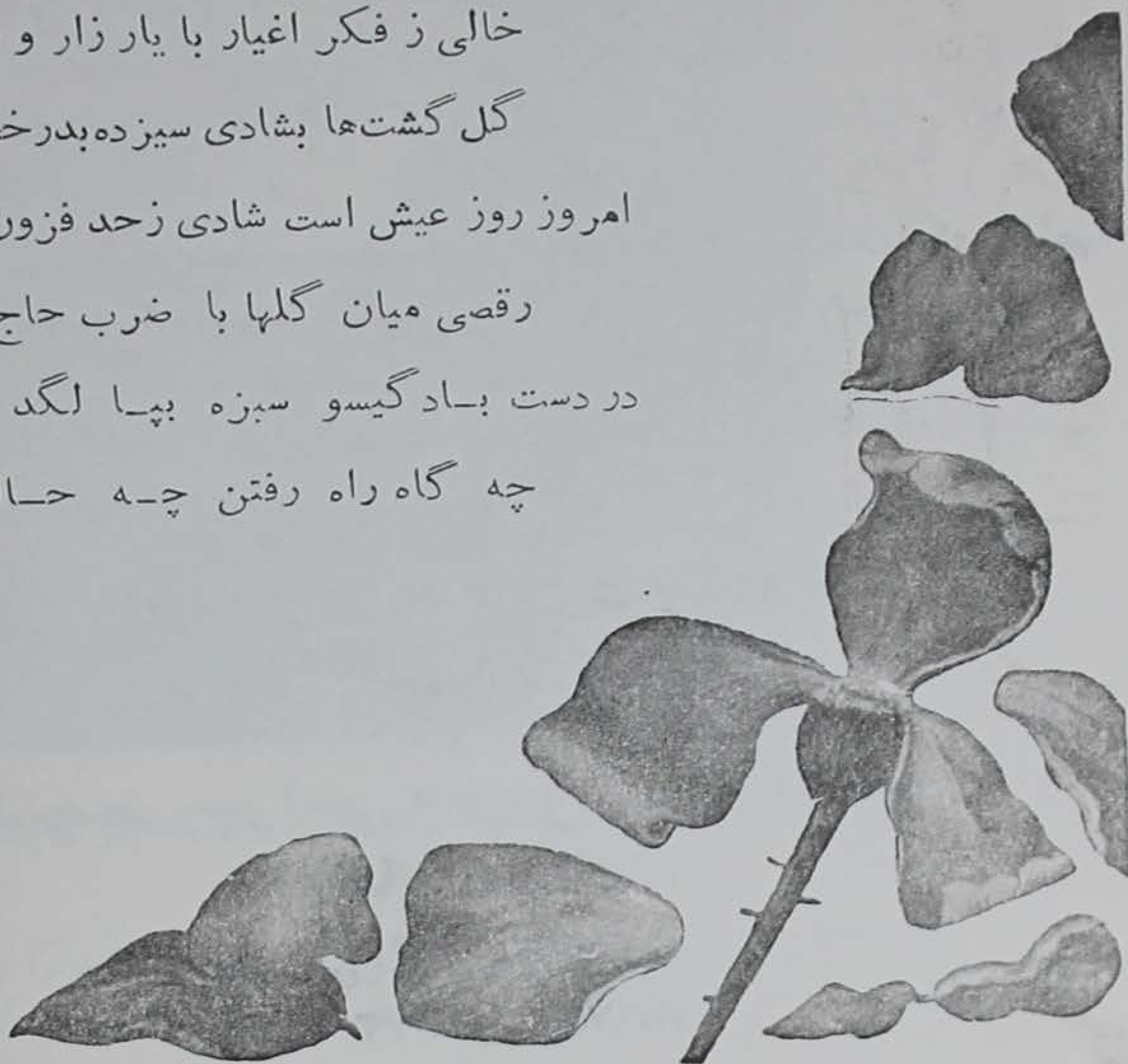
از : گودرز فرامرزی

سیزده بدر

سیزده بدر کن امروز ای‌سرو ناز رسته سیزده ندارد عیبی ما کرده‌ایم گجسته
بر طرف باغ وصحرا هر جا که سبزه بسته آهنگ آنمحل کن باساك وبار بسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدر خجسته

ای بیوفا جفا جو امروز را صفا کن ما را بگوشه دنجی از بندغم رها کن
گاهی گره بسبزه گاهی ززلف وا کن گاهی نمك پرانی از آن دولعل پسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدر خجسته

امروز روز عیش است شادی زحد فزون کن
رقصی میان گلها با ضرب حاج صمد کن
در دست باد گیسو سبزه بپا لگد کن
چه گاه راه رفتن چه حالت نشسته





خالی زفکر اغیار بایار
زار و خسته
گل گشت هـا بشادی
سیزده بدر خجسته

در زیر ارغوان جامی زان جام ارغوانی
لبریز ساغـرم ده چندانکـه میتوانـی
وز لعل ارغوانت آهنگ خسروانـی
گاهی درارغنون چنگ یاد ازدل شـکسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدرخجسته

در آن میانه گودرز گـر میکند تقاضا
راك اندرول یار است از می فقط تمـاشا
هر چه ز دوست اصرار ما در مقام حاشا
چون دور دور ما شد مینای می شکسته
خالی ز فکر اغیار با یار زار و خسته
گل گشت‌ها بشادی سیزده بدر خجسته

بقیه سخنرانی محمودی بختیاری

چو دردست است رودی خوش بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبـان سراندازیـم
بهشت عـدن اگـرخـواهی بیا بـا مـا بـه میخانـه
که از پـای خمت یکسر بحوض کـوثـر انـدازیـم
اگـر غم لشگر انگیزد کـه خـون عـاشقان ریـزد
من و ساقـی بهـم سازیم و بنیادش بـرانـدازیـم

پاینده ایران

ترجمه : دکتر فرهاد آبادانی

چند اندرز از پیشینیان

« متنی که ترجمهٔ آن درزیر بنظر خوانندگان ارجمند میرسد نمونهٔ
« دیگری از ادبیات پهلوی است که متضمن انـدرزی چند است و
« امید است که اینگونه ترجمه‌ها توجه جوانان مارا بسوی ادبیات
« ایران باستان که منبعی سرشار است جلب نماید وآنچه خوددارند
« از دیگران تمنا ننمایند . بگمان مترجم این بهترین هدیه‌ایست
« که میتواند در این سال نو بهم‌میهنان خود تقدیم کند. باشد که
« قبول افتد .

اینك ترجمهٔ اندرزها :

بنام یزدان

ـ بدرد است (آن) که خرد ندارد .

ـ رنجور است (آن) که زن ندارد .

ـ بی نام است (آن) که فرزند ندارد.

ـ بی ارزش است (آنکه) خواسته ندارد.

ـ از این همه او بدتر (است) کـه روان فرجامید (= انجام یافت)

***

بنام یزدان

ـ دانائی را تای (= مثل و مانند وهمتا) نیست .

ـ رشک را نام نیست .

ـ گیتی را پایش (= پایندگی و دوام) نیست .

ـ جوانی را نازش (= بالیدن و مغرور بودن) نیست .

ـ خواسته (= مال وثروت) را برزش (= قدر وقیمت) نیست .

ـ زنگی را رامش (= آرامش) نیست.

ـ زروان (= پیری) رادرمان(=چاره) نیست.

ـ مرگ را چاره نیست .

ـ زنان را خرد نیست .

ـ خدای را انباز (= شریك) نیست.

ـ واز همه او بدتر که بمیرد وخدای ازاو خوشنود نیست وهرکه خدای از اوخوشنودنیست او را اندر بهشت بامی (=روشن) جای نیست.

فرجامید (= پایان یافت) بدرود وشادی و رامشن .

اخبـار مـاه

از قصر همایونی	شماره قبض	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به ط	۱۱۵٤	۲٦	۱/۲٦

باسخ ۱۲۰ ـ ٤٤/۱/۲٤

آقای رستم گیو سناتور

تلگراف تبریکی که بشکرانه سلامت ذات مقدس ملوکانه مخابره نموده بودید موجب مسرت وخرسندی خاطر خطیر شاهانه گردید .

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ هیراد

پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی
شاهنشاه عظیم الشأن ایران

شاهنشاها خدای بزرگ را سپاس وشکر گزاریم که عنایت و رحمتش همیشه شامل اعلیحضرت همایون شاهنشاه پدر تاجدار بوده و شهریار والاتبار و محبوب عزیز مـا را را همواره در کنف حمایت و عنایت خود حفظ میفرمایند . از اینرو با اظهار انزجار و نفرت ازسوء قصد خائنانه عنصری پلید وناپاك ، پایندگی ذات اقدس شاهنشاه راازیزدان پاك درخواست دارد.

ازسوی انجمن زرتشتیان

بنمایندگی جماعت زرتشتیان ایران

چاکر جان‌نثار ـ سناتور رستم گیو

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای شاهرخ سروشیانی فرزند آقای سهراب بادوشیزه مهرانگیز سروشیان دخت آقای اسکندر در ٤٤/۱/۸

۲ ـ آقای داریوش دانشفر فرزند آقای رستم بادوشیزه مهین بانوکاوسی دخت آقای مهربان در ٤٤/۱/۹

۳ ـ آقای منوچهر نمیریان فرزند آقای

پرویز بادوشیزه دولت سلامتی دخت آقای خداداد در ۴۴/۱/۱۵

درگذشت

۱ ـ روانشاد مروارید نوشیروان منکچیان شریف آباد در ۴۳/۱۲/۲۶

۲ ـ روانشاد سهراب دینیارخانی زاده در ۴۴/۱/۲

۳ ـ روانشاد دولت خدابخش کاوسی در ۴۴/۱/۱۴

۴ ـ روانشاد اردشیر رستم فروهر در ۴۴/۱/۲۲ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد.

سدره پوشی

۱ ـ آقای شهریار اردشیر خورسند در ۴۴/۱/۶ از طرف انجمن زرتشتیان تهران در تالار جشنگاه خسروی

۲ ـ آقای سهراب کیخسرو زائری در ۴۴/۱/۶ از طرف انجمن زرتشتیان تهران در تالار جشنگاه خسروی.

۳ ـ دوشیزه مهربانو بهرام پوروشسب در ۴۴/۱/۲۰ ازطرف خودشان درمنزل

۴ ـ دوشیزه پریزاد بهرام پوروشسب در ۴۴/۱/۲۰ ازطرف خودشان درمنزل

۵ ـ آقای اردشیر بهرام پوروشسب در ۴۴/۱/۲۰ ازطرف خودشان در منزل

دهش خیراندیشان

آقای بهرام کاوسی شریف‌آبادی بنامگانه روانشاد دولت خدابخش کاوسی‌شریف آبادی‌مادر گرامیشان برای مصرف خیریه ۲۵۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

آقای مرزبان رستم فرخنده بنامگانه‌بانو اسفندیار مادرگرامیشان نیاز شاهورهرام ایزد چراغ نقره یکدانه.

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ آقای‌ارباب مهربان منشنی	۱۰۰۰ ریال
۲ ـ » سروش فروهر	۵۰۰ »
۳ ـ » پولادیان	۲۰۰ »
۴ ـ » دکتر دینیاری	۱۰۰ »
۵ ـ بانو همایون اورمزدی	۵۰ »

شاهورهرام ایزد

۱ ـ آقای دکترفرین	۵۰۰ ریال
۲ ـ » مهندس بهمن اورمزدی	۲۰۰ »
۳ ـ » خدایار اشوجهانیان	۱۵۰ »
۴ ـ » رستم آذرگشسب	۱۵۰ »
۵ ـ » رستم فولادی	۱۴۰ »
۶ ـ » برادران کیفر	۱۰۰ »
۷ ـ آقایان ـ مهربان مهربانی ـ اسفندیار مهربان ـ شاهبهرام جهانیان	۱۵۰ »
جمع	۱۳۹۰ »

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای شاهرخ سروشیانی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای داریوش دانشفر بابت گواه گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال

۳ - آقای منوچهر نمیریان بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال .

جمع ۵۵۰۰ ریال

سالن ایرج - پرسه

۱ - وراث روانشاد مروارید نوشیروان منکچیان ۲۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد سهراب خانی‌زاده ۱۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد اردشیر فروهر ۵۰۰ ریال

جمع ۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۶۵۱ نفر
« دندانپزشکی	۲۲۵ «
« آزمایشگاه	۷۵ «
« داروخانه	۵۳۱ «
« تزریقات وپانسمان	۴۹۶ «
« دیاترامی گذاشته شده	۸ «
« بخور پنیسیلین	۱۰ «
جمع	۱۹۹۶ «

اخبار شهرستانها

یزد

از : آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

درماه اسفند ۴۳ ورثه روانشاد ارباب جمشید یگانگی بمناسبت سرسال آنروانشاد مبلغ ۱۰۰۰۰ ببودجه انجمن زرتشتیان یزد کمك نمودند.

درماه اسفند ۴۳ ارباب رستم برزورسروری مبلغ ۱۰۰۰ ریال ببودجه انجمن زرتشتیان یـزد کمك نمودند

روز ۲۹ر۱۲ر۴۳ بدعوت جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس شورایملی جناب آقای دکتر ضیائی نماینده محترم مجلس و بانوغذراضیائی مدیر کل وزارت آبادانی ومسکن و جنـاب آقای مسترهرتز مستشار سیاسی سفارت امریکا و بانو دکترهرتز برای بـازدید از معبد زرتشتیان و شرکت درمراسم زرتشتیان درتحویل نوروز جمشیدی و دیدار اززرتشتیان وارد یزد شدندو پس ازبازدید ازمعبد زرتشتیان وسازمان جوانان زرتشتی یزد وچم یکی ازدهات زرتشتی نشین یزد بمنزل اربـاب فریـدون کیانیان رئیس انجمن زرتشتیان یزد برای صرف شام وشرکت در مراسم خـانوادگی تحویل سال نو آمدند موضوعیکه بیش ازهمه دراین مراسم جلب توجه کرداین بودکه بزرك خانواده (بانوسیمین خسروشاهجهان) در آغازسال (طبق مرسوم تمام خانوده‌های زرتشتی) کتاب اوستارا بوسید وآنرا بازکرد و باخواندن بخشی ازاوستا برای کشور ایران وشاهنشاه ایران و مردم ایران و خاندان و فرزندان و پیوندان

خود دعاکردو دیرزیوشنی وتندرستی وکامروائی و فروجاه همه را ازاهورامزدا خواستارشد .

روزششم فروردین ۴۴ یکساعت‌ونیم پیش از نیمروزجناب‌سرهنگ‌یزدانفررئیس‌محترم شهربانی یزدباتفاق برادرشان جناب‌آقای یـزدان بخش مدیرروزنامه‌پیك‌ایران‌وهمراهان ازمعبدزرتشتیان بازدید نمودند - این‌بازدید تاساعت یازده وربع بطول انجامید .

جشن زایش اشوزرتشت

روزخورداد و فروردین ماه ۴۴ بمناسبت سالروز زایش حضرت زرتشت ازساعت ۵ر۴ تـا هشت بعدازنیمروز بوسیله سازمان‌جوانان‌زرتشتی یزد مجلس‌جشن‌باشکوهی درحضور جمعیت کثیری اززرتشتیان‌یزدودهات‌درسالن‌آموزشگاه‌دخترانه مـارکار برگذارشد برنامه جشن عبارت بوداز

۱- سرودشاهنشاهی

۲- خیرمقدم بوسیله نسیمی رئیس سازمان جوانان زرتشتی

۳- پیش‌پرده رمال باشی بـوسیله اردشیر نوایزدان .

۴- برنامه‌کلاس دینی بـوسیله سازمـان دوشیزگان زرتشتی

۵ - تصنیف بوسیله خدایارنمیرانیان

۶ - پیش پرده زن ومرد بـوسیله سیروس مرادیان - شاهپوردینیاریان

۷- ارکستر بـوسیله روح بخش - محمـد قاسمی - هرمزدی - مهندس سیروس دیانت(مدیر باشگاه ورزش)

۸ - رقص تویست بوسیله مهندس دهموبد و اردشیر بختیاری - اردشیرخورشیدیان

۹- آوازدردستگاه سه‌گاه بوسیله خدایـار نمیرانیان

۱۰ - پیش پرده عیدآمد بوسیله داریـوش بختیاری

۱۱- تصنیف بوسیله خدایارنمیرانیان

۱۲- سخنرانی بوسیله شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان زرتشتی

۱۳- یك‌پرده نمایش (حق نظارت) بکار- گردانی وزیری وشرکت بهمردی - دمهری - خورشیدیان - هرمزدی -

۱۴- سرود شاهنشاهی .

فیلمبرداری از مراسم زرتشتیان

روزهشتم فروردین ۴۴ هیئت فیلمبرداری آلمانی‌برای تلویزیونهای‌آلمان وفرانسه‌وایران بریاست‌آقای‌شیفر با حضورآقای بینانماینده‌محترم وزارت اطلاعات برای فیلمبرداری از مراسم و اجتماعات زرتشتیـان بـانجمن زرتشتیان یـزد مراجعه نمودند وطبق اجـازه انجمن روز نهـم فروردین‌درمراسم سدره‌پوشی و برنامه کلاس‌دینی وپذیرائی‌که ازطرف سازمان دوشیزگان‌زرتشتی و بخرج انجمن درسالن معبدترتیب داده‌شده‌بود شرکت‌کردند و از مراسم فیلمبرداری نمودند- روزدهم‌فروردین ساعت۲ بعد ازنیمروزهیئت‌مزبور یك مصاحبه هفت دقیقه‌ای باآقای نسیمی نماینده انجمن ترتیب دادند - این مصاحبه راجع‌بقدمت و تاریخ و اصول‌مذهب زرتشتی و خدمات عام- المنفعه زرتشتیان بشهرستان یزد بود

هیئت نامبرده اززرتشتیان قاسم‌آباد و تفت نیز فیلمبرداری کردند .

دراثراقدامات‌آقای شهریارخدایاری دبیر

انجمن زرتشتیان یزد از انشعاب لوله اصلی آب خیابان کرمان یك لوله فرعی بآتشکده اختصاص داده شد و مورد استفاده میباشد.

سدره پوشی

روزماه ایزد و فروردین ماه ۱۲ر۱ر٤٤ بمناسبت سرسال روانشاد پرویزجمشید پرویزیان آقایان داریوش بهروزی فرزند مهربان وداریوش نمیرانیان فرزند مهربان سدره پوش شدند .

کرمان

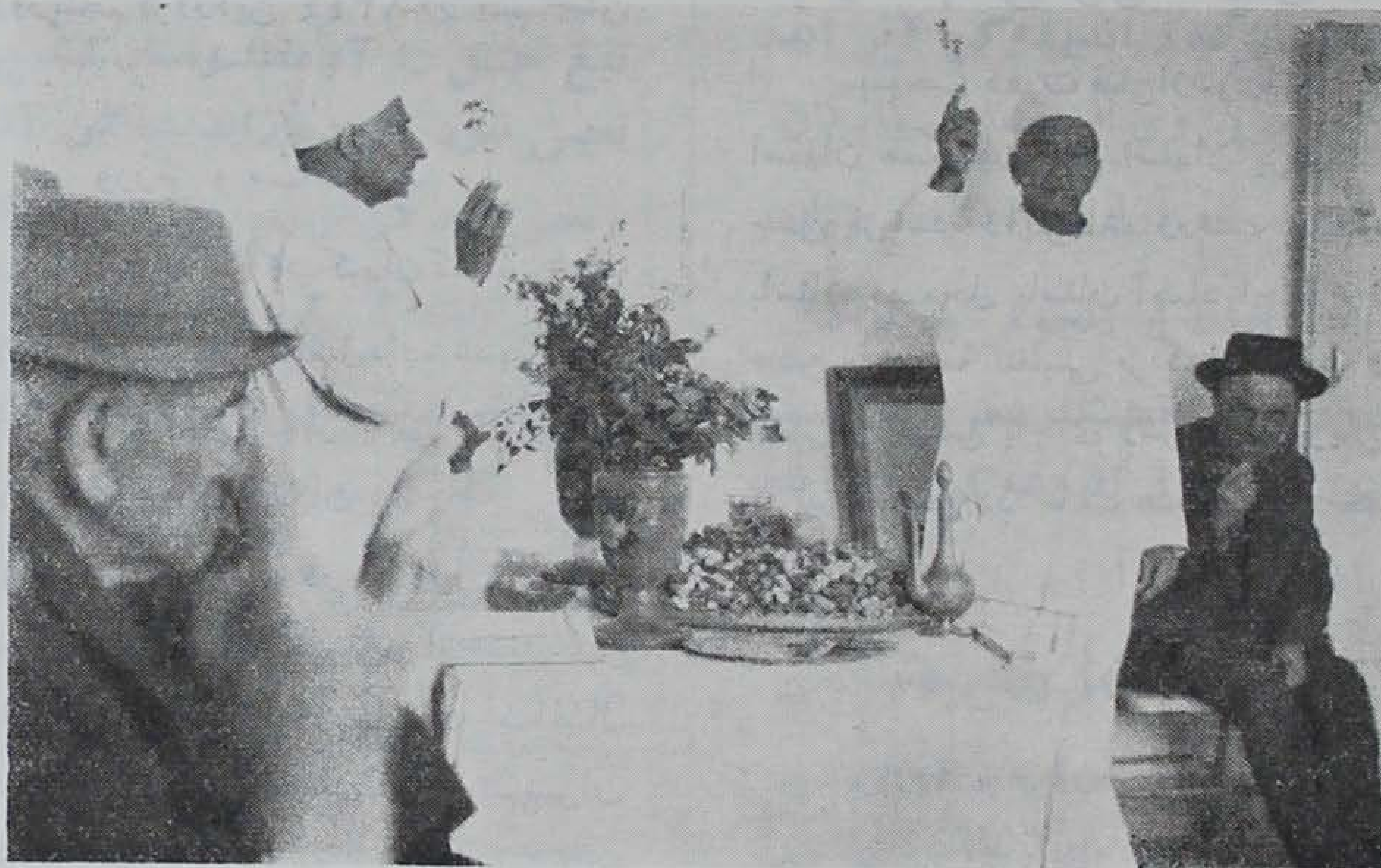
از: گودرز فرامرزی

آئین بر گذاری جشن نوروز

مطابق معمول هرسال درساعت ۷ صبح روز دوم فروردین ۱۳٤٤ درسالن دبیرستان ایرانشهر کرمان باحضور کلیه جمعیت زرتشتیان بـر گذار گردید ابتداء ازمدعوین باصرف چای و شیرین پذیرائی شدسپس نیایش اوستائی ودرود بشاهنشاه ایران توسط مؤبد فرزانه دستور رشید رستمی خوانده شدوپس ازنواختن سرودشاهنشاهی آقای نوذر مهران خطابه شادباش و تهنیت نوروزی را ایراد فرمودندآنگاه سرودجشن نوروز توام بـا ارکستردرچندپرده توسط دانش آموزان دبیرستان ایرانشهرخوانده واجرا گردیددرهمین هنگام جوائز دانش آموزان رتبه اول توسط آقای ارباب جمشید سروشیان رئیس انجمن زرتشتیان در بین کف زدنهای حاضرین توزیع گردید درپایان چندپرده نمایش جالب توجه و سرگرم کننده توسط دانش آموزان دبیرستان ایرانشهر اجرا وبسیارموردتوجه قرار گرفت .

افتتاح سالن

در روز ششم فروردین که جشن زایش اشوزرتشت ومطابق باروزخورداد ازماه فروردین بنام نوروزبزرك خوانده میشود مـراسم افتتاح



سالن جدیددرب شاه‌ورهرام ایزدکرمان ازطرف کلیه اعضاء کمیته خیریه خداداد مهرابی که بهمت عالی بانی کمیته مذکورادمرد بزرك «آقای خداداد مهرابی» اتمام یافته بود ازساعت ۸صبح با حضور جمعیت زرتشتیان برگذاروآئین جشن‌خوانی توسط موبدان شروع گردید وهم درهمین روز بمناسبت سرسال درگذشت شادروان رستم مهراب گرامی پدرآقایان فرزانگان ارجمند خداداد مهرابی و اردشیرفروهردرهمان سالن جدید آفرینگان برپا بودکه چند قطعه‌عکس نیز از این مراسم توسط گودرزفرامرزی گرفته شددرپایان ازکلیه‌مدعوین و باشندگان پذیرائی گرمی بعمل آمد این مراسم مقارن ساعت ۱۱صبح پایان‌یافت .

زناشوئی

پیوند زناشوئی‌وآغاززندگانی نوین‌آقای هرمزدکشاورزیان‌فرزند اردشیر با دوشیزه‌پروین سپنتا درروزپنجم فروردین ۱۳۴۴ در بم جشن گرفته شد .

ورزش و مسابقات

درمسابقات فوتبال‌کاپ کیهان که از طرف روزنامه کیهان درکرمان تشکیل‌داده شدبین تمام باشگاهها باشگاه آقای اردشیر همتی رتبه‌اول را حائزگردید و برنده کاپ کیهان شد .

هوخت ما پیروزی درخشان و سربلندی کلیه اعضا و مخصوصا سرپرستان ارجمند این باشگاه راآرزومندیم ایضا درمسابقات بالیبال پسران‌و دختران بین‌باشگاههای کرمان‌تیم‌پسران باشگاه اردشیرهمتی دوم وتیم دختران نیز رتبه دوم راحائزگردید .

پوزش

چون درشماره۱فروردین هوخت صفحه۴۴ نام درگذشته بیژن سروش پور فرزند خدایار اشتباهی سیروس سروش‌پوردرج گردیده بدینوسیله ازخوانندگان و خصوصاً ازفامیل‌آنمرحوم پوزش میطلبیم و باردیگر شکیبائی آن فامیل جلیل را ازاین پیش‌آمد ناگوارواندوهگین خواستاریم.

زایش

ماه فروردین شد و هرصحنهٔ گلزارشد
روز ماه‌ایزد رسید ارزانی ازدادارشد
تهنیت بادا بر این مولود مسعود شما
کاولین فرزندتان دوشیزه ایزدیار شد
هم دگربادا فراوان‌ازذکور وازاناث
طالع سعدش‌مبارك درچنین ادوار شد

اخبار انجمن زرتشتیان اصفهان

بموجب دعوت قبلی‌ازسوی‌انجمن‌زرتشتیان اصفهان همکیشان مقیم اصفهان برای شرکت در جشن فرخنده زایش اشو زرتشت پیامبر ایران باستان در محل باستان آباد اجتماع نمودند . جشن بابرنامهٔ تنظیمی برگزارگردید ومدعوین ازطرف انجمن باچای وشربت وشیرینی‌پذیرائی شدند . جشن در ساعت هشت بعد از ظهر پایان یافت .

خبری ازتفت یزد

روز ششم فروردین ۴۴ انجمن زرتشتیان

بقیه درصفحه ۵۴

از سرکار سرهنگ ۲ میر مهدی موبد
متخلص به (سرباز)

ارمغان سیزده



نحس باشد بر خدای این جهان بی‌باوری
نحس باشد گر نهی پاروی حق درداوری
نحس نبود دیدن خرگوش اندر معبری
بی زیان باشد وجودش از برای رهگذر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس آن باشد کزو آید زیان بر آدمی
نحس آن باشد کزو بنشیند اندر دل‌غمی
نحس آن باشد جلو گیری کنداز خرمی
نحس نبود مرغ اگر بانکی زندوقت‌سحر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد پیروی از مقصد بیگانگان
نحس باشد مردم آزاری همیشه در جهان
نحس باشد غفلت از دلجوئی بیچارگان
نحس نبود بر تو آهنگ شعر اندر صفر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد بهر یك آزاده یك دم بردگی
نحس باشد میوه نادانی اندر زندگی
نحس باشد بهر سر پندارها پایندگی
شرق را خم‌شد از این‌پندارها یك‌سر کمر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشدمیوه خودخواهی اندرروزگار
نحس باشد چاپلوسی پیش صاحب اقتدار
نحس باشد بر جوانان هر زمان میزقمار
نحس باشد از جوانان ناسپاسی بر پدر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد گر زبردستی نهد پاروی حق
یا زخودخواهی‌شودناآگه ازنیروی حق
وای‌ازآن‌روزی که‌مظلومی کند روسوی‌حق
تیغ حق را آه مظلومان کند برنده‌تر
نحس نبود سیزده زاندیشه‌کن آنرابدر

نحس‌باشد گرشوی دردهرچون‌بانگ‌جرس
نحس باشد گر شوی هرلحظه‌پابند هوس
سعی کن درزندگی‌سودی‌رسدازتوبه کس
نحس باشد مردمان راگر رسد ازتو ضرر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

نحس باشد زندگی را سرسری پنداشتن
سعد ونحسی بهرماه و روز باور داشتن
تخم این پندارها اندر دل خودکاشتن

دین ودانش آدمی راهست همچون بال و پر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

نحس باشد دادن فرصت ز کف درزندگی
شد خرافات آدمی را مایه شرمندگی
سروری ز آزادگی افسردگی ازبردگی
پاك کن اندیشه را هرگزمنه مصحف بسر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

نحس باشد ارتشا و رشوه را بانی شدن
از پی تحمیق مردم مرد روحانی شدن
مانع بیداری ایران و ایرانی شدن
نحس باشد توده را پنداری ارتو کورو کر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

بچه‌ای پا مینهد در خاندانی از عدم
گر غمی بینند میگویند باشد بد قدم
این چنین پندار اندر باره‌اش باشد ستم
زاده اندیشه و اعمال باشد خیر و شر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

آدمی را نیست شایسته بترسد از عدد
از عدد اندر جهان بهر کسی کی بدرسد ؟
بهتر آن باشد همیشه از خرد گیری مدد
کرده بر تو پیشرفت دانش اعلام خطر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

کن خرد را رهنمای خویشتن در کارها
تا بکی باید شوی آلوده پندارها
با خرد ویرانه کن شالوده پندارها
گرچه رایج گشته این پندار اندر باختر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

با خردشد آدمی در زندگانی سرفراز
با گره(برسبزه) کی گردد گره‌های تو باز
تا توانی پیش این پندارها خود را مباز
کار کن با دانش از هر بند نادانی گذر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

بر اصول آدمیت هر زمان پابند باش
راه و رسم زندگی آموز و نیرومند باش
گر به گردش میروی آسوده وخرسندباش
بهر خوشبختی گره (بر سبزه) باشدبی‌اثر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنرا بدر

غرق گشتی درخرافات‌ازچه‌روتا خرخره
حاصل تو از (صفر)از (چارشنبه) دلهره
ماه در یك ماهه میچرخد بدور این کره
گردش ماه و ستاره بر توباشد بی اثر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن آنر ابدر

گر تومیخواهی به‌روزسیزده گردش کنی
در میان دشت وصحرا شادی وورزش کنی
روز خودرا در کنار جویباری خوش کنی
رو بکن اما مکن اندیشه را آلوده‌تر
نحس نبود سیزده ز اندیشه کن انرا بدر

بقیه درصفحه ۴۵

آگهی

بدینوسیله باطلاع سهامداران چاه‌ژرف مزرعه کلانتری مقیم‌یزد وتهران وهندوستان و سایرشهرستانها میرساند اکنون که در اثر توجه و علاقه مخصوص جناب آقای **دکتر اسفندیاریگانی نماینده محترم وفداکار مجلس شورایملی** و زحمات و همکاری بیدریغانه جناب آقای جمشیدامانت آب شیرین چاه ژرف مزرعـه کلانتری جاری و شرب میگردد اینجانب همانطوریکه درآغازکار باهالی محترم‌مزرعه کلانتری عرض کردم تاروزیکه بیاری خداوندآب چاه مزرعه کلانتری جاری گردد کمال کمك و همراهی و مساعـدت را خواهم‌نمود وپس‌از احراز موفقیت دیگر کوچکترین مسئولیتی راقبول نخواهم‌کرد . با عرض مراتب بالا امروز بسیارخوشوقت وسرافرازم که باوجود موانع زیاد با اینکه اولین چاه ژرف مزرعه‌آب‌آن تلخ و شوروغیرقابل مصرف بود وجناب آقای دکتریگانگی بانیت خیرخواهانه خود **چاه مزبوررا برایگان واگذار و درحفر دومین چاه اقـدام فرمودند** بنده هم دراجرای نظرخیر معظم‌له ازهیچگونه خدمتی در مدت یکسال بدون چشم داشت پاداشی فروگذار نکردم تا اکنون‌که بخواست خداوند دومین چاه مـزرعه حفر وازهرحیث مجهز وآب شیرین‌آن جاری است . لذا باعرض تبریك وتشکر فراوان بدینوسیله باطلاع سهامداران‌چاه مزبورمیرساندکه بعلت کثرت مشغله ازقبول‌سمت‌مدیریت عامل شرکت معذورم وچون ازلحاظ بعد مسافت مزرعه تا شهرنمیتوانم درفروش ومصرف آب و اداره موتورنظارت نمایم لذا درمقابل شرکاء هیچگونـه مسئولیتی نخواهم داشت . بدیهی است آقایان شرکاء درثبت شرکت و فروش سهام آب وغیره اقدام خواهند فرمود و همواره موفقیت و خوشبختی اهالی زحمتکش مزرعه کلانتری یزد را ازدرگاه یزدان‌پاك مسئلت دارم.

شهریار خدایاری

بقیه ارمغان سیزده

با فلاکت زنـدگی میکرد مشتی کارگر
(سود ویژه) کرد اندرکارگر نیکو اثر
گشت از لطف شهنشه‌کارگر آسوده‌تـر
نحس باشد غفلت از احـوال زار کارگر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

(ارمغـان سیزده) را ارمغـان آورده‌ام
مغزهای خسته را قـوت روان آورده‌ام
بهـر آگاهانـدن هم میهنان آورده‌ام
گفته سرباز را بـا نیکخواهی کـن نظر
نحس نبود سیزده ز اندیشه‌کن آنرا بدر

بقیه دین و فلسفه

یکدیگر جدا و مشخص کردند . برهمنها ـ (روحانیان) نخستین طبقه ممتاز بودند ، دوم سپاهیان Kshatriyas سوم برزگران Vaisyas چهارم ـ نوکران و فرمانبران Sudras و باصطلاح امروز کشوریان ، شناخته شدند ، سه طبقه از اینها « دوباره زاد » (Twice-born) خوانده میشدند ، زیرا دریك سن معین، ریسمانی بنشان رسیدن بمرتبه دومین زایش (برسم تعمید) دور کمرش بسته‌میشد(مانند کشتی که در کودکی بکمر بچه‌زرتشتی بسته میشود و پیداست که این رسم مشترك آریان بوده) . اما برهمنها چون خودراپرتوی ازدهن‌آفریدگار وصاحب کتابهای ودا میدانستند ، گذشته از اینکه دوباره‌زادگی‌شامل آنها نمیشد ، سرور همه طبقات نیز بودند. سپاهیان همواره جایگاه والایی داشتند ولی رآی زن یا وزیر راجه ، همیشه یك برهمن بود و «راجه» با راهنمائی اوکارمیکرد. برزگران گرچه دوباره زادبودند ولی سرپرستی خانواده ومراسم مذهبی آنان زیر نظر و بدست برهمن انجام میگرفت ، مبادا بادرستی بجانیاورند . طبقه نوکران بجهاتی از تورانیان تشکیل‌می‌یافت چون‌آریانها آنها را ازخودنرانده بودند، گرچه‌پست‌ترین جارا دراجتماع داشتند و فرمانبربودند ولی بنده نبودند مگر اینکه اجازه نداشتند توانگر باشند.

شاه را راجه میگفتند (در فارسی‌هم رآی بمعنی شاه آمده) او مظهر الهی شناخته میشد ودارای قدرت مطلقه بود . کشور بشهرستانهایی بخش شده ، هر شهر فرمانداری داشت و فرمانداران هرمنطقه زیر سلطه راجه بودند .. بزرگترین راجه‌ها (مهاراج) بر هزار شهر کوچك فرمان میراند. راجه درجه دوم برسد شهر ودیگری بـر بیست شهر و برخی برده شهروکوچکترین آنهابریك شهرحکمران‌بود. چگونگی درآمد دولت ـ حقوق برزگران ـ تشکیلات دادگستری وحدود زن درقانون«مانو» روشن گردیده‌است.

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننموده‌اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان بـا در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ٤ بـه دبیرخانه انجمن زرتشتیان مـراجعه و کارت شناسائی دریافت فرمایند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه سخنرانی موبد شهزادی

وندر آنروز رسدروز سخن راپایان به‌نگه نامه نویسند وبخوانند سرود
به‌نگاهی همه گویند بهم راز درون هم بخندند و بگریندوبرآرند فغان

پس در اینصورت بااطلاع ازنیروی اندیشهٔ بشر و انتقال فکر بفاصله‌های دوردست متوجه خواهیم شدکه چرا درتمام مذاهب نفوذ و اثر نماز جماعت بیش ازنیایشهای فردی بوده و چرا درهنگام ذکر خیر و یادبود روان درگذشتگان وطلب آمرزش آنان جماعت برپا میخیزند ویکی دودقیقه بحال سکوت بفکر و ذکر میپردازند .

٤ ـ بوسیله یك مرکز معنوی:

موبدان زرتشتی علاوه برعوامل نامبرده بالا اغلب نماز ونیایشهای خود را نیز بیك مرکز معنوی اعلاکه گاهی بنام گنج داداراورمزد یاگنج همیشه سودیاگنج مانتران معروفست گسیل میدارند تا از آن مرکز برین با نیروی مینوئی بهمهٔ جهان و جهانیان گسترده شود .

درهنگام سرایش یسنا وویسپرد موبد میسراید : این یزشنی که کردم ـ این اوستائی که یشتم ـ این میزدیکه برگذارکردم به‌گنج داداراورمزدارایومند وخروهمند برساد . دانشمند وستاره شناس معروف ایران حکیم عمر خیام راجع باین گنج اورمزد یا مخزن پروردگار میفرماید :

هرهیئت وهر نقش که شد محو کنون در مخزن روزگار گردد مخزون
چون بازهمین وضع شود وضع فلك از پرده غیبش آورد حق بیرون

باز درهمازور دهمان راجع باین مخزن که بنام گنج همیشه سود خوانده شده چنین میخوانیم :

هردرمی و دانگی که تان امروز باین کار وکرفه هزینه کرده‌اید وکنید یـزدان و امشاسپندان ازگنج همیشه سود پری و فراخی و پدیخی ونیکی و وهی تان دهاد ـ هرکه میزدی باشوان ارزانی بسازاد اشایدون سبك وخار وآسان باد. آنکش امروز این یزشن فرمود اش این میزد ساخت . اش این اشوداد بداد همواره اش وهی ارزانی باد. درجای دیگر درمقدمهٔ یسنا همین مخزن را بنام گنج همه مانتران یعنی مخزن همهٔ دعاهای خیر مینامد .

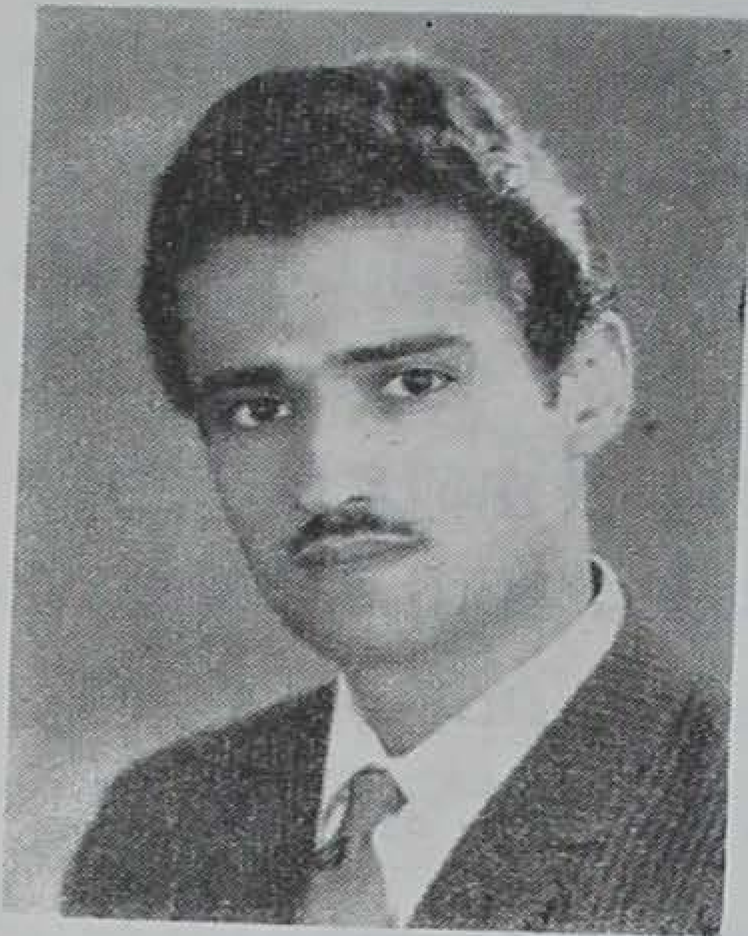
پس با بیان مطالب بالا امروزه دانشمندان روانکاو وروانشناس باپژوهش وکنجکاوی درروش برگزاری مراسم دینی زرتشتیان دریافته‌اند که هرگونه فکر نیك وبد یا دعـا و نفرینی که فردی بطرف دیگر حتی بفاصله دوردست روانه کند امواج آن فکر بطرف مقابل

رسیده و اثر نیك یابد خود را خواهد بخشید از جمله میگویند هر گاه کسی چیزی را در دست دیگری ببیند که خود فاقد وخواستارآن باشد حس حسادت او تحریك شده و امواج زیان‌آور اندیشهٔ بد بسوی شخص محسود وچیز مورد نظر روانه میگردد و بنسبت قدرت موج اندیشهٔ طرف به‌محسود زیان وارد میسازد . وهمین طور هر گونه دعا ودرود و ذکر خیری راهم که مـا درمورد اشخاص از خودبزبان آوریم با موج اندیشهٔ ما توأماً باطراف پراکنده شده با ایجادنیروی معنوی سبب تندرستی و نیرومندی تن وروان طرف میگردد پس چه بهتر اینك که بکمك علوم امروزی برموز مراسم دینی خود پی برده و دریافته‌ایم که نیروی‌گفتار نیك توام با اندیشه وفکر درست وپاك تاچه حد درسلامت محیط و روح وجسم ماموثر است .

بجاست که درین روزهای سال‌نو پس ازخانه‌تکانی دل وتمیز کردن منش واندیشه از آلودگیها هر گاه برای دید و بازدید بخانه یکدیگر رویم بهمراهی سلام و تبـریك و تعارف لفظی امواج نیك اندیشه وضمیر خودرا هم بسوی یکدیگر بجریان‌اندازیم و یقین بدانیم کاری‌که دور از تصنع و تظاهر بوده و بانیت خیر وفکر درست و صحیح و اندیشهٔ خوب همراه باشد اثر نیك آن تا باعماق روح خواهد رسید و سبب بشاشت طبع وآرامش خاطر وخشنودی وآسایش روان خواهد شد زیرا طبق دستور اشوزرتشت پایه واساس تمام کارها برنیت واندیشه استوار است .

درپایان ازاورمزد رایومندوخروهمند آرزومندیم که باین‌نیایش‌وآفرینگان ودرودی که بطور همازور امروز درین جای اشو وپاك برگزارگردید اوج وزور ونیرو و تکی و هماوندی وفیروزگری بخشاید تابهرچه دوردست‌تر برسد و اثرات نیك آن شامل هر چه بیشتر افرادبشرگردد. ایدون باد .

موفقیت افتخار آمیز آقای بهرام نامداری دانشجوی سال ششم پزشکی



آقای نامداری درحین کار پرمشقت تحصیل در رشته پزشکی با استعداد سرشاری که دارند موفق باختراع دستگاهی بنام تیز بینی الکتریکی گشته‌اند که درعالم چشم‌پزشکی تاکنون بی‌نظیر بوده است .

با این دستگاه میتوان تعیین نمره ومیزان دید چشم را با اندك فرصتی انجام داد .

اهمیت این دستگاه مورد تأئید مقامات مربوطه قرارگرفته و ازطرف رئیس انجمن چشم پزشکی جناب آقای پرفسور شمس و مدیریت گروه آموزشی چشم دانشکده پزشکی جناب آقای دکتر باستان رسماً ازایشان تقدیر شده است .

هوخت ـ موفقیت وسرافرازی این جوان کامکار مایه سربلندی همگی است وصمیمانه بآقای نامداری شادباش میگوئیم .

بقیه تجزیه و تحلیل

آن را بمعنی « تافاصله نه‌برابر(ارتفاع) پرنده اززمین » ترجمه کرده‌اند یعنی تا چنین فاصله‌ای کرکس میتواند درخشندگی سرسوزنی را اززمین به‌بیند ولی سرکارسرگرداورنك باکشیدن شکلی عبارت اوستائی مزبوررا بنحوبسیارزیبا و جالبی تعبیر کرده‌اند چنانکه می‌نویسند کرکس از۹سمت یعنی مشرق و مغرب و شمال وجنوب و جنوب‌شرق‌وشمال‌شرق و جنوب‌غرب وشمال‌غرب و همچنین ارتفاع مستقیم اززیرپای خود تازمین رابخوبی می‌بیند این تعبیر بکرو بسیارجالب نمونه‌ایست ازطرزتوضیح وتعبیرنکات مبهم اوستاتوسط این‌مولف دانشمند درهرحال ما موفقیت و فیروزی‌سرکارسرگرد اورنك را دراین‌قبیل‌فعالیتهای‌ادبی و فرهنگی ازخداوندآرزو میکنیم و امیدواریم نامبرده فعالیت خود را در زمینه روشن ساختن مجد وعظمت فرهنك ایران‌باستان درآینده نیزدنبال خواهند نمود.

بقیه جراید و نوروز

« این آئین بسیار پسندیده حکمت آموز که درآن بزرگی و ارزش وجود انسان از نظر یك دین بزرگ کاملا پیداست هنوز هم در میان ایرانیان زرتشتی برگزار میشود و هرسال در ایران وهند و دیگر گوشه‌های جهان پیروان زرتشت پاك باشور وشوق وخلوص نیت فراوان به پیشباز آن‌میروند وهمانند نیاکان ارجمند باستانی خود و گاه بهتر و با شکوه‌تر ازآنها آفرینش انسان راجشن می‌گیرند و به‌بزرگداشت این روزهای بزرگ شادمانی میکنند.

این بود نمونه‌ای ازآنچه‌که از سه‌مجله انتخاب ودربالا باطلاع‌خوانندگان‌ارجمند رسانیدیم‌بقیه نشریه‌ها نیز مطالب‌خودرا درهمین زمینه ومبتنی برحقایق تاریخی‌که درشأن این جشن‌کهنسال باستانی است تنظیم وانتشارداده‌اندکه هریك در خورآفرین‌گوئی است کاش صفحات محدود مجله اجازه میداد تاخلاصه‌ای از تمام نوشته‌های جراید را بنظر خوانندگان ارجمند خود میرساندیم.

بقیه فرخ

خوش پاسدار مرز سخن گشته‌یی ز مهر
با پـای استوار و دل و دست آهنین

نامت جهان گرفته چو شاهین بزیر پر
مهرت بدل نشسته چنان نقش بر نگین

هفتاد سال زیسته‌یی سرفـراز و شاد
هفتاد سال دگـر می زی تو اینچنین

از اورمـزد خـواهـم پیوسته بینمت
سرسبز همچواردی وخندان چوفرودین

تهران ۲۵ اسفند ماه ۱۳۴۳

محمودی بختیاری «مرزبان»

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هرماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویاچاپخانه‌راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهندوهمچنین آنهائیکه‌مایل باشتراك مجله‌هستند میتوانندتلفناً نام وآدرس خودرااطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود .

جناب آقای دکتر رستم صرفه

مدیر محترم مجله هوخت

آغاز شانزدهمین سال انتشار مجله هوخت را بجنابعالی ونویسندگان مجله تبریك گفته توفیق ادامه خدمت بیشتری را آرزومند است.

وزارت اطلاعات

وزارت محترم اطلاعات

احتراماً لازم میداند از وصول نامه ۲۵۶۶/۳۰۹/۸۲ مورخ ۴۴/۱/۲۱ که گویای مراتب تبریك نسبت بآغاز شانزدهمین سال انتشاراین مجله است ازطرف خودونویسندگان صمیمانه سپاسگزاری نماید.

بدیهیست همانندگذشته در ادامه خدمات فرهنگی طریقی که صلاح و فلاح اجتماعی را متضمن است خواهد پیمود.

با تقدیم احترامات فائقه

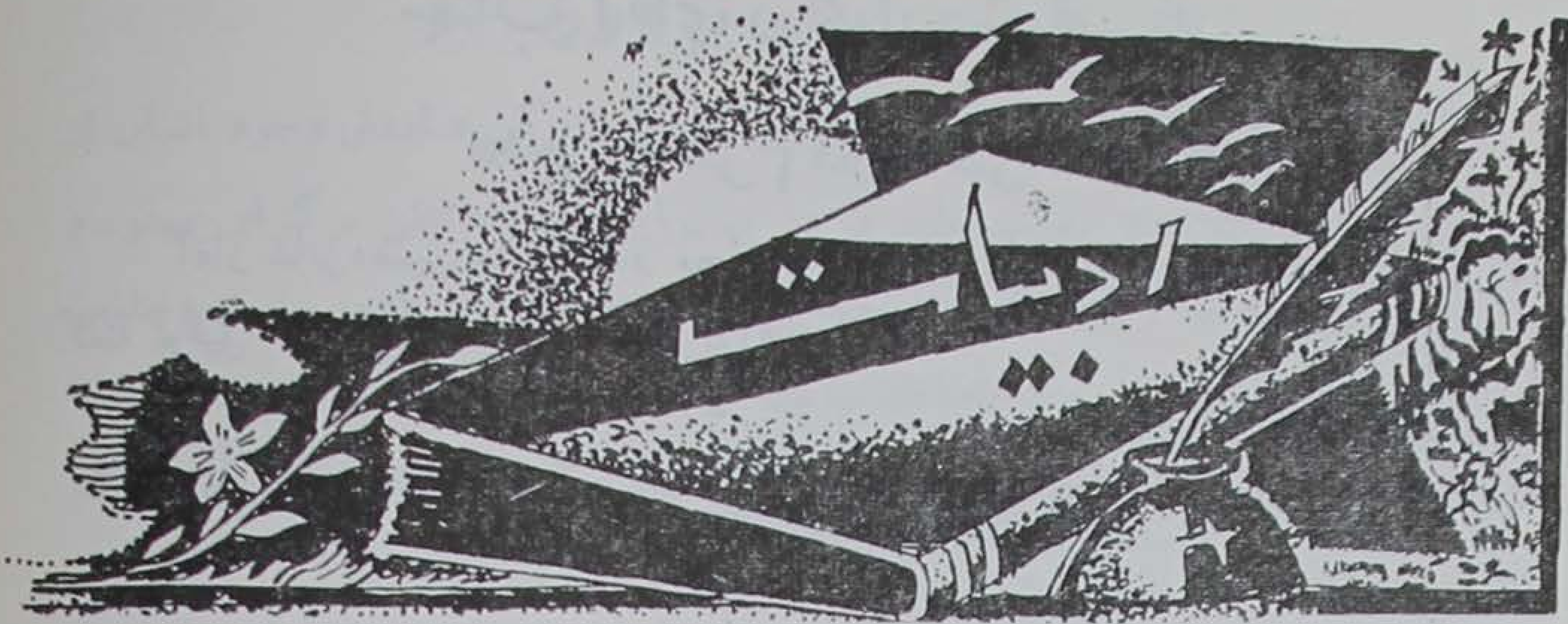
کتابخانه

دهسال کار و کوشش

نام مجموعه نفیس وارزنده‌ایست که باکوشش جناب آقای سناتور اشرف احمدی و ازطرف اداره آمار وبررسیهای وزارت اطلاعات تدوین وانتشاریافته است.

این کتاب تلاش وکوششهای پی‌گیری که در ظرف ده سال درراه سازمان کاخ رفیع سعادت ملت ایران انجام وبثمر رسیده با ارائه اسنادی گویا توجیه شده است. اینکتاب دارای سیزده فصل است که هر فصل اختصاص به پیشرفتهای یکی از شئونهای اجتماعی دارد.

در آغاز هر فصل نیز طی فهرستی از ترقیاتی که درزمینه هررشته نصیب ملت ایران گشته مشخص و خواننده را راهنمائی نموده است یقیناً مطالعه این سند افتخار آمیز که توأم باآمار وبررسیهای علمی است درهرخواننده‌ای ایجاد غرور وسربلندی خواهدنمود و چنین خدمت گرانبهائی سزاوار ستایش وآفرین گوئی است.



از : روانشاد سروش سپهری

نام نیکو

منه دل بدنیا تو ای هوشیار		نماند جهان بر کسی پایدار
بصد یا که هفتاد یا بیست سال		روان از تن و جسم سازد فرار
به مینو بگیرد همی آشیان		وزان پس نگیرد در اینجا قرار
به گیتی نماند بجز نام نیك		که ماند بسی سالها یادگار
مخور غم ـ مترس از گزند و ستم		بکوش و مشو در جهان سست کار
همه عمر خود نیز دانش بجوی		شنیدم من این پند از آموزگار
ز کنکاش منمای غفلت دمی		بپرس آنچه آگه نئی زینهار

سپهری اگر گویدت غم مخور
نصیحت ز دانا بجان گوشدار



زرتشت از نظر دانشمندان اروپائی

اکنون بمنظور تکمیل فقط دو یا سه ترجمه دیگر از گاهان را یا کتابهائی که در باره زردشت نوشته شده است در این جا باید نام بر دمیپردازیم. یکی ترجمهٔ و شرح سرودهای آسمانی پیغمبر است از ژ. دوشن گیمن در ۱۹۴۸ و یکسال پیش از آن کتاب دوجلدی ارنست هرتسفلد بانگلیسی هم در ۱۹۴۷ منتشر کرد دوشن گیمن خود در این باره در کتاب دیگرش ص ۳۹۸ مینویسد این کتاب را بتشویق و راهنمائی دومزیل زبانشناس بزرك فرانسوی نوشته است.

بعکس هرتسفلد در کتاب خود زرتشت پیغمبر را بمایك درباری و سیاستمدار دوره نخستین پادشاهان هخامنشی معرفی میکند. چنانکه والترهینس البته نقلی از جهت اندیشه‌ـها و اعتقادات دیگر در «رمان» که درسال ۱۹۶۱ نوشته است کرده و ترجمه‌هائی از گاهان شخصی خود را خیلی بهتـر و سنجیده‌تر و اندیشیده‌تر در پایـان کتاب بعنوان پیوست آورده است. بسیاری از ایـن ترجمه‌ها را من بمناسبت سبك تـوراتی‌اش و بنا بر اصول ترجمه‌ای خود، باید رد کنم، ولی درعین‌حال اعتراف میکنم که ترجمه‌های وی نخستین ترجمه‌ایست از مردیکه بدرستی مذهبی است و گفتار پیغمبر را برشنونده یا خواننده بدرجهٔ ایمان و اعتقاد موثر میسازد و سردو یخ‌زده مانند ترجمه‌های آلمالی **هـ ـ هومباخ** نیست. این کار هینتس بیش ازاین‌ها شایسته ستایش است زیرا این ترجمه‌ها را هینتس با مهارت و زبردستی درزبانشناسی انجام نداده است بلکه بادست چینی کردن وانتخاب باین معنا که هرچه راوی برای توضیح گاهان لازم‌تشخیص میداده آورده است.

پس ازآنکه مهمترین مترجمان سرودهای زردشت وروش‌کاردانشمندان باختر را یاد کردم ـ البته دانشمندان پارسی، تاواديا، ترپوروالا، وبود ازاین بحث خارج هستند هنگام آنست که توجه خود را بخود زرتشت معطوف گردانیم. دراین‌باره بهتر است مسائلی که باشخصیت و وجود تاریخی او وهمچنین آنچه که باآموزش اوسروکاردارد يك‌جا بررسی کنیم. درباره شخصیت و وجود پیغمبر ایران‌باستان، زردشت، باز از همه بهتر آنست کـه خاستگاه او آنجاکه اوبدنیاآمده است، وزبان نفوذ تبلیغ اوهريك جداگانه موردبررسی قرار گیرد.

درباره خاستگاه او ـ یا بهتر بگوئیم بستگی او بیکی ازطبقات اجتماعی‌ایران‌عقاید بسیاری تاکنون اظهارشده است. ازآنجاکه این‌نکته بستگی‌تمام با اوضاع واحوال‌شرائط زندگی پیغمبردارد و هیچکدام ازاینها را باقطعیت و اطمینان نمیتوان بحث‌کـرد؛ یعنی بستگی بنظرمترجم‌ودانشمند مربوط دارد، هرگونه نتیجه‌گیری درنظراجتماع دانشمند

خواهد بود تنها بفرضیه هرتفسلد در مورد یکی دانستن ویشتاسپ پشتیبان زردشت با فرماندار هخامنشی اشاره میکنم اگراین فرضیه غلط باشد ، نتیجه‌هائی هم که ازآن گرفته شد بیهوده وباطل است .

همچنین این پندار که‌زردشت‌ازطبقه موبدان‌بوده ، قابل‌اثبات نیست، چه‌ماهیچگونه اشاره‌ای دراین‌باره ازگاهان نمی‌یابیم . بعکس بررسی گاهان مارابابین اندیشه میرساند که زردشت وابسته بطبقه بزرگان بوده حتی ازطبقه پائینتردهقان یا «خوایت» هم نبوده زیرا که وی‌با بزرگان‌نشست وبرخاست داشت ونخستین‌پیروان وفادارش دراین رسته و دسته بودند البته دریسنای۳۲ وبندهاپس ازآن باکمال‌وضوح وقاطعیت برضدآن بزرگان(وئوا) سخن میراند ولی‌طبیعی‌است که دراین‌جا روی سخن‌باآن دسته ازبزرگانی است که باآئین و اندیشه‌های اومخالفت میکردند . چون‌پس ازاین‌باز درتعیین زادگاه زردشت در این‌ـ باره گفتگو خواهیم‌کرد این‌جابیش ازاین‌چیزی نخواهم‌گفت .

ناتمام

بقیه اخبار

تفت وتوابع‌طبق‌معمول هرساله‌امسال‌نیز باهمکاری صمیمانه سازمان جوانان زرتشتی تفت جشن با شکوهی در منزل آقـای فریدون جوانـمردی برگزار ودرپایان آقای ارباب نمیر میزانیـان ریاست محترم انجمن از کلیه مدعوین و افـراد سازمانی سپاسگزاری نمودند.

خبری از اله‌آباد یزد

در روز خورداد وفروردین ماه مصادف با روز تولد و برگزیده شدن پیامبرعالیمقام‌ایران وخشور بزرگ اشو زرتشت اولین رهبـر بشر و رهاننده مردم ازگمراهی وضلالت و هدایت براه راست ویکتاشناسی را انجمن زرتشتیان اله آباد مطابق معمول هرساله در محل آدریان اله‌آبـاد مجلس جشن برگزارنمود .

نخست دونفر ازموبدان نیـایش مخصوص جشن را باآهنگ دلپذیر قرائت فرمودند بعـداً پنج‌نفر نونهالان زرتشتی اله‌آباد بترتیب‌از محل سرمایه خیراندیش محترم آقای رستم‌مزدا مانند چندین سال گذشته سدره‌پوش شدند :

۱ ـ آقای رستم یزدانی‌فرهاد ۲ـدوشیزه دولت یزدانی فرهاد ۳ ـ شیرین باستانی‌ماهیار ٤ ـ سروربا‌ستانی تیرانداز ٥ ـ مهوش‌باستانی رستم .

سپس آقایان اردشیر باستانی و بهـرام و خدابخش یزدانی گشتاسب‌هریك سخنرانی‌جالبی ایراد فرمودندکه بسیار مؤثر ومفیدبود .

سال ۱۵ شماره ۲ — شماره مسلسل ۱۸۱

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام
داروخانه داریوش
تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
Dr. SARFEH
Kassra Street,
Makhssuss Avenue,
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	180 Rls.	200 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

هوخت
گفتار نیک
شهریور ۱۳۴۴



اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو و والاحضرت همایون ولایتعهد و والاحضرت فرحناز درحالیکه روسای دربار شاهنشاهی و روسای انتظامات کشور و تیمسار سرلشگر دکتر ایزدپناه و آقایان هرمزد آرش و اردشیر موبد در رکاب همایونی میباشند استادیوم را بازدید میفرمایند .

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

آغاز بیست و پنجمین سال

شاهنشاهی شاهنشاه



در سال ١٣٢٠ خورشیدی جنگ دوم جهانی باشدت هرچه تمامتر ادامه مییافت ومتخاصمین برای نیل به پیروزی ازطرح هر گونه نقشه خصمانه‌ای برای یکدیگر دریغ وکوتاهی نمینمودند. آنها برای پیش بردن مقاصد خویش بامنتهای قدرت و تا سرحد امکان وتوانائی بدون توجه بمنافع وحیات ملل دیگر اقدام می‌کردند و درراه تأمین منافع خویش مصالح و منافع دیگران رابی رحمانه لگدمال جور وستم میکردند. منشور ها و پیمانهای بین‌ملل توسط دولتهای جنگجو بدست فراموشی سپرده میشدند وقراردادها و عهدنامه‌هادرورطهٔ زوال

ونیستی میافتادند . قوانین جنگی بدون رحم وشفقت اجرا میشد و گاه مقاصد شوم جنگی باکدورتها ودشمنیها وکینه‌توزیهای دیرین بهم میآمیخت واثرات نکبت‌بار خود را برای ملتها بارمغان میبردند .

باکمال تأسف کشور عزیز ما ایران نیز نظر بموقعیت جغرافیائی خویش دردوران جنگ عالمگیر دوم از بلایای جنگی مصون نماند چنانکه مردم ایران دریکی از روزهای شهریور سال ۱۳۲۰ که سر ازخواب برداشتند در اطراف خودقوای بیگانه‌ای را مشاهده نمودند که بر خلاف قولها و وعده‌ها و پیمانها بمرز وبوم ایران شبیخون زده وکشور ما را مورد تاخت وتازخود قرارداده بودند .

درآنموقع شاهنشاه بزرگ ایران که با ایجاد قراردادهای عدم تجاوز باهمسایگان خویش فارغ‌البال سرگرم اصلاحات وآبادی کشور خود بودند خودرا در محظور عجیبی گرفتار دیدند . رضاشاه کبیر که باعلاقه مفرط بمیهن‌پرستی وعشق شدید بتعالی میهن، ملت خویش رارهبری میکردند وآنی از پیش‌بردن وطن بسوی کمال غفلت نمی‌ورزیدند چون ثبات وتمامیت واستقلال ارضی کشور خویشرا دردوران بحران در وجود دیگری احساس می‌نمودند زمام امور را بکف باکفایت فرزند برومند خویش واگذارنمودند.

براستی در آنموقع دوران مشکلی برای اداره امور مملکت بوجود آمده بود. قوای بیگانه ازطرفی خاک وطن را در اشغال داشت وازسوی دیگرگروهی چند از افراد وطن ماکه بوئی از فرهنگ و معرفت نبرده بودند با ایجاد دسته‌هائی مختلف به تشتت افکار وگسیختگی اوضاع وپراکندگی اذهان کمکهای شایانی میکردند ومشتی‌از افرادبی‌سواد وآشوبکر نیز در اطراف واکناف مملکت بساط چپاول و غارت راگسترده بخیال خود دوران خانخانی خویشرا تجدید نموده بودند بطوریکه همه‌جای میهن درآتش‌ناامنی میسوخت .

نقشه‌های عمرانی مملکت بعهده تعویق افتاده بود و تمام برنامه‌های مترقی مملکتی درحال وقفه ورکود قرارگرفته بود بطوریکه شاهنشاه ایران که تازه زمام اموررا درکف باکفایت خویش گرفته بودند مجبور بودندکلیه سعی وکوشش خودرا در راه مبارزه بااشرار ویاغیان داخلی مصروف دارند.

شاهنشاه جوان ایران که تازه براریکه سلطنت جلوس فرموده بودند باعزمی‌راسخ وایمانی‌کامل درچند جبهه بمبارزه برخاستند و با تدابیری بی‌نظیر وحذاقتی‌خارق‌العاده و متانتی بیهمتا بالاخره موفق شدندیاغیان داخلی‌رامنکوب ساخته وبه‌بیگانه وبیگانه‌پرستان

بقیه درصفحه ٤۹

دادبه

«من» و «دل»

داد جاروبی بدستم آن نگار
گفت زین دریا برانگیزان غبار
باز آن جاروب را ز آتش بسوخت
گفت کز آتش تو جاروبی برآر

عقل جاروب و نگار آن پیر کار
باطنت دریا و هستی چون غبار

آتش عشقت چو سوزد عقل را
باز جاروبی ز عشق آید بکار

کردم از حیرت سجودی پیش او
گفت بی‌ساجد سجودی خوش بیار

آه، بی‌ساجد سجودی چون بود؟
گفت بی‌چون باشد و بی‌خارخار

گردنك را پیش کردم گفتمش
ساجدی را سر ببر با ذوالفقار

تیغ تا او پیش زد سر پیش شد
تا برست از گردنم سر صدهزار

من چراغ و هر سرم همچون فتیل
هر طرف اندر گرفته از شرار

شمعها می بر شد از سرهای من
شرق تا مغرب برفته از قطار

شرق و مغرب چیست اندر لامکان
گلخن تاریك و حمامی بکار

بگذر از گلخن تو در گرمابه شو
جامه بر کن بنگر آن نقش و نگار

تا به‌بینی نقشهای بیکران
تا به‌بینی یار جانی در کنار

ایمزاجت سرد کو طاس دلت — تا در آن گرمابه گیری تو قرار
شش جهت حمام وروزن لامکان — بر سر روزن جمال شهریار
خاك و آب از عکس او رنگین شده — جان بتازیده بترك و زنگبار
روز رفت و قصه‌ام کوته نشد — ای شب وروز ازحدیثش شرمسار
شاه شمس الدین تبریزی مرا — مست میدارد ز جام بی خمار

پیر بلخ

پدر ! (پژوه)

از کاروانسالار ؛ جز آن که تو کرده‌ای نشاید .

بازی برد و باخت انگیزه کودکانه‌ایست که از زادروز تا مرگ ؛ شاهنگ ترازوی سرشاری وغم بیاد آن میرخسد وآنچه در سرای خاکی ماست بهر کپداش می گنجد .

خاموشی پارینه تاامروز ؛ نخست ببازیهای برد وباخت ، سپس با گومگوهای «من» و «دل» بی پیوند نبود .

از آندم که «دادجاروبی بدستم آن نگار» و با نگاهی هستی سوز « گفت زین دریا برانگیزان غبار» تا وادی تاس دل ودیدگاه شهریار ؛ سرگذشتی است ، شورانگیز ، دلپذیر ، و شنیدنی که در این نامه نگنجید .

سخن پیر بلخ چشم‌انداز نیمه روشن آن رهنامه‌هاست . خواهشم را بپذیر ، رندانه در آن بنگر ، به پیچ وخمها درآ ، نشانیهارا بشناس ، پیاله بگیر ، سرگرم شو . آماده‌باش ؛ تا شمارهٔ مهر ، ازکار دل پرده برداریم و چنانکه تو میدانی با پرده‌دار برآئیم وپرده‌دری ساز کنیم .



گزارشی از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت شهبانو و والاحضرت همایون ولایتعهد و والاحضرت شاهدخت فرحناز

به استادیوم ورزشی فرحناز پهلوی در تهران پارس

این دومین باریست که اعلیحضرت همایون شاهنشاه قدوم مبارك خود را بر دیده زرتشتیان نهادند نخستین بار در سال ۱۳۳۵ بود که هنگام مسافرت بهندوستان در بمبئی افتخاری، بس بزرگ نصیب پارسیان (زرتشتیان) فرمودند و درآنروز بود که از هزاران دیده مشتاق اشك شوق جاری ونثار قدوم مبارك گردید.

در این بار این افتخار بزرگ نصیب زرتشتیان‌تهران و بانیان تهران پارس گردید وهمانگونه که‌درقلب‌فردفرد زرتشتیان ایران وجهان قراردارند دیده آنهارا نیز با قدوم مبارك خود روشن فرمودند اما این افتخار بسیار عظیمتر وباید گفت کمترهمانندداشت‌زیرا اعلیحضرت همایون شاهنشاه باعلیاحضرت شهبانو ووالاحضرتین نور دیدگان ملت ایـران دسته‌جمعی این افتخار راعنایت فرمودند.

روز پنجشنبه هفتم امرداد که چنین روز درایران باستان جشنی بس بزرگ مقرر بوده و از زمره شمارگان خجسته دانسته شده است شهر نوبنیادتهران‌پارس باسرافرازی تمام آماده پذیرائی ازمهمانان بزرگوار گردید خیابانهای معبراعلیحضرتین ووالاحضرتین باطرز بسیار جالبی تزئین وچراغانی شده بود ساکنین آن‌نیز باچشمی پرازاشك شوق‌از افتخاریکه نصیبشان شده بود باستقبال شتافته دسته‌های گل واشك شوق‌نثار قدوم مبارکشان مینمودند.

مقارن ساعت شش بود که اعلیحضرتین و والاحضرتین محوطه استادیوم را با قدوم میمنت‌نمون سرافراز فرمودند در این‌هنگام سرود شاهنشاهی نواخته شد و سپس بنا بسنت باستانی درمجمری بزرگ وبسیار زیبا مراسم آتش‌افروزی انجام یافت وآئین نیایش‌اجرا گردید .



آنگاه کودک خوردسالی بنام فیروزماندگاریان دسته‌گل زیبائی بحضور شاهنشاه تقدیم وخیر مقدم عرض نمود وسه دوشیزه خوردسال دیگر نیز دسته‌گلهائی بحضور علیاحضرت شهبانو ووالاحضرتین تقدیم داشتند .

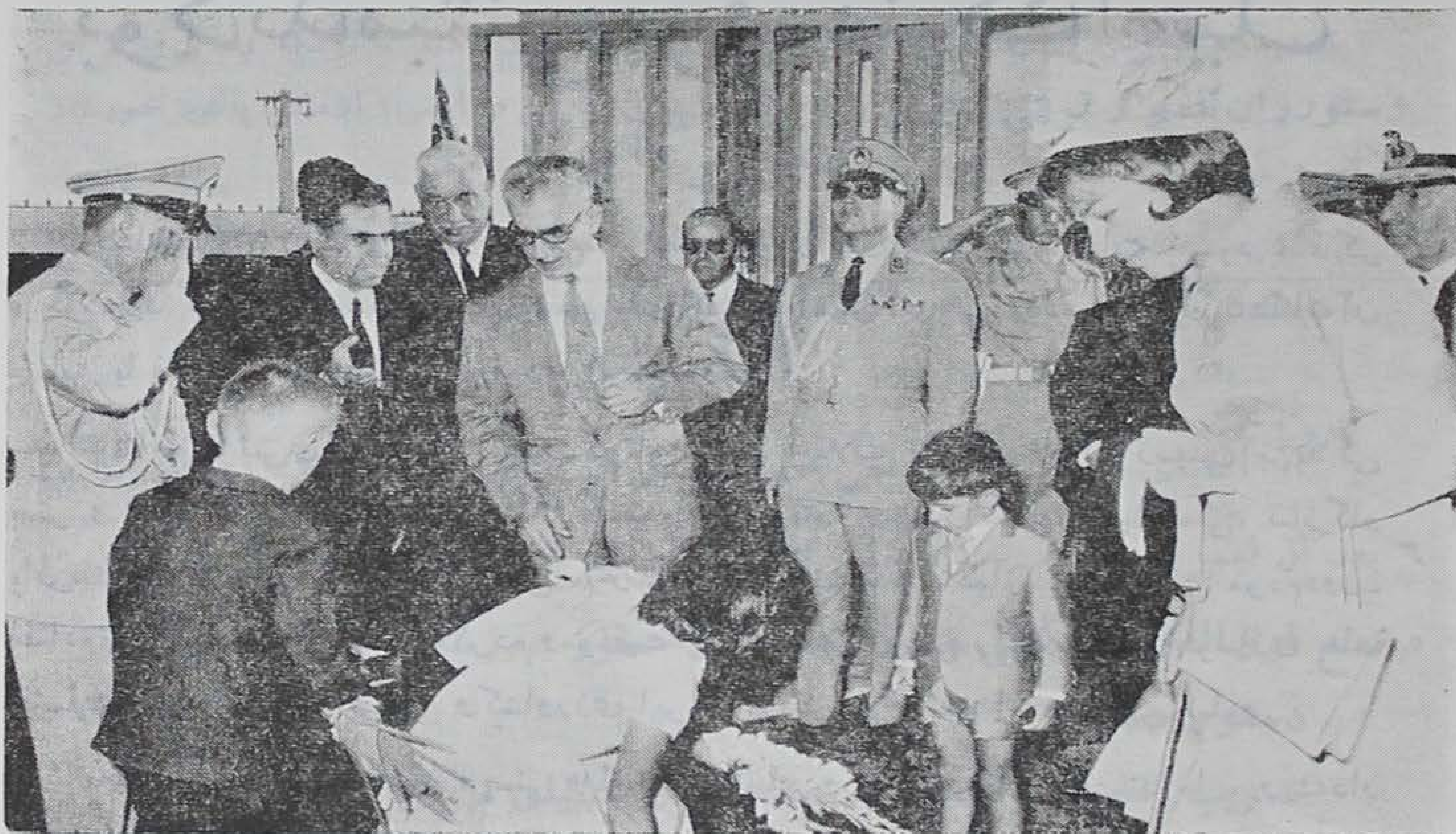
در اینموقع تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه رئیس سازمان تربیت بدنی وتفریحات سالم ایران ـ آقای هرمزدآرش مؤسس تهران‌پارس وبانی استادیوم و آقای اردشیر موبد سرپرست ومدیر استادیوم را بحضور شاهنشاه معرفی نمودند. آنگاه آقای آرش با نهایت عبودیت ازتشریف‌فرمائی اعلیحضرتین ووالاحضرتین و افتخاریکه نصیبشان شده‌سپاسگزاری نمودند ودر حالیکه تیمسار ایزدپناه وآقایان آرش و موبد در التزام رکاب بودند ببازدید استادیوم پرداخته زمین چمن فوتبال وزمینهای تنیس ـ قسمت استخر شنا وکابین آن و محل بسکتبال ووالیبال وزمین ورزش مورد بازدید اعلیحضرتین ووالاحضرتین قرار گرفت

شاهنشاه درهر قسمت سئوالاتی میفرمودند که پاسخ آن توسط تیمسار ایزدپناه وآقایان آرش وموبد بعرض میرسید در قسمت زمین فوتبال نواقصی مشاهده وبه تیمسار ایزدپناه اوامری صادر فرمودند که رفع نقص گردد و سپس اعلیحضرتین ووالاحضرتین درحالیکه دردوطرف زمین ورزشی استادیوم پیشاهنگان ودختران پرورشگاه فرح جوادیه صف کشیده بودند و مقدم مبارکشان را گل باران مینمودند ازمحوطه گذشتند وسالنهای کشتی- پینگ پنگ -هالتر وشطرنج مورد بازدید اعلیحضرتین ووالاحضرتین قرار گرفت سپس بداخل سالن سرپوشیده گام نهادند در این موقع مدعوین نسبت بمیهمانان عالیقدر باکف زدن ممتد و جاوید شاه ابراز احساسات نمودند آنگاه اعلیحضرتین ووالاحضرتین بجایگاه سلطنتی نزول اجلال فرمودند وتیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه گزارشی بشرح زیر بعرض رسانیدند:

شاهنشاها باکمال افتخار تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت فرح شهبانوی محبوب ایران ووالاحضرت همایون ولایتعهد گرامی و والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی را خیرمقدم عرض مینماید .

عنایات و توجهات خاصه شاهنشاه معظم بامر ورزش وتقویت روحی و جسمی جوانان همواره درپیشرفت توسعه این امر مهم تأثیر بسزا داشته سازمان تربیت بدنی ایران وسایر

بقیه درصفحه ٤۳



هنگام تقدیم دسته‌های گل

دکتر فرهنگ مهر

اصول ششگانه

انقلاب مقدس ششم بهمن که شاهنشاه بزرگ ما مبتکر، طراح و پرچمدار آن بودند مبتنی بر فرهنگ اصیل ایرانی است

شاهنشاه بزرگ و رهبر خردمند ملت ایران بارها در فرمایشات خود تذکر فرموده‌اند که انقلاب مقدس ششم بهمن یک انقلاب اصیل ایرانی بوده و اصول ششگانه‌آن منطبق با فرهنگ درخشان و پرفروغ ایرانی است .

نتایج پرثمری که در این مدت کوتاه ازاین انقلاب بزرگ برای رسیدن بزندگی بهتر و ساختن ایرانی آبادتر ظاهر گشته است . تنها چنین انقلاب اصیل ملی، سازگار بافرهنگ وتمدن وسنن باستانی این مرز وبوم میتوانست در اعماق قلب وروح مردم‌دور- افتاده‌ترین نقطه‌کشور رسوخ کرده وموفقیت برنامه‌های وسیعی راکه بمنظور نوسازی بنای اقتصادی ، فرهنگی ، صنعتی وکشاورزی ایران نوین طرح شده است تضمین نماید.

جستجو در فرهنگ مازدیسنی و ایرانی ، سنن وروش نیاکان ارجمند ما ، ریشه‌دار بودن این اصول را نشان نمیدهد .

در فرهنگ ایرانی همیشه زنان با مردان برابر بوده‌اند و زنان فرصت داشته‌اند

دوش‌بدوش مردان در خدمات اجتماعی فعالیت کنند وحتی بمقام سلطنت برسند . پوراندخت و آزرمیدخت که براورنگ شهریاری ایران نشستند و همچنین در زمان اردوان شاهنشاه اشکانی **آرتادخت که سمت وزارت خزانه‌داری را بر عهده داشته** نمونه‌های بارزی از این تساوی کامل حقوق اجتماعی وسیاسی زنان ومردان درایران بدست میدهد .

در اوستا همه‌جا فروهر مردان وزنان پارسا متفقاً و درردیف هم ستوده شده است (فروردین یشت بند ۱۴۵) و به زن و مرد متساویاً حق آزادی فکر ، اتخاذ تصمیم وعمل داده شده است (های ۳۰ گاتاها بند ۲) .

از این امثله که در فرهنگ ایرانی بسیار دیده میشود میتوان نتیجه گرفت که عدم تساوی زن ومرد یك پدیده غیر ایرانی بود که ازخارج بفرهنگ ایران تحمیل گردید و خوشبختانه در این دوره خجسته اثر بدست توانای شاهنشاه بزرگ و دادگستر از میان رفت .

درفرهنگ مازدیسنی وایرانی کشاورزی بسیارستوده شده است وکشاورزان مقام شایسته خود رادراجتماع داشته‌اند. هیچ جا سخن از بندگی و رعیت و اربابی نیست. وبالعکس درهمه‌جا برای ترقی و پیشرفت برزگران دستوری صریح داده شده است چنانکه درگاتها آمده است :

«بشود که اهورا ازقدرت خویش مارا به کشت وکاریاری کند تا آنکه **به برزگران وستورزان نمو و ترقی دهیم** زیرا به‌توسط اشا (پاکی وراستی) ازمنش پاك برخوردار هستیم» .

بقیه در صفحه ۵۵

آگهی

از آقایان همکیشان گرامی خواهشمند است روز چهارشنبه ۴۴/۶/۱۷ ساعت ۶ بعد از نیمروز با در دست داشتن کارت شناسائی از انجمن زرتشتیان تهران در مجمع فوق‌العاده همگانی درتالار خسروی حضور بهم‌رسانند .

دستور جلسه :

تصویب اساسنامه اصلاح شده انجمن زرتشتیان تهران

انجمن زرتشتیان تهران

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۲)

۲ - آیا ابراهیم - برهمن است ؟

چنانکه درپیش گذشت ، نام ابراهیم در تورات ، نخست ابرام بوده ، پس ازاینکه همه گونه لوازم زندگی واسباب بزرگی برایش فراهم گشت، ابراهیم شد. این نام بگونه ابرام - ابراهام و براهام نیز درآمده و بابرهما - برهمان - براهم وبرهمن همانند است. ازمیان فیلسوفان ودانشمندانیکه درباره ابراهیم سخن رانده ویادی از او کرده‌اند - «ولتر» Voltaire دانشمند وشاعر نامدارفرانسوی(۱۶۹۴-۱۷۷۸) است . درعصراودانشمندان انگلیسی از اظهارعقیده وهر گونه شکی که درباره احکام وعقاید مذهبی درآنهاراه مییافت برای گفتن و پرخاش بآنها بیم نداشتند. فرانسه نیزازدلاوری بیباک چون‌ولتر پهلوان آزادی عقیده برخوردار بود. افکار انتقادی باگفتار برنده و تابدار نابغه‌ای چـون ولتر رخنه میکرد و باپدیده‌های دانش وفنون تکنیك نیز پابرجا میگردید . دیگر مگر آزمونهای قطعی علمی هیچگونه عقاید و آیات مذهبی پذیرفته نبود ، چه - دانشمندان چنین می - اندیشیدند که آنچه مورد بهره‌مندی بشریت است ، نباید نسبت به ایشان بیگانه نماید.از اینروی خودرا فیلسوف مینامیدند وصلاحیت خودرا درهمه شاخه‌ورشته‌های فعالیت وفکری انسان گسترش میدادند .

منظومه هنریاد Henriade ولتر - قطعاتی قهرمانی شورانگیز وفلسفی خوانده میشد. ولتر علیه ستمگریهای کلیسا مبارزه میکرد وپی‌درپی اشعار هجائی که انتقاداتی‌زننده دربرداشت ، پخش میکرد ، توهین‌هایش سخت‌برنده وخیره کننده بود ، بارهازندانی یااز کشور بدر میشد. هولباخ دانشمند معاصر او درکتاب خود ، بنام - « مذهب مسیح بدون حجاب ودستگاه طبیعت» مذهب راچنین وصف میکند: -

« بافته‌هایی ازمهملات ، افسانه‌هایی‌نامربوط ، احکامی‌چرند وبی روح» . نویسنده

دیگری وجود روح را انکار کرده ، مذهب مادی را میستاید . در باره ولتر «فردریك» پادشاه پروس مینویسد :

« این ولتر ، فصاحت چیچرون ، مهربانی پلنی وخردمندی اگریپا را داراست ، دماغش پیوسته کار میکند و هر قطره که از قلمش فرومیچکد ، اخگریست از روح او» . نوشته‌اند :ـ

هنگامیکه در بستر مرگ افتاده بود ، کشیشی ببالینش آمد که گناهانش رااعتراف کند ، ولتر از اومیپرسد ـ کیست و ازکجاآمده ؟ کشیش میگوید ـ از جانب خداآمده ، ولتر میگوید ، پس اعتبارنامه‌اش کو ؟ کشیش دیگر دم بر نیاورده ومیفهمد که این حرفها را با فیلسوفان نمیتوان زد. این فیلسوف جهان‌شناس وواقع بین که آثار بسیاری دارد. درکتاب «فرهنگ فلسفی» ترجمه فاضلانه «نصراله فلسفی» گفتاری درباره ابراهیم دارد که چکیده آن چنین است :

برخی از خشك مغزان بسیاردانا ، وقتی کتاب ویدام (Veidam) برهمنان قدیم را میخوانند، باتعجب فراوان می‌بینند که نخستین «آدم» ساخته مردم هند است وهندیان اورا «آدیمو» (Adimo) یعنی آفریننده میگفته‌اند . زنش راهم «پوکری‌تی» Pocriti یا «زندگانی» میخواندند. این دانشمندان میگویند که آیین برهمنان قطعاً قدیمتر از دین یهود است ویهود که مدتها بعد درسرزمین کوچك کنعان نشیمن گرفتند، خیلی دیرتر ازمردم هند ـ بازبان کنعانی بکار نوشتن پرداختند. آنان معتقدند که مردم هند همیشه مخترع و یهود پیوسته مقلد ، هندیان همواره دانا و هوشمند ویهـود همیشه خشن و دور از مدنیت بوده‌اند .

ابراهیم ازآن نامهایی است که درآسیای صغیر وعربستان مانند توث درمصر قدیم ـ زرتشت اول در ایران ـ هرکول دریونان و ... نامهای بسیاردیگر بسبب شهرت بیشتر بر سرزبانهاست تا بواسطه مدارك مسلم ومحقق تاریخی.

البته در اینجا منظور ازتاریخ‌مسلم ومحقق ، تاریخی است که ازتعصبات وملاحظات مذهبی خالی باشد ، زیرا ، درباره تاریخ قدیم بنی‌اسرائیل که هم معلم ومربی وهم‌خصم ما بوده‌اند و ما به ایشان- هم عقیده وهم عداوت داریم ، چون ظاهراً بدست‌خودروح‌القدس نوشته شده، ناچار دارای همان عقاید واحساسات‌هستیم که باید داشت. [چون دانسته نیست که توراتراکی نوشته وکی نوشته‌اند، لابد گفته‌اند که روح‌القدس‌نوشته ، زیراروح‌القدس ازعهده هرکاری برمیآمده است].

در این مقاله روی‌سخن ما فقط به اعراب است. این قوم‌معتقدند که بواسطه اسماعیل

از نسل ابراهیم هستند ومیگویند که این شیخ یا بطریق ، شهر مکه را بنا نهاد ودرهمان شهر درگذشت. حقیقت این است که اولاد اسماعیل از فرزندان یعقوب پیش خدا بی اندازه عزیزتر بوده‌اند . هردو خانواده درواقع دزدانی بوجود آوردند ، ولی دزدان عرب بر دزدان یهود برتری عجیبی داشتند . اولاد یعقوب فقط سرزمین کوچکی را گرفتند وزود از دست دادند ، درصورتیکه فرزندان اسماعیل برقسمتی بزرگ از آسیا و اروپا و افریقا مسلط شدند و امپراتوری وسیعی که پهناورتر از امپراتوری روم بود تأسیس کردند وبنی‌اسرائیل راهم ازغارهائی که نامش راارض میعاد گذاشته بودند ، بیرون راندند .

اگر در حوادث گذشته نیز ازروی شواهد تاریخ جدید داوری کنیم ، خیلی مشکل بنظر میرسد که ابراهیم پدر دو ملتی باشد که اینقدر با هم تفاوت داشته‌اند . بما میگویند که او درکلده بوجود آمده وپسر کوزه گرفقیری بوده که باساختن بتهای کوچك گلین زندگی میکرده است . بسیار بعید بنظر میرسد که پسرچنین کوزه گری ازصحاری سوزان صعب العبور گذشته و درمنطقه حاره بچهارصدفرسنگی زادگاه خود رفته باشد، تا در آنجا شهر مکه را بسازد . هرگاه قصدکشور گشائی میداشت قطعاً بسرزمین زیبـای آشور میرفت و اگر چنانکه در باره وی نوشته‌اند ، مردی فقیر بیش نبوده ، مسلماً دور ازوطن خوددولتهایی تأسیس نکرده است. در سفر تکوین آمده است که ، ابراهیم چون پس از مرگ پدرش تارح کوزه گر، از سرزمین حران (شهری درمیان فرات و خابور در شمال بین‌النهرین) بیرون رفت ، هفتاد وپنج سال داشت ولی همین کتاب میگوید : -

تارح ابراهیم را درهفتادسالگی بوجود آورد وعمرش نیز به دویست وپنج سال رسید وابراهیم پس ازمرگ وی حران را ترك گفت . پس باین حساب چنانکه از سفر تکوین برمی‌آید وقتی که ازبین‌النهرین بیرون رفتـه ۱۳۵ سال داشته است. او از سرزمینـی که مردمش رابت‌پرست خوانده‌اند ، بسرزمین بت‌پرست دیگر، بنام شکیم درفلسطین رفت ، برای چه باین سرزمین رفت؟ چرا زمین‌های حاصلخیز وپربرکت کناره فرات را رهـا کرد ، تابه نـاحیه دورافتاده‌ای بی‌حاصل وسنگلاخی شکیم برود ؟ ».

نویسنده مقاله بالانیکلافره‌ره (N. Foeret) است که ولتر درکتاب فرهنگ فلسفی خود آورده ، دنباله این مقاله داستان رفتن ابراهیم بمصر است که درگفتاریپش همانگونه که در تورات آمده نوشته شد ، به دوباره‌گویی نیازی نیست مگـر اینکه نویسنده تعجب میکند که چگونه ابراهیم ۱۴۰ ساله برای گریز ازقحط وغلای فلسطین دویست فرسنگ راه پیموده تا بشهر منفیس مصر رسیده و ناگزیر زن زیبای خود را در معرض معامله بـرای بدست‌آوردن دارائی گذارده وچنین نتیجه میگیرد که : -

البته محققان ومفسران، برای اینکه رفتار ابراهیم رامشروع و منطقی جلوه دهندو در ارقام و سنوات تاریخ حیات وی سازش ایجاد کنند، کتابهای بیشمار نوشته‌اند وخواننده باید ناگزیر بدین گونه تفسیرات و حواشی مراجعه کند. زیرا جملگی محصول افکار و عقاید دقیق وظریف حکمای بزرگ، یعنی کسانیست که اصلا پای بند عقاید باطل نبوده وقصد فضیلت‌فروشی نداشته‌اند. !!. بعلاوه نام - «برام یا آبرام» درهندوستان وایران ازنامهای مشهور بوده است. حتا برخی ازمحققان‌مدعیند که ابراهیم همان قانونگذاریست که یونانیان زرتشت نامیده‌اند ودسته دیگر میگویند که او همان «برهمای» هندوانست.

لیکن آنچه درنظر بسیاری از دانشمندان درست مینماید، اینست که این ابراهیم کلدانی‌یاایرانی بوده وبنی‌اسرائیل درادوار بعد، باینکه ازنسل‌او هستند مباهات کرده‌اند. احتمالا نام ابراهیم یا آبراهام رابنی‌اسرائیل ازمردم بابل گرفته‌اند. زیرا بنا برتحقیقات هید Hyde دانشمند انگلیسی، درتمام ممالکی که میان فرات وجیحون قرار دارد، دین قدیمی مردم را «کیش‌ابراهیم» یا «ملت‌ابراهیم» میگفته‌اند.

پس بنی‌اسرائیل باتاریخ وافسانه‌های کهن نیز همان کرده‌اند که کهنه فروشان‌این‌قوم بالباسهای کهنه میکنند، یعنی آنهارا پشت ورومیکنند و به‌گرانترین قیمتی که میسر شود بجای نو میفروشند».

۳ - نشانی ابراهیم درجغرافیا

اما ازکتابهای تاریخ وجغرافی نیز برگه‌هایی دردست است، که میرساند ابراهیم برهمن یا دستکم ایرانی بوده و بهرروی، سامی؛ بویژه ازیهود نبوده است و اینك یکی‌از آن مدارك:

کتاب حدودالعالم که ازجغرافی طبیعی اجتماعی و اقتصادی بحث میکند، در ۳۷۲ هجری قمری، بقلم یك ایرانی گمنام تألیف شده و«بارتلد» خاورشناس روسی ازیگانه نسخه خطی که درموزه‌ارمیتاژ (یامسکو) وجود داشته‌عکس برداری کرده، در ۱۳۱۲ خورشیدی با تصحیح و توضیح جناب‌آقای سیدجلال‌الدین تهرانی چاپ وپخش شده است. این کتاب نمونه ونشانی از دانش ایرانی ومدرك بی‌چون وچرای برتری ایران ازجهان اروپا در علوم تاریخ و جغرافی و جهان‌شناسی است، چه پانصدسال پیش از کشف امریکا نویسنده حدودالعالم میدانسته که آن‌سوی کره زمین-قاره‌ایست، درحالیکه کریستف‌کلمب وقتی‌بجزیره «کوبا»ی‌کنونی رسید چنین‌میپنداشت که بجزایر هند یاچین وژاپون‌رسیده وتامردندانست که بمرز قاره جدید دست یافته است. درآن دوره (سده پانزدهم) هرکس میگفت زمین گردست وبدور خورشید میگردد، بدادگاه تفتیش عقاید(انکزیسیون) کشیده میشدو بفرمان

بقیه درصفحه ۴۲

گزارش مجلس یادبود روانشاد دکتر شاه بهرامی



کانون محترم پزشکان زرتشتی ساعت ۸ بعداز نیمروز دوازدهم امرداد مجلس یادبودی بمناسبت شهادت روانشاد دکتر شاه بهرامی و بانو در تالار بهمن برپا داشت که در آن عده‌ای از استادان دانشگاه گروهی ازپزشکان زرتشتی و سایر همکیشان حضور داشتند.

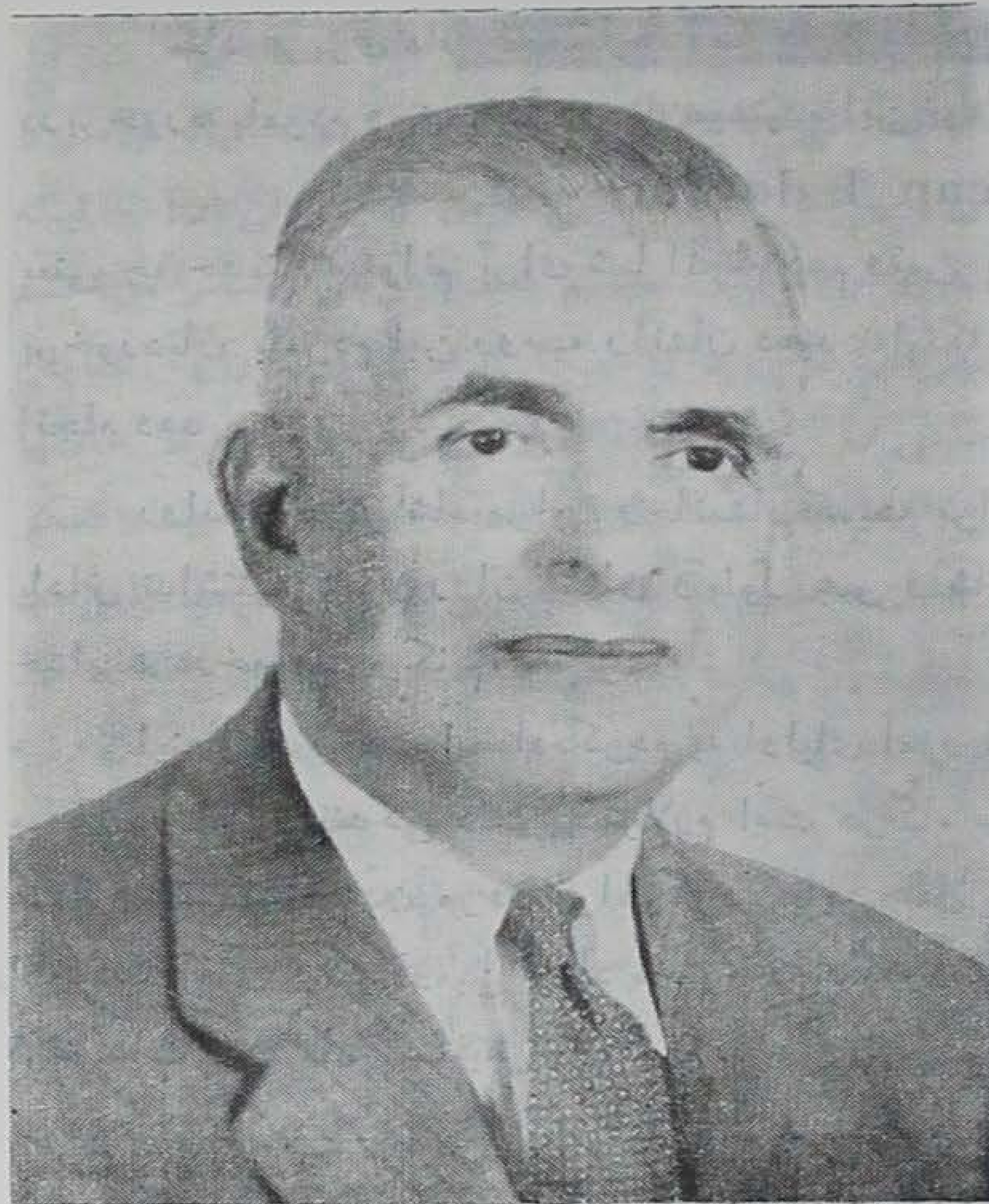
نخست آقای دکتر ورجاوند پشت تریبون قرار گرفته ضمن بیاناتی (که جداگانه چاپ شده) ازجناب آقای دکتر آرمین معاون تعلیماتی دانشکده پزشکی تقاضا نمودند که حضار را مستفیض فرمایند.

در این هنگام جناب آقای دکتر آرمین ضمن یك بحث علمی (که شرح آن جداگانه چاپ شده است) تاریخچه زندگانی روانشاد دکتر شاه بهرامی را بیان فرمودند. سپس آقای دکتر معتمد درحالی که تأثر واندوه فراوان برچهره‌اش نقش بسته بود مفصلا خدمات آنروانشاد را توجیه نمودند. (جداگانه چاپ شده)

آنگاه آقای دکتر جهانشاهی یکی ازهمکلاسان دکتر شاه بهرامی بابیان مؤثر به اوصاف زمان تحصیلی آن روانشاد در دانشکده پرداخته در خاتمه ببازماندگان تسلیت گفتند.

درپایان آقای اردشیر جهانیان بنمایندگی انجمن محترم زرتشتیان تهران ازکانون پزشکان وحضار درمجلس سپاسگذاری نمودند و ضمناً نکاتی چند از اوستا راجع به پزشك و پزشکان بیانداشتند (جداگانه بچاپ رسیده). مجلس پرازمعنویتی که برای تجلیل ازپزشکی عالیقدر و خدمتگذار برپا گشته بود مقارن ساعت ده ونیم پایان یافت.

بیانات آقای دکتر ورجاوند در مجلس یادبود روانشاد دکتر شاه بهرامی



از خانمها و آقایانیکه دعوت کانون پزشکان زرتشتی را قبول فرموده دراین‌مجلس حضوریافته‌اند تشکر میکنم.

این مجلس یادبود است و سوگواری پسندیده‌نیست. فردوسی درمرگ عزیزی میگوید:

«اگر مرگ داداست بیدادچیست
ز داد اینهمه بانگ وفریاد چیست»

مرگ داد حق است واین‌راهی است که همه خواهیم رفت.

شادروان دکتر شاه بهرامی و همسرگرامی‌شان ازبین ما رفته‌اند دیگر چهرهٔ مهربان وزیبای‌ایشان را باچشم‌نخواهیم‌دید وآوازدلنشین ایشان راباگوش نخواهیم شنیدولی میتوانیم بکمك حافظه از ایشان‌یاد کنیم وصفالعیش نصفالعیش.

ذکر مدارج علمی روانشاد دکتر را اساتید محترم و همکاران ایشان آقایان دکتر آرمین و دکتر معتمد و دکتر جهانشاهی خواهند فرمود اینجانب بنام یك‌دوست‌از ایشان یاد میکنم.

چند سال‌بودکه درکانون پزشکان زرتشتی باروانشادان دکتر شاه بهـرامی و خانم محترمشان هرهفته فرصت ملاقات دست میداد و مأنوس شده بودیم هردوقسمت مالی‌کانون را اداره میکردند و خانمشان مخصوصا با دلسوزی تمام وکمال محبت زحمت میکشیدند و در وسائل پذیرائی نظارت داشتند.

دکتر درعالم دوستی دوصفت ممتاز داشت یکی اینکه نه میرنجید و نه میرنجانید همواره دوست صمیمی بود واین دوستی را باروح گذشت وحسن خلق ثابت میکرد و نگه میداشت .

دوم همیشه خدمتگذاربود برای دوستان زحمت میکشید و کار میکرد بدون اینکه منتظر قدردانی باشد یا خودرا طلبکار بداند .

استاد عزیزی دارم که حکایت میکرد جوانی را در امریکا گذرانده وجمله خوبی که دربرخورد بامردم ومخصوصاً دوستان میشنیده این بوده که میپرسیدند :

What can I do for you

یعنی چه خدمتی میتوانم برای شما انجام دهم وبمن پند میداد که شما هم بهتر است در برخوردتان بامردم این روحیه رانشان دهید نهاینکه منتظر باشید آنطرف برای شماکاری انجام دهد .

روانشاد دکتر شاه‌بهرامی وخانمشان همیشه برای کمك دوستان حاضر بودند وتوقع پاداش نداشتند. شادی روان ایشان و طول عمر و شادکامی فرزندان و بستگانشان را از خداوند درخواست میکنیم.

اینجا از فرصت استفاده کرده به اولیای امور و بهرفردی که رانندگی میکندتذکر میدهم در امر رانندگی دقت بیشترلازم است هرگاه سهل‌انگاری وغفلت به‌اندازهٔ بشود که عمداً وسائل کشته شدن مردم فراهم گردد باین عمل دیگر عنوان قتل غیرعمد نمیشود داد ازجناب آقای دکترآرمین استاد محترم دانشگاه ومعاون دانشکده پزشکی تقاضا میشودبا فرمایشات خود مارا مستفیض فرمانند .

بیانات جناب آقای دکتر آرمین معاون فنی و تحقیقاتی دانشکده پزشکی در مجلس یادبود دکتر شاه‌بهرامی

باوجود اینکه تألمات روحی اجازه نمیدهد دراین مجلس باشکوه که بیاد دوست و همکار عزیزم مرحوم دکتر شاه‌بهرامی برپا شده است مطلبی عرض نمایم ولی ازآنجائیکه امتثال امر دوستان وهمکاران واستادان محترم راکرده باشم فقط باعرضی مختصر مزاحم حضار محترم میشوم قبل‌از هرسخنی برخود فرض و واجب می‌بیند از دوستان و آشنایان مرحوم دکتر شاه‌بهرامی که چنین مجلسی را برپا ساخته‌اند وهمچنین از فردفرد خانمها وآقایانی که قدم رنجه فرموده وتشریف‌فرما شده‌اند ازطرف‌دانشکده پزشکی صمیمانه‌تشکر وسپاسگذاری نماید . چه حق‌اینست چنین مجلسی در دانشکده پزشکی‌برپا میشد ولی‌بعلت تعطیلات تابستانی بتعویق افتاده‌است بعداً در موقعی مناسب تشکیل و به عرض دوستان خواهم رسانید.



امشب‌میبینم که دوستان، همکاران خویشاوندان‌مرحوم‌دکترشاه‌بهرامی دراین مجلس‌باقیافه‌هائی بس‌گرفته وماتم زده دورهم گردآمده تا به ـ بازماندگان‌آن‌مرحوم‌تسلیتی گویند وتشفی خاطر آزرده آنهارا فراهم سازندوجراحت‌درونی‌خودرامرحمی نهند .

البته اگر چنین‌مجالس رابایك نظر اجمالی نگاه‌کنیم البته شاید همین غریزه بوده است که تشکیل چنین مجلسی را ایجاب کرده‌است درحالیکه فکر میکنم منظور از تشکیل چنین مجالس نه‌فقط ازاین

رو میباشد بلکه مقصودی عالی‌تر وارزش معنوی بیشتری دارد. این قبیل مجالس از سنن دیرین پیشینیان ما بوده است وبعدا عالم صدر اسلام هم از آن تأسی نموده است. منظور بانیان اولیه این بوده است که حضار دراین مجالس صفات حسنه وبرجسته شخص درگذشته را سرمشق زندگی خود قرارداده بدان عمل نمایند یعنی در حقیقت در این مجالس باید نفس‌ها پاکیزه وقلبها براه راست هدایت گردد.

پس بااین مقدمه بسهولت درخواهیم یافت که جلسه امشب ما چه ارزش معنوی دارد زیرا باحضور شماها که هریك بحقیقت صاحب مکارم اخلاقی هستید و بیاد او یعنی دکتر شاه‌بهرامی کسی که درمدت عمر کوتاه خود قدمی جز در راه حقیقت و طریقت برنداشته و فکری جز خدمت بخلق را دراندیشه نداشته است.

مقام شامخ وارزندهٔ راکه مرحوم دکتر شاه‌بهرامی درعالم انسانیت و عالم پزشکی ماکسب کرده است برای ما یك فلسفه را روشن میسازد. آن فلسفه‌که همه ما درجستجوی آن هستیم. وآن فلسفه (مرگ وزندگی است).

مرگ را اغلب معمائی می‌پندارند در حالیکه مرگ علاوه براینکه معمائی نیست‌از ساده‌ترین پدیده‌هائی که ممکن است تصورکرد ساده‌تر میباشد گمان میکنم طرز ازبین‌رفتن مرحوم دکتر شاه بهرامی خود دلیلی براین ادعا باشد.

ولی آنچه‌که معماست آن زندگی است‌که سرتاسرش معما است. من نمیدانم که حضار محترم اتفاق افتاده است پیش خود زندگی رامجسم وآنرا تعریف وتوجیه وتجریه وتحلیل نمائید؟ بنظر بنده زندگی از یك عمل فیزیولوژیك و غرائز دیگری آمیخته و بصورت یك‌سلسله رنجها وآزار وشکنجها تظاهر میکند. بطوریکه میشود گفت زندگی‌یعنی رنج یعنی عذاب.

منتهی همین رنج وعذاب است‌که بشررا درشاهراه ترقی سوق داده و آنرا بسرحد کمال وانسانیت رسانده است زندگی پیامبران بهترین دلیل بر این مدعی است. چه در تمام دورهٔ زندگی زجرکشیده ولی سرانجام در اثرپاکیزه‌کردن نفس خویش توفیق‌حاصل یافته وانسان کامل گردیده‌اند.

مرحوم دکتر شاه‌بهرامی هم به‌پیروی ازهمین اصل در فروردینماه ۱۲۹۶ در یزد چشم بدنیا گشود - پدر ومادرش خرسند شدندکه خداوند بدانها پسری عطاکرده‌است. آنها هم مانند سایر پدران ومادران دیگر خوابهای طلائی برای نور دیده خود دیدند و سرانجام آنرا بدست استاد دبستانی سپردند من نمیدانم‌که استادنخست مرحوم دکترشاه بهرامی کی بوده است ولی امشب بروح او درود میفرستم چه این طفل دبستانی راخوب‌و

باایمان بار آورد .

دکتر شاهبهرامی دوره‌های دبیرستان ودانشکده رابپایان رسانید ودرسال ١٣٢٥ از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل گردید . چون شخصی باایمان وباتقوی بود بفکرافتاد که باید کانون خانواده تشکیل دهد .

دکتر شاهبهرامی قبل از اینکه ازدواج کند بامن زیاد رفت وآمدداشت وپیوسته بمن میگفت که از خدا میخواهم کسی راکه میخواهم شریك زندگی خود نمایم بسرحدپرستش دوست داشته باشم . چه خوب بمقصود رسیدوکسی را برای همسری برگزیـدکه حقیقتاً دوست داشتنی بود چه در تقوی - عصمت وپاکدامنی بی‌نظیر ودرکمك بشوهر وجلب خاطر شوهر هم یکتا بود دکتر شاهبهرامی در این هنگام نفسی کشید وتصورکردکه به‌افق‌معهود خودرسیده است‌غافل از اینکه آنچه راکه‌حس کردلمعهٔ سرابی بیش نبود - چه راه پرپیچ وخم‌دارتری در انتظارش بود ولی چون انسانی کامل ومردی باحقیقت بود باعزمی راسخ مشت‌ها راگره‌کرد وسربالائی زندگی را باتوفیق‌کامل طی‌کرد تا آنکه چون بحـدکمال رسید در تاریخ ١٨ تیرماه ١٣٤٤ دعوت حق رالبیك‌گفت وجان رابجان‌آفرین‌تسلیم‌نمود مرحوم دکتر شاه‌بهرامی علاوه براینکه درزندگی اجتماعی خود انسانی کامل و پزشکی وظیفه‌شناس شده بود در مدارج دانشگاهی همچنان مقامی‌کسب‌نمودکه ضرب‌المثل همکاران ودوستان بود.

دکتر شاهبهرامی فردی بودکه درمصاحبه همیشه جلب توجه میکردچه ، قیافهٔ بس باوقار وموزون وپیوسته خنده نمکینی برلب داشت‌که حقیقتاً غم وغصه را از دل شخص‌می زدود .

درست است‌که مرحوم دکتر شاهبهرامی یکنفر بود. یعنی ازشمار دوچشم یکتن‌کم ولی ازشمار خرد هزاران بیش - سالها مـادر وطن باید هزاران طفل صالح بار آورد و تربیت نماید تایکی مثل‌وی گردد.

مرحوم دکتر شاهبهرامی خیلی زود بزرگترین مقام دانشگاهی را کسب کرد ولی افسوس‌که زود رخت بربست وبسرای جاودانی شتافت .

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود.

هیچگاه نمیشود تصورکردکه دکتر شاه‌بهرامی ازبین ما رفته است - خیر دکترشاه بهرامی ازبین مانرفته است . تازه او مدارج کمال راطی‌کرده یعنی جسم خاکیش ازروح بالایش جدا شده و امشب درهمین جا وجود دارد یعنی درست درمقابل چشم شما و پهلوی

بقیه درصفحه ٥٨

سخنرانی جناب آقای دکتر معتمد استاد دانشگاه و رئیس بخش آزمایشگاه سینا در مجلس یادبود دکتر شاه بهرامی

[redacted]

همکاران محترم : خانمها . آقایان

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

مرحوم شادروان دکتر شهریار شاهبهرامی وهمسرشان در نتیجه یك سانحه وحشتناك ازبین رفت وقلوب تمام همکاران و دوستان خود را غرق اندوه وماتم کرد. من سالیان متمادی بامرحوم دکتر شاهبهرامی همکاری نزدیك داشتم وهرچه اورا بیشتر میشناختم به سجایای اخلاقیش بیشتر پی میبردم یادآوری وجلوه قیافه متین وجدی وساکت او تأسف مرا از فقدانش بیش ازبیش میسازد.

تأثر و تأسف من بیشتر ازاین جهت میباشد که سالیان دراز طول خواهد کشید تا کودکی شاه بهرامی گردد وبتواند دین خودرا نسبت باجتماع وخانواده خود اداو خدمات اجتماعی خودرا دنبال کند .

استادگرامی جناب آقای دکتر ورجاوند دربیانات خودشان فرمودند که امروز گرد آمدن ما در اینجا برای یادبود شادروان دکتر شاهبهرامی وخانمشان بوده ومجلس ما مجلس سوگواری نیست . ماهم خیلی مایلیم که سوگوار نباشیم لیکن طغیان احساسات مانع می‌شود. ودرچنین مواقعی بشر همواره بسختی قادر بکنترل احساسات خودمیباشد. ماچطور میتوانیم دکتر شاهبهرامی راکه مدت قریب بیست سال از نزدیك با ما همکاری و آشنائی داشته و در تمام جلسات ومذاکرات جزو اعضای جدی و فعال گروه آزمایشگاههای بالینی بوده واکنون متأسفانه درمیان ما نیست فراموش کرده وسوگوار نباشیم.

بافقدان مرحوم شادروان دکترشاهبهرامی دانشکده پزشکی یکی از افراددانشمند وآزمایشگاههای بالینی یك عضو مؤثر خود را از دست داد که باین زودیها نمیتوان جای خالی آنمرحوم را پرکرد .

به پیشنهاد گروه آزمایشگاههای بالینی وموافقت ریاست محترم دانشگاه قرار است که محل کار آنمرحوم در بیمارستان فارابی که ازبدو تأسیس تاکنون متصدی و رئیس آن

بقیه درصفحه ۴۰

بیانات آقای اردشیر جهانیان در مجلس یادبود روانشادان دکتر شاه‌بهرامی و بانو

جناب آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن زرتشتیان وسناتور محترم امشب وظیفه‌ای بینده محول فرمودند که انجام آن از دوجهت برایم بسیار دشوار است از یك جهت باید دربرابر اربابان فضل ودانش ادای مطلب نمایم که در خود چنین مایه وسرمایه‌ای نمیبینم و بدین سبب باید قبلا از استادان ارجمند استدعا نمایم که هرآینه قصوری احساس نمودند بربنده خورده نگیرند ازجهت دیگر بخاطر ازدست رفتن پزشکی دانشمند و خدمتگذاری فداکار باید دراینجا مطالبی بعرض رسانم درحالیکه این فقدان جبران ناپذیر آنچنان بنده را تحت تأثیر قرار داده که قدرت بیان را ازمن گرفته است همانگونه که آقای دکتر معتمد فرمودند درچنین موقعیتی محال است بتوان احساسات اندوهبار خودرا خاموش ساخت در هرحال وظیفه‌ای محول شده وخواه ناخواه باید انجام داد بنابرین بدواً از کانون محترم پزشکان زرتشتی که چنین مجلسی رافراهم نموده وفرصتی برای اظهار احساسات داده‌اند سپاسگذاری مینمایم وآنگاه لازم میدانم ازجناب آقای دکتر صالح رئیس محترم دانشگاه و سایر استادان ارجمند دانشگاه که در تمام مراسم در تجلیل و بزرگداشت روانشاد دکتر شاهبهرامی بذل مساعی فرموده‌اند از طرف انجمن زرتشتیان وعموم زرتشتیان و خانواده شاهبهرامی سپاسگزاری نمایم .

در اینجا آقای دکتر معتمد درباره نامگذاری تالاری بنام روانشاد دکتر شاهبهرامی نویدی دادند که انجام آن ازهرجهت بسیار پسندیده و تحسین آمیـز است و میتوان گفت اینگونه سیاست تشویق و تجلیل از خدمتگذاران که پیوسته ازطرف دانشگاه پیروی میشود سیاستی است بسیار عالی و از اینطریق است که همواره خادمین فداکار را وارد میـدان خدمت وعمل مینماید .

جناب آقای دکتر آرمین درضمن بیانات فاضلانه خود فرمودند که درچنین مجلسی باید مطالب علمی وآموزشی مطرح گردد اینجانب نیز باپیروی از این دستور مقام پزشك و طبقات پزشکان را در اوستا مختصراً باستحضار میرسانم .

در اوستا واژه بئیشه‌زو که بمعنای دردزداست ومیتوان گفت کلمه پزشك نیز از همین واژه گرفته شده است بطبیب وپزشك اطلاق میشده همچنین در اوستا پزشکان بپنج دسته‌یاد شده‌اند که این پنج دسته عبارتند از :

۱ - اشو بئیشه‌زو که مشتق از دو واژه اشو بمعنی پاکی وپاکیزگی وبئیشه زو بمعنی پزشک است که باصطلاح امروزی پزشک بهداشت‌مینامیم .

۲ - داتو بئیشه‌زو که آنرا پزشک قانونی میخوانیم .

۳ - کرت بئیشه‌زو معنی آن کارت پزشک‌و باصطلاح امروزی جراح میگوئیم .

٤ - اوروروپئیشه‌زو که معنی تحت‌اللفظی آن دهنده داروی گیاهی است که امروزه پزشک بیماریهای داخلی مینامیم .

۵ - مانتره بئیشه‌زو پنجمین دسته‌ازپزشکان خوانده شده که باتلقین واندرزبیماران را درمان مینموده‌اند زیرا کلمه مانتره بمعنی کلام مقدس است ودر حال حاضر روانپزشک گفته میشود .

مطلب مهم دیگری که در اوستا تعلیم رفته طریقه صدور اجازه‌نامه طبابت‌است همان طور که میدانند در حال حاضر با ادای سوگندنامه سقراط اجازه طبابت داده میشود، اما در آنزمان سوگندنامه عملی برای سنجش وجدان و احساسات معمول بوده است بدین معنی که پزشک پس از پایان تحصیلات میبایستی سه بیمار دشمن را درمان نماید ودرصورتی که این سه بیمار درمان یافت آنگاه‌اجازه طبابت ودرمان‌بیمار خواهد داشت این‌مهمترین مرحله‌آزمایشی پزشک است زیرادراینجاست که‌کنترل احساسات وسنجش وجدان‌هرپزشکی تشخیص داده میشود ،

گذشته ازین تعالیم دراوستا پزشک راهمانند مقام روحانیت وخدمتگذاران اجتماع ستوده و در ردیف آنها خوانده است . درواقع هم باید چنین باشد زیرا خدمت پزشکی خدمتی است اجتماعی وهمگانی ایندسته از دانشمندان هستند که برای نجات جان مردم میکوشند و ازاینجهت است که خدمات آنها همواره مورد ستایش بوده وخواهد بود و به جرأت میتوان گفت که در اجتماع امروز هم پزشکان دارای قرب و منزلتی خاص هستند کما اینکه در این حادثه جانگداز عده‌ای دیگر هم جان خود را از دست دادند اما خبر شهادت روانشاد دکتر شاهبهرامی چون بمبی بود که در کشور منفجر گشت و همه را تحت تأثیر قرارداد آنچنانکه هنوز هم اثرات آن بخوبی آشکار است چه که همه میدانیم برای رسیدن بمقام عالی پزشکی ۱۲ سال تحصیل در دبستان و دبیرستان و هفت سال دورهٔ تحصیلات پزشکی راباید پیمود تابااین مقام رسید وآنگاه لااقل‌چهارسال‌لازم است که دوره تخصصی راآموخت وسپس‌باچندین سال تجربه وتحقیق میتوان بپایه دکتر شاهبهرامی رسید ولیاقت خدمت یافت .

بقیه در صفحه ٤۱

از : سرهنگ ۲ میرمهدی موبد (سرباز)

پشت بر ایران و ایرانی مکن

در این چامه روی سخن به جوانانی است که بنـام دانشجو بـه اروپا و امریکا میروند و پس از آنکه دانشی اندوختند و بجایی رسیدند ایران و ایرانی را پاك از یاد میبرند و با بیگانگان پیونـد زناشوئی میبندند و این نمیدانند ایران همان سرزمینی است کـه آنان را در آغوش خود پرورده است و ایرانیان همان مردمان پاکدلی هستند که هزینه آموزش آنان را پرداخته اند و آرزومندند به ایران باز گردند در راه سرافرازی ایران و ایرانی بکوشند .

ای که گشتی دور از آب و خاك
کـردی از آئینه دل جهـل پاك

جان من بر گرد بر این خاك پاك
مادر از هجران خود گریان مکن

میهنت نـوشیروان را بستـر است
خـوابگـاه کاوهٔ آهنگـر است

باش انـدر زنـدگی میهن پرست
خانهٔ اجـداد خود ویـران مکن

از هوس بیچاره میگـردد بشر
سوزد از نار هوس هر خشك و تر

سود ایران را مکـن دور از نظر
با وطن رفتـار نامردان مکـن

مهـر ایران ریشهٔ ایمـان من
جانفشانی در رهش پیمـان من

یادی از اجداد خود کن جان من
اصل خود را در جهان پنهان مکن

روبه انـدر بیشه شیران میـار
دزد بـر کاشانـه پیران میـار

همسر بیگـانه بر ایران میـار
ناکس اندر خاندان مهمان مکن

هان مشو مست اروپایی گـری
با خرد در گفتـه‌ام کن داوری

گفتـهٔ (سرباز) نبـود سرسری
پشت بر ایرانی و ایران مکـن

نوشته وگردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

از ۱۲۶۸ ببعد

(۱۷)

درسال ۱۲۶۸ محمد حسن خان سردار ایروانی بفرمانروائی کرمان منصوب شد و شاهزاده مؤیدالدوله روانه تهران گردید وسردار مشغول انجام امورکرمان شد و مدت سه سال حکمرانی نمود و درسال ۱۲۶۹ چون اشراربلوچ زوار وتجار را درحوالی راه طبس غارت کردند و هفت تن را کشتند و معادل هفت هزار تومان اموال ایشان را بردند محمد حسن خان سردار فرزند خود عبداله خان را بحدود بلوچستان فرستاد و اوتا قلعه سورمیچ که حدود مکران است برفت این محمد خان با بزرگان بلوچ استقبال کرده گوسفند فراوان آوردولی عبداله خان روزسیم جمادی‌الاول ۱۲۶۹ وارد قلعه قصرقند شد مردم بکوهستان فرارکردند عبداله خان امام علیخان سرهنگ را بانصراله‌خان وقاسم آقای یاور مأمورتصرف چندقلعه نمود درضمن محمد حسن خان ایروانی موفق بفتح رودان وقلاع بندرعباس نیزشده است زیرا در سال ۱۲۷۰ بامرشاه محمد حسن خان سردار امام علیخان سرتیپ را بالشکر بسمت رودان وعباسی روانه ساخت و اعراب راکه آنجا آمده بودند خارج ساختند . از وقایع این زمان باز چند فقره جنگ با بلوچها بودکه در همه قوای دولتی فاتح شدند و قلعه‌های مختلف را متصرف شدند وباغ ناصری امروزنیز ازباغهای احداثی محمدحسن خان درسال ۱۲۷۱ میباشدو بطوریکه مینویسند درسال ۱۲۷۱ درقریه سعیدی درگذشت. بدنیست که گفته شوددرزمان محمدحسن خان سرداروبائی درکرمان حادث شدکه معروف بوبای سرداری میباشد .

دیگرازحوادث زمان این حاکم این است که در سال دوم حکومت سرداردرکرمان برفی آمدکه ازیك ذرع معمول متجاوز بود و هرگز در شهرکرمان و بلوکات آن این نوع برف کس ندیده بود و خرابی زیاد ببار آورده منجمله درخت انجیر وانگورو انار را از آن برف در نرفت .

پس از فوت سردار حکومت به غلامحسین نام سپهدار رسید در زمان این حکومت هم اشرار بلوچ عده‌ای از زائرین را در محلی موسوم ریگ شتران گرفتار و اموال را غارت و سه تن از اطفال را اسیر کردند و از آنجا به خبیص آمده و ده قاضی را تاراج و چندکس را کشتند سپهدار به امامعلی خان سرتیپ که در بم بود ماموریت داد و او را مامور دفع اشرار نمود او نیز با سواران از راه لوت زنگی احمد بلوچها را تعقیب و در سه منزلی سیستان آن جماعت را یافت و همه را دستگیر و اموال را پس گرفته و سی و چهار نیزه سر بهمراهی حاجی خان غلام ایروانی بدارالخلافه فرستاد عده‌ای از خوانین بلوچ عرض فرمانبرداری نمودند ولی یکی از خوانین بنام محمدشاه خان سبی باستظهار قلعه سب لوای خودسری افراشت امامعلی خان سرتیپ با سپاه کرمان قلعه را مفتوح و مدافعین را اسیر ساخت و بکرمان روانه نمود .

در ضمن احوال (۱۲۷۲) قشون کرمان به بندر بوشهر آمده و حسب الامر قشون کرمان بحال آماده باش بجیرفت حرکت کرد که در صورت لزوم بسواحل یا بلوجستان و سند حرکت کند ولی چنانکه میدانید بر اثر رسیدن قوای انگلیس به بندر بوشهر و تهی بودن خزانه مملکت وفشار صدراعظم بفرخ خان امین‌الملك کاشی که در این وقت در پاریس بود ناچار قرارداد ۱۲۷۲ قمری در پاریس بسته شد وکار افغانستان بضرر ایران اتمام یافت و طبعا قشون نیز از نواحی جنوب بمحال خود بازگشتند .

بعد از سپهدار حکومت کرمان باکیومرث میرزا (۶-۱۲۷۵) بود که با وجود جوانی دراثر حسن سلوك بااهالی بلقب عمیدالدوله سرفرازشد ودر زمان این حاکم محمد اسمعیل خان نوری پیشکار بود وملخ خوارگی عجیبی روی داد.

در ۱۲۷۷ مستقلا حکومت کرمان را به محمد اسمعیل خان نوری تفویض کردند که بعدازدوسال بلقب وکیل‌الملکی ملقب شد وایشان جد خاندان اسفندیاری وعامری میباشند واولادش مثل مرتضی قلیخان وعدل‌السلطنه وسردار نصرت مدتها حکومت کرمان راداشته‌اند.

وایشان مصدرخدماتی برای کرمان بوده وازطرف شاه وقت در ۱۲۸۲ بلقب جلیل سرداری ملقب گردیده وحتی نامش برای وزارت اعظم در بار برده میشده است.

با همه طوایف کرمان بخوبی بسر برده وحتی دختر داد ودختر گرفت. درتجارت با کلکته وهندوستان وزراعت درکرمان بی‌نظیر بود ومدت حکومت او ۹ سال بود وبالاخره در ۱۲۸۴ فوت نمود وبقول رساله سایکس چون مأمورسفرسیستان شده بودهمین مسافرت تابستانی سبب مرگ او شد .

بعد ازفوت ایشان شهاب‌الملك بمدت یکسال وکسری حکومت کرمان را داشت و

وخدماتی انجام داد و به تهران احضار ونیابت حکومت را به جعفرقلیخان منسوب خود واگذار نمود وپس از رفتن مشارالیه مرتضی قلیخان سرتیپ پسر وکیل الملك نیز در رکاب ایشان به تهران رفت و بعداً در اثـر لیاقت حکومت کرمان و لقب وکیل الملکی بایشان مرحمت شد و نه سال حکومت کرد تاعلی محمد نامی ازمردم بی سروپای کرمان به تحریك مفسدین بواسطه گرانی حبوبات وگرانی غله ایجاد ازدحام وشوروشر نموده تا وکیل الملك به تهران احضار شد و حاجی غلامرضاخان شهاب الملك که بعداً ملقب به آصف الدوله شده بود بایالت کرمان سرافراز آمد (۱۲۹۵) ایشان کمال مراقبت را در نظر شهر و بلوکات نموده و مردم راآسوده مرفه الحال بداشت وعده‌ای ازاجامر واوباش شهر نیز یحیی خان کلانتر شهر را بقتل رسانیدندو بطوریکه میگویند موقع ازدحام مردم یحیی خان کلانتر سواره به چارـ سوق بازار آمده بمردم تندی میکندیکی میگوید قربان مردم نان میخواهند کلانتر میگوید (۰۰۰۰۰۰ اسب مرا بخورند) مردم غوغاکرده کلانتر را از اسب کشیده ودروسط چهارـ سوق زیردست وپا له میکنند وقتل کلانتر موجب تغییر حکومت میشود و شاهزاده نصرتـ الدوله فیروز میرزا فرمانفرما راکه مقارن همان اوقات ازوزارت جنگ استعفا کرده بود به فرمانروائی کرمان منصوب کردند(۱۲۹۶) وطبق امرشاه امورانتظامی وامنیتی محل را ازایشان خواستارشدنداین بودکه ایشان شخصاً بکرمان آمده ولدی الورود اشرار ومفسدین رادستگیر و قاتلین یحیی خان کلانتر کرمان را بمکافات رسانیدند وبلده و بلوکات کرمان را قرین امنیت وانتظام فرموده وبااینکه سال قبل درکرمان قحط وغلا بودنرخ ها را بطوری ارزان کردکه درآن سالهادر کرمان کسی جنس بآن ارزانی ندیده بود وگندم ونان راخرواری که یکصد من تبریز باشد ۲۵ ریال و جو ۱۵ ریال وگوشت یکمن یکریال و قس علیهذا

ازهرجهت اهالی کرمان وبلوچستان راقرین آسایش فرموده این شاهزاده اهل شعر وادب نیزبوده و روح الله خالقی درسر گذشت موسیقی ایران اورا از استادان بنام کمانچه دانسته است. برای آشنائی و شناسائی باید اضافه نمود که شاهزاده فیروز میرزای نصرت الدوله شوهر حاجیه هما خانم دختر بهاءالدوله پسر عباس میرزای ولیعهد یعنی نوه فتحعلیشاه و عموی ناصرالدین شاه بودکه قبلا لقب سالارلشکر داشته وبعداً لقب فرمانفرما یافته است. عبدالحسین میرزای فرمانفرما پسرهمین زن (هما خانم) بوده است.

هما خانم سه دختر دیگر هم از این شوهر داشته است که یکی حضرت علیا همسر مظفرالدین شاه و مادرناصرالدین میرزا وخانم فخرالدوله بوده است دیگری خانم نجم‌ـ السلطنه بانی بیمارستان نجمیه است. سومی نیز ماه سیما خانم میباشد که در شیراز مدفون است.

پس ازیکسال ونیم اقامت درکرمان درسنه ۱۲۹۸ برحسب استدعای شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرما حکومت کرمان به شاهزاده سلطان حمید میرزای ناصرالدوله فرزند ارشد ایشان واگذار شد و نصرت‌الدوله عازم تهران وسید میرزای ناصرالدوله عازم کرمان شدودرانارملاقات بین پسرو پدردست دادوامور مهمه ایالتی را بفرزند حالی نمودکه بعد ازیکی دوروز ملاقات پدرطریق طهران وپسرراه کرمان را درپیش گرفت. کفایت‌وشجاعت ناصرالدوله مشهورایران بلکه درممالك خارجه هم اشتهارداشت پس ازورودکرمان انواع مهربانی وسلوك را بااهالی فراخورحال وحرکت هرکس بعمل آورده هرجا وهرکس که مقتضی سیاست بود معمول فرموده وهمه روزه ازبام تاشام مشغول انجام امورایالت و نظم مملکت ووصول وایصال‌مالیات واقساط دیوانی وتربیت وتعلیم افواج کرمانی واصلاح امور رعیت وقشونی بودبعدازدوسال وکسری که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمانفرمادرتهران برحمت ایزدی پیوست لقب فرمانفرمائی هم بارث باورسید شاهزاده ناصرالدوله پس از یازده سال حکومت درکرمان در سال ۱۳۰۹ قمری وفات یافت شش سفر بـه بلوچستان نمود باغ شاهزاده کرمان درماهان که ازباغهای زیبا وبزرگ ایران محسوب میشود ازبناهای ایشان است که سالها وقت وپول بسیارصرف ایجاد آن شده است.

ناصرالدوله درسفرهای بلوچستان ازجنگ وجدال های مهمی که بین بعضی طوایف روی داده بود جلوگیری نمود خدمت مهمی که بـاکمك ابراهیم خان سرهنگ فرزند علی خان بمی نمود از استقلال بلوچستان جلوگیری کرد .

میجرساکس مینویسد قضیه آقاخان (که قبلا بدان اشاره شد) باستقلال بلوچستان لطمه وارد آورده و موجبات سقوط این ناحیه را فراهم کرد ابراهیم خان بمی که نانوا-زاده‌ای رشید بود باستقرار صلح و آرامش در بلوچستان نایل شد سرالیورسنت جان در ۱۸۷۲ درتوصیف او چنین مینویسدکه حاکم بم وفرمایش بلوچستان شخص کوتاه اندامی است که در یکی ازنواحی پرغوغای آسیا صلح وصفا حکم فرما نموده است.

بعدازابراهیم خان حکومت درخاندان اوماند و زین‌العابدین خان ملقب به اسعد-الدوله بحکومت رسیدکه احفاد او امروز دربم به سالار بهزادی معروف میباشند درقضیه کمیسیون تعیین سرحد ایران وبلوچستان و دخالت زین‌العابدین خان وبالاخره واگذار نمودن ناحیه‌ای از بلوچستان به انگلیسیها گفتگوهائی هست ودر تاریخ سایکس نیز بآن اشاره‌ای شده است.

خلاصه دردوساله آخر:درد گلوی معروف که بعضی‌ازاطباءاورانوعی‌ازطاعون شمرده‌اند

بقیه درصفحه ۵۷

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای مهربان نوشیان فرزند آقای خداداد بادوشیزه مروارید بهمردی دخت آقای مهربان در ۴۴/۴/۲۸

۲ - آقای کاوس ویرابیان فرزند آقای خداداد بادوشیزه شیرین دخت اهورائی زاده دخت آقای مهربان در ۴۴/۵/۲۱

۳ - آقای سهراب خادمی کلانتری فرزند دینیار بادوشیزه مهیندخت ماوندادی دخت آقای سروش در ۴۴/۵/۲۳

دهش خیراندیشان

۱ - جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس شورای ملی کمك بنیازمندان ۲۰۰۰ ریال

۲ - آقای دکتر خسرو نامداران بابت کمك به نیازمندان ۱۸۰۰ ریال

۳ - آقای ارباب رستم جمشیدیان بابت تعمیرات دبستان جمشید جم ۴۰۰۰۰ ریال

۴ - سرکار بانو ایران تهمتنی بابت خرید لوازم برای آدریان بنامگانه روانشادان گشتاسب رستم مهربان یزدی تهمتنی ومروارید رستم مهربان یزدی تهمتنی و نرگس موبد خدابخش ظهراب تهمتنی ۱۰۰۰۰ ریال

جمع ۵۳۸۰۰ ریال

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای مهربان نوشیان بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای کاوس ویرابیان بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۳ - آقای سهراب خادمی بابت گواه گیری وسالن ۲۲۵۰ ریال

جمع ۵۲۵۰ ریال

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ - آقای رستم ستوده نیا	۱۰۰۰ ریال
۲ - ورثه شادروان رستم فرهنگی	« ۱۰۰۰
۳ - بانوسرور فرودیان	« ۱۰۰۰
۴ - آقای دکتر اسفندیار استقامت	« ۴۰۰
۵ - « رستم فرودی	« ۲۰۰
۶ - « جوانمردی کرمانی	« ۲۰۰

۷ - » مهربان مه‌آبادی	۱۰۰ »
۸ - » دکتر دینیاری	۱۰۰ »
۹ - » دکتر بنداری	۱۰۰ »
۱۰ -» نامدار کیخسروان	۱۰۰ »
۱۱- بانو کتایون فریدون ایزدی	۱۰۰»
جمع	۴۳۰۰ »

سالن ایرج = پرسه

۱ ــ وراث روانشاد خداداد مهرابی ۶۰۰ ریال

۲ ــ وراث روانشاد مروارید اسفندیار شهریاری مبارکه ۲۰۰ ریال

۳ ــ وراث روانشاد بانو اردشیر کیخسروان ۵۰۰ ریال

جمع ۱۳۰۰ ریال

شاهورهرام ایزد

۱- آقای خداداد خدابخشی	۳۰۰ ریال
۲- » شهریار بامسی	۲۰۰ »
۳- » رستم کسرائی	۱۵۰ »
۴- » بهرام مدادائی	۱۵۰ »
۵- » خدابخش مرزبانی	۱۵۰ »
۶- » جمشید خداوندی	۱۰۰ »
جمع	۱۱۵۰ »

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ - دهش آقای مهندس شاهبهرام کیامنش فرزند روانشاد میرزا اردشیر کیامنش برای سالن ایرج کولر ارج یکدستگاه

۲ - یکنفر خیراندیش بنامگـانه روانشاد هرمزدیار فریدون ایزدی برای سالن ایرج ساعت دیواری بزرگ یکدستگاه

سدره پوشی

آقای سیروس مهربـان نـوشیروانـی در ۴۴/۵/۲۲ ازطرف خودشان درشاهورهرام ایزد

درگذشت

۱ - روانشاد کیانوش خسرو آذر کیوان در ۴۴/۵/۲۵

۲ - روانشاد بانو اردشیر کیخسروان در ۴۴/۵/۹

۳ - روانشاد فریدون منوچهر فریدونی در ۴۴/۵/۲۱

۴ - روانشاد شیرین مهربان شیرمردی مریم آباد در ۴۴/۵/۲۲ ازجهان درگذشته اند روانشان شادباد.

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۶۵۹ نفر
» دندانپزشکی	۳۸۵ »
» آزمایشگاه	۱۲۱ »
» تزریقات و پانسمان	۱۰۲۲ »
» دیاترمی	۵ »
» بخور پیسیلین	۳۰ »
جمع	۲۲۲۲ »

اخبار سازمان فروهر

(جوانان زرتشتی)

تأسیس کلاسهای عالی مذهبی

در این ماه کلاس عالی مذهبی زیـر نظر

آقای موبد رستم شهزادی تشکیل شد. دانش آموزان این کلاسهارا همان شاگردانی تشکیل میدهند که طی چند سال شش کلاس دینی سازمان را باتمام رسانده‌اند.

بدیهی است کسانیکه بتوانند آزمایش ورودی آنرا باموفقیت بگذرانند، میتوانند ثبت نام نمایند.

اجتماعی

جلسهٔ پیک نیک مانند گذشته ادامه داشته و با استقبال همگانی روبرو شده است. در تیرماه گردش دستجمعی باشرکت یکصدونودنفر ازهمکیشان درنساء برگزارشد که از برنامه‌های مختلف این جلسه فیلمبرداری رنگی نیز بعمل آمد.

جلسات نمایش فیلم

ازماه گذشته برنامهٔ تازه‌ای بصورت نمایش فیلم که هر هفته مرتباً شبهای چهارشنبه برگزار میشود، آغاز گردید.

در این جلسات فیلمهای آموزنده علمی، اجتماعی، ملی و هنری نمایش داده میشود و خوشبختانه همکیشان ارجمند و بویژه جوانان استقبال فراوانی ازاین جلسات بعمل آورده‌اند. ازاینرو سازمان مصمم است مرتباً این برنامه را همچنان ادامه دهد.

جلسات دیدار

توأم باشور وهیجان همیشگی هردوهفته یک بارپنجشنبه‌ها برگزار گردید.

سخنرانی

روز پنجشنبه بیست ویکم امردادماه آقای برونوتیرو از اعضاء سازمان مزدیسنان فرانسه، دربارهٔ تاریخچه و نحوهٔ فعالیتهای سازمانهای مزدیسنان جهان سخنرانی مبسوطی ایرادنمودند و درپایان بپرسشهای حاضرین پاسخ گفتند.

هنری

هنرمندان سازمان ازهم اکنون مشغول فعالیت جهت آماده کردن برنامه‌های ارزندهٔ هنری جشن مهرگان میباشند.

امید است همکیشان ارجمند باکمکهای بی دریغ خود بنیهٔ مالی سازمان راتقویت نمایند تا بتوان جشن رامطابق انتظارعمومی برگزار نمود.

دهش خیر اندیشان

۱ - آقای ارباب اردشیر فرهادیه جهت سدره پوشی بنامگانه والدهٔ گرامیشان ۵۰۰۰ ریال

۲ - آقای بوذرجمهر بزرگمهری جهت تعمیر مبل ۱۰۰۰ ریال

نیازمندیهای سازمان فروهر مطابق لیست ماه گذشته می‌باشد وانتظار میرودصاحبان خیردر این قسمت مارا یاری فرمایند.

اخبار شهرستانها

کرمان

از: گودرز فرامرزی

سدره‌پوشی

در روز بیستم امرداد٤٤ که برابر باسی‌روز ازدرگذشت رادمرد نیکوکار شادروان خداداد مهرابی بود بنا بدعوت قبلی از سوی اعضاء کمیته خیریه خداداد مهرابی ازکلیه جماعت زرتشتیان ساکن کرمان، آئین مذهبی ونیایش در محل پذیرشگاه خداداد مهرابی برگزار گردید.

از هنگام بامداد تا نیمروز آئین ومراسم جشن خوانی باشرکت کلیه موبدان کرمان بطرز بسیار آبرومندی برگزار گردید ونیز بعدازظهر همانروز دونفر بهدینان آقایان کیخسروسهرابی



وبهرام کملاغی بمناسبت همین روز از سوی کمیته خیریه خداداد مهرابی سدره‌پوشی شدند سپس آقای اسفندیار بهی‌زاده اشعارذیل را که سروده بودند خواندند :

جهان چیست آئینهٔ فعل ما
در او منعکس نقش افعال ما
«بیاری پروردگار توانا و درپرتوروانهای تابناک»
بمهرابی پاك نیکو سرشت
درود ثناها بباید نوشت
بپادافره نیکخواهی او
بهشت برین جاودان جای‌او
دژم گشته‌ام زآنك این مرد پاك
نماند و ندید هودهٔ تابناك
ولی بیگمان نام اینمرد نیك
به‌پندار و گفتار و کردار نیك
براه خدا و زراتشت پاك
نمودار اندیشهٔ تابناك
بدلهای مردم نشسته چنان
بماند مراین نام تا جاودان
بژرفی ببین وبیندیش ازآن
ستوده مهی از میان جهان
چنین رخت بربست وشادان برفت
خوشا برتوای مهتر نیکبخت
چو نام‌تو برجان‌ودلهای‌ماست
روان تو بی‌شك بفرجام‌هاست
ازاین‌مرگ‌واندوه پیروجوان
همه زاروگریان‌وخسته روان
چودل مهرتویاد دارد زیاد
بتومرگ ونیستی نزیبدزیاد
خداداد داد تو از نیکوئی
بفردوس جایت چنین بغنوی
روانت بفردوس مسرور باد
فروزنده باد و پرازنور باد
بیاری پروردگار بزرگ
اباکوشش‌این‌ساختمان سترك
بپایان رسدجای زایش شود

روان ترا پـر نیـایش شود
فروغ تو بر جان پاکت گواست
درودی چنین بر روانت گواست
فروزنده بادا روان و برت
پر ازنور بادا همی پیکرت
سزاواری ازپاك جان آفرین
درود و عطاء و بهشت برین
دگر آنکه تاهست برپا جهان
بود نام نیکوی تو جاودان
بهی زاده بر مرگ مرد خدا
مشو غمزده پاك شو از ریا

پس ازآن گودرز فرامرزی اشعاری راکه بهمین مناسبت سروده بود بشرح زیر خواند:

این درنشود یافت که هم سوده وهم خام یکی است
ساقی و می کوثر در کام تو و جام یکی است
از فضل و ادب تا بکمالات خداداد دو تا است
در جامعه مهرابی و در خلد ورهرام یکی است
ایـن همت عالیست و یـا پرتـو مـزداست
ای خاك سیه حیف که این گوهر یکتا است
از جود سخا تا بکرامات خداداد دوتـاست
در جامعه مهرابی و درخلدورهرام یکی است
نقدینهٔ عمـرت . شد . وقف بشر خاکی
تا اجر چه‌ها یابی کرفه است توراحاکی
موقوفه کجا؟ تا بامانات خداداد دوتاست
در جامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است
در زادگهت کرمان دادی همه را درمان
زایشگه نوسازت بعد از تـو رسد پـایان
هر ابنیهٔ تا بعمارات خداداد دو تـاست
درجامعه مهرابی ودرخلد ورهرام یکی‌است
صدقرن دگر مادرگیتی چوتوفرزند نبیند
این موهبت از جانب مزدا بدل کس ننشیند
از روح صفا تا بخرابات خداداد دوتاست
درجامعه مهرابی ودرخلد ورهرام یکی‌است
از مرگ توشد بریان. دلها ونشدگریان
بایست وگرنه خون از دیده شود جریان
دلها بگرو . تاباسادات خداداد دوتااست
درجامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است
گـودرز شده قـاصر ز انـدیشهٔ پـاك تو
کردار چوکرفه‌گر نور است بخاك تـو
فرمان‌ززبان.تا بامارات خداداد دوتااست
درجامعه مهرابی ودرخلدورهرام یکی‌است

در پایان آقای بیژن کشاورزی بیانیهٔ مبنی برکارهای نیك وخیرآن رادمرد بزرگ وستایش ازخدمات گرانبهایش ازحضار خواسته شد که باحترام آنروانشاد برپاخاسته ویکدقیقه سکوت نمایند ودرپایان نیزلرك توزیع گردید.

دهش خیراندیشان نیکوکار

آقای دکتر اسفندیار یگانگی جهت‌مصرفی داروهای درمانگـاه زرتشتیان کرمان از طهران اهداء نموده‌اند مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال

آقای ش.ك. که نخواسته‌اند نامشان‌ذکر شود جهت مصرفی داروهای درمانگاه زرتشتیان کرمان مبلغ ۵۰۰۰ریال

بانوهمایون کیانیان جهت مفروش سالن‌های شاه‌ورهرام‌ایزدکرمان زیلوی‌بافت یزد سه تخته

یزد

از : آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

جناب آقای دکتر اسفندیاریگانگی نمـاینده

محترم مجلس شورایملی بموجب حواله تلگرافی شماره ۴۲ مورخه ۴۴/۵/۱۸ مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای کمک ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد بحساب جاری ۳۳۵۷ بانک ملی یزد مرحمت نموده اند که موجب مزید سپاسمندی است. اعضاء سازمان و باشگاه تندرستی ودیرزیوشنی معظم له را از اهورامزدا آرزومندند.

جناب آقای دکتر فریدون ورجاوند بموجب دو امر کتبی شماره ۵۴ بانک ملی سعدی مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای کمک ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد بحساب جاری ۳۳۵۷ بانک ملی یزد مرحمت نموده اند که باعث مزید سپاسمندی میباشد افراد سازمان و باشگاه موفقیت و تندرستی ایشان را از خداوند خواستارند.

بیاد روانشاد استاد گوهر

نوشته : آقای شهریار خدایاری

استاد گوهر بانوئی بود ۹۳ ساله که دوران عمر گرانبهای خویش را در راه خدمت بفرهنگ واجتماع گذراند خدمت در راه فرهنگ از آنطریق که در سابق دوشیزگان ازرفتن بدبستان و فرا گرفتن علم وهنر منع میشدند و فقط عده بسیار معدودی بمدرسه آنزمان میرفتند.

این بانوی فرهنگدوست در آنزمان مشوق دوشیزگان بود و مبارز سرسخت بیسوادی تا آن جائیکه دوشیزگان راهمراه خود بدبستان میبرد ودر تعلیم علم وهنر بآنان فروگذار نبود و ازاین راه وطریق دسته دسته دوشیزگان بسوی دبستان رهسپار میشدند و استاد گوهر بادلسوزی ومراقبت فراوان در اشاعه علم وهنر بآنان کوشید.

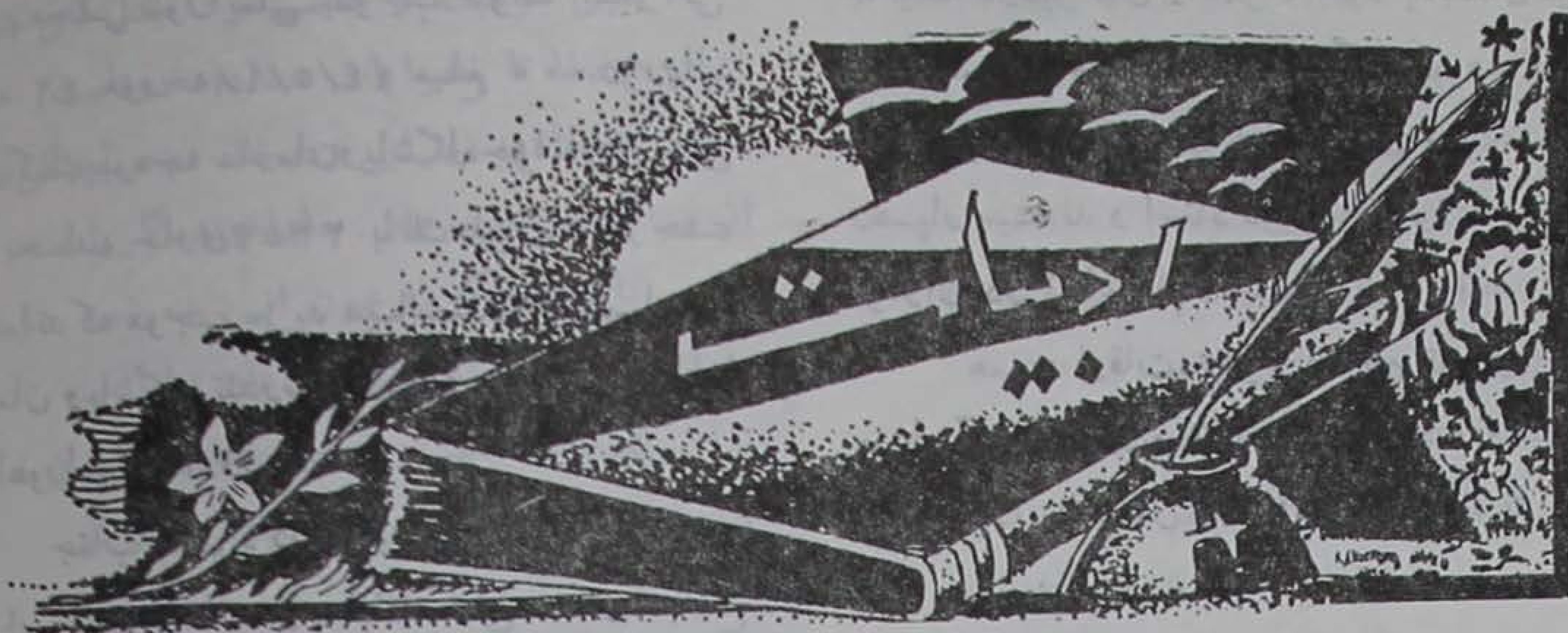
همیشه اوقات بخصوص در ایام تعطیل تابستان منزل آن شادروان مکتب علم وهنر بود ودوشیزگان جماعت درخانه آن بهشت آشیان بفراگرفتن علم و هنر مستفیض میشدند.

استاد گوهر در ۲۵ خرداد ۴۴ دیده از جهان بربست وبسرای جاودان شتافت حس قدرشناسی مردم درروز تشییع جنازه اش بخوبی نمایان بود. زن و مرد وپیرو جوان در مراسم تشییع جنازه آن روانشاد شرکت جستندو بفرزند برومندش ارباب جمشید پارسا که مراسم مذهبی روانشاد مادرش را بنحو آبرومندانه برگذار نمود تسلیت میگفتند. درمراسم مذهبی وپرسه آن بهشت آشیان مردم پس از گفتن تسلیت بارباب جمشید یک جمله دیگر هم اداء مینمودند وآن جمله این بود که «انشاالله همه مادران دارای فرزندانی مانند شما باشند».

شادی روان آن بهشت آشیان وعمر طویل همه بازماندگان راازدرگاه یزدان پاک خواهان وخواستار است.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هرماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویاچاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهندوهمچنین آنهائیکه مایل باشتراک مجله هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خودرا اطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.



از : روانشاد سروش سپهری

نصیحت

ای پسر گر تو خوری در این جهان یك چند غم
روح تو افسرده گردد می شود عمر تو کم
ای دل از بی‌چیزی و فقر و پریشانی منال
دولت و بختت اگر افزون شود بر خود مبال
زانکه آخر بگذرد عمر و نمانی در جهان
پس اگر بی غم بزیوی تو نبینی زان زیان
با سعادت شد کسی در این جهان کو غم نخورد
هر که غم بیهوده خورد اولذت از عمرش نبرد
مال و تخت و حال نیك و روز خوش دراین جهان
بر کسی دائم نماند همچنین فقر و زیان
حالیا ازفقر وبی چیزی مخور غم درزمان
گر کنی شادی نبینی هیچ در دنیا زیان

نوشته : رشید شهمردان

گوهرهای نهفته

مشك آنست که خود ببوید
نه آنکه عطار بگوید

گوهرهای نهفته چهاردهمین تألیف سرکار سرگرد اورنگ چند روز پیش برایم رسید . نوشتن آفرینباد چنانکه باید وشاید بر نوشته‌های این دانشمند باذوق و آگاه و ایران‌پرست که با پشت‌کاروهمت عالی‌وروش نوین درگزارش فرهنگ ایران باستان کوشاست از ما دنیاپرستان وخوانندگان سطحی ساخته نیست

گوهرهای نهفته مرا بیاد پیشگوئی روانشاد هیربد بهمن‌جی دهابر استاد اوستا و پهلوی ومرجع حل مشکلات ایرانشناسان مغرب‌زمین انداخت .

در حدود ۲۰ سال پیش برای حل مشکلی از اردیبهشت یشت بخدمت اورفته بودم، ترجمه‌های مغربیان و حتی دانشمندان پارسی‌که ازآنها پیروی نموده بودند باذوقم برابر نبود و باگزارش آن بفکر خودم اختلاف بسیار داشت . رأی ایشان راجویا شدم.خندان شدگفت گزارشی راکه نمودم درست و بجاست . آنگاه فرمود:

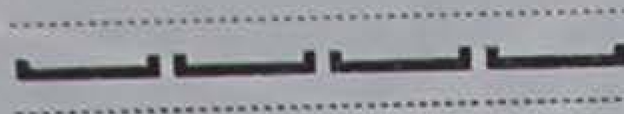
« زندگانی من بآخر رسیده ولی‌خواهیددیدکه در آینده نزدیکی دانشمنداناایران زمین در پژوهش اوستا وفرهنك ایران‌باستان کوششی بسزا خواهند نمود واشتباهاتی‌راکه مغربیان وماپارسیان بواسطه ناآشنائی بزبان پارسی ومحیط ایران درگزارشات اوستا و پهلوی نموده‌ایم درست خواهند نمود ، زیراکه آنها ایرانی و پارسی زبان مادری ایشان است وآوستا ریشهٔ زبان پارسی .»

اینك سرکار سرگرد اورنگ با نشر تألیفات خویش بخصوص گوهرهای نهفته نه‌تنها درستی آن پیشگوئی را ثابت واشتباهات ولغزشهای ایرانشناسان گذشته را نشان داده‌اند بلکه خدمت بزرگی بفرهنگ ایران باستان ونیاگان ایرانیان بویژه پارسیان نموده‌اند. امیدوارم چنانکه در آفرینباد بررسی یسنا پیش‌بینی نموده‌ام به بررسی تمام یسنا واوستا توفیق حاصل نمایند. ایدون ترج باد.

بمبئی ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۵

گزارش کتابخانه اردشیر یگانگی وابسته بانجمن

زرتشتیان تهران



از اول دی ماه تا پایان تیرماه ۱۳۴۴ تعداد ۲۹۷ کتاب و ۶۰ جلد مجله توسط اشخاص نامبرده زیر بکتابخانه اردشیر یگانگی اهدا گردیده که موجب کمال سپاسگزاری است.

کتابخانه آبراهام لینکلن	۸۷ جلد
آقای منوچهر لهراسب	۵۱ شماره مجله
» اردشیر فرهادیه	۴۸ جلد
» جهانگیر موبد	۳۹ »
» دکتر اسفندیار یگانگی	۲۱ »
خانم روشن‌روان	۱۹ »
» مروارید موبد	۱۶ »
» فرنگیس یگانگی	۱۰ »
» کتایون اسپنتمان	۹ »
آقای ارباب مهربان مهر	۶ »
» شجاع‌الدین شفا	۵ »
» دکتر ایرج بهروزی	۴ »
خانم مهین بهروزی (فرخزاد)	۳ »
» فیروزه بهروزی	۳ »
آقای افلاطون شاهرخ	۳عدد کلیشه بزرگ عکس اشو زرتشت
انجمن زرتشتیان	۳ جلد
بانو خانم بهزادیان بنامگانه روانشاد دکتر شهریار سلامت	۹ جلد مجله ۱ جلد کتاب و

آقای هورپاس ٢ جلد

هیربد جمشید کاوسجی کاتراك « ٢

آقای اسلام ارجمندی « ٢

خانم پری پیریان و آقایان اردشیر جهانیان - فریدون زرتشتی - هرمزد بهروزی - جهانگیر ایرمیان - محمدعلی امیر افسر - دکتر جوانمرد - سرهنگ بیگلرپور - باغچه بان - رستم ماوندادی - قاضی مرادی هر کدام ١ جلد.

جمع کل ٢٩٧ جلد کتاب و ٦٠ شماره مجله

ضمناً در این مدت تعداد ٥٣٢ نفر برای مطالعه کتاب و پرسشهای مذهبی و پژوهش های دینی و تاریخی بکتابخانه مراجعه کرده‌اند.

مدیر کتابخانه

موبد رستم شهزادی

اخبار شیراز

از : اسفندیار اسفندیاری

آقای ارباب رستم خدابخش ماونداد برای کمك بهزینه تعمیر آرامگاه پرداخته‌اند ٢٠٠٠ ریال

همکیشان گرامی

خوشوقتانه بمناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه دادگستر ایران و بپاس قدردانی ملت شریف ایران از خدمات برجسته و پر ارزش شاهنشاه والاتبار و بمنظور تجلیل و تقدیر در تهران و استانها وشهرستانها و حتی در دهات ایران مجالس جشن و چراغانی و سرور و شادمانی برگزار مینمایند.

از اینرو انجمن زرتشتیان تهران نیز برای شرکت در این افتخار ملی و مسرت عمومی و برگزاری مجالس جشن و چراغانی که خواسته عموم همکیشان است کمیسیون ویژه تشکیل و برنامه جشن و سرورتنظیم گردیده است که از روز ۲۴ شهریور تا ۲۷ شهریور ۱۳۴۴ بمدت چهارروز بموقع اجرا گذارده خواهدشد.

اینک برای اینکه عموم همکیشان گرامی بتوانند برنامه خود را با برنامه همگانی هم آهنگ سازند بدینوسیله مراتب را بعموم همکیشان گرامی بویژه بازرگانان و پیشه‌وران زرتشتی که مراتب شاهدوستی ومیهن‌پرستی خودرا در طول مدت تاریخ پر افتخار ایران به ثبوت رسانیده‌اند اعلام میدارد که در روزهای نامبرده موسسات ومغازه‌ها ومنازل خودرا با افراشتن پرچم وتزئین و چراغانی دراین جشن و شادمانی بزرگ ملی شرکت فرمایند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه بیانات دکتر معتمد

بوده‌اند بنام تالار شاهبهرامی نامیده شود ولوحه مخصوص برسر درآن نصب گردد وپس از تصویب شورای دانشگاه (که مسلماً موردتصویب قرار خواهدگرفت) اینکار عملی خواهد شد.

در خاتمه یکبار دیگر فقدان مرحوم دکتر شاهبهرامی را ببازماندگان آنمرحوم وکلیه پزشگان تسلیت گفته و از خداوند متعال خواستار صبر و شکیبائی برای آنها می‌باشم.

از شمار دو چشم یك تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش

بقیه بیانات آقای جهانیان

آن روانشاد تمام این مدارج را بشایستگی پیموده بودو ازهمه بالاتر مقام دکتری را برای عنوان ویا تفاخر و تفنن نخواسته بود بلکه برای کیفیت خود علم وخدمت به اجتماع برگزیده بود وآنچنان مقامی یافت که امروز فقدانش کاملا محسوس وجایش خالی است.

از طرف دیگر تأسف بیشتر از آنست در حالیکه کشور ما برای جبران کمبود پزشك ناچار از استخدام پزشکان خارجی است ویادست بدامان جوانان ما که درخارج بتحصیلات پزشکی سرگرمند میزند که بیایند واین کمبود را جبران نمایند. وآنوقت درچنین موقعیتی راننده بی‌مبالات وخطاکاری حادثهٔ جانگدازی ببار می‌آورد که همه را دردریائی از اندوه وتأسف فرو میبرد.

تازه معلوم نیست چگونه این قبیل خطاکاران مجازات شوند ویا با چه تدبیری از پیش‌آمد چنین حوادث ناگواری جلوگیری بعمل آید؟ پاسخ باین پرسش درحال حاضر بسیار دشوار است.

در هرحال میتوان گفت ماهمگی درمسیر چنین حوادثی قرار داریم‌مگر آنکه تفضل الهی مارا ازشراین حوادث حفظ نماید. چون هواگرم وسخنرانی بطول انجامیدقبل از اینکه بعرایضم خاتمه دهم باردیگر ازحضور حضار محترم دراین مجلس‌سپاسگزاری‌نموده و بعموم بازماندگان آن‌روانشاد تسلیت میگویم وضمناً از اینکه دراین هوای‌گرم برای شنیدن عرایضم حوصله بخرج دادید تشکر میکنم.

دفتر دبستان گیو

هرهفته روزهای دوشنبه وچهارشنبه صبحها از ساعت ۸ تا۱۲ برای‌نامنویسی آماده است.

با وسیله رفت و آمد دانش آموزان

دفتر دبستان جمشید جم

هر هفته روزهای دوشنبه وچهارشنبه صبحها ازساعت ۸ تا۱۲ برای نامنویسی آماده است.

با وسیله رفت و آمد دانش آموزان

بقیه دین و فلسفه

پاپ زنده سوزانده، میشد چنانکه «جوردانو برونو» فیلسوف ودانشمند ایتالیایی به چنین سرنوشت غم‌انگیزی که جهان دانش را سوگوار وسیاه‌پوش کرد؛ رسید. خود کریستف ،از اینکه عقیده داشت اگر بخط مستقیم بسوی باختر برویم به نقطه خاور میرسیم ؛ دچاراین خطر گردید وگالیلا با توبه کردن از دوزخ واتیکان رست. در قرن دهم میلادی دانشمند ایرانی درآغاز کتاب جغرافی خودازنقشه وهیئت زمین؛ موافق آخرین کشفیات بحث میکند و مینویسد : ـ

«زمین گرد است ، نیمه‌ای از آن آشکار و آبادان است و نیمه‌ای دیگر پوشیده دارد کاندر زیر ماست».

این کتاب سند دیگر پایدار وارزشمندی برای پابرجایی نام خلیج پارس است که مکرر ازآن نام‌برده ونقشه آنرا نشان میدهد ودرباره نام ونشان ابراهیم که موضوع بحث است درصفحه ۴۳ سرصفحه چنین است : «سخن‌اندر ناحیت هند» ودرمتن مینویسد :

«باکسان Baksan دیه‌ایست آبادان ومردان آنجاموی‌سر و ریش بستر ند واندر آن بتان بسیارزرین و روین(است) همانان(بتکده‌ها) جای‌زاهدانست وبرهمانند وگویند ما ازقوم ابراهیم پیغمبریم». برگه ونشانیهای‌دیگر تاریخی را درگفتار دیگر خواهید خواند.

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه‌بعضی ازجملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا و کمتر دارای خط‌خوردگی باشد

۲ ـ دریکروی کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات‌مشکل خواناتر باشد.

بقیه تشریف فرمائی

مؤسسات ودستگاههای بیداردل وآگاه ایران در اجراء نیات مبارك شاهانه برای ایجاد تأسیسات ورزشی کمال علاقمندی راابراز میدارند .

استادیوم ورزشی که اینك بدست مبارك افتتاح میشود ازجمله‌تأسیساتی‌است که بهمت و سرمایه وبذل ومجاهدت در این محل بوجود آمده وباکسب اجازه ازپیشگاه معظم بنام نامی والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی نامگذاری شده است این استادیوم بطوریکه ملاحظه فرمودند کاملا مجهز ومورد استفاده واقع‌خواهد شداینك از پیشگاه مبارك استدعا مینماید باقطع نوار سه رنگ استادیوم راافتتاح فرموده‌اجازه فرمایندمسابقات والیبال‌و بسکتبال آغاز گردد . زنده‌باد شاهنشاه پایدار باد شهبانوی محبوب و ولیعهد گرامی و شاهدخت فرحناز پهلوی .

شاهنشاه با قطع نوار سه رنگ استادیوم را افتتاح فرمودند آنگاه آقای اردشیر موبد سرپرست ومدیر استادیوم گزارشی بأین شرح بعرض‌رسانیدند .

جهان را دل ازشاه خندان بود — که بر چهر او فر یزدان بود

درود و سپاس فراوان بشهریار عادل و دادگستر ایران بادکه همیشه خادمین را تشویق میفرمایند . شاهنشاها از تشریف‌فرمائی ذات اقدس شهریاری وعلیاحضرت‌شهبانو ووالاحضرت همایون ولایتعهد ووالاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی سپاسگذاری مینماید.

دراین چندروزه دوستان وآشنایان ضمن تبریك بچاکر میگویند مرد موفق. ولی‌موفقیت این جان‌نثار ازشاهنشاه است زیرا مراحم وعنایات وآلطاف بیکران اعلیحضرت همایونی بوده است‌که چاکر جان‌نثار موفق شده‌ام. در تاریخ ۲۶ خوردادماه۱۳۴۳ آقای هرمز آرش عریضه‌ای به پیشگاه مبارك تقدیم داشته و استدعا نمودندکه شاهنشاه مفخم اجازه فرمایند درقطعه زمینی‌بمساحت۲۱ هزارمتر مربع‌استادیومی‌بنام نامی والاحضرت‌شاهدخت فرحناز باسرپرستی ومدیریت جان‌نثار تأسیس‌گردد خوشبختانه شاهنشاه با این استدعا موافقت فرمودند وفرمان جهانمطاع مبارك بسازمان تربیت‌بدنی ابلاغ گردید وبلافاصله‌با طرح و نقشه آقای مهندس مستغنی ساختمان آن شروع شد چون ایمان بخدا و شاهنشاه داشته وداریم این ساختمان ظرف مدت‌کمتر ازیکسال بپایان رسیده است. گزارش‌آن را درمواقعیکه افتخار شرفیابی به پیشگاه مبارك داشته‌ام بعرض شاهنشاه رسانیده‌ام و کراراً بوسیله ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی عنایات و مراحم شاهنشاه معظم بچاکر ابلاغ گردیده است .

شاهنشاها در اینجا وظیفه خود میداند از تیمسار سپهبد نصیری معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت واطلاعات‌کشور سپاسگذاری نمایم زیراایشان همیشه مشوق وراهنمای

مابوده و درهمه مورد باین چاکر جان‌نثار یاری و مددکاری نموده‌اند . همچنین تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه معاون‌وزارت آموزش وپرورش‌ورئیس سازمان‌تربیت‌بدنی‌تفریحات سالم ایران از روز اول شروع بکار همه‌گونه‌کمك ومساعدت معنوی وراهنمائیهای لازم و مشوق اصلی مابوده‌اند و درب اطاق دفتر تیمسار همیشه بروی جان‌نثار باز بوده است . شاهنشاها آقای آرش قطعه زمین‌دیگری بمساحت ۷۱ هزارمترمربع برای تأسیس‌استادیوم ورزشی بنام نامی والاحضرت همایون ولایتعهد بسازمان تربیت‌بدنی واگذار نموده‌اند.

اعلیحضرتا ازپیشگاه مبارك علیاحضرت شهبانوی محبوب استدعا دارد اقلا ماهی‌یك مرتبه باین استادیوم‌که بنام نامی والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی نامگذاری شده‌است تشریف‌فرما وجان‌نثار راسرافرازفرمایند.

اینك باکسب اجازه ازشاهنشاه دونیـایش مخصوص‌که همیشه شاهزادگان همـراه داشته‌اند بوالاحضرت همایون‌ولایتعهد ووالاحضرت‌شاهدخت فرحناز تقدیم‌میدارد.خداوند یکتا همیشه یار ونگهدارتان باشد زنده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاه .آنگاه دو کتاب اوستاکه مزین بتاج سلطنتی بود بحضور والاحضرت ولایتعهد و والاحضرت فرحناز تقدیم داشتند .سپس برنامه والیبال دختران وبعد بسکتبال پسران شروع گردیدکه مورد توجه اعلیحضرتین واقع شد وورزشکاران را تشویق میفرمودند. دراین موقع آقای اردشیرموبد ازپیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه استدعا نمودکه دفتریادبود استادیوم‌راتوشیح فرمایند این استدعا مورد قبول وشاهنشاه دفتر یادبودراتوشیح فرمودند.

پس از خاتمه برنامه ورزشکاران تیمسار سرلشکر دکتر ایزدپناه بپاس خدمات و زحمات وفعالیت آقایان هرمزد آرش واردشیر موبد ازپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه استدعا نمود به آقایان هرمزد آرش نشان درجه یك‌سپاس و اردشیر موبد نشان درجه دو سپاس‌که بتصویب ذات ملوکانه رسیده است مرحمت ومفتخر فرمایند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ضمن اظهارتفقد نسبت‌به ایشان نشانها را بنامبردگان مرحمت فرمودند و نیز علیاحضرت شهبانو بنماینده دختران ورزشکار جوائـزی مرحمت فرمودندمقارن ساعت ۷ بعدازظهر اعلیحضرتین ووالاحضرتین‌استادیوم‌را ترك فرمودند. در بیرون از استادیوم جمعیت‌کثیری ازساکنین‌تهران‌پارس‌نسبت‌بشاهنشاه وشهبانووالاحضرتین ابراز احساسات شدید نمودند.

در این مراسم آقای نخست‌وزیر وآقایان وزیران وعده‌ای ازشخصیتهای مملکتی و روزنامه نگاران حضور داشتند وبقراریکه اطلاع‌حاصل گردیده علیاحضرت‌شهبانوی‌محبوب ایران بااستدعای آقای اردشیر موبد موافقت ووعده فرمودندکه هرماه باستادیوم‌ورزشی والاحضرت فرحناز تشریف‌فرماگردند.

نوشته: یزدانیار بنشاهی ـ بمبئی

سر جمشید جی تاتا

یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین پایه گذاران هند نوین



باانتشار تمبر یادبودیکصد وبیست وپنجمین سال تولد سرجمشیدجی نسروانجی‌تاتا هندبیکی از پایه گذاران هند نوین که تمام‌افکارش بحقیقت پیوسته احترام میگذارد وافتخار میدهد.

جواهرلعل نهرو نخست‌وزیر فقید هند در سال ۱۹۵۸ وقتیکه ازکارخانه فولاد وآهن تاتادر شهر جمشید پور دیدن میکرد اورایکی‌ازبزرگ ترین پایه گذاران هند نوین خواند واین‌افتخار بزرگی بود برای سرجمشید جی.

جمشید جی درزمانی زندگی‌میکرد که‌تمام سران وبزرگان‌دولت‌ـ نویسندگان‌وسیاستمداران مشغول مبارزه برای بدست آوردن آزادی‌بودند اما جمشید جی تاتا دراین فکر بودکه بدون صنایع سنگین و ذوب آهن هند خوشبخت نخواهد شد وپیشرفت نمیکند.

برای این منظور هند بیك مرد باهمت ودوراندیش احتیاج داشت تاخواسته هندکه همان پایه صنایع سنگین بود پی‌ریزی کند و در نتیجه هند بصورت یکی ازقدرتهای بزرك صنعتی درآید.

این شخص سرجمشید جی تاتا بودکه برای رسیدن بهدف تحمل مشقات زیادکردو ازهیچگونه مشکل ومزاحمت‌نهراسید.

برای اولین مرتبه در تاریخ هند نخستین کارخانه فولادسازی (ذوب آهن) بوسیله جمشیدجی در دهی نزدیك شهر کلکته پایه گذاری گردید زیرا او دریافت که هیچ ملتی بدون آهن - ذغال ونیروی آب نخواهد توانست سعادتمند شود .

کارگاه عظیم آهن وفولاد تاتا روزبروز ترقی کرد و بآن عظمت رسید که امروز بزرگترین کارخانه ذوب آهن درآسیا وممالك مشترك المنافع میباشد .

درحال حاضر دهها هزارنفر کارگر با خانوادهشان درآن دهکده سابق که اکنون بصورت شهر بزرگی بنام «جمشیدپور» تبدیل شده زندگی میکنند این شهر در نزدیکی کلکته واقع شده است .

درتاریخ سوم مارس ۱۹۵۸ وزارت پست وتلگراف هندتمبر یادبود پنجاهمین سال تأسیس صنعت آهن درهند انتشار داد بروی، تمبر عکسی از دورنمای کارخانه ذوب آهن تاتا در جمشیدپور ونیز عکس جمشید جی در گوشه آن آن بچاپ رسانید و منتشر ساخت واین برای دومین مرتبه است که عکس جمشید جی تاتا بروی تمبرهای کشور هند ظاهر میشود .

علاوه برکارخانه ذوب آهن جمشیدجی موسس برق آبی است که درفاصله بین پونه- بمبئی واقع شده. او هرگز ازدیگران تقلید نکرد وفقط فکر خودش را بکار میانداخت و باساختن سد بزرگ و ایجاد دریاچهای ازآب باران کارخانه برق آبی خودرا براه انداخت و این کارخانه برق بزرگترین سیستم نیرو در جنوب شرق آسیا است و نه فقط تمام برق شهر بمبئی را تأمین میکند بلکه نیروی ایجادآن کمی بیش ازیك چهارم نیروی موجوددر سراسر هند است.

عشق وعلاقه سرجمشیدجی تاتا به علم وصنعت سبب گردید تامؤسسه تحقیقات علمی را درشهر بنگلور تاسیس نماید و بهترین تکنیسین وصنعتگر فارغ التحصیل تحویل جهان صنعت دهد .

گذشته از آن بودجهای تامین نمود که هرسال بهترین دانشجویان رابرای تحصیلات تخصصی بدانشگاههای بزرگ جهان بفرستند. ازروز تأسیس آن یعنی سال ۱۸۹۲ تاکنون بیش از ۵۰۰ نفر دانشجو برای تحصیلات عالیه بخرج این مؤسسه بخارج فرستاده شدهاند .

جمشید جی تاتا نهفقط بکارهای صنعتی علاقه داشت بلکه بکارهای عام المنفعه دیگر نیز میپرداخت . اویکی از بهترین مهمانخانههای هند یعنی هتل تاج محل را در شهر بمبئی

بقیه در صفحه ۵۳

کتابخانه

زرتشت و تعالیم او

نویسنده دانشمند وجوان آقای هاشم رضی که در افق نویسندگان سیمائی درخشان و دراجتماع ما نیز چهره‌ای آشناست درماه گذشته کتابی بنام زرتشت و تعالیم او دراختیار اهل تحقیق ومطالعه قرارداد.

در این کتاب قسمتی از اصول وتعالیم عالی اشوزرتشت را درهیجده فصل با روشی دانش‌پسند بتوجیه پرداخته وخواننده را بمفهوم حقیقی مذهب رهبری نموده‌است برای آنکه خوانندگان مجله باهمیت این کتاب واقف گردند نمونه‌ای ازآنرا در اینجا نقل مینمائیم مثلا درفصل یکتاپرستی چنین آمده است :

« درگاتاها از خداوند یکتا ، خردکل جهان وآفریننده بی‌همتا باعناوینی چون اهورامزدا ـ مزدااهورا ـ مزدا ـ اهورایاد میشود » زمان عقل بودو هنگامه خردمندی بهمین جهت اهورامزدا خداوندگارکل جهان معرفی شد .

دقتی در گاتاها ومطالعه سرودها آئینی را برای ما مجسم میسازدکه در رأس آن اهورامزدا سروردانا وخالق کل عالم قرار داردکه زرتشت پیامبراوست البته این‌توجیهات تنها وسیلهٔ تفهیم و تفاهم و بیان موضوع است چون الهاماتی که زرتشت بوسیله آنها سخن میگفت وآئین را اعلام میکرد مبتنی بود براصل نیروی دراکه ـ هوش و بینش فوق‌العادهٔ او ـ نه‌آنکه برپایه یك‌احساس صرف ـ درك پیش ازوقوع وشکلی از اشکال خیالی‌الوهیت باشد آئینی‌که بدینوسیله اعلام شدبرای پیروان زرتشت انقلابی آسایش‌بخش‌محسوب‌میگشت چون قید و بند خرافی رامیگسست واندیشه‌های انسانی راآزاد میکرددررأس دیانت‌جدید اندیشه نیك ـ گفتارنیك وکردارنیك قرار داشت سه اصلی‌که با اندکی از خودگذشتگی بمرحله اجرا درمی‌آمد وروابط انسانها رانیکو وآسایش‌شان را از دیدگاه روحانی و مادی تأمین میکرد. »

همچنین در فصل یگانگی یا دوگانگی نیز موضوع تازه و بحث جدیدی را عنوان نموده که‌بسیار جالب‌است :

« اگر بخواهیم دقیق‌ترشده ومفهوم حقیقی آئین دوتائی را دریابیم باید دانست تنها زمانی میتوان یك مذهب را دوتائی خواندکه هر دو اصل خوبی وبدی با شرایط و

امکانات متساوی روبروی یکدیگر قرار گرفته وتحت شرایطی برابر وباندازه یکسانی در جهان نفوذ نموده باشند و بشر خویشتن را بطور متساوی‌مقید ووابسته باین‌دونیرواحساس کند ونیروی مافوق برآن دو برابری ونفوذ نداشته باشد» وآنگاه‌چنین نتیجه گرفته‌است «که لازمه یك سیستم دوتائی آنست که گروه مردمان همانطور که برای‌نیروی خیریاارواح خوب احترام قائلند برای ارواح خبیث نیز به پرستش واهدای هدایاب‌پردازند حال‌آنکه تعارض وتضاد وستیز نیکی یابدی - خیر باشر ومثبت ومنفی درآئین زرتشت در تمام‌جهان مشهور است یك مزداپرست باتمام قوایش بانیروهای شر ستیزه ودشمنی میکند واهریمن‌و نیروهای اهریمنی را دشمن میشمارد وبآنان لعنت ونفرین میفرستد ومیکوشد تاحدمقدور نابودشان سازد ازاینجهت روشن است که آئین زرتشتی یك سیستم دوگانه‌پرستی نیست و اهورامزدا تنها خالق عالم وجود است»

آنچه دراین کتاب مورد بحث قرار گرفته بانحوی صریح وروشنی روشن نتیجه‌گیری شده است ودرواقع خواننده رابه ژرفنای حقایق تعالیم ومذهب زرتشت میرساند.

زحمت وکوششی که نویسنده دانشمند آقای هاشم رضی در راه گردآوری مطالب و تدوین کتاب کشیده درخور ستایش وآفرین گوئی است بیگمان آنهائی که درجهان پژوهش راه‌پیمائی میکنند با مطالعه‌این کتاب زودتر بمقصود وهدف میرسند یقیناً همکیشان ارجمند نیز برای آشنائی بیشتر بحقایق درخشان مذهب خود از مطالعه این کتاب گرانبها دریغ نخواهند نمود.

ما همواره برای این‌جوان دانشمند وپرکار وکوشا موفقیت‌بیشتر آرزونموده‌خدمات گرانبهایشان را درراه‌گسترش فرهنگ وآئین باستانی ایران میستائیم.

آگهی

چون‌برای جشن مهرگان کلوب جوانان درنظر داردهنرهای دستی سه‌نسل زرتشتیان رادرمحل سازمان بمعرض نمایش بگذارد ازعموم علاقمندان تمنی‌میشود که از روز بیستم تاآخر شهریورماه روزهای شنبه ودوشنبه وپنجشنبه از ساعت ۴ تا ۵ بعدازظهر بدفتر سازمان تشریف آورده کارهای دستی خود یاخویشانشان را در مقابل رسید بطور امانت بدفتر سازمان بسپارند البته بعداز نمایش تماماً سالم به - صاحبانشان تحویل داده میشود.

هیئت‌مدیره‌سازمان زنان‌زرتشتی

بقیه سر مقاله

اندرزی کافی دهند که ایران مال ایرانی و بدست ایرانی باید اداره شود . شاهنشاه فیروز بخت بعد از سالها تلاش و کوشش درراه برقراری آرامش و امنیت در خاك میهن چون نتیجه مطلوب را حاصل دیدند دست بتهیه طرحها و نقشه‌هائی مترقیانه زدند ودرراه رفاه و سربلندی وپیشرفت فرهنگ و بهداشت ملت خویش وآزاد ساختن نیمی ازمردمان کشوراز قیود قوانین غلط وبیهوده پیشین و تفویض کار بکاردان وتحویل زمین زراعتی بکشاورزان زحمتکش ودادن سود سهام کارخانجات بکارگران شریف ایرانی گامهای سریعی بجلو برداشتند و با شجاعت ودرایت بیحد و حصر ذاتی خویش انجام آنرا دنبال نموده وبرای احترام بآراء افراد میهن خود آنرا دروطه افکار عمومی قرار داده برنامه مترقی خود را بتثبیت ملی رسانیدند.

این منشور شش‌ماده‌ای که بنام انقلاب سپید شاه ومردم موسوم گردیده‌است ازآنجائی که باترقی سریع ملت ایران بسوی پیشرفت و تعالی بستگی دارد خوشبختانه بنا باراده توانای شاهنشاه باپافشاری وسرسختی عجیبی دنبال میشودچنانکه باوجودآنکه مدت زمانی طولانی از تصویب واجرای آن نمیگذرد اثرات نیکوی آن بمنصه ظهور رسیده است چه جوانان ارزنده و دانشمندکشور درگروههائی متشکله بنام سپاههای بهداشت ودانش برای رهانیدن توده‌های مردم از چنگال بیماری وغول بیسوادی وجهالت بسوی‌دهات و آبادیها روانه گشته‌اند .

زنان کشور در تعیین سرنوشت کشور خود شرکت جسته با تشریك مساعی‌درامورات مختلف مملکتی در حقیقت نیمی از قوای فعاله کشورکه بحالت رکود درآمده بـود بکار و کوشش افتاده ومیتوان گفت جمعیت فعاله ایران بدوبرابر سابق‌افزایش یافته است. برزگر ودهقان ازخود صاحب زمین وملك شده ونسبت بخاك میهن و آبادانی سرمنزل خـویش دلبستگی کامل‌یافته‌اند .

کارگر در سودکارخانه سهیم گردیده نسبت بکار خویش علاقه‌ای خاص مبذول داشته با دلگرمی بیشتر در افزایش سطح تولید و مـرغوبیت جنس دقتی کافـی مبذول میدارد که‌درنتیجه همه باهم موجبات‌افزایش سطح زندگی‌ورفاه وآسایش‌افرادمیهن رافراهم‌نموده است .

بعلاوه شاهنشاه ایران درطول سلطنت خویش توجه خودرا به بسط وآبادانی میهن فرموده و بامهارکردن آبهای سرکش توسط ایجاد سدهای عظیم وتأسیس کارخانجات‌تهیه کود شیمیائی افکار عالی خودرا بیهترین وجهی نموداد ساخته‌اند و از نظر صنعت نیز با

ایجاد کارخانجات پتروشیمی وتهیه مقدمات ایجاد کارخانهٔ ذوب آهن وکمکهای فکری در راه سرمایه‌گذاری هم‌میهنان برای کارهای تولیدی و صنعتی وراهنمائی وتشویق افراد در راه ایجاد مؤسسات صنعتی کشور را تاسرحد ممکنه بپای کشورهای مترقی رسانیده‌اند و علاوه براین شاهنشاه ایران با مسافرتهای عدیده بکشورهای بیگانه و شناسانیدن کشور ایران بخارجیان و حفظ و بالابردن موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور منتی بزرگ برملت ایران نهاده ودین خویشرا نسبت بمیهن بطور کامل ادا فرموده‌اندو نظر بهمین فداکاریهای بی‌شائبه است که ملت ایران بپاس قدردانی ازپدر تاجدار خویش بمناسبت کسب اینهمه موفقیت در افزایش ارزش بین‌المللی وآزادی وآسایش و ترقی وسربلندی خویش ، آغاز بیست وپنجمین سال شاهنشاهی پدر تاجدار خودرا جشن میگیرد .

ودر چنین هنگامی که در پرتو عنایات خاص شاهنشاه بزرگوار تمام طبقات از نعمت آزادی برخوردار گشته‌اند ما زرتشتیان که از باستانی‌ترین دوران تاریخ خدمتگذاری صدیق و فرزندی وفادار برای اینکشور بوده و پیوسته درحفظ و حراست میراث کهنسال خود با تحمل رنجها کوشیده‌ایم استدعای عاجزانه داریم که به میمنت بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار آن شاهنشاه با فروجاه وبشگون این جشن بزرگ میهنی همان موهبتی که در خدمات لشکری بما زرتشتیان عنایت فرموده و با افتخار به ایرانی‌الاصل بودن راه ترقی وطی مدارج‌عالیه را درارتش شاهنشاهی بروی‌ماگشوده‌اند اینك درخدمات کشوری - قضائی وسیاسی ما را ازاین موهبت برخوردارو اثر نامطلوبی که ازاصل ۵۸ متمم قانون‌اساسی باقیمانده امر برفع آن‌فرمایند وافتخار بزرگ دیگری برلوحه زرین افتخارات تاریخی خویش بیافزایند .

در این جشن بزرگ همه طبقات کشور شرکت میکنند تا مراتب حقشناسی خود را بطورکامل باثبات رسانند، جامعه زرتشتیان ایران نیز که همواره دلی آکنده ازمهرمیهن وقلبی مملو از عطوفت شاهنشاهی داشته و دارند و پیوسته در تحت عنایات ویژه شاهنشاه عظیم‌الشأن خویش از رفاه وامنیت کامل برخوردار بوده وتوانسته‌اند درکشور عزیز خود مصدر خدمات ذیقیمتی باشند با خلوص نیت روزهای خجسته ٢٤تا٢٧ شهریور سال جاری را جشن خواهندگرفت و از هم‌اکنون انجمنها وجمعیتهای وابسته بزرتشتیان ایران با شور وشعفی فوق‌العاده خودرا برای شرکت دراین جشن بزرگ ملی حاضر و آماده می سازند. مانیز بدینوسیله تبریکات صمیمانه وادعیه خالصانه‌خودرا بمناسبت‌این‌پیروزی‌بزرگ بپیشگاه شاهنشاه بافرو جاه خویش وملت نجیب ایران تقدیم داشته واز درگاه‌اهورامزدا تقاضا مینمائیم که ملت ایران سالیانی بس‌دراز بدرك این‌چنین اعیاد بزرگ درسایه درفش شاهنشاهی ورهبری‌خردمندانه اعلیحضرت‌همایونی‌محمدرضا شاه پهلوی‌موفق ومنصورباشد .

نوشته :
پریرخ بهروزیان

زندگی بمعنی واقعی

دوستی دارم که دختری است خوب و دردوران تحصیلش هم جدی و زرنگ.

چند وقت پیش از یکی دیگر ازدوستانم شنیدم که او در یکی ازدروسش تجدید شده خیلی ناراحت شدم زیرا اوزرنگ بودونمی بایست تجدیدشود. ازآنجائی که خیلی ناراحت بودم بمنزلش رفتم وقتی تکمه زنگ را فشار می‌دادم دستم می‌لرزیدوقلبم می طپیدهنگامیکه درباز شد بسرعت وارد شدم ویك راست بطرف اطاق دوستم روانه شدم باآهستگی چندضربه بدر نواختم و داخل شدم هنگامیکه قدم بدرون اطاق وی نهادم متوجه شدم که دوستم در گوشه‌ای ازاطان چمباتمه زده وبه تلخی می گرید برای اینکه شرط ادب و ادای احترام را بجا آورده باشم سلام کردم وحالش راپرسیدم، وماجرا را برایم شرح داد واظهارتألم زیاد نمود خلاصه بادلداریهایی که باودادم ونوازشهایی که باودادم ونوازشهایی که باوکردم کمی آرام گرفت وبا دستمالی که دردست داشت به آهستگی اشگهایی راکه برپهنه صورتش جاری بـود پاك نمود.

میدانید، قصد من از رفتن بمنزل او این بودکه او را دلداری دهم وتمام قدرتم را برای آرام ساختن‌وی و آشناکردنش با زندگی مصروف دارم باین دلیل کم کم آنچه راکه می خواستم باو بگویم به این ترتیب شروع کردم.

دوست‌من انسان‌هنگامیکه کلمهٔ «زندگی» رابزبان‌می‌آورد خیلی‌آسان بتلفظدر میآید وشایدهم کلمهٔ زیبایی بنظربرسدولی‌فهم‌آن ودرك ومعنی«زندگی» دشواراست‌خیلی‌هم‌دشوار است ولی برای‌کسانی سخت ودشواربنظر می آیدکه معنی آنرا درك نمی‌کنندونمی دانند زندگـی یعنی چه ؟

زندگی یعنی خوردن و خوابیدن ؟ یعنی تفریح وگردش؟ یعنی غم و اندوه ؟ یعنی

شکست و ناکامی؟ .... نمیدانند تقریباً مانند توکه هم نوعی ازآنها هستی. دوست من توهم هنوز زندگی را بمعنی واقعی درك نکردی ومعنی آنرا بطوری که باید نفهمیدی. زندگی غم خوردن وگوشه‌ای نشستن وگریه کردن نیست زندگی این نیست که انسان وقتی با مشکلی روبرو شد و یادرکاری شکست خورد در گوشه‌ای چمباتمه زندو باصطلاح آبغوره بگیرد وخود را ازهمه پست‌تر حس کند. زندگی این نیست که هرگاه انسانی بابی‌توجهی مواجه شد وکسی برای او وکارش ارزشی قائل نشد بفکر فرورود وخود را فردی بدبخت وکم ارزش وبیچاره پندارد. زندگی این نیست که تودر اینجا بنشینی وبرای هرهیچ وپوچ خود را غمگین سازی وبرای خود غم تراشی کنی.

آری دوست من زندگی این نیست.

دوست عزیز زندگی را باید باهمهٔ خوبیها و بدیهایش درنظر مجسم ساخت و همهٔ اطـراف و جـوانبش را در نظر گرفت انسان باید با خود فکر کندکـه در زندگی چه می خواهد؟ آیا طالب ثروت وثروت اندوزی است؟ آیا مقام و شهرت را خواستار است وآیا بقول معروف می خواهد الکی خوش باشد وهرجا خوش بود همانجا باشد وروزگار را بدین منوال سپری سازد؟

وقتی هدف خودرا درزندگی پیداکرد باید درپی کوشش آن برآید و درراهش تا آنجا که می‌تواند وبرایش مقدورمی باشدبکوشدلابدخواهی گفت که اگر کسی مانند من کوشید وشکست خورد آنوقت چه باید بکند؟سری بعلامت تصدیق تکان داد. خنده‌ای کردم وگفتم آنوقت باید مانند تو دراین گوشه بنشیند وگریه کند لبخندی گوشه لبانش نقش بست. بعد .... گویی خود را برای گوش دادن بسخنانم آماده می نمود. خود را جمع و جورکرد وآهی کشید گفتم نه دوست من بایدآنقدرازخودقدرت نشان دهد وآنقدرصبورباشد تابتواند دربرابرغول وحشتناك شکست پایداری کند ودرصدد آن باشدکه با قدرت ونیروی بیشتری این شکست را جبران کند نه اینکه دربرابرآن ضعف نشان دهد وخود را موجودی بدبخت حس کند دوست من توهنوزنفهمیدی که زندگی یعنی مبارزه یعنی جنگ وجدال باناکامیها. زندگی یعنی پایداری ومقاومت دربرابر پیشامدهای ناگوارزندگی.

دوست عزیزاین که غمی نیست توداری این قسمت خیلی کوچکی است ازناراحتیهای زندگی که بایك کوشش سریع وبایك جدیت کامل برطرف خواهدشد اصولا درزندگی باید ازاین قبیل چیزها وجودداشته باشد درزندگی باید سختی ورنج و شکست باشد باید غم واندوه باشدتا آدم قدرخوشی وخوشبختی را در یابد. وتوهم این را بدان که هرکس در زندگی غم وناراحتی دارد ولی هرکس بیك نحوی آنرا دارا می‌باشد تو ازاین راه غم

می خوری وخود را آزارمی دهی کس دیگر درراه دیگری غم می خورد مثلا یکی دیگر غصه می خوردکه چرا فرضاً مایونداردتامانند دیگران بدریابرود.... دراین موقع هر دو باهم خندیدیم گویی او آدم چند دقیقه پیش نبودکه گریه می کرد وروزگار را برخود تنگ کرده بوددرچهرهٔ اودیگراثری ازغم وناراحتی دیده نمی شدگویی سخنان من مؤثر واقع شده بودوکارخودراکرده بود خلاصه هنگامیکه می‌خواستم ازاو خدا حافظی کنم باو گفتم ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه است هنوز هم دیرنشده و تومی توانی کاملا کوشش کنی و خود را برای امتحان آماده سازی دستم را بگرمی و صمیمیت فشرد وگفت راستی که حالا معنی زندگی را درك کردم و فهمیدم که تا بحال چقدر بیخودی غصه می خوردم و وقت تلف می‌کردم و چقدر خوب شد که تو آمدی ومرا ازاینهمه غم بقول تو خودم برای خودم تراشیده بودم نجات دادی موقعی که مـی‌خواستم بروم این شعر عمر خیام را برایش خواندم که می گوید

ای دوست بیا تـا غم فردا نخوریم   ویـن یکدم عمر را غنیمت شمریم
فرداکه ازاین دیرکهن درگذریم   بـا هفت هزار ساله گان همسفریم

بعد دست اورا بگرمی فشردم وازاو خدا حافظی کردم ورفتم. آری آن چهره‌ای که من در آخرین لحظه می‌دیدم دیگر ناامید و غم زده نبود بلکه چهره‌ای بود پر از نشاط وامید آری امید..... امید .....

بقیه جمشید جی

ساخت. رفتاراو باکارگران بسیار خوب بود و برایشان تمام وسائل‌آسایش وتفریح‌ازقبیل کتابخانه ـ زمین‌بازی ـ حقوق خوب ـ اضافه‌حقوق وغیره‌فراهم میکرد . اواولین‌شخصی بودکه‌کارگران را در سودکارخانه‌ها سهیم نمود.

بعداز درگذشت جمشیدجی تاتا پسران ونوه‌هایش روزبروز درتوسعه مؤسسات‌صنعتی وتجارتی تاتاکوشیدند واکنون باداشتن کارخانجات ذوب‌آهن ـ فولادسازی ـ لکوموتیو سازی ـ اتومبیل سازی ـ روغن‌کشی ـ صابون‌سازی ـ عطرسازی ـ ریسندگی و پارچه بافی بزرگترین مؤسسه صنعتی و تجارتی درهند هستند.

نوه جمشیدجی آقای جهانگیر تاتا اولین شخصی بودکـه در۲۵ سال پیش خطوط تجارتی هوائی هند را تشکیل داد . امروز شرکت هواپیمائی هند با داشتن هشت فروند جت مسافربری یکی ازبهترین شرکتهای هواپیمائی آسیا واروپا است وروزانه دو پرواز بلندن دارد.

نامه‌های رسیده

دو نامه از آقای کیخسرو مژگانی رسیده که درنخستین نامه راجع بآرامگاه جدیدو مجهزی است که ازچندسال پیش دریزد ساختمان آن آغاز واینك روباتمام است نگاشته و یادآورشده‌اند که خوبست هرچه زودتر موجبات افتتاح آن فراهم وباوسائل لازم محاسن واصلیت استفاده ازآرامگاه رابهمکیشان مقیم یزد یادآورشوند و اینك که اکثریت قریب باتفاق افراد حاضرند از آرامگاه برای دفن اموات استفاده نمایند ترتیبی اتخاذ شود که سپردن جسد بدخمه موقوف گردد.

هوخت ـ انتظار میرود پس‌از تکمیل وافتتاح آرامگاه و همانگونه که نوشته‌اید با موافقتی که اکثریت‌دارند وهمچنین با مقتضیات زمان‌بخودی خود آن اقلیت هم‌ازاکثریت تبعیت نمایند.

***

دومین‌نامه درباره صدور کارت‌شناسائی ویژه افراد زرتشتی مقیم مرکز که ازطرف انجمن محترم زرتشتیان تهران آگهی شده نگاشته‌اند و بقراریکه از آن استنباط میشود مواجه باسوء تعبیرگشته ویادآورشده‌اند که خوب است تمام افرادزرتشتی یزد را هم جزء سایر همکیشان تهرانی خود محسوب نموده واینگونه موضوعات راکه جنبه عمومی دارد به مسئولین مربوطه دریزدهم اطلاع دهندتا اقدامات لازم بعمل‌آورند ودرضمن درباره‌صدور کارت شناسائی ترتیبی داده شودتا تمام‌افراد زرتشتی چه دریزد وچه درشهرستانها بتوانند آنرا دریافت و بدون دغدغه خاطر درمجامع دینی وانجمن‌ها حضور بهم‌رسانند.

هوخت ـ کارت شناسائی‌که ازطرف انجمن زرتشتیان تهران‌صادر شود همانندکارت انتخاباتی است وبمنظور شرکت ومعرفی در انتخابات انجمن زرتشتیان تهران میباشد و ازاینجهت اختصاص بزرتشتیان ساکن تهران دارد بدیهی است هرانجمنی میتواند چنین کارت شناسائی رابرای افراد وابسته خود صادرنماید تادر موقع انتخابات معرف شرکت کنندگان باشد اما نداشتن کارت شناسائی مانع ازحضور درمجامع دینی نخواهدبود.

آگهی

کتاب مفید وباارزش «زرتشت وتعالیم او» نوشته دانشمندجوان‌هاشم‌رضی منتشر شد.

بقیه اصول شش گانه

همچنین در ((ویسپرد ـ کرده ۳ بند۲) کشاورزان در ردیف موبدان ، شهرداران و لشکریان ستوده شده‌اند. دربخشهای بسیاری از اوستا ازکشاورزو واستریم سخن رفته است .

در فرهنگ ایرانی امتیازات فاحش طبقاتی موقعیتی ندارد واگردر تاریخ ایران گاهگاه و ازجمله دراواخر دوران ساسانیان به امتیازات فاحش برمیخوریم نباید آنرا بحساب فرهنگ ایرانی بگذاریم. اینها آفاتی بودندکه به ضعف وناتوانی اجتماع ایران کمک کرده وامکان دادند از خارج ضرباتی برپیکرملیت ما وارد آید. درفرهنگ ایرانی آسایش ،شادمانی ورفاه برای همه پاگان خواسته شده است (های۱۱ بند۱۵) .کارگر و کارفرما وسایر طبقات همه باید از حـد اقل زندگی و حداقل آسایش و رفاه اجتماعی برخوردارباشند. الواح گلی که از تخت جمشید بدست آمد ودرروی آنها میزان دستمزد، ساعات کار وآسایش، وسائرشرائط کارکارگرانی که درساختمان آن کاخ عظیم شرکت داشتهاند منقوش گردیده است مـؤید وجود قانون کار دقیق وکامل بوده است که در مورد همه ساکنین امپراطوری عظیم ایران صرفنظرازنژاد وملیت ومذهب اعمال میشده است. ابتکارخردمندانه شاهنشاه معظم درسهیم کردن کارگران در منافع کارگاه قدم عظیمی بوده دربرقراری حسن نیت بیشتروهمکاری کاملتربین کارگروکارفرما وتأمین رفاه بزرگتری برایکارگران چنانچه **درگاتاها برای نخستین بار راجع به کارگر سخن رفته و چنین آمده است... آری ای مزدا پاداش گرانبها را بدستیاری وهومن (نیك اندیشی) درهمین جهان خاکی بکسی بخشی که درکار وکوشش است. چنانچـه در آئین نیک توازآن وعده شده است آئینی که کارگران را بسوی عقل و تدبیر کشاند .**

درفرهنگ ایرانی آزادی فکرواندیشه، آزادی تصمیم وآزادی عمل همه جامحترم شمرده شده است منتهی در این آزادی همیشه باید با «خردمقدس» مشورت شود وبااندیشه روشن مسائل بررسی گردد. ضمناً راه زندگی روشن است وایـن راه یکراه بیشتر نیست و آن «راه راستی» است (های۲۷ بند ۱) .

در نماز معروف «اشم‌وهو» تأکید میشودکه خوشبخت کسی است که راست وطرفدار راستی باشد . با این ترتیب باوجود آزادی فکر واندیشه امکان بی‌راهه رفتن باقی نمی‌ماند .

درگاتها این آزادی فکر واندیشه و تصمیم ببالاترین وجه در جملات زیر تجلی

می کند :« باگوشهایتان بسخنان مهین گوش دهید وبا اندیشه روشن بآنها بنگرید و سپس شما زنان ومردان باآزادی راه‌خودرا برگزینید».

همچنین در فرهنگ ایرانی ملاك برتری شخص بردیگری فضیلت اوست آنمردان وزنانی در فرهنگ ایران ستوده شده‌اند که در اندیشه نیك ، کردار نیك و گفتار نیك بالاتر از دیگران باشند (ویسپرد – کرده ۳ بند ٤) .

روشن است که تنها وسیله تحقق هدفهای فوق داشتن دانش وسواد است . برنامه‌مبارزه با بیسوادی که بدست شاهنشاه خردمند و بیداردل ما طرح ریزی شده است وسپاه دانش مأمور انجام آن میباشد برای اینست که مردم این سرزمین با برخ-ورداری از سواد و دانش بتوانند خوشبختی خودرا تأمین نموده ، مصالح اجتماعی را بدرستی تشخیص داده با آزادی فکر وتصمیم ، با اتحاد و اتفاق‌کامل تحت هدایت و رهبری شاهنشاه درنوسازی وطن مقدس بکوشند.

(مانده دارد)

بقیه تاریخ کرمان

سه چهار پسر ودختر ناصرالدوله را از حیات عاری ساخت لهذا اورا کسالت وغم فرا گرفت پیوسته درحزن آن نونهالها بسر برد تا دراوایل سال یازدهم حکومت خودنیز مبتلا بزکام مسری شد ودرآن سال درتمام ایران بروزکرده بود و درکرمان نیزسرایت نموده بود و پس ازچندروزمنجر به چند مرض متضاد مثل محرقه ومطبقه واسهال گردید ودرآخر رمضان بسرای دیگر شتافت ونعش اورا باکوکبه و جلال در مزار مشهور به قبرآقا درخارج شهر کرمان امانت سپردند .

شاهزاده عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله پسرفیروز میرزای نصرت‌الدوله که دراین موقع درتبریز خدمت ولیعهد بود وبفنون اداری و نظامی کاملا آشنا بود لقب فرمانفرمائی یافته درتاریخ ذی‌الحجه ۱۳۰۹ بکرمان آمد و خدمات و آبادانی و امنیت فراوان نمود و چون علاقه زیادی بنظام داشت طوری امورافواج توپخانه ـ قورخانه سوار تفنگچی را مرتب کرد که هرگز باین خوبی و نظم و ترتیب دیده نشده بود و درهمین سال که اشرار وسارقین عرب وبهارلو در حدود فارس خرابی ببارآورده بودند ازطرف دولت مأمورتنبیه ایشان شد وازکرمان بالشگرفراوان بدانجا رفته اشراررا تار ومار وآنجا را منظم‌ساخت و بالاخره پس از مراجعت درسال دوم حکم رانی بدارالخلافه احضار شد

بقیه بیانات آقای دکتر آرمین

بنده ایستاده‌اند و باهمان قیافهٔ ملکوتی خویش شمارا خیر مقدم میگوید ودعای خیرمی‌نماید و ازشما میخواهدکه درزندگی همان راهی راروید که‌او درنوردیده است‌یعنی‌انسانی کامل و بشری باحقیقت گردید.

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش بنکوئی نبرند

سال ۱٦ شماره ٦ | شماره مسلسل ۱۸٥

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
٦ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

هوخت

گفتار نیک

مهر ۱۳۴۴



ـ مراسم گشایش کنگره جهانی مبارزه با بیسوادی بدست مبارك شاهنشاه آریا مهر

شماره ۷

ل ۱۶

فهرست مندرجات

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان در جشنهای زرتشتیان تهران

اهورم‌مزدام ریونتم خره‌ننگهنتم یزه‌میده خدای دانای هستی‌بخش پرفروغ و شکوه را می‌ستایم

ائریه‌نم خورنو یزه‌میده فرایران را می‌ستایم

خشتریانه خورنو یزه‌میده فرشاهنشاهی را می‌ستایم

خشتریانه هوداد یزه میده شاهنشاه نیک‌آئین را می‌ستایم

سروران ارجمند موهبتی که امروز ملت ایران از آن برخورداراست ازنظر کسی پوشیده نیست و نعمتهائی که از پرتو کوششهای شبانه روزی اعلیحضرت همایون شاهنشاه دادگستر از آن بهره وریم هرچند سپاسش بجـای آوریم یقیناً از عهده آن قاصریم بقول سعدی سخنور شیراز گر بهرموئی زبانی باشدت ـ شکر یك نعمت نگوئی از هزار

جشن و سروری که بفرخندگی خجسته جشن آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار شهریار خردمند برپاست خودگواه حق شناسی و سپاسداری مردم اینکشور است ما زرتشتیان که آئین شاهدوستی و میهن پرستی در خون و سرشتمان بودیعه گذاشته شده وازسرچشمه لایزال تعالیم مذهبی خود برخورداریم درخود بیش از همه این سرافرازی و شادمانی رااحساس میکنیم از این جهت بخجستگی این روز فرخ واین جشن پرشکوه شایسته آندیدم که برای نخستین بار نیایشی که دارای بزرگترین فضیلت ودرمقام تقدس ممتاز است بازگو نمایم یقیناً آنرا تا بحال نشنیده‌اید و اینك از شنیدن آن احساس غرور خواهید نـمود آنچـه خواهیـد شنید آرزوئی است بصورت راز و نیـاز از زبان پیامبر بزرگ باستانی اشو زرتشت که در حق شاه گشتاسب پادشاه کیانی جاری شده و هنوز هم از هر واژه و جمله آن درخشندگی خاص نمایان است و از آنجائیکه مـا همه ستایشگر وجود شاهنشاه با فـر و داد بوده به میمنت این جشن خجسته همان نیایش راکه آرزوی قلبی فرد فرد همگی است بازگو می‌نمایم واستدعادارم باحترام این سخنان خجسته بر پا خاسته و دراین دعا و نیاز شرکت فرمایند.

دعای ویژه

ای اهورامزدا ترا به اشوئی وپارسائی سپاسگذارم که مرا از فره ایزدی برخوردار

فرمودی. پادشاها که تراست شهریاری به تو آفرین خوانم وآرزومندم اززندگانی نیك. از زندگانی برتر و اززندگانی دراز بهره ورباشی.

خواستارم که مردان و زنان کشورتو دیرزیوند - فرزندان‌تنی‌تودیرزیوند بشودکه فرزندان تو همانند جاماسب دانا وبشاه کشوری چون تو آفرین خوانند.

بشود چون مزدا سود بخش‌باشی - چون فریدون پیروزمند شوی همانند دادگران نیکوکارسرورجهان‌گردی وهمانند سیاوخش زیبا پیکرو تابنده رخسار باشی.

آرزومندم چون خورشید از درخشندگی و نور افشانی برخوردار باشی و همچون ماه روشن روی و مانند آذرفروزان باشی - هماره چون مهر مهر ورز و دلیرخوی باشی چون سروش پاك بلند بالا و پیروزگر شوی همانند بهرام اهورا آفریده براندازنده بد منشان وباکامیابی وپیروزی برخوردارباشی.

مانند رام دهشمند وپربخشایش باشی - چون کیخسرو نیکنام وجاودان باشی.

شاهنشاها - از اهورا خواستارم چنان‌کامیاب گردی آنچنان‌که همه راآرزوست.

شاهدوستی ومیهن‌پرستی آئینی است که برپایه تعالیم مذهب باستانی‌این‌کشوراستوار و پابرجا مانده وهیچ حادثه‌ای در ارکانش رخنه‌ای ایجادننموده است ولحظه‌ای ازخون وسرشت مردم اینکشور جدانشده است. درآن هنگامیکه پیامبر باستانی ایران اشوزرتشت آئین یکتاپرستی رابمردم این‌کشور وجهان‌آموخت در آنزمان شاهنشاه کشور مظهرقدرت خداوندی‌ونیروی جاودانی اهورائی دانسته شدکه برای نمونه چند مورد آنرا باستحضار میرسانم.

ای اهورامزدا بشودکه ما جاودان ازکشور نیك تو بهره‌مند شویم‌بشودکه شهریار نیك در جهان بر ما فرمانروائی کند تو ای درمیان موجودات برترین. ودرجای دیگر چنین فرموده است.

در حقیقت‌پادشاهی برای‌کسی رواست وآنرا سزاوار وحق‌کسی میدانم وبرای‌کسی خواستاریم‌که بهتر بآموزش آئین اهورائی و راه نیك راستی و پارسائی بکوشد.

همچنین پیرامون سجایای پادشاه چنین آمده است:

آن فرمانروا وپادشاهی راست ودرست است‌که در آبادی‌کشور بکوشد - بینوایان را آرامش وآسایش بخشد وداد وآئین راست برپا دارد و بیداد و ستم را ازخود وملتش بدور سازد.

اینها اندکی بود از آنچه‌که راجع بشهریاری وشاهنشاهی درفرهنگ باستانی به‌یادگار مانده است.

مطلب دیگری که در اینجا باید باستحضار برسد مربوط به واژه ماه شهریور است این واژه که ریشه اوستائی آن خشتراوئیریه است و نام ششمین ماه سال است مفهوم آن مظهر قدرت ایزدی و فر و اقتدار خداوندی میباشد در جهان مادی نماینده نیرومندی و سروری و توانگری است که وجود شاهنشاه را مظهر آن دانسته و فر وفیروزی پادشاهان دادگر از پرتو این فرشته خوانده‌اند شگفت آنکه درچنین ماهی که دردوران باستان ویژه جشن و شادمانی شهریاران و پادشاهان بوده و در این ماه جشنهای شاهانه بر پا میگشته است در بیست وچهارم چنین ماهی شاهنشاه دادگستر ما زمام امورکشور را بدست گرفت و بمقام پر فر و جاه سلطنت رسید و اینك نیز درچنین مـاهی در سراسر کشور مجالس جشن و شادمانی برپاست و همه از جان و دل شاهنشاه خودرا میستایند و زندگانی دراز وکامیابی برایش آرزو مینمایند یعنی برای همان شاهنشاهی که ازآغاز سلطنت پرافتخارش تمام آرزو و امیدش بررفاه وآسایش مردم‌کشورش استوار بوده و در راه رسیدن بـاین هدف عالی هرگونه مساعی لازم مبذول فرموده است و اینك همه یکدل و یك زبان می ـ گوئیم :

اردشیر وطن و نـادر دورانی تو حـامی کارگر و یـاور دهقانی تو
ربع‌قرن‌است‌بایرانی‌وایران‌شاهی‌تو مایه فخر و مباهات به ایرانی تو

چون گفتار شاهنشاهان و بزرگان آئینه درخشانی از اندیشه وآرزوهای آنانست که یقیناً پایه‌گذار سعادت و رفاهیت جهان و جهانیان خواهد بود از اینجهت بـرای شگون این جشن نمونه‌های چند از بیانات شاهنشاه که مبین افکار بلندوروح دادگستر وملت‌نواز است در اینجا بازگو مینمایم واحساس میکنم ازهر شیرینی وشربتی‌کام شنونده راشیرینتر خواهد نمود.

در اول فروردین ۱۳۲۲ در پیام نوروزی چنین فرمودند:

شما ای ملت عزیز من و ای هموطنانیکه خون ملیت را در رگها و عشق به ایران را دردلهای خود دارید بیائید همه یکدل‌ویکزبان در راه این منظور بکوشید و خصایل پسندیده پیشینیان خودرا دوباره زنده کنید وبا پندارنیك ـ گفتارنیك وکردارنیك‌زندگانی خودرا اداره نمائید ویقین داشته باشید که ایران در سایه سعی وکوشش شما دوبـاره در میان اینهمه مصائب وشداید قد مردانگی برافراشته و دربرابر تاریخ‌کهن خود سربلند و مفتخر خواهد بود.

در آذرماه سال ۱۳۲۸ در امریکا چنین فرمودند.

تاریخ قرون‌گذشته امشب برای ما معنی خاص دارد ولی قبل ازهرچیزی میخواهم

شرحی راجع بخصوصیات اخلاقی که ما از اجداد خود بارث برده‌ایم و در این دوره دوهزار وپانصد ساله سهم بزرگی در تشکیل و پیشرفت تمدن باختر داشته وحتی در این دنیای پرآشوب بعد ازجنگ هم صفا وجلای خودرا از دست نداده است بسمع شما حضار محترم برسانم .

بیش ازهزار سال قبل ازظهور مسیح یك معلم بزرگ ایرانی بنام زرتشت ضمن تعلیمات خود گفت که دنیا را دو نیروی بزرگ یکی «یزدانی» و دیگری «اهریمنی» اداره میکند وزندگانی سعادتمند جز با پندارنیك ـ گفتارنیك وکردارنیك میسر نیست .

نفوذ و تأثیر این فلسفه عالی درمذاهب یهود ومسیح واسلام کاملا هویدا است .

شك نیست که در زندگی کنونی مااصل‌اخلاقی (پندارنیك) معنای خاص وبسیارمهمی دارد اکنون که تمام ملل بامنتهای جدیت در جستجوی حقیقت میباشند ومیخواهند درست و نادرست را ازهم تمیز دهند این اصل اخلاقی اهمیت مخصوص پیدا میکند «پندارنیك» طرز فکر صحیح ما را بطرف حقیقت‌سوق میدهد . درکنفرانس مطبوعاتی سانفرانسیسکو چنین اعلام فرمودند .

کشور من یکی از ممالك کهنسال گیتی است ومسئله اقلیت‌ها در این مملکت اصولا مطرح نیست ـ هر نژاد هر ملیت و هر مذهبی درکشور من در پناه قانون قراردارد و هیچگونه تبعیضاتی برای آنها موجود نیست . در بهمن ماه ۱۳۳۲ برای اعضای شورای دانشگاه حنین بیان فرمودند .

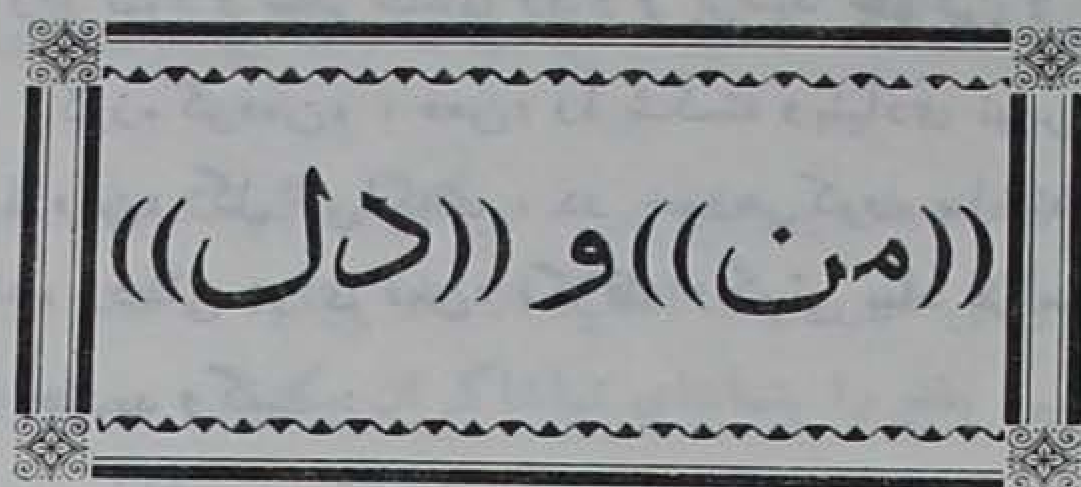
من تا آنجائیکه مقدور بوده و درقوه‌داشتم برای ترقی وسعادت ملك وملت کوشش کردم زیرا من هدفی جز حفظ ملك وسعادت ملتم که بعهده‌ام گذارده شده نداشته وندارم ونخواهم داشت .

فرهنگ ایران بسیار قدیمی وگرانبهاست این فرهنگ وسنت تاریخی و قوی در بحرانی‌ترین روزگاران مانند چراغی ایران را بسوی سعادت رهبری کرده وملت ایران را ازسقوط در وادی اسارت و بندگی حفظ نموده است. برای حسن ختام یك قسمت‌دیگر از فرمایشات شاهانه راکه هنگام شرفیابی هیئت رئیسه مجلسین در۱۴ امرداد ۳۹ بیان فرموده باستحضار میرسانم :

قانون برای همه مساوی وعموم دربرابر آن یکسان هستند وهر فردی که در این مملکت زندگی میکند مثل سایر افراد از تمام مواهب باید استفاده کند در زمان سلطنت خودم من همیشه سعی کرده‌ام که این اصول روزبروز بیشتر تعمیم پیدا کند .

بقیه درصفحه ۴۵

دادبه



ره بسر منـزل مقصود نبـردند صفا
بجز آن قوم که رفتند بپای «من» و «دل»

صفائی اسپهانی

از پشت و رو کردن دل ؛ خسته وچشمم بر نمیداشت :

« دمی‌هوش ورای وکوشش رابانیکهای درون و برون ؛ هماهنگ و دیگردم ؛ ناهم‌آهنگ ببینم » بتنگ بودم ویکرو شدن را باجان خریدار وبخود میگفتم **«یا مرگ دلخواهی یا مردن»** .

میخواستم این رهنامه را بربینشی خودآگاه استوار کنم . ناچارگومگوهای درونی بالا میگرفت و از دل میرنجیدم .

سرانجام بمژگان هنر وزهره‌ی بی‌باکی ، سیه‌خالی بچهر هستی‌کوبیده وبی‌چشم زدن چشم دوختم ویك رایی را بجائی رساندم‌تادل سوخت و چکه‌ی گوهرش ازچشمه‌ی چشم جوشید و دیدگاهمرا فراگرفت وگوئی در دل دریا دیده بگشودم . مروارید دل از دیده بدامن غلتید و اشك و دامن دردیدگاه معنی جوکناری‌گردید و مرا در خود کشید و همینکه سر فرو بردم بی‌کرانه دریائی شدکه ......

نوای دم؛ در سینه‌ی خاکی‌بگوش جان میرسید و بآهنگ شورانگیز شرشر باران هستی می‌پیوست .

«من» گاه بژرفا رفته وگاه سر برمیکشیدم . ناگه بکله‌ی‌کوهی‌که از دریا سرکرده بود، با نیزه‌ای زرین‌که ازدوسو به‌بی‌پایانیها میرفت وهستی جویان‌آسمانی وخاکی‌گردش میگردیدند ، ایستادم. دیری‌کشید ، ازگردش‌چرخ؛ خسته و سر بگریبان برده ، بزمزمه میگفتم :

این دل آوارهٔ من گرز سفر باز رسد خانه تهی یابد او هیچ نبیند اثـرم

پیر بلخ

ناگاه دل رخ نمود و شکرخندی زد و و پرسید **چونی ؟** گفتم :

دوسالیست ، کوزه گر«من» ، «من» را شکسته وبنیادی نوبرای سبویی نو وسالی نو ریخته وبا اینکه از«من» گل سی‌لگدی ، در خورهر کوره ساخته ، باز آستین بالانکرده وچرخی نچرخانده ودستی هوای «من» نگرفته وگوئی بباد فراموشی‌ام سپرده .

دل بقهقهه خندید وگفت :

هله نومید نباشی چو تو را یاد براند
که چوامروز براندنه که فردات بخواند
در اگر برتو ببنددمرو وصبر کن آنجا
بسر صبر تو را او بسر صدر نشانـد
وگراو بر توببندد همه درها وگذرها
ره پنهان بگشایدکه کس آن راه نداند
نه‌که قصاب بخنجر چوسر میش ببرد
نهلد کشته‌ی‌خود راکشد، آنگاه کشاند!

پیر بلخ

گفتم ای دل پر بهیچم مگیر که بیم و امید پیشم یکیست . بکام وناکامی کارم‌نیست، راهی خواهم‌که از توشه وهمراه‌بی‌نیاز است . دل ، چشمکی زد و زیرلب گفت :

« بپای دل سفرکن‌گر هوای ملك جان داری»

گفتم : « تاتی دل نمیدانم ، دستم بگیر و پابپا بر تا شیوهٔ راه رفتن‌آموزم » دل ، سرانگشت فرمان بالاگرفت و باآهنگی‌که درهستی پیچیده بود فرمود :

« هردمی که بیهوده بگذرد گناهیست نابخشودنی. تازمان را به‌پیاله‌ی هودمی نپیمانی ، از جهان معنا بگیتی آشکار نپیوند و نیکبودی نگیرد تـا بهم آهنگی هوهستیها درآید. پیوسته دروازه‌بان دروازه هستی‌باش ، چشم از دوچشم خویش مدار و درکار خودشناسی ، خودسازی، خودیاری ، هستی پیرائی ، هستی‌آرائی و هستی‌بانی ؛ همواره هوش و رای وکوشش جاوید را با هوهستیهای درون و برون هم‌آهنگ سازد و نهانزیبائی گیتـی شو ، در کار ، بدیده‌ی دل می‌بینی که ، این شیوه ؛ آفریدگار اشوئی ، هومنی ، توانائی ، مهربانی ، سرشاری ، بی‌مرگی ، خدایگانی، و نیکیهای بی‌پایان

شناخته و ناشناخته است . سخن اینست و بس ، آنکس کـه فهمید آسانش گرفت و کار بست و کسی که ندانست شکنجه‌اش پنداشت .»

گفتم ای دل ، با این‌کلید ، ره صد ساله پیمودم و گنج جاویدانی که ارزانی داشتی ارج میدارم .

سپس‌خواستم تا از سخنان پیر بلخ پرده برگیرم و گومگوهای خودمانی را باپژوه آغازکنم ؛ ناگاه بیگلربیگی دیر فراز آمد و از کار پرسید . گفتم در اندیشه‌ی آنم که آئینه‌ی آئین چکامه‌ی پیر بلخ را بتماشای تماشاگران بگزارم . بی‌درنگ چین به‌پیشانی زد و گفت :

« آنسان که شایسته و بایسته است از راز :

ای مـزاجت سرد کو تاس دلت — تـا درآن گرمابه تـوگیری قرار
شش جهت حمام و روزن لامکان — بـر سر روزن جمال شهـریـار
پیر بلخ

پرده برمیداری ؟

گفتم :

تا آنجاکه سزاوار است به پیمانه‌ای چند ، لب و کام تشنگان را ترمیکنم .

خشمش گرفت و گفت :

« دیر مغان پروا نمیدهدکه آئینه‌ی آئین پیران را بی‌شیوه ، برخی اینگونه اندیشه سازی و چشمه‌ی آب زندگانی جاوید را شبنم شبنم بدست هوابسپاری ! از ریخت و پاش بپرهیز و سدی راستین در پیش این چشمه بپاکن تا تشنگان وادی‌این راه یکجا سیراب شوند .

گفتم ....

انگشت‌گزید و گفت :

فرمان پیر مغان اینست ، خودسری مکـن ، رهنامه‌ی دل را یکجا بـه پژوه و دوستارانش ارمغان ساز وکاری مکن‌که خرمن این رنج به برق هوس بسوزد.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۳)

٤ ـ ابراهیم در تاریخ

در تاریخ ملل باستانی خاور زمین ، از آنمیان مصر ؛ میخوانیم که : ـ درواپسین روزگار خاندان شاهان «طب» نیرو وتوان آنها بسستی گرایید ، ایل هیکسسHycsos بیابان گرد چادرنشین ، از تنگه سویس به مصر تاخته ، مدت دو سده در آنجـا شاهی کردند . در دوره آنها مردمانی از آسیا بمصر درآمدندکـه از آنان یکی‌هم ـ خاندان یعقوب پیغمبر استکه بهوای پسر خود یوسف بآن‌کشور روانه شد . [اما رفتن یعقوب و یوسف به مصر در تاریخ آن‌کشور یاد نشده ، بلکه فروغی در ترجمه و تألیف تاریخ خود چنین قیاس میکند] . در تاریخ ملل شرق و یونان تألیف « البر ماله و ژون ایزاك » ـ هجوم قوم هیکسس بمصر را در پیرامون ۱۷ سده پیش از میلاد میداند و در باره ابراهیم مینویسد :

« ابراهیم یکی‌از شیوخ یهود بوده (البته از نظر تورات) که در شهر «اور»کلده در زمان شاهی «امرافل» (Amraphel)که بساهمان «حامورابی» باشد ، زندگی می کرده است » .

٥ ـ ابراهیم در قرآن

چنانکه گفته شد ، تورات نامها را با لهجه عبرانی خود تحریف میکند ، نـژاد ابراهیم راکه بساهندو آریائی بوده پنهان میدارد ، از اینروی برهمایابرهمان، «ابرام» و سپس ابراهیم میشود و نـام پدر اوکـه آذر بوده ، بدون ابراز نسبت او بهابراهیم ـ «العاذر» میگردد. اما در قرآن چنانکه‌گذشت محمد خود را از ملت ابراهیم میداند و در سوره انعام آیه ٧٤ چنین میفرماید :

« آنگاه که ابراهیم به پدر خود «آذر» گفت ، آیا بت‌ها را بخدایی گرفته‌ای ؟ ـ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم» . در تفسیر این آیه نوشته‌اند آذر عمو یا مربی او بوده و در نزد عرب چنین کسی را پدر میگفته‌اند ، یعنی قرآن از سنت تبعیت کرده ، و حال آنکه درچند آیه دیگر بدون بردن نام آذر تنها بگفتن «پدر» اکتفاشده ، چه مانع داشت که یکبار هم‌عنوان‌عمو یا مربی‌برده شده باشد؟. اکنون گیریم‌آذر عمو یا مربی ابراهیم بوده ، سخن برسرنام آذر است که تورات آنرا به «عاذر» تحریف کرده و چون لهجه عبری و عربی یکی است ، چرا قرآن آذر میگوید و از تورات تبعیت‌نکرده است ؟ . پس این نام ارجمند پارسی و از رهگذر معنا مقدس‌و سمبولیك‌کیش مشترك نژاد آریان هند وایران پیش از زرتشت بوده ودر آیین مزدیسنان جایگاهی والاوفلسفه‌ای ویژه در نیایش دارد که راز آن گفته خواهد شد .

۶ ـ مکتب ابراهیم در قرآن

در سوره انعام از آیه ۷۵ تا ۸۲ چنین‌است : ـ « و همچنین به ابراهیم ، ملکوت وباطن آسمانها وزمین را نمودیم تا بمقام اهل یقین رسید » . این برهان رشد فکر در یکتاشناسی است و باکیش اهورائی تطبیق میکند، چه هرگز در دین مزدیسنان آمد وشد فرشته بلکه وجود فرشتگان در پیکر مادی راه ندارد، مگر اینکه ملکوت بعنوان صفات وبه خصلتهای عالیه انسانی توجیه میشوند و درقرآن هم : آنها دیده شدنی‌نیستند ، بلکه عوامل طبیعت و مظهر اراده «اله» و خواست الهی هستند که خداوند عظمت وجلال ، آثار و اطوار قدرت خود را عموماً بفرشتگان منسوب میدارد. نمیتوان بفرشتگانی که درقرآن یادشده ، لباس موجودیت ویژه‌ای پوشانید . درقرآن فلسفه وجودی نیروی بی‌پایـان و قوای گوناگونی که از بودها ونمودها مکنونست تعبیر به ملائکه شده است که از میان‌آنها یکی هم ابلیس یا شیطانست و این فلسفه درست با امشاسپندان شش‌گانه و دوگوهر نیك و بد سپنتا مینو وانگرامینوی اوستا تطبیق میکند.

در تفسیر قرآن ، سرسیداحمدخان هندی ، در اینباره مینویسد:

« انسان مجموعه‌ایست ازقوای ملکوتی وقوای بهیمی وبرای هردوی آنهاهم ذریاتی بی‌حد و حصر هستند که درهرقسمت از اقسام خیر و شر ظاهر و هویدا میشوند » . این همان قضیه دوگوهر همزادگاتـاهاست که هر یك عوالم گوناگونی ازنیکی و بدی دارند و پیوسته در وجود انسان در کشمکش هستند که گزارش آنرا درگفتارهای پیشین خواندید .

هدف از این یادآوری توضیح این نکته است که درزمان ابراهیم درکلده «مردوك» خدای جهان‌کلدانیان سلطنت دینی داشته ، اینگونه مطالب معنوی و فلسفه الهی در آنجـا

رواج نداشته ، پس این آیات قرآن درباره ابراهیم مناسبت ووجه مشابهتی با کیش کلدانیان نداشته است .

در آیه ۷۶ ببعد میگوید - پس چون شب تاریك پدید آمد ، ستاره درخشانی دیده گفت این پروردگار من است . چون ستاره ناپدید گردید گفت نه ؛ آنچه نابودی پذیر است دوست ندارم - آنگاه که ماه تابان بر آمد ، گفت این است پروردگارم - وقتی آنهم پنهان شد، گفت اگر پروردگار مرا هدایت نکند ، من نیز از گمراهان خواهم بود - پس چون بامدادان خورشید سرزد گفت اینست خدای من، این بزرگترست. چون آن نیز فروکشید گفت - ای قوم من از آنچه شما شریك قرارمیدهید بیزارم - من باایمان خالص روی بکسی آورم که آفریننده آسمانها وزمین پاك است و من از مشرکان نخواهم بود.

مردم بااو درافتادند - گفت آیا بامن درباره خداییکه بدرستی شناختهام می‌ستیزید؟ من از آنچه شما شریك خدا میخوانید بیمی ندارم مگرآنکه خدا بر من چیزیرا بیمناك بخواهد - علم پروردگار من به همه چیز محیط است وشما به این حقیقت پی نمی برید - ومن چگونه از آنچه شما شریك خدا میدانید بترسم وشما از این شرك آوردن نترسید ، در حالیکه هیچ برهانی برآن شرك ندارید ؟ آیا کدام ازمن و شمابه ایمنی سزاوارتریم، اگر بتوانید بدرستی دریابید؟ آنانکه بخدا ایمان آورده وایمان خودرا باللباس ستم نمی آرایند امنیت و مصونیت دارند و به حقیقت هدایت شده‌اند » .

این گفتگو واستدلال ماجرای یك شبانه روز یا یکسال وصدسال نیست، بلکه سر گذشت قرنهاست که بر هندی وایرانی آریان گذشته تا بارشد تدریجی وفکر وشعور باطن؛ بیهودگی پرستش عوامل طبیعت هویدا گشته وآشوزرتشت فیلسوف بزرگ اجتماعی‌واقتصادی وپیشوای فکر بجهان آمده ومردم را به یکتاشناسی خوانده ودانایان قوم بدوگرویده‌اند و ابراهیم در جوانی از آموزش آیین زرتشت برخوردار گردیده و به اصول کیش اهورایی پی برده، خانواده و مردم شهر خودرا تبلیغ میکرده است .

در سوره مریم از آیه ٤٤ تا ٥٠ درباره جدال ابراهیم با مردم وموضوع کید و عناد شیطان سخنهایی است که باگفته‌های زرتشت درباره انگرامینو البته با زبان زمان یکسانست. در سوره انبیا این ماجرا بآنجا می‌انجامد که ابراهیم بت‌ها رامیشکند و کار به درآتش انداختن ابراهیم میکشد که درتورات دیده نمیشود. اکنون به‌بینیم فلسفه آتش زرتشت که سمبول کیش اوست دریسنا چیست ؟

درقرآن میگوید : - « قوم گفتند - « ابراهیم رابسوزانید وخدایان خودرا یاری کنید - اگرکاری ازتان‌ساخته است ؟ ما به‌آتش خطاب کرده گفتیم - ای آتش برابراهیم سرد و سالم باش . قوم در مقام کید و کینه برآمدندوما آنها را به سخت‌ترین زیان وحسرت

انداختیم » .

۷- راز آذر در یسنا و رستن ابراهیم از آتش

هات ۳۱ بند ۱۹ ـ « به آن کسی باید گوش فراداد که راستی را اندیشیده ، به آن دانایی که پزشك زندگی است . ای اهورا ـ به آن کسی که سخن خویش آنچنانکه باید تواند نمود ، در برابر «آذر» فروزان تو، ای مزدا هنگام بخشش مزد هر دو گروه (نیکوکاران و بزهکاران) . این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند ـ کسیکه گوش هوش فراداده و راستی را نیوشیده و پزشك زندگی است، خود زرتشت است چه ، او میتواند سخنان خودرا چنانکه باید استوار بدارد، اوست که در برابر آذر فروزان اهورا از بوته آزمایش پاك و بی‌غش درآید و پاداش خودرا بگیرد و نادانهای گمراه پادافره ناپاکی و بزهکاری خویش را درمییابند.

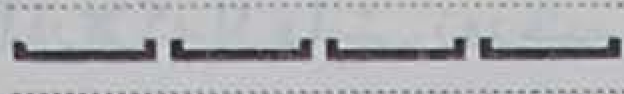
هات ۳۴ بند ۴ ـ « از آذر تو که از راستی زورمندست، ای اهورا ـ از آن نیرومندی که پیمان رفته خواستارم که ، به دوستان آشکارا رامش دهنده بود ، نك ای مزدا بدشمن بخواست دست تو هویدا رنج دهنده » .

درگزاره این آیه آقای پورداود مینویسد :ـ «درین بند چنانکه در بند ۱۹ و در بسیاری از بندهای دیگر ، از آزمایش آتش افروخته و آهن گداخته یاد شده است ـ در برابر آذر فروزان ، نیکوکاران گزند نیابند ، اما گناهکاران از آن آسیب یافته گناهشان آشکار گردد ». خواست دست کنایه از قدرت اراده است و جنبه ادبی دارد نه عنصری مراد اینست که در روز آزمایش واپسین کافی است که زبانه آذر در رامش بخشیدن یا آزار وزیان رساندن ، نیکوکار را از بزهکار و پاك را از ناپاك بازشناسند.

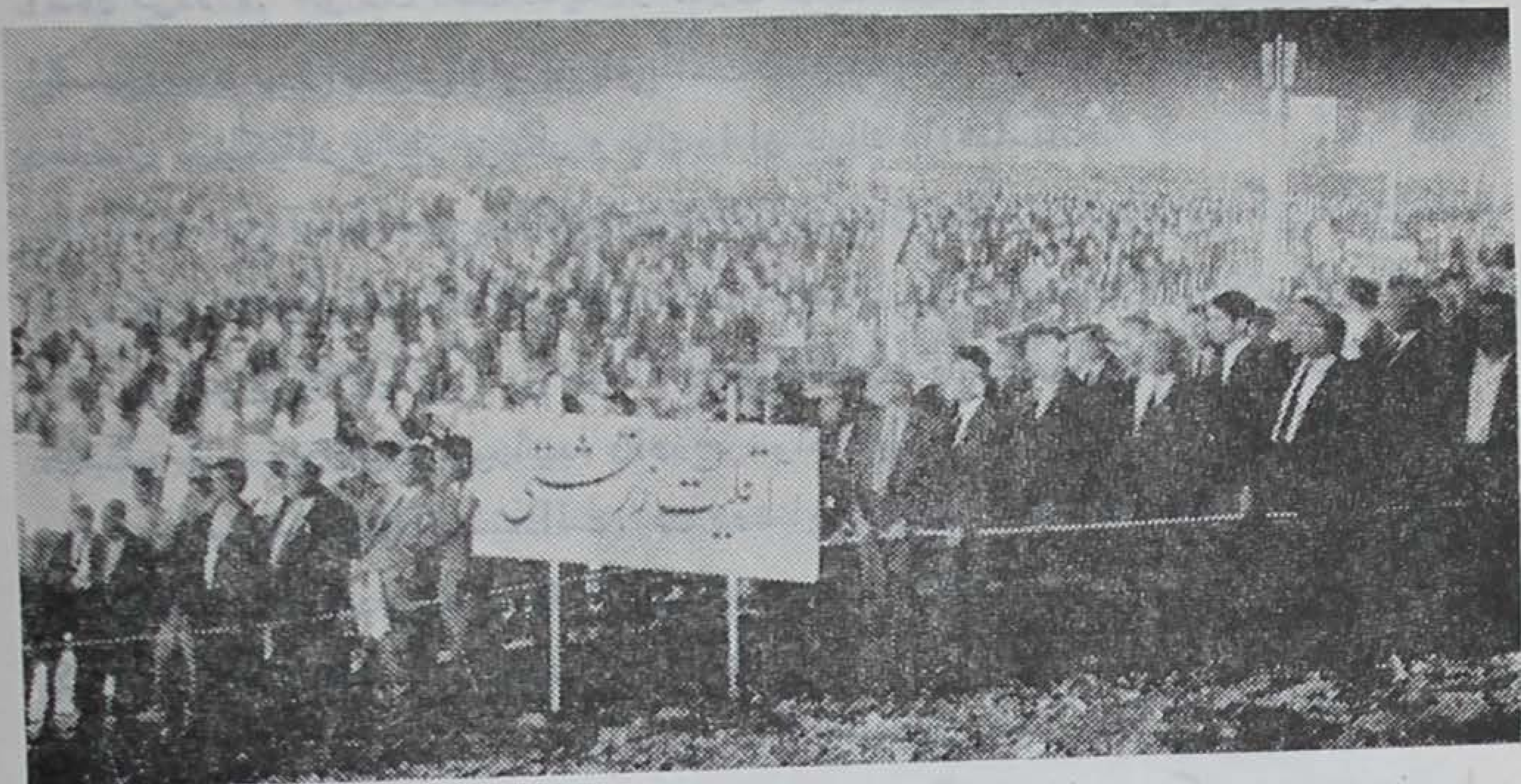
از این آیات چنین درمی‌یابیم که آذر فروزان کنایه از محیط زندگی مادی است، چه دنیای انسان سرشار از آتش فروزانست، انسان میتواند محیط آتشین زندگی را از راه خرد و دانش با اخلاق ستوده بر خود گلستان یا بهشت سازد و برای کسیکه دارای این شرایط نباشد ، آذر فروزان ، سوزاننده ودوزخ خواهد بود. پس انسان داناکه بعالم انسانی پی برده و بامکارم اخلاق آراسته است، در روشنایی این آذر فروزان ، یك زندگانی بی آلایش و با آرامشی طبیعی خواهد داشت و این معنی جهان مینوی یا بهشت زرتشت است . آنکس که بد دل ، بدخواه ، بداندیش ، بدخوی ونادان بوده ولی خودرا از همه داناتر بداند وزندگی دیگران را برای خوشی وخودکامگی خویش تباه میسازد ونام آنرا زرنگی و زیرکی نهاده با دروغ ونیرنگ ، بافریبکاری و روی وریا راه زندگی بسپرد ، فرجامی ننگین خواهد داشت ، درمیان مردم به‌بدی انگشت‌نما ورسوا خواهد بود . اوهمواره نیز

بقیه درصفحه ۴۴

جشنهای زرتشتیان ایران بمیمنت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر



تهران - انجمن زرتشتیان تهران با همکاری سازمان فروهر « جوانان زرتشتی » و سازمان زنان زرتشتی و سازمانهای فرهنگی این جشن خجسته را هفت شب متوالی در محل انجمن برگذار نمود و از حضار وشرکت‌کنندگان با شرینی وشربت پذیرائی شد که جزئیات آن بدینقرار است.



۱ - درنیایش بزرگ همگانی نیمه شب بیست وچهارم شهریور شرکت جسته وآئین دعا را بجای آوردند.

۲ - در شبهای جشن سخنرانان و چکامه سرایان با ذکر حقایقی از خدمات و اصلاحات اجتماعی که در پرتو رهبری شاهنشاه خردمند انجام یافته مطالب مفصلی باطلاع حضار که هرشب گروه انبوهی را تشکیل میداد رسانیدند . سخنرانان و چکامه سرایان عبارتند از :

۱ ـ جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان
۲ ـ آقای سهراب سفرنك دبیر انجمن
۳ ـ آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن .
٤ ـ سرکار بانوتوران بهرامی (چکامه‌سرا) عضو هیئت‌مدیره سازمان زنان.
٥ ـ آقای دکتر داریوش جهانیان رئیس هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
٦ـ آقای خسرو باستانی عضو هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
۷ ـ آقای خدایار هورمزدی (چکامه‌سرا) عضو هیئت مدیره سازمان فره‌وهر
۸ ـ سرکار بانوخانم فریدونیان (ورزا) عضو سازمان زنان زرتشتی

اخبار جشن و سخنرانی مرتب در رادیو پخش و صحنه‌ای از آن در تلویزیون



ایران نمایش داده شد.

۵ ـ یکی از مراسم باشکوه هفت شب جشن اجرای آئین نیایش شاهنشاهی توسط موبد خسرو برابر سنت باستانی وشرکت عموم حضار در این آئین مذهبی بود.



۶ ـ برنامه‌های هنری جوانان سازمان فروهر و دوشیزگان سازمان زنان ازهر جهت جالب و بخصوص سرود مهرشاه و ترانه منشور جلوه خاصی داشت . رقص محلی دوشیزگان نیز هنرمندانه بود .

ضمنا قسمت دیگری که تحسین‌آمیز بنظر رسید پذیرائی دوشیزگان سازمان زنان‌و جوانان سازمان فروهر از مدعوین وشرکت‌کنندگان جشن بودکه این وظیفه را بانظم وترتیب انجام دادند .

خلاصه آنکه هفت شب‌جشن درمیان نورافشانی چراغهای رنگارنگ با شادمانی و سرور زایدالوصف حضار باخاطره بسیارخوشی برگذارگردید.

اهواز ـ انجمن زرتشتیان باهمکاری سازمان جوانان زرتشتی اهواز مجلس جشن وسروری برپا وضمن سخنرانی وستایش ازخدمات ۲۴ساله اعلیحضرت همایون شاهنشاه با برنامه‌های سرگرم‌کننده حضار را مشعوف داشتند.

یزد ـ زرتشتیان یزد تحت هدایت انجمن زرتشتیان وهمکاری سازمان جوانان مجلس جشن وسرور ونیایش در محل آتش بهرام ترتیب‌داده بودند که‌جناب آقای‌فرماندار وعده‌ای از رؤسای محترم دوایر و وجوه اهالی حضور یافته در مراسم شرکت جستند. ضمناً سه شب متوالی یکهزارو پانصدنفر ازمستمندان اطعام شدند. برنامه جالب دیگری در نیمه شب ۲٤ شهریور بربالای‌کوه شیرکوه توسط جوانان ورزشکار سازمان جوانان زرتشتی بسرپرستی آقای دیانت باآتش‌افروزی ونیایش‌خوانی انجام یافت‌که از هر جهت جالب وتحسین‌آمیز بود.

کرمان ـ ساعت پنج بعد از نیمروز ٤٤/٦/٢٤ مجلس جشن و آفرین‌خوانی در محل پذیرشگاه مهرابی برپا گردید‌که در آن جناب آقای استاندار و عده‌ای از رؤسای دوایر دولتی ووجوه اهالی وجمع کثیری از همکیشان حضور یافته ودراین مراسم پرشکوه شرکت جستند.

در نیمه شب ٦/٢٤ نیز درصحن آتش بهرام مجلس‌مخصوص نیایش ودعا برابرسنت



دوشیزگان هنگام خواندن سرود

باستانی باشرکت عده کثیری ازهمکیشان و حضورجناب آقای استاندار و عده‌ای ازرؤسای محترم دوایر تشکیل یافت که باشکوه وجلال و درعین حال باروحانیت خاصی آئین دعا و نیایش انجام گردید ضمناً دعای ویژه زرتشتیان (ترجمه‌ای ازاوستا) که بکوشش آقای ارباب جمشید سروشیان چاپ شده بود بین مردم توزیع گردید.

دهات زرتشتی‌نشین یزد - برابر اخبار رسیده در تفت وخیرآباد، شریف‌آباد اله آباد و دیگر دهات جشنها ومجالس نیایش برپا داشته ازمسرت و شادمانی همگانی برخوردار بوده‌اند ومجالس خود را بادعا ونیایش بپایان رسانیده‌اند.

شیراز - روز پنجشنبه ۲۵ شهریور مجلس جشن ونیایشی باحضور زرتشتیان‌شیراز برپا گردید در این مجلس آقای موبد خسرو آئین نیایش مخصوص را اجرا و برای دوام سلطنت و بقای عمر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و والاحضرت ولایتعهد و خاندان جلیل سلطنتی دعا نمودند. این مجلس تاساعت۸ باشادمانی فراوان ادامه داشت. ضمناً ازآقای سهراب یزدانی که برای تزئین باغ همت بخرج داده بودند قدردانی شد.



تهران - چون در برنامه جشنهای زرتشتیان تهران بیش‌بینی شده بود که خیابان بزرگ تهران کاخ بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر نامگذاری شودازاین جهت ضرورت داشت که از پیشگاه شاهنشاه کسب اجازت شود. بدینمنظور آقای اردشیر موبد مدیرعامل شرکت آبادانی تهران کاخ طی عریضه‌ای از پیشگاه مبارك شاهنشاه استدعا نمودند که دراین باره امرملوکانه شرف‌صدوریابد بنا براین برابر امریه ۳۶۳۱–۴۴/۶/۲۲ صادره از دفتر مخصوص شاهنشاهی (بشرح زیر) مراتب بنامبرده ابلاغ شد :

« عریضه مورخ ۴۴/۶/۱۵ شما حاکی از تبریکات صمیمانه وابراز احساسات بی‌شائبه‌ای که بمناسبت آغاز بیست‌وپنجمین سال پرافتخار سلطنت‌اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی تقدیم داشته وضمناً یکبرگ نیایش بدرگاه ایزد متعال ضمیمه نموده و استدعاکرده‌بودید **خیابان سی متری کوی تهران‌کاخ بنام نامی مبارك ملوکانه نامگذاری شود از شرف عرض لحاظ مبارك گذشت و موجب خوشوقی وانبساط خاطرمقدس شاهانه گردید اجازه فرمودند خیابان مزبور بنام نـامی مبارك ملوکانه نامگذاری‌شود عواطف‌خاصه ذات اقدس شهریاری رابدین‌وسیله بشما ابلاغ مینماید.**

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی هیراد

بنابرین قرار است در طی یك مراسم رسمی و برگزاری جشن شایسته‌ای توسط یکی از مقامات صلاحیتدار ازروی لوحهٔ خیابان نامبرده پرده‌برداری شود .

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله بآدرس‌جدیدآنهافرستاده‌شود

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران بمناسبت جشن فرخنده آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه دادگستر ایران

بانوان و آقایان ارجمند از اینکه دعوت انجمن زرتشتیان را قبول و برای شرکت دراین جشن خجسته و فرخنده که بمیمنت آغاز ۲۵ سال سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه والاتبار و دادگستر ایران تشریف آورده‌اید اظهار تشکر و سپاسگزاری مینمایم . بواقع وازروی حقیقت عرض مینمایم امروز یکی از بزرگترین و پرافتخارترین



روزهای تاریخی ملت ایران است زیراخاطرات خدمات و زحمات و فداکاریها و جان‌بازیهای اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه عظیم‌الشان ایران را در مدت ۲۴ سال سلطنت پرافتخار خودبرای فراهم‌نمودن موجبات‌آرامش و سعادت و پیشرفت و افتخارات ملت ایران رابخاطرآورده و درنظرمجسم فرمائید.

آن‌وقت تصدیق میفرمائیدکه جزفره ایزدی شاهنشاه و عنایت و موهبت خدادادی امکان اینهمه موفقیت میسر نبوده .

ازاینرو ملت ایران حق داردبشکرانه این موهبت الهی وبادعا و نیایش بدرگاه خدای بزرك درپیشگاه شاهنشاه‌عظیم‌الشان هم‌که اینهمه موجب افتخار وآسایش وسربلندی ایران و ایرانیان رافراهم فرموده‌اند و مورد احترام وستایش جهانیان نیز میباشند سر تعظیم و تکریم فرودآورده وبرای طول عمر و دوام وبقای سلطنتش مجالس نیایش وجشن و سرورفراهم نمایند

باردیگر با اظهارتشکروسپاسگزاری ازتشریف‌فرمائی و شرکت حضارارجمنددراین جشن فرخنده ازهمکاری سازمانهای اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان بویژه جوانان هنرمند سازمان فروهراظهارقدردانی وامتنان مینماید.

آگهی

باستحضار همکیشان ارجمند میرساند چون در دومین جلسه فوق‌العاده همگانی پنجشنبه ۱۳۴۴/۷/۱ نیز اکثریت حاصل‌نشد ازآقایان همکیشان گرامی خواهشمنداست ساعت شش و نیم بعد از نیمروزآدینه ۱۶ مهرماه ۱۳۴۴ که سومین جلسه تشکیل می‌یابد در تالار خسروی حضور بهم‌رسانند ،

دستور جلسه

تصویب اساسنامه اصلاح شده انجمن زرتشتیان

ضمنا یادآور میشود که در سومین جلسه حد نصاب حضور عده حاضر در جلسه خواهد بود .

انجمن زرتشتیان تهران

بیانات آقای سهراب سفرنگ رئیس دبیرخانه انجمن زرتشتیان در مجلس جشن زرتشتیان که بمیمنت آغاز بیست پنجمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه دادگستر در محل انجمن زرتشتیان برگزار گردید

بانوان و آقایان ارجمند بطوریکه حضار گرامی استحضار دارند دراکثر ملل وجماعات عالم روزهای پرافتخار تاریخی وجود داردکه موجب سربلندی و سرافرازی و مایه‌غرور ملی و مباهات آن ملل و جماعات است که بیاد و یادبود آن هرسال جشن گرفته ومجالس سرور و شادمانی عمومی فراهم مینمایند و خوشبختانه ملت شریف ایران نیزدرطول تاریخ



پرافتخار ودرخشان سه‌هزارساله‌خوددارای‌روزهای تاریخی فراوان و افتخارات‌درخشان فنا ناپذیر بوده و میباشدکه دنیای متمدن دیروز و امروزنیز بواقعیت و حقیقیت و عظمت آن ایمان و اعتراف دارند و ایران را مشعل‌دارتمدن جهانیان میدانند .

و این قولی است که جملگی بر آنند

امروزهم بواقع یکی ازبزرگترین‌روزهای پرافتخار و جاودانی و تاریخی‌ایرانیان و یکی ازروزهای مسرت‌بخشی است که ملت بیدار و هوشیار ایران‌بپاس خدمات برجسته و پرارزش و معجزه‌آسا و نجات‌بخش که درطول مدت ۲۴ سال فـداركاری و جـانبازی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه‌آریامهروپدر تاجدارما ایرانیان در ظل عنایت و حمایت خدای‌بزرگ نصیب ایرانیان فرموده‌اند جشن‌گرفته وبا اظهارقدردانی و حق‌شناسی و سپاسگذاری درهمه شهرهای ایران حتی دهات و قراء مجالس جشن پرشور و سروری برپا نموده و با دعا و نیایش برای سلامتی ذات اقدس شاهنشاهی و پایندگی دودمان جلیل پهلوی شکرگزاری و ابرازمسرت و شادمانی مینمایند.

از اینرو ازخدای بزرك مسئلت داریم ایـران عزیزکـه سرزمین شاهنشاهان و زادگاه پاکان و اشوان و نیکان و راستان‌است درتحت توجهات وعنایات‌اعلیحضرت‌همایون محمد رضاشاه شاهنشاه‌آریا مهرکه وارث بالاستحقاق‌کورش‌بزرك و رضاشاه‌کبیرهستندمجد و عظمت ایران‌کهن تجدید و ملت شاهدوست و میهن‌پرست وحق‌شنـاس ایران‌براهنمائی و رهبری پدر تاجدار وعظیم‌الشان خود همدوش و همگام باپیشرفت زمان‌راه سعادت‌وترقی‌و تکامل‌را بپیماید.

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

جاوید شاه ـ پاینده ایران ـ کامروا باد ملت قدردان ایران

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننموده‌اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان بـا در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ۴ بـدبیرخانه انجمن زرتشتیان مـراجعه وکارت شناسائی دریافت فرمایند.

سروده توران بهرامی

خسرو عادل

بنام خدائی که داد آفریـد — بشررا خرد در نهاد آفـریـد

بخورشید نـور و بسر شور داد — بدو عشق و در بازوان زور داد



بما رهبری داد روشن روان | خردمندو بیدار و پاکیزه‌جان
از او آریـائـی سرافراز شد | شکوه کهن از نـو آغـاز شد
اهورا در این کالبد جان دمید | وزا و آریا مهر آمد پـدیـد
نمـودا رشد فـره ایـزدی | زبون گشت آئین نـابخردی
روشهای دیرین ز نو زنده شد | سیاهی چو ابری پراکنده شد
در اینجا ز سعدی دلیل آورم | سخن را به شهدو شکر پرورم
بقومی که نیکی پسندت خدای | دهد خسروی عادل و نیک‌رای
چراغ هدایت چو گیرد بدست | بنادانی و جهل آید شکست
چو خورشید تابنده نور افکند | بـدلها امید و سرور افکند
بـراند پلیدان بـــدکار را | کف کاردان بسپـردکار را
ستمدیده‌ای چون شود دادخواه | ستمکار را میدهـد انتبـاه
بخاک اوفتد دیـو نـاراستی | گریزان شود کژی وکاستی
بـدستش مساوات بـار آورد | بـرو میوه شاهـــوار آورد
چو گیرد بکف مشعل داد را | کند ریشه کن بیخ بیداد را
فـزاید بـآزادی و ایمنی | بتـازد بنیروی اهـریمنی
زتدبیر اوکارگر سر فراز | کشاورز بیچاره را چاره ساز
بافتاده خسته جانـی دهـد | بدرمانده توش و توانی دهد
زن و مرد باهم برابر شونـد | چو یک جان که اندردو پیکر شوند
کنون بند بگسست از پای زن | نمایان شود دانش و رای زن
اگرچند میدان آورد نیست | زن این زمان کمتر از مرد نیست
سیاسی ورزمی و دانشور است | ولیکن بهرحال او مادر است

بقیه درصفحه ٤۳

سروده : خدایار هرمزدی

بمناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شهریار عظیم الشان ایران



بشادی کوش جشن شهریاراست
شهی کو مهربان و کامکار است
شهنشاهی که بیست و پنج سالش
پی آسایش ایران به بار است
بر اورنگ کیان روزی که بنشست
نبد رامش کنون بس آشکار است
کسی کو دیده آنروز این بداند
نه پندارد که اکنون آن دیار است
سراسر رنج بود و درد و اندوه
کنون آبادی و شادی هزار است
شده از کوشش شه کشور آباد
بهرجا پیشرفت بی‌شمار است
بهر نیکی که شه اندیشه فرمود
پی آن دیگران را رهگذار است
ز مهر او کشاورز تبه روز
کنون آسوده و خوش روزگار است
همه از مهربانی شهنشاه
برامش کارگر سر گرم کار است

بقیه درصفحه ۵۳

سخنرانی بانو خانم فریدونیان در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

سروران ارجمند. بسیار خوشوقتم در این جشن خجسته که بمیمنت بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برپاست بما بانوان فرصت اظهار احساسات وشرکت درنیایش وستایش داده شده است.

از اینجهت اینجانب نیز ازاین موقعیت استفاده نموده دست نیاز بدرگاه اهورای بی‌نیاز درازنموده اهورامزدا را سپاسگذارم که ازدریای بیکران بخشش خود شاهنشاهی محبوب وآزادمنش بما عطا فرموده که از پرتو وجود با تدبیرش ما زنان زرتشتی شاهد آزادی و برابری زنان ایران باشیم و دردرگاهش شکرگذاریم که بدست‌توانای‌شاهنشاه دادگستر درهای فضل و دانش بروی ماگشوده شد.

بآستان اهورا سرمیسائیم که بکف باکفایت شاهنشاه خردمند همگی‌ازعدالت‌اجتماعی برخوردار گشته‌ایم.

در برابر کراماتش سر بکرنش فرود میآوریم که درنتیجه داد و دهش شاهنشاه بزرگوار ریشه جهل و بیماری‌سست‌بنیان‌گشته ودر شرف نابودی است.

خدایرا سپاس میبریم که دردوران سلطنت‌شاهنشاهی بسر میبریم که در سراسر جهان سربلند وسرافرازیم واگر زمانی فقط درخانه عهده‌دار تربیت فرزندان خود بودیم اینك این وظیفه خطیر را دربیرون ازخانه هم بردوش گرفته‌ایم.

سپاس بی‌پایان بدرگاه پروردگاریکه سایه شاهنشاه را پناهگاه درماندگان و بیچارگان قرار داد و دستهای نیازمندی‌که بدرگاهش درازشود بآسایش‌خواهد گرائید و گره‌های بسته بدست توانایش بازگشوده خواهد شد.

پروردگارا شاهنشاه مارا به دیرزیوشنی و نیرومندی کامروا فرما
ولیعهد عزیز ما را در پناه خود به برومندی ودراز زیوی‌برخوردارساز
کشور عزیز ما ایران را پاینده بدار



سخنرانی آقای محمودی بختیاری در سازمان فروهر

(جوانان زرتشتی)

راهی بمکتب حافظ

روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه بنا بدعوت سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) عدهٔ زیادی از علاقمندان جهت استفاده از سخنرانی آقای محمودی بختیاری در بارهٔ «راهی بمکتب حافظ» در سالن بهمن حضور بهم رساندند.

در این جلسه آقای محمودی بختیاری اظهارداشتند:

بیشتر، بلکه همهٔ اندیشمندان ما ناشناخته مانده‌اند از جمله حافظ که بکلی رنگ دیگری بخودگرفته است، با اینکه دهها کتاب در بارهٔ حافظ نوشته‌اند ولی هیچکدام

بقیه درصفحه ۵۵



جشن آغاز تحصیلی دانشگاه با تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانو بدانشگاه

بعد از نیمروز سوم مهرماه در ضمن مراسم پرشکوهی با تشریف فرمائی اعلیحضرتین و برگذاری جشن مجلل وشایسته‌ای سال تحصیلی دانشگاه آغاز گردید.

نخست سرود شاهنشاهی نواخته شد وسپس سرود دانشگاه اجرا گردید در اینموقع گزارش امور تحصیلی دانشگاه توسط جناب آقای دکتر صالح بعرض رسید.



یکـی از برنامه‌های جـالب وتحسین آمیز (سرود بزرگ) اپرای تخت جمشید بود . این اپرا باکوشش شبانه روزی چند ماه دانشجویان و حسن مراقبت آقـای رضا ناروند ونویسنده آن برروی صحنه آمد وتوأم با اشعاروسرودهائی بود کـه هر شنونده را تحت تأثیر مطالب اخلاقی و اندیشه بلند نیاکان قرار میـداد مخصوصاً آنگاه که داریـوش بزرگ درآئین نیایش شرکت جسته و سپاس اهورامزدا را بجای می‌آورد صحنه بسیـار افتخارآمیز بود.

انتظار همگی برآنست که چنین اپرای میهنی که نشان دهنده گوشه‌ای از تاریخ پر جلال کشور است بازهم بنمایش گذاشته و اجازه دهند دیگران هم از دیدن آن در خـود احساس غرور نمایند . پس از اپرا دانشجوی فارغ‌التحصیلی خطابه‌ای بعرض‌رسانیدآنگاه شاهنشاه جوائزرا اعطا فرمودند ودرپایان ازمدعوین پذیرائی بعمل آمد.

اینك اشعاری که خوانده شد عیناً نقل میشود.



اپـرا

تخت جمشید

سرود بزرگ

اثر: رضا ناروند

اشعار از: استاد ابراهیم پورداود کریم فکور

اشم وهو یتا اهو و ایریثو

هان موبدا آتشی‌فروز پرده‌سیه‌زین‌زبانه‌سوز کیش‌باستان‌زنده‌دان‌هنوز زایزدی‌فروغ برمتاب‌رو

اشم وهو یتا اهو

ای‌موبدموبدان‌بیا دست‌خود بر گشا کن‌بخرمی آتشی‌بپا تا دل یابدجلا
شعله از صفا شد فسانه‌گو نور ایزدی بردمد از او

اشم‌وهو یتااهو

باشد این فروغ جلوه بخش جان یادگاری از کیش باستان
میدمد بدل برق آرزو رمز پاکی از شعله‌اش بجو

اشم وهو یتا اهو

شد نصیب ما بخت سرمدی رهنمای ما نور ایزدی
نیکی و صفا شد شعار ما خوش بود از آن روزگار ما

شعله بـر کشد سر بـر آسمـان تیـرگـی رود از میان
در نهاد مـا آتشی نهـان گشتـه پرتو افشان

گشته اهـرمـن دور از این سرا باشد او جـدا از نهاد مـا
در ستایش مـزدئـه اهـور روح و قلب مـا گشته پر زشور

دل پـر ازمهر اهورا مـزدا بـود سوزد اهـرمـن ز شرر مـا
طـی کنیم آن ره کـه ره صفا بـود هان دوری بـایـد زره خطـا

داریوش

روان بود نام ما بهر دیار از جهان روا بـودکام مـا بیاری آسمان
حافظ میهنم در دل روشنم نـور ایـزدی شـد عیـان
باشد این سرزمین ایمن از جور کین فتنه‌گـر رود از میان

قـم بیزدان پـاك

از ره داد و دهش راه نیکی و شرف برنکشم‌پای خود گررودسرم زکف
ملتی قهرمـان دل دهد بسخن مـا ریشهٔ فتنه‌هـا کنده شد ز وطن مـا

رهاشد این‌خطه ازطوفانها

اتوسا

یـاران هـر دم خیزد از دل آوای مـا
باشد ما را شوری برجان از این آوا
مـائـیم اکنـون شاد و خنـدان بـا هـم دور از غـم‌هـا
نـور پاکـی گـوئی تـابـد از مـا بـر ایـن دنیـا
بـود نـام مـا بـر زبـانهـا

نور پاك يزدان بر خاك ايران پيوسته تابد اى همرهان
مرز و بوم ايران گردد گلستان با كوشش ما شاهنشهان
پندار نيك گفتار نيك كردار نيك شد آئين ما
روشن بود هر نيك و بد در ديدهٔ روشن بين ما

مرز و بوم ايران گردد گلستان با كوشش ما شاهنشهان
نور پاك يزدان بر خاك ايران پيوسته تابد اى همرهان
پندار نيك گفتار نيك كردار نيك شد آئين ما
روشن بود هر نيك و بد در ديدهٔ روشن بين ما
عشق وطن ميجوييم زنده شد از آن جان من تا بود مرا جان در تن

اى مهر ايزدى جلوه كن در دل و جان ما كن فزون عشق ما را
ما سر بر در گهت آوريم با دلى پر صفا عقده‌ها ز دل بگشا

مرز و بوم ايران گردد گلستان با كوشش ما شاهنشهان
نور پاك يزدان برخاك ايران پيوسته تابد اى همرهان
پندار نيك گفتار نيك كردار نيك شد آئين ما
روشن بود هر نيك و بد در ديدهٔ روشن بين ما

باهم اى وطن پرستان برلب آريد اين آوا نور پاكى ودرستى شد دليل راه ما
خوش بود طنين نغمهٔ فرشتگان بين بود ز شادى چشم ما بر آسمان
باهم اى وطن پرستان برلب آريد اين آوا نور پاكى و درستى شد دليل راه ما
اى بهشت آزادگان جلوه از تو يابد جهان فر تو جاودان اى ايران



نوشته و گردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

خلاصه‌ای از وقایع کرمان در جنگ بین‌الملل اول

(۱۹)

ذیلا خلاصه‌ای از وقایعی را که درزمان جنگ بین‌الملل درکرمان و جنوب ایران گذشته و در وقایع سیاسی ایران وحتی دنیا مؤثر بوده است ذکرمیکنیم.

توضیح اینکه در این ایام تبلیغات دولت آلمان در ایران و خصوصاً در جنوب برای انگلستان و روسیه خطرناك تشخیص‌داده شده بود چه آلمانها دراین وقت عملادست بفعالیت دامنه داری در این نواحی زده بودند در سال ۱۹۱۵ ستاد ارتش آلمان یك هیئت نظامی بایران گسیل داشت شخصی بنام کلین بین ایلات لرستان وکردستان مشغول اقدام شد و هیئت دیگری بریاست (زوگمایر) مأمور اصفهان وکرمان گردید . سایکس درتاریخ خود مینویسد درپایان سال ۱۹۱۵ نفوذ آلمانها درجنوب بدرجه‌کمال بود هفت شعبه بانك شاهی بدست آنها افتاده بود(کرمانشاه ـ همدان ـ اراك ـ اصفهان ـ یزد شیراز ـ کرمان) و یکصد هزارلیره از آنها غارت شده بود عده‌آلمانها در این وقت سیصد نفر(با اتریشی‌ها) و ۵۰ نفرترك وهندی ویکهزارنفر چریك ایرانی بود. (ص ۶۹۴) در ماه مارس ۱۹۱۶ (۱۳۳۳ هجری) انگلستان یك هیئت نظامی بریاست ژنرال سر پرس سایکس به خلیج فارس فرستاد .

خود سایکس مینویسد مأموریت این هیئت این بودکه سپاهی بحدود ۱۱ هزار نفر بجای ژاندارمری تهیه نماید ودولتین روس و انگلیس سالی دویست هزار تومان از این بابت بایران بدهند سایکس ازدهلی حرکت‌کرد و در ماه مارس وارد بندرعباس شد.

سایکس پس از ورود به بندر عباس مینویسد سربازگیری بلافاصله شروع شد ولی تبلیغات ضد انگلیسی هنوز شیوع داشت بحدیکه چند روز بعد همه افرادیکه داوطلب شغل نظامی شده بودند آمده پولهائی‌راکه بطور مساعده‌گرفته بودند خواستند پس بدهند چون مایل نبودند با آلمانها جنگ‌کنند این اشکال مرتفع شد کاپیتان ر. س داك آنها را

اداره کرد و تمرین انجام شد و درتایبند اردوگاه زدیم.

در بهار سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۲ ق) ترکها درکرمانشاه پیشرفت نموده بودند و این خبر که باصفهان رسید نایب قنسول روسیه را دراصفهان کشتند وژنرال قنسول انگلیس نیز زخمی شد و بانك شاهی را مردم غارت کردند در همین وقت درکرمان نیز چنین وضعی پیش آمد در این ایام سردارظفر بختیاری درکرمان حکومت داشت.

مرحوم میرزا حسینخان عدل السلطنه (سردارنصرت) پدر عدل السلطنه فعلی رئیس بختیاری بنظرمیآیدکه موافق متفقین باشد ولی درحقیقت معلوم شدکه او متوجه پر کردن جیب خودش است (ص ٦٨٥).

دراین ایام زوگمایرکه پروفسور طبیعی دانی بود درسال ۱۹۱۱ نیز بکرمان آمده بود باسی نفر آلمانی و اطریشی و هفتاد نفر ایرانی بکرمان آمد که ببلوچستان و افغانستان برود ژاندارمری با این عده کمك کرد درهمین ایام فرخ خان برادرزاده آقاخان ظاهراً بعنوان بازگرفتن و رسیدگی باملاك خود و شاید هم برای مأموریتی خاص بکرمان آمدکه بر اثرتحریکاتی در وسط بازار کشته شد. از طهران حکم احضار رئیس ژاندارمری رسید این امرموجب انقلاب شد آزادیخواهان کرمان که دراین وقت مرحوم بهمنیار(احمد دهقان) میرزا غلامحسین کرمانی علی کاکو. درگاهی (دبستانی) و چند تن دیگر بودندبا تحریك مردم وبکمك ژاندارمری شهر را تصرف کردندوبانك روس غارت شد.

سایکس گوید. هیئت آلمانی درکرمان آنچه کردندکه سردار ظفر بختیاری را با خود همراه کنند نتوانستند ونیز زحمت‌ها کشیدندکه سردارنصرت رئیس‌قشون رانیزموافق نمایند ولی نشد اما درعین حال حاکم بختیاری که مشغول چپاول بودمردم رااز تعدیات به تنگ آورده و سردارنصرت نیز بااو مخالف بود (ص ٦٩٨).

پاریزی گوید: انقلابیون با سخنرانی‌ها مردم را برانگیختند ازیکی از شرکت - کنندگان درآن مجامع شنیده استکه مرحوم صنعتی مؤسس پرورشگاه در جلسه‌ای بانقلابیون نصیحت میدادکه باانگلیسها درنیفتند ودرحقیقت مخالف جریان بود. انقلابیون وآزادی خواهان فریادزدندکه بیخودنگوواورا تهدیدکردند و بدگفتند وخلاصه تظاهرات شدیدی علیه اوکردند. مرحوم صنعتی (که کر بود ومعروف بحاج اکبر کر شده بود) پس از تظاهرات جمعیت رو بآنهاکرده وگفت مردم حرف مرا خوب شنیدید یا نه؟ همه گفتند آری و بیخود میگوئی اوبا همان آرامش و ملایمت گفت خوب دیگر عرضی ندارم ولی اینرا هم بدانیدکه هرچه شماگفتید من نشنیدم زیرا من کرهستم و از مجلس خارج شد.

باری وضع شهر بصورت وخیمی درآمد و درهمین حال بودکه این تلگراف از کرمان بتوسط قنسولگری روس مخابره میشود.

یکشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۳٤ (۱۹ مـارس ۱۹۱٦) توپخانه وارگ در تصرف ملت و آلمانها وژاندارمری است تمام برجهای شهر سنگر بندی ودست آلمانها وژاندارمری‌ها میباشد ایالت در باغ ناصری و سردار نصرت در باغ نشاط محاصره میباشد و ده ساعت مهلت گرفته که حرکت نمایـد مجاهدین با یك هیجان فوق العاده مشغول اقدامات جدی هستند نقداً تمام شهر درتصرف سنگر مجاهدین و ژاندارمری و آلمانها است (ایران در جنگ بزرگ تألیف مورخ الدوله سپهر) .

در همین وقت اتباع روس و انگلیس کرمانرا ترك گفته به بندرعباس رفتند .

سایکس مینویسد . وقتیکه آلمانها دیدند کـه سردار نصرت وکیل الملك دوست و همراه انگلیسی‌ها است چند روز پس از پیاده شدن به‌بندرعباس خواستند با بمب دستی کار اورا بسازند ولی اتفاقاً بمب به بعضی ازهمراهانش اصابت کرده خود با جراحت خفیفی از میان جسته وگریخت (٦۹۹).

ظاهراً سردار نصرت که براسب سوار بود و ازباغ نشاط (منزل شخصی خود) بشهر آمده بود در بین راه از پشت دیوار خرابه‌ای نارنجکی بطرف او پرتاب میشود قطعات نارنجك باسب اصابت کرده اسب را میکشد و سردار از اسب بزمین میافتد در همین وقت پسر حسین شاه‌چوپاری رسیده سرداررا بـه پشت گرفته بباغ نشاط باز میگرداند سردار نصرت پس ازاین جریان برفسنجان‌مسافرت میکند. دراین جریان اوضاع تغییر کرد (یکی از هواخواهان سردارنصرت تیری چند بطرف قلعه خالی کرد این امرسبب‌شد که بختیاریها بهیجـان آمده دست به تفنگ زدند سردارظفر متلون تحت فشارایل قرار گرفت وبفرمان او دموکراتها وافراد ژاندارمری را خلع سلاح کردند دسته آلمانی که درکرمان بودند راه سیرجان پیش گرفتند لیکن در وسط راه گرفتار ایـل بچاقچی که زیر فرمان سردار نصرت بودند شده صدمات و خسارات زیاد وتلفات جانی چندی دیدند(ص۷۰۰ سایکس)

در همین حال سایکس بفکر آرام کردن وضع کرمان و حرکت بانصوب میافتد و مینویسد. پس ازاینکه مدت توقفم دربندرعباس طول کشید دریافتم عده‌ای ازدوستان کرمانی من که علاقمند بامنیت و حسن انتظام کشوربودند از حرکت من بآن شهرستان خوشحال بوده و حاضرند مرا بحسن استقبال بپذیرند رؤسای دو ایـل صحرا نشین کرمان هیئتی تحت ریاست منسوبین خودشان با نامه‌های چندی در همین زمینه نزد مـن فرستادند من مراتب را بمقامات رسمی خودگزارش داده و ضمناً اظهارداشتند که اگریك اسکورت با توپهای کوهستانی و یك اسکادران سواره نظام و پانصد پیاده دراختیار من گذارده شود امیدوارم بتوانم آلمانها را از کـرمان بخارج برانم و تـأسیس پلیس جنوب راکه بعداً

بقیه درصفحه ۵۷

چکامه نورافروز کرمانی

بمناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه

روز شاهنشاهی پر افتخار ما رسید | جشن ربع قرن شاهی شه دانا رسید
بیست و پنجم سال روز پر شکوه سلطنت | با نوای چنگ و عود و بانگ روح افزا رسید
شکر ایزد را بجای آرید ای ایرانیان | کاینهمه فر و شکوه از عالم بالا رسید
فر ایزد شامل حال شه ایران ماست | بارها اثبات این از جانب مزدا رسید
فخر اولاد کیان تاج کیان و شاه ماست | حق اولاد کیان تا اینزمان حقاً رسید
سر بسوی مسجد و محراب از بهر سپاس | آورید اکنون که این جشن اولی العظمی رسید
جشن شاهی جشن عدل و جشن داد محض هست | کاین چنین امروز بیمانند و بیهمتا رسید

صفحهٔ تاریخ را امروز زیبد آب زر
چونکه جشن شاهی شاه گهر والا رسید
از همه ایران زمین بانگ خوش جاوید شاه
گوئی از دنیای ما تا گنبد مینا رسید
چون خدا و شاه و میهن این شعار باستان
ارث ایرانی است کز دنیا و مافیها رسید



وزارت پست و تلگراف و تلفن

۵۶۸

کاخ سعدآباد ـ شهری شماره ۲۲۵

کلمه ۴۵-۴۴/۷/۳

پاسخ ۱۷۸۵ ـ ۶/۲۴

آقای رستم گیو سناتور

تلگراف شادباش که بمناسبت آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار ذات‌اقدس شاهانه مخابره نموده بودید از شرفعرض لحاظ مبارك ملوکانه گذشت‌وخاطر خطیرهمایونی قرین مسرت وخشنودی گردید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی
هیراد

۲۸/۳۰۶۰

۴۴/۶/۲۴

پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه والاگهر و دادگستر ایران

شاهنشاها

انجمن زرتشتیان بنمایندگی جماعت زرتشتیان شاهدوست و میهن پرست بـا نهایت شادمانی و سرافرازی بخجستگی جشن فرخنده آغاز بیست وپنجمین‌سال سلطنت پرافتخار شاهنشاه والاگهر ملت دوست تبریکات وشادباشهای قلبی را به پیشگاه پدر تاجدار تقدیم داشته پایندگی سلطنت وعظمت وقدرت شاهنشاه عظیم‌الشأن وبقای خاندان‌جلیل پهلوی را از خدای بزرگ درخواست دارد.

ازسوی انجمن زرتشتیان
جان‌نثار ـ سناتور رستم گیو

آگهی

کتاب سودمند تعالیم زرتشت اثر هاشم رضی منتشر شد

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای بهرام مرزبانی فرزند برزو با دوشیزه آذردخت یزدانی حسین‌آباد دخت آقای مهربان در ۴۴/۵/۲۸

۲ - آقای پیروز ابتدائی فرزندمهربان با دوشیزه گل‌افروز باستانی‌یزدی‌دخت‌آقای‌فریدون در ۴۴/۶/۱۱

۳ -آقای دینشاه سهراب فرزند آقای جهانگیر با بانو همایون ایدون دخت آقای‌ارباب خدامراد در۴۴/۶/۲۴

۴ - آقای رستم جهانیان فرزند آقای دینیار جهانیان با دوشیزه مهرانگیز حکیم‌دخت آقای موبد رشید در۴۴/۶/۲۶

سدره پوشی

۱- دوشیزه شیداخانم پرویز رستگاری در ۴۴/۶/۲۷ ازطرف خودشان در منزل

۲ -آقای اردشیر فریبرز مهربانی در ۴۴/۶/۹ ازطرف وراث موبد فریدون‌صداقت در منزل

۳ - آقای رستم هرمزدیار مهربابا در ۴۴/۶/۹ ازطرف وراث موبدفریدون صداقت در منزل

۴- آقای مهرداد اسفندیارکوچکی در ۴۴/۶/۹ ازطرف وراث‌موبد فریدون صداقت‌در منزل

۵ - آقای داریوش رشید اورمزدی در ۴۴/۶/۱۲ از طرف خودشان در سالن جشنگاه خسروی

۶ - دوشیزه دلنواز رشید اورمزدی در ۴۴/۶/۱۲ ازطرف خودشان در سالن جشنگاه خسروی

۷ - دوشیزه میترا بهمن ستودیان در۶/۱۴ ازطرف خودشان درمنزل

۸ - دوشیزه مهوش‌رستم مژگانی در۶/۱۵ از طرف خودشان در منزل

۹ - آقای فرامرز رستم فلاحتی‌در۶/۲۰ ازطرف شیرمرد آدر در آدریان

۱۰ - آقای داریوش رستم مهربانی در ۴۴/۶/۲۱ ازطرف خودشان درمنزل

۱۱ - دوشیزه مروارید رستم مهربانی در ۴۴/۶/۲۱ از طرف خودشان در منزل

۱۲ - دوشیزه‌گوهر خدارحم نمیرانیان ۴۴/۶/۲۳ ازطرف خودشان در آدریان

۱۳ - دوشیزه سرور خدا رحم نمیرانیان در۴۴/۶/۲۳ ازطرف خوشان درآدریان

دهش خیراندیشان

آقای خسرو پارسی‌بابت‌روانشادی‌مروارید

کیخسرو کشاورزی برای کمك هزینه‌دانش‌آموزان بی‌بضاعت ۱۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱- آقای رستم زرتشتی و برادران گرامی بمناسبت سرسال روانشاد موبد بهرام اسفندیار زرتشتی‌پدر بزرگوارشان برای‌کاخ فیروزه‌صندلی فلزی ۵۰ عدد

۲ - دهش بانو پریچهر سروشیان نیاز شاهورهرام ایزد قابلمه بزرگ یکعدد

۳ - دهش بانوهمایون گیو (فرین) نیازشاه ورهرام ایزد قابلمه روسی ۳ دانه

۴ - دهش بانو گوهر خداداد جمشیدیان نیاز آدریان طاس رود وقاشق وپیاله ۶دانه ایضاً بشقاب مسی ۷ دانه

۵ - بنامگانه روانشاد آبادان‌رستم‌سپهری نیاز آدریان دیگ و بشقاب وطاس مسی ۲۱ دانه

۶ - بنامگانه‌روانشاد گلستان رستم سپهری نیاز آدریان طاس و بشقاب‌مسی ۹دانه

۷- آقای شهریاراورمزدی بنامگانه روانشاد شیرین خرمی کارد آشپزخانه۶ دانه

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱- آقای بهمن شهریاری ۵۰۰ریال

۲- « رستم ستوده‌نیا ۲۰۰ «

۳- « پرویز بهروزی ۲۰۰ «

۴- بانوپروین یادگاردستان ۲۰۰ «

۵- « لعل سروش ۲۰۰ «

۶- آقای دکتر دینیاری ۲۰۰ «

۷- «شهریاراورمزدی‌خرمشاهی ۲۰۰ «

۸- « داریوش زارع دوفقره ۲۵۰ «

۹- « شیرمردآدر شیرمردی ۱۰۰ «

۱۰- بانو پروین‌یادگاردستان ۱۰۰ «

۱۱- « سیمین هوشنگی ۱۰۰ «

جمع ۲۲۵۰ «

شاهورهرام ایزد

۱ – آقای جمشیدهرمزدیارجمشیدی ۲۵۰ ریال

۲ – « رشید امانت ۱۵۰ «

۳ – « بهمن کیامنش ۱۵۰ «

۴ – « بهرام آتشبند ۱۰۰ «

۵ – « مهربان زرتشتی ۱۰۰ «

۶ – بانو بانوخسروی ۱۰۰ «

۷ - آقایان - بهرام فرهی - رستم بلندی- بهمن جمشیدیان - مهربان هخامنش - اردشیر اشیدری - بهی‌زاده - فرامرز فرامرزی - خانم پوران پیرغیبی جمعاً ۴۰۰ ریال

جمع ۱۲۰۰ ریال

گواه گیری وسالن جشنگاه خسروی

۱ – آقای مهندس هوشنگ بنداری بابت مهمانی ۲۰۰۰ ریال

۲ - آقای بهرام مرزبانی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۳ - آقای رشیداورمزدی بابت سدره پوشی دو فرزندش درسالن خسروی ۲۰۰۰ ریال

٤ - آقای فیروز ابتدائی بابت گواه گیری وسالن ۳۰۰۰ ریال

۵ - آقای دینشاه سهراب بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

٦ - آقای رستم جهانیان بابت گواه گیری ۶۳۰ ریال

جمع ۱۰۶۳۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱- وراث روانشاد فریدون منوچهر فریدونی ۱۰۰۰ ریال

۲- وراث روانشاد شیرین مهربان شیرمردی ۳۰۰ ریال

۳ - وراث روانشاد همایون بهروزی ۲۵۰ ریال

٤ - وراث روانشاد بانو خداداد آبادانی ۲۰۰ ریال

۵ - وراث روانشاد اسفندیار میرزا اردشیر زارع ۲۰۰ ریال

٦ - وراث روانشاد سرور بمان مهربانی ۲۰۰ ریال

۷ - وراث روانشاد جمشید اردشیر خدابخشی چمی ۲۰۰ ریال

جمع ۲۳۵۰ ریال

درگذشت

۱ - روانشاد همایون رستم بهروزی در ٤٤/٥/۳۱

۲ - روانشاد خورشید رستم روزبه زاده در ٤٤/٦/۲

۳ - روانشاد بانو خداداد آبادانی در ٤٤/٦/٤

٤ - روانشاد اسفندیار اردشیر زارع زردشتی تندری در ٤٤/٦/۸

۵ - روانشاد فیروزه کیخسرو کلانتری در ٤٤/٦/۱۳

٦ - روانشاد سرور بمان غنچه ارغوان در ٤٤/٦/۱٤

۷ - روانشاد جمشید اردشیر خدابخشی چمی در ٤٤/٦/۱٦

از جهان درگذشته اندروانشان شاد باد

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۱۲۷۱ نفر
« دندانپزشکی	۲۷۹ «
« داروخانه	۱۰۱۱ «
« آزمایشگاه	۱۰۵ «
« تزریقات وپانسمان	٦٥۱ «
« دیاترمی	۵ «
« بخور پنسیلین	۸ «
« واکسن وبا	۱۲٥٤ «
جمع	٤٥۸۳ «

اخبار سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

جشن

بطور کلی درماه گذشته قسمت اعظم فعالیت

اهم اعضاء سازمان فروهر مصروف برگزاری و شرکت در بزرگداشت جشن آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گردید.

باید دانست که جهت تنظیم و آماده کردن برنامه‌ها و همچنین تزئینات و چراغانی، اعضاء سازمان دست بدست هم داده و بطور کلی بیش از یکماه وقت صرف نمودند.

کتابخانه

بمنظور توسعهٔ فعالیتهای فرهنگی و ایجاد علاقهٔ بیشتر جوانان بمطالعه، سازمان مصمم شد کتابخانه‌ای درمحل خود تأسیس نماید.

ازهم‌اکنون مقدمات کار فراهم شده وامید است باخرید کتابهای سودمند ونیز کمک علاقمندان این منظور ازهرحیث عملی گردد.

ورزش

روز جمعه بیست وششم شهریورماه مسابقهٔ والیبال بین تیم سازمان فروهر و تیم دانشکـده پزشکی انجام گرفت ونتیجه دو برسه بنفع تیـم پزشکی خاتمه یافت.

جشن مهرگان

بمنظور برگزاری جشن مهرگان هنرمندان سازمان همچنان بتمرینات خود ادامه میدهند. جشن درروزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مهرماه برگزار خواهد شد.

دهش خیراندیشان

آقای ارباب رستم زرتشتی برای کمک به کلاسهای دینی ۵۰۰۰ ریال

ایضاً بمنظور تهیه‌لباس برای اطفال بی‌بضاعت ۵۰۰۰ ریال

آقای ارباب افلاطون گشتاسب کمک ببودجهٔ عمومی سازمان ۵۰۰۰ ریال

آقای ارباب رستم‌ایدون برای کمک بچاپ کتاب ۲۵۰۰ ریال

آقای بهرام انوشیروانی، دوفقره، کمک ببودجهٔ عمومی ۷۵۰۰ ریال

سرکار سرگرد خدارحم‌شهریاری بنامگانهٔ روانشاد بهمن خشنودی ۱۳۰۰۰ ریال

یکنفر خیراندیش ۷۰۰ ریال

نیازمندیهای سازمان مطابق لیست دوماه قبل بقوت خود باقی است.

اخبار شهرستانها

یزد

از: آقای نسیمی

دهش خیراندیشان

آقایان‌محترم‌ارباب شاهجهان گودرز ورزا ارباب‌فریدون گودرز ورزا ـ ارباب‌اردشیر گودرز جهانیان ـ ارباب مهربان گودرزورزا مبلغ ۴۰۰۰ ریال بسازمان‌وجوانان‌زرتشتی‌یزدمرحمت‌نموده‌اند که موجب سپاسگزاری‌میباشد.

آقایان محترم ارباب فریدون زرتشتـی و ارباب مهربان زرتشتی مبلغ ۵۰۰۰ ریال بسازمان وباشگاه جوانان زرتشتی‌یزد مرحمت نمودندکه موجب سپاسگزاری‌است.

خبری از اهواز

آقای مهندس اردشیر امانت بسمت رئیس اداره مهندسی عمومی و طراحی قسمت مهندسی منصوب شده‌اند.

بقیه اشعار خانم توران بهرامی

بعصری که کیهان نوردید زن | نشاید دگر قید و بند و محن
تجلی کن ای زن برنگ خرد | ترا جلوه با رنگها کی سزد
خرد باید و سادگی و وقار | که شایستگیها شود آشکار
نشاید ز نیروی جان کاستن | عروسك صفت چهره آراستن
توای مرغ پربسته از دیرباز | کنون پر گشا طایر سرفراز
ببین در رهت دانه و دام را | ز آغاز بنگر سر انجام را
بهش باش کاهریمن بدسگال | نپیچد ترا ره بسوی زوال
سپاس از زنان باد بر شهریار | بکامش بود گردش روزگار
نهال حیاتش برومند باد | بسی سال باخرد و پیوند باد
بزیبد باو تاج و تخت کیان | بماند بر اورنگ شاهنشهان

بقیه دین و فلسفه

هدف سرزنش وجدان خویش است . باهمه دارایی وتوانایی ، دیوآز او را آسوده نمی ـ گذارد، چون هرگز احساس‌سیری وآسایش نمیکند. کارهای ناهنجار و ستمگرانه پیوسته در فکرش پیکر میگیرد ومانند پرده سینما در برابر چشمانش رژه میروند ، چه دوزخی از این سوزان‌تر وشکنجه کننده تراست؟ . ولی آنکه از مرز انسانیت گامی فراتر ننهاده‌و از دسترنج وفکر سالم خود روزی میخورد ، حسابش در دفتر ضمیر ؛ پاك وبی‌غش است، دغدغه خاطر ندارد ، گواینکه دستش ازدارائی‌افزون ازنیاز تهی و جاه ودستگاهی نداشته باشد ، برهنه‌ایست که شرمسار نیست ومحال است از نیازمندیهای اصولی زندگی محروم بماند ، چه او درسایه پاکی ومیانه روی باکار وکوشش روزگاری با خوشنامی وشیرین کامی میگذراند . چه بهشتی ازاین بهتر وجایگاهی والاتر ؟ .

من باور دارم که نوید بهشت وتهدید به دوزخ درقرآن نیز ماجرای همین جهان و زندگی مادی است . قیامت یا عاقبت وروزشمار کنایه از سرنوشت انسان بدست خود او ، درهمین سرای خاکی است ، چه بخوبی میدانیم ومی‌بینیم که اگر کشته وهشته آدم ؛ در این جهان پسندیده وستوده باشد ، اندوخته وپشتوانه‌ایست که سودآن آزادی و آسودگی درجهان دیگر نیز خواهد بود .

بر کام دل بگردش افلاك دل مبند
کاین چرخ خیره گرد، نه بر آرزو رود

آنکس که سر بجیب قناعت فرو نبرد
بگذار تا به چاه مذلت فرو رود

کردیم هر گناهی و از کرده غافلیم
ای وای اگر حدیث گنه رو برو رود

همائی

بقیه سرمقاله

اینها قسمتی از آرمانهای قلبی شاهنشاه بزرگوار ما بود که همه برفلسفه وفرهنگ اصیل باستانی ایران استوار وخوشبختانه یکی بعد ازدیگری بثمر نیك رسیده واینك همه از این موهبت برخورداریم و از جان و دل دست نیاز بدرگاه اهورای بی‌نیازدرازنموده خواستاریم که زندگانی افتخارآمیز شاهنشاه توأم باعظمت واقتدار دراز دارد ووالاحضرت ولایتعهد نور چشم مردم ایران را همواره با تندرستی وشادکامی ونیرومندی به دیر زیوی بهره‌مند سازد .

و خاندان جلیل پهلوی را درپناه خدای بیهمتا از بخشش اهورائی وکامروائی در زندگانی برخوردار سازد . بشودکه آرزوی ما برآورده شود .

ضمناً باید عرض کنم که در این چند روزه واژه زیبا ومقدسی برسر زبانهاست که از معنای عالی آن کمتر کسی اطلاع دارد ازینجهت لازم میدانم مفهوم آنرا باستحضار حضار محترم رسانم .

آریا مهر از دوواژه اوستائی ائیریه ومیثره است که ائیریه معنای آزاده وآزادمنش را میدهد ونام قومی است که از شمال باین سرزمین وارد ودر اینجا مسکون شدند وبنام آریائی که ازهمین واژه است مشهور گشتند و این سرزمین هم بنام نژاد و قوم مسکون نامگذاری گردید .

میثره که در فارسی مهر گفته میشود دارای معنای بسیار وسیعی است که در آن‌میان فروغ از همه جامعتر وجالب تراست بنابراین معنای آریا مهر فروغ آزادمنشی است و از آنجائی که شاهنشاه بـا فر و داد ما مظهر آزادمنشی است ایـن معنا و مفهوم شایسته عنوان شاهنشاه است.

سخنرانی آقای شهریار خدایاری در ساعت ۲۴ روز ۲۴ر۶ر۴۴ در معبد زرتشتیان یزد بمناسبت آغاز بیست و پنجمین سال سلطنت پر افتخار اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی



جناب آقای مهندس اعتضادی مدیر کل معظم وزارت کشور و فرماندار محبوب یزد

سروران گرام - خواهران و برادران زرتشتی

نهایت افتخار دارد ازطرف انجمن زرتشتیان یزد تشریف‌فرمائی شماسروران گرام را باین مکان مقدس خیرمقدم عرض نموده آغاز بیست وپنجمین سال‌سلطنت پرافتخارپدر تاجدارمان اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی را بهمگی تبریك و شادباش عرض نماید .

ما زرتشتیان با خلوص نیت و با قلبی آکنده ازمهر شاه ومیهن در این‌دقایق آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پدر تاجدارمان دراین مکان مقدس گردهم جمع شده تادست نیایش بسوی پروردگار توانا درازنموده وآرزو نمائیم که همیشه اوقات پدر تاجدارمان- والاحضرت ولایتعهد و خاندان جلیل سلطنت را درکنف حمایت خویش حفظ فرماید

افراد باشگاه جوانان‌زرتشتی‌یزد در این دل شب درقله‌شیر کوه مشغول آتش‌افروزی ونیایش بدرگاه پروردگار برای سلامت ذات مبارك شاهنشاه میباشند . آنها بانصب‌پرچم سه رنگ ایران درقله شیرکوه آغاز بیست وپنجمین سال سلطنت پر افتخـار اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی را جشن میگیرند و شادمـانی مینمایند . مانیز ترجمه آیـه (آفرینامه خشتریانه) که ویژه دعا در حق شاهنشاه ایران است ازکتاب آسمانی خودمان اوستا قرائت مینمائیم .

آری مازرتشتیان افتخار داریم که از روز تابش آفتاب‌تمدن ایران پرستش‌خداوند مهر شاه - حب وطن درجان وخون ورگ وتن ما سرشته وعجین بوده است . پدران و

بقیه درصفحه ۴۹

موسسات فرهنگی مارکار و میرزا سروش لهراسب



در چهل وپنج سال قبل یکی از پارسیان خیرخواه و دانش‌پژوه بنـام پشوتن جی دوسابائی مارکار از هندوستان عزم وطن نمود وبرای دیدارهمکیشان گرامی خود قدم به ـ خاك پاك ایران وجایگاه نیاگان واجداد خویش نهاد وضع رقت بار و پریشانی احوال هموطنان خودراکه درجهل ونادانی وبیسوادی گرفتار بودند از نزدیك ملاحظه نمود بیاد عظمت وقدرت وشوکت شاهنشاهی ایران افتاده اشك حسرت ونا امیدی بریخت ولی‌ازطرف دیگر چون سلطنت قاجار منقرض و بجای آن سرباز وطن قدمردانگی وشجاعت برافراشته وحافظ تاج وتخت ایران باستان شده بود نورامیدی دردل او جهیدن گرفت و بنـام پر افتخار ایران و ایرانی ندای فرهنگ سرداد وبرای تعلیم وتربیت و آموختن علم و هنر نوباوگان ملت ایران همت گماشته درشهرستان‌یزد مؤسسه‌ای بنیاد نهادکه ازهرحیث‌باعث سربلندی و افتخار گردید.

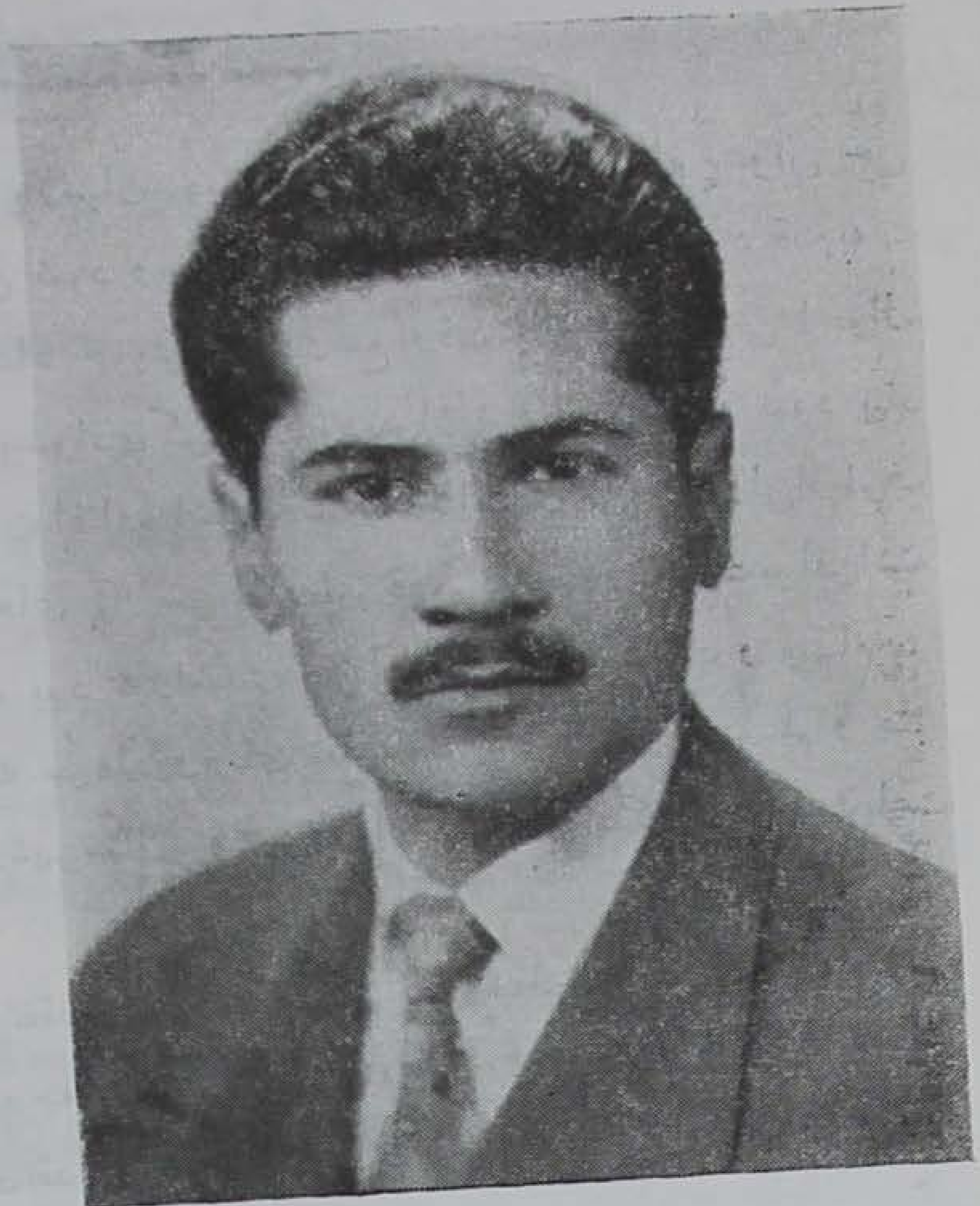
نامبرده مؤسس مارکار مورد تفقد وعنایت شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضـا شاه کبیر قرارگرفته بادست مبارك خودنشان‌درجه‌اول علمی رابسینه آن رادمردبزرگ وخدمتگزار وطن آویخته واورا بطرز شایسته‌ای‌تقدیرنمودنداکنون‌نام نیك‌آن‌بزرگوار پایدار ودرود ملت ایران همراه اوخواهد بود.

در آن روزگار تاریك‌که بوئی از علم وادب‌بمشام نمیرسید بر اثر همت‌آن‌رادمرد پارسی نژادمؤسسه مارکار درشهرستان یزدتأسیس ودبستانهای تابعه آن در دهات واطراف تشکیل و مدیریت و سرپرستی آن مؤسسه بزرگ علمی را بمردی دانشمند وفرهنگدوست (جناب آقای سروش لهراسب) واگذارنمود.

این مرد دانش‌پژوه وخیرخواه کمر همت ومردانگی بربست و برای تعلیم وتربیت نوباوگان حاضر شد وچهل‌سال از عمر وجوانی خود راصرف فرهنگ وطن‌نموده‌بسیاری از مردم این دیار را از جهل ونادانی برهانید این‌فرزانه ارجمند درطول خدمت ۴۰ساله با آنکه انرژی وجوانی خود را دد راه خدمت بمردم مصروف داشته امروزبازهم‌دقیقه‌ای

بقیه درصفحه ۴۹

سرمایه جاویدان



هدیه‌ای ارزنده بسازمان فروهر جوانان زرتشتی که براهی سودمند بکاربرده خواهد شد. در فروردین سال ۱۳۴۰ دست ستمگر روزگار و تند باد غارتگر دوران ناسازگار گلبنی برومند و نهالی نورسته را که ازگلستان خرد ودانش بهره‌ها برگرفته و از هنر و بینش چون اختری فروزان میرفت پرتو-افشانی آغاز کند ناگهان بخاك تیره درغلتاندو آن نوگل‌شکفته را پرپر کرد که دل همه بستگان و دوستان وآشنایان را بسختی سوخت وهمگان را داغدار وسوگوار نمود.

آن نهال سرسبز و نوگل نورسته همانا روانشاد فریدون رستم خسروی (اشتری) بود که در آمریکا ناکام از جهان ناپایدار به مینو رخت بربست.

خاندان نیك اندیش و پاك منش آن روانشاد و خانواده رستم خسروی (اشتری) بویژه آقایان گودرز خسروی وفیروز نادرو سیروس خسروی بنامگانه آن ناکام روانشاد دست بکار نیکی زدند که نیك نامی آن ناکام وکار ستوده و پسندیده وسودمند آن خاندان ارجمند تا همیشه جاوید و پاینده خواهد ماند.

آنچه کردند: اهداچهارصد وپنجاه هزار ریال به سازمان فروهرجوانان زرتشتی است که بنام ونامگانه آن ناکام از درآمد آن کمك به چاپ وگسترش کتاب‌های بایسته و سودمند دینی وهمگانی که همه همکیشان وایرانیان و دانش پژوهان را بکار آید.

بقیه درصفحه ۵۶ ...

بقیه سخنرانی آقای خدایاری

نیاکان ما ایرانیان از بدو تاریخ بخوبی میدانستند وعقیده داشتند و درعقیده خود با کمال اخلاص استوار و پای‌بند بودند که نگهدار شاه ومیهن خداوند است و نگهـداری استقلال میهن و تاج و تخت شهریاری و پرچم سه رنك را خداوند بدست پادشاه سپـرده است . روشن است که شاه برای مملکت وبرای تاج وتخت و پرچم حکم‌سردارد وهنگامی‌مملکت سرسبز و مردم در آسایش وآرامش وپایه‌های تاج وتخت استوار وپرچم در اهتزاز است که زمام آنها درکف باکفایت شاهنشاه باشد .

ایرانیان شاهدوست هر وقت پای مصالح میهن وتاج وتخت و پرچم واستقلال بمیان آمده است جان‌بکف با اجنبی‌خواهان وبی‌وطنان برخاسته درحین شهادت انگشتان‌لرزان خویش را درخون خود آغشته‌کرده ودر دامان سفید وطن‌شعار مقدس (خدا ـ شاه ـ میهن) را نوشته‌اند.

ما نیز پیوندمان باشاهنشاه دادگسترمان ناگسستنی است و جان بکف در راه حفظ استقلال ایران عزیز ایستاده‌ایم و دراین دل‌شب دعا میکنیم که :

پروردگارا پدر تاجدارمان اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی راهمیشه به‌سلامت دار . آمین

خداوندا والاحضرت ولایتعهد ما رضا پهلوی را برومند ونیرومند ساز ودرزیرسایه پدرتاجدارمان حفظ فرما (آمین) .

پروردگارا خاندان جلیل سلطنت راهمگی بسلامت دار وایرانیان را در خدمت به شاهنشاه‌دادگسترمان موفق‌فرما (آمین)

خداوندا ایران عزیز راهمیشه سرسبز ومستقل وپرچم شیرو خورشید را دراهتزاز باقی‌دار (آمین).

بقیه موسسات فرهنگی

ازخدمت و خدمتگذاری بفرهنگ این آب وخاك فروگذاری ننموده دمی آرام نمی‌نشیند در حقیقت چنین مرد پاك سرشت ومیهن‌پرستی راقلباً باید ستود ویقین‌دارم وزارت فرهنك وآموزش و پرورش و بزرگان ودانشمندان هم بشئونات او احترام گذارده خادم اصلی و حقیقی وطن راخواهندستود .

ما با قلبی پرازاحساسات ودلی پراز مهر میهن‌وشاه این بانی خیر ومؤسس‌نیکوکار پارسی‌نژاد رامیستائیم واز فرزانه والاگهر آقای سروش لهراسب مدیر و سرپرست ایـن مؤسسه بزرگ قدردانی وسپاسگزاری نموده وموفقیت بیشتراو را ازاهورامزدا درخواست مینمائیم وآرزمندیم نام مارکار پایدار بماند .

فریدون مهربانی

از : سرهنگ ۲ میرمهدی موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

سپاهیان انقلاب

بمناسبت جشن پایان تحصیلی نخستین دورهٔ سپاه ترویج و آبادانی و سومین دورهٔ سپاه بهداشت و ششمین دورهٔ سپاه دانش که در ٤٤/٦/۱۵ درپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه بزرگ ارتشتاران در دانشگاه نظامی بر گزار گردید.

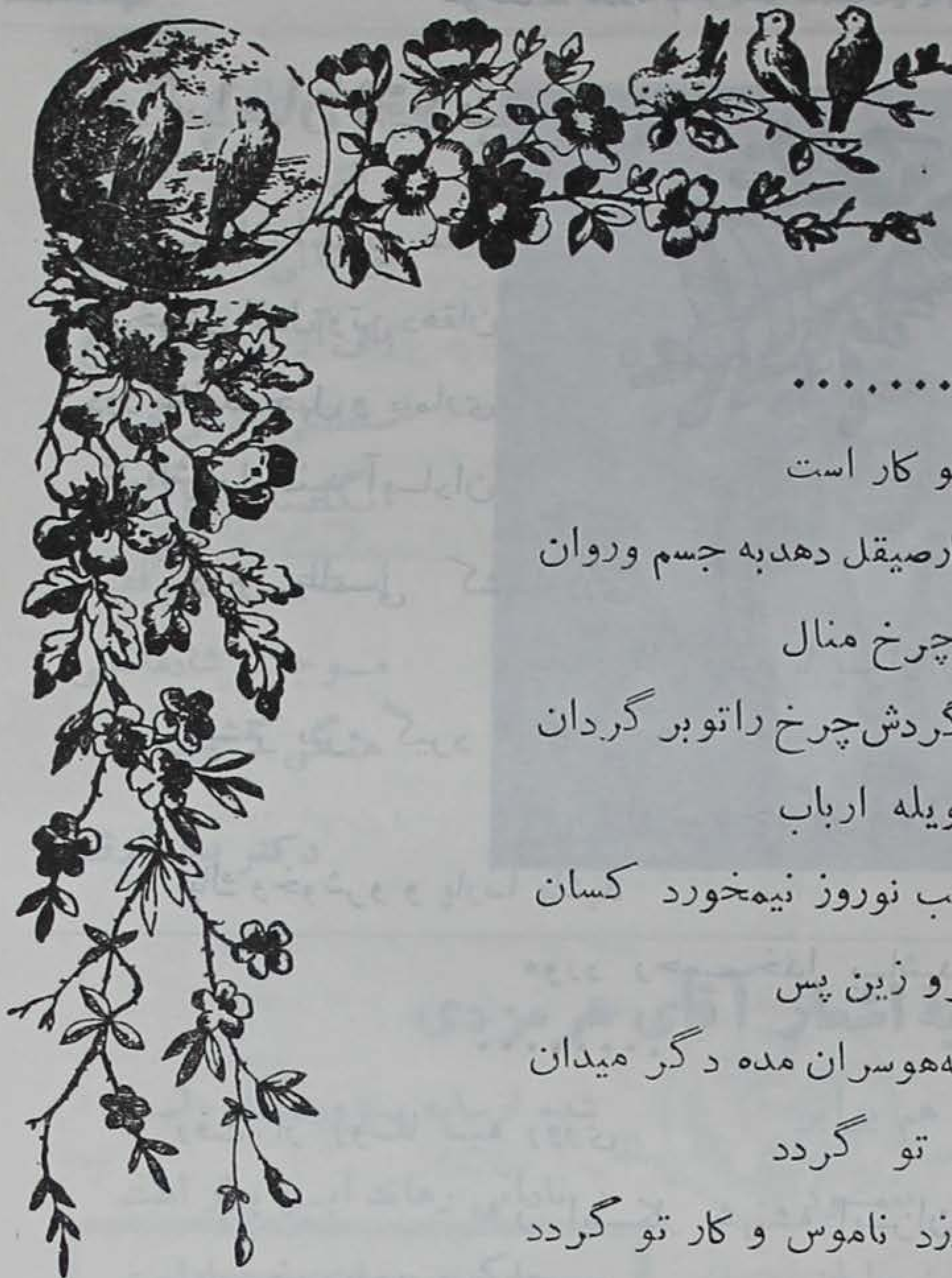
شاهنشاها

اردشیر وطن و نادر دورانی تو ... حامی کارگر و یاور دهقانی تو
ربع قرن است به‌ایرانی وایران شاهی ... مایه فخر و مباهات به ایرانی تو

ای دهقان

ای کشاورز ای امید وطن
شادمان باش در جهان زین پس
راه و رسم نوین دنیا را
یاد گیر از (سپاهیان) زین پس
کار کن روزها به دلگرمی
دانش آموز درشبان زین‌پس
آب وخاك است همچو ناموست
مده ازدست رایگان زین پس
نشوی هان اسیر بیکاری
نبرندت دوباره بیگاری





....

کارکن افتخار تو کار است

کارصیقل دهدبه جسم وروان

کارکن ازجفای چرخ منال

گردش چرخ راتو بر گردان

هان مخور در طویله ارباب

شب نوروز نیمخورد کسان

پی بیهوده گو مرو زین پس

بههوسران مده دگر میدان

تا دوباره سوار تو گردد

دزد ناموس و کار تو گردد

....

هر زمان از (سپاهی ترویج) روستای توگردد آبـادان

چون تودارای آب وخاك شدی خاك بر سر شدندبدخواهان

جمله گشتندخوارچون دیدند شاه را همنشین دهقـانـان

نام دهقان دگر (رعیت) نیست نام (ارباب) رفت از ایران

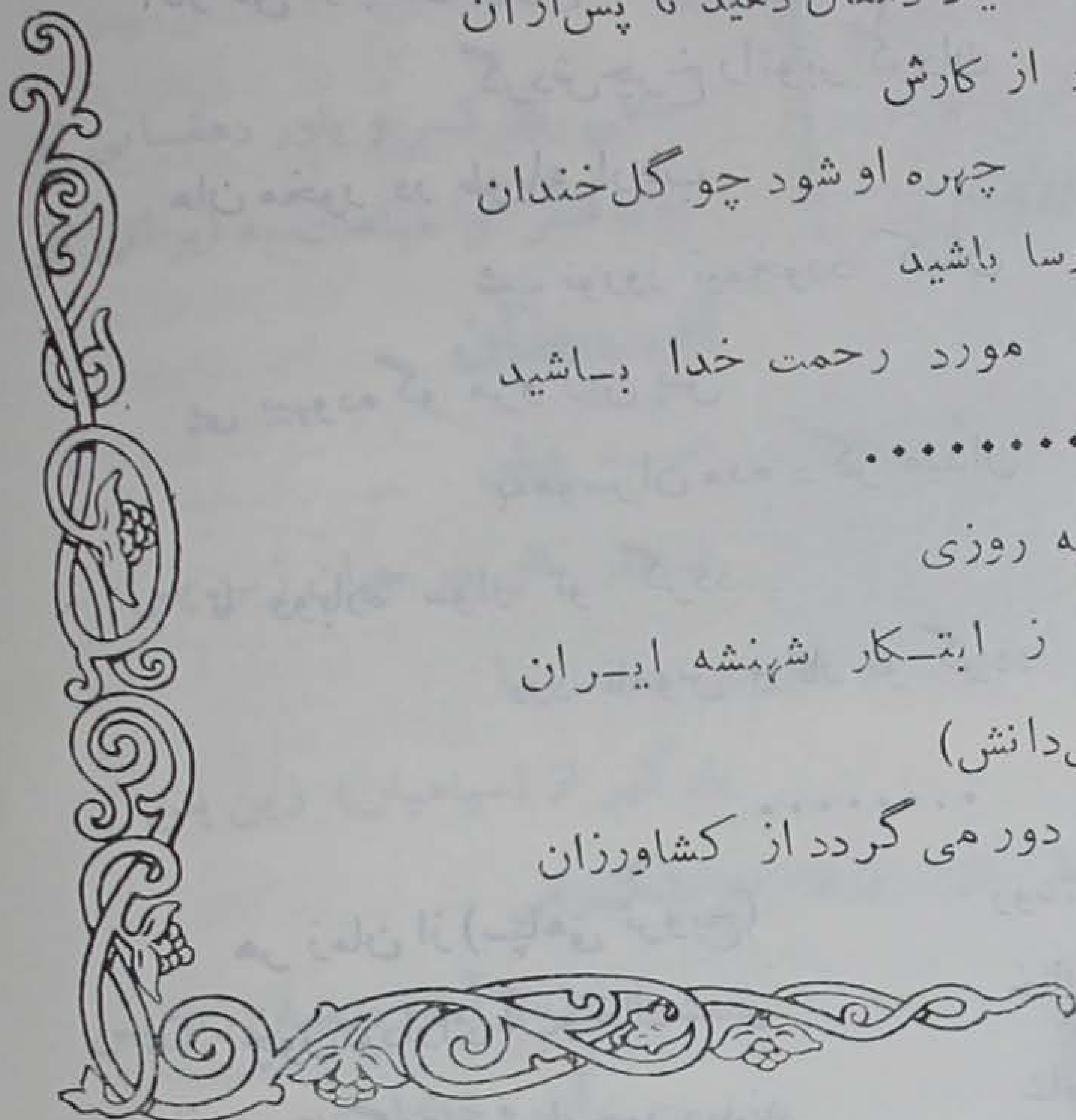
شاه قرن اتـم چنین بـاشد با کشاورز همنشین بـاشد

....

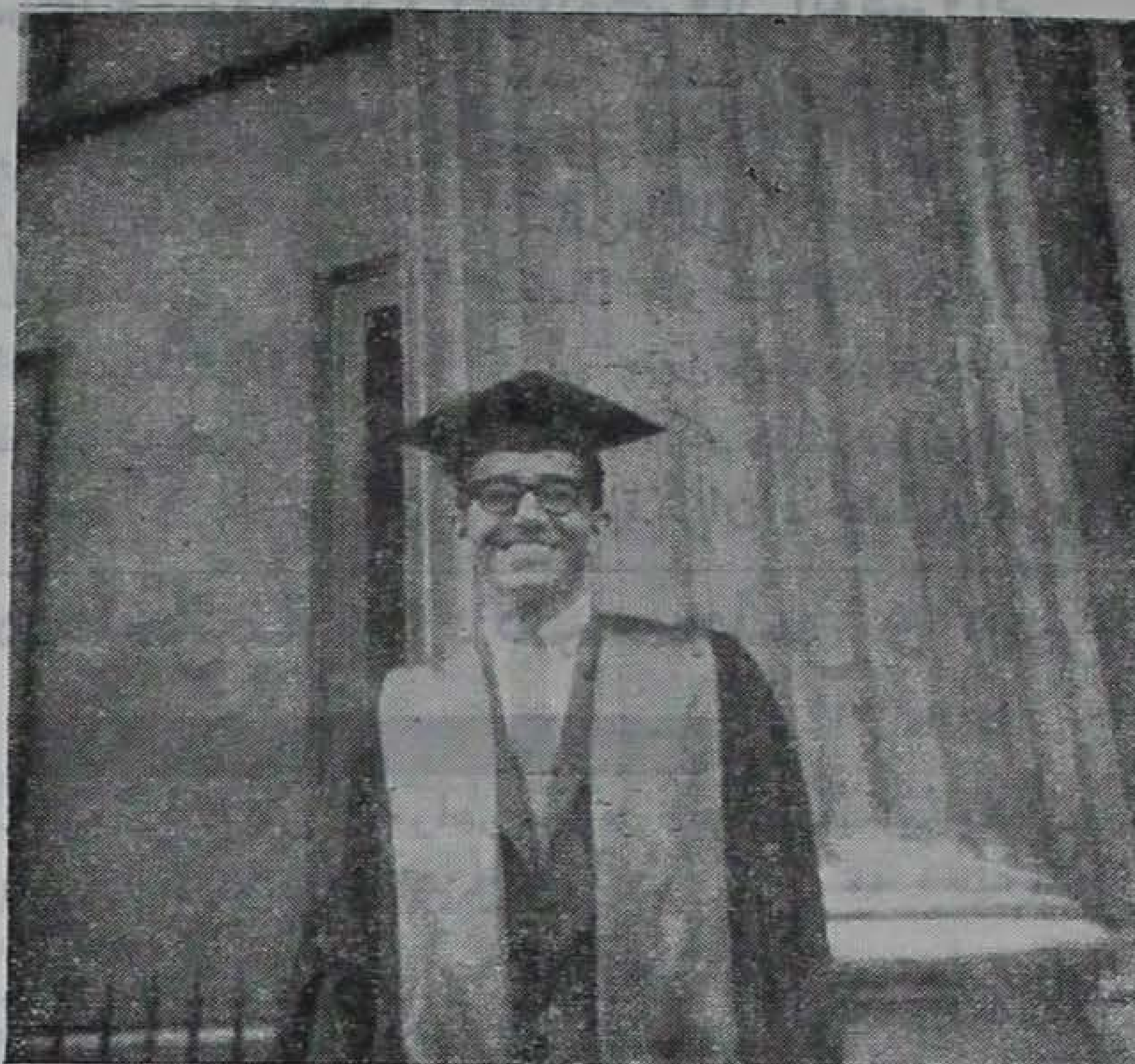
ای سپاهیان انقلاب



ای سپاهان انقلاب سفید
با خوشی ازدل وتن دهقان
دور سازید جهل و بیماری
خانه‌اش را کنید آبـادان
روش علمـی کشـاورزی
یاد دهقان دهید تا پس‌ازآن
بیشتر بهره گیرد از کارش
چهره او شود چو گل‌خندان
پاك وخوشرو و پارسا باشید
مورد رحمت خدا بـاشید
....
رفت از روستا سیه روزی
ز ابتـکار شهنشه ایـران
دیو جهل از (سپاهی‌دانش)
دور می گردد از کشاورزان



رنج ودرد از(سپاهی بهداشت)
میشود پاك از تـن دهقـان
روز جشن(سپاه ترویج)است
کشور آباد می‌شود از آن
گشت بنیان گزاراین‌سه‌سپاه
انقلاب سفید ملت و شاه



بقرار اطلاع آقای دکتر ایرانپور بوستانی در امتحانات (اف آرسی اس) کالج سلطنتی جراهان انگلستان قبول شده است این موفقیت موجب شادمانی همگی گردید.

دکتر بختیاری

بقیه اشعار آقای هرمزدی

به داد ار مرد و زن با هم برابر
شده ازسایه پروردگار است

سپاه دانشش سیراب بنمود
ز نادانی رهاند ابر بهار است

سپه بهداشت درد بی نوایان
بهر جا کرد درمان بخت یار است

سپه ترویج آبادی شب و روز
به دیه‌و کوهساران بر گزار است

ز سد وکارخانه آنچه بینی
همه دستور شاه نامدار است

نیارم برشمردن آنچه شه کرد
گواهم شهر و دیه‌و کوهسار است

کنون کز شه همه آوازه برخاست
بگویم هرچه هست ازشهریار است

شهی کوچون کورش بخرد چو جاماسب
که ازشاهنشهان او یادگار است

خدایا سایه‌اش پاینده فرما
بما بر تا جهان اندر مدار است

بمناسبت سال درگذشت روانشاد دکتر انوشیروان انوشیروانی

یکسال ز مـرك یـار ناکام گذشت / پرسوز گذشت گرچه آرام گـذشت
یکسال دل و دیده خـونبار مـدام / روزش به فغان و اندهش شام گذشت
سد داد که گردون ستمگر بـربـود / از گلبن ما گلی اگرچه خوش نام گذشت
افسوس که شمع جمع ما شد خامش / یکسال بسوگـواری ایـام گـذشت
از داد خدا چسان توان گله نمود / تقدیر چنین بـود بفرجام گذشت
نـوشیروانا روان پـاکت شادان / آئیم همه که یـار و از دام گذشت

تهران ـ خدایارهرمزدی

رفتی و شکست مجلس ما هم مجلس و هم دل ما

[redacted]

هرمزد عزیز یکسال میگذرد که من و خواهرم بی‌تو زندگی میکنیم یکسال نبـود بلکه یك قرن گذشت یکسالی که با اشك وناله گذشت.

هنوز هم‌من وخواهرم وفرزندانت درانتظار بازگشت تو چشم بدروگوش بصداداریم هرمزد عزیز با آنهمه انسانیت و محبت ومهربانی که نسبت بهمگی ما داشتی از جمـع ما رفتی ومارا بآتش فراغ مبتلا ساختی.

هرمزد عزیز ماهمگی از پروردگار آمرزش ترا خواستاریم.

برادرزن داغدیده تو فریدون خسروهوشنگی

یادی ازهرمزدیار خسروی



روز ۸ مهرماه۱۳۴۴ یکسال ازدرگذشت شادروان هرمزدیار خسروی میگذرد ودوستان و یاران آن شادروان هنوزباور ندارند آن وجود عزیز ازمیان ایشان رفته ودر زیرخروارها خاك خودرا پنهان کرده است.

چشم براه‌روئیدن لاله برآرامگاه‌همیشگی آن‌یار ازدست رفته میباشند.

روانش شاد باد و ببازماندگانش شکیبائی ارزانی باد.

بخانواده هوشنگی وخسروی تسلیت عرض مینمایم.

مرزبان خداداد سلامتی

بقیه راهی بمکتب حافظ

سیمای واقعی حافظ را نشان نمیدهند ، در حالیکه همین حافظ از دیدگاه دو اندیشمند بزرگ باختر یعنی گوته ونیچه بصورت دیگری جلوه گری میکند واگر از دیدگاهی که من امشب مورد بحث قرار میدهم نگاه کنیم ما نیز میتوانیم همان حافظی راکه گوته و نیچه شناخته‌اند بشناسیم. در اینصورت است که می‌بینیم تاکنون چقدر در بارهٔ حافظ راه خطا رفته‌ایم واندیشمندی که میبایست جامعهٔ ایرانیو بلکه جوامع بشری از تراوشات اندیشهٔ تابناکش برخوردار شوند وجهان از پرتو اندیشه‌اش آباد و خرم وسرسبز گردد بصورت درویشی بیحاصل جلوه گری کرده است. تعبیرهای بیجائی که دربارهٔ حافظ کرده‌اند بیشتر موجب این گمراهیها شده است .

سپس آقای محمودی با استناد بگفتار حافظ شرح مبسوطی در اطراف فلسفهٔ حافظ ایراد نمودند و در پایان بسئوالات حاضرین پاسخ گفتند .

امید است خلاصهٔ این سخنرانی بعداً در شماره‌های آیندهٔ مجله انتشار یابد. ضمناً طبق اطلاع آقای محمودی درنظر دارند پس از تکمیل متن سخنرانی آنرا بصورت کتابی انتشار دهند .

خبری از کرمان

از بانو کشور مزدیسنا

گزارش کار خیر و نیک یکنفر رادمرد بزرگوار کرمانی ساکن تهران

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند بجایی رسیده‌اند

در نیمه اول اردیبهشت ماه گذشته جناب آقای خدایار مزدیسنا دائی اینجانب ساکن تهران تمایل خویش را برای ساختمان ۲ باب اطاق درس وکریدور جلو آن در دبیرستان کیخسرو شاهرخ بوسیله اینجانب کشور مزدیسنا، ابراز نمودند که بلافاصله پس از تهیه نقشه و موافقت ایشان، ساختمان مزبور شروع و با صرف مبلغ ۲۲۱۰۰۰ ریال در نیمه دوم امرداد ۴۴ بپایان رسید.

دبیرستان دخترانه کیخسرو شاهرخ که سالها با کمبود کلاس و اشکال مربوط بدان مواجه بود با اقدام بزرگوارانه و انجام نیت خیرخواهانه جناب آقای خدایار مزدیسنا، این دبیرستان از اول سال تحصیلی ۴۴-۴۵ دارای ۲ اطاق درس تازه و مدرن دو مرتبه و وصل بسایر کلاسها میباشد.

بدین لحاظ دانش‌آموزان دبیرستان کیخسرو شاهرخ و همچنین اینجانبه از همت بلند وکار نیک و بسزای جناب آقای خدایار مزدیسنا کمال شکرگزاری راداریم وبدینوسیله و بدین وسیله مراتب امتنان قلبی و قدرشناسی خودمان رابحضورشان تقدیم وآرزومندیم اهورامزدا بهمه ماعنایت فرماید تا افتخارخدمت وکمك بمردم را داشته باشیم و از درك چنین موهبتی برخوردار شویم.

بقیه سرمایهٔ جاویدان

براستی چه اندیشه بزرگ وکار مفیدی را در نظر گرفته و راهی بس سودمند را برگزیدند. آری هردارائی شایسته بخشش درراه نیك بختی‌همگان و هرخواسته سزاوار پیشگاه اهورامزدای بخشنده مهربان شادی روان آن ناکام و دیر زیوشنی بازماندگان و خاندان ارجمند رستم خسروی (اشتری) را درخواست داریم.

روان پاك فریدون رستم خسروی (اشتری) تابناك و فروزنده باد ایدون باد ایدون تراج باد.

...

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

بهمین نام خوانده شد ادامه دهم پیشنهاد مزبور مورد قبول واقع گردید و در آخرماه آوریل یك قسمت توپخانه کوهستانی شماره ۳۳ تحت فرماندهی ماژور.س. رائول ویکدسته از نیزه داران شماره ۱۵ تحت فرماندهی ماژورس.م بروس و یکدسته ۱۲٤ نفری بلوچ تحت فرمان سرهنگ دواف. تویك از بوشهر وارد بندرعباس شدند واقعاً از سردار نصرت و نایب‌الحکومه عباسی باید خیلی ممنون بود که همراهی کرده وآذوقه وعلیق را تهیه کرده و بتدریج حمل نمودند درضمن نمایندگانی بآبادیهای خط سیرفرستادیم که باهالی حالی کنند که این حرکت ما دوستانه و مقصود حفظ امنیت است.

عمده نگرانی سرمسئله نقلیه بود گرمای بندرعباس‌درآخرماه مارس (اوایل‌فروردین) آنقدر سخت وشدید میشود که هیچ گاری و شترداری از داخله ایران بطرف گرمسیر حرکت نمیکنند وشتران محل نیزکم بارحمل میکنند و محمولات تجاری معمولا باالاغ که کند حرکت میکند حمل میشود خوشبختانه یکنفر مأمورقابل تلگراف را درخدمت داشته ونیز ناظم بانك کرمان در عقد مقاطعه‌های لازم کمك فراوان نمود تصمیم بر این شد که در دو ستون حرکت کنیم ستون اولی در۱۷ مارس (اسفندماه) بندررا بصوب کرمان ترك گفت راه و خط سیر در دو منطقه بود اولی که از وسط گرمسیر میگذشت مرکب از هشت منزل ولی نهایت درجه گرم و مالاریائی بود در اوایل گرما شدید و حد متوسط حرارت ۱۱۰ درجه فارنهایت (٤۳ درجه) بود اما سایبان و پناهگاه بآسانی پیدا میشد و شبها هم هوا سرد بود عبور ما دراین راه به تنگ زندان مخوف افتاد که بسیاری از کاروانها را مسیل به ته دره برده بود بخت بمایاری کرد و قوای ما بآسانی ازتنگه عبور کرده وارد آبادی پوراحمدی شدند خان حاکم اینجاکه از سران معروف دزدان بود برای ما خوارو بار تهیه کرد ومعلوم بودکه ازروی رضا ورغبت نیست دوروز بودما وارد دولت آباد شدیم در این محل یك عده ازدوستان قدیمی ازما پذیرائی کرده نامه‌هائی هم باامضاء وجوه اهالی آنجا مشعر بر تبریك ورود بمن دادند از این نقطه ببعد امیدواری ما زیادتر شد.

از سلسله جبال زیبای لاله زار گذشته و ناحیه برد سیررا ازگدار کفنو که ارتفاع آن بالغ نه هزارپا از سطح دریا میباشد پیمودیم پس از چند روز سردار نصرت با عده‌ای از نجبای کرمان باستقبال ما آمده و ما را از وسط بازارکرمان باکمال احترام عبور دادند اداره تلگراف و بانك بسرعت شروع بکارکردند

شهر کرمان یکمرتبه امن و امان شد و آشوب طلبان ناپدید شدند.

یکی از ملاکین کرمان میگفت تاشب قبل از ورود قوای شما سی تن ازرعایای خود را برای محافظتم گمارده بودم ولی بعد از ورود شما خواب راحت میکنم.

رئیس جدید سازمان جوانان زرتشتی ایرانی - بمبئی

آقای خدایار ایدون رئیس سازمان جوانان زرتشتی بمناسبت مسافرت خارج از بمبئی از ریاست سازمان جوانان استعفا دادندوآقای هوشنگ بخت باتفاق آراء بریاست جدید سازمان جوانان زرتشتی بمبئی انتخاب گردیدند.

سال ۱۶ شماره ۷ شماره مسلسل ۱۸۶

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

داخله		خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »



کاملترین پمپ

پمپ شناور اِمو آلمانی

EMU

یک فاز سه فاز

به اندازه های ۱/۴ اینچ الی ۲۴ اینچ

اِمو

بهترین و ساده ترین پمپ برای باغات و مزارع کشاورزی

اِمو

برای چاههای ۲۰ متری تا ۳۰۰ متری

ینده‌ٔ انحصاری در ایران: شرکت زرتشتی - تهران - خیابان سعدی کوچهٔ ممتاز ساختمان زرتشتی تلفن ۳۵۲۸۲ ۳۸۶۲۱

هوخت

گفتار نیک

آبان ۱۳۴۴



شماره ۸۰

سال ۱۶

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر





در هـر زمـان که ماه آبـان فرامیـرسد ملت حقشناس ایران‌خود را برای‌شرکت در جشن بزرگی آماده میکند که همـواره مستوجـب آن بوده است چه از ازمنـه قدیم تا کنون ایـن ملت خودرا عادت داده است که همیشه برای خویش شادی بیافرینند و جشنی ترتیب دهد و در وراء آن غبارغم ازدل‌بزداید و روح و فکر خـود را نزهت وصفا بخشد تا در موقع کار توانائی فکری وقوای جسمانی داشته‌در پناه آن خویشرا بسرحد



کمال رساند و اقلا در هرماه که نام یکروز آن مصادف باهمان نام ازماه قرار میگرفته بدین مناسبت جشن بزرگی ترتیب میداده و بپاس فرا رسیدن آن روز در شادی و نشاطی بیحدو حصر غوطه ور شده و بدینوسیله درهای سعادت وکامرانی را بروی خود میگشوده است .

ماه آبان که روز چهارم آن نیز بنام آبان موسوم است در ایران کهن بنام جشن آبانگان معروف بوده است وفرشته آبان که جاری کننده ـ حامی ونگهدارنده آبهای روان در سراسر کره افلاك میباشد در نزد ایرانیان قدیم مورد احترام ویژه‌ای قرار داشته‌است چه ایرانیان قدیم عقیده داشته‌اند که در این‌روز بخصوص ازسال فرشته آبان تمام آبها را از پلیدیها مبرا داشته‌مشیمه‌های پاك ببار آورده و فرزندانی پاکنهاد بعرصه وجود میآورده‌وهمواره درروز چهارم آبان درسراسر ایران جشنهای‌بزرگی بر پا داشته به شادی و نشاط می‌پرداخته‌اند .

درعصر درخشان پهلوی بزرگ که کشور ایران بسوی کمال وترقی هدایت گردید و بهمت آن رادمرد والاگهر زنجیرهای اسارت و مرامهای بیگانه وبیگانه‌پرستی از هم گسسته ومحو ونابودگردید دوباره با تجدید برگزاری مراسم اعیاد باستانی روح‌جدیدی



در پیکر مردم ایـران دمیده شد و ملت ایران که بویژه در ایـن راه خودرازنده مجدد میبافتند بیش از حـد پـرستش شاهنشاه بزرگ خویشرا مـدیـون و سپاسگـزار گردیدند.

خوشبختانه برقراری مراسم اعیاد کهن دردوره کنونی بمنتهـای قـوت خود رسیده است و جای بسی خوشوقتی است کـه جشن بزرگ آبـانگان مصادف با میـلاد مسعود شاهنشاه محبوب ایـران گردیده و همانطوریکـه ایرانیان باستان معتقد بوده‌اند در روز جشن آبانگان گرانمایه مردی پای بعرصه وجودنهادکه براستی از هر لحاظ مظهر الطاف الهی بوده ووجود مقدسشان برای کشور بزرگ ایران همواره باعث حصول خیر و بـرکات الهی وکسب افتخـارت جهانی و پـایداری و بـرقراری بوده است .

آری روز چهارم آبان روز میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر میباشد که ملت ایران همواره شاهد درآغوش کشیدن نتایج بزرگ ابتکارات وفداکاریهای معظم‌له میباشند و از اینروست که همه افراد ملت ایران یکدل ویکزبان در اینروز فرخنده مبارك تا سرحد توانائی‌خویش باابراز احساسات پرداخته و برای جبران و تلافی اینهمه گذشت‌وفداکاری درراه ملك ومردم ازهیچگونه مجاهدتی‌فروگذاری ندارند چنانکه‌ورزشکاران‌وپیش‌آهنگان زمینهای ورزشی شهرهای ایران را با قدمهای محکم ومتین خویش بلرزه درآورده مردم عادی شهرها را با چراغانی زینت بخشیده ، مطبوعات ببهترین وجهی ترجمان احوال هم‌میهنـان عزیز شده و خلاصه هر فردی در هر لباس دست دعا بدرگاه پروردگار توانا



برداشته وببهترین نحوی دریك جشن بزرگ ملی معاضدت وهمکاری مینمایند وهمگی آرزومندند که مراتب عبودیت وتبریکات خالصانه‌شان نزد پدر تاجدار مورد قبول واقع شود.

برای جامعه زرتشتیان نیز نهایت مباهات و افتخار خواهد بود که شادباشهای قلبی وتبریکات بی‌شائبه‌شان بمناسبت میلاد مسعود شاهنشاه آریا مهر در پیشگاه مبارك معظم له موردقبول واقع گردد.

ماکه‌همواره درنماز پنجگانه روزانه خویش بشاهنشاه باعز و جاه خویش وکشور عزیزمان ایران درود می‌فرستیم پیوسته آرزومندیم که دعایمان نزد خالق منان مورد اجابت قرار گرفته برطول‌عمر و شکوه و جلال شاهنشاه دادگسترمان بیفزاید تا ملت ایران پیوسته از فیض برکات‌لایزال الهی وعطوفت شاهنشاهی مستفیض و برخوردار گردد.

خوشبختانه خداوند عالمیان درماه آبان الطاف بیکران خودرا نسبت بمردم‌ایران تکمیل کرده‌و درروز نهم‌آبان والاحضرت ولیعهد یعنی چشم وچراغ خاندان جلیل سلطنت وملت ایران برای ادامه شاهنشاهی و ثبات وپایداری ملت دراین سرزمین دیدگان خود را بروی ملت خویش گشوده‌اند.

بدینجهت ما باکمال مسرت جشن میلاد مبارك ولیعهدایران را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران تقدیم داشته و امیدواریم که برای تکمیل سعادت ملت ایران عنایات پروردگاری پیوسته خاندان جلیل سلطنت را ازهرلحاظ درامان‌داشته

بقیه درصفحه ۱۱

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۴)

۸ ـ راز قربانی ابراهیم فرزند را

داستان قربانی اسحاق در تورات که بجای اوقوچی قربانی شد ، در پیش گذشته ، دوباره گویی بیجاست . درسوره صافات قرآن از آیه ۱۰۱ تا ۱۱۲ در اینباره سخن رفته ، چکیده آن اینستکه :ـ ابراهیم دست بدعا برداشته ازخداوند درخواست میکند که فرزند صالحی باو عطا شود ، نیازش برآورده میشود ، آنگاه که پسر رشد یافته و باپدر درزندگی بهتلاش وکوشش میافتد ، پدر به پسر میگوید ـ درخواب باوفرمان داده شده که اورا درراه خدا قربانی کند و نظرفرزند را خواسته است . پسرپاسخ داده که مأموریت خودراانجام دهد ؛ او شکیبا خواهد ماند . درآیه ۱۱۲ میگوید ـ و باز مژده اسحاق که پیغمبری از شایستگانست به ابراهیم داده شد . مفسران قرآن بدین آیه استدلال میکنند که پس فرزند قربانی باید اسماعیل باشد نه اسحاق که هنوز بدنیا نیامده بود ، ولی در قرآن نامی از اسماعیل یا اسحاق برده نشده است .

در این داستان دیده بنام و نشان فرزندیکه سوژه قربانیست نداریم ، ولی این پرسش بمیان میآید که چرا به ابراهیم فرمان رسیده که نخستین و یگانه فرزند خود را قربانی کند ؟ از زمینه تورات و قرآن چنین برمیآید که اسماعیل جوانی برومند بوده و هنوز اسحاق بوجود نیامده بود، درحالیکه یهوه چندبار افزایش زاد و برزاد ابراهیم را بشماره ریگهای بیابان و ستارگان آسمان نوید داده بود ، چگونه میخواسته نخستین فرزند او در راه خدا قربانی شود ؟ خواننده اگر به گفتار نوزدهم با دقت بررسی کند ، این رازآشکار میشودکه اگر ابراهیم برهمن هم نبوده ولی قربانی انسان را روانمیداشته زیرا درکتابهای برهمانا قربانی انسانهم مجازبوده ولی برهمنان آنرا تبدیل بحیوانات میکردهاند و بسا ابراهیم کیش مزدیسنان داشته ولی چون درمحیط یهود تا مصروعربستان

قربانی انسانی رواج داشته و در کیش زرتشت قربانی دامها هم غدغن بوده ، ابراهیم میخواسته اگر نمیتواند قربانیحیوانات داممانع گردد ، دستکم ازکشتن انسان جلوگیری نماید و بدین دستاویز پرداخته که بجای پسر، گوسفندی که خود میدانسته چگونه ناگهان پیدا میشود، قربانی کند تاقربانی انسانرا تبدیل به حیوان کرده باشد .

تورات قربانی انسان راهم روا میدارد

پس از ابراهیم ، یهود باز روش قربانی انسانرا درپیش گرفتند و در تورات نیزاین کار غیر انسانی بفرمان یهوه انجام میگرفت ولتر **Voltaire** فیلسوف و شاعر نامی فرانسه میگوید :- « قوم یهود دختران و پسران را قربانی میکردند و اینکار را « اناثیما » **Anathima** میخواندند ، چه درفصل ۲۷ سفر لاویان امرشده است ؛ کسانیراکه نذر خداوندکرده‌اند ، ازکشتن معاف نکنند » . راستی‌که من از این گفته دودل و بدگمان شده ، به سومین کتاب تورات (سفرلاویان) روکردم . این کتاب ۲۷ باب در بردارد و رویهمرفته کتاب فقهی و دستورقربانی ، جرایم گناهان و باری قانون مالیات مستقیم و درآمد دارایی و عمل بوقف و نذرهاست و اجرای آن با هارون و فرزندانش واگذار و همه بفرمان یهوه درکوه سینا خطاب به موسا بوده است . درباب بیست‌وهفتم آیه ۲۸ چنین است :- « اما هرچیزیکه کسی برای خداوند وقف نماید ، ازکل مایملك خود ، چه از انسان ، چه از بهایم و چه اززمین ملك خود ، نه فروخته شود و نه فدیه داده شود ، زیرا هرچه وقف باشد برای خداوند قدس اقداس است .» آیه ۲۹ - « هروقفیکه از انسان وقف شده باشد ، فدیه داده نشود، بلکه کشته شود » . مفهوم این دوآیه هیچگونه تاویلی نمی‌پذیرد مگر اینکه انسان‌نذر شده به خداوند قدس اقداس ؛ باید قربانی شود !! - در پایان این باب مینویسد :- « اینست اوامریکه خداوند به موسا برای بنی‌اسرائیل درکوه سینا امرفرمود . »

ژوونالیس (**Juvenalis**) مینویسد: - « درمیان مصریان کهن ، همان ملتی که به عقل و دانش و قوانین خود معروف شده است ، ملتی که ازشدت پرهیزگاری و تدین تیمساح و پیاز راهم ستایش میکرد ، اقوام « تین‌تیری » یکی ازدشمنان خود راکه اسیر کرده بودند ؛ خوردند . اگرروزگاری اعتقادات باطل و خرافات موجب قربانی کردن فرزندان‌آدم درراه خدایان شده ، احتیاج به خوراك نیز مردم را بـه خوردن کشتگان می‌انگیخت ».درباره یهود بااشاره به‌تورات میگوید :- «بطریق پیشگو» خبرمیدهد که خداوندآنانرا گذشته‌ازخوردن اسبان دشمن - به خوردن‌سواران و جنگجویان دیگرنیز وادار خواهدکرد . این خبرصریح و قطعی است و راستی هم چرا باید پنداشت که قوم

یهود آدمخوار نبوده‌اند ؟ – زیرا اگر آدمخوار نمی‌بودند ، برای اینکه منفورترین مردم زمین باشند ، چیزی کم میداشتند !!» .

یکی از داوران «کدعون» از تیره منسیه (Manassah) بنام یفتاح که کشاورز بود، درجنك مخالفان بر آنها چیره و پیروز گردید ، بنی‌اسرائیل او را دعوت کردند که در جنگ با عمونیان فرمانده سپاه باشد ، اوپذیرفت ، ولی‌پیش از آغازجنگ نذر کرد که اگر پیروزشد ، نخستین کسیکه از خانه‌اش بیرون آید ، وقف خداوند و او را در راه پروردگار قربانی کند . یفتاح‌درجنگ پیروزمیگرددو درباز گشت بخانه ، یك دسته‌دختر به‌پیشواز او بیرون میایندکه دختر خودش پیشاپیش‌آنها بوده ، یفتاح چون اورا می‌بیند اندوهناك شده به دخترخود میگوید – چنین نذری‌کرده و پیمانی با خدا بسته ، دختر میگوید به عهد و نذر خود وفاکند و باری پدر ویرا قربانی میکند . این داستان پس‌از موسامیباشدکه‌بحکم‌تورات قربانی انسانی انجام میگرفته است .

عرب و قربانی انسان

نذر و قربانی‌های انسانی درعربستان نیزرواج داشته ولی درآنجا بانیایش بتها و خدایان تیره و طوایف جزیره که مرکز آنها مکه و بتخانه بزرگ کعبه بود ، انجام میگرفت و داستان این‌گونه قربانیان مانند سایه‌ای از افسانه برسیمای تاریخ است.

درآستانه پیدایش‌اسلام و برخاست محمد (ص) یك چنین واقعه در خاندان اشرافی خود این پیغمبر رخداده که درمتن تاریخ زندگانی او یاد شده، دراینجا مطرح است .

عبدالمطلب نیای محمد امیرقریش وکلید داردکعبه خوابی دیدکه درصحن بتخانه یك‌گله جا به اونشان داده شده که‌آنجا را بکند تا به چشمه‌آب برسد . یك روز او را دیدندکه با حارث یگانه‌پسرش کودکی‌شش‌هفت ساله سرگرم‌کندن گودالی است.رهگذران بتماشا ایستاده، درشگفت بودندکه بزرگ و سرور قریش از این‌کند وکاو چه چیز را میجوید و خواستش از اینکار چیست ؟. اوکه دختری‌ندارد تابرای رهائی‌ازننگ‌بخواهد زنده بگورش‌کند ؟ . هبل (بت‌بزرگ) تنها یك‌پسربه او داده است ! . عبدالمطلب‌زمین را میکند و پسرك خاکش را بالا می‌کشید .

روزدوم به اوگفتند – ای عبدالمطلب ، اگرخدا بیش ازیك پسربتوداده بود چه خوشبخت بودی و امروز تو را یاری میکرد. پیرقریش‌چیزی به‌آنها نگفت ولی سربآسمان کرده زیرلب‌گفت :– پروردگارا اگرده‌پسر به من دهی بهترین‌آنها را درراه توقربانی میکنم . تماشاگران لبخندی زده گفتند – ده پسر برای کسیکه جزیکی ندارد ! . کندوکاو

دنبال میشد ، داستان درازی دارد ، سخن کوتاه ، روزسوم چند تندیسه آهو ازطلای ناب و برخی ابزارجنگ ازشمشیر ، سپر، زره و دیگرچیزها یافت شد ، ولی باز مرد بزرگ می کند ومی کند تا به تخته سنگی رسید ، نوک کلنگ را بزیرسنگ انداخته باهمه توش و توانش آنرا بر کند ، درزیرسنگ چاهی از آب زلال و با مزه اشك چشم یعنی شورورش، نمایان گردیدو آنرا « زم زم » نامید [به دیده من واژه «زم» پارسی و بمعنای « خنك » است ، چنانکه موسم سرما را زمستان میگوئیم واژه « ستان » بمعنی ظرف است مانند باغستان ، سروستان ، گلستان و دشتستان و زمستان یعنی فصل خنکان ، همچنین تابستان یعنی موسم گرما ، زیرا تاب ازتابش و بمعنای گرماست و دیگر واژه زمین یعنی خنکین دربرابر آسمان که جایگاه خورشید که کانون آتش و حرارت است و زمهریر که در برابر دوزخ گفته میشود نیز برهان دیگر این نظریه است] چون آب چاه خیلی خنك بوده آنرا « زم زم » برسم مبالغه خوانده اند .

عبدالمطلب ازچند زن دارای ده پسر گردید که جوانترین ، شجاع ترین وزیباترین آنها ، عبداله (بعدها) پدر محمد بود .هبل (Hebel) بت بزرك، خدای آب، رواکننده حاجات و دارنده کلید پیروزی درجنك و مشکل گشا که رختهای رنگارنك ابریشمین به او می پوشاندند، باگوهرهااو راآراسته و اورا آغشته به عطر گل میکردند ، اکنون که عبدالمطلب نیازش برآورده شده ، طعمه خود رامی خواهد و عبدالمطلب باید بهترین پسران راکه نذر کرده درراه هبل قربانی کند . وجود ده پسر برافتخار سرور قریش افزود ، گاهی که به مسجدالحرام (کعبه) می آمد ، با ده پسر بدنبالش هاله ای ازسرافرازی و نازش برسرو بر عبدالمطلب افکنده میشد. ولی اکنون که هنگام وفای به پیمان رسیده ،او نمیدانست کدامین را برای قربانی برگزیند . چه هیچیك از مادران حاضر نمی شدند جوان جگر گوشه خودرا در اختیار پدر بگذارند .

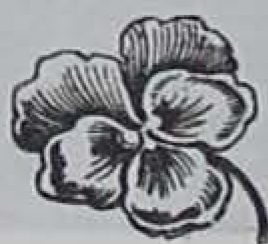
ناچارراه قرعه کشیدن را اختیار کرد . قرعه یا فال درکارهائیکه نمیدانستند چه راهی را اختیار کنند درحضور هبل باخشنودی و فرمان او انجام میگرفت و آنرا «زلمه» Zalma می گفتند . ترزکار چنین بود که روی چند تکه چوب سر تیرمانند نام اشخاص و برای انجام مهمی، خوب یا بد- آری و نه- روی تیرها مینوشتند و این تیررا « زلم» مینامیدند و درکیسه ابریشمین که دربارگاه هبل بدیوار آویزان بود ، گماشته ویژه اینکار میریخت ، آنگاه با اجازه از بت بزرك ، تیرها را یکی یکی بیرون می آوردند، هرچه روی اولین تیر نوشته شده بود باید اجرا کنند . جمع زلم - ازلام گفته میشد ، درباره این ده پسر، روی ده تیرنام آنها نوشته شد ، گماشته ازلام پهلوی هبل ایستاد سران قریش وگروهی از مردم

دربارگاه هبل سرپا ایستاده ، همه چشمها به‌کیسه و عبدالمطلب دوخته شده‌بود ، گماشته تیرها را درکیسه ریخت و بهم‌آمیخت آنگاه گفت : ـ « ای هبل ـ درمیان پسران عبدالمطلب یکی را برگزین » . کیسه بهم خورد ، عبدالمطلب دست‌درکیسه فروبردویکی‌را درآوردو با صدای لرزان‌نام‌عبداله‌را خواند ، هبل اشتباه نکرده ، بهترین و عزیزترین پسرانش‌را برگزیده بود .

قرعه فال بنام‌عبداله، ناله ازدل مردم وآه ازنهاد مادرش برآورد.عبداله نزدهمه مردم عزیز و معشوق همه دختران دم شوهرمکه بود (چنانکه نوشته‌اند درعروسی او با آمنه دختر وهب ده‌ها دختر زیباخودکشی‌کردند) ولی عبدالمطلب باآن عقیده وپیمان برگشت‌ناپذیرش ، جزکشتن عبداله چاره‌ای نداشت . پدردرجلو وپسربا تبسم‌برلب‌وگام استوار درپی‌پدر و انبوه مردم‌بدنبال‌آنها و مادران پریشان حال باچشم‌گریان به‌قربانگاه رفتند . عبدالمطلب خنجرکشید ، عبداله سررا برهنه‌کرد ، زلف بلند تابدار و سیاهش روی گردن و سینه پسر ورُوی دامن پدرریخت ، همینکه خواست دم خنجررا به‌گلوی پسر آشنا سازد ، پیرمردی ازمیان‌گروه فریادبرآورد، دست‌نگاه دارد، به‌زن غیب‌گورجوع شودکه این نذر بی‌چون وچرا باید اداشود یانه ـ همین‌کار راکردندکاهنه‌گفت : ـ آری باید نذر ادا شود ولی میان عبداله و ده‌شترقرعه‌کشیده شود، دوباره مراسم قـرعه‌کشی دربرابرهبل انجام‌گردید ،تانه‌بارهر بارده شتر دربرابرعبداله قرعه‌کشی شد و نام‌عبداله درآمد ، باردهم نام شترخوانده‌شد و صدشترعبدالمطلب قربانی‌کرد و عبداله نجات یافت.

بقیه سر مقاله

باشد و از آنجائیکه این مـاه خجسته و خـیرانگیز آبان مصادف بـا تولد والاحضرت های والاگهر شاهزادگان شمس ـ اشرف و شهناز پهلوی نیز میباشد بدین‌لحاظ این ایام فرخنده را با خلوص نیت تهنیت عرض‌کرده امیدواریم که خداوند عالمیان به‌پایندگی و برقراری فرداً‌فرد افراد خاندان جلیل سلطنت افزوده پیوسته دربار شاهنشاهی ایران را غرق درخوشی وشادکامی وکامرانی داشته همواره جهانشان بکام وستاره اقبالشان فروزان‌و تابناك باشد آمین .



نوشته: اردشیر جهانیان

پشوتن جی دوسابائی مارکار

نیکوکاری فرشته خصال در ۹۴ سالگی جهان را بدرود گفت

هر کس ازشهر یزد دیدن نموده و یا از آن گذشته است آثار خیر و موسسات وسیع فرهنگی مارکار در برابر چشمش یقیناً مجسم است این مرد نیکوکار درجوانی همسر خود را ازدست داد واز آنزمان خود را ازلذات مادی محروم و هم خود رادرراه معنوی وخدمات اجتماعی معطوف داشت باآنکه از مال و ثروت مادی بهره کافی نداشت با اینحال چون دارای همت بلند وآرمانی عالی بود مردانه وارد میدان شد و درراه هدف خود به تلاش وکوشش پرداخت نخستین اقدام خود را متوجه آموزش و پرورش کودکان بی سرپرست



و یتیم نمود درسال ۱۳۰۱ خورشیدی پرورشگاه پسرانه مارکار را دریزد تأسیس و سپس برای تاسیس دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه کوشید و درسال ۱۳۰۶ بدین امرخطیر کامیاب گشت .

برای آنکه باهمیت اقدام خیرخواهانه این مرد نیکوکار پی برده شود لازم است اندکی اوضاع آموزش و پرورش کشور در سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ مورد مطالعه قرار گیرد یعنی در آن سالها که تازه مردم کشور بهمت مردی توانا وسرداری شجاع یعنی رضاشاه کبیر از خواب سنگین غفلت به بیداری گرائیده و وسائل لازم برای زندگانی روزمره هم بزحمت دراختیار داشتند و شاید درسراسر کشور تعداد دبستان و دبیرستان به ۵۰ باب نمیرسید و اصولا سواد دارشدن ازکارهای تجملی بشمار میرفت و اگر گزاف پنداشته نشود در انحصار طبقه خاصی قرارداشت درچنان روزی بود که پشوتن جی مارکار با همتی بلند باین امرخطیر پرداخت و نخست ازطبقه بی سرپرست و محروم آغاز نمود و آنگاه توفیق یافت آنچنان موسسات سودمندی بوجود آورد که امروز پرورش یافتگانش مایه افتخار و ازافراد خدمتگذار بشمار آیند وهنوز هم آثار نیکش آنچنان برپایه درست و اصولی صحیح استوار است که جاودانه نام نیکش را برقرار خواهد داشت .

مارکار سه بار باین کشور یعنی کعبه آمالش مسافرت نمود و بدیدار برادران وهم میهنان خود شتافت نخستین بار درسال ۱۳۰۳ خورشیدی بود که درضمن از پرورشگاه نوبنیاد خود بازدید بعمل آورد وثمره نیك نیت عالی خود را دریافت و آنگاه به توسعه و انجام آرمانهای دیگر خود پرداخت باردوم درسال ۱۳۱۳ یعنی هنگامیکه ساختمانهای نوبنیاد پرورشگاه و دبستان و دبیرستان پسرانه آماده گشت برای شرکت درجشن گشایش آن رنج سفر بر خود هموار نمود و بآنسامان روانه گشت .

سومین بار درسال ۱۳۲۸ بود که بمناسبت بیست و پنجمین سال خدمت پرورشگاه و آغاز ساختمان دبستان و دبیرستان دخترانه روانه ایران و یزد گشت و بزرگترین لذت معنوی را ازحاصل کشته خود احساس نمود یعنی جوانانی که روزی ازکودکان بی سرپرست وفاقد همه چیز بودند دربرابر خود باشور و احساسات بشردوستانه ای مشاهده نمود که همه برومند و شاداب و ازافراد سودمند اجتماع بشمار بودند و هریك صاحب مقام وبرای خود ارج و احترامی داشتند درآن لحظه بود که مارکار دروجدان شریف خود عالیترین افتخار و سربلندی را درك نمود ودریافت که اگر تصادف روزگار او راازداشتن فرزند محروم ساخته چنان حکمتی داشته است که روزی صاحب فرزندان بسیار اما شایسته وکاردان گردد آری

بقیه درصفحه ۵۳

مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار

انجمن زرتشتیان تهران بپاس خدمات فرهنگی و اجتماعی و بنیادآثارخیری که روانشاد مارکار دریزد برپا داشته ازساعت پنج تا هفت بعدازنیمروزشنبه ۲۴ر۷ر۴۴ مجلس یادبودی برگذار نمودکه درآن عده کثیری ازهمکیشان و هم میهنان شرکت‌جسته بروان تابناك این جوانمرد نیکوکار درود فرستادند پس‌از نیایش‌خوانی وبرگذاری‌آئین مذهبی جناب‌آقای ارباب رستم‌گیو رئیس انجمن زرتشتیان تهران و سناتورمحترم شرح مبسوطی درستایش ازخدمات آنروانشاد اظهار و از شرکت کنندگان سپاسگزاری نمودندکه عین‌آن در اینشماره درج است سپس جناب‌آقای محمد علی روشن یکی از شخصیتهای اجتماعی کشورکه دوسال فرمانداریزد بوده وآثارنیك و نتیجه خدمات روانشاد مارکار راشاهد و ناظر بوده‌اندبابیانی شیوا ومفصل بیاناتی‌ایرادداشتندکه‌عیناً دراینشماره درج‌است‌آنگاه‌آقای اسفندیار ماوندادی یکی ازفارغ‌التحصیلان‌موسسات‌فرهنگی مارکار اززبان دل به‌بیان‌نتیجه خدمات فرهنگی مارکارپرداختندآنچنانکه‌شنوندگان رابردل نشست‌وپس‌ازآن آقای‌مهربان خانی چکامه‌ای‌که دروصف خدمات مارکار سروده‌بودند خود قرائت نمودند همچنین‌آقای ارباب خدایار هورمزدی عضوهیئت مدیره سازمان فره‌وهر جوانان زرتشتی نیزچکامه‌ای که سروده بودند برای حضار خواندنـد و درپایان آقـای سهـراب سفرنك دبیرانجمن زرتشتیان‌تهران ازسخنرانان وچکامه‌سرایان وشرکت کنندگان درمجلس‌اظهارتشکر نمودندو مجلس با روحانیت وشکوه‌خاص پایان پذیرفت .

یادآوری

پیرو آگهیهای پیش ببانوان و آقایان گرامی که تاکنون کارت شناسائی ویژه افراد زرتشتی دریافت ننموده‌اند یادآوری و خواهشمند است برای استفاده از مؤسسات جماعتی و شرکت در انتخابات انجمن زرتشتیان بـا در دست داشتن شناسنامه و ۲ قطعه عکس ۳ در ۴ بـدبیرخانه انجمن زرتشتیان مـراجعه وکارت شناسائی دریافت فرمایند.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار



حضار ارجمند از اینکه دعوت انجمن زرتشتیان راقبول و برای شرکت در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار یکی ازپارسیان شاهدوست وایران‌پرست که از مردان نیکوکار وفرهنگ پرور بوده دراین مجلس تشریف آورده‌اید اظهار سپاسگزاری وتشکر مینمایم.

زیرا حقیقتاً بزرگترین و مؤثرترین موجبات پیشرفت و ترقی و توسعه فرهنگ و کارهای سودمند وعام‌المنفعه یك جامعه وملت تشویق و تقدیر از خدمتگزاران آن جامعه وملت است چه درزمان حیات و زندگیشان و چه پس ازممات ومرگشان و بواقع روانشاد پشوتن‌جی مارکار پارسی هندوستانی یکی‌از این‌اشخاص خدمتگذار بوده که درزمان‌حیاتش بپاس عشق وعلاقه بایران که وطن وزادگاه اجداد ونیاکان نامدار و پرافتخار خود بوده بمنظور خدمت بهم‌میهنان خود تمـام هستی ودارائی خود را صرف تأسیس پرورشگـاه و دبیرستان ودبستان درشهرستان یزد برای تعلیم وتربیت وآموزش و پرورش فرزندان این آب وخاك نموده که خوشوقتانه امروز عده زیادی از تربیت‌یافتگان مؤسسات تـربیتی و فرهنگی مارکار با قابلیت وشایستگی کامل بخدمات فرهنگی و اجتماعی کشوراشتغال‌دارند وهمیشه ذکرخیر روانشاد پشوتن‌جی مارکار ورد زبان‌آنها بوده وهست.

جای خوشوقتی وسپاسگزاری است که دولت معظم شاهنشاهی ایران نیزقدرخدمات آن شادروان را دانسته ووزارت محترم فرهنگ وقت درزمان حیات روانشاد مارکار آن شادروان را بااعطای نشان، مدال درجه یك‌سپاس ونشان همایون‌مفتخر ومباهی‌فرموده‌اند و امروز نیز پس از درگذشتش برای قدردانی‌از خدمات آن‌روانشاد درتهران وشهرستان یزد مجالس یادبود برگزار وروانش را شادمینمایند.

چون دیگر آقایان سخنرانان محترم بویژه آقای‌محمدعلی روشن‌که سالیان دراز فرماندار شهرستان یزد واز شخصیتهای برجسته‌کشوری وخدمتگـزارصدیق شاهنشاه‌آریا مهر میباشند واز تأسیسات مارکار دریزد کاملا اطلاع دارند بتفصیل‌حقایق رابیان‌خواهند

بقیه درصفحه ۳۴



سخنرانی جناب آقای محمد علی روشن در مجلس یادبود روانشاد مارکار

با عرض ادب و سلام خدمت خانم‌های محترم و آقایان گرام . فقدان روانشاد مارکار را تسلیت عرض میکنم . امروز صبح که برحسب تصادف باآقای اردشیر جهانیان که از دوستان قدیم و دانشمند اینجانب هستند تماس حاصل شد و ازخبر تاسف اثرفوت روانشاد مارکار آگاه شدم که ازقرارچند روزپیش درسن نودوچهار سالگی با روانی آرام و آسوده رخت ازجهان بر بسته‌اند و ضمناً مطلع شدم که امشب ازطرف انجمن محترم زرتشتیان مجلس یادبودی برای فقید سعید در این تالار تشکیل میشود برخود فرض دانستم که دراین جلسه حضوریافته و دراین سوگواری شرکت نمایم .

اینجانب ضمن خدماتی که درموقع اشتغال بخدمت درشهرستان‌ها عهده‌دار بودم دو سال هم درشهرستان یزد بسمت فرمانداری ایفاءوظیفه نموده‌ام شاید حضارمحترم استحضار داشته باشند که طبق موازین‌قانونی مخصوصاً قانون تقسیمات کشور فرماندارهرشهرستان که نماینده اول دولت‌است و فرمان مبارك همایونی دردست دارد نظارت عالیه بادارات محل‌خدمت خود خواهد داشت و ازاین‌رو وظیفه فرماندار است که چنانچه نواقصی در درامورمشاهده نمود تذکردهد و دررفع آن بکوشد و ازکمك‌ها و هم‌کاریهای لازم مضایقه نکند و چنانچه مشکلاتی برای هریك ازادارات پیش‌آید مرتفع سازد .

اینجانب درسنین ایام تحصیل متوجه شده وپی‌بردم که یکی ازموجبات ترقی وتعالی هرملتی گنجینه فرهنك‌آن ملت است و فرهنك‌است که درتمام شئون اجتماعی موثرو راهنما

است باین‌جهت‌درشهرستان‌هائی که‌سمت فرمانداری یا معاونت استانداری‌راداشته‌ام همواره درحدود وظائف و مقدورات خود تا سرحد امکان درمعاضدت و یاری فرهنگیان و اقدام در پیشرفت امورفرهنگی ساعی وکوشا بوده‌ام .

درشهرستان یزدشاید هفته‌ای دو یا سه‌روز اوقات اینجانب صرف سرکشی و بازدید موسسات فرهنگی میشد موقعیکه با سازمان فرهنگی زرتشتیان آشنا شدم و پرورشگاه و دبستان و دبیرستان راازنزدیك دیدم وچندنوبت بازدید موسسات مذکورتکرارشدباتحقیق ازنام ونشان بانیان و بنیان‌گزاران‌این موسسات جالب و این‌خدمت‌بزرك‌اجتماعی‌وکمیت اعتبار برای ساختمانهای مذکورکه ازهرجهت‌آبرومند و مناسب برای مدرسه ساخته و آماده شده بودندباین‌رسیدم که‌پایه گذارحقیقی‌این‌آثار روانشاد مارکار بوده‌است‌وباپی‌جوئی‌های دیگری‌که بعمل‌آمد چنین استنتاج گرفته شد .

درتاریخ ۱۳۰۳شمسی یعنی درزمانیکه در اثر ضعف دولت های گذشته وگسیختگی شیرازه‌های شئون‌مختلف کشورعزیزماهنوزدچار بی‌انضباطی وهرج‌ومرج‌بودومیرفت‌دراثرقیام مردانه‌سردارفداکارمیهن‌ازخواب غفلت‌بیدارشده‌وبسوی اصلاحات بپیش رود مرحوم‌مارکار باتفاق یك‌گروه بیست‌نفری ازبمبئی‌که محل تولد اوبوده برای دیدار وطن نیاکان خود وهمکیشان و دوستان وبستگان به‌یزدآمده و درمدت توقف دراین شهرستان ومشاهده فقر اجتماعی و اوضاع عمومی‌آن شهرستان بچاره‌جوئی می‌پردازد .

قبل ازهراقدام متوجه فرهنك‌محل وعقب‌افتادگی اطفال زرتشتی از تحصیل میشود و تعلیمات عالیه شت‌زرتشت راکه دراعتلاء فرهنك و دانش زمان خود وبه‌کمال رساندن اخلاق اجتماع فرموده (کسانی میتوانندمرا بشناسند که‌دانش را شناخته باشند) نصب‌العین قرارداد .

همانطورکه شارع مقدس اسلام درکسب فضیلت ودانش می‌فرماید (طلب‌العلم‌فریضه علی‌کل‌مسلم و مسلمه) « طلب علم فریضه‌ای است برای هرمرد وزن مسلمان) .

این مرد پاکدل باعزمی‌راسخ تشکیلات سازمان فرهنگی یزددراتصمیم قرارداد ، و به هندوستان مراجعت میکند .

پس از ورود به بمبئی سی‌هزارروپیه موجودی نقدی خود را بنام سرمایه ابتدائی بحساب اعتبار سازمان فرهنگی شهرستان یزد به‌صندوق بانك میریزد و برای‌تحکیم‌اساس این‌نیت مقدس ضمن سخنرانی‌ها و ایراد خطابه‌ها درمجالس مختلف‌کمك مالی آقایان زرتشتیان محل را جلب مینمایدکه در نتیجه پشت‌کار و فعالیت خستگی‌ناپذیر آن روانشاد موجودی‌حساب مذکوردربانك به‌پنج‌برابر سرمایه ابتدائی بالغ می‌گردد .

بقیه در صفحه ۵۰

سخنرانی آقای اسفندیار ماوندادی در برگزاری مراسم پرسه روانشاد پشوتن‌جی مارکار

خانمهای محترم و آقایان بزرگوار و استادان ارجمندکه در این محل انجمن زرتشتیان تهران گردآمده‌اید در مقابل استادان خود وسخنوران ارجمند بنده حقیر قابل اینکه سخنی گفته ووصف و تعریفی ازخدمات اجتماعی و فرهنگی مرحوم پشوتن‌جی مارکار موسس دبیرستان و دبستان وپرورشگاه بزبان آورده وتمجید نمایم نیستم . ولی چون دانش آموزآن دبیرستان بوده وازهرلحاظو ازهرامتیاز و موقعیت آن تاسیسات ببهترین وجه استفاده نموده‌ام برخود واجب میدانم که ایفاء وظیفه کرده و برای شادی روح مرحوم پشوتن‌جی مارکار گفتاری چند درباره سجایای اخلاقی و همت والای آنمرحوم بعرض حضار محترم برسانم . مرحوم مارکار دنیای فانی رابخوبی شناخته و خودرا نیز کاملا وقف ملت خود خاصه زرتشتیان ایران و نونهالان یزدنموده و درنجات آنان گامی استوار برداشته و براستی سرمشق خدمت بنوع بشر بودندوایشانهم‌میدانستند که تنها راه‌ترقی و تعالی‌هرفردی داشتن دانش و بینش میباشد این‌شد که کمرهمت برای ریشه کن نمودن جهل و بیسوادی بستند و بحمداله موفق‌شدند چنانکه شاهنشاه عظیم‌الشان آریامهر بزرگترین پرچمدار ریشه کن نمودن جهل وبیسوادی دردنیا معروف شدند و دنیا بتبعیت ازشاه ایران گام برمیدارد.

ولی من که یك شاگرد شیطان و بازیگوش و درس‌نخوان بودم هنوزکه هنوزهست خاطرات خوش خودرا ازآن تشکیلات وآنهمه‌وسایل بخصوص میادین مناسب ورزشی‌وحتی ابزارکریکت ـ هکی که شاید خیلی از ورزشکاران هم آنها راندیدند ما درآن دبیرستان داشتیم و بازی میکردیم . امروزدردنیای متمدن فرهنگی جلو رفته و مترقی‌نامیده میشود که اول وسیله و محیط مناسب برای دانش‌آموز ـ دانشجو فراهم کندآنوقت استعدادخود بخود بروزمیکند علمای روانشناسی معتقدندکه همه مردم وبچه‌ها استعداد دارند فقط وسیله و محیط لازم دارندآن محیط که مرحوم مارکار بوجودآورده بودندقابل‌ستایش است و من شخصاً هرچه دارم ازسواد معلومات مرهون زحمات جناب‌آقایان سروش لهراسب خدمتگذارعلم و فرهنك زرتشتیان و موسسات مارکار مهندس مهربان گبل ـ هرمزدارع ـ مهربان خانی ـ مهربان بیوکی ـ اسفندیارکاویانی مرحوم استاد بمان‌مریم‌آبادی استاد خط و اوستا ـ مرحوم میرزا محمد حسین‌آموزنده ـآقای مهندس تابان (بلوری قدیم)

آقای کیخسرو برزو ـ آقای رستم شهزادی ـ آقای کیوانفر و خیلی استادان زحمتکش دیگر که در نظرم نیست و فراموش کردم وخواهند مرا ببخشید فراموش نمیکنم که یکی از هم محلی‌هایم که پدرش او را از آمدن بمدرسه بازداشته بود و استعدا ذاتی خوبی هم داشت وقتی اورا دیدم و گفتم چرا بمدرسه نمیآئی گفت پدرم مخالف است و ایکاش منهم مانند دیگران پدر نمیداشتم که بتوانم در آن آموزشگاه وپرورشگاه درس بخوانم این یك حقیقت محض است و من شخصاً افتخار میکنم که اولا اهل قاسم آباد حومه یزد که درحقیقت ده میباشد هستم و ضمناً تربیت شده آن آموزشگاه وآن پرورشگاه وآن تاسیسات و آن استادان میباشم و من صداقت وصفا وحقیقت گوئی و صراحت را از آنان وآنجا یاد گرفتم. اگرتعریف از خود نباشد رستگاری خود را نیزدرهمین چند کلمه میدانم مرحوم مارکار با کمال آرامش و آسایش خیال وجسم ۹٤سال عمر نمود ولی اولاد نداشت شك نیست که عموم دانش آموزان آن موسسات اعم ازدختران ـ پسران ـ دهات دورونزدیك ازاولادان آنمرحوم میباشیم خاصه برادرانی که برسریك سفره نشسته وزیردست استادانی داناوبی غرض تربیت شدیم وگرچه ما فرزندان بپاس خدمات و حمایت وهمت آنمرحوم همیشه شادی روح اورا از ایزد متعال خواستاریم و شك نیست که بهشت گروسمان مکانش میباشدولی هیچوقت احترام وسپاسگذاری استادان ارجمند خود را کهزنده هستندفراموش ننموده وسلامتی وموفقیت آنان رانیزازخداوند خواستاریم و شك نیست خدمات صادقانه و اعمال خیرمرحوم مارکار ودیگران که بانی خیر بوده و خواهندبود ازنظرمردمان بی نظر وبی غرض پنهان نمانده وآشکارا درود میفرستیم و موفقیت آنان نیز ازخدا خواستاریم و امید است که هرکس بقدرهمت والای خویش قدم خیردرراه افراد همگروه بردارد بخصوص امرتعلیم و تربیت فراموش شدنی نیست و بدانید که حق ازبین نمیرود و هستند کسانیکه حقوق حقه خدمتگذاران و خادمان ملت را بجای میآورند ازاینکه انجمن زرتشتیان تهران خاصه ارباب رستم گیو اجازه فرمودند که در این مراسم یادبود انجام وظیفه نموده واحساسات درونی خود را نسبت بمرحوم مارکار ابراز دارم کمال تشکر رادارم وازاینکه آقای روشن فرماندار یزد نیز درشناخت مرحوم مارکار بیاناتی فرمودند جای امتنان و سپاسگزاری میباشد ازحضارمحترم که تحمل فرموده گفتار مراشنیدند وبی نهایت سپاسگذارم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هرماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویاچاپخانه راستی تلفن ۳۹٦۲٤ اطلاع دهندوهمچنین آنهائیکه مایل باشتراك مجله هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خودرااطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.

سروده
مهربان خانی

بیاد روان شاد پشوتن مارکار

رفت از گیتی بزرگ نامدار — پارسی فرزند ایران مارکار
آنکه کرد ازراه‌دانش پروری — مال خود را در ره میهن نثار
آنکه دستور اشوزرتشت را — بست اندر زندگی دایم بکار
زیست با اندیشه و گفتار نیک — بود کردارنکو او را شعار
آنکه‌در داد ودهش همتای‌او — کم تواند دید چشم روزگار
از خرد سرمایهٔ فانی بهشت — شد بهشت‌جاودان را خواستار
ثروتی کزراه دانش گرد کرد — برد آنرا در ره دانش بکار
کرد برپا همت والای او — بهترین بنگاه فرهنگی چهار
دودبستان‌دودبیرستان که‌هست — در بنا از بهترین شاهکار
کرد بهر خدمت هم میهنان — پرورشگاه یتیمان استوار
گرچه‌فرزندی‌نبوداورا کنون — داردآو فرزند افزون ازهزار
هریکی دانشورو دانش‌پژوه — سرفراز و نیکبخت وکامکار
هریك ازاعمال نیکش حقشناس — هریك‌از کردارنیکش حقگذار
رادمردی اینچنین‌باشد یقین — پیش یزدان سربلند ورستگار
گرچه‌رفت‌ازاینجهان‌هرگز نمرد — زی بهشت جاودان شد رهسپار
اونمرده‌است‌ونمیرد ز آنکه‌هست — در زمانه نام نیکش پایدار

هست خانی در بهشت برترین
روح پاك شت پشوتن مارکار

سروده آقای خدایار هورمزدی که در مجلس یادبود روانشاد مارکار قرائت نمودند

به هـر روز تابد بلنـد آفتاب ز خاور سوی باختر بی شتاب
به جنبندگان نیروی زنده گی بهـر روز بخشد ز تـابندگی
جهان تا که بوده است و باشد بپای چنین بد بفرمان یکتا خدای
در آن آدمیزاده سرگرم کار ولی کارشان بر سه گونه بدار
گروهی زیان آورد کارشـان که کژی و آز است بازارشان
دوم دسته نه سودشان نه زیان بکس میرسد مردگانشان بدان
ولی سومین دسته بس سودمند بهم کیش و هر کس که باشد شوند
از آن دسته سومین در گذشت مرامروز رادی خوش اختر گذشت
روان پشوتـن جی مـارکار به مینو روان شد بـر کردگار
دریغ است مرگ چنین رادمرد نشاید به امر خدا چاره کرد
بگویم ز بخشنده گی مـردمی چه کرد این نکونام درزندگی
چهل سال پیش او همه خواسته که بودیش با چهری آراستـه
به همکیش ایرانیـان پیشکش بفرمود از آن شت خرم دلش
بدون ریا داد هر چش که بود بفرمود و به پاداش خود برفزود
از آن پاک بخشش از آن خواسته بشد یـزد و فرهنگش آراسته
از آن بهره‌ور مستمندان شدند بدانش رسیدند و پویان شدند
از آن پایگه آنچه بـرخاسته جـوانـان از دانش آراستـه
هزاران تهی دست دانش پژوه بدانش رسیدنـد از هر گروه
نگه کن بدین خدمت مرددین که برجان پاکش هزار آفرین

بقیه در صفحه ۵۲

بیانات آقای سهراب سفرنگ رئیس دبیرخانه انجمن زرتشتیان تهران در مجلس یادبود روانشاد پشوتن جی مارکار

بانوان و آقایان ارجمند :

الساعه جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان به بنده فرمودند برای ختام مجلس و پایان جلسه مطالبی بعرض برسانم.

بطوریکه شنیدید جناب آقای ارباب رستم گیو بطور اختصار و جناب آقای محمد علی روشن فرماندار محترم سابق شهرستان یزد که خود تأسیسات پرورشگاه و دبیرستان ودبستان مارکار را برأی العین مشاهده وشاهد وناظر حسن اداره ونظم وانضباط و پیشرفت مؤسسات خیریه وفرهنگی نامبرده بوده‌اند بطور تفصیل وجامع و با سخنان بلیغ وفصیح خود خدمات پر ارزش روانشاد پشوتن جی مارکار را بیان ونه تنها موجبات تشویق از خدمتگذاران فرهنگ و اجتماع رافراهم نمودند بلکه روان پاك شادروان پشوتن جی مارکار را نیز شاد فرمودند.

لذا بنا بمأموریتی که به بنده داده شده از جناب آقای محمدعلی روشن که ازشخصیت های برجسته کشوری و از خدمتگذاران صدیق وفعال شاهنشاه آریا مهر هستند اظهارتشکر و سپاسگزاری مینمایم همچنین بیانات مؤثر وحق شناسانه آقای اسفندیار ماوندادی که از تربیت یافتگان و فارغ التحصیلان تأسیسات خیریه و فرهنگی مارکار و امروز دبیر لایق و کاردان اداره تربیت بدنی هستند نیز حاکی و دلیل پاکی طینت وحس قدردانی وحقشناسی ایشان بودکه شایان تحسین میباشد.

بعلاوه اشعار نغز و دلکش آقای خدایار هورمزدی و آقای مهربان خانی که از سرایندگان باذوق وبا استعداد و از خدمتگذاران اجتماع هستند وخدمات سودمند و پر ارزش فرهنگی و اجتماعی روانشاد پشوتن جی مارکار را بنحو شایسته بزبان شعر تشریح و بیان فرمودند در خور قدردانی وسپاسگزاری است.

در پایان ازعموم حضار محترم که اکثراً تأسیسات فرهنگی واجتماعی روانشاد پشوتن جی مارکار را دریزد مشاهده فرموده وبعضی هم ازفارغ التحصیلان دبیرستان مارکارهستند

بقیه در صفحه ۴۰

نوشته و گردآورده دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

خلاصه‌ای از وقایع کرمان در جنگ بین‌الملل اول

(۲۰)

در این سال میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان پسرزاده حاجی ابراهیم خان شیرازی اعتمادالدوله فتحعلیشاه بحکمرانی کرمان و بلوچستان منصوب شد و در زمان او کنسولگری انگلیس درکرمان تأسیس شد (تاریخ سایکس) ایشان پس از نزول بکرمان عمل پیشکاری را بمیرزا حسینخان معتمد دیوان تفویض نمود ولی طولی نکشید که میانه صاحبدیوان و معتمد دیوان در سر محاسبات و قرارداد مالیاتی اختلاف زیاد پدید آمد و همین اختلاف بگوش تهران رسید وصاحبدیوان بمرکز احضار گردید و مدت حکومت صاحب دیوان در کرمان قریب یکسال بود. در سال ۱۳۱۲ که صاحبدیوان بمرکز احضار شدمجدداً حکومت کرمان بشاهزاده فرمانفرما واگذار گردید وایشان بهجةالملك امیرتومان راکه قبلا هم نایب فرمانفرما بود مجدداً به نیابت بکرمان فرستادکه درذی حجه ۱۳۱۲ واردکرمان شده و به تنظیم امور پرداخت و در اواخر ۱۳۱۳ شاهزاده فرمانفرما بکرمان وارد شد و با بهجةالملك امور کرمان رااداره مینمودند تا روز دوشنبه هیجدهم ذی حجه ۱۳۱۳ تلگرافاً خبر کشته شدن ناصرالدین شاه رسید و چون در یك چنین مواقعی اشرار و متجاسرین منتظر فرصت میشوند لذا فرمانفرما اطراف و جوانب کار را کاملا محکم و بهر طرف مأمورو قشون گماشت و بطوریکه از هیچ طرف صدائی برنیامد و اتفاقی نیفتاد گویا محرك میرزا رضا درقتل ناصرالدین شاه صحبتی بوده که سید جمال‌الدین در اسلامبول به میرزا رضا گفته بود سید درجواب میرزا رضا گفته بود میبایست قبول ظلم نکنی دراین گیر ودار فقط اعراب بهارلوی فارس مجدد سیرجان آمده قتل و غارت نمودندکه با اهتمام فرمانفرما سرکوب وبسزای خود رسیدند. کارهای کرمان با تمشیت نایب‌الحکومه بهجة‌الملك امیرتومان میگذشت و در بیستم محرم ۱۳۱٤ فرمانفرما برحسب استدعای خودش بدارالخلافه احضارو امیرتومان کما فی‌السابق اموررا فیصله میداد تا اینکه دراواسط صفر

برحسب تلگراف دولتی حکمرانی ولایت کرمان بلوچستان بشاهزاده کامران میرزا برادر کهتر پادشاه داده شد بعداً مجدداً حکومت به‌فرمانفرما رسید که ایشان از تهران دستوراتی به امیرتومان. میدادند و بهجةالملک کمافی السابق امور را اداره میکرد پس از فرمانفرما دراول جمادی‌الاول سنه ۱۳۱۵ حکومت کرمان به‌حاجی غلامرضاخان شهاب الملك ملقب به آصف الدوله رسید ونیابت حکومت را نیز بشاهزاده محمد رفیع میرزا دادند ولی در مدت حکومت این شخص اختلافاتی بین اجزاء روی داد وبخصوص در سیرجان وبلوچستان منجر به سرکشی اشرار گردید که خود آصف‌الدوله جهت تنظیم اموربلوچستان بدانصوب اردوکشی نمود و همچنین بواسطه خشکسالی وکمبود غله گرانی پدید آمد و بپول آنروز گندم به خرواری بیست وچهارتومان رسید و علی اصغرمیر پنجه حکمران سیرجان که از اقوام نزدیك حکومت بود در امور غله سوء استفاده‌هائی نمودند وبعلاوه سارقین و ایلات مجاور نیز شروع بتاراج اموال مردم و قوافل گذاشتند بطوریکه اسفندیار خان بچاقچی حاکم سیرجان راگرفته وخودمدت ۸ روزدرسیرجان حاکم بود وبالاخره با غارت اموال مردم از سیرجان خارج شد و سایکس او را روبن هود ایران معرفی مینماید که در یك مجلس روضه خوانی بدست حاج رشید کشته میشود وعجیب آنکه خود حاج رشیدهم بعدها بدست‌نوکرش در ۱۳۲۲ شمسی در خانه‌کشته میشود و خانه او میسوزد.

بعد آصف‌الدوله‌کوکب اقبال باکرمانیان بود و بعد ازآنهمه اغتشاش و ناراحتی و غارت حکومت بامیر نظام گروسی که یکی از حکام بسیارخوب و خدمتگزار بود واگذارو ایشان مصدر خدمات بزرگی شدند ومردم در زمان اوبراحت زندگی کردند ولی متأسفانه ایشان که در درهفدهم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۷ بکرمان وارد شده بوددرپنجم رمضان همان سال فوت شدند که طبق وصیت خودش قبرش در جوار مقبره شاه نعمت‌الله ولی میباشد.

توضیح اینکه جد اعلای ایشان جناب محمد امین خان سردارگروسی نیز در زمان سلطنت کریمخان مدتی درکرمان حاکم بود.

امیر نظام شرح مفصل زندگی داردکه اگرچه قابل بحث و تذکر میباشد ولی چون در تاریخ کرمان اثری ندارد از ذکرآن صرفنظر وبموقع مناسب موکول میگردد.

پس از امیرنظام درذیعقده ۱۳۱۷ زین‌العابدین خان همدانی پسر مرحوم علیخان میر پنجه‌که مردی باکفایت بود بکرمان آمد و او نیز مردی عادل و رعیت نواز بود و موقعیکه بطهران احضارشد عده‌ای از فضلا ومعاریف درتلگرافخانه گرد آمدند و استدعای ابقای او را نمودند ولی مرکز موافقت ننمود و حکمرانی را بـه محمود خان علاءالملك دادند در آن وقت مرسوم بود هرگاه حاکم سوار میشد و برای بازدید میرفت متجاوز از

صد فراش چوب بدست درجلو اسب حاکم میافتادند ومردم رااذیت میرساندند علاءالملك این کار را موقوف کرد خود سوارالاغ میشد یکنفر از نوکرانش‌هم سوار اسب یاالاغ میشد وبا او حرکت میکردچنانکه معروف بحاکم دوخره شده است دررسیدگی بعرایض رعایا بنفسه رسیدگی مینموددرسیستان با انگلیسیها مشغول مذاکره وتسویه امورسرحدیه‌گردید و باعلماءکرمان مباحثه و مذاکره علمی مینمود.

پس از مراجعت از کرمان وزارت عدلیه را داشت بعد از خرابی مجلس مأمور خارجه گردید.

میرزا محمود خان یکسال ونیم درکرمان بود.

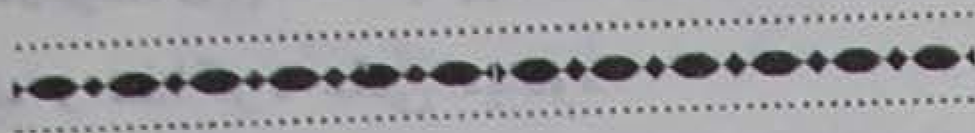
ضمناً دردستگیری آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی درزمانیکه حکومت اسلامبول را داشته مؤثر بوده است و بطوریکه میدانید میرزا آقا خان کرمانی و شیخ احمد روحی و میرزا حسینخان خبیرالملك در تبریز بامر ولیعهد محمد علی میرزا پس از کشته شدن ناصرالدین شاه بقتل رسیدند و پوست آنها راکنده ازکاه پرنمودند و بعد ازعلاءالملك از سال ۱۳۲۰ هجری قمری تا۱۳۲۵ (دوره پهلوی) جمعاً ۱۵ نفر بحکومت کرمان منصوب گردیدندکه از ذکر نام آنها خود داری میشود وبعضی‌ها هم برای باردوم آمدند دراین سالهاوقایع زیادی اتفاق افتاده استکه بازهم بوی دوئیت وپشت هم اندازی داشته وبضرر مردم بیچاره تمام شده است مثلا شخصی بنام شیخ شمشیری بحرینی‌که جوانی بوده بسن ۳۰ ـ ۲۵از طرف خراسان بکرمان وارد و مرتباً از زرتشتیان و هنود بد میگفته و اغلب درمنبرازمذهب وطریقه شیخیه درکمال وقاحت بدمیگفته است وقتی همکارگزاران حکومت شبانه او را براور تبعیدکردند شهربهم خورد وبلوا شدکه حکومت را مجبورکردند او را برگرداند ولی باز هم دست برنداشت و به تحریکات خود ادامه داد در زمان حکومت ظفرالسلطنه بختیاری (۱۳۲۱) قونسولگری روس درکرمان برپا شد ودر سال ۱۳۲۲ خط تلگراف ازکرمان گذشته به نصرت‌آباد رسیدکه ازآنجا به شالکوت متصل شود.

تحریکات شیخ بحرینی بخصوص درباره سابقه شیخیه دامنه دارشد تا روزی بالاخره منجر به تیراندازی وکشته‌شدن ومجروح‌گردیدن عده‌ای‌گردید. موقعیکه بعد ازاین بلوا که در زمان حکومت رکن الدوله اتفاق افتاده بود ومجدداً ظفرالسلطنه بحکومت تعیین شده بود برای خدا حافظی نزدآقای طباطبائی میرود و آقای طباطبائی میگوید چه ضرر دارد شما درکرمان شروع بمقصودکنید و مقصود ما ازکرمان بروز نماید (طباطبائی و ظفرالسلطنه قبلا درمورد مشروطیت باهم هم قسم شده بودند) در زمان حکومت فرمانفرما یکی‌ازعلمای‌کرمان بنام حاج محمد رضا را (۱۳۲۴) روانه مشهدنمودنداین خبربطهران

بقیه درصفحه ۵۳

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان



بکوشا که دانا و آگه شوی — چو آگه شوی واقف ازره شوی

بود ارزش آدمی آگهی — که آگه مصون است از گمرهی

کسیکه بوداز خودواز جهان بیخبر — وجودش بود عاطل و بی ثمر

بود هر که آگاه اندر جهان — بعبرت نظر میکند اندر آن

بتاریخ بگذشتمان کن نظر — که آگه شوی از ره و رهگذر

شوی آگه از گردش روزگار — تو را آن بود پند و آموزگار

چرا از خود و از جهان غافلی — تفکر بکن یکدم از عاقلی

هر آنکس که آگه بود آدم است — هم آگه زخویش وهم ازعالم است

ز روی تفکر بعقل و بصر — دمی بر خود وبر جهان کن نظر

ببین در تو خود یك جهانی بود — ز جان جهان در تو جانی بود

تو خود یك جهانی اندر جهان — جهانی بود در دل تو نهان

تو دیده ز دیدار آن بستهٔ — چو جغدان به ویرانه بنشستهٔ

مکن ضایع عمر گرانمایه را — مده رایگان سود و سرمایه را

که این جان نه آن جان گاو وخر است — که آخور ورا اول و آخر است

غذای تو از خوان روحانی است — نه این آخور پست حیوانی است

چو آزادگان پاك ووارسته باش — مجو دانه از دام و تورسته باش

بود زندگی یك مسیر کمال — مکن صرف آنرا بورزد وبال

هر آنکس که باخویشتن همدم است — بداند که عمر جهان یکدم است

طلب کن تو از صاحب دل مدد — برون کن تو ازدل مر این دیوودد
چو ازدل شوی پاك وپرهیزکار — تجلی کند اندرآن حسن یـار
بکن همتی تا شوی اهل راز — بیاسائی از شهوت و حرص و آز
جوانی برفتی پی عیش و نوش — باندرز پیران نکردی تو گوش
که آن نوشهاجملگی نیش شد — بپیری غم و رنج و تشویش شد
بدان درجهان دانه بی دام نیست — دراین دام جز درد و آلام نیست
جهان بهر انسان یك منزل است — سلامت گذشتن از آن مشکل است
مگـر مردم پـاك پـرهیزکار — روند زین جهان نزدحق رستگار
بکن پیشه در زندگـی راستی — بپـرهیـز از کژی و کاستی
بکوشا که تا وانمانی ز راه — که غفلت ببار آرد افسوس و آه
که این زندگی نیست جز رنج ودرد — گه از گرم نالیم و گاهی ز سرد
جوانی آن شهوت و نخوت است — به پیری رسی سستی ورخوت است
ز بیماریش سخت انـدر گزند — ز بیش و کمش بیمناك و نژنـد
پرستش مکن تو خرافات را — برون کن زدل وهم وطـامات را
حقیقت منزه ز آلایش است — ز وهم خرافات و پیرایش است
چودل گشت از لوث اوهام پاك — ز نـور حقیقت شود تـابنـاك
که اوهام ازجهل وظلمانی است — که چون پرده بر عقل نورانی است
بـدر پرده جهل و اوهـام را — ببین نـور عقـل دل آرام را
بود هر که با عقل و پرهیزکار — بهر دو جهان او بود رستـگار
که تقوی وعقل وادی ایمن است — در آنجا نه دیو و نه اهریمن است
اگر خواهی یك نعمت بی زوال — بدانش مده نفس خود را کمال
بود آزموده بـر هـوشیـار — نشد هیچ کس در جهان کامکار

مگر آنکه آموخت علم و هنر — به نیکی گرائید شد نامور
دل مرد دانا دبستان اوست — دبستان هم باغ و بستان اوست
ز گلهای دانش دلش گلشن است — ز نور معانی چو مه روشن است
ببندد بر خود در حرص و آز — ندارد به دل آرزوی دراز
ز آلایش دنیوی رسته است — بهمت ازین دامگه جسته است
سخن گر بگوید سنجیده است — بر اهل معنی پسندیده است
سخنهای دانا پراکنده نیست — بهزل و خرافات آکنده نیست
بسنجد وانگه بگوید سخن — منزه ز خودبینی و ما و من
هر آنکس که داناودل آگه است — بداند که اوچون رهی درره است
دل از غیر حق پاك و پرداخته — همه نزد هستی بحق باخته
زمان کاروان است و ما رهروان — شتابان همه سوی مقصد روان
دونوع رهرواست اندراین کاروان — یکی راست دیگرسوی چپ روان
یکی میرود راست سوی کمال — دگرچپ رود سوی نقص وضلال
یکی ظالم است وستم پیشه است — یکی صاحب فکر واندیشه است
ره چپ ره نفس اماره است — فریبنده و سخت پتیاره است
رود آدم حق پرست سوی راست — که چپ رفتن ازغفلتی وازخطاست
بپرهیز از شر این نابکار — فریبش مخور تا شوی رستگار

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

پریرخ بهروزیان

در آستانه پائیز

باردیگر پائیز فرا میرسد و گرد غم بر دلها می‌نشاند و دل را غمگین‌تر می‌سازد.

روزهای غم‌انگیز پائیز انسان را بیاد بسیاری ازچیزها میافکند و آدمی را بتفکر بیشتری وامیدارد. پائیز زمانیست که انسان را بیاد دردهای دردمندان و ذلت‌مستمندان میاندازدآن هنگام‌ست که آدمی دیده بصیرت می گشاید و با تمایل هرچه‌تمامتر در بارهٔ این گونه اشخاص میاندیشد.

آری پائیز با خود غم و اندوه بارمغان میآورد نظاره برصحنه دلخراش درختانی که برگهایشان فرو ریخته‌اند و درزیر گامهای‌رهگذران لگدمال میشوند و ازبین میروند و درختانی که عریان میگردند و بادبیرحم پائیزی همچون تازیانه برپیکر استخوانی و عریانشان فرود می‌آید. درختانی که پیروفرتوت گشته‌اند و با تکان شدید یك‌باد تاب و توان خویش را ازکف میدهند و ازجای درمیآیند و برزمین در میغلطندآری نظاره بر برگهای زرد و غمزده‌ای که ازشاخسار درختی بروی زمین درغلطیده و انسانها با قدوم خویش آنها را ازآخرین دقایق حیات ساقط میکنند آدمی را بتفکری عمیق وامیدارد که‌در اجتماع بشری نیزخزانی وجود داردآن خزانی است تلخ و ناگوارخزانی‌که در زندگی بشری وجود دارد بهمان‌اندازه که‌درزندگی‌درختی وجود خواهد داشت دردناك ونامطبوع میباشد و شاید اندکی نیزنامطبوع‌تر و ناگوارتر باشد زیراخزانی که درزندگی آنهاوجود دارد برای همهٔ آنهاست و همه دراین خزان شریکند لکن پائیزی‌که درزندگی افراد بشر خواهد بود برای عده‌ای معدود شاید هم عده‌ای کثیری باشد که ازآن رنج میبرند ولی‌دم برنمیآورند وکسی ازغمها ورنجهای درونشان آگاه نیست و شاید هرکسی که آنها رامی‌بیند تصور کند که آنها هیچ‌گونه غمی‌ندارند و حتی‌فکر نمی کنند که ممکنست آنها نیزغمی داشته باشندآری دراین دنیای پهناور وسیع‌هیچ کس ازدردها و غمهای دیگری بطورکامل‌آگاهی ندارند و حتی نمیتواند حدس‌بزند که خانواده‌ای باچه سختیها و ملالتها زندگیشان را تأمین میکنند و نمیتواند بیندیشد که‌آن دختری که همیشه‌با رویی‌گشاده و خندان بمدرسه قدم می‌نهد دردرونش چه غوغایی برپاست و درضمیرش چه میگذردآری هیچ‌کس نمیتواند درك کند که ممکنست زندگی برای او همیشه خزان باشد خزانی تلخ، خزانی که او فکر میکند هرگز بهاری دربرنخواهد داشت خزانی اندوهبار و خردکننده.

آری هرگز بفکر کسی خطور نخواهد کرد که این دختری که با صورتی بشاش و سیرتی پاك و منزه با آنان روبرو میگردد، میگوید و می‌خندد چگونه زندگی می کند و زندگیش چگونه است .

نمیدانند که او همیشه گوشهٔ عزلت می گزیند و در تنهائی فرو میرود و با خود میاندیشد و فکر میکند ، فکر می کند که آیا او میتواند کسی باشد که زندگیشان را از این غم و اندوه بدر آورد و آنرا مانند بهاری دلپذیر و زیبا سازد که بلبلان زیبا و نغمه‌سرا در پهنهٔ این بهار بنغمه‌سرایی مشغولند و پائیز و غمهایش را از ضمیر محو نمودند و کانونی گرم و صمیمی تهی از غم و اندوه تشکیل داده‌اند ؟

آری رؤیاهای او خیلی شیرین و مطبوع است لکن زندگیش هماره مخلوطی از غم و تنهائی است که افکار مختلف نیز با آنها همراهی دارند .

او تنها یك چیز در زندگی میخواهد و حاضر است حتی برای بدست آوردنش از بذل خون خویش نیز دریغ نداشته باشد و آن اینکه روزگاری بتواند با پیروزی در زندگی تحصیلیش زحمات بی‌پایان و فداکاری اولیاءاش را جبران نماید و بدینوسیله آنها را شادمان سازد و قهقهه‌شادیشان را بشنود و قلب آکنده از مهر و محبتش باهتزاز درآید آنگاهست که دیگر خزان با آنهمه غم و اندوه بسر میآید و بهاری دلنشین جایگزین آن خواهد بود او تنها باین امید زنده است و تا روز واپسین نیز از پای نمی‌ایستد و همواره درمقابل مشکلات و موانع زندگی پایداری می‌نماید تا شاید روزی از آرزویش کام برگیرد .

او با خویشتن چنین می گوید : ای مرغ دلم آیا سخنانم را شنیدی و غمهایم را درك کردی آیا شرح و حال خزان زندگیم بسمعت رسید ؟

اگر رسید بآسمانها پر و بال گشای و در دورترین نقطه آن اوج گیر و بـا آوای غمینت گفته‌هایم را برای یزدان بزرگ باز گوئی کن تا او تنها کسی باشد که رازدرونم بداند و تنها آرزویم را دریابد .

ای قاصدی که در دلم جای داری اگر گفته‌هایم را دریافتی هرچه زودتر در آسمان اوج گیر و ندایم را بدرگاه ایزد متعال رسان .

هرخزان را بهاری دربراست ، هم‌غم و اندوه را شادی و عیشی درپی خواهد بود و هراشك که ازتأثر و غم برگونه درغلطد اشکی ازشوق نیز بدنبال دارد .

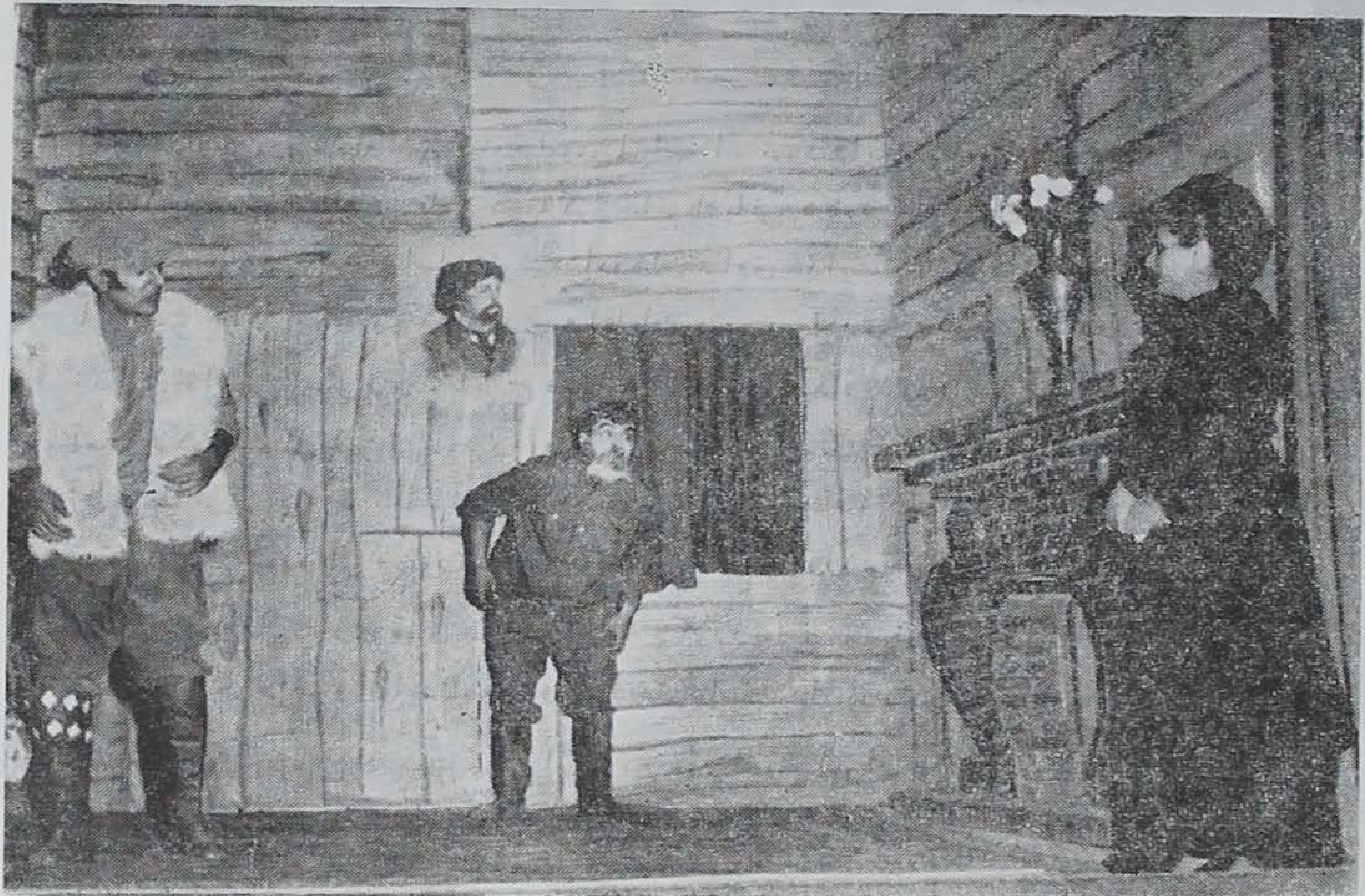
برگزاری جشن مهرگان

توسط سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

بهمت و پشتکار جوانان هنرمند سازمان فروهر، جشن مهرگان در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مهرماه باشکوه هرچه تمامتر درسالن دبستان گیو برگزار گردید جشن شامل ۱۲ قسمت برنامهٔ هنری، مذهبی و سخنرانی بود.

پس از سلام شاهنشاهی، نیایش مذهبی طی مراسم با شکوهی توسط یکی از آقایان موبدان اجراء شد و بلافاصله ترجمهٔ آن نیز باستحضار حضار رسیده سپس آقای باستانی و شب سوم آقای هورمزدی از طرف سازمان مزبور بحضار خیر مقدم گفته و در ضمن اهمیت همکاریهای اجتماعی و امورخیریه را یادآورشدند. همچنین آقای محمودی بختیاری نیز با سخنان آتشین و شیوای خود فلسفهٔ مهرگان واهمیت میراث ملی ایران را تشریح نمودند.

درقسمت چهارم برنامه، دستهٔ کر سازمان فروهر که بتازگی تشکیل شده است، برهبری





آقای سروش مهرخداوندی چندقطعه‌محلی اجراء نمود واین برنامه نوین موردتوجه‌فراوان قرارگرفت ، پس از برنامه دسته‌کر خانم‌کاویانی دکلمه جالبی اجراء نمودنـد و سپس نمایشنامه پروین‌دخت ساسان نوشته‌شادروان صادق هدایت بکارگردانی‌آقای منوچهرآذری باشرکت خانم خوبچهر کشاورزی وآقایان منوچهرآذری ، گودرز کشاورزی ، داریـوش خدیوی ، آبتین استواری ، ایرج فرزانه ،مهربان خداوندی و سیروس آتشبند بروی‌صحنه آمده دکور مجلل این برنامه راآقای علیرضایحیوی طرح وآماده ساخته و موزیك رانیز آقای طاهری تهیه و تنظیم‌نموده بودند ، مدیریت صحنه راآقای منوحهرنوذری‌عهده‌دار بودند وپخش موزیك و نورتحت‌نظر آقای گودرز کشاورزی بود

بطورکلی بازی قوی هنرمندان ، دکورزیبا ، موسیقی و سرانجام کارگردانی‌توانا دست بدست هم داده و نمایشنامه پروین دخترساسان را بنحوی موثر روی صحنه آورده و تماشاچیان رابخوبی درمسیر یکی ازوقایع مهم‌تاریخ ایران درزمـان یورش اعراب قرار میداد .

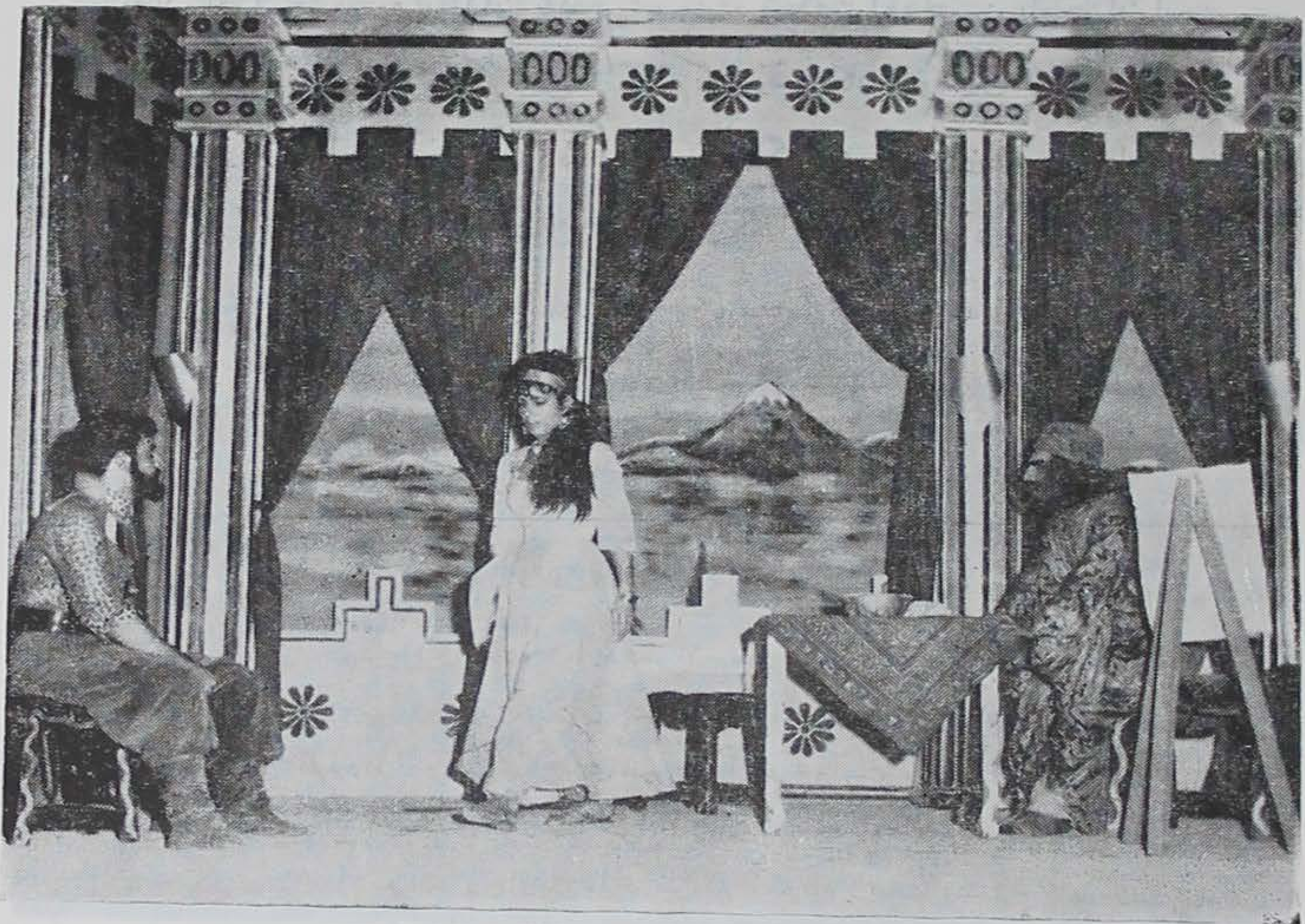
دربخش هشتم موسیقی محلی‌شیرازی باآوازآقای شهریارخسرویانی اجراگردید .

سپس نمایشنامه « خرس » اثر چخوف بکارگردانی آقای منوچهر غیبی بـروی صحنه آمـد و بازیکنان این برنامه یعنی خانم کرمانی‌زاده و آقایان غیبی و فریدون رستگاری بـا بازی هنرمندانه خود براستی تحسین حضار را برانگیختند.

پس از نمایش خانم هما آذرگشسب آهنك سکوت نیمه‌شب ساخته آقای سروش مهـر خداوندی را بهمراهی ارکستر جاز سازمان فروهر اجرا نمودند درقسمت یازدهم نیز برنامه موسیقی جاز خارجی اجرا گردید. بطورکلی نوازندگان ارکسترهـا عبارت بودنـد از:

آقایان مهرخداوندی (ویلن) ، سیروس دولتزاده (تار و مـاندولین) رشید پـارسی (آکوردئون) خسرو ورزاء (پیانو) فریبرز جهانیان (آکوردئون) کورش کشاورزی (جاز) و سهراب مهرخداوندی (ضرب) که بیاری یکدیگر ارکستری بس جالب بوجود آورده بودندو باهنرنمائی خود تحسین همگی را برانگیختند.

درپایان یك برنامه نوین دیگر تحت عنوان (کنسرت بزرك) بکارگردانی آقای فریدون رستگاری بروی صحنه آمد این برنامه که بصورت یك ارکستر کمدی اجرا گردید ازهرحیث مورد توجه مدعوین قرار گرفت و سرانجام حضار با خاطره‌ای خوش سالن را ترك گفتند.



سروده خدایار هرمزدی

جشن مهرگان



دلا برخیز جشن مهرگان است
سراسر کشور از آن شادمان است

شده انباز با جشن شهنشاه
خجسته جشنی از شاهنشهان است

بهار ار نیست صد رنگ است گلشن
چه زیبا باغ و راغ و بوستان است

نگارستان چین با نقش مانی است
به بستان همچو زر برگ رزان است

پر طاووس بس گسترده بینی
به گلشن تا نسیم خوش وزان است

توان افزا نسیم مهرگان شد
شگفت آور چنین بادخزان است

همه شادند از آزادی و کوشش
ز سود کار خوشدل دیهگان است

کشاورز ار بسالی رنج برده
گرفته بهره زان خرم بجان است

جوانان پای کوبان دست افشان
بلی جشن بزرگ مهرگان است

همیشه شاد باد ایران و آباد
همی تا مهر و مه اندر جهان است

خدایا سایه شاه جوانبخت
بما پاینده دار این آرمان است

بقیه بیانات آقای رستم گیو

فرمود بنده بعرض خود پایان داده و بار دیگر از حضار گرامی بویژه جناب آقای محمدعلی روشن که برای ذکر خیر و شادی روان پشوتن‌جی مارکار در این مجلس یادبود شرکت فرموده‌اند اظهار قدردانی و سپاسگزاری نموده با درخواست آمرزش شادروان مارکار پایندگی نام نیکش را از خدای بزرگ خواستارم.

زنده و جاوید ماند هر که نکونام زیست
کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

از : سهراب رستم دهموبد چمی

جشن مهرگان در بمبئی

سازمان جوانان زرتشتی بمبئی جشن مهرگان را با برنامه پرشکوهی روز مهرایزد و مهرماه ۱۳٤٤ برابر با دوم اکتوبر ۱۹٦۵ در تالار بنگاه خاورشناسی کاما بمبئی برگزار نمود جناب آقای بهمن آهنین سرکنسول محترم دولت شاهنشاهی ایران در بمبئی و دیگر اعضای سرکنسولگری و شخصیتهای برجسته مجلس جشن را مزین فرموده بودند و سالون مملو ازجمعیت بود .

برنامه جشن با سرود شاهنشاهی آغاز و آقای دینشاه بهرام ایرانی سرپرست محترم سازمان به‌حضار محترم خیرمقدم گفتند . آقای هوشنگ بخت در موضوع جشن سخنرانی نمودند . آنگاه آقای یزدانیار بنشاهی مژده پیشرفت و ترقی قابل‌توجه وطن عزیز ایران را دادند و راجع به‌کنگره جهانی مبارزه با بیسوادی درایران و افتخاراتی که اخیراً از

بقیه درصفحه ۵۲





خرم کازرونی

نشانه ما

بسوز شمع دل افروز آشیانه ما — بتار گیسوی چنگ عرضه کن ترانه ما
حدیث روز قیامت مکن که مطرب عشق — گرفت از دل ما آخرین فسانه ما
کبوتر ره صلح آمد از نسیم شمال — تو کوس جنگ چرا میزنی بخانه ما
رضای خاطر دل می طلب بطالع سعد — برای خاطر سر گشته زمانه ما
بساط باده بیارای کز توجه عشق — ملال زهد ندارد می مغانه ما
کنونکه سرخوش و مست آمدی ببستر وصل — بیا و زلف پریشان بزن بشانه ما
بعیش و نوش توسل بجوی و خوش بنشین — که سالك از تو نخواهد جز این نشانه ما
هوای بام دگر داری وسرای دگر — اگرچه بال گرفتی زآب و دانه ما
بحکم عقل دگر نشنود کسی خرم — دعای نیمه شب و ناله شبانه ما

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ـ آقای منوچهر دشتکی مبارکه فرزند رستم با دوشیزه فیروزه بوستانی دخت اسفندیار در ۴۴/۶/۳۰

۲ ـ آقای هرمزدیار اورمزدی فرزند اردشیر با دوشیزه پروین هرمزدیاری دخت اردشیر در ۴۴/۷/۴

۳ ـ آقای گودرز دارای نام خانوادگی گودرز فرزند آقای ارباب شاهجهان گودرز با دوشیزه مهوش سروشیان دخت آقای ارباب جمشید سروشیان در ۴۴/۷/۱۷

۴ ـ آقای فرهاد سروش مزرعه کلانتر یزد با دوشیزه ایراندخت ماندگاری حسن آبادی دخت مهربان در ۴۴/۷/۱۸

۵ ـ آقای بهرام ایزدفرزند روانشاد بمان با دوشیزه منیژه لهراسب دخت آقای منوچهر در ۴۴/۷/۲۳

درگذشتگان

۱ ـ روانشاد بانو دولت مهربان ماندگاری در ۴۴/۷/۷

۲ ـ روانشاد مهندس افلاطون هرمزدیار اشیدری در ۴۴/۷/۲۳

۳ ـ روانشاد دینیار بامس باستانی در ۴۴/۷/۲۵ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد.

سدره پوشی

۱ ـ آقای هوشنگ هرمزدیار خسروی در ۴۴/۷/۸ ازطرف خودشان درآدریان

۲ ـ دوشیزه شیرین هرمزدیارخسروی در ۴۴/۷/۸ ازطرف خودشان در منزل

۳ ـ آقای ایرج فریدون پولادی چمی در ۴۴/۷/۱۶ ازطرف خودشان در آدریان

۴ ـ دوشیزه سیمیندخت جهانگیرپور بهرامی در ۴۴/۷/۲۳ از طرف خودشان در منزل

۵ ـ دوشیزه دلبرجهانگیرپوربهرامی در ۴۴/۷/۲۳ ازطرف خودشان در منزل

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ خانواده روانشاد بهرام فولادچمی ۶۵۰ ریال

۲ ـ آقای پرویز بهروزی ۳۰۰ ریال

۳ ـ « رستم ستوده نیا ۳۰۰ «

۴ ـ » بهرام یزدانی ۲۵۰ »
۵ ـ » گودرزی ۲۵۰ »
۶ ـ » اردشیر زارع ۲۰۰ »
۷ ـ » شهریار اورمزدی ۲۰۰ »
۸ ـ » دکتر دینیاری ۱۰۰ »
۹ ـ » دکتر بنداری ۱۰۰ »
۱۰ـ » مهندس آبادی ۱۰۰ »
۱۱ـ بانو پروین یادگاردستان ۱۰۰ »
۱۲ـ » همایون خسروهوشنگی ۱۰۰ »
۱۳ـ » دولت مهربان ماندگاری ۱۰۰ »
جمع ۲۷۵۰ »

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ ـ آقای منوچهر دشتکی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ ـ آقای مهندس هرمز اورمزدی بابت گواه گیری و سالن ۳۵۰۰ ریال

۳ ـ آقای گودرز فرزند آقای ارباب شاهجهان گودرز ورزاء بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۴ ـ آقای فرهاد سروش بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۵ ـ آقای بهرام ایزد بابت گواه گیری و سالن ۴۰۰۰ ریال

جمع ۱۲۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان

آقای گودرز فرزند آقای ارباب شاهجهان گودرز ورزا بابت شگون زندگی نوین برای کمک

بازدواج زرتشتی غیرمتمکن ۵۰۰۰ ریال

شاه ورهرام ایزد

۱ ـ بانو لعل سروش ۱۰۰ ریال
۲ ـ آقای فرامرز ماوندادی ۱۰۰ »
۳ ـ » وفادار تفتی ۱۰۰ »
۴ ـ بانو طوطی اورنگی ۱۰۰ »
۵ ـ » بردبار تهرانی ۱۰۰ »
۶ ـ » لعل سروشیان ۱۰۰ »
۷ ـ بانو خرمن باستانی ـ شهریار خرمشاهی اشیدری و کتایون آمیغی جمعاً ۲۰۰ »
جمع ۸۰۰ »

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ ـ دهش بانو همایون گیو (فرین) نیاز شاهورهرام ایزد کارد میوه خوری ۶ عدد ایضاً کارد سفید ۶ عدد

۲ ـ دهش گوهر خانم رستمی بنامگانه شادروان خدامراد شهریار رستمی نیاز شاهورهرام ایزد بشقاب مسی کوچك ۶ عدد ایضاً بنامگانه شادروان بهمن خدامراد رستمی طاس مسی کوچك ۶ عدد

۳ ـ دهش آقای اردشیر سرکلانتری نیاز شاهورهرام ایزد قاشق سوپخوری ۶ عدد ایضاً بشقاب پلاسکو ۶ عدد

۴ ـ دهش مینا الهیار رستمیان شریف آبادی نیاز شاهورهرام ایزد دیگ مسی متوسط یکعدد.

سالن ایرج = پرسه

۱ ـ وراث روانشاد همایون بهروزی ۳۰۰ ریال

۲ ـ وراث‌روانشاددولت‌مهربان‌ماندگاری

۲۰۰ ریال

۳ ـ وراث‌روانشادمهندس‌افلاطون‌اشیدری

۳۵۰ ریال

٤ ـ وراث روانشاد دینیار بامس باستانی

۳۵۰ ریال

جمع ۱۲۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه‌کننده	۱۲۳۰ نفر
« دندانپزشکی	« ۲۳۷
« داروخانه	« ۹٦٥
« آزمایشگاه	« ۱۲۱
« تزریقات و پانسمان	« ٤۹٦
« واکسن وبا	« ۷۱
« بخور پنیسیلینی	« ۱۵
« دیاترمی	« ۸
جمع	۲۱٤۳ نفر

اخبارشهرستانها

یزد

خبری از شریف آباد یزد

بمناسبت‌درگذشت‌روانشاد نیکوکار پشوتن جی مارکار که درروز دین ایزد ومهرماه‌باستانی برابر ٤٤/۷/۱۸ که در بمبئی اتفاق‌افتاده مجلس یادبودی درروز انارام ایزدومهرماه‌برابر٤/۷/۲ ساعت ۳ بعد ازنیمروز در معبد شاه‌ورهرام ایزد شریف‌آبادبرپاگردیدکه تاساعت ۷ بعدازنیمروز ادامه داشت ودراین مجلس عموم زرتشتیان‌ساکن آنحدود شرکت جسته و ازین شخصیت نیکوکار تجلیل نمودند.

درپایان‌نیز آقای رستم‌بلیوانی‌رئیس‌انجمن زرتشتیان شریف‌آباد درضمن توضیحی ازاقدامات خیرخواهانه آن روانشاد وستایش از خدمات فرهنگی و اجتماعی آن‌رادمرد نیکوکار برروان تابناکش درود فراوان نثار نمودند.

جشن مهرگان در نصرت آباد یزد بطور آبرومندی برگزار شد

روز مهر ایزد و مهرماه مصادف با جشن فرخنده مهرگان‌جشن مجلل و باشکوهی متشکل ازنمایش وپیش پرده وسخنرانی توسط هنرمندان سازمان جوانان زرتشتی نصرت‌آباد برگزار گردید .

این خودگویای فعالیت و جنبش جوانان بوده امید چنانست‌که همواره در حفظ وحراست سنت ومذهب‌کوشا وقدمهای مؤثر ومفیدتری در راه‌گسترش دین بهی بردارند.

یك خبر از شیراز دهش خیراندیشان

آقای هرمزدیار تیمساری مبلغ دوهزار و پانصد ریال برای تعمیر وتکمیل آرامگاه شیراز پرداخته‌اند.

سروده روانشاد سروش سپهری

نصایح



نصیحت ز من بشنو ای هوشیار
اگر خواهی اندر جهان اقتدار

مکن همنشینی ابا بد نژاد
کزو می نبینی بغیر از فساد

میفکن ز کف گوهر راستی
که نبود ز کژی بجز کاستی

گمان بد اندر حق مردمان
مبر ای خردمند روشن روان

که گر بد گمان باشی اندر جهان
نباشی پسندیده نزد مهان

مکن غیبت اندر قفای کسی
که آخر بری شرمساری بسی

بمنصب مکن تکیه درروزگار
نماند جهان بر کسی پایدار

ز دونان مبر منت اندر جهان
که مردن زسختی بود - به از آن

بعمری اگر سنگ کندن ز کوه
کشیدن بدوش وشدن زان ستوه

بآتش نهادن تن خویشتن
دو صد زخم خوردن بروی بدن

بنزد سپهری بود به از آن
که خواهد ز دونان بروزی امان

بقیه بیانات آقای سهراب سفرنگ

و برای شرکت وفرستادن درود بروح آن شادروان دراین مجلس یادبود شرکت فرموده‌اند اظهار تشکر وسپاسگزاری نموده توفیق همگان را از خدای بزرگ خواستاریم و بطوریکه جناب آقای ارباب رستم گیو درپایان بیانات خود فرمودند.

دولت جاوید یافت هر که نکو نام زیست
کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

از : سرهنك دو میرمهدی موبد (سرباز)

آفرین باد بر گوهرهای نهفته

دوست دانشمندم سرکارسرگرداورنك سالهاست شمشیررا بەیکسونهاده خامه برکف گرفته درکتاب دینی (آویستا) که گنجینه فرهنك ایران باستان است باجستجو و آزمایش دانشمندانه پژوهش میکند وتاکنون هوده کوششهای خود را درسیزده جلد بایرانیان پاك نهاد ارمغان ساخته .

اینك چهاردهمین نوشته اوبنام (گوهرهای نهفته) درآسمان فرهنك همچون ماه چهاردهشبه درخشید و برای ایرانیان بیداردل رازهایی ازآویستا را روشن نمود . دراین نوشته اورنك ما ازلغزشهای آویستاشناسان اروپایی وپیروان ایرانی آنها پاکدلانه پرده برداشته و راستیها راچنانکه بوده بەپژوهندگان اینراه نشان دادهاست. بر ایرانیان است که باخواندن این نوشته ارزنده ازراه وروش پاکمرد ایران باستان زرتشت اسپنتمان آگاه باشند . بویژه برجوانان غیرتمند است که بجای خواندن رمانهای عفت برباده که ارمغان اروپائیگری است اینگونه نوشتههای ارجداررا بخوانند و روان نیاکان بافرودادخودراشاد سازند. من نیز بنام یك (سرباز) ایرانی این نوشته را خواندم وپاکمرد ایرانزرتشت راکه نخستین پرچمدار یکتاپرستی است شناختم و برنویسنده ارجمند ونوشته ارج دارش آفرین بادیسرودم که اینك ارمغان میدارم.

درود فراوان بر اورنك پاك
دلم شد زآثار او تابناك

اوستا شناسست روشن ضمیر
جوان بود وکوشید وگردیدپیر

پژوهشگر نامه باستان
هوادار برنامه راستان

پژوهید در متن آویستا
برون کرد از پرده بس رازها

به صد آزمایش به صد جستجو
شکسته سفالان ازو شد سبو

بسی رنج دارد چنین کارها
بدین کارها دست زد بارها

ز اوستای (زرتشت) باابتکار
بکوشید و زدپرده را برکنار

همای گلستان فرهنگ شد
برای پریدن قفس تنگ شد

نشد خسته از کوشش وکار خود
خرد را همی کرد پرگار خود

چهخدمت به فرهنگ ایران نمود
چه خوش راستیها نمایان نمود

بقیه درصفحه ٤٤

مجالس یادبود روانشاد مارکار دریزد چگونه برگزارشد

دردبیرستان دخترانه مارکار

مقارن ساعت چهار بعدازظهر روز ۲۴ مهر ۴۴ مجلس یادبود روانشاد مارکار باشرکت بانوان جماعت و اعضای انجمن خانه ومدرسه دبیرستان درتالاردبیرستان دخترانه‌مارکار برگزارشد. دراین مجلس بانوان‌مسلمان و زرتشتی دسته دسته وارد میشدند وباآقای‌لهراسب و خانم محترمه و اولیای دبیرستان تسلیت میگفتند پس ازآنکه تالار دبیرستان مملـو از جمعیت شدآقای شهریار خدایاری دبیرانجمن خانه ومدرسه دبیرستان دخترانه مارکار پشت‌تریبون قرارگرفتند وازطرف انجمن خانه و مدرسه بخاندان روانشاد مارکار وآقای لهراسب سرپرست موسسات مارکارو اولیای‌دبیرستان و دانش‌آموزان‌تسلیت گفتند وبااعلام یکدقیقه سکوت برای ادای‌احترام بروح‌تابناك مارکارهمگی‌قیام‌نمودند و سکوت غم‌افزایی درسالن حکمفرما شد سپس‌آقای‌خدایاری‌درپیرامون شخصیت مارکار وزندگی پرافتخارآن بهشت‌آشیان سخن گفتند وبا تسلیم دسته‌گلی ازطرف انجمن خانه و مدرسه بـآقای پیرنیا معاون انجمن خانه و مدرسه بپای عکس روانشاد مارکار نثار وادای احترام‌گردید سپس خانم نسیمی‌مدیره دبستان مـارکار بیوگرافی روانشاد مارکار و خدمات‌آنشادروان رابیان نمودند و باتسلیم دسته‌گلی ازطرف دبیرستان بآقای لهراسب سرپرست موسسات مارکار بپای عکس روانشاد مارکار نثار وادای‌احترام‌شدآنگاه دوشیزه پروانه رئیس عضو سازمان دوشیزگان ازطرف سازمان‌دوشیزگان‌سخنرانی‌نمودند وباتقدیم دسته‌گلی ازطرف‌سازمان به‌پروین خانم لهراسب سرپرست سازمان دوشیزگان بپای عکس شادروان مارکار نثار و ادای‌احترام‌گردیدآنگاه برنامه‌جالبی که ستایش ازخدمات روانشاد مارکار وادای احترام بروح‌تابناکش بود ازطرف افراد سازمان دوشیزگان اجرا شد و درپایان‌این مراسم‌آقای سروش لهراسب سرپرست موسسات مارکاربیانات جامعی درپیرامون خدمات مارکارایرادو از همگی اظهارتشکرنمودند و با امضای دفتریادبود ازطرف شرکت‌کنندگان این‌مراسم درساعت شش‌بعد از ظهرپایان‌یافت .

در دبیرستان پسرانه مارکار

مقارن ساعت ۹ صبح روز ۲۵ مهرماه ۴۴ مجلس یادبود روانشاد مارکار در تالار دبیرستان پسرانه مارکار ازطرف موسسات مارکار برگزار و برادران جماعت شهرودهات و اولیای دبستان و دبیرستان پسرانه مارکار و دانش‌آموزان دراین مراسم شرکت نمودند دراین مجلس نیز آقای شهریار خدایاری ازطرف انجمن زرتشتیان و سازمان جوانان زرتشتی یزد به آقای سروش لهراسب سرپرست موسسات مارکار وخاندان روانشادمارکار و دانش‌آموزان و اولیای دبیرستان تسلیت گفتند و با اعلام یکدقیقه سکوت خدمات شادروان مارکار رابیان نمودند. آنگاه آقای منیری مدیر دبیرستان سخنرانی مبسوطی در پیرامون خدمات روانشاد مارکار ایراد و آنگاه آقای خوشرو مدیر دبستان مارکار بیوگرافی شادروان مارکار را باستحضار حضار رسانیدند و درپایان این مراسم آقای سروش لهراسب پشت تریبون قرار گرفتند وضمن بیانات بسیارجامع و مفصل از شرکت کنندگان در این مجلس اظهار تشکر نمودند و حضار دفتر یادبود را امضا واین مراسم نیز درساعت ۱۱ پایان یافت.

درسالن معبد زرتشتیان یزد

انجمن زرتشتیان و سازمان جوانان زرتشتی یزدمقارن ساعت ۹ صبح روز ۲۷ مهر ماه ۴۴ برابر اعلامیه صادره مجلس یادبود روانشاد مارکار را درتالار آتش بهرام یزد برگزار نمود که درآن مجلس علاوه برشرکت جماعت زرتشتی شهرو دهات ریاست محترم اداره کل آموزش و پرورش و عده‌ای از فرهنگیان و آقایان روسای ادارات پست و تلگراف و اداره تلفن وکارمندان وابسته و اولیای دبیرستان کیخسروی ومارکارودانش‌آموزان هردو دبیرستان شرکت‌نموده‌بودند. دراین مجلس آقای شهریار خدایاری دبیرانجمن زرتشتیان یزد ومعاون سازمان جوانان زرتشتی ازطرف انجمن و سازمان به‌بازماندگان شادروان مارکار وآقای لهراسب تسلیت گفتند و برای‌ادای احترام بروح پرفتوح مارکار یکدقیقه سکوت اعلام وسپس زندگی‌پرافتخار مارکاررا برای حضار بیان‌نمودندوآنگاه آقای اردشیر خورشیدیان ازطرف دبیرستان کیخسروی سخنرانی‌نمودند و سپس آقای لهراسب ازانجمن زرتشتیان وسازمان جوانان زرتشتی‌یزد سپاسگزاری‌نموده بیوگرافی روانشاد مارکار را بیان فرمودند پس ازپایان بیانات آقای لهراسب ریاست محترم اداره‌پست وتلگراف پشت تریبون‌قرارگرفتندو بنحوی شایسته‌ازروانشاد مارکاریاد و تجلیل نمودندکه مجدداً ازطرف آقای لهراسب اظهارتشکرشد وبا امضای حضاردردفتریادبود این‌مراسم درساعت ۱۲ ظهر **پایان یافت.**

جشن مهرگان در یزد چگونه برگزار شد

ازساعت چهار بعد ازظهر روز دهم مهرماه ۴۴ جشن مهرگان درتالار معبد زرتشتیان یزد ازطرف سازمان جوانان زرتشتی یزد برگزار گردید. دراین مجلس که جماعت زرتشتیان شهر و حومه شرکت نموده بودند نخست مراسم جشن‌خوانی وسیله موبد مهربان سیاوخش انجام شد وسپس آقای شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان زرتشتی یزد بحضار خیرمقدم گفتند و درپیرامون جشن مهرگان وفرشته پرفروغ مهر بیانات جامعی ایراد واضافه نمودند که افراد سازمان جوانان زرتشتی چند پرده نمایش تاریخی نیز تهیه نموده بودند که بعلت شرکت آنان درجشن فرخنده بیست وپنجمین سال سلطنت اعلیحضرت همایونی اجرای نمایش به جشن سده موکول گردید که انشاءاله درسه شب برگزار خواهد شد. سپس آقای سروش لهراسب پشت تریبون قرار گرفتند و بیانات جامع و مفیدی ایراد و خدمات سازمان جوانان را ستودند و این مراسم مقارن ساعت ۷ بعد ازظهر پایان یافت.

افتخاری بزرگ که نصیب زرتشتیان گردید

درجشن فرخنده بیست وپنجمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون شاهنشاه که ازطرف اداره اصلاحات ارضی و اداره کشاورزی دریزد برگزارشد چون آقای ارباب جمشید امانت درقسمت کشاورزی درجه یك شناخته شده بودند یکعدد گلدان نقره ازطرف اداره مزبور وسیله جناب آقای مدیرکل وزارت کشور و فرماندار محبوب یزد بایشان اعطاء گردید.

بقیه آفرین باد

زآثار او باز شد راه کار
نهان گوهر ازکار او سفته شد
شب و روزکوشید درکار خود
به کارش هر ایرانی کاردان
بود یاور و یار او (هورمزد)
از این خامه (آفرین باد) من
بردشگ برکار (اورنگ) ما
حقیقت پژوهی شعار من است
نه آنم به یاوه سخن سر کنم
سخن‌های (سرباز) بی‌پایه نیست

برای جوانان با پشتکار
بسی گفتنیها نکو گفته شد
بما ارمغان کرد آثار خود
درود فراوان کند ارمغان
ببخشاید او را خدا دستمزد
بد اندیش ایران ز فریاد من
بدان مرد پرکار و یکرنگ ما
خوشایندگویی نه کار من است
خرد را بهر کار داور کنم
مراو رابجز راستی مایه نیست

متن سخنرانی محمودی بختیاری بمناسبت جشن مهرگان در تالار دبستان گیو آدینه ۱۶ مهرماه

یادی از مهرگان



با سپاسگذاری بسیار از اینکه بمن این مجال داده شد تا در این انجمن بزرگ واین جشن با شکوه یادآور جشن مهرگان شوم سخن خودرا بـا این بیت ازمسعود سعد سلمان که همه ویژگیها نامگذاری مهرگان را در بردارد آغاز میکنم :

روزمهر وماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفزا ای نگار مهر چهر مهربان

چگونگی تاریخ زندگی هر ملتی را باید در فرهنگ و سنتهـای آن ملت جستجو کرد کنکاش وپی‌جوئی دراین سنتها اگر با تیزبینی ودلبستگی به پدیدآمدن راستی همراه باشد جوینده را بسرچشمه راستین رهنمون میشود وگرنه چشم‌آلوده نظرازدیدن راستی‌دور است و هرچند از دیدنیهای خود بگوید و بنویسد باید گفت که دردیدن راستی کور است. من در اینجا اشاره‌یی کوتاه به پیشینه مهرگان و سبب برگذاری این‌جشن درروزگاران دیرینه میکنم و میگذرم تا در این فرصت کوتـاهی که دارم به سیر آن در پس از اسلام بپردازم .

آنچه در اوستا آمده اینست که :

ایزد مهر در خور ستایش است و آنکه بوی دروغ گوید ویران کننده کشور ودشمن راستی است وهرکه پیمان شکند دشمن مهر است. مرد آزاده دیندار ومزدیسنی کیش‌حتی با دیویسنی نیز پیمان شکنی نمیکند..... ایزد مهر همواره بیدار وآمـاده کارزار است او برای برانداختن دروغگویان و پیمان‌شکنان در تکاپو میباشد ...

ایزد مهر ایزد ویژه جنگجویان وسپاهیان است. اونگهبان سپاه ایران است زیرا سپاه ایران بهرسو که گذرمیکند با خودراستی وآئین بهی ومردمی و آبادانی میبرد. ایزد مهر را چنین توصیف میکنند که او برگردونه‌یی درخشنده و زیبا می‌نشیند و اسبانی سفید

گردونه‌اش را میکشند و او سپاهیان رایاری ونگهداری میکند. مهر ایزد ویژه آزادگان و برگزیدگانست .

ایزد مهر هزارچشم وهزارگوش دارد ایزدان دیگر چشمها وگوشهای ایزد مهرند او با این چشمها وگوشها برهمه چیز آگاه است ومیکوشد تا فروغوروشنائی وراستی و مهر و پیمان و دوستی درمیان مردمان پایدار بماند. پاکیزگی از ویژگیهای آئین مهر است .

دوستی وبسیاری از خاورشناسان مهر را میانجی میان پروردگار و آفریدگان می‌دانند - مهر درکتاب ودانیز همین‌معنی راستی ودرستی وپیمان را دارد زیراهند ازایران جدا نبوده است این بحث بسیار دراز است ازآن باهمین شتاب‌میگذدرم بیك داستان‌دیگری که پایه و انگیزه اصلی برگذاری جشن مهرگان درمیان ایرانیان‌شده میپردازم‌که شاید



توجه ژرف بفلسفه پیدایش آن راز بزرگی را برما بگشاید وتازیانه بیدار باشی بر دوش ما بکوبد .

و آن داستانی است که هم درشاهنامه آمده وهم ابوریحان بیرونی مفصل درپیرامون آن سخن گفته است از آنجمله میگوید:

در اینروز فریدون بربیوراسب که ضحاکش خوانند دست یافت زیرا درچنین روزی ایزدان بیاری وی فرود آمدند زانسپس درجشن مهرگان بیادآن روز دربارگاه پادشاهان مردی دلیر می گماشتند و بامدادان بآواز بلند میگفت ای فرشتگان بسوی زمین بشتابید وجهان را ازگزند اهریمنان برهانید ... چنانکه گفتم سخن در این زمینه ها بسیار گفته اما من دراینجا یك نتیجه میتوانم بگیرم وآن اینست که داستان فریدون وکاوه با ضحاك چه افسانه باشد وچه داستان چه تاریخ و چه میتولوژی ایجاد یك فلسفه ویژه زندگی برای ایرانی کرده است وآن اینکه گفته شده کسی که غیر ایرانی بود برایران چیره شد او بیدادگر و خونریز بود وبراثر بیدادگری و خونریزی شادی را از میان برده بودو رنج و اندوه راجانشین آن کرد . مردم ایران در برابر این بیدادگری قد برافراشته و اهریمن زشتکاری واندوه گستری را سرنگون کردند ویکی را از تخمه پاك آزادگان بنام فریدون برگزیدند و افسر شاهنشهی برتارکش نهادند اوبفرمود تاآتش برافروزندوجشن بگیرند ورخت نو بپوشند ومی بگسارند وپای بکوبند و دست برافشانند و اهریمن را در کوه دماوند ببندبکشانند و باردیگر آزادگی و شادی را در سراسر ایران زمین گسترش دهند . و فرمان دادکه دراین روز که **روزمهر و مهرماه** بود هیچکس باغم و اندوه دمساز نباشدوحتی شاه که میباید همیشه نموداردب ووقار وسنگینی باشد . ودر میخوارگی نباید زیاده روی کند دراین روزآزاداست که درصف میخواران درآید ومست وخراب شود وهمراه مردم بپایکوبی ودست افشانی بپردازد .....   ناتمام

بیاد جوان ناکام مهندس افلاطون اشیدری

بروان همهٔ فرزندان پاک نهاد درود باد

جند سال پیش که چندان هم دور نیست نوگلی در بوستان زندگی خانوادهٔ ارجمند دمید. گلی بیخار بود. باغبان در پرورش او جدیت کرد تاجائیکه این گل بحداکثر پرورش رسید. رهسپار دیاردیگرشد. درآنجا براهی رفت که پیامبر بزرگ باستانی ایران ستوده بود ودر دستورهای دینی پیروان‌رادرانجام تکالیف دنیوی وابسته بآن تأکیدفراوان نموده بود. زیرا صلح و صفا و فراخ روزی در آن بود پس ازسپری شدن دورهٔ مربوطه مجدداً بسوی زاد و بوم نیاکان برگشت و مدتی رادریکی‌ازکارخانجات بکارهای‌سودمندپرداخت ولی‌کاردرآنجا شعله‌های فروزان و تابناك عشق او راکه خدمت درراه آب و خاك بود جوابگوئی نمیکرد. رفت بهمان راهیکه پیامبر بزرگ باستان نشان داده بودکرد همان کاریکه امروز مورد توجه شاه و ملت است خواست از دل خاك تیره توشهٔ حاصل بیاورد تا بنوبهٔ خودخدمت شایسته راانجام داده باشد.

زیرانخواست مثل هزاران نفر دیگر وقت بگذراند وروزی رابه شب برساند. بلکه علاقمند بود منشاء اثرو مرد مثبتی باشدکما اینکه ازاقدام اولیه‌که مشکل و نامعلوم بود نهراسید عمل‌کرد و نهالهای اولیه را بزمین نشاند و بتدریج موقعی فرا رسیدکه حاصل دسترنجش او وسایرین راشاداب سازد! و همچنین هزاران نویدهای امید بخش دیگر که از ذکر آن صرف نظر میشود!

در یکی از روزهای اخیر بامید دیدار مادر وکسان عزم مسافرتی‌کوتاه نمود، اما چه مسافرتی بی پایان!

در راهی رفت‌که دیگر برایش بازگشت نبود. درراه دیدارکسان راه پیمود، شبانه راه پیمود، باخواب و خستگی مبارزه نمود بوصل نزدیك شده بود بیش از چند لحظه با شاهد مقصود فاصله‌نداشت‌که خستگی‌و وبیخوابی غلبه نمود وبالاخره آنچه راکه‌نبایستی اتفاق افتد پیش‌آمد نمود ویك دنیا لطف ومحبت ونجابت وکار وفعالیت‌مبدل به رنجوری ناتوان گردید.

نمیتوانم بیش ازاین مطلب را دنبال نمایم زیرا میسوزد و میسوزاند..

آخرین لحظهٔکه دربیمارستان در بستردیدمش نگران بودبا چشمهائی مواجه شدم که تاکنون چنین ندیده بودم بدلداری‌اش پرداختم ازآینده وامید به بهبودی بر اوسخن راندم و در واقع هم غیر از این نبود.

آیا چه میشودکرد روزگارو پدیده‌هایش بازی بردارنیست، زندگی جاوید یافت و بمسافرت ابدی رفت. پیش آمدآنچه‌که نبایستی بشود! شاید برای دنیای دیگری پرورش یافته بود. بلی درغمت سوزاندی . سخت ترین اشخاص نتوانستند خود داری نمایند آری سوزاندی. همه رامتأثر ناراخت و اندوهناك یافتم. کسانت درفراغت تا چه‌اندازه میتوانند استقامت نمایند! بسته بیاری ذات پروردگار است ولی میدانم تبدیل بموجوداتی نگران و سرگشته‌اندکه باز هم باید بهمان‌خدای بزرگ پناه بردکه همه را صبر عنایت فرماید که بتوانند این مصیبت را تحمل نمایند

خیلی مایل بودم روزی شاهد پیروزیهایش باشم وقلم را درآن راه بکار بیندازم و کارش در سرزمین سوزان جیرفت یاهند ایران برای سایرین نمونه باشد ولی افسوس و هزار افسوس‌که قلم ناتوان در مرثیه‌اش برکاغذ نوحه سرائی میکند.
«با قضاکارزار نتوان‌کرد».

دخترعمو نمیدانم چگونه‌تسلیت بگویم، پیش آمد بسیارا ندوهباراست، طاقت فرساست، سوزاننده است ، ریشه جگرت است امید آتیه‌ات بود، مایه تسلی خاطرت بود... ولی درعین حال بازهم باید دست بسوی الطاف خداوندی‌درازکرد وازاو استعانت جست.

گرچه خود احتیاج بتسلی وتسلیت دارم بادلی‌افسرده ونالان به عموزاده وهمچنین عموزادگان همگی تسلیت عرض میکنم‌وامیدوارم‌که خداوند بهمه صبر دهد تاقدرت‌تحمل مصیبت را داشته باشند . برای اینکه بتواند خود وسایرین را دلداری داده باشد بازهم ازکتاب نیاگان وکلمات‌گذشتگان و دستورات پیامبر استعانت جسته ومیگوید:

بر روان پاك همهٔ پیشرفت دهندگان و سود رسانندگان جهان درودباد. برروان پاك همهٔ آموزگاران راه پارسائی درودباد بر روان پاك همه پیروان راه پارسائی درود باد . برروان همه مردان وزنان پارسا درودباد برروان‌پاك همه‌درگذشتگان‌وخویشاوندان این خاندان از استاد وشاگرد ومرد وزن پارسا درودباد . برروان‌همه فرزندان پاك‌نهاد ودرستکار درود باد...

بالاخره برروان پاك توای جوان ناکام‌که خواستی با پیروی از دستورات پیامبراز

بقیه درصفحه ۵٤

بقیه سخنرانی آقای محمد علی روشن

دردرجه اول اولین قدمی که ازمحل اعتبار مذکوردرشهرستان یزد برداشته شدایجاد پرورشگاه شبانه‌روزی برای ایتام بودکه اکنون چهل‌وسه‌سال ازتاسیس این بنگاه سودمند میگذرد . دراین بنگاه نه‌تنها اطفال ازهرجهت پذیرائی شده وتحت‌تعلیم قرارمیگیرند بلکه بعد ازپرورشگاه به‌کودکستان و ازکودکستان بدبستان و ازدبستان به دبیرستان میروند و پس ازاخذگواهی‌نامه متوسطه (دیپلم) هریك ازدانش‌آموزان که‌ممتاز باشند به‌هزینه‌همان اعتبار موجود دربانك بمبئی برای تکمیل تحصیلات بدانشگاه‌های هندوستان اعزام شوند این است نتیجه یك همت‌والا و فداکاری درراه ترقی وتعالی کشورعزیز .

درسال ۱۳۱۲روانشاد مارکار زمینی بمساحت یکصدهزارمترمربع ازمرغوبترین نقطه شهرستان یزد خریداری نمود و ساختمان‌های دبستان و دبیرستان شد .

برج ساعتی که اکنون پس‌ازسالها درود فرهنگیان را بوسیله طنین زنك خودبروان آن روانشاد میرساند درمقابل ساختمانهای فرهنگی مارکاربرپا است ازآثار اوست .

بذری راکه مرحوم مارکاربا حسن‌نیت بدون‌ریا و تظاهر بمنظور تقویت‌فرهنك‌پاشید به‌ثمررسید و سالها است که‌پرورشگاه دائرودبستان ودبیرستان‌مارکار بابهترین آموزگاران و شایسته‌ترین دبیران اداره میشوند نظم‌وترتیب دراین موسسات بحدکامل حکمفرما است و مردی با تدبیر و مودب و پاکدامن وفاضل که بحق اورا میتوان مدیرنامید بنام‌سروش لهراسب مدیرموسسات است وبنحواحسن وظائف خود را انجام میدهد اینجانب مادام‌که دریزدبود فرزند خود را بدبستان مارکار می‌فرستادم .

فقید سعید مارکار درسایه وطن دوستی و عشق به‌آب و خاك پدران خوددر بمبئی انجمنی بنام‌ایران لیگ‌تشکیل‌داده‌است که فعلادائرونسبت باموراجتماعی‌واقتصادی وفرهنگی ایران فعالیت مینماید .

مرحوم مارکار هرچه‌کرد منعکس ازدل اوبود دلی‌سرریز ازعشق وطن وآکنده از مهرشاه دلی پرشور وحرارت . درود فراوان برروان‌او .

روانشاد دارای نشان درجه‌یك بودنشان علمی و نشان سپاس‌و همایون

زرتشتیان مقیم یزد ازاخلاق و رفتار وکردار جملگی قابل تحسین و تقدیر هستند درمدت دوسال که‌اینجانب دریزد خدمت‌می‌نمودم کوچکترین خلاف یاخطائی ازآنهادیده و شنیده نشد سازمان جوانان زرتشتی‌هم بانهایت متانت وآرامش باشگاه ورزشی و علمی خود را اداره نمود و همواره درامور فرهنگی و اجتماعی خدمتگذارند .

امیدوارم که همواره طبقه شریف زرتشتی درپناه خدای یکتا و سرپرستی شاهنشاه آریامهر درامر بسط و توسعه فرهنك و خدمات اجتماعی موفق باشند .

خبراز: یزدانبار بنشاهی بمبئی

خانم سررتن تاتا درگذشت



این عنوان خبری بود که درتمام روزنامه های هند درصفحه اول با عکس بچاپ رسید و شرح و حال او بشرح زیردرج گردید.

خانم سررتن تاتا ارشدترین رئیس شرکتهای تاتا درسن ۸۸ سالگی در بمبئی درگذشت خانم سررتن تاتا یکی ازاعضاء اوقافهای سردارابجی تاتا - لیدی تاتا - ان - آر - تاتا وهیربای تاتا بود در۲۳ دسامبر ۱۸۷۷ در خانواده اردشیر مروانجی ست بدنیا آمد وبعداً با سررتن تاتا جوانترین پسرسر جمشید تاتا ازدواج نمود

پس ازمرگ سررتن تاتا بنگاه خیریه سررتن تاتارا بنیاد نمود ومبلغ ۲۰ میلیون روپیه (سی میلیون تومان) برای کارهای خیریه بآن بنگاه پرداخت. ونیز موسسه صنعتی سررتن تاتا را تأسیس نمودکه درآن دهها دختروزن زرتشتی کار آموزی مینمایند.

ازکارهای خیریه دیگر خانم تاتا وقف نمودن تمام دارائی و زمینهای خود در نوساری - متاران و اوت کمانه برای استفاده زرتشتیان میباشد ونیز پرداخت یکمیلیون و دویست هزارروپیه به مؤسسه تحقیقات ملی ذوب آهن درجمشیدپور میباشد.

درزمانیکه فقط چند نفراز هند بخارج مسافرت نموده بودند او همراه با شوهرش از شهرهای لندن پاریس - توکیو وپکن دیدن کرد.

در تشییع جنازه او هزاران نفرشرکت نمودند وکارخانه ذوب آهن تاتا درکلکته و سایرکارخانهها و مؤسسات تاتا درسراسر هند وکمپانی ولتاس یکروز تعطیل نمودند.

البته احترامی کـه مطبوعات و جامعه هند نسبت بـه خانم سر رتن تاتا ابراز داشتند برای این نبودکه ثروت داشت بلکه برای انسان دوستی و کارهای بزرگ خیریه او بود

بقیه جشن مهرگان در بمبئی

نتیجه اقدامات خلل ناپذیر شاهنشاه عالیقدر ما نصیب ما ایرانیان شده است سخنرانی جالبی ایراد فرمودند وسپس رقص وآوازشروع شد و پنج پرده رقص جالب و دلفریب بوسیله دوشیزگان دالی ایرانی و خرمن مرادیان اجرا و دربین هرپرده آواز خوانده میشد که همه حضار را مسرورساخته بود .

دراین هنگام آقای سهراب دهموبدی دبیرسازمان ازجناب سرکنسول وحضارمحترم و هنرمندان سپاسگزاری کردند و دسته و حلقه‌های گل از طرف سازمان بایشان تقدیم نمودند . سپس هدیه‌ای که جناب آقای خدایار ایدون رئیس محترم قبلی سازمان داده بودند بتوسط خانم آهنین به دوشیزه دالی ایرانی و خرمن مرادیان اهداشد و زنگ تنفس اعلام و آشامیدنی که از شرکت کوکاکولا هدیه رسیده بود بین حضار پخش شد پنجم فیلمهای قشنگ ایران امروز و روزشاه و مردم غیره نشان داده شد و برنامه جشن باسرودن سرود ملی هند پایان یافت .

بقیه اشعار آقای خدایار هورمزدی

بلی این چنین مرد راه خداست
ورا زنده جاوید خوانی رواست

دریغا جهان کم چو او پرورید
بدین گونه بخشش کسی کم رسید

زمانه‌از اینگونه بخشش گران
برامش گراید توجز این مدان

کنون کز ره مرگ‌نبود گریز
بگیتی نماند ترا مال و چیز

براه نکوگر پذیره شدی
بر اهریمن آز چیره شدی

تو را نام نیکو بماند بجای
بهشتت بود جا ز یکتا خدای

ترا مارکار است نام نکو
بر این نیلگون چرخ‌پاینده او

روانت فروزنده و شاد باد
به مینو نشستنگه آزاد باد

بقیه پشوتن جی

آری بهشت واقعی و خوشبختی جاودانی را دروجدان خود دریافت و یقین حاصل نمود که بهترین راه زندگانی راپیموده و با سرافرازی کامیاب گشته است خوشبخت آنکه راه مارکار را به پیماید و بزندگانی جاودانی توفیق یابد .

مارکار مردی خداپرست - دیندار و انساندوست و در حقیقت انسان واقعی بود در کارهای اجتماعی ازبذل مال و صرف وقت خود دریغ نداشت از موسسین انجمن ایران لیك بود و درانجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی ازعنصرفعال وصاحب سمت بود دردوره‌های متوالی ریاست این انجمن و مقام معتمدی رابرعهده داشت برای آنکه حق خدمت فردوسی شاعر نامدار وزنده کننده زبان پارسی را ادا نموده باشد دریکی از میدانهای یزد برج ساعتی بزرك بنام گاهنهای فردوسی برپا داشت و به شهرداری یزد اهدا نمود .

مردم حق‌شناس یزد هرزمان که این‌شخصیت خدمتگذار بآنجا وارد شد مورداستقبال شایان‌توجه خود قرارداده و همانند پدری مهربان او رادرآغوش می گرفتند و ازدیدارش اشك شوق نثارقدمش می‌نمودند .

خوشبختانه خدمت مارکار همواره مورد قدردانی و ستایش مقامات کشوری قرار داشته وآنروانشاد را بدریافت نشانهای درجه اول علمی - درجه اول سپاس و همایون مفتخرداشته‌اند درسال ۱۳۲۸ نیز افتخارشرفیابی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر حاصل‌نمودند گرچه درظاهرپشوتن‌جی مارکار ازجهان رخت بربسته اما درحقیقت او زنده جاوید است و نام نیکش برای همیشه درجهان باقی خواهد ماند .

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به‌نکوئی نبرند

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

رسید علماء برآشفته و بر عین‌الدوله تاختند درتهران مجدالاسلام وناظم الاسلام کرمانی از این جریان استفاده بسیارکرده و درخواست عزل عین‌الدوله و صدور فرمان مشروطیت را خواستار شدند وعلمای تهران نیزچنین کردندبدین ترتیب کرمان نیز سهمی درمشروطه ایران دارا بودند.

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع‌دهندتا مجله باآدرس‌جدید آنهافرستاده‌شود

بقیه بیاد جوان ناکام

جمله پیشرفت دهندگان و سود رسانندگان باشی درود باد.

در خاتمه یکبار دیگر بهمه کسانیکه دراین مصیبت وارده داغدیده شده‌اند بـویژه مادر رنجدیده تسلیت میگوید.

کرمان ۴۴/۷/۲۶

سرهنگ دکتر جهانگیر اشیدری

سال ۱۶ شماره ۸ — شماره مسلسل ۱۸۷

دارنده امتیاز ـ دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

نشانی :

خیابانشاه (نادری) چهارراه قوام
داروخانه داریوش
تهران ـ ایران

ADDRESS
(The Hokht Monthly Magazine)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran
Iran.

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

هوخت
گفتار نیک

دی ۱۳۴۴



تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران

رجوع شود بصفحه ۵

فهرست مندرجات

نوشته : اردشیر جهانیان

خورشیدی که در ماه دی غروب

نمود ولی برای همیشه درخشان است

خورشیدی که در یکی از روزهای آغاز بهاری یعنی ششم فروردین در آسمان کشور



ما درخشیدن گرفت در روز خیر از ماه دی برابر پنجم دی‌ماه غروب نمود. اما با تعالیم عالیه خود چنان کاخ رفیعی از اخلاق ودانش برافراشت که تا جهان باقیست بر جهانیان پرتوافکن خواهد بود.

زرتشت آنچنان مایه وسرمایه‌ای بآیندگان بخشید که درهر تعالیم وفلسفه ورشته‌از دانشی پرتوی ازآن نمایان است.

«آئین یکتا پرستی ودستورهای اخلاقی وفلسفی که این پیامبر بجهان آموخت‌هنوز هم سرمشق تعالیم دانشمندان وبزرگان فلسفه وحکمت قرار دارد.»

شاید هزاران کتاب بزبانهای گوناگون باصرف عمری گرانبها درجهان انتشار یافته که از سرمایه اصلی آموزشهای زرتشت غنی گشته وبیشتر پژوهشهای آنان بر سخنـان و گفتارهای وی مبتنی است.

«خداوند وآئین توحیدی که زرتشت بجهانیـان آموخت ودر شناخت‌آن تا پای جان ایستاد آفریدگاری است دانا ـ توانا و بیهمتا بنام اهورامزدا که بمعنای سرور (بزرگ) دانای هستی‌بخش است خداوندی‌است یکتا ـ نیکی و راستی ـ روشنائی شادمانی وکمال از ذات جاودانی‌اش سرچشمه گرفته است.»

آنچنانکه زرتشت دریکی از قطعات سرودهای خود درگاتاها میفرماید :

« ای اهورا همانکه ترا بادیدهٔ دل نگریستم ـ بانیروی اندیشه خود دریافتم ـ که توئی سرآغاز ـ که توئی سرانجام ـ که توئی سرچشمه ـ منش پاك ـ که توئی داور دادگر اعمال جهانی»

زرتشت اهورامزدا راباچنین قاطعیت شناخت وبدین نحو بجهان معرفی‌نمودو سپس راز دیگری*که بدان دست یـافت یعنی نیروهای درونی ومعنوی بود بـرای بشر آشکار ساخت و خود نیز درك حقیقت را با نیروی اندیشه میسر دانسته وفرموده «بانیروی‌اندیشه خود دریافتم» این نکته اصولی‌ترین توجهی است که بشربآن آشناگشت و همین نیروست که دانشمندان آنرا تعقل نامیده وبدستیاری‌آن یافت راه ترقی وکمال رامیسردانسته‌اند و برتریت بشر برسایر موجودات را باداشتن همین نیروی اندیشه برشمرده‌اند وازینروست که زرتشت اصلاح اخلاق را برپایه اندیشه وگفتار وکردارنیك استوارداشته است.

در حقیقت اعمال و اخلاق انسانی از سرچشمه نیکی و ٌیا بدی اندیشه برخوردار است . این قاعده از آغاز زندگانی وآفرینش جهان برقرار بوده و تاپایان حیـات نیز برقرار خواهد بود.

بقیه درصفحه ۵۵

بفرمان مطاع شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشتاران

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا بریاست ستاد بزرگ ارتشتاران

منصوب گردیدند

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا درهر مقامی باشایستگی وکاردانی اوامر مطاع ملوکانه ووظایف سپاهیگری را درنهایت میهن‌پرستی و بنحو احسن انجام‌داده ودر حقیقت از مفاخر افسران ارشدکشور بشمارند.

در مقام علمی نیز ستاره درخشان ارتش بوده ودوره‌های دانشکده افسری‌ودانشگاه جنگ‌کشور وهمچنین دوره‌های دانشگاه جنگ فرانسه و تحصیلات عالیه نظامی ارتش آن کشور راباموفقیت گذرانیده ودررشته حقوق بین‌المللی درفرانسه باخذ درجه عالی دکترا نائل گشته‌اند.

تیمسار آریانا درخدمات درخشان ارتشی خود تا کنون از افتخاراتی بس بزرگ برخوردارگشته و باینطریق به امتیازات عالی و اخذ نشانهای لیاقت - خدمت عالی تیر - پاس - درجه دوتاج - درجه ۱ همایون وهمچنین از کشور فرانسه نشانهای لژیون دونور درجه‌یک با حمایل واتوال‌نوار ولژیون دونور افسری ولژیون‌دونورعالی افسری وازکشورهای دانمارك واطریش وبلژیك وهلند وتونس و نروژ نیز باخذ نشانهای درجه ۲ توفیق یافته‌اند.

تیمسار آریانا دارای تألیفات متعددی هستندکه برای‌نمونه‌کتاب دفاع‌ملی وناپلئون رامیتوان نام‌برد. این سوابق درخشان است‌که این انتصاب ازطرف عموم‌طبقات باشادمانی استقبال گشته است. اینك وظیفه خودمیدانیم که بانهایت‌عبودیت مراتب‌سپاسگزاری‌همگانی رابه‌پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم‌داشته و همچنین حضور تیمسارارتشبددکتربهرام‌آریانا نیزکه‌بعالیترین مقام ارتش‌مباهی گشته‌اند شادباش عرض‌نموده‌از درگاه‌اهورامزداخواهانیم که همواره معظم‌له رادرخدمت بشاهنشاه آریامهر ومیهن‌عزیزموفق وکامروافرماید.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۶)

بنی اسرائیل در تورات و تاریخ

از روایات تورات چنین مستفاد میشود که چون ابراهیم از کلده بکنعان (سرزمین فلسطین) رفته ، در آن جای گرفت ، پس از وی اسحاق جانشین او شد . یعقوب پسر دوم اسحاق جای پدر را گرفت و نام اسرائیل بخود گذاشت که (گزارش آن خواهد آمد) فرزندان او را اسرائیل نامیدند . بنی‌اسرائیل بنا به سرنوشتی که برای یوسف ـ یکی از پسران یعقوب پیش آمد، رهسپار مصر شده ودر آن کشور جایگزین گشتند.

در تاریخ ملل قدیمه ، ترجمه ونگارش مرحوم فروغی (محمدعلی ذکاءالملک) در باره بنی‌اسرائیل وموسا ـ مینویسد :

« چنین بنظر میرسد که خروج بنی‌اسرائیل از مصر بارهبری حضرت موسا ـ در زمان فرعون می‌نفتاح (Minephtah) پسر «رامسس» واقع شده و اگرهم درسلطنت خود این فرعون نبوده ؛ در انقلاباتی که پس ازاو در مصر رویداده بوده است» .

درتاریخ مصر هیچگونه نام ونشانی از ابراهیم ، از یعقوب و یوسف و همچنین از موسا دیده نمیشود. تنها چیزیکه یاد شده این است که ـ پس از بیرون رفتن قوم هیکسس Hyksos از مصر ، مردم بهمراهان وهواداران آنان که در مصر مانده بودند با چشم بیگانه ودشمن مینگریستند وایشانرا درفشار گذاشته ؛ به‌بیگاری در ساختمانها وراه‌سازی وسربازی وادارشان میکردند ، بدون اینکه نامی از اسرائیل ببرد .

هندریك وان‌لون H. V. Loon در تاریخ نوع بشر (Mankind) خود مینویسد :

زمانی در حدود قرن بیستم پیش ازعصر ما(پیش ازمیلاد) یك‌دسته کوچك و بی‌اهمیت؛ از چوپانان سامی‌نژاد ، وطن خود ؛ سرزمین‌او (Ur) کرانه فرات را رها کرده ، در جستجوی چراگاه تازه‌ای در حوزه متصرفات شاهان بابل (که در آن زمان سومریها بوده‌اند) برآمدند. این تیره بنام هبریو (Hebrew) که اکنون یهود میگوئیم شناخته

میشد . پس ازسرگردانیهای دور ودراز در مصر پناه گرفتند. بیش ازپنج قرن در میان مصریان زندگی کردند . ولی هنگامیکه وطن برگزیده آنها بدست یغماگران «هیکسس» افتاد ، آنها به‌خوش خدمتی ونازیدن به اشغالگران بیگانه پرداخته و بنای سودجوئی و دست‌اندازی به‌کشتزارها نهادند. پس ازآنکه درجنگ آزادی‌خواهانه مصریها، هیکسس‌ها از وادی نیل بیرون رانده شدند ، یهود بکیفر خطاکاریهای خود رسیده به زیردستی و بردگی مصریها درآمدند و بکارهای تاب‌فرسا ازراه‌سازی وسنگ‌کشی در ساختمان اهرام (Pyramids) واداشته میشدند وچون راهها ازهرسوی برآنها بسته‌وزیرچشم ونگهبانی سربازان مصری بود ، راه‌گریز ازمصر برای آنها توان ناپذیر گردید . پس از سالیان دراز بردگی وزندگی سراسر رنج وآزار، سرانجام‌بدست جوانی موسانام‌ازاین‌سرنوشت ننگین واندوهبار رهائی یافتند» .

وان لون ـ هیچگونه اشاره‌ای‌به ماجرای موسا وفرعون وقت؛ یاکارهای نیارستنی؛ باصطلاح معجزه موسا نمیکند ، همین اندازه مینویسدکه ازپیگیری وجلوگیری لشکریان مصر رستند وجان بدر بردند » . آنچه درباره موسا ازتاریخ دستگیر میشود ؛ داستان معجزات موسا مشتی گزافه گوئی وپیرایه بندی تورات‌نویسانست، چه درآن زمان‌جادوگری وشعبده‌بازی‌ازهنرهای زیبای عصر بوده ،که در باره‌گذرکردن قوم‌ازدریا به‌افسانه‌گرائی پرداخته، نوشته‌اند:

میان امواج خروشان ، خلاف قانون طبیعت‌که آب شکل‌پذیرنیست با زدن عصای موسا ، دریا خیابان وخشک‌گردیده ، میان صفوف آنها آب مانند پنجره گردیدکه‌همدیگر را ببینند و بدینسان از دریاگذشتند !! .

بخوبی پیداست ومیدانیم‌که درآنزمان میان آسیا وافریقای شرقی ؛ دریا و رود ؛ وجود نداشته ، درگرانه شرقی مصر علیا وگوشه دریای سرخ خلیج‌یامسیلی بوده‌که هنگام جزر خشك وهنگام‌مد پرمیشده ونزدیکترین راه به سرزمین‌سینا از این مسیل بوده است. موسا، باهوشیاری وزیرکی خود میدانسته چه موقع مسیل خشك است. نوشته‌اند به دستور موسا یهود ببهانه اینکه جشن یا عروسی دارند ، چیزهای سبك وزن و سنگین بها وزر و زیورهای زنانه را برسم عاریت ازهمسایگان وآشنایان گرفته ، شبانه‌با نشانی بانگ‌خروس و راهنمائی موسا ، راه سینا را ازهمان مسیل در پیش‌گرفته بسیناگریخته‌اند . این‌مسیل همانست‌که بفرمان داریوش بزرگ ازآن به رودنیل ترعه‌ای‌کنده شد و راه دریای سرخ به دریای سفید (مدیترانه‌کنونی) بازگردید و دردوره استعمار انگلیس‌ترعه‌کنونی ازهمان مسیل زده شد .قرآن‌هم روایات تورات را که مردم نیز باور میداشته‌اند یاد فرموده و

این شیوه در قصص قرآن رازهائی دارد که برخی ازمفسران از جمله سر سید احمدخان فیلسوف و پیشوای اسلامی هند در تفسیر خود بمیان آورده که در گفتار پیشین بازگو شد.

وان‌لون ـ سرگذشت فرار یهود را چنین دنباله میدهد :

قوم موسا دردوره زندگی وراه پیمایی درکوه و دشت سینا ، به نیروی عظیم خدای بزرگ ؛ از تندر، برق وتوفان (وآتش‌فشانی سینا) پی‌بردند ، همان خداییکه برآسمانها فرمان میراند، که چوپانها ـ زندگی ، روشنائی ودم زدن را از او میدانستند . این خدا یکی از خدایانی بود که درآسیای باختری پرستش میشد ونامش یهوه Yahova بود .

با آموزش و ارشاد موسا ، یهوه ، یگانه سرور نژاد هبریو(یا جهود) گردید ، موسا با صفا وایمان درونی وپاکدلی خودکار میکرد و میکوشید ؛ تایهوه را خورسند سازد. اونه تنها باراهنمائی خردمندانه و حس‌برادرانه خود میکوشید تا قوم را از زبونی و بردگی نزد بیگانگان برهاند وبه آزادی و خودمختاری دریك وطن تازه برساند ، بلکه هر چه بیشتر کوشید تا آنها را درردهٔ نخستین ملل یگانه پرست درآورد» .

راستیکه این مرد آزادیخواه وخویشاوند نواز ، چه رنجها برده و چه شکنجه‌های جسمی و روحی را بخود هموارساخته ، تاچنین نژادلجوج ، بهانه‌جوی وسرکشی رابراه راست آورده است. گرچه پس ازوی ؛ سرپیچی از دستور و فرمانهای اوکردند ، و چه خرافات و موهوماتی دلخواه که در «سفرخروج» به‌او بسته‌اندکه نمیتوان ازاو دانست . بهرروی پس ازچهل‌سال دربدری وورزیدن آنهاکه آماده همه گونه فداکاری‌درراه رسیدن به استقلال پیداکرده واز راهنمائی‌وفرآموزیهای موسا ، چنان قومی که همه چیزجزخدای یکتا رامیپرستیدند ، هم یکتاشناس وهم درامور زندگی و استواری دربرابر دشواریهادلیر وگستاخ گردیدند .

بگفته «وان‌لون» ـ به‌سرزمین فلسطین که رسیدند ، در« ژروزالم»((Jerusalem- اورشلیم) یعنی «خانه صلح » معبد یهود را بنیادکردند . دیگر موسا پیشوای قـوم نبود (مثل اینکه بازنشسته شده بوده) زیرا تنها میتوانست خاموش بنشیند وکوهستان فلسطین‌را از دور بنگرد . درچنین حالی بودکه چشمان خسته خودرا برای همیشه فرو بست» .

نکته مهم شایان توجه

با اینکه غیر از کتب عهد قدیم (Testaments) در باره موسا و عیسا ، کتابها نوشته و سخنها رانده شده ومیشود، ولی گویا از دیدداانشمندان و پژوهندگان زیست‌شناس یا بیولوژیستها ، بویژه تاریخ نویسان اروپائی در جهان مسیحیت ، این دو بزرگوار ؛ اصالت تاریخی نداشته‌اند ـ وگرنه چگونه ممکن است دریك دایرةالمعارف ، یا فرهنگ

لغات وعلوم واعلام‌مردان نامی جهان، بنام«پیرزسیکل‌اوپیدیا» Pears Cyclopaedia که گنجینه‌ای از مطالب مهم تاریخ ، تمدن ، فنون ورویدادها وسرگذشت معاریف‌جهانست و تابیست وششمین چاپ آن در۱۹۲۴ دو ملیون نسخه پخش شده وشامل ۲۱ کتاب ورساله از مطالب گوناگون در۱۰۹۴ صفحه است، بهیچ روی نام‌ونشانی از ابراهیم گرفته تاعیسا در آن دیده نشود ؟ از جمله ۲۱ کتاب ، یکی بنام Prominent People (مردم سرشناس) ودیگری بنام فرهنگ وقایع (Dictionary of Events) که از۲۲۳۵ پیش از میلاد تا ۱۹۲۴ میلادی است ونام همه شاهان و پیشوایان دین ، مردان دانشمند وسیاسی با یادداشت اندکی ازآنها دارد ، ولی ازیهود تنها نام داود ومعبد یهودا ـ آنهم بمناسبت تجدید بنای آن بفرمان کورش بزرگ یاد شده ، در حالیکه نام‌آشو زرتشت و حضرت محمد بایادداشت کوچکی از برخاست آنها نوشته شده ولی‌ازموسا وعیساخبری‌ندارد مگر اینکه در سلسله تاریخ قرون ، وقتی به آخرین سال پیش ازمیلاد میرسد، مینویسد: زایش مسیح - Birth of Christ همین وبس !!.

هیکسس ها از کجا و چه نژادی بوده اند؟

در تورات نامی ازهیکسسها دیده نمیشود، ولی از سومریان باتحریف نام ـ آیاتی دارد وگزارش آن خواهد آمد ـ درکتاب تحلیلی «خط وفرهنگ» استاد ذبیح بهروز ، درباره هیکسسها چنین است :

« از حوادث مهم این عصر (۱۸سده پیش ازمیلاد) رفتن هوکسسها به مصر وبردن اسبهای ایران بآنجاست. هوکسسها که پنج قرن درمصر پادشاهی کردند و عاقبت از مصر بیرون آمدند ، آثار پادشاهانشان که از جزیره کرت تا سامان بغداد دیده شده ، شهرت آنانرا تا این نقاط دوردست میرساند . مطابق معمول برسرنژاد این‌قوم هم نزاع است. ولی پس از سالها نزاع‌ولجاج اخیراً نوشته‌اند که آنها ازنژاد خطی وهند و ایرانی‌هستند. درهرصورت بستگی نژادی اقوام کاشی ، خطی و هوکسس ، ارتباط و پیشرفت آنها در سرزمینهای بابل ، آناتولی و مصر و همزمانی این‌لشکرکشی‌ها و اهمیت این حوادث‌قابل انکار نیست ومخصوصاً در این قسمت از تاریخ باید دقت نمود تا در تحت تأثیر مغالطه و تبلیغات واقع نگردیم . معنی هوکسس را «امیرچوپان» نوشته‌اند که هنوز پذیرفته نشده ، ظاهراً بایدصورتی‌ازکلمه‌فارسی هوخشس Hukhashas یعنی شهریاران خوب‌یاامپراتور باشد .»

« وان‌لون » درکتاب نوع بشر خود ، مینویسد : ـ اندك مدتی پس از ۱۷۰۰ سال پیش ازمیلاد، مردم طب شورش آغازنهادند وپس‌ازکشمکش درازی هیکسسها ازکشوربیرون

رانده شدند ومصر باردیگر آزاد گردید ــ سپس از سومریها سخن میراند.

سومریها در تاریخ و تورات

در تاریخ نوع بشر ــ درباره سومریها مینویسد :

« سومریها دیرین‌ترین باشندگان «مزوپوتامیا» (**Mesopotamia** یعنی میانه رودها) بوده، آنها درقرن‌چهلم‌پیش ازمیلاد، ازشمال‌به مزوپوتامیا [که اکنون بین‌النهرین گفته میشود] درون شده و برج وباروها ، معبدها وقصرها ساختندکـه هنوز ویرانه آنها بنام مناره بابل وجود دارد ، آنها خطی بنام میخی داشته‌اند» .

این فشرده نوشته آن کتاب بود، اکنون ببینیم در تورات وتاریخ دیگران وهمچنین آنچه ازکندوکاو سرزمین فرات بدست آمده چه میباشد.

از کاوشهای ویرانه بابل در شهر «اور» (در ۱۹۲۲) و چیزهائیکه از چهل متری زیرشن یافته شده ، ثابت میشود که قوم«سومر»ازنژادهندوایرانی بوده که‌ازپایان‌خلیج‌فارس بسمت شمال بـالارفته، درکرانه فرات ودجله جای گرفته‌اند . آیه ۲ تا ٤ از بـاب ۱۱ «کتاب پیدایش» دلالت براین معنی دارد ؛ چه میگوید :

« وواقع شدکه چون از مشرق کوچ کردند ، زمین هموارى درشنعار **(Shanaar)** یافتند ودر آنجا سکناگرفتند وبه یکدیگر گفتند. بیایید خشتها بسازیم و آنهارا خوب بپزیم وایشانرا ؛ آجر بجای سنگ بود وقیر بجای گچ ــ وگفتند بیائید شهری برای خود بنا نهیم و برجی (مناره) راکه سرش بآسمان برسد (برپاکنیم) تا نامی برای خویشتن‌پیدا کنیم ؛ مبادا برروی تمام زمین پراکنده شویم».

این گفته بنا بگزارش تاریخی ؛ داستان «سومریها» است وواژه شنعار تحریف شده «سومر» است و دور نیست شهر «سامره» نیزوابسته به سومریان باشد. در تاریخ«سرپرسی سایکس» است‌که ــ سومریان کوهستانی بوده و خدایان خودرا برکوهها ایستاده نمـایش میدادند وستایش میکردند. نخستین جای بومی‌آنها جنگل وبیشه بوده ، درکندوکاواخیر «دره سند» نمونه ونشانیهای تمدن بسیار همانندی باآثار سومری ؛ در بابل ؛ اززیرخاک بدست آمده که دنیائی راحیران کرده است . سنگ نبشته ونگاره‌های روی مهرهای‌چهار گوش بازرینه آلات که درآنجا پیداشده ، باآنچه در«اور»کلدان یافته‌اند میمـاند. استیل ساختمانهای آجری ، تندیسه‌ها ، شکل چهره‌ها ، همه نشان میدهندکه این دوتمدن ازیک دودمان‌واز یک‌خاستگاه‌بوده‌اند وچنین‌برمیآیدکه سرزمین پیشین‌سومریان دربرخی‌جاهای کوهستانی درایران ؛ مانند افغانستان یا بلوچستان بوده است . سرپرسی سایکس ــ در

مقاله مقدماتی صفحه «یط» مینویسد :

« اگر از من سئوال شود که این فحص و بازرسی از کجا شروع خواهد شد ؟ در جواب بندر هرمز را اسم‌خواهم برد ، همان بندری که «نه‌آرکوس» Nearchus نیروی دریائی خودرا کنار رود میناب بساحل کشانید قبل از آنکه به خشکی آمده ، سلامتیش را به اسکندر خبر دهد . امروزه ؛ بندرعباس برای بازرگانی هرات و مشهد وسایرمراکز میانه ، یك بندرطبیعی محسوب میشود» ،

بازگشت یهود از توحید به طبیعت پرستی

فشرده کتاب داوران تورات چنین است که : پس از درگذشت موسا و یوشع ، قوم بنی‌اسرائیل که پادشاهی نداشته ، هر طایفه (از اسباط) خودمختار گشته وبه دلخواه خود کار وزندگی میکرد. چون درکنار مردم فلسطین‌جای گرفتند ، مذهب سوریان‌راپذیرفته، بالای کوه قربانگاهی از یك تخته سنگ یا یك ستون سنگی بر پاکرده ، آنرا «بیت‌ئیل» یعنی«خدای خانه» دانسته پرستش میکردند.درختهای متبرك وآفتاب راخدای‌خود گرفته، بلکه تندیسه‌هایی ازگاو و«مار» از برنج ساخته به آنها سجده میکردند وهریك را خالقی می‌انگاشتند . در برخی‌جاها سنگهای (خوش‌تراش طبیعی) برگزیده خودرا ، بامواظبت نگاهداری‌کرده ، باور می‌نمودندکه روح خدائی دراینگونه سنگها جای دارد و دور آن دیوار کشیده « بیت‌ئیل» مینامیدند » .

برخی از این سنگها بنام «مقام» جائیکه بگفته آنها بزرگان ورهبران دین (مانند ابراهیم ودیگران)گام نهاده ، آنرا قدمگاه خوانده‌اند ، چنانکه کعبه که مفهوم خـاصی دارد وگفته خواهد شد ، قرآن ساختمان آنرا از ابراهیم یادکرده ودرسوره بقره ازآیه ۱۲۴ تا۱۲۸ در باره بنیاد آن بدست ابراهیم باکمك اسماعیل بصورت وحی آمده است . ودر سوره ابراهیم ازآیه ۳۴ تا ۴۰ نیز سخن ازاین خانه است . ولی در تورات در این باره چیزی دیده نمیشود و بعکس از اسماعیل و فرزنـدان اوکه در همان فلسطین‌بوده‌اند بارها یاد میکند .

پرستش سنگ و چیزهای دیگر

آنچه میدانیم ـ در سرزمینهای ، بابل ، سوریه ، فلسطین ، عربستان ومصر ، در دوران کهن؛ یك‌گونه دلبستگی ترسناك تاحد پرستش به سنگ به‌جانوران وچیزهای‌دیگر داشته‌اند، سنگ چینی و ستون افراشتن ازسنگ و ساختن اهرام ، زمینه عقاید و ستایش مردم درآن سامان بوده است . پژوهندگان تاریخ ادیان ومذاهب ؛ اینگونه عقـاید را

آنی‌میسم Animism نام‌داده‌اند ، یعنی - جان‌داری، جان‌دهی ، کام‌بخشی همه مظاهر وساخته‌های طبیعت، بدان گونه که از دیدار و نوازش آنها ، شادمانی بطرفین دست‌میدهد، همانگونه که‌از دیدارعزیزان انتظارمیرود. باورمیداشتند که‌سنگ ، درخت وچیزهای‌دیگر دارای جان هستند ، به‌معتقدین ونیایش کنندگان‌خیر و برکت وروزی میرسانند وازگزند بدیها آنها را درامان میدارند ، ازکرنش و بزرگداشت انسان بخود ؛ خشنود شده،نذر ونیازها وقربانی خونین آنهارا می‌پذیرند . مردم در نیکبختی وکامرانی یابلاهای وارده بخود، خوشنودی ودلخوری آنهاراکارگر میپنداشتند.

مذهب دیگرکه بهتر است گفته شود «سنت» ــ توته‌میسم Totemism از تــوتم Totem بوده ، هر دودمان یا خاندان یاخانواده به شگون ومیمنت یك گونه حیوان یا رستنیها از درخت وگل وگیاههای گوناگون یاپرندگان و خزندگان عقیده داشتند ، نقش آنرا روی یك تیر بلندکنده یاکشیده ؛ آنرا انگ یا علامت ویژه خود برای شناسایی و امتیاز خانواده خود برگزیده آنرا به فال نیك میگرفتند. که دور نیست‌آرم و نشان روی پرچمها ازمنشاء این عقیده برخاسته باشد. گرچه «توتم» جنبه‌آذین وامتیاز ملی داشته که هنوزهم دارد ، مگر اینکه برخی ازآنها ریشه مذهبی نیز داشته است ؛ مانند سواستیکا ــ (Swastika)که دانسته نیست چه بوده . این نقش روی‌کاشی ودرودیوار نگاشته میشده وروی نگین انگشتر ومهرکنده میشده‌که بسیاری ازاین مهرها از کاوشهای آرکئولــوژی بدست آمده است ، بویژه روی کاشی وفرش‌که چون از صنایع اصیل ایرانست ، میگویند واژه « کاشی » مانند چینی که منسوب به چین است ، آنهم صنعت تیره کاشیان یــا کاسیت Kassites است وبساکه کاشان هم خاستگاه آنها بوده وکاشی منسوب به‌آنهاست . این نقش هنوزهم روی‌کاشی وفرشهای قدیم دیده میشود و حزب نازی آلمان هیتلری آنرا آرم ویژه سپاه‌خود قرارداد واینکه نام‌صلیب شکسته‌بدان داده‌اند ،پندارنابجایی است . فروهر Froharاوستا ، شیرو خورشید،ماه وستاره وصلیب‌عیساهمه‌توتم‌مذهبی وملی‌بشمار میآیند. خال‌کوبی‌نیز که نقش همه‌گونه حیوانات وجماد ونبات ، روی بازو وهمه جای تن کوبیده میشود از آثار توته‌میسم است .

اما عقیده «آنی‌میسم» ــ گرچه نزد مردمان یادشده ؛ مفهومی جز خرافه و موهوم پرستی نداشته ، ولی دردانش و فلسفه عنوانی دارد. جانداری‌جمادات درنزد فلاسفه‌پیشینه دارد ، چنانکه طالس‌ملطی نخستین فیلسوف «لیدی» ــ کهربا ــ آهن‌ربا و اثر مغناتیس را نوعی جانداری‌جمادات میدانسته، زیرا جسمی ــ جسم دیگررا بخود میگیرد وتکان‌میدهد.

بقیه درصفحه ۵۶

« پنجم دیماه مصادف بادر گذشت پیام آور بزرگ تاریخ شت
« اشو زرتشت است . در این روز یاران نیکی و رهـروان
« طریقت اهورائی بیاد این اندیشمند بزرگ جهان وبخاطر
« بزرگداشت یادگارهای جاودانهٔ او به خیر وایثار پناه می
« جویند .

« و من شرمنده از خود ، سربسوی آستـان وخشور زرتشت
« و دل با اهورامزدای مهربان ، ناچیز هدیه‌ای نثار اصیل‌ـ
« ترین هموطنان خود ویاران‌وفادار آئین دیرین میکنم‌بدان
« امید که بزرگوارانه بپذیرند.

حبیب‌اله فرازمند

زرتشت نامه منظوم

به مـزدای دانـای اسرار دل
که کلکم به کوتاهی ازاوخجل

به مزدا که نیکی ومهر آفرید
جهان را چنین‌خوب‌چهر آفرید

عدم بود و او هستی آغاز کرد
به نیکان در خرمی بـاز کرد

به اهریمن او تیره فرجام داد
به او سرنوشتی بـدانجام داد

ز انوار خود نقش اختر نهـاد
به اندیشه‌ها ، نقش برتر نهاد

جهان شد منور ز خورشیـد او
فریبنده تر گشت «نـاهید» او

به سقف فلك ماه رخشان نمود
به نقش آفرینی دل ازما ربود

به «پروین» نگاهی فسونکار داد
بـاو جلوه گـاه رخ یـار داد

فروغ آنچنان درجهان گسترید
مگر چشم بینا فـروغش بدید

فروغی که تا جـاودانه بپاست،
فروغی که دردل همیشه بجاست

نشان از فروغ جهانتاب اوست
که‌دل گشته شیدا وبی‌تاب‌اوست



بنامش که آغـاز آغازه‌ـاست
بمهرش که در دل همیشه بجاست

بنام نخستین پیـام آورش ،
به وخشور «زرتشت» نام آورش

که اول سرود خدا او سرود
بـر او باد از ما فراوان درود

که در شرك وبیداد، دادآفرید
که یکتا پرستید و یکتا گزید

سرود آنچنان جاودانه سرود
که چونین سرودآسمانی ، نبود

سخن بایدا کنون ز «زرتشت» گفت
که این گفتنی‌ها نباید نهفت

نخستین ز زادن بـدارم سخن
واز آن‌دشمنی‌ها که کرد اهرمن

پس آنگاه گویم که چونان گذشت
بر این رادمرد کهن سر گذشت

چسان عاقبت رسم نیکی نهاد
به دین و به آئین تجلی بداد



هر آنکس که نیکی نیارست دید
بجان تیره گشت وتباهی خرید،

بر آنکس که افسون اهریمنی
روانش بیـالایـد از دشمنی ،

هر آنکس که آئین زشتی گزید
بجز زشتی و زشت نامی ندید :

بجز دیو ، نامی بر آنها مبـاد
که نیرنگ بازند و تیره نهاد

چنین دشمنانی که دیوان بدند
چنین‌دیوخویان که خصمان‌بدند

سرانجام در کینه اندر شدند
واز آن کینه‌جوئی ، بر آن برشدند

که نیروی زشتی بسیج آورند
که زشتی به پیکار نیکی برند

نخستین زمان کامد اندر وجود
توان در تن و جان دیوان‌بسود

که بیمی بدلشان نهانی نشست
وزان بیم زنجیر دیوان گسست

به پیمان شدند آنکه «زرتشت» را
کشند آنکه‌خواهندمر کشت‌را

«دوراژان»[۱] که‌دیوی‌فسونکار بود
به دیوان دیگر هم او یار بود

(Duragan.) – (۱)

چنان شد به بیم و بظلمت فرو که بر پا نمود انجمن زود او
بدیوان چنین گفت: کاین نورسید بن و بیخ دیوان کند ناپدید
پس آنگه سه تن دیو را برگزید دم پر فسون را در آنها دمید
که باید که کودک نماند بجا وگرنه کند شور و غوغا بپا
که این کودک آخر پیام آورست درخشنده خورشیدی از خاورست
برفتند دیوان ز خانه برون مگر غرقه سازند کودک بخون
برفتند و آتش برافروختند بسودا که کودک مگر سوختند
چو مادر نگه کرد و آتش بدید بترسید و آهی ز دل بر کشید
سراسیمه آمد که کودک چه شد بآتش تن و جان او خسته شد
نگه کرد و کودک ببازی بدید که درشعله‌ها هر طرف میچمید
گلستان شد آتش بدامان او گزندی نه بر تن نه بر جان او
«دوراژان» که بدکار و بد کینه بود به نیکان هم او خصم دیرینه بود
بر آن شد که کودک بجائی برد که خیلی ز احشام از آن بگذرد
که گاوان بکودک گزند آورند تنش را به شاخ و به سم بردرند
«دوراژان» چنین کرد و حیران بشد چو دید آنکه گاوی نگهبان بشد
گذشتند گاوان همه سر بسر نیامد گزندی از آن بر پسر
بخشم اندر آمد «دوراژان» دیو ز سینه برون داد بانك و غریو
بفکر اندر آمد که چاره کند تن کودك از خشم پاره کند
سه روز و سه شب غرق اندیشه بود که دیوی سیه‌کار و بد ریشه بود
سرانجام «زرتشت» را دور برد به گرگان درنده‌اش واسپرد
چو گرگان بکودك شدند آشنا بکردند گرگی خود را رها
ز گرگان نیامد ستیز آورند نه چنگال و دندان تیز آورند

بقیه درصفحه ۵۲

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

هَ اُ مَ Haoma . در تلفظ پهلوی هوم Hom و در تلفظ مصطلح فارسی هوم Hum آن چه‌که از متن اوستا برمی‌آید ، نام گیاهی است ونام ایزدی است که نگهبان وموکل این گیاه بوده وهم‌اسم مرد پارسایی است که باوارستگی ودینداری زندگی‌میکرده است .

در اوستا ازهوم چه بسیار یاد شده است ودانشمندان درغرب وشرق دربارهٔ هوم و مراسم وآداب آن واصل ومنشأش کاوشهای فراوانی کرده‌اند. هوم از جمله مواردی است که همانند آن در ادبیات ودایی آمده است ونشانگر آنکه دارای پیشینه‌یی است بس‌دراز میان آریاها ، بویژه هندوایرانیان . پس از شرح و تفسیر اوستایی ، مطابق روش‌معمول دراین رشته کاوش‌ها ، ببررسی در ادبیات ودایی‌از نظرگاه پژوهش‌هایی در بارهٔ سومَ ـ پرداخته میشود

در اوستا ، بیستمین یشت ویژهٔ هوم است و نامزد به «هوم‌یشت» اما این یشت بسیار کوتاهی است که گمان میرود یا ازمیان رفته واین اندك مقدارش بما رسیده است ، یاآنکه آنچه در خلال یسنا آمده است ، یعنی های نهم ، دهم ویازدهم وابسته به‌این‌یشت بوده که دریسناجای داده شده است واین نظراخیر بیشتر با حقیقت سازگاری دارد. جز در یسنا و یشت‌ها ، درویسپرد ووندیداد نیز ازهوم سخن رفته است .

چنانکه اشاره شد ، دریسنا ـ های نهم تایازدهم است که بتفصیل از هوم سخن رفته است .[۱] در بامدادان ، چون زرتشت سرگرم انجام مراسم ستایش در آتشگاه بود ، هوم چون ایزدی دربرابرش‌نمایان میشود وپیامبر ازاومی‌پرسد که‌تو که هستی که درسراسر جهان خاکی این چنین بخشایندهٔ شادمانی وجاودانی هستی ؟ ۱ ـ هوم می گوید [۲] :

۱ ـ شماره‌های داخل کروشه [ ] اشاره است به شماره‌های بندهای ـ های نه و ده ویازده ازیسنا.

من هوم پاك دور دارندهٔ مرگ [دوراش Duraosha] هستم . آنچه که خواهانی ازمن بخواه ودر بزرگداشت من و آماده کردنم برای آشامیدن بکوش.[۳] پس زرتشت به‌وی درود می‌فرستد ، اورامیستاید و میخواهد بداندنخستین کسی که او را برای آشامیدن آماده کرده چه‌کسی بوده است .[٤] هوم ، آن دور دارندهٔ مرگ پاسخ میدهد که برای نخستین بار ویونگها Vivanghan از من نوشابه ساخت[۱] ، و بـرای این نیك‌کاریش ، دارای پسری شد چون جمشید.

زرتشت میپرسد دومین تیمارگرتو که بود ؟ [۷] وهوم در پاسخ از آبتین یاد میکند و اینکه به پاداش دارای پسری شد چون فریدون. [۹]

زرتشت از سومین کس که‌گیاه مقدس را فراهم کرد از ایزد هوم‌می‌پرسد. اومیگوید سوم کس ثریته Thrita «اثرت Athrat » بود از خاندان سام Sâma که به موجب کار نیکش دارای دوپسر شد ، پسرانی‌چون گرشاسب واورواخشی Urvâxshya[۱۲] پس زرتشت از چهارم کس می‌پرسد وهوم میگوید‌آن‌نیکوکار پوروشسب Purushaspa نام داشت وپاداش وی آن‌بود که چون توپسری را داراگشت‌که پراکنندهٔ راستی و آیین بهی درجهان شدی.

در دنبالهٔ این بندها ، توصیف هوم می‌آید . زرتشت وی رامی‌ستاید ، هومی‌که نیك آفریده است ودرمان‌کننده ، دارای اندامی بلند است وزرین‌گون می باشد و آشامیدنش ازبرای روان‌آرامی وشادی بهترین است. زرتشت با بیانی رسا و شاعرانه از هـوم طلب نیرومندی وقدرت میکند تابتواند آیین بهی وراستی را درجهان پراکنده سازد، مردمان را براه راست‌گرداند وبیداد وکجروی‌را براندازد ودروغگویان ودیوان راازمیان بردارد آنچه‌که زرتشت ازهوم می‌خواهد ، در تأیید آن است‌که هوم یکی ازخدایان بزرگ‌هندو ایرانی بوده است چنانکه درصفحات بعد در باره‌اش‌گفت وگو خواهد شد . زرتشت این خواسته‌ها رابرای مردمان وخود دارد: بهترین زندگی پاك ، تندرستی ، اعتلای روان ، نیرومندی وجسارت برای ستیزه بابدی وزشتی ، درامان بودن ازراهزنان ودرندگان.

نوع وروش بیانی‌که ازهوم در سه فصل یسنامی‌شود ، جای شك وگمانی باقی نمی‌گذاردکه ازوی چون ایزدی اراده شده است ، ایزدی بلند مقام ونیرومند چون ناهیدو مهر وبهرام ، اصالت اندیشه وروح آریائی ، بویژه‌ایرانیانی‌که ازهندوان جداشده‌بودند در مطالعهٔ هوم چون دیگر موارد اوستا روشن میشود.

---

۱ ـ مقایسه شود باروایتی‌که ساختن شراب وپدیدآوردنش منسوب است به‌جمشید، ودر ادبیات ودایی به پدر جمشید منسوب میباشد . مقالهٔ جمشید نگاه شود.

عناصر طبیعی ، مفاهیم مجرد وغیر مجرد ، ایزدان وفرشتگان وچیزهایی دیگرتنها دست‌آویزی هستند برای ساختن قالبی که روح ایرانی درآن‌جای گیرد . هوم که مسلماً و بدون تردید گیاهی بیش نیست ، برای جلوه گری این روح درشکل ایزدی نمایان میشود تانیکان رانیرو بخشد وبجنبش برانگیزاند وپشتیبانی شوداز برای‌سجایای اخلاقی‌وقهرمانی آنچه که در اوستا بنام وعنوان ایزد وفرشته آمده است ، باصراحت دراین باره منعکس است واینها عنوانهایی هستند شاعرانه وبیانی تمثیلی که با تمام نیرو و قدرت در انگیزش نیکی وبه‌زیستی وفروکوبی بدی وبدمنش ساخته وپرداخته شده‌اند.

هوم همیشه بیدار است وهشیار . نسل نیکان رامی‌فزاید وبه نیک‌مردان پسرانی می‌بخشاید که شایسته‌ترین کارها را درگسترش نیکی وتباهی زشتی‌انجام میدهند . به دلیرانی که اسب‌تازان درپی مقاصد انسانی هستند ، جسارت وچالاکی می‌بخشد، چون‌ناهیدهمواره مترصد است تابزنان زاینده ، فرزندانی‌نیك ببخشاید وتنها حامی رزمیان‌نیست ، بلکه به روحانیان‌نیز که درآموزش آیین وطریق زندگی‌کوشا هستند ، هدیهٔ پارسایی و فرزانگی می‌بخشاید .

دخترانی راکه دیرزمانی درآرزوی شوی روزگار سپری کرده‌اند درحمایت هوم دارای شوهر میشوند

چنانکه اشاره شد ایزد هوم حامی روحانیان نیز هست ، بهمین جهت کرسانی Keressani راکه شهریاری بود خودسر ودر گاه شاهی مغرور، و اجازه نمی‌داد تا روحانیان بکار تبلیغ پردازند زبون‌کرده واز شهریاری برانداخت.

از بند بیست وپنجم دریسنا ـ های‌نهم ، باروشی دیگر ایزد هوم‌شناسانیده می‌شود:

خوشا به تو ای هوم که از نیروی خویش شهریار کامروا هستی ، خوشابه تو که از بسیاری سخنان راست‌گفته شده بی‌نیازی. در پناه اهورامزدا در بلندی های‌کوه باکمر بندی ستاره‌نشان مترصد است ونگهبان کلام ایزدی است. نیایشگران و گروه مؤمنان در مراسم ویژهٔ این ایزد ، چنین می‌خوانند:

ای هوم ، بزرگ خان‌ومان ، بزرگ‌ده ، بزرگ شهر، بزرگ‌مملکت ای در تقدس دانشمدار، نیرو وپیروزی تورا برای‌تنم همی‌خوانم‌وگشایش بسیار رهاننده . برهان از ماکین کینوررا ، به‌گردان منش‌خشمگین را واز هر مردمی‌که دراین خانه ،که دراین ده‌که .... گناه ورزدبرگیراز پاهایش زود ، هوشش‌تیره ساز ، منشش درهم شکن ... برضد راهزن نابکارخونخوار

بقیه درصفحه ۵۴

نوشته وگردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

درحاشیه تاریخ کرمان

(۲۱)

زمستان گذشت در ۲۱ مارس پلیس جنوب ازطرف دولت برسمیت شناخته شده پلیس جنوب به ۸ هزارنفر رسید دوبریگارد در فارس ویك رژیمان درکرمان ماند. در ژوئن ۱۹۱۷ وثوق‌الدوله سقوط کرد و علاءالسلطنه پلیس جنوب را برسمیت شناخت.

* * *

در شهر کرمان مشهور است که منجم زرتشتی از فتح کرمان وگرفتاری لطفعلی خان در روز معین خبر داده بود و درچند روز پیش از فتح خبر به لطفعلی خان رسیدحکم‌نمود تا آن منجم را درخانه حبس کردند و شماره روزموعود نان وآب باو دادند که‌اگرراست گفت لشگر قاجار اورا نجات دهند و اگر دروغ گفت بماند تابمیرد از اتفاقات چنانکه گفته بود واقع گردید.

وفاداری عجیب کرمانیان

در طی تاریخ کرمان به حوادثی برمیخوریم کـه شاید در دنیاکـم نظیر باشد از فداکاری مردم این شهر در حمایت احمد شاه صفوی ولطفعلی خان زند و غیرآن چیزی نمیگوئیم چه بسیار معروف است یکی دو موردکوچك هست که خود نماینده روحیه مردم این ناحیه محسوب میشود.

امیرمحمد مظفریه به حدود جیرفت به جنگ اوغانیان میرود جوانی رشید ازاهل بم بنام پهلوان علیشاه بمی با اوست جنگ در میگیرد صحرای وسیع جیرفت از گـرد و خاك سواران اوغانی و جرمانی پوشیده میشود در ایـن گیر ودار اسب امیر محمد مظفر زخمی وکشته میشود و سوار یعنی پادشاه از آن بخاك می غلطد. سواران اوغان بر امیر محمد ظفر هجوم میآورند شمشیرها و نیزه‌ها بسوی او متوجه میشود. غوغای قیامت‌است. امیر محمد مظفر مرگ را دردو قدمی خود می بیند اما دراین حیص‌وبیص پهلوان علیشاه

بمی با اسب خود بکنار امیر محمد میرسد امیررا درگیر ودار مرگ و زندگی‌میبیند از اسب فرود میاید. مهاراسب را به امیر سپرده و میگوید سوار شو و بگریز. امیر محمد باور نمیکند در چنین حالی پدر هم بفکر پسر نخواهد بود(یوم لیفرالمرء ومن اخیه و) هیچکس گرد او نمانده بود این پهلوان جوانمردخودازاسب فرود آمده چنین تکلیفی‌مینماید.

در این جا روایتی هم هست که امیر محمد رو به پهلوان کرده میگوید نه تو هنوز جوانی خود سوار شو و بگریز ولی پهلوان اصرار کرده میگوید خیر تو فرمانده سپاهی نجات تو باعث نجات لشگرمیشود مرگ من اهمیتی ندارد و بهر حال باصرار امیر محمد بر اسب او سوارشده فرار میکند و پهلوان بمی پیاده آنقدر شمشیر میزند و شمشیر میخورد تا از فرط جراحت بخاك در میغلطد.

گفتن این واقعه وبیان آن آسان است ولی تصوراین صحنهٔ درام‌که خود میتواند بزرگترین سوژه یك نمایشنامهٔ عالی خصوصاً برای کرمانیان و دانش آموزان هم باشد مشکل و عجیب است شاید نمونهٔ این حادثه را دریکی دو مورد بیشتر در تاریخ بشریت نتوانیم بیابیم. این واقعه‌درمملکتی‌اتفاق میافتد‌که شاعر همان مملکت‌درباره اخلاق‌اجتماعی مردم آن گوید :

چو از سر بگذرد آب خطرمند نهد مادر بزیر پای فرزند

بنده نمونه این حادثه را فقط درقضیهٔ غرق‌کشتی تیتانیك خوانده‌ام و آن هنگامی است‌که کشتی غرق شده و مسافرین هر‌کدام تختهٔ نجاتی بگردن انداخته خود را بدریا میافکنند پیرمردی‌که تخته‌ای یافته و میخواست خود را بدریا افکند دخترجوانی رامی‌بیند‌که سراسیمه بهرسوی دوان است وکشتی هم‌کم‌کم فرو میرود وآن دختر تخته پاره‌ای نمی یابد.پیرمرد دختررا فرامیخواندوتخته پاره‌خود را ازگردن درآورده بدختر میدهد و میگوید (من بمیرم آرزوئی ندارم اما توجوانی بگیرو خود را نجات بده و چنین‌کرد. دختر نجات یافت و پیرمرد باعماق دریا فرورفت‌اروپائیها این واقعه را سرمشق فداکاری و اخلاق خود دانسته‌اند اما ما مردم‌کرمان‌این واقعه را درتاریخ خود عجیب تروگرمتر و پرهیجان‌تر داریم)

در این‌گیرودار مبارزالدین به علیشاه‌گفته بود: (تو هنوز نوجوانی از گلبنان امید گل مرادی نچیده‌ای باسب خویش سوارشو و ازاین ورطه خونخوار خود رابکنار اندازو از طوفان بلا بسلامت بیرون آبتصورآنکه اسب را تحمل نباشد اجابت نکرد)

مطلب عجیبی است این جوان رشید از بیم اینکه اسب تحمل‌کشیدن دوتن رانداشته باشد وبالنتیجه هردوتن بدست دشمن افتند قبول نکرد‌که‌دوپشته سوار شود اسب خود را با لجاج به امیر محمدسپرد. امیرمبارزالدین سوارنمیشدو میگفت (بیست سال پیش از این

از حضرت امیرالمؤنین عزت شهادت طلب کرده‌ام) اما بالحاح سوار شده بیرون رفت و پهلوان علیشاه با ۸۰۰ مرد پایدار شهید شدند.

بارها محمد مظفر خود این واقعه را بفرزندان خود گفته بود به شاه شجاع و شاه محمود همان فرزندانی که بعدها پدررا گرفتند و بدست خود چشمانش رادرآوردند و زندان افکندند. واقعاً که خوش گفته‌اند: الملك عقیم سیاست پدر ومادر ندارد. فقط رفتار پهلوان علیشاه بود که ازسیاست گذشته به اخلاق پیوسته بود؟ آیا مرد سیاستمدار باید از از اصول اخلاقی هم پیروی کند یا خیر؟ دراین باره گفتگوها فراوان است که جای دیگر باید صحبت کرد.

علیشاه وشاه شجاع هردومردسیاست بوده‌اند. اما آن بیگانه بودو امیری را اخلاقاً نجات داد واین پسر بود و پدر را ازنظر مصلحت سیاست و اقتضای دیپلماسی کورکرد و وبخاك سیاه نشاند عجیب آنکه این شاه شجاع همیشه دم از اخلاق و تزهد و بی اعتنائی بدنیا میزده و بربی اعتباری دنیا خوب آگاه بوده است.

واقعاً وقتی آدم به‌ازخودگذشتگی های کرمانیان میاندیشدکه بعضی‌از آنها فقط روی خیال و توهم بوده است نه حساب زندگی و سیاست . تعجب بسیار میکنید فی المثل وقتی مخدومشاه مادرشاه شجاع باپهلوان اسد خراسانی نماینده شاه شجاع درکرمان اختلاف حاصل میکنند و طبعاً کرمانیان هم دودسته میشوند (مثل همیشه) پهلوان اسد به مادر شاه بی اعتنائی و بی احترامی میکند خواجه محمدکرمانی (بعلیابادی) از اکابرکرمان پیش مخدومشاه رفته میگوید «اگراشارت شماباشد چاخویان را بگویم‌که قصربرسراوواندازند» واقعاً ادعای عجیبی است روی طینت وفطرت‌کرمانی بودن‌که میخواهد حداعلای فداکاری خود را نشان دهد در حضورجمع ادعا میکندکه میتواند مقنی و برزگرها را دستور دهد تا قصر را برسر اسد خراب کنند.

این ادعا تاحدی شباهت بادعای مرحوم خواجه اسد پاریزی داردکه وقتی ایلات بهارلو (بعد از قتل ناصرالدین شاه) به پاریز وسیرجان هجوم آوردند او قلاع پاریزرا مستحکم‌کرد جوانان بیم آن داشتندکه ذخیرهٔ باروت و سرب آنان تمام شود و خواجه اسداله‌گفته بود (بزنید هرچه میخواهید تیر بزنید اگر سرب تمام شد بجای سرب نقره بشما خواهم دادکه در تفنگ بریزند) باری ادعای شیخ محمد بعلیابادی برای کرمان ارزان تمام نشد زیرا این حرف بگوش پهلوان رسید و بدین سخن کینهٔ پهلوان مستحکم شد و شهر بندکرد و قلاع را مستحکم نمود و مادرشاه شجاع را ازکرمان بیرون‌کرد شاه شجاع لشگری عظیم بکرمان‌کشید و شهر رادر محاصره آورد نه ماه وبیست روزمحاصره

طول کشید وقحطی بدان حد رسید که کرمانیان خارج شهریك من جو بکرمانیان میدادند و یکمن نقره وطلا درازاء آن میستادند و واقعاً اگرخیانت زن پهلوان اسد نبود معلوم نبود چه تعداد از مردم این شهر میبایست ازگرسنگی بمیرند.

خدمات کرمانیان در مشروطیت

بنای مشروطیت که اولین سنگ آن با پوست کندن آقاخان بردسیری و شیخ احمد روحی درباغ شاه تبریز و پرکردن پوست سرازکاه و بتهران فرستادن آن شروع شد. پشت سر آن تبعید مجدالاسلام کرمانی و فداکاریهای ناظم‌الاسلام و ناظم‌الاطباء و بالاخره قضیه بچوب بستن حاج شیخ محمد رضا آیت‌اله کرمانی پیش میآید. همه این فداکاریها قبل از تدوین قانون اساسی است و پس از آن مثل همیشه دیگران به مشروطیت کرمان رسیدند یعنی حکومت کرمان وایالت کرمان هم سالها و حتی تاهمین اواخر بهمین عنوان دراختیار تفنگداران بختیاری بود و اینان مشروطیت خود رااز کرمان میگرفتند.

شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی فرزند آقایوسف از خاندان خاندانقلی بیگ افشار بود(که در زمان نادر کشته شد) مجدالاسلام در۱۲۸۸ قمری متولد و تحصیلات ابتدائی خودرا نزد ناظم‌الاسلام بپایان رسانیددر۱۳۰۸ باصفهان‌رفت ودرآنجا بتأسیس مدرسه‌ای همت گذاشت که متأسفانه بعد از یکی دو ماه در اثر فشار روحانیون بسته شد . چندی بعد ناچاربتهران رفت ودرآنجا بامشروطه خواهان همکاری نزدیك ومؤثرداشت درسال۱۳۲۳ که روحانیون‌در شاه‌عبدالعظیم تحصن جستند.

او بجمع آوری اعانه برای آنها پرداخت‌مجدداً دراثرفعالیت های جدی در اوائل ۱۳۲۴ به کلات تبعید شدولی براثرقیام مشروطه خواهان و صدورفرمان مشروطیت‌بتهران بازگشت او روزنامه‌های ندای وطن. محاکمات. کشکول. الجمال را مدتها منتشر ساخت و مدتها مبارزات مفصل کرد. دراواخر عمر بکرمان بازگشت ومدتی ریاست معارف کرمان راداشت ودر ۱۳۰۶ درکرمان درگذشت و درمحلی موسوم به‌تخت درگاه قلی بیك‌موسوم مدفون است.

در شعر وادب ید طولائی داشته است وآثارزیادی ازاو دردست است‌ازجمله‌سفرنامه کلات تاریخ انقلاب ایران - شهر خاموشان وغیره.

مرحوم میرزا علی اکبرخان ناظم‌الاطباء کرمانی ازاولین افرادی است که درتأسیس مدارس ومکاتب جدیده سعی بلیغ کرده‌اند اوفرزند میرزاحسین طبیب است که درااواخرسال ۱۲۸۲ برحسب امر محمد اسمعیل خان وکیل‌الملك حاکم کرمان بتهران مهاجرت نمود

و در همین وقت تحصیلات طب خودرا در دارالفنون شروع کرد در ۱۲۸٤ طبیب نظامی فوج مهندسی شد در ۱۲۹۰ بریاست مریضخانه دولتی منصوب شد در ۱۲۹۸ از مریضخانه استعفاء و با میرزا حسین خان سپهسالار به مشهد رفت و چندی بعد دوباره بتهران بازگشت در ۱۳۰۳ باصفهان رفت ودرآنجا بیشتر اوقات خودرا بتألیف وترجمه کتب از زبان فرانسه وتدریس طبابت میگذراند بالاخره بطبابت دربار رسید. ازکارهای عجیب او اینکه درزمانیکه مظفرالدین شاه دستخط مشروطیت را صادر کرد. لیکن هنوز امر مشروطیت ناتمام بود طبیب مخصوص سهواً و یا کس دیگری عمداً دوای عوضی به مظفرالدین شاه داده و آن مرحوم را گمان این بود که او را مسموم نموده‌اند. نزدیك بود خیالات مالیخولیائی بسر مظفرالدین شاه افتد که فوراً ناظم‌الاطباء که همه را مبهوت وشاه را مرعوب دید بقیه دوارا (که درفنجان نگاهداشته بودند واگر طبیب آلمانی دیده بود علناً میگفت این دوا سم است یامضر) ناظم‌الاطبا ملتفت شده که هم بعضی درخطرند وهم خیالات موهوم شاه را تلف میکند فوراً بقیه دوا را جرعه به سر کشیده وته فنجانرا با آب خالص شسته و نیز آشامیده وگفت نقلی ندارد دوا مضر نیست بعدازآن به معالجه شاه و خود پرداخته تا تا چندی دیگر شاه را نگاهداشت تاامر مشروطیت مستحکم گردید عجیب اینست که ناظم‌الاطبا این راز رابکسی نگفت وراضی نشد که طبیب نادان ازنان خوردن بازماند اوسربسته در خلوت مضار استبداد ومنافع مشروطیت را به مظفرالدین شاه میرسانید.

ازاو پنج پسر ودو دختر یادگار ماند که میرزا علی اصغرخان مؤدب‌الدوله و سعید نفیسی از جمله آنان میباشند.

گویند روزی که رضاشاه ازکرمان گذشت ودربندرعباس به کشتی نشست روبه‌یارانی که تاپای اسکله همراه آمده بودند کرد وگفت:

(ازقول من به اعلیحضرت شاه (شاه فعلی) بگوئید که کرمان در زمان من بهره کافی ازآبادی نبرده است اعلیحضرت بایدآنرا جبران کند وکرمانیان هنوز چشم براه انجام این توجه هستند و منتظر که عواملی مناسب شود وآب رفته بجوی بازآید).

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفتر مجله اطلاع دهند تا مجله بآدرس جدید آنها فرستاده شود

دفتر مجله

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان



بهر کجا که بود سرو قامتی زیبا
بدانکه سایه آن قامت خرامان است
اگر بطرف چمن یاس یا که یاسمن است
وگر بشاخه گل بلبل خوش الحان است
اگر لاله بروید بکوهسار و بدشت
وگر نرگس و نسرین بباغ و بستان است
هر آنچه هست در عالم ز حسن و زیبائی
همه ز پرتو حسن جمال جانان است
کسیکه نقش کند روی گل رخش در دل
چه اعتناء دگرش بر گل و گلستان است
کسی که قصر محبت بدید و منظر دل
چه حاجتی دیگر او را بکاخ ایوان است
لطیفه‌ایست محبت ز نور یزدانی
دلی که نور محبت در اوست شادان است
خوش آن دلی که بود گرم از محبت دوست
مدام شاد و خوش و خرم درخشان است
بیاد دوست توان رست از غم و اندوه
که یاد دوست شفا و دوا و درمان است

ناتمام

نوشته : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

هفده دی

یا

سالروز آزادی زنان

شادروان رضاشاه بزرگ بسیاری‌از آرمانهای‌نیکخواهان ایرانراز : بنیادگزاری بانگ ملی ـ الغای کاپیتولاسیون ـ یکسان‌کردن رختها و مانند اینها بانجام رسانید که هریك بنوبهٔ خود ما را درشاهراه زندگی فرسنگها پیش برد یکی از آنها موضوع‌حجاب بودکه ازهزارسال پیش بانوان ایران‌گرفتارآن بودند .

از سالهای نخست مشروطه نیکخواهان بزیان روگیری زنان پی‌بردند و در اندیشه برانداختن‌آن بودند ولی چون‌بدخواهان ومفتخواران هرپیشرفتی را بزیان‌خودمیدانستند بنام هواداری ازدین درنگهداری زنها درچادرمیکوشیدند.

پس از روی‌کارآمدن رضاشاه کبیر که دست بدخواهان ازکارها کوتاه شد وحنای‌مفت ـ خواران ازرنگ افتاددرباره زیانهای روگیری‌نویسندگان دلسوزومیهن‌پرست‌درروزنامه‌ها گفتارها نوشتندکه سرآمد آنها شادروان احمد کسروی تبریزی‌بودکه ازیکم آذر ۱۳۱۱ به‌پراکندن مهنامه پیمان آغازکرد وازنخستین شماره‌آن زیرعنوان (خواهران و مادران ما) سود وزیان روگیری زنها را درترازوی خردسنجید وبکسانیکه روگیری وپرده‌داری راپاسبان زن میپنداشتند گفت :

« مابدیده می‌بینیم که زنان ناپاك هم روبند دارند واین حجاب آنان راازنابکاری باز نمیدارد» و همچنین بهواداران روگیری زنهاکه آنرا دستور دین می‌پنداشتند روشن

ساخت که حجاب یا پرده‌داری زنها که پیغمبر اسلام فرموده دو چیز است : یکی آنکه با مردان بیگانه درنیامیزند و دیگر آنکه دربیرون خانه ساده وبی آلایش باشند.

سخنان شادروان کسروی ودیگر هواداران پیشرفت ایران کارخودرا کرد و در دلها جا گرفت وزمینه را آماده ساخت وشادروان رضاشاه که خود نیروی محرکه هر پیشرفت بود ازاین آرمان نیك پشتیبانی کرد تا اینکه درهفده دیماه ۱۳۱۴ درتهران و شهرستانها در آغاز بانوان دانشمند و روشنفکر با خشنودی چادر از سربرداشتند ودرسال ۱۳۱۵ نیز صورت قانونی بخود گرفت وهمگانی گردید واین بند هزارساله بادست شاهنشاه کبیر گشوده شد .

دردهـای اجتماعی را ز راهش چاره کرد

هفده دی پردهٔ جهل زنان را پاره کرد

بـانوان را در شئون زندگی آماده کرد

ارزش ونیروی زن گردید زان پس آشکار

رفته رفته لیاقت بانوان آشکارگردید درهای دانشگاه و بیمارستانها بروی آنان باز شد واز آن تاریخ دوشادوش برادران خودکوشیدند بویژه درکارهای فرهنگی وبهـداشتی بیش ازمردان شایستگی نشاندادند .

اوایل برخی‌ازبانوان هوسران تند رفتند وخودرا مانندهنرپیشه‌های‌سینمامی‌آراستند وبا آرایشهای زننده که زیبنده بانوان آبرومند ایران نبود درکوچه وخیابان نمایان می شدند و بهانه بدست بدخواهان میدادند .

تا اینکه پس ازشهریور ۱۳۲۰ که بدخواهان زمینه رابرای بدخواهی و کینه‌تـوزی آماده دیدندکوشیدندکه دوباره بانوان رابگرفتن رو وادارنداگر چه جز زنان پیر و یا بیسواد دیگران ازروگیری استقبال نکردند ولی چند سالی سنگ راه پیشرفت گردید. از سوی دیگر بانوان دانشمند بخردانه به نبرد پرداختند و شاهنشاه آریامهر نیز در ایـن پیشامدها ازآزادی بانوان پشتیبانی‌کردند تا اینکه انقلاب سفید شاه و مـردم نقشه‌هـای بدخواهان رانقش برآب‌کرد وبانوان در انتخابات مجلس شورا وسنا نیزهمگام‌برادران خود گردیدند .

اکنون که دوشیزگان وبانوان ایران بآرمانهای خود رسیده‌اند امیدمندیم‌همانگونه که در درون خانه بپاکدامنی وپارسائی ووفاداری وخانه‌داری شناخته شده‌اند دربیرون‌از خانه نیز ساده وبی‌آلایش باشند وبرای یاری به‌پیشرفت انقلاب سفید شاه ومردم واقتصاد کشور از خریدن وپوشیدن پارچه‌های بیگانه خودداری‌کنند وپیکر خودرا با پارچه‌های ایرانی بیارایند وبااین‌کار نیك روان رضاشاه بزرگرا شادگردانند .

حبیب‌اله فرازمند

بمناسبت ۲۵ آذر–روز مادر

تنها به تو . . . به تو . . . مادرم ! به تو .

مادر ! ترا به رقص وسوسه‌انگیز شعله‌ها
مادر ! ترا به معبد دلدادگان مهر
مادر ! ترا به ایزدان نگهبان راستی
مادر ! ترا به داور دانا ؟ به اورمزد
مادر ! ترا به آنکه نخستین سرود را :
با نام جاودانهٔ «مزدا» سروده بود
مادر ! ترا به پاک‌ترین یادگار تو :
آئین جاودانهٔ نیکان روزگار –
مادر ! ترا به تو ... به تو ... سوگند میدهم ،
هر لحظه از زمان بیادآر اینکه من :
مهر ترا همیشه بدل جای داده‌ام .
نقش ترا همیشه و هرکجاکه بوده‌ام
تصویر کرده‌ام ،
تعظیم کرده‌ام ،
و ... نیایش که : «مادری»



اینك برای‌تو سوگند میخورم :
بعداز خدا ،
(که تو آموختی بمن :
او آفریدگار هستی هر آفریده‌ایست)
بعد از نیایش وخشور راستین ،
(گز گفته‌های تو آموختم که او :
کیش‌خداپرستی انسان بنا نهاد .)
بعد از اطاعت آئین جاودان ،
(کاین درس عشق به آئین ، هم از تو بود .)
تنها بیاد تست‌که درخواب میروم
هر شامگاه‌که تا خواب بینمت .
تنها بیاد تست‌که بیدار میشوم
هر بامدادکه آغاز زندگی‌است .



بیدار میشوم‌که عاشقانه ستایش‌کنم ترا
زیرا‌که عاشقانه به تو مهر بسته‌ام .
تنها به تو... به تو... مادرم ! به تو .

۲۳ آذرماه ۱۳۴۴

تشکیل مجلس معارفه بمنظور آشنائی باجناب آقای هرمزد تلیارخان وزیر مسکن استان مهاراشترا هندوستان

بمنظور آشنائی با جناب آقـای هرمزد تلیارخان یکی از شخصیتهای سیـاسی و اجتماعی هندوستان ویکی از اعضای هیئت حسن نیت هندوستان انجمن زرتشتیان تهـران ازهمکیشان خود دعوت نمود که روز پنجشنبه ٤٤/۹/۲۵ ساعت سه بعد ازنیمروز در تالار خسروی حضور بهم‌رسانیده وازین شخصیت عالیقدر زرتشتی دیدن نمایند با آنکه فرصت دعوت بسیار اندك بود معهذا عده‌کثیری از همکیشان که ازین خبر اطلاع حاصل نمـوده بودند با اشتیاق وشتاب خودرا بمحل موعود رسانیده وبرای دیدارجناب آقای‌تلیارخان دقایقی رابانتظار گذرانیدند .



مقارن ساعت ۳ وسه‌ربع معزی‌الیه بتالار خسری ورود نمودند . حضار برپاخاسته باکف زدن ممتد ایشانرا بگرمی استقبال نمودند .

تلیارخان بآرامی ازبین جمعیت گذشته وبافروتنی وپاسخ به ادای احترام به پشت میز خطابه قرار گرفتند دراین هنگام حلقه گل زیبائی توسط سرکار بانو مروارید گیو به

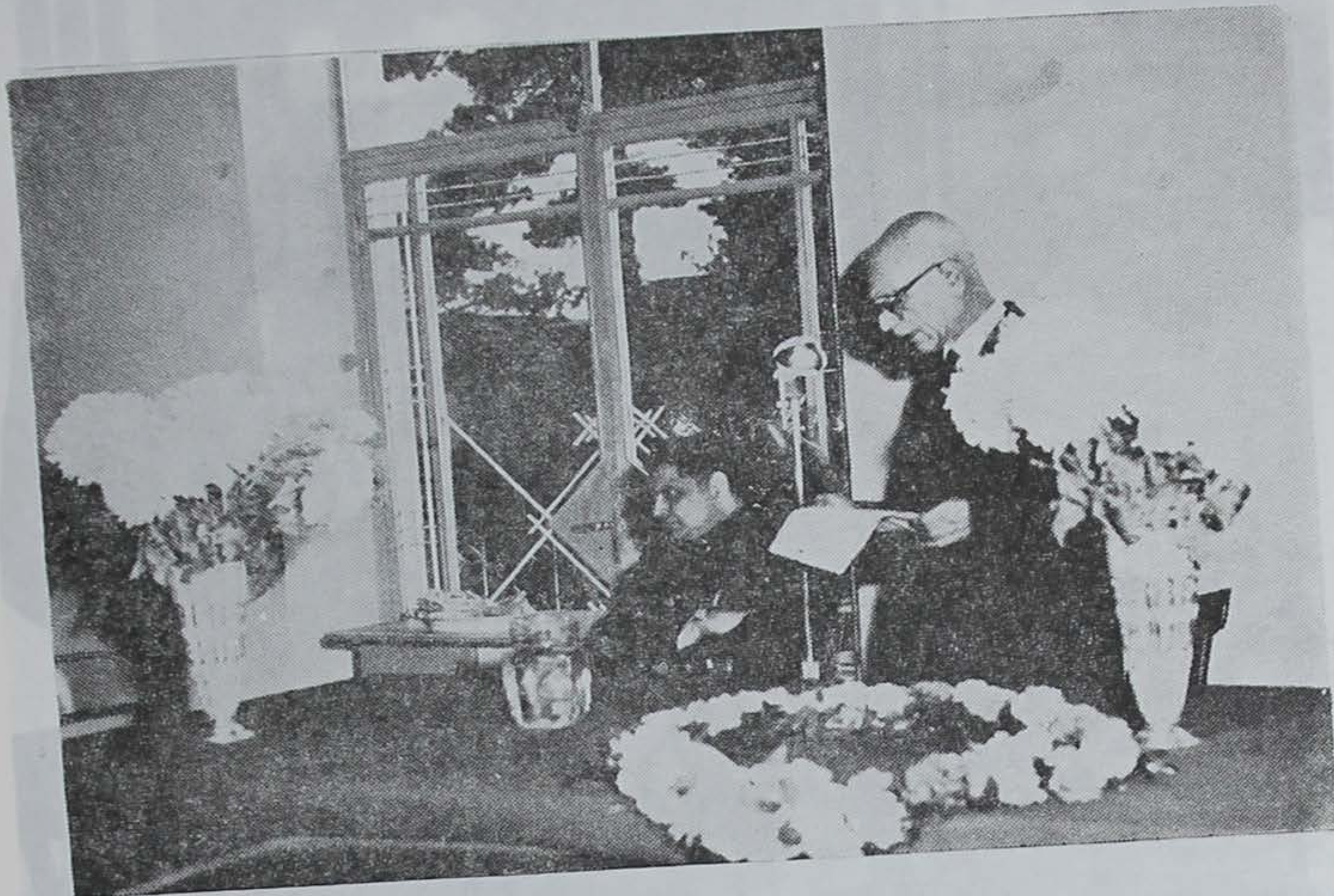
بقیه درصفحه ۵۸



بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس معارفه با جناب آقای هومی (هرمزد) تلیارخان وزیر محترم هندوستان

جناب آقای هومی تلیارخان وزیر محترم هندوستان
بانوان و آقایان ارجمند .

جای بسی خوشوقتی و مسرت است که امروز جناب آقای هومی تلیار خان که از پارسیان عالیمقام و از شخصیتهای برجسته هندوستان هستند دراین مجلس تشریف دارند وحضار گرامی بدیدار وملاقات ایشان نائل میگردند وایشانهم پس از سالیان دراز که آرزوی



زیارت سرزمین مقدس ایران ودیدن زادگاه اجداد ونیاکان نامدار وهمکیشان زرتشتی را داشته واینك نصیبشان گردیده آثار شادمانی برچهره‌شان نمودار است .

اینست که بنده‌بنمایندگی جماعت زرتشتیان ایران ورودشان‌رابخاك مام‌میهن‌صمیمانه تبریك وشادباش عرض مینمایم .

جناب آقای هومی تلیارخان در۴۸ سال‌پیش قدم بعرصه وجودگذاشته و تحصیلات خودرا دردانشگاههای بمبئی ولندن بپایان رسانیده وسالها از اعضای فعال حزب کنگره ملی دربمبئی و سه بار نیز بنمایندگی مجلس قانونگذاری استان بمبئی انتخاب گردیده است .

جناب آقای هومی تلیارخان در ۹ سال پیش همراه یك هیئت حسن نیت بدعوت حضرت پرزیدنت ترومن بایالات متحده امریکا سفر کرده وبعداً بمعاونت پارلمانی ریاست وزراء حکومت استان مهاراشترا که مرکز آن بمبئی است انتخاب شده ودرپنج سال پیش نیز بسمت وزارت بهداشت عمومی انتخاب گردیده است وبعلاوه باسازمانهای مهم فرهنگی واجتماعی دربمبئی نیز همیشه همکاری داشته است.

اخیراً نیز جناب آقای هومی تلیار خان که فعلا در مقام وزارت مسکن ادارات انتشارات وخزانه وجهانگردی استان مهاراشترای بمبئی رانیز تحت نظر دارند از طرف دولت معظم هندوستان باپنج تن دیگر ازشخصیتهای برجسته هند بعنوان هیئت حسن نیت پس ازبازدید ازچندکشور خاورمیانه بتهران تشریف آورده‌اند.

جناب آقای هومی تلیارخان علاوه براینکه همیشه وجود باشخصیت ومفید وخدمت گزار لایق وپرارزشی برای دولت وملت شریف ونجیب هند بوده نسبت بزرتشتیان‌ایرانی بمبئی نیز همواره راهنما ومددکار وخیرخواه بوده‌اند.

ما امیدواریم جناب‌آقای هومی تلیارخان وهمراهان عالیمقامشان‌ازکشورشاهنشاهی ایران باسوابق تاریخی و دوستی‌کهن فیمابین با خاطرات خوش ایران را ترك نموده و درود فراوان وپیام محبت‌آمیز مارا نیز بعموم خواهران وبرادران گرامی پارسی‌هنداعلام دارند.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

سخنرانی جناب آقای هومی تلیارخان در مجلس معارفه انجمن زرتشتیان تهران

سناتور محترم جناب آقای ارباب رستم گیو رئیس انجمن - خانمها و آقایان

از مراتب تجلیل و سخنان محبت آمیز جناب آقای رئیس بسیار سپاسگزارم نه تنها ازطرف پارسیان یعنی زرتشتیان هند بلکه ازسوی عموم اهالی آنجا درود فراوان و سپاس تقدیم میدارم.

من سالها بود آرزوی آن داشتم که از کشور شما وهمکیشان خود دیدن نمایم خوش‌بختانه سعادت یاری نمود که با اعضای هیئت حسن نیت مأموریت آمدن بکشور شما یافته وازدیدار همکیشان خود برخوردار گردم من یقین دارم عده‌ای از شما رابطه مستقیم باکشور هند داشته واگرهم رابطه تجاری واقتصادی نداشته‌اند ازیک پیوند معنوی دیرین



با مردم هند و پارسیان برخوردار بوده‌اند متقابلاهم مردم هندوستان خودرا باشما مردم ایران دوست و برادر میدانند بسیاری ازعادات ورسوم مشترکا ازدوران بسیارقدیم ما بارث داریم واینك نیز یقین است که هردو ملت از این حسن روابط شادمان و در تحکیم آن کوشا هستند.

من ترقیاتی راکه درکشور شما مشاهده نمودم با آنچه که در روزنامه‌ها وگزارشها خوانده‌ام قابل قیاس نیست بحقیقت من شاهد ترقیات شگرفی درکشور شما هستم که برای من تصورش قبلا غیرممکن بود.

آنطوری که من احساس نمودم این ترقیات برق‌آسا مدیون رهبری وحمایت شاهنشاه آریامهر است ودرضمن لازم است تصریح نمایم که استعداد ذاتی وتلاش ملت ایران نیزعامل پذیرش چنین ترقی که درتحت راهنمائی وپیش‌برد شاهنشاه آریا مهر نصیب کشور شما گشته مثمرثمر بوده است.

مسرت دیگری که بمن دست داده آنست که همه شمارا درکوشش و کار خود موفق می‌بینم وهمه را دریك آسایش وشادمانی مساوی مینگرم و باز باید بگویم این کامیابی‌ها مدیون بذل توجه شاهنشاه شماست که همواره ناظر برترقیات این کشور است ومیدانم شما زرتشتیان همواره از عنایات مخصوص شاهنشاه آریا مهر برخوردار هستند چنانچه سایر هم‌میهنان شما هم ازآن موهبت بهره‌مندند.

بسیار شادمانم که زرتشتیان ایران همانند سایر برادران خود شهرت نیکی را در جهان برای خود حفظ نموده ودرنتیجه انجام خدمات اجتماعی ونیکوکاری مورد احترام هستند دراینجا نیز می‌بینم ومیشنوم که چه درتهران وچه در یزد وچه در کرمان خصایـل ذاتی خودرا حفظ نموده در خیرخواهی پیوسته حسن نیت از خود نشان میدهند همانطور که شما برای کشور خود مردمان مفید هستید ما پارسیان نیز درهندوستان خدمات‌شایان توجهی دررشته‌های مختلف انجام داده ایم که ازقدردانی وتوجه مخصوص مردم هندوستان برخورداریم و ازاینطریق روابط صمیمانه خودرا باسایر مردم و اهالی هند تضمین نموده همانگونه‌که بین زرتشتیان ایران وپارسیان هندوستان این‌صمیمیت برقرار است ماپارسیان یا بهتر بگویم زرتشتیان مقیم هندوستان نه‌تنها در رشته مختلف خدمات اجتماعی از قبیل فرهنگ وهنر و بهبود بخشیدن اوضاع عمومی موفقیت داشته‌ایم بلکه قسمت اعظم صنعت و اقتصاد هند را پایه‌گذار بوده ووظیفه اساسی رابرعهده داشته وداریم

خدمات ما محدود بطبقه پارسی نبوده بلکه بادید وسیعتری نسبت بسایر هم میهنان خود گسترش داشته است.

با آنکه مازرتشتیان از حیث تعداد درجهان زیاد نیستیم معهذا از هرکشوری که دیدن نمودم توانستم عده‌ای ازهمکیشان خودرا ملاقات نمایم البته در ایران تعداد قابل توجهی هستندکه شنیدن ودیدن موفقیتهای آنها مرا خوشحال میسازد .

دیروزکه تأسیسات ومؤسسات فرهنگی- درمانی واجتماعی انجمن شما رادیدم بسیار برای من افتخار آمیز بود و من خوشوقت شدم که نه‌تنها این مؤسسات مورد استفاده زرتشتیان است بلکه می‌بینم که همه هم‌میهنان شماازآن بهره برمیگیرند اینهانتیجه‌تعالیم عالیه مذهبی ماست که همه زرتشتیان جهان از آن پیروی نموده و خوشبختانه سرمشق زندگانی آنها قراردارد.

درتمام این فعالیت‌ها بمن ثابت شدکه شما لیاقت و شایستگی آنرا دارید که مقام ارزنده‌ای را دراجتماع بدست آورید یقیناً بااین روش نیکوکارانه خداوند هم‌یارومددکار شما خواهد بود وهمین رویه است که توانسته‌اید قرنها خودرا حفظ واحترام دیگران را بخود جلب نمائید واینک نیز از حمایت شاهنشاه خود برخوردار باشید اینها همه نتیجه خدمات صادقانه شماست و با این تدبیر پیشرفتهای بیشتری نصیب شما خواهد گشت .

قرار است روز شنبه افتخار شرفیابی بحضور شاهنشاه آریامهر نصیب هیئت‌حسن‌نیت شود در آن‌موقعیت نیکو هدف هیئت‌که خدمت بتحکیم مبانی دوستی بین دوکشور است بعرض خواهد رسید .

دوستی ایران وهند سوابق قدیمی دارد از اینجهت هیئت‌اطمینان داردکه‌این‌دوستی را تحکیم بخشیده ووظیفه‌ای که برعهده گرفته باکمال صداقت انجام خواهد داد . اصولا مردم هند صلحدوست و از تعالیم رهبری چون گاندی برخوردارند که صلح وصفا رابرای همه مردم جهان خواستار بود و آنرا با ایمان‌کامل بجهانیان آموخت روانشاد نهرو نیز پیرو همین مکتب بود وبرای تأمین‌صلح درجهان میکوشید.

اینک بانهایت مسرت وایمان کامل بعرض میرسانم‌که شاهنشاه خردمند شماهم در جهان به صلح‌خواهی شهرت نیک یافته ودر تأمین وبرقراری آن‌همواره‌کوشیده وحسن‌نیت خود را نشان داده است‌برای‌ما مسلم است‌که مقصود ماهم مورد حمایت معظم‌الیه خواهد بود .

هند آرزومند است‌که باهمسایگان خود وبالاخص با پاکستان عوالم صلح و دوستی داشته باشد ویقیناً این مراتب تأمین خواهدگشت ما درجهان برای صلح وحفظ استقلال خود تلاش میکنیم و تحقق این آرزو را برای همه ازخداوند خواستاریم.

درکشور هند برای تمام طبقات ومذاهب مساوات تأمین است وهیچگونه محدودیتی

برای کسی قائل نیستیم کما اینکه پنجاه میلیون مسلمان درهندوستان که بعداز کشوراندونزی و پاکستان جمعیت قابل توجهی هستند باکمال آزادی و برابری زندگی میکنند و بدون هیچگونه امتیازی نسبت بدیگران ازآسایش برخوردارند.

مسلمانان هندوستان نیز همانند سایر هممیهنان خود آرزومند سربلندی هند بوده داشتن روابط صمیمانه با تمام ملل جزء آرمان آنهاست وبارها ازدولت پاکستان درخواست نموده‌اند که روابط صمیمانه خودرا با هند توسعه بخشند دولت وملت هند نیز آرزومندندکه که با تمام دول وخاصه باپاکستان درصلح وصفا بسر برند.

ما همواره آزادمنشی وحسن‌نیت خود را بجهانیان نشان داده و اینك نیز امیدواریم ملاقاتی که در آینده نزدیکی بین سران دوکشور در تاشکند دست میدهد سوء تفاهمات موجود رفع ودوستی جایگزین آن گردد.

ماهر دوملت هند وپاکستان درعالم صنعت و اقتصاد درحال توسعه و آغاز امر قرار داریم وبیش ازهمه بصلح وآرامش نیازمندیم ویقیناً توفیق هردوملت مدیون برنامه ریزی صنعتی واقتصادی صحیح است که با همکاری مقدور خواهد بود همانگونه که درکشور شما عمل شده و به نتیجه نیکوئی سرانجام یافته است و با اینطریق ترقی سطح زندگانی برای مردم کشور تحقق یافته است.

بعقیده من ایجاد حسن تفاهم بین کشورها تنها ازطریق سیاسی مقدور نیست بلکه‌از طریق مبادلات تجاری - فرهنگی - هنری - ورزشی - توریستی ودید وبازدیدهای‌سیاسی بهتر تأمین میگردد.

در این دوروزه ملاقاتهائی که هیئت بامقامات اقتصادی - بازرگانی و صنعتی داشت همه را علاقمند بتوسعه روابط دیدیم شما زرتشتیان نیز که از دیرزمان روابط اقتصادی‌باما داشته‌اید اینك نیز میتوانید نقش مهمی را درتحکیم آن داشته باشید.

قبل ازاینکه بمطالب خود پایان بخشم باید بگویم که دیدار شما همکیشان برای من بسیار لذت‌بخش بود واز این‌همه عنایتی که جناب آقای رئیس در ضمن بیانات خود نسبت بمن ابراز فرموده وهمچنین ازدیگر اعضای انجمن و بانوان و آقایان حاضر در مجلس سپاسگزارم آرزوی قلبی من آن بودکه فرصت بیشتری برای دیدار همکیشان یزد وکرمان داشته باشم اینك که اشتیاق تحقق نیافت امیدوارم درآینده فرصت نیکوتری‌نصیب من گردد.

باردیگر باسپاسگزاری ازهمه همکیشان بسخنان خودپایان میبخشم.

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن زرتشتیان تهران در پاسخ به بیانات جناب آقای هومی (هرمزد) تلیارخان وزیر محترم هندوستان و عضو هیئت حسن نیت هند اعزامی بایران

جناب آقای هومی تلیار خان من ازطرف خود وحضار محترم ازشنیدن بیانات شیوا وآموزنده جنابعالی صمیمانه سپاسگزاری مینمایم.

بطوریکه از چهره فردفرد بانوان و آقایان مشهود است همگی از دیدار جنابعالی مسرت خاطردارند و درخود احساس غرور و افتخار مینمایند.

بااین فرصت کم مقدور نبود که بتوانیم تمام همکیشان خود را برای حضور در این مجلس باخبرسازیم تادراین مسرت همگانی شرکت جویند و یقیناً ازاین توفیقی که نیافته‌اند متأسفند همچنین زرتشتیان یزدوکرمان که انتظار واشتیاق فراوان بدیدارشما دارند متأثر خواهند گشت اما امید است همانطورکه وعده فرمودید در آتیه نزدیکی با فرصت بیشتر بکشور ماآمده ازتخت جمشید، ویزدوکرمان و سایرنقاط دیدنی و دیگرهمکیشان مادیدن نمائید این موجب افتخار ماست که بازدیـد از مؤسسات اجتماعی ما جنابعالی را مسرور داشته است بحقیقت باید بگوییم که پارسیان هندوستان نخستین پایه گذار آن بوده‌اند ولی زرتشتیان ایران نیز بـا شایستگی ذاتـی خود بر آن افزوده و بصورت مدرن و کاملترو امروزی بوجود آورده‌اند ما میدانیم که شما پارسیان در هندوستان این خدمت را بنحو بزرگترو وسیعتر انجام داده‌اید که در حقیقت موجب اعجاب تمام مردم جهان است من نیز دردو سال پیش هنگام شرکت در دومین کنگره جهانی زرتشتیان شاهد عظمت آن بودم ودر برابر آنهمه تأسیسات بحیرت افتادم وبا این طریق رازعزت واحترام شما را در میان جمعیت کثیر هند دریافتم.

خوشبختانه زرتشتیان ایران **از آغاز دوره پرافتخار پهلوی** که فرصت ابراز لیاقت یافته آنچنان در ایـن میدان کوشیدند که امروز ما دارای عـده قابل توجهی از افراد تحصیلکرده و دانشمند دررشته‌های مختلف پزشکی مهندسی ومعماری ـعلمی وادبی

بقیه در صفحه ۵۹

از : دارا نورافروز کرمانی

مهر مادر



من اگر مهر پرستم تومکن منع دلم
که سرشتند باین مهر همه آب و گلم
شهرهٔ شهر بد از روز ازل تا به ابد
مهر مادر که من اورا بجهانی نهلم
همه خوئی نه بنام است چو این قدسی خوی

☆☆☆

گوهر کان عزیزان جهان مادر هست
یار و دلدار همه عالمیان مادر هست
کس درین پایه واین رتبه بپایش نرسد
وانکه عمر یست دوچشمش نگران مادر هست
همه روئی نه گرام است چو این قدسی روی

عشق میورزد و پروانه صفت میبازد
جان شیرین زبس اوسوزدوهم میسازد
دل پرخون وی ازلاله حمرا بدراست
داغ این لاله شررها بجهان اندازد
همه مشکی نه چو این لاله بود قدسی بوی

☆☆☆

کلك بی قدرت من قادر توصیفش نیست
کی توان گفت که این موهبت علوی چیست
فقط اینقدر توان گفت که ای دوست فقط
یار مطلق به جهان خواهی اگرجز او نیست
زیر پایش همه جنت بود ای قدسی جوی

نامه‌های رسیده

نامه‌ای از آقای خسرو فریدون وخشوری بدفتر مجله رسیده که درآن ازدومطلب بحث نموده است :

نخست راجع بنامه آقای مژگانی که‌راجع بروش دفن نگاشته ایرادگرفته وببرخی نوشته‌ها هم استناد نموده‌اند .

چون یادآوری آقای وخشوری از احساسات مذهب‌خواهی سرچشمه گرفته وناشی‌از علاقه برسوم وعادات تحمیلی گذشتگان است بنابرین باید آنرا قابل احترام دانست امـا درعین حال لازم است توجه داشته باشندکه مذهب زرتشت وتعالیم این‌پیامبر بزرگ‌بر‌پایه خرد و اندیشه نهاده شده است و ازاینجهت دانشمندان جهان آنرا مذهب تعقلی دانسته‌اند نه تعبدی ـ چنانچه درسراسر گاتاهاهم پیروی از اندیشه نیك وخرد پاك پرمـان رفته و بدوری ازآنچه‌که خردپسند نباشد دستور صریح داده شده است وازطرف دیگر چون این مذهب یك آئین جهانی وجاودانی است ـ تغییر وتائید رسوم وعادات ویابزبان دیگرفروع دین بدست بزرگان و خردمندان وقت سپرده شده تابا مقتضیات زمان‌ومکان‌عادات ورسوم رامنطبق با اصول مذهب برقراردارند.

بنابراین آنچه‌که غیر قابل تغییر میباشد اصول مذهب است یعنـی اندیشه نیك ـ گفتارنیك ـ کردارنیك وهمانندآن وبسیاری از تعالیم اصولی دیگرکه ذکر آن در اینجا سخن رابدرازاخواهدکشید . درهرحال چنانچه رویه غیرازین‌باشد بمفهوم حقیقی مذهب عمل نشده است .

مطلب دوم آقای وخشوری راجع بآئین شادی و شادمانی درمذهب زرتشتی است‌که درنامه خود یادآور شده ومورد تائید ایشان است ـ این حقیقتی است مسلم ونیازباستدلال ندارد وآنچه هم انجمن محترم زرتشتیان‌تهران‌راجع بروزهای پرسه‌داری دراطلاعیه‌خود یادآورشده‌اند برمطالعات دقیق دانشمندان جماعت متکی بوده وازاصول خردپسندی که‌از تعالیم مسلم اشوزرتشت سرچشمه گرفته پیروی شده است .

نامه دوم

از دوشیزه شهناز سروش رسیده که درآن پرسیده‌اند (تعداد آتشکده‌هائی کـه در ایران ساخته شده چندبوده واکنون چه آثاری ازآنها باقی میباشد ودرصورت امکان نام ده آذرکده راخواسته‌اند)

هوخت - در زمان ساسانیان وپیش ازآن درهرشهر وده آتشکده‌ای برپا بوده که آثار بسیاری ازآن درکشور وبخصوص در استان فارس هنوز باقیست ودرکتابهائیکه راجع باآثار باستانی نوشته شده بانشانی ازآن ذکر شده است اما معروفترین آتشکده‌های باستانی که در تاریخ ازآن باحترام یاد شده عبارتند از :

آتشکده آذرگشسب در آذربایجان - آتشکده آذرفرنبغ درکاریان فارس- آتشکده آذربرزین مهر درخراسان . ازآنگذشته درکتاب مورخین بنام آتشکده‌های دیگر هم برمیخوریم که از اینقرارند :

۱- آذرنوش ۲-آذربهرام ۳-آذرآئین ٤- آذرزرتشت ۵- آذرآباد ۶ - رام برزین ۷ - خورداد به ۸- آتش کوشید ۹- آتش توس ۱۰- آتشکده بارا ۱۱- سروش آذران ۱۲- آتشکده بومپیر ۱۳- آتشکده بومجوان ۱٤- کی‌اردشیر آتشکده ۱۵- آتشکده پشاور ۱۶- آتشکده کنگ دژ ۱۷ - ارجان ۱۸ -نیشابور ۱۹ -نسا ۲۰ - اسپینا ۲۱- آز خدا ۲۲ - مهرنرسی ۲۳- هزابند - ۲٤ استیناس ۲۵ - استخر ۲۶ - نیاسرکاسان ۲۷ - پارسا گرد ۲۸ - آتشکده شاپور ۲۹ - همچنین آتشگاه معروف باکوراکه هنوزهم آثارآن باقیمانده میتوان نام برد.

ضمناً باید درنظر داشت که دردوران باستان پیشاپیش سپاهیان ارابه‌ای که در آن مجمری ازآتش فروزان قرارداشته وآنرا نماینده قدرت شاهنشاه میدانسته‌اند در حرکت بوده واین مجمر فروزان پس ازفتح‌وغلبه برهر شهر وکشوری بابنای‌مخصوصی(آتشکده) درآنجا مستقر میداشته‌اند چنانچه در بسیاری ازکشورهای انیران (غیرایرانی) آثار آن کشف شده است وگاهی هم بنام معبد مهر که همان درب مهرباشد خوانده‌اند . این سنت هم اکنون هم در مراسم ورزشهای بین‌المللی المپیا پیروی شده وآتش‌مخصوص ازآتن‌حمل ودرمیدان ورزشی مستقر میگردد.

این بود اندکی از آنچه‌که درکتابهای بسیار یاد شده و امید است دانشمندان و نویسندگان محقق کمر همت بربسته تاریخچه آتسکده‌ها را بتفصیل گردآوری وکاری که‌تا بحال نشده بسرانجام نیك رساند .

نامه سوم

بامضای‌یکنفر ناشناس زرتشتی رسیده که بعلت‌ناشناس بودن امضای نویسنده ازانعکاس آن خودداری میشود اما درضمن ازمراجع واجد صلاحیت برای تحقیق ارسال ودرصورت تحقق واقتضا نتیجه رامنعکس واقدام لازم مبذول‌خواهد شد.

شماره ۱۰۴۹
تاریخ ۴۴/۹/۲۲

انجمن آثار ملی

اداره مجله گرامی هوخت

مقاله دانشمند گرامی جناب آقای اردشیر جهانیان در بارهٔ کتاب اقلیم پارس که در شمارهٔ ۹ آذرماه ۱۳۴۴ درج گردیده طی آن شرح بسیار جامع وشیوائی راجع بآثار تاریخی گرانقدر ونفیس ایران مرقوم رفته ضمناً نسبت بهانجمن آثار ملی و مؤلف کتاب نامبرده ابراز لطف فراوان فرموده بودند ملاحظه وموجب نهایت سپاسگزاری گردید.

یقین دارد اینگونه عنایات وتشویق وتوجه بهرگونه خدمت مربوط بآثار باستانی و یادگارهای تاریخی در امر تعمیر ونگهداری وپاسداری آنها ودلگرمی کسانی که بدینگونه وظائف ملی اشتغال و دل خوش دارند بیش از پیش مؤثر بوده امیدواری به ادای حق شایسته‌تر مفاخر فرهنگی ایران ومیراث معنوی این مرز و بوم را بسی افزایش خواهد داد.

پیوسته مزید توفیق نویسندگان محترم وکارکنان ارجمند آن مجله گرامی را از پروردگار بزرگ مسئلت مینماید.

رئیس هیئت مدیره

سپهبد آق‌اولی

هوخت - از این‌همه عنایت‌وموهبتی که نسبت بنویسندگان این مجله ابراز فرموده‌اند بی‌نهایت سپاسگزار است وتوفیق همه خدمتگزاران به شاه ومیهن را ازدرگاه اهورامزدا خواستار است.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هرماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویاچاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهند وهمچنین آنهائیکه مایل باشتراک مجله هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خودرا اطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

پاکمردان یا پیامبران



برتری داده به انسان با «روان» پروردگار
کرده او را با «خرد» دارای ارج و اعتبار

آدمی شد آفریده واجد «جان» و «روان»
داده شد روز نخست اندر کف او اختیار

پستی وخودخواهی وآز و ستم از جان بود
هر زمان اندیشهٔ نیك از روان شد استوار

سنجش هر نیك و بد اندر جهان شد با خرد
بر خردها پاکمردان گشته‌اند آموزگار

کشور ایران کزو برخاسته (زرتشت) پاك
گشته‌اند ایرانیان ز آیین پاکش رستگار

گفت او من می‌ستایم راستی را در جهان
می‌ستایم همچنان مرد و زن پرهیزکار

او نخستین رهبر یکتا پرستی بوده است
نام او تاریخ ایران را نشان افتخار

خواند (موسا) قوم اسرائیل بر دین پاك
گشته از فرمان دهگانه کلیمی کامکار

بقیه در شماره آینده

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای مهندس کیخسرو اهورائی فرزند آقای موبد بهمن بادوشیزه بهدخت سلامت دخت آقای خدارحم در ۴۴/۹/۳

۲ - آقای خدارحم پور بمانی چم فرزند بهرام بادوشیزه فیروزه نوشیروانی چم دخت آقای بهرام در ۴۴/۹/۱۲

۳ - سرکار ستوان یکم پرویز ماندگاران فرزند آقای کیخسرو با دوشیزه همایون مهرانی دخت آقای مهندس خسرو مهرانی در ۴۴/۹/۱۸

سدره پوشی

۱ - آقای کامبیز بهرام فروغی در ۴۴/۹/۶ ازطرف خودشان درمنزل

۲ - دوشیزه مهیندخت اردشیر خادمی در ۴۴/۹/۱۲ ازطرف آقای فریدون ابن فریدونیان درمنزل

۳ - آقای شاپور شهریار اهورائی زاده در ۴۴/۹/۱۲ ازطرف آقای فریدون ابن فریدونیان درمنزل

درگذشتگان

۱ - روانشاد گشتاسب بهرام کیوانـی در ۴۴/۸/۲۵

۲ - روانشاد خداداد بمان پارسائی یزدی در ۴۴/۹/۱۱

۳ - روانشاد گوهر بامس فـرهنگ نژاد در ۴۴/۹/۱۹

۴ - روانشاد ظهراب جمشید خسروپور در ۴۴/۹/۲۱ از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد باد.

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ - آقای ارباب مهربان مهروزیاد ۷۰۰ ریال

۲ - آقای ارباب مهربان منشنی ۴۰۰ ریال

۳ - « گشتاسب حافظی ۴۰۰ «

۴ - خانواده کاجی ۳۰۰ «

۵ - بانو سهرابی ۲۵۰ «

۶ - خانواده کیوانی ۲۰۰ «

۷ - آقای رستم ستوده نیا ۲۰۰ «

۸ - خانواده روانشاد گوهر رشید ۵۰ «

جمع ۲۵۰۰ «

دهش خیراندیشان

۱ - توسط آقای ارباب خدامراد ایدون دهش سرکار بانو هماایدون برای مصرف خیریه ۵۰۰۰۰ ریال

۲ - سرکار بانولعل نوذر جمشیدیان به‌مناسبت سرسال روانشادان پدر و مادر گرامیشان برای کمك به نیازمندان ۱۰۰۰۰ ریال

۳ - آقای ارباب هرمزدتیمساری بمناسبت سرسال روانشاد شیرین مهربان تیمساری مادر گرامیشان برای کمك به نیازمندان ۳۰۰۰ ریال

جمع ۶۳۰۰۰ «

دهش خیراندیشان اثاثیه

دهش آقای شاپور مهرشاهی بنامگانه‌شاد روان ارباب برزوشاپور پدر گرامیشان نیاز آدریان میز آهنی یکدانه

۲ - دهش پریچهر ارباب مهربان فرین نیاز آدریان دیك آلمینیوم ۱ دانه

۳- دهش دولت خانم گیو نیاز آدریان فنجان چینی چایخوری یکدست ایضاً کارد آشپزخانه ۶ دانه .

۳ - دهش تاج خانم رشیدی بنامگانه روانشاد هرمزان برزو رشیدی نیاز آدریان سماور نفتی یکدانه

۵ - آقای بهرام رستمی بنامگانه روانشاد شاپور رستمی عصرآبادی نیاز کاخ فیروزه دولچه مسی یکعدد

۶ - آقای خداداد خدابخش راحت آبادی نیاز شاهورهرام ایزد سماور نفتی یکعدد

۷ - دهش گل بانوخانم سفرنگ نیاز شا ورهرام ایزد چراغ مهتابی بزرگ یکعدد

۸ - دهش آقای تیرداد سروشیان نیا شاهورهرام ایزد بشقاب مسی ۳ دانه

شاهورهرام ایزد

۱ - آقای ایدلجی ایدلجی ۲۵۰ ریال

۲ - « شاهبهرام ستوده ۲۰۰ «

۳ - « رستم کسرائی ۱۵۰ «

۴ - بانو همایون مزدائی ۱۵۰ «

۵ - آقای هرمزدیار تیمساری ۱۰۰ «

۶ - آقایان بهرام انوشه - کیخسرو خوشرو رشید فرامرزیان - جاماسب فره‌وشی جمعاً ۱۸۰ «

جمع ۱۰۳۰ «

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای مهندس کیخسرو اهورائی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای خدارحم پوربمانی جم بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال

۳ - سرکار ستوان یکم پرویز ماندگاریان ۱۵۰۰ ریال

جمع ۴۵۰۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱ - وراث روانشاد گشتاسب بهرام کیوانی ۳۰۰ ریال

۲ - وراث روانشاد خداداد بمان پارسائی ۲۰۰ ریال

۳ ـ وراث روانشاد کیخسرو رشید کیخان زاده ۲۰۰ ریال

۴ ـ وراث روانشاد گوهر فرهنگ نژاد ۲۰۰ ریال

۵ ـ وراث روانشاد ظهراب خسروپور ۲۰۰ ریال

جمع ۱۱۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۷۸۶ نفر
« دندانپزشکی	۱۸۶ «
« داروخانه	۵۳۲ «
« آزمایشگاه	۱۱۱ «
« تزریقات و پانسمان	۳۹۶ «
« بخور پنیسیلینی	۱۰ «
« دیاترمی	۶ «
واکسن و باتزریق شده	۱۸۶ نفر
جمع	۲۲۱۳ نفر

شرکت محترم نسبی فرهنگی وشرکاء برای مصرف بیماران بی‌بضاعت تعدادیکصدعددپنسیلین بدرمانگاه یگانگی اهداء نموده است.

یزد

از : آقای نسیمی

سدره‌پوشی

۱ ـ روز انارام ایزد وشهریورماه برابر ۲۴ شهریورماه ۴۴ بمناسبت سر سال روانشاد ارباب رستم خدایار خدایاری

آقایان رستم‌میدوزرمگاه فرزند شهریار و هرمزدیار جوانمردی فرزند رستم سدره پوش شدند.

۲ ـ روز آذرایزد وآذرماه برابر۳ آذر ماه ۴۴ بمناسبت سرسال روانشادبانو آزرمیدخت رستم کی‌نژاد رئیس سابق جلسه بانوان زرتشتی یزد :

دوشیزگان سرور سیوشانسی فرزند کاوس و پوران سیوشانسی فرزندکاوس سدره‌پوش شدند.

۳ ـ روزگوش ایزد وآذرماه برابر۸آذر ۴۴ آقای هرمزدیار اردشیر خورشیدیان بمناسبت سرسال روانشادمادرشان‌سلطان رشید. فرزندشان رشید خورشیدیان را سدره پوش کردند.

۴ ـ روز دی بمهر ایزد و آذرماه برابر ۹ آذرماه ۴۴ بمناسبت سرسال روانشاد ارباب سهراب رستم کیانیان رئیس‌سابق‌انجمن زرتشتیان یزد ـ آقایان رشید ماوندادی فرزند کیخسرو ـ اسفندیار غریب شاهی فرزند خداداد ـ جهانگیر فرودی فرزند شهریار سدره پوشی شدند

۵ ـ روز زامیاد ایزد وآذرماه برابر۲۲ آذرماه ۴۴ بمناسبت سرسال روانشادارباب‌جمشید پرریز پرویزیان : آقایان گشتاسب خاوریان فرزندخدارحم وخدامرادکاجیان فرزندگشتاسب سدره پوش شدند.

انتخاب هیئت مدیره

روز آدینه ۵ آذرماه ۴۴ انتخاب دوازده نفر اعضای هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی یزد بعمل آمد و درنتیجه آقایان زیر انتخاب شدند.

فریبرز نسیمی رئیس

شهریار خدایاری نایب رئیس

هرمزدیار خورشیدیان - صندوقدار و حسابدار

جمشید رشید رهبر امور مالی

مهندس سیروس دیانت مدیر داخلی باشگاه

مهندس باستانی مدیر دفتر و کتابخانه

شاهبهرام کیانیان بازرس

فریدون گشتاسبی مربی زیبائی اندام وهالتر

سهراب نیکجو بازرس

رستم امانت بازرس

مهندس بهرام پیمان مدیر قسمت نمایش و موسیقی

کیخسرو مدامی بازرس

دهش خیراندیشان

آقای دکتر مهربان شهروینی درماه گذشته مبلغ هزارریال ببودجه سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد کمك نمودند که موجب سپاسمندی است.

مجلس جشن و مسابقات در سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد

روز دهم آذرماه ٤٤ ازساعت ٤/٥ مجلس جشن در سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد برپا بود وجناب آقای فرماندار محترم و نماینده محترم وزارت اطلاعات - رئیس محترم اداره کل آموزش و پرورش - کفیل محترم شهربانی- رئیس محترم کشاورزی - معاون محترم فرمانداری و عده‌ای ازشخصیت‌های فرهنگی و اداری و بانوان وآقایان زرتشتی حضور داشتند.

برنامه جشن عبارت بوداز سرود شاهنشاهی خیرمقدم و گزارش توسط آقای نسیمی - مسابقات بسکتبال و پینگ پنگ - نمایش فیلم شاهنشاه آریا مهر - بازدید جناب آقای فرماندار وجناب



آقای رئیس آموزش وپرورش واعضاء انجمن تربیت بدنی ازسالنهای زیبائی اندام - هالتر - پینگ پنگ - دفتر - کتابخانه وسالن نیمه‌تمام جماعتی هنگام بازدیدازسالن جماعتی جناب آقای فرماندار سئوال نمودند که چرا سالن نیمه‌تمام مانده است آقای نسیمی درجواب بعرض رساندند که بودجه ساختمان سالن تمام شده است و برای تکمیل آن درمواقع مقتضی بخیراندیشان مراجعه میکنیم ولی هنوز به‌نتیجه‌ای نرسیده‌ایم . ازخـداوند متعال آرزومندیم که دستی از غیب بیرون آیـد و کاری بکند .

سالن نیمه تمام

سالن جماعتی بطول ۲۹/۷۰ متر بعرض ۱۲ متر که با اعانه خیراندیشان ارجمند به پای سقف رسیده سه چهارسال است که نیمه تمام‌مانده است و باوجود احتیاجات‌فراوان که بمحل بزرك اجتماعی داریم هنوزاین سالن‌نتوانسته است‌برای جماعت مورد استفاده باشد.

برای تکمیل ودکوراسیون‌این‌سالن بودجهٔ در حدود پنجاه‌هزارتومان بـرآورده شده است که ازسروران ونیك‌پنداران جماعت انتظارمیرود که محل زرتشتی‌نشین راتنهاتهران‌تصورنفرمایند ونظر مساعدت واندیشه‌کمك خود را به یـزد و جوانان یزد نیز معطوف دارند وفرزندان وهم‌کیشان‌عزیزخودراکه راضی‌نشده‌اندیانتوانسته‌اند یزد را ترك‌کنندبادست عطوفت وکیسه فتوت‌خود نوازش فرمایند و بدانندکه زرتشیان یزدهم حق حیات داشته و آرزو دارندکه سالن سرپـوشیده مجهز داشته باشند تا مواقع برگذاری جشن‌ها واجتماعات ومجالس سخنرانی مجبورنباشندگاهی پوشهای حسینیه‌هاراکرایه‌کنند وزمانی‌ازسالنهای کوچك آموزشگاهها استفاده نمایند.

جشن فرشتگان در سالن آموزشگاه دخترانه مارکار

روزشانزدهم آذرماه ٤٤ درسالن‌آموزشگاه دخترانه مارکار یزد ازساعت ٤/٥ بعدازظهر به مناسبت سیزدهمین سال نهضت نوین پیش‌آهنگی ایران مجلس جشن وسخنرانی ونمایش درحضور جناب آقای فرماندار و بانو وجناب آقای‌رئیس کل‌آموزش وپرورش وعده زیادی ازفرهنگیان و آقایان وبانوان زرتشتی برگزارشد .

جناب آقای فرماندار و آقای رئیس کـل آموزش وپرورش بیانات جالبی ایراد وطی‌آن‌از جماعت‌زرتشتیان‌وفعالیت‌های فرهنگی‌آنان‌تعریف وتحسین نمودند.

این جشن باسرود شاهنشاهی آغازگردید بانو سیمین نسیمی خیر مقدم‌گفت- نمایش قشنگی اجرا شد - جناب‌آقای‌فرماندار‌بگردن‌فرشتگان دستمال گردن‌بستند - پیش‌پرده‌های جالبی‌خوانده شد - پذیرائی بعمل آمد - آقای سروش‌لهراسب سرپرست مؤسسات مـارکار - آقای لسانی رئیس پیش‌آهنگی یزد دوشیزه خورشید چهر دستانیان قهرمان فرشتگان وآقای خدایاری دبـیر انجمن خانه ومدرسه سخنرانی نمودند.

گشایش آرامگاه زرتشتیان یزد

روزچهارم آذرماه ٤٤ آرامگاه‌زرتشتیان یزدگشایش یافت وبانومروارید شهریارجمشیدی

بلندی در آرامگاه دفن گردید ،

آرامگاه تا اینروز برای دفن درگذشتگان آمادگی نداشت .

درنتیجه فعالیت‌ها وزحمات وآمدوشدهای آقایان شهریار خدایاری ـ شاه‌بهرام کیانیان ـ بهمن عدالت وسروش نارنجی که تاپاسی از شب گذشته بطول کشیدتا آرامگاه برای دفن آمادگی پیدا کرد .

روز هیجدهم آذرماه ٤٤ کودك خردسال دوشیزه سرور شهریاری فرزند آقای دکتر شیر مرد شهریاری درآنجا دفن گردید .

روز ۱۹ آذر ماه ٤٤ بانو گلچهر دیانت، فرزند خدایار شاه‌کاوسی درآرامگاه‌مزبور دفن گردید .

دفن درگذشتگان نامبرده بالا طی مراسم مخصوص وباخواندن اوستای روان‌ونثاردسته‌های گل از طرف رئیس انجمن زرتشتیان یزد و منسوبان درگذشتگان انجام گرفت .

بایددانست که آرامگاه زرتشتیان یزدسالن ندارد ـ ساختمانی برای اوستا خواندن و انجام مراسم ندارد ـ درختکاری و آب ندارد ـ خانه برای مستحفظ ندارد .

اعانه خیراندیشان که برای آرامگاه پرداخته‌اند بمصرف‌دیوار اطراف‌ودر بهای‌ورودی وساختمان پاکشوی‌خانه وحمام ولوله‌کشی آن و طرح خیابان آرامگاه وغیره رسیده‌است ومحلی برای ساختمان وهزینه‌های بعدی موجود نیست. ازخیراندیشان جماعت انتظار میرودکه دست از آستین بیرون آورند وبودجه تکمیل آرامگاه را تأمین نمایند.

کرمان

تشکیل جمعیت خیریه زرتشتی کرمان

برابر اجازه‌نامه رسمی شهربانی و آگهی رسمی منتشره بمنظور انجام خدمات اجتماعی و فرهنگی وتوسعه امور مذهبی وکمك به بینوایان زرتشتی وبهبودوضع‌همکیشان جمعیتی بنام‌جمعیت خیریه زرتشتی کرمان تشکیل‌یافته که هیئت‌مدیره آن عبارتند از آقایان :

۱ ـ دکتر دینیار مزدیسنا رئیس
۲ ـ منوچهر سروشیان نایب‌رئیس
۳ ـ بهرام رستمی حسابدار
٤ ـ خداداد سیامك عضو
۵ ـ فریدون ویژه‌کشورستانی عضو
٦ ـ شاهرخ کیانیان عضو
۷ ـ خسروکیانیان عضو
۸ ـ شهریار سروشیان عضو
۹ ـ جمشید هماوند عضو
۱۰ ـ شهریارشهمردان عضو
۱۱ ـ رستم فرهی عضو

چون عده‌ای ازاعضای هیئت مدیره‌جمعیت از ثروتمندان بنام هستند یقیناً پیشرفت مرام و تأمین منظور اصلی جمعیت راکه همانا خدمات اجتماعی وکمك به‌بینوایان وبهبودی وضع‌عمومی همکیشان است بادهش‌جوانمردانه وسخاوتمندانه خود امکان تحقق خواهند بخشید وبااین تدبیر موفقیت جمعیت وهدف اصلی خود تضمین وتأمین خواهد گشت .

اینك بانتظار انتشار خبرهای امیدبخش و مسرت آورتر توفیق همه آقایان را درراه انجام وظیفه اجتماعی که بعهده گرفته‌اند از درگاه اهورا مزدا خواهانیم.



یك خبر از لندن

از: شهریار بخردنیا

بمناسبت تشریف فرمائی جناب ارباب رستم و مروارید خانم گیو بلندن انجمن و باشگاه زرتشتیان مقیم لندن برای انجام مراسم آشنائی و بافتخار ایشان مجلس جشنی برپا و خیرمقدم گفته شد که بطوراختصار جریان آنرا بعرض میرسانم.

بعد ازظهر یکشنبه هفتم آذر ماه سال جاری مجلس و مراسم آشنائی توسط اعضای انجمن در محلی موسوم بخانه زرتشتیان با حضورگروه بیش از صد و بیست نفر برگزارو پس از صرف چای وخوراك های خوش مزه هندی آقای جهانگیرموس رئیس انجمن در طی بیاناتی بارباب رستم و خانم خیر مقدم گفته و شمه‌ای ازکارهای خیرونوع پرورانه آن جناب را بیان و مخصوصاً ازاحداث آب انبارولوله کشی آن بسر چهارراه‌ها در یزد وراحت کردن مردم راز مضیقه بی‌آبی و ساختمان رستم باغ ومنزل و مسکن دادن بیش از نود خانوار زرتشتی و ساختمان دبستانهای دخترانه وپسرانه وآدریان و جایگاه ویژه برای پذیرائی درتهران پارس‌و مدرسه دخترانه گیو در خود تهران وبسیاری از کارهای نیك دیگر ایشان و بالاخره کمك مالی بکسر بودجه انجمن و غیره غیره اسم بردند که شرح یك بیك آن نامه رابدرازا می‌کشاند سپس ارباب رستم در پشت بلندگو قرارو در جواب از رئیس انجمن‌که ایشان را بچنین مجلسی دعوت نموده‌اند تشکرواز دیدار همکیشان زرتشتی خود درلندن اظهار خشنودی و شادمانی نمودند و از اینکه پارسیان تصمیم قطعی گرفته‌اند که باشگاه و خانه بزرگتر وآدریان ایجاد کنند ستودند و از خداوندخواستارشدند که ایشانرا دراین امر مهم کامیاب داشته و در ضمن سخن اظهار امیدواری نمودند که خداوندتوفیق دهد که ایشان‌نیز بتوانند در این‌کارخیر و بایسته شریك‌وهم انباز گردند مخصوصاً برای پیشرفت ورسیدن بمقصود افرادرا به یگانگی واتحاد تشویق وضررنفاق ودوگانگی

راگوشزد و یاد آور شدند که مضرترین و نابود کننده ترین چیز برای هر جامعه مخصوصاً جماعت کوچك چون جماعت ما زرتشتیان همین نفاق ودودستگی است ودرنهایت فروتنی وتواضع اظهار فرمودند اگر ایشان کار و خدمتی انجام داده‌اند صرفاً برای اجرا نمودن تعلیمات و دستورات اشو زرتشت بوده ولذا بجز دوری از دستورات دینی و وظیفه انسانی و وجدانی کار دیگری نکرده‌اند.

از آنجائیکه همه میدانیم پارسیان بسیار مشتاق و دلباخته ایران ومیل فراوان بدیدار از ایران و دانستن اوضاع و چگونگی زندگی برادران ایرانی خودبویژه وضع دینی‌وآموزشی آنان هستند لذا از ارباب رستم خواهش نمودند که تا ممکن است ایشانرا در جریان گذاشته و اخبارخواهران و برادران زرتشتی ایرانی خود رابآنها بگویند.

ارباب‌درجواب بدنبال سخن چنین‌فرمودند درشهرهای زرتشتی نشین هر کدام دارای‌مدارس آدریان وسایربنگاه‌های عام‌المنفعه هستندازقبیل پذیرشگاه و درمانگاه شادروان ارباب خداداد مهرابی درکرمان وآدریان‌وچهاردستگاه‌دبستان و دبیرستانهای دخترانه وپسرانه که با دهش و اعانات خیراندیشان خود محل کرمان ساخته و واداره میشوند در شهر یزد دبستان و دبیرستان های دخترانه و پسرانه مارکار و چند دبستان و دبیرستان های دیگر و یك آتش بهرام و چند آدریان چه در شهرو چه دردهات اطراف که از دهش خیر اندیشان خود محل و با پارسیان هند ساخته و اداره میشوند بیمارستان گودرز نیز در درخدمت مردم یزد قرار دارد درتهران‌دبستانها و دبیرستانهای دخترانه وپسرانه وکودکستان که دو دبیرستان آن از وجه خیریه پارسیان هند بر روی‌زمین‌انجمن‌زرتشتیان ساخته‌شده وپذیرشگاه پارسائی وچند تالار برای‌برگزاری مراسم دینی وجشن وعروسی و همچنین کتابخانه و درمانگاه یگانگی که بابهترین وجهی مجهز ومورداستفاده همکیشان میباشند ویك پرستشگاه (شاه ورهرام ـ ایزد) ویك آدریان درخود تهران ویك آدریان درتهران پارس که با دهش خیراندیشان ایرانی تأسیس و مشغول‌کار واستفاده هستند اسم بردند که حضار همگی ازشنیدن این اخبار بسیار شادمان و مسرورگردیدند و برای اینکه بیشتراز زندگی مردم ایران آگاه شوند ارباب راازچپ وراست به‌سئوالات وپرسشهای گوناگون پیچیده وموضوع دخمه وآرامگاه وطرز نگهداری آدریان‌وتعداد موبدان و طرز اجرای مراسم پنجه وغیره وغیره پرسیدند که بتمام پرسشهاجواب قانع‌کننده داده داده شد.

در پایان دسته‌گلی ازطرف پارسیان توسط دوشیزه شهین بخردنیابه بانو مروارید خانم گیو تقدیم گردید

سپس آقای‌جهانگیرموس جناب‌ارباب رستم و خانم را برای بازدید سایر قسمتهای ساختمان از قبیل اطاق بیلیارد و تنیس وکتابخانه واطاق پرستش همراهی وراهنمائی نمودند و جلسه در ساعت هشت بعد از ظهر با شادی‌ومسرت فراوان خاتمه یافت

طرح : اردشیر خورشیدیان

جدول کلمات متقاطع

افقی : ۱ـ شهری است از استان فارس ـ ستایش ـ ۲ ـ انار ـ نام گیاهیست (ازرده سرخسها) ۳ ـ .... چیه . رسمت چیه ـ درنواختن موسیقی ازآن استفاده میکننـد ـ یار پراکنده ـ ۴ ـ تربت بود ربش راگـرفتند ـ نوعی خاك است ـ پیش وگذشته ۵ـ شیدا ـ همان بام است ـ حرف ربط ـ ۶ ـ درحمام یافت میشود ـ سن ـ دانستن در وجـه امری ۷ ـ فیما بین بیما بین ـ معروف به بی شاخ و دم بودن است ـ پیشوای زرتشتیان ـ ۸ اینهم خودش حرفیست ـ صبر تلخ است ولیکن ... شیرین دارد. در تاتر چون پرده کشیده شود نمایان میگردد. ۹ ـ مزد ـ مانند ـ دهاتی کمر شکسته ۱۰ ـ کوهیست درشمال ـ جاده ۱۱ ـ قصی القلب ـ راز نا گفته ناگفته.

عمومی : ۱ ـ ازنویسندگان مشهور فرانسوی (۱۸۴۴ ـ ۱۹۲۴) .
۲ ـ قدیمی ـ آنرا درروزهای عید و شادمانی میگیرند ـ ۳ ـ نشان ـ لنگ حمامی که وسط آن پاره شده باشد ـ یکی ازشهرهای استان مرکزیست که حرف آخرش کمی بد تلفظ شده ! ۴ ـ جزو سبزی خوردنیست ـ بی .... وغش ـ نداد بیآد ۵ ـ نیز ـ ازنویسندگان یونانی (۴۰۶ ـ ۴۹۵) ۶ ـ اشاره بدور ـ دوتای ازآنها را مرغها دارند ـ شوهر ۷ ـ هم نام کشوریست وهم نام میوه‌ای ـ ...کس ...چیز ۸ ـ انگور ـ یکی ازشهرهای استان کرمان ـ اوه ! او صاحب جنس خشن است ـ ۹ ـ راه و روش ـ عددیست ـ به پیچهائیکه ازکار میافتد اطلاق میشود ۱۰ ـ یکی از ابزارموسیقی ـ یکی ازفصول سال ۱۱ ـ آموختنیها ویاددادنیها.

نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم

اداره روابط عمومی وامور روانی ستاد بزرگ ارتشتاران بافتخار روز ارتش (۲۱ آذر ۱۳۴۴) مجموعهٔ بسیار زیبائی تحت عنوان «نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم» محتوی حقایقی ازخدماتی که ارتش برای مردم وگروه واقعی ملت انجام داده چاپ وبرای مطالعه در اختیار هم‌میهنان قرارداده است.

برای مردم ایران این حقیقتی است مسلم که درطول تاریخ اززمان باستان و بویژه دراین دورهٔ درخشان ارتش شاهنشاهی ایران نه‌تنها درضمن فداکاری و از خودگذشتگی بحفظ آزادی وحدود واستقلال کشور کوشیده بلکه درراه خدمات اجتماعی وپیشرفت سطح زندگانی مردم درزمان صلح کوشش بیدریغانه مبذول داشته‌است.

این مجموعه گویای حقایقی از اجرای منویات خجسته شاهنشاه آریامهر است که ارتش جوان ما یعنی نیروهای سه‌گانه زمینی ـ دریائی ـ هوائی از طریق تعلیم فنون و بهبود بخشیدن وضع عمومی خدمات شایان تقدیری بنام خدمات زمان صلح برای مردم انجام داده‌اند.

همین خدمات صادقانه فرزندان عزیز سرباز است که مردم ایران ارتش خودرا از جان ودل ستوده ودربرابر آن سربکرنش فرودمی‌آورد. ماهمواره‌سربلندی وسرافرازی چنین ارتش خدمتگذاری را ازدرگاه اهورامزدا خواستاریم.

سازمان زنان زرتشتی آذرگان را جشن گرفت

از ساعت ۵ بعداز نیمروز سه‌شنبه ۴۴/۹/۲۳ مجلس جشنی بمناسبت آذرگان درمحل سازمان زنان زرتشتی برپا بود که درآن عدهٔ زیادی از بانوان و تعدادی ازآقایان همکیش حضور داشتند.

نخست سرکار بانو فرنگیس یگانگی بحضار خیر مقدم گفتند وبعد برنامه تفریحی وهنری دوشیزگان اجرا شد.

سپس آقای موبد اردشیر آذرگشسب پیرامون آذر وآتش وآذرجشن ومقام آن مطالبی بیان داشته و درپایان از آداب ورسومی که هنگام ورود بآتشکده باید اجرا شود بتفصیل توضیح دادند. درپایان نیز برنامه موسیقی باشرکت هنرمندان سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) اجرا گردید که بسیار جالب بود.

این مراسم تاساعت هفت ادامه داشت.

دوستان عزیز کمیته جوانان زرتشتی

از اینکه در روز خجسته ۲۵ آذر بذل محبت و ابراز عنایتی فرموده مرا که بعنوان غرورانگیز مادر کلوب دختران زرتشتی مفتخرم سرشار از مهر آسمانی نموده و روح شیفته ومشتاق مرا آکنده ازصفای بهشتی خویش ساخته‌اید سپاسی فراوان دارم وآرزمند آنم که پیروزمندانه درراه هدف مقدس خود پیشرو بوده و از این طریق روحانی وخدائی در اعتلای نام وطن وانهدام رخوت و سستی موفق و مؤید باشید

زمرد گشتاسب

بقیه شاخه زرین

آزار رساننده که پیکر پارسا نابود میکند ، ای هوم زرین ، سلاح برزن. بر ضد ... دروغ پرست ستمکار ... گمراه کننده ، ای هوم زرین ، سلاح برزن.

آنچه که در بادی امر اختلافات فراوانی رامیان هوم در اوستا وسوم Soma در در سانسکریت نشان میدهد ، اختلافهایی است ظاهری ، چون در حقیقت در وداها و اوستا تعابیر کنایه‌یی ورمز و استعاره ، وبهتر گفته شود ، زبان شعر تغییر پیدا کرده در قسمت آینده خواهیم دید که این مدعا تاچه حد درست است . توجهی به هوم یشت[یسنا، ها : ۱۱ - ۱۰ - ۹] ومقایسه‌یی درودا ، ما را باین‌اصل رهنمون میشود . اینك بمضامین ومفاهیم عمدهٔ های هوم بپردازیم .

پس از عصر نخستین اوستا و صدر آیین زرتشت ، هنگامی که عناصر پیشین تجدید حیات کردند ، هوم ایزد بازهم دارای مقامی بلند گشت . هنگامی که مؤمنان سرود نیایش می‌خواندند ، خواهان آن بودند تاازمرز وبومشان زشتی‌ها وبدی‌ها و دیوان پراکنده گردند ، دور شوند از : **این خان ومانی که از آن اهورامزدا است که از آن‌هوم راستی‌پرور است .**[1]

---

۱ - یسنا - ها ۱/۱۰

ناتمام

آگهی

از آنجا که از جشن سدره پوشی گذشته این سازمان همکیشان ارجمند استقبال فرموده‌اند باخرسندی فراوان بآگاهی همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین‌پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد، سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

از کسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن‌سدره پوش نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ۴۲۸۳۲

بقیه سرمقاله

زرتشت انسان را آماده پیشرفت بسوی کمال تعلیم فرموده ودست‌یابیش به‌خوشبختی وکمال برپایه هفتگانه امشاسپندان یعنی ـ خوشبختی بخش‌های جاودانی و یاپاکان بیمرك مقرر داشته وانسان کامل وخوشبخت واقعی راکسی دانسته است که خود را واجـد این شرایط گرداند:

نخست ـ به یکتائی خداوند(اهورامزدا) ایمان کامل داشته باشد و اهورامزدا را آفریدگار بیهمتا بشناسد.

دوم ـ اندیشه ومنش خودرا بپاکی وراستی‌بیاراید.

سوم ـ امور زندگانی خود را براستی وبرروی نظم درست قراردهد.

چهارم ـ باور داشته باشد همانگونه‌که برای حفظ بقا و ادامه حیات نیرومنـدی لازم آمده هرکس نیز باید خودرا ازطریق جسمانی نیرومند وازراه‌کسب دانش روان را توانا سازد.

پنجم ـ باید باعشق وامید بزندگانی آئین مهرورزی وفروتنی را اختیارکند.

ششم ـ بوسیله پاکی وپاکیزگی باید درراه تندرستی تن و روان بکوشد و خود و زندگانی را ازهر آلایش وناپاکی بدور سازد.

هفتم ـ بایدکسب دانش را بمرحله‌کمال رساند ودرچنین مقامی است‌که‌بادست‌یابی بحقیقت‌کمال میتواند بیمرگ وجاودان گردد.

جاودانی این تعالیم نیاز بدلیل وبرهان ندارد اینها اصولی هستندکه باهرزمان و ومکان سازگار است ومیتواند همواره سرمشق جهان وجهانیان باشد.

پس هرآینه زرتشت بدرجه شهادت رسید وتن و پیکر خجسته‌اش بخاك تبدیل گشت باید بیگمان قبول نمائیم‌که آثار وجودی ودستورهای سعادت‌بخشش برای همیشه زنده و درخشان خواهد ماند.

معنای غروب هم‌که برای خورشید یاد میشود بایدگفت مفهومی است واقعی ـ زیرا غروب نه خاموشی ونه‌گرایش‌بتاریکی‌است بلکه انعکاس نور ازسوئی به سوی دیگراست.

بقیه دین و فلسفه

او میگفت :

« هرچیزی انباشته از خدایانست» طالس آب‌راماده اولیه ساختمان جهان‌میدانسته ودانش امروز عقیده او رابجامیداند، زیرادوسوم آب «هیدروژن» میباشد. بعقیده‌ایرانیان باستان و برخی ازفیلسوفان یونانی ـ جهان از چهارعنصر آتش ـ آب ـ خاك وبادفراهم آمده ، ولی زرتشت ، آتش راعنصر اصلی میداند وبنام «آذر مزدا» دریسنانکات مهم‌فلسفی دراینباره سروده شده‌است .

هراکلیتوس فیلسوف یونانی نیز ماده اصلی جهان را آتش میدانسته وکتابی در این مبحث تـألیف کرد . دانش امـروز ـ آتم Atom را از ذرات لایتجزای الکتـرون electrons و پروتون protons وماده همه عناصر ساختمانی‌جهان میداند.

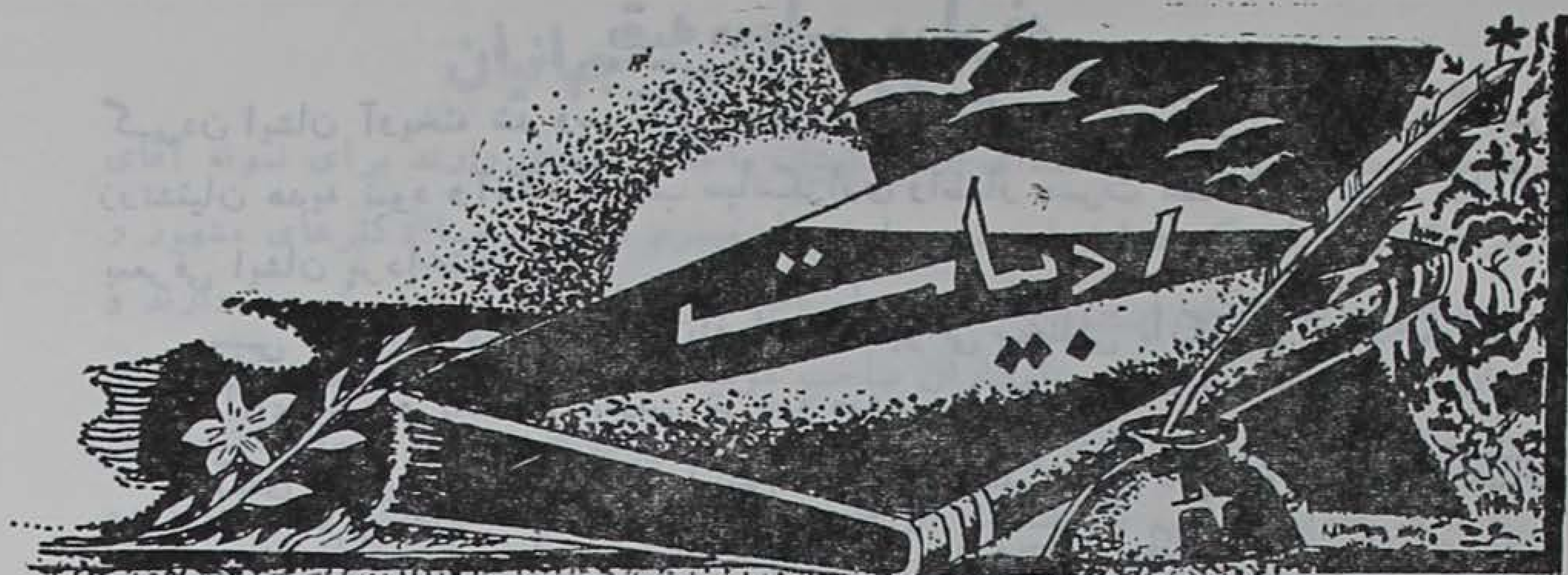
بنا بفرضیه جداشدن زمین ازخورشید ، ناگزیر آب نیز ازبخار زمین پدید گشته . آب دومین عامل حیات که خود زاییده آتش است انگیزه آفرینش نبات و حیوان گردیده و ازحیوان ـ انسان سرزده است ، پس بااین سلسله تطور همه‌چیز ازآتش برخاسته است. هراکلیت میگفت :

« هیچ انسان یا خدایی جهانرا نیافریده ، ولی آتش فناناپذیر و جاویدان همیشه بوده وخواهد بود.»

در باره آب که‌پدیدآور حیات‌است، درقرآن نیز بارهایادشده که‌حیات‌هرچیزی‌ازآب است (ومن‌الماء کل شیئی‌حی) با این منطق وآزمایشهای علمی همه‌چیز دارای جانست‌ولی چیزی وکسی درخور پرستش‌نیست. ازگنبدوآرامگاه یاازسنگ‌وزر وسیم یاچیزهای دیگر کاری ساخته نیست ونباید چشم‌یاری وانتظار برآمدن نیازی بداریم ، مگر ازذات بیچونی که در خور پرستش وستایش است وتنها او آفریننده جهان، جان وخرد است.

نمودهای اشراق یاهیپنوتیسم، خواب وخیالی بیش نیستند. درکتاب «افسانه زندگی» دکتر باستان یك رباعی دارد که پاسخ بسیار درستی به کوته‌بینان و ماده پرستانست که میگوید :

اشراق جهان جمله چو نقشی است برآب
وان آب چه آب ؛ بلکه موجی ز سراب
وان موج سراب هم خیالی در خواب
وان خواب چه‌خواب؛ خواب‌مستان‌خراب.



از : خرم کازرونی

«راز و نیاز»

در خلوت دلم توعیان خانه کرده‌ای
شمعی و آن حکایت پروانه کرده‌ای

در بستر وصـال تمنای عاشقـان
دل را اسیر و بنده و دیوانه کرده‌ای

بـا آشنـا بقهـر و عتـابی حالیـا
عزم وصال و خلوت بیگانه کرده‌ای

این لوح خاطرم همه یاد تو می کند
یادم مبر که جلوه جانانه کرده‌ای

ای ماه در حمایت حسن جمال خویش
افسونگری و این دلم افسانه کرده‌ای

سیلاب خون این دل عاشق بجبر چرخ
تسلیم جام و باده میخانه کرده‌ای

بر گیر کام و از ره زنـدان کائنات
بگذر کنون که دعوی رندانه کرده‌ای

در اختیار این دل خـرم نبوده‌ای
کز هجر گریه‌های غریبانه کرده‌ای



بقیه مجلس معارفه

گردن ایشان آویخته شد وسبدگلی رانیز جناب آقای سناتور گیو رئیس محترم انجمن زرتشتیان هدیه نمود وآنگاه مراتب سپاسگزاری واظهار مسرت همگانی راابراز وآنگاه بمعرفی ایشان پرداختند.

سپس جناب آقای تلیارخان بافصاحت وشیوائی سخنانی بانگلیسی ایراد نمودندکه بوسیله آقای خسرو باستانی بپارسی ترجمه میشد.

آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن زرتشتیان نیز درپاسخ به بیانات جناب آقای هرمزد تلیارخان بنمایندگی از طرف حضار در مجلس مطالب تشکر آمیزی به - استحضارشان رسانیدندکه متن هرسه سخنرانی جداگانه بچاپ رسیده است.

این مجلس پرشور وشکوه پس از پذیرائی در ساعت‌پنج بعدازنیمروز باخاطره‌ای فراموش نشدنی پایان پذیرفت.

جناب آقای تلیارخان هنگام افتخار حضور و شرفیابی پیشگاه شاهنشاه آریا مهر به الطاف خاص شاهانه مباهی گشته‌اند.

آگهی

نظر بپایان رسیدن بیست وهشتمین گردش انجمن زرتشتیان تهران وبه ثبت رسمی رسیدن اساسنامه اصلاحی جدید انجمن زرتشتیان تهران از عموم بانوان و آقایان افراد زرتشتی تهران که کمتراز ۲۰ سال ندارند خواهشمند است بادردست داشتن کارت شناسائی روز آدینه بیست وچهارم دیماه ۱۳۴۴ ساعت نه بامداد درمجمع همگانی که درتالار جشنگاه خسروی تشکیل میشود تشریف‌آورده در انجام‌وظیفه اجتماعی شرکت فرمایند.

دستور جلسه

۱- استماع گزارش کارهای گردش ۲۸ انجمن

۲ - تعیین هیئت نظارت انتخابات گردش ۲۹ انجمن زرتشتیان تهران

خواهشمند است کارت شناسائی را همراه بیاورند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه سخنرانی اردشیر جهانیان

و درحال حاضر در دانشگاه عده‌ای از همکیشان ما مقام استادی دارند برای نمونه آقای دکتر رئیس بهرامی که دراینجا حضور دارند نام میبرم همچنین ما دکترهای مشهور و و خوشنامی مانند دکتر فرین متخصص در امراض قلبی داریم که به نیکی شهرت دارند و آقایان دکتر ورجاوند ودکتر نامداران صاحب مؤسسات درمانی (بیمارستان) آبرومندی هستند و درجهان سیاست آقای دکتر فرهنگ مهر داریم که همه برای ما مایه افتخارند.

اگر خواسته باشیم نام یك یك ازآقایان پزشکان ودیگر دانشمندان را بزبان‌آورم حافظه‌ام یاری ندارد واز اینجهت معذرت میخواهم همچنین مادرمقام اجتماعی‌شخصیتهای برجسته ونیکنامی مانند آقایان سناتورگیو و دکتر یگانگی داریم که مورد احترام تمام طبقات اینکشورند خوشبختانه روزبروز عده سرافرازان جماعت افزوده میشودوامیدواریم که روزی ماهم همانند شما موفق گردیم که در رشته‌های بزرگ دانش و صنعت و اقتصاد سهم اساسی درکشور خود داشته باشیم.

من باردیگر از حضور جنابعالی در این مجلس که موجب شادمانی همکیشان خود شده‌اید از طرف خود وهمه حضار سپاسگزاری مینمایم.

بقیه زرتشت نامه

چوآنجا زمانی بر اوبر گذشت — گرسنه شد وخیره‌برطرف‌دشت

دو پرشیر بز گشت آنجا پدید — ز پستانشان شیر را بر مکید

دگر باره دیــو سیه کار دیــد — که چاره ندارد . بشد نا امید .



چنین دشمنی ها نه کم شد بــاو — هزاران از اینگونه بی گفتگو

که ما رانه فرصت که بازآوریم — بناچــار صحبت فــراز آوریــم

سخن را رسانیم آنجا کــه او — جوان بودودائم در این‌جستجو:

که رازتباهی‌دراین‌خلق‌چیست؟ — هم‌آنکس که‌هستی‌بپا کرد کیست؟

دنباله دارد



آگهی جهت اطلاع عموم زرتشتیان

از دیر باز همراه با پیشرفت تمدن بشری عمران و آبادانی زیارتگاههای اطراف یزد همواره مورد نظر همکیشان خیراندیش بوده است و بر همین اساس درسال ۱۳۴۴ موقع زیارت همگانی در محل پیرسبز اقدام به جمع آوری اعاناتی جهت تأمین روشنائی وعمران آن محل مقدس گردید.

وجوه جمع آوری شده که بالغ برهشت‌هزار ویکصد وهشتاد ریال بود طبق صورت جداگانه **بکانون زرتشتان شریف آباد یزد مقیم مرکز** تحویل شد که بلافاصله دربانك صادرات ایران شعبه‌قصر **بحساب شماره ۶۲۲** بنام آقایان دکترماهیاراردشیری-رستم خدابخشی- بهرام‌ولی‌مفتوح در تمام‌شعب‌متمرکز گردید ضمناً یکدستگاه موتور مولد برق مستعمل که ازطرف خیراندیشی اهدا شده است ازطریق انجمن زرتشتیان شریف آباد و توابع سرپرست زیارتگاه مزبور تحویل و جهت تعمیر ونصب درمحل اقدام بعمل آمد.

با شرح فوق‌ازعموم‌همکیشان خیراندیش تقاضا میشود هریك باهمت عالی خود هرمبلغ که مایلند بحساب فوق‌الذکر واریز نموده ورسیدبانکی آن راباذکر نام خیراندیش وآدرس صحیح پرداخت کننده وجه بتهران ـ صندوق پستی‌شماره ۲۹۹۰ ارسال فرمایند تانسبت به تقدیم رسید رسمی این کانون اقدام مقتضی به ـ عمل آید.

نام کلیه خیراندیشان بامبالغ اهدائی درماههای آینده بتدریج جهت اطلاع عموم منتشر خواهد شد. توضیح اینکه در کلیه شعب بانك صادرات ایران می ـ توانند **بحساب شماره ۶۲۲** تهران شعبه قصر وجه پرداخت فرمایند

کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز

نام نیکو گر بماند ز آدمی
به کزو ماند سرای زرنگار



شادروان موبد بهرام اسفندیار آریانی با انجام دستورات آئینی خود ۵۱ سال زندگانی گرامی‌خود را درراه‌خدمت‌باجتماع وفرزندان ونونهالان زرتشتی صرف نمود.

درخت علم ودانش را آبیاری کرد و میوهٔ شیرین آنرا بهرهٔ نونهالان زرتشتی نمود.

سه سال ازدرگذشت‌آن‌شادروان میگذرد ولی نام نیك او زنده و جاویدوهمگان بویژه تربیت‌شدگان مکتب او بروانش درود میفرستند.

دوستداران آریائی

تسلیت

بمناسبت درگذشت بانو گلچهر دیانت فرزندمرحوم خدایار شاه‌کاوس‌اعضاء هیئت مدیره سازمان وافراد باشگاه جوانان زرتشتی یزد باآقایان شهریارخدایاری معاون سازمان و باشگاه و آقای افلاطون خدایاری عضو سابق باشگاه و مهندس سیروس دیانت مدیرداخلی باشگاه فرزندان آن شادروان و آقای شاه بهرام دیانت شوهر آنمرحومه تسلیت و همدردی خودرا باکمال تأسف و تأثر ابرازمیدارند و تندرستی و بقای نامبردگان و کلیه بازماندگان وآمرزش روان بانوی درگذشته رااز درگاه اهورامزدای بیهمتا آرزومندند.

سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد

تجدید انتخابات هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی اهواز

درتاریخ ٤٤/۷/۳۰ با تشکیل مجمع همگانی بانوان وآقایان نامبرده زیرانتخاب شده‌اند :

۱ ـ دکترساسانی رئیس ۲ ـ مهندس رستم سروش معاون ۳ ـ مهندس کیخسروزمردی حسابدار ٤ ـ رستم سلامی دبیر ٥ ـ دوشیزه نسرین‌دخت ساسانی بازرس ٦ ـ بانو پریوش سروش عضو ۷ ـ هوشنگ فارسی‌نژادعضو.

هوخت ـ موفقیت ایشانرا دراین‌خدمت اجتماعی ازدرگاه اهورامزداخواستاریم

سال ۱۶ شماره ۱۰ — شماره مسلسل ۱۸۹

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

نشانی :

خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

هوخت
گفتار نیک

بهمن ۱۳۴۴



جناب آقای دکتر عیسی صدیق سناتور محترم هنگام سخنرانی رجوع شود بصفحه ۲۳

سال ۱۶

شماره ۱۱

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

و اینست افتخار

این جهان پیر از بدو پیدایش انسان تاعصر کنونی پیوسته شاهد بوجود آمدن افراد دسته‌ها وملتها وهمچنین از بین رفتن آنها بوده ومیباشد وانسانها نیزهمواره ناظروجود وعدم همنوعان خویش بوده‌اند ولی همیشه باوجود نگریستن بدان سعی نموده‌اندکه برای ادامه زندگی این مناظر رعب‌انگیز را در ورطه فراموشی گذاشته حیات نوینی را روی خاطرات گذشته بنیانگذاری نمایند ودر اصطلاح برای تأمین سعادت آیندهٔ خویش غمهای درونی خودرا بمصداق شعر زیر:

امروز اگرغمم بزرگ است چه غم چون شادی و غم نپاید اندر عالم
هرچیز زید زیاده گردد شب وروز جزغم که‌چوزیست‌زان‌شودکم کم کم

برطرف نماید .

در این دنیای بیکران هر کشوری کم وبیش در معرض حوادث روزگار غدار قرار گرفته چنانکه گروهی هستی وجودشان ازچهره کره خاکی زدوده گردیده وبعضی دوباره قامت خمیده خویشرا اززیر بارگران رهانیده قدراست وزندگی خویشرا ادامه داده‌اند صفحات تاریخ بخوبی نشان‌دهنده وجود وعدم ملتها درطول زمان بوده ومیباشدکه باتوجه بدان میتوان ثبات و استقامت ملتها رابخوبی درك کرد.

آنچه بنظر میرسد تاریخ ایران پراست ازاین حوادث دلخراش که گاه‌گاه هستی وجود این ملت رابطرف پرتگاه نیستی کشانیده است چنانکه از وقتیکه قوم آریائی‌نژاد روبطرف این سرزمین نهادند وبه‌آبادانی آن پرداختند وتعالیم شت زرتشت اولین پیغمبر جهانرا گردن نهادند توانستند درپرتو آن تعالیم عالی شاهنشاهی بزرگی را بنیان‌گذاری نمایندکه هنوز هم دنیا دربرابر آنهمه فکر ونبوغ وتمدن وترقی سرتعظیم فرودمیآورد و دراین باره دانشمندان کنونی ایرانی وخارجی متحدالقول بوده وهستند چنانکه در آثار هریك ازنویسندگانیکه بتمدن ایران باستان علاقه‌ای داشته و دارند این حقیقت بخوبی بچشم میخورد چنانکه دانشمند مشهور ایرانی آقای پروفسور شوشتری (مهرین) در مصاحبه‌ای بامخبر تهران مصور درضمن آنکه زرتشتی بودن هخامنشیان را تصریح نموده

راجع بزرتشت وعقاید او اینطور باظهار عقیده پرداخته‌اند :

« بنظرمن زرتشت یگانه کسی است که ما ایرانیها ازصمیم قلب باید باو افتخار کنیم . این مرد واقعاً ازلحاظ دانش وبینش درهمه دنیانظیرش دیده نشده است ـ پایه‌های فلسفه زرتشت آنچنان محکم و عمیق و منطقی است که بتحقیق هیچ فلسفه دیگری ازاین لحاظ با آن قابل مقایسه نیست . عرفان حقیقی ایرانزمین راباید درگاتهای زرتشت جستجو کرد وبااطمینان میتوان گفت اگر کسی بتواندگاتها را بخواند و بآن عمل کند صد در صد رستگار میشود . اندیشه زرتشت نمونه برجسته‌ایست ازروح ترقی وتکامل و ظرافت ملیونها سال اندیشه بشر که دیگر ازآن کاملتر نشده مگر آنکه شاخ وبرگی بآن افزوده شده باشد.» نقل‌از مجله تهران مصورشماره ۱۱۶۱)

پس ازآن زمانهای بس درازتاکنون که طبق شواهد ودلایل زیادکشور ایران صحنه تاخت وتاز مهاجمین بوده است قوم آریائی‌نژاد توانسته‌اند خون و نژاد خویش را بنحو مطلوبی حفظ نمایند زیرا بطوریکه ازشاهنامه فردوسی وسایر تواریخ مدون برمیآید قوم ایرانی همیشه با اقوامی بنام تورانیان یا مردمان چین یا امپراطوریهای بزرگی مثل رم ویونان در جنگ و ستیز بوده است وگاه وبیگاه پیغمبر نماهائی‌چون مزدك ومانی‌بر آنها ظهور کرده‌اند اما ایرانی باشهامتی فوق‌العاده قادر بحفظ آئین ونژاد خودگردیده است ولی لطمه بزرگی‌که بحیات وهستی مردمان این‌کشور وارد شد از زمان حمله تازیان در اواخر سلسله ساسانیان آغازمیگرددکه باقدرت و قوتی هرچه بیشتر به ازبین‌بردن خون ونژاد این ملت همت گمارده بودند و در این‌موقع بودکه اکثریت ملت ایران‌لگدمال‌جور وظلم وستم بیگانگان گشته باقلیت تبدیل شدند ولی باز باشجاعتی فوق‌العاده بحفظ خون و نژاد خویش پرداخته با جسارت و حرارتی خارق‌العاده این مسئله را دنبال نموده‌اند که خون پاك ایرانی باید نسلا بعدنسل ازهرگونه آلایشی مبری بوده وپاك ومنزه باقی‌بماند و اگر ازاین مسئله محنت‌بار بگذریم وحملات چنگیزخان مغول وتیمورلنگ را در مدنظر قرار دهیم که چگونه شهرها وآبادیهای ایران رامورد قتل وغارت وویرانی قرارداده آنها رابکام آتش کشیده‌اند وحتی نژاد سگها وگربه‌هارا برمیانداخته‌اند بارفتار وحشیانه دیگر فاتحین باحرکات انتقامجویانهٔ بعضی از سلاطین مانند آغا محمدخان قاجارکه در یکشب هفتادهزارجفت چشم ازمردمان کرمان رابجرم پناه دادن لطفعلی‌خان زند برگرفت مورد توجه قراردهیم بخوبی بعظمت روح و علو همت مردمانی واقف میشویم که با وجود واقع بودن در اقلیت بخوبی ازعهده انجام بزرگترین مقاصد عالی نیـاکان خویش برآمده و

خون وسرشت‌خودرا ازهر گزندی محفوظ داشته‌اند تا بامروز که آنرا درقالب جامعه‌زرتشتیان ایران باقی وبرقرار گردانیده‌اند واینست افتخار بزرگی که جامعه کنونی زرتشتی ایران‌و جهان ازآن برخوردارند وآنهارا بردیگران امتیاز بخشیده است وبحق نیز بایداین‌جامعه از کسوت نام اقلیت زرتشتی بدرآمده بنام ایرانی‌الاصل موسوم گردد تا اعمال و رفتار ایرانیان اصیلی که درطول قرنهای متمادی نه بشکل یك معجزه بلکه بصورت بزرگترین فداکاریها وابراز بالاترین شهامتها ووالاترین‌تدابیر وسیاستها بدینوسیله بمنصه ظهور رسیده است پاداشی‌کافی واجری وافی‌یابدوالبته اولین‌وظیفه جامعه کنونی زرتشتی حفظ‌این‌افتخار موروثی ونگهداری این خون پاك ایرانیت ونژادبی‌آلایش آریائیست که باید تاجهان به‌گردش خود ادامه میدهد ولیل ونهار درپی یکدیگر طلوع و غروب میکنند این نژاد پاك آریائی وخون اصیل ایرانی که باعث افتخار هرایرانیست جاودانه باقی بماندواین‌افتخار ازنسلی بنسل دیگر بارث رسیده همواره خاندان زرتشتیان ایران و جهان بدین افتخار مباهی باشند پس فرزندان ونونهالان کنونی زرتشتیان ایران که ازمکتب پدران خویش‌درس ازخودگذشتگی ومردانگی راآموخته‌اند نباید نتایج زحمات و تحمل مشقات نیاکان خود را درقرون متمادی بیکی‌غمزه ساقی فروخته همه جانفشانیهای‌نیاکان‌نامدار را درراه‌کسب این افتخار بهیچ گرفته بی‌محابا قدم درمرحله‌ای گذارند که بهیچوجه باشئونات ملی موافق نبوده با افتخارات گذشته تجانسی نداشته باشد آنها باید بدانند که در جامعه‌ای که درس آزادگی وبزرگواری آموخته‌اند تا به‌ابد نسبت بدان جامعه مدیون اند وباید در اسرع اوقات نسبت به تأدیه این دین اجتماعی مبادرت ورزند چه مسلم است که برای رویانیدن وبارورنموذن یك درخت باید مصائب ومخارجی راتحمل نمود و همینطور است راجع به‌بارورشدن‌انسانها درخانواده‌ها که‌گاهی‌نیروی رشد ونموکردن افکار فردی‌ازافرادخانواده بقیه‌اعضای فامیل در سایه خوش‌اقبالش!! رمق حیات خودراازدست‌داده گاهی‌فقط ناظربرز وبالا وفرو شکوهش میگردند وزمانی لگدمال حس‌غرورش میشوند وبدین منوال است در اجتماعات که چه بسا استعدادهای نهفته‌ای برای بارورشدن نبوغ نوابغ فدامیگردند پس جامعه زرتشتی نیز ازاین‌اصل‌کلی مجزی نبوده وبه‌پیروی ازاین اصول کلیست که وظیفه هر فردی که بیشتر وبهتربتواند ازمواهب ملی مستفیض گردد درقبال‌اجتماع سنگینتر و بیشتر میشود پس بایدآنهاکه بیشتر ازمحظوظات زندگی‌لذت میبرند بهتر بهوای نفسانی خویش لجام زده طبع سرکش را اقناع نمایند تابهتر بتوانند بحفظ این‌خون وسرشت‌کمك نمایند مسلم است‌که دنیا باسرعتی خارق‌العاده بجلومیرود وباسرعت بیشتری بهم ارتباط می‌یابد

بقیه درصفحه ۶۱

درود فراوان به پیشگاه شاهنشاه آریامهر دانش پرور و سرافرازی بخش

آقای شجاع‌الدین شفا دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی اعلام کرد، برای مبارزه با بیسوادی:

ایران کشور پیشرو انتخاب شد

متن قطعنامه سازمان ملل متحد که در پیرو پیام شاهنشاه آریامهر بمجمع عمومی این سازمان در تأیید قطعنامه کنگره جهانی پیکار با بیسوادی در تهران صادر شده و همچنین اطلاعاتی درباره اعلام کشور ایران ازجانب سازمان یونسکو و صندوق اعتبار مخصوص سازمان ملل متحد، بصورت «کشور پیشرو درامر مبارزه با بیسوادی» و گزارش مدیر کل یونسکو درباره کنگره تاریخی تهران بمجمع عمومی ملل متحد، توسط آقای شجاع‌الدین شفا دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی انتشار یافت.

قطعنامه سازمان ملل

ترجمه قسمتی از قطعنامه مفصل سازمان ملل متحد بدین قرار است:

در تعقیب قطعنامه‌های شماره ۱۶۷۷ اجلاسیه شانزدهم وشماره ۱۹۳۷ اجلاسیه هیجدهم سازمان و قطعنامه‌های سال ۱۹۶۴ کمیسیون های اقتصادی منطقه‌ای و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد و سیزدهمین مجمع عمومی یونسکو وباتوجه بگزارش‌های دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل یونسکو درمورد اقدامات مربوط بمبارزه با بیسوادی با تجلیل خاص از پیام بشردوستانه و بزرگوارانه‌ای که اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران درین مورد به بیستمین اجلاسیه سازمان ملل متحد ارسال فرمودند.

براساس نظریات بیست وهشتمین کنفرانس بین‌المللی آموزشی ماه ژوئیه ۱۹۶۵ در ژنو وبراساس نظریات وتوصیه‌های کنگره جهانی وزیران آموزش درتهران که ازتاریخ ۸ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۵ بمنظور مبارزه با بیسوادی ازطرف یونسکو تشکیل گردید مخصوصاً با اتکاء بقطعنامه‌های این کنگره درباره لزوم بسیج منابع انسانی و مادی برای تأمین این

منظور مراتب ذیل را اعلام میدارد :

۱ ـ موضوع بیسوادی مسئله‌ای جهانی است که باتمام عالم بشریت ارتباط دارد.

۲ ـ امر آموزش در درجه اول یك عامل اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.

۳ ـ اکنون موقعی فرارسیده است که کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در کمترین مدت ممکن کوشش جدی و پی گیری برای از میان بردن بیسوادی در سرتاسر جهان مبذول دارند.

بدین منظور اولا از کشورهائی که در آنها بیسوادی مسئله‌ای اساسی بشمار میرود دعوت میکند که در برنامه‌های ملی توسعه خود برای موضوع آموزش بیسوادان حق تقدم کامل قائل شوند و بر این اساس کلیه منابع ممکنه مالی و مادی و انسانی خویش رااعم از دولتی یا غیر دولتی بسیج نمایند.

ثانیاً ، از کشورهائی که درامر تعمیم آموزش بهترین نتایج رادرداخله خود گرفته‌اند دعوت میکند که در برنامه‌های همکاری دوجانبه خویش باکشورهای دیگر سهم شایسته‌ای برای حق تقدمی که این کشورها در برنامه‌های توسعه خود در امر تعمیم آموزش قائل شده‌اند منظور دارند.

ثالثاً ازکلیه دولتها دعوت میکند که همه امکانات خود را برای افزایش منابعی که میباید درراه آموزش بیسوادی بکاررود ، چه درزمینه ملی وچه درزمینه بین‌المللی ازجهات مختلف مورد توجه وبررسی قرار دهند.

رابعاً از سازمانهای تخصصی بانك بین‌المللی ترمیم و توسعه، صندوق اعتبار مخصوص، دفتر کمکهای فنی، وکلیه سازمانهای صلاحیتدار بین‌المللی یا منطقه‌ای دولتی یا غیردولتی دعوت میکند که بمنظور اجرای برنامه‌های مبارزه‌با بیسوادی بنحوی که کاملا با برنامه‌های توسعه مرتبط باشد مساعی خویش را دراین زمینه باکوششهای یونسکو تلفیق دهند .

خامساً ازشورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد وکمیسیونهای اقتصادی منطقه‌ای دعوت میکند که درکادر برنامه ده ساله سازمان ملل متحدبرای توسعه مسائلی را که بیش ازهمه در پیوستگی امر آموزش باتوسعه‌اقتصادی تأثیر دارند مورد مطالعه ورسیدگی قرار دهند.

دبیر کل سازمان ملل متحد مأمور میشود که‌با همکاری مدیر کل یونسکو گزارش پیشرفتهائی راکه در اجرای مفاد این قطعنامه حاصل میشود بمجمع‌عمومی گزارش دهند.

کشور پیشرو

آقای شفا درباره اعلام کشور ایران بعنوان کشور پیشرو در امر مبارزه با بیسوادی اعلام داشت :

در دوازدهمین مجمع عمومی یونسکو تصمیم گرفته شدکه برای اجرای یك برنامه جهانی مبارزه با بیسوادی برنامه‌هائی بطورآموزشی در چند کشور که حائز بهترین شرائط باشند و اقدامات پیشرفته‌تری درین موردکرده باشند باکمك یونسکو وکمك مالی‌صندوق اعتبار مخصوص سازمان ملل متحد بمورد اجراگذاشته شود، تا بعداً تجارب حاصله در در مقیاس جهانی مورد استفاده قرار گیرد. برای استفاده از این برنامه‌های آموزشی ٤۰ کشور داوطلب شدند و یونسکو پس ازمطالعات لازم ۸ کشور راازآنها برای اعزام هیئتهای متخصصین خود بمنظور رسیدگی انتخاب کرد و از این هشت کشور نیز بر اساس گزارشهای این کارشناسان سه کشور ایران و الجزایر و مالی بعنوان کشورهای پیشرو درامرمبارزه با بیسوادی برگزیده شدند. صندوق اعتبار مخصوص سازمان که ازاول ژانویه‌سال جاری نام آن به «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» تبدیل یافته مبلغ یك میلیون ودویست هزاردلار برای اجرای برنامه های آموزشی خاصی که باکمك یونسکو اجرامیشود در اختیار این برنامه‌ها خواهد گذاشت.

آقای شفا اعلام داشت: درقسمتی ازاظهارات مدیر کل یونسکودرباره کنگره تاریخی تهران گفته شده :

«بی شك کنگره تهران که با دعوت بزرگوارانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تشکیل شد درتاریخ مبارزه با بیسوادی مبداء تحول عظیمی است . این کنگره اهمیت حیاتی مسئله پیکار با بیسوادی را ازنظر جهانی برای همه روشن کرد. بعدازکنگره تهران بیسوادی‌یك مسئله دنیائی شناخته شدکه بایستی بمقیاس دنیائی وباکوشش دستجمعی جامعه بشری حل شودازنظرسیاست داخلی کشورها نیز اهمیت کنگره تهران انکار ناپذیر است زیراکنگره باین نتیجه اساسی رسید که مبارزه با بیسوادی رانمیتوان ازکوشش برای‌توسعه اقتصادی مجزا دانست، دیگر نبایستی دراین فکر بودکه مخارج باسوادکردن مردم از محل کمك های داوطلبانه ودرآمدهای غیرقابل پیش بینی تأمین گردد. بلکه بایستی بطور قاطع و منظم قسمتی از اعتبارات راکه‌برای توسعه اقتصادی درنظر گرفته میشودباین امر تخصیص داد.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۷)

دوره شاهی بنی اسرائیل

سرگذشت دوره شاهی بنی‌اسرائیل درازست ، بکوتاهی اینکه، این قوم بنا بگزارش تورات، تنها دو پادشاه نامی وتوانا که تا اندازه‌ای خردمند ومدبر نیز بوده بنام داود و سلیمان بر آنها فرمان راندند ودردوره آنها تمدن وفرهنگ‌رونق گرفته ودرامور سیاسی، ملی و انضباط دیوان داد پیشرفت کردند ودر برابر فرمانروایان وقدرتهای پیرامون‌خود استوار بوده ، بلکه در برابر همگنان کوس برتری نیز مینواختند. کیش موسا بانفوذنخستین پابرجا بود وتکالیف دینی با تشریفات خود انجام میگرفت، نفوذکاهنان کاسته نشده بود . ولی پس‌از داود وسلیمان که هم مقام سلطنت و هم‌عنوان نبوت داشتند، بازماندگان‌یاوارثان تخت وتاج ، جنبه روحانی وپیشوائی دینی راازکف داده ، غرورو‌بلندپروازیهای‌ناشایست ودژکامی تحمل‌ناپذیری را آغاز نهادند. هرتیره وشاخه‌ای ازقوم ، خودمختاری پیشه‌نمود وشاهی‌برگزید وهمچنین آنچه از تورات برمی‌آید ، کاهنان درمقام ومنصب دینی باتعصب وسختگیری بمردم روشی نکوهیده داشتند و بدانچه خلاف منطق و فلسفه دین موسا بود گرویده ، دیوانه‌وار از اصول بیگانه گردیدند و برای نگهداری پرستیژ رهبری وپیشوائی خود بنام پرستش یهوه ، به تجمل‌پرستی وتوانگری درانباشتن زر وسیم وگسترش‌مالکیت زمین ازراه زورگوئی و به جبرستانی از زیردستان خودی وبیگانه یا همسایه ، سرانجام خداپرستی جایش را به‌خودپرستی دادکه‌گزارش آن در کتاب « داوران » تورات آمده است .

درکتاب اشعیاء نبی میخوانیم که او درباره پادشاهان‌درخواب دیدکه — «ای‌آسمان بشنو وای زمین‌گوش‌بگیر ، زیرا خداوند سخن‌میگوید : — پسران پروردم وبرافراشتم، اما ایشان بمن عصیان ورزیدند . گاو مالك خویشرا والاغ آخور صاحب خودرامیشناسند،

اما اسرائیل مرا نمیشناسد وقوم من فهم ندارند. وای برامت خطاکار وقومیکه زیر بار گناه میباشد. اگر یهوه صابوت، بقیه اندکی برای ماوا نمیگذاشت، مثل سدوم (شهرلوط) میشدیم ومانند عموره میگشتیم. ای حاکمان سدوم، کلام خداوند مرابشنوید و ای قوم عموره، شریعت خدای ماراگوش بگیرید. خداوند میگوید:

«ازکثرت قربانیهای شمامراچه سوداست؟ ازقربانیهای سوختنی‌قوچها وپیه‌پرواریها سیر شده‌ام وبخون‌گاوان وبره‌ها وبزها رغبت ندارم».

ازاین گفته‌ها چنین برمیآیدکه رهبران یهود یا باصطلاح انبیاء (آگاهان رموز) و فقیهان حقیقی‌کیش موسوی؛ بفلسفه اقتصادی واجتماعی دین خودپی‌برده وفهمیده بودندکه قربانی‌گاو و گوسفند دردوره بیابان‌گردی درراه یهوه بمنظور خودداری ازکشتاردامها برای مصرف‌گوشت آنها وافزون شدن‌گله ورمه قوم بوده، درآن دوره آزادی درکشتار دام وخوردن‌گوشت محدود بود، مگر درراه ادای نذر به پیشگاه یهوه، آنهم درروزهای مخصوص، حیوانی باشرایط ونشانیهای ویژه‌که نادر بود؛ قربانی میشد و ازگوشت آن بهره‌مند میشدند.

موسا دردوره سازندگی قوم بود وآنها را برای بردباری هرگونه رنجی بـه امید پیروزی واپسین آماده مینمود آنها راورزش میداد، روزها گرسنه‌وتشنه میماندند ـ به‌آنها سختگیریها میکرد تامردمی سخت‌کوش، زمخت وخویشتن‌دار بارآیند و نیروی اقتصادی قوم درگله ورمه‌داری قوی‌گردد، زیراجائی برای ماندن‌وکشت وبرداشت کردن نداشتند. موسا نمی‌خواست درقربانی دامها بنام یهوه تندروی شود، زیرا دراینکارهم شرایط سخت بود.

چنانکه خوی هرقوم زبون وخواری‌که بارسیدن به‌ناز و نوا در هرکار تند روی و فزون‌خواهی را شعار خود میسازد و استقلال برای قوم ندیدبدیدگویااثر مست‌کننده‌دارد که‌آدم بی‌ریشه وثبات رااز‌راه بدرمیکند وگمراه میسازد، دراین هنگام است که‌احساسات برخرد چیره میشود ـ «کنندآنچه راکش نباید بکار».

بیجانیست‌یادآورشوم‌که ـ روش‌مسلمانان نیز درانجام‌قربانی درخورسنجش واندیشه است. به درستی دانسته نیست‌که تا پیش از رفورم مراسم حج بفرمان محمد (ص) رفتار حج گذاران دوره جاهلیت‌چگونه بوده وبا تنگدستی و بینوائی بت‌پرستان جزیره، مراسم قربانی ازحیث‌کمیت چطور بر گذارمیشده است؟ زیرا در آن زمان استطاعت شرط نبوده است. اما از داستان نذر عبدالمطلب نیای محمد درقربانی پسرش عبداله‌که بجای اوصد شتر قربانی شد تا خشنودی هبل بت بزرگ حاصل‌گردد ودرگفتارپیشین‌گزارش‌آن داده

شد، بخوبی پیداست که عرب بت‌پرست تاچه اندازه پای‌بندعقیده خرافی بخدایان‌خودساخته خویش بوده ، ولی‌آیا دردوره نورانی علم وحکمت‌قرآنی‌توحیدهم،همان رفتار عهدجاهلیت رواست ؟ بویژه اینکه جمعیت آن روز ومحدودیت مشرکین نسبت‌بجمعیت کنونی‌مسلمانان که بیش ازچهارصد ملیون است قابل مقایسه نیست وسالی صدها هزار دام از گاو، گوسفند وشتر درمراسم حج قربانی میشود آنهم درجهانیکه دچارکمبودمواد خوراکی‌است وملیونها ازمردم ، دسترسی به‌گوشت ندارند وگرسنه بسرمیبرند و این دامهای قربانی که خوراك یکساله شهری بزرگست بدون استفاده ازگوشت آنها پس ازکشتن نابود میشوند! آیا در عصرما این کاربیهوده شایان تجدید نظرنیست ؟ وآیااین سرمایه هنگفت که‌میتواندانگیزه کار وتامین زندگی هزاران بیکار درشهرهای اسلامی بشود بدون اینکه این‌سرمایه کاهش یابد،چه هرسال برآن می‌افزاید،چه نیکوکاری‌ها که مایه خشنودی خالق است، بدین‌وسیله درباره خلق خدا میتوان کرد؟ !!.

باری ـ اززمینه کمی دورافتادیم ـ این کتاب(اشعیا) وکتاب «ارمیا» شناسنامه یهود پس از «موسا» است . خوی خشن ، رفتارزشت ، آزمندی به گردآوری زر وگوهر ودست اندازی به‌کشتزارها وتنخواه همسایگان ، خونخواری وتجاوز به ناموس واموال‌دیگران، انگیزه پراکندگی وازهم گسیختگی رشته یگانگی وخویشاوندی یهود گردید.

بر افتادن شاهی یهود ـ ویرانی اورشلیم ـ اسارت بنی اسرائیل

بنا به‌کتاب دوم تواریخ ایام ـ بنی‌اسرائیل ومرکزجامعه آنها«اورشلیم»فرمانبردار ودست نشانده دولت مصر گردیده بوده است چه‌گزینش شاه و ولیعهد آنها بسته به فرمان فرعون وقت بوده . واپسین شاهی که بفرمان فرعون بتخت نشست «یهویاقیم» بوده که در این کتاب میگوید :

« درنظر یهوه خدای خود، شرارت ورزید».

پس از استیلای آشوریان یهود به‌زیر فرمان شاهان آشوری درآمد . نبوکدنسر پادشاه بابل ، یهویاقیم را ازشاهی برانداخت وبزنجیر کشیده شده باچندین ظروف طلای خانه خدا به بابل برده شد وپسرش «یهویاگین» بفرمان نبوکدنسر شاه یهود شد . شاهی او نیز باتبهکاریهایش درپیشگاه خدا ناپسند افتاد واسیر شده باظروف گرانبهای دیگر به بابل گسیل گردید . کسان دیگری که بشاهی برگزیده شدند ، بر خدا عصیان ورزیدند ،

خیانت آنها وشرارت قوم همواره درافزایش بود تاخشم خداوند بر آنها افروخته‌شد پادشاه کلدان همه کاهنان ومردم را ازپیر و جوان ودوشیزگان به شمشیر کشت وآنچه از ظروف واثاثه خانه بازمانده بود باگنجها وشاهزادگان اورشلیم به اسارت رفتند. خانه خدا را نیز بآتش کشید ، باروی شهر را ویران کرد ، قصرهارا آتش زد، ۵٤۰۰ پارچه ازظروف طلا ونقره که بازمانده بود، با کاهنان وکسان دیگر که جان بدربرده بودند اسیر وبه‌بابل روانه شدند .

آزادی یهود و بازگشت باورشلیم بفرمان شاهنشاه پارس

هفتادسال دوره اسارت یهود بازیردستی وبیگارگی وبردگی‌سپری گردید که خسرو (به‌لهجه یهود کورش) کبیر شاهنشاه کیانی پارس، بابل راگشود ویهودرا اززبونی وخواری اسارت بدرآورد. درکتاب «عزرا» سرگذشت آنان‌چنین است :

«درسال اول، کورش پادشاه‌فارس ـ (تاکلام خداوند بزبان ارمیاکامل‌شود)خداوند، روح‌کورش پادشاه فارس را برانگیخت تادرتمامی ممالک‌خود ، فرمانی نافذکرد و آنرا نیز مرقوم داشت وگفت : کورش پادشاه فارس چنین میفرماید :

« یهوه خدای آسمانها ، جمیع ممالک زمین رابمن داده ومرا امر فرموده است‌که خانه‌ای دراورشلیم‌که «یهودا» است بنانمایم ـ پس‌کیست ازشما قوم‌اوکه خداش‌باوی‌باشد. او به‌اورشلیم‌که یهودا است برود وخانه یهوه راکه‌خدای اسرائیل وخدای حقیقی است‌در اورشلیم بنا نماید» .

این نکته در تاریخ ما روشن است ودیگرانهم تایید کرده، سنگ نبشته‌هانیز گواهی میدهند‌که طبقهٔ دوم خاندان سلطنت کیانی درپارس رایونانیان اکیان‌**Achaeans** وبشکل دیگر اکیامندز **Achaeamenedes** می‌نامیده‌اندکه معنی‌کیامند یاکیامنش میدهد و مردم باختر ایران آنروزکه سامی نژادبوده، به‌لهجه خود هخامنش گفته ومینوشته‌اند ودر هنگام‌گشایش بابل ۱۲ قرن ازعصر واقعی زرتشت میگذشته و نام آفریننده جهان در دین مزدیسنان زرتشتی، هورمزد ، کوتاه شده (اهورامزدا)برده میشده و پادشاهان پارس فرمان خودرا بنام اهورامزدا آغازمیکردند ولی تورات به‌لهجه خود «یهوه» نوشته گویاخواسته نام خدای حامی‌خودرا اززبان شاه‌بازگوکند واین خوی‌هر قوم‌نادان و ناتوانست‌که همه چیز خوب وآبرومند دیگران رابه‌خود ببندد‌وازآن بهره‌برداری‌کند این است‌که فرمان

شاه راکه صدها برگه تاریخی وجود داردکه همارهٔاهورامزدا عنوان میشده به یهوه تبدیل کرده است .

باری فرمان آزادی کیخسرو زمان یا کورش (Cyrus) در باره یهود محدود نبود، آنها آزاد بودند که به اورشلیم بروند یا دربابل وشهرهای دیگر با حقوق وحدودیکسان بمانند ولی آنچه از آثاثه وظروف خانه قدس درخزانه آشوریان بجامانده بود به آنها سپرده شد وفرمانی صادر گشت که بتوانند بشهر ودیارخود رفته ویرانه‌ها را ازنو بسازند وپرستشگاه را دوباره برپادارند و باآزادی وانسانیت برابر آیین امپراتوری فارس زندگی راازسر گیرند . اما مردم آنسامان بویژه فلسطینیان اصیل بلکه گروهی از خویشاوندان خودشان بدربار شاهنشاهی عریضه‌نگار شده ، نوشتند :

این شهر «اورشلیم» واین اسیرشدگان کانون فتنه وفساد و شرارت است باز بنای زدوخوردو کشمکش نهادند وهماره نمایندگانی ازدوسوی بدربارفرستاده دادخواهی میکردند، چه این نجات یافتگان میگفتند :

یهوه خدای بنی‌اسرائیل واورشلیم خانه خدا ـ ویژه آنهاست . تنها آنها در دیده یهوه گرامی هستند . درست مانند عربها که محمد وقرآن را ازآن عرب دانسته ، خود را از دیگران برترمیشمردند وسرور مسلمانان میدانستند وهمه‌جورزشت‌کاری ودژکامی رابه خود اجازه میدادند. یهود نیز همین خودبینی را داشته ازکنار دریای سفید تا کرانه فرات را مال خود میدانستند ولی عرب دو امپراتوری رم وایران را ارث‌پدری پنداشتند و ازجبر تاریخ غافل بودند.

اگر شاه ایران یهود را آزادی وپروانه زندگی نوین نداده بود ، بسا که امروز بیش ازکلده وآشور نام ونشانی درتاریخ نداشتند . این قوم که زیرسایه همایون‌شاهنشاهی ایران باآزادی ویکسانی حقوق میزیستند ، درداستان معاشقه خشایارشاه با استر (دختر زیبای یهود) نقشه و دسیسه خائنانه‌ای چیدندکه در یك روز هزاران تن ایرانی با هیئت وزیران نابودگردند ، هنوز هم سالروز آن ماجرای رسوارا جشن میگیرند. اگرازآنها که بفلسطین رفتند بتوان چشم‌پوشی کرد، چرا بایدگروهی که ۲۵۰۰ سال است در ایران با مسالمت وبرابری حقوق پذیرفته شدند وبدرستی ایرانی شده زبانشان نیز پارسی است، درگرفتن چنین جشن توهین‌آمیزی به‌ایرانی ؛ اقدام‌کنند ؟ شگفت‌تر اینکه در آغازدوره رضاشاه‌پهلوی کبیر که از آزادی وگشایش بیشتری درزندگی برخوردارگشتند ، داستان افسانه‌نمای عشقی استرمردخای را نمایش میدادند ،گویا بـا اینکار میخواستند ناسپاسی و پیمان‌شکنی تاریخی خودرا یادآورشوند؟ چرا باید پول اینکشور را بنامهای گوناگون

بقیه در صفحه ۵۸

حبیب اله فرازمند

زرتشت نامهٔ منظوم (۲)

بعـهـد پیـام آور راستـین — که کاخ اشوئی بنا گشت ودین
وزان پیش کآئین بگیرد فروغ — شود چیره نیکی به ریوو دروغ
به مردم نشان از اشوئی نبود — کسی را به کس نیکخوئی نبود
بهر جا جدائی پدیدار و جنگ — وزین دشمنی‌ها دل خلق تنگ
نه آئین نیکی نه رسم صفـا — نه امید رستن ز مکر و دغـا
تن مردمان خسته از فقر نان — روانهـا ز بـی‌دانشی ناتـوان
همه خلق با رنج و غم آشنا — ز احوالشان بی خبر اغنیـا
یکی محتشم گشته با ظلم و زور — وز انـدیشهٔ ناتوانان بـدور
یکی منعم از فقر برزیگران — بمکنت جدا مانده از دیگران
گروه توانگر خداوند گنج — دگر مردمان را ستم بود و رنج
در آن روزگاران نـاباوری — نبد رسم خود کامگان یـاوری
گروهی بدام توحش دچـار — جدا مانده از رسم شهر و دیار
بیابان نشین مانده و کینه‌خواه — ز تاراجشان زندگی‌هـا تباه
فساد و تباهی از این دسته بود — ز بیدادشان جسم وجان خسته بود
همه اهرمن کیش و گم کرده راه — نه بر کار خوددیده چشمی گواه
پرستندهٔ دیو و اصنام خود — فرو مانده در کار و فرجام خود

بهنگام قربانی از بیم جان — بکشتند گاوان مراین جاهلان
نبستند گاوان به شخم و به‌خیش — نه در بند کشت و نه در بندخویش
بدینگونه احشام نقصان گرفت — وزان، قحطی وفقر بنیان گرفت
غذاشان ز یغمای زحمت کشان — وز آنان که‌چون‌مورروزی کشان
نه عادت که مأوا به شهر آورند — نه کشتی وزرعی که سودی برند
گروهی بدینگونه بد کیش ورای — پرستندهٔ دیو و ریو و هوای
گروهی ازاین‌شیوه گردانده‌روی — به‌شهر و به‌شهریگری کرده‌خوی
بهم یار در کار و سر گرم کشت — نیالوده خود را بکردار زشت
بیابان رها کرده سر گرم کار — به بهروزی خویش امیدوار
ستوران و احشام این مردمان — ز تیمار افزون شدی هر زمان
بکشتار گاوان نیالوده دست — جدا گشته از دسته بت پرست
پرستشگر ماه بودند و مهر — ستایشگر آتش خوب چهر
به آب و به باران نظر بودشان — که خود آب و باران بر آسودشان
بدلشان گرامی بدی خانمان — که از خانمان ماند زیشان‌نشان
چه سود آنکه ازجهل نابخردان — جهان بود تیره کران تا کران
در این دوره آسودگی‌مرده بود — که تنها به مردن تن‌آسوده‌بود



بدینگونه‌عصر جفابود وجنگ — بکام کسان آب صافی شرنگ
ز دلها برون رفته نیکی و مهر — ستم پیشه گردون و ظالم سپهر
به ناگاه رخسار جنگی سیاه — پدید آمد و هستی آمد تباه
که‌درمرز«توران»و«ایرانزمین» — بر آمد نبرد و بپا گشت کین
جوانان و پیران رها کرده کار — بسیجیده گشتند بر کارزار
در آن نوجوانان نو خاسته — به ابزار پیکار آراسته

جوان برازنده‌ای بود و گرد
بهنگام پیکار چالاك و چست
همو بود «زرتشت اسپیتمان»[1]
کز آغاز درد آشنا بود و دید
زیکسو رخ مردم از فقر زرد
نه تاب تحمل دراو مانده بود
فرو رفته درخویش و اندیشمند
ز بند هوا ، مستی و دشمنی
نپائید جنگ و بپایان رسید
بهر گوشه جمعی پریشان و زار
غم نان و زخم تن و بیم جان
بدین رنج و حرمان که «زرتشت» دید
بر آن شد که بر زخم درماندگان
جوان بود و هر جا قدم می‌نهاد
که درخردی از دانش روزگار
بدینسان به پندار او چیره شد
دراینـدوره «زرتشت» نیکو خصال
که‌ازجنگ «توران» بر آسود و زود
چو درخانمان آمد و خانه دید
چو خورشید رخسار مادر بدید

که‌از همگنان گوی سبقت ببرد
فلك برق تیغش بمیدان نجست
ز پشت «پوروشسب»[2] مه‌خانمان
به‌هستی «بد» و «نیك» آمدپدید
دگرسو دل ازجنگ وغارت بدرد
نه میشد که غافل ز مردم غنود
که مردم چگونه رهاند زبند
وز اندیشهٔ زشت اهـریمـنی
وز آثار شومش کمرها خمید
گروهی تن افسرده از کارزار
بدینگونـه آمد توان ناتوان
دلش گرم و خونین بغم درطپید
نهد مرهم و شادی آرد به جان
دلی میشد از مهربـانیش شاد
چنان عالم آمد که آرد بکار
فروغی که جانهااز آن خیره‌شد
جوان بود ودرعرصهٔ بیست سال
بدیدار خویشان خود رو نمود
دلش غرق شادی بشادی طپید
بشد خیره، خورشید دربر کشید

دنباله دارد

---

۱ – Spitman نام قبیلهٔ پدری اشو زرتشت است .
۲ – Porushasp نام پدر اشوزرتشت .

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

(۲)

روحانیان ازشاخه‌های زرین گیاه هوم ، شیره کشی کرده و باافزودن چیزهائی بدان نوشابه‌ئی فراهم میکردند که درمراسم مذهبی نوشیده میشد . گیاه هوم گیاهی بوده دارای خواص درمانی وطبی ودر اوستا سرورهمهٔ گیاهان اهوراآفریده ونیك میباشد وبهمین‌سبب است که تشخص یافته ودرمفهوم‌ایزدی ، یعنی گیاهی مورد ستایش درآمده است . این‌مفهوم دربیانی غنایی وشاعرانه ، چنین‌آمده است:

ستایم ابرها وباران راکه پیکر تورا به‌بالاندبر فراز کوه ، ستایم آن قلهٔ کوهی که تو درآنجا برویدی ای هوم . ستایم زمین فراخ پهن کار- فرمای بخشایشگر دربردارندهٔ تورا ای‌هوم پاك ، ستایم سرزمینی راکه تو ازآنجا بسان یل گیاههای خوشبو وگیاه خوب‌مزدا میرویی ، ای‌هوم بروی بر زبر کوه ونموکن درهمه جا ، بدرستی تویی سرچشمه راستی.[۱]

هنگامی که موبدان‌وروحانیان درکار فراهم کردن وبدست‌آوردن عصارهٔ هوم‌میباشند، ودرروزگاران کهن که مراسم ستایش ونیایش برای‌این گیاه مزدا آفریده برپا میداشتند ، این‌چنین سرودهایی رازمزمه میکردند ومیخواستند تااین گیاه درمان‌بخش‌وشادمانی‌افزا ببالد ، رشد ونموکند وبسیار فراوان گردد. درهرخانواده‌ئی ومیان هرخان ومانی که هوم وجود داشت ، بیماری ومرض نابودمی‌شد. هرچند نوشابه‌یی که ازهوم فراهم میشد، مستی آوربود، اما درآن مستی خشم وبیخودی وجودنداشت، سروری بود اهورائی ، چون‌هوم نشاط وسرور سالم همراه داشت وبه‌تن مؤمنان درستی وسلامت می‌بخشود. مطالعه در متن «هوم‌یشت» این معنا رابروشنی آشکارمیسازد .

هوم گیاهی بوده است که افزوده برخواص مستی‌آورش ، دارای‌ویژه گیهای‌فراوانی

۱ - بند ۳-٤

بوده در درمان بسیاری از بیماریها . چون دارای چنین خواصی بوده ، آنرا گیاهی ایزدی و مزدا آفریده پنداشتند و بر آن شدند که چون گیاه مقدسی است بایستی بوسیلهٔ روحانیان شیره‌اش فراهم شود وبااعمالی مذهبی همراه باشد تا اثرات درمان‌بخش آن‌دو چندان گردد و برای تأثیر بیشتر هنگام پالایش برای آن مراسم پدیدآمد ، چون عنصری مقدس پنداشته میشد وکم کم وی رابموجب ویژه گیهای نیکش تشخصی بخشیدند و ستایش کردند وقدردانی وعواطف خودرا بدینگونه ابرازداشتند . گرایندگان در نیایشش چنین میگفتند :

ای هوم مرا از آن درمانهایی ده‌که توازآنها درمان‌سازی ؛ ای‌هوم مرا از آن پیروزیهایی ده‌که تو از آن دشمن را شکست دهی. خواستارم که دوست و ستایشگر تو باشم ، یك دوست ستایشگر را دادار اهورامزدا بهتر خواند چنانکه اردیبهشت را. تو راای دلیر آفریدهٔ دادار ، بغ‌صنعت گری ساخت تورا، ای دلیرآفریدهٔ دادار بغ صنعتگری برالبرز فرو نشاند[1]

پس خداوند برای نخستین بار هوم رادرقلهٔ البرزکوه پدیدآورده دنبالهٔ مطلب‌چنان است که دانهٔ هوم بوسیلهٔ پرندگان منتشر گشت ودرکوههای بلند این گیاه اهورائی‌روئید، گیاهی که زرگون است ودارای خواص درمانی فراوانی است . ستایندگان از این گیاه درخواست میکردند تامنش بد ، دروغ وخشم وبدگوئی راازآنان برانند ، چون‌هوم گیاهی اهورائی بود وطبعاً بنابراصل فلسفی آئین زرتشتی لازم می‌آمد تاباتمام نیرو برضدزشتی وپشتیبان نیکی باشد. ازسوئی دیگر چون دارای چنان خواصی بود ، مردم معتقدبودنددر هوم نیرویی ایزدی موجود است وبدین سبب درهیأت ایزدی وی را تشخص بخشیدند .

هرکسی بآزادی حق نداشت تادرمراسم فراهم کردن شیرهٔ هوم‌حاضرباشد ، بویژه همه‌کسان نمیتوانستند ازنوشابهٔ هوم بآزادی بنوشند. درمقاله‌های تشتر وبهرام‌ایزدملاحظه گشت که حق استفاده ازفدیه ومیزد تنها ازآن‌مؤمنان‌است، درهوم یشت نیز این‌امرتصریح شده است .

نباید از برای من آنانی که ازآن هوم نوشیدند بدلخواه خود مانند گاو درفش [= درفش کاویانی Gtansh Drafsha] در جنبش باشند ـ باید آنانی که ازتو نشأه یابند زنده دل پیش روند وورزیده وکار پرداز بدر آیند .[2]

---

۱ - بند ۱۰-۹

۲ - بند ۱٤

هوم فزایندهٔ دانشها ونیکی‌ها وصفات اهورائی است. منش‌درویش آزاده راچون‌آن توانگر میکند. بردانش دانشور می‌افزاید وپهلوانان را ازنیروی بیشتر برخوردارمی‌کند وخرد رامی‌افزاید وبموجب قائل بودن بهمین خواص از برای هوم بودکه چنین قدر و ارزشی داشت.

با توجه بهمین نکات است که میتوان افزوده‌های زرتشتی رابرهوم یشت مشخص کرد قسمت‌هائی ازاین‌یشت که درمراسم قربانی برای هوم وشرایط آن است، از جملهٔ مراسم عصرآریائی پیش از زرتشت میباشدکه ریشه‌هایش درادبیات ودائی روشن است.

فشردهٔ هوم را ننوشیدن ونگاه داشتن فعلی ناشایست بوده است ودرآداب ورسوم، عملی اهریمنی شناخته میشد. بهمین جهت است که هوم کسانی‌راکه فشرده‌اش رانگاه‌دارند، نفرین میکندکه: بی‌فرزند شوی وبه‌بدنامی دچار گردی [۱]

درعهد قدیم آریائی ازبرای هوم ایزد، ایزد موکل گیاهان چون دیگر ایزدان قربانی میکردند [۲] وزبان وشانه وچشم چپ قربانی ازآن ایزد هوم بوده است ودر ودائی نیز بتفصیل ازمراسم قربانی برای سوم Soma گفت‌وگو شده است. اعضائی‌ازقربانی و قسمتی ازآن‌که ویژهٔ ایزد بوده است، محترم‌ومحفوظ‌بوده وکسی راحق‌دست‌درازی‌بدانها نبوده است، چون عواقب بدش دامنگیر وی میشده است.

در همین قسمت از هوم‌یشت اشاره شده است بگرفتاری افراسیاب بوسیلهٔ هوم که داستان دلکشی دارد ودرشاهنامه نیز منعکس شده ودرمقاله‌یی جداگانه از آن گفت وگو میشود. پس از بند هشتم ازیسنای یازدهم، تاپایان این بخش از یسنا، سرودهائی آمده است‌که‌گویا موبدان بهنگام پروردن هوم میسروده‌اند.

در ویسپرد نیز ازهوم بنسبت باتفصیل یادشده است، وآن دربیان‌پیشکش‌کردن‌هوم است به ایزدان وهمهٔ عناصر نیك مزداآفریده‌که بابیانی احساس انگیز سروده شده است و نه‌تنها دراین میان‌گیاه مقدس‌هوم ستوده شده، بلکه همهٔ گیاههای درمانبخش‌ستایش‌شده‌اند ومطالعهٔ این قسمت‌ازویسپرد، جهت معرفت بخواص ونیکی‌ها وکارهائی‌که هوم رابوده است سودرسان میباشد. [۳]

بقیه درصفحهٔ ٥٤

---

۱ ـ یسنا ـ ها ۳/۱۱
۲ ـ شایست ناشایست ٤/۱۱
۳ ـ ویسپرد، کرده۱۱ ۲۱/۱۱-۱

آئینهائی که در روز درگذشت اشوزرتشت برگزار گردید

تهران - روز پنجم دی‌ماه (خیرایزد ودی‌ماه) بمناسبت روز درگذشت اشوزرتشت تمام مؤسسات فرهنگی - اجتماعی و مراکز کسبی و بازرگانی همکیشان تعطیل بوده و در ساعت هشت ونیم بنا بدعوت انجمن محترم زرتشتیان تهران در تالارخسروی گردآمده ودر مراسم مذهبی که باحترام اینروز برپا گشته بودشرکت جستندوپس ازآنکه آئین نیایش‌خوانی انجام یافت موبد دانشمند آقای رستم شهزادی سخنان مشروح ومستدلی پیرامون زندگانی اشوزرتشت وتعالیم این پیامبر بیان داشتند.

درحدود ساعت ده ونیم که این مراسم پایان پذیرفت جمعیت برای حضور درمراسمی که ازطرف سازمان فروهر جوانان زرتشتی درتالار جمشید آبادیان واقع درکاخ فیروزه (آرامگاه) برقرار بود بوسیله اتوبوسهائی که ازطرف سازمان نامبرده آماده شده بود بدانسو روانه گشتند و پس از پذیرائی مراسم نیایش خوانی باحضور عده کثیری آغاز گشت نخست آقای موبد اردشیرآذرگشسب با بیانی شیوا زندگانی وتعالیم این پیامبر را برای حضار تشریح نموده رعایت آداب ورسوم مذهبی رادرموارد مختلف گوشزد نمودند.

سپس آقای خسرو باستانی با بیانی مؤثر وپرحرارت قصور افرادرا دربرابر وظایف اجتماعی که برعهده‌دارند یادآور شدند آنچنانکه شنوندگان راتحت تأثیر قرارداد. این مراسم درساعت ٤ ونیم بعدازنیمروز پایان یافت.

برابر گزارشهای رسیده از یزد- کرمان - شیراز- اصفهان - اهواز وتمام‌دهات‌زرتشتی نشین یزد درروز پنجم‌دیماه مجالس نیایش‌خوانی وسخنرانی برپا گشته وباحترام‌اینروزتمام مؤسسات فرهنگی واجتماعی وکسبی نیزتعطیل بوده است.

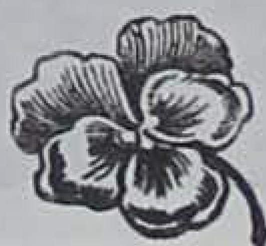
از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

بیاد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷

سالروز رفع خطر از شاهنشاه آریامهر

آن خدایی که کند گر آهنگ — شیشه را حفظ کند دردل سنگ
شاه را کرد هدف بدخواهی — تا کند روز وطن را شبرنگ
از خدا بی‌خبری بود یقین — جانی و تیره دل و بی فرهنگ
شد جهان در نظر ایرانی — از چنین حادثه یکمرتبه تنگ
باز خرسند و خرامان گردید — خورد چون تیر خطاکار به‌سنگ
گشت خوشنودی اطفال یتیم — سپر تیر تبه‌کار زرنگ
حافظ شاه خدا می باشد — شد رهانندهٔ شه از نیرنگ
معجز آسا ز خطر گشت رها — شد جهان در نظر خائن تنگ
هر که باور بخدا می دارد — دامن آلوده نسازد با ننگ
چون ترازو بود آرامش ما — اندر آن شاه بود چون شاهنگ
شکر از رفع خطر باید کرد — شد هناهای خیانت بی رنگ

همچو (سرباز) کند ایرانی
هرزمان بابدی وپستی جنگ



سالگرد کتابخانه اردشیر یگانگی

بنا بدعوت انجمن زرتشتیان تهران عدهٔ زیادی از دوستداران فرهنگ و کتاب و همکیشان در ساعت شش بعد ازنیمروز یکشنبه دوازدهم دیماه درمحل کتابخانه حضور بهم



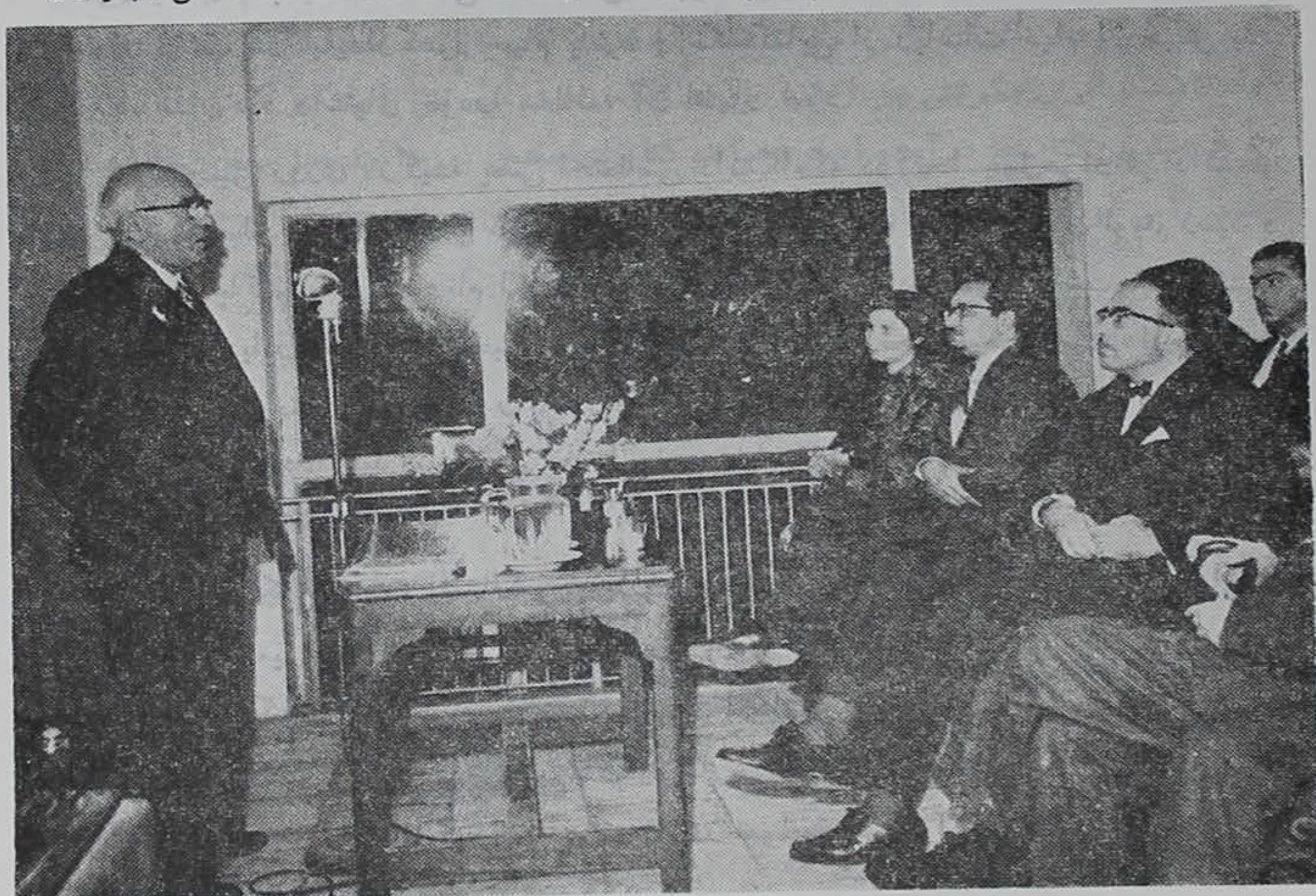
رسانیده در مراسم برگذاری سالگرد کتابخانه شرکت جستند.

نخست جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم ورئیس انجمن زرتشتیان تاریخچهٔ تأسیس کتابخانه و آمار مراجعین و کتابهای اهدائی را بیان داشتند (شرح آن جداگانه درج گردیده است).

آنگاه جناب آقای سناتور دکتر صدیق طی بیاناتی مشروح ومستدل مقام خیام رادر جهان برای حضار تشریح فرمودند که خلاصه‌ای از آن چنین است:

نخست به ستایش از خدمات فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان پرداخته و از آماری که جناب آقای سناتور گیو راجع به فارغ التحصیلان از مؤسسات فرهنگی زرتشتیان بیان داشته بودند اظهار مسرت وقدردانی نمودند وآنگاه چنین ادامه دادند:

زرتشتیان درهر جا هستند منشأاثر کارهای نیك وسودمند اجتماعی هستند کما اینکه درچند سفر بهندوستان شاهد وناظر خدمات وسیع اجتماعی وآثار نیك اینگروه خدمتگذار بوده وبهمین جهت بسیاری از خیابانها بنام نیکوکاران این جماعت نامگذاری شده است و همچنین مجسمه‌هائی از این رادمردان درمیادین بچشم میخورد. مبالغه نیست اگر بگویم که مؤسسه مطالعات وتحقیقات اتم واتم‌شناسی تاتا (پارسیان) درهندوستان وسعتش از بسیاری



از دانشگاهها بیشتر است کما اینکه درضمن ملاقاتی حضرت دکتر پراساد رئیس جمهور آنروز هند در تعریف از خدمات وفعالیت پارسیان فرمودند « صدوبیست‌هزار نفر پارسی برای ما ازیکصد وبیست‌میلیون نفر بیشتر ارزش دارند» خلاصه آنکه زرتشتیان درهمه جا منشأ اثر کارهای خیر ونیك بوده وهستند .اینك باصل موضوع یعنی راجع بمقام خیام در جهان میپردازم .

در جهان سه اثر پارسی شهرت ودوستداران‌فراوان دارد یکی کتاب‌کلیله ودمنه‌است که درزمان انوشیروان دادگر از هند بایران آورده شد و پس از ترجمه بزبان پهلوی چند فصلی هم برآن افزوده گشت ودیگر کتاب هزار افسان است که ازپهلوی بعربی ترجمه وبنام الف‌لیل بجهان عرضه شد وسوم رباعیات خیام میباشدکه امروزه درجهان‌خوانندگان ودوستداران فراوانی دارد برای نمونه دوگواه بیاددارم .

روزی برای بازدید ازکتابخانه‌کنگره بواشنگتن رفته بودم یقیناً نام این‌کتابخانه راشنیده‌اید این‌کتابخانه درآنزمان متجاوز ازپنج‌میلیون جلدکتاب داشت ویقیناً در حال حاضر ازدو برابرهم تجاوزنموده‌است پس‌ازملاقات بارئیس‌کتابخانه دستورداد معاونش‌مرا دربازدید ازکتابخانه راهنمائی‌کند شخص نامبرده چون استنباط نمودکه من ایرانی هستم اظهار داشت شما بایدازکشور خیام باشید وآنگاه‌کتابی از رباعیات خیام از جیبش بدر آورده نشان داد واشتیاق خودرا بمطالعه آن اظهار نمود.

همچنین روزی درگیشه پستی اختصاصی دانشگاه‌که درآنجا چهل‌هزارنفر دانشجو سرگرم تحصیلند برای دادن پاکتی درردیف مراجعین ایستاده بودم وچـون نوبتم رسید و مأمور پست پاکتم راگرفت ونام ایران را برآن‌خواند بالبخندی‌اظهار داشت شماازکشور خیام هستید وباارائه رباعیات خیام اظهار داشت واین‌است‌آنچه‌که من‌دوست دارم وآنرا مطالعه میکنم وحتی چند رباعی رابحفظ خواند وسپس افزودکه درآینده‌برای دادن‌پاکت از دور دست خودرا بلندکنم ودیگر منتظر نوبت نباشم با این علامت فوراً کارم را انجام میدهد.

در امریکا مؤسسات انتشاراتی بسیاری هستندکه سالیانه رباعیات انگلیسی خیام را چاپ وبفروش میرسانندکه هریك ۲۵۰ هزارنسخه هم‌کمتر نمیباشد.

اما سرگذشت مترجم وسراینده رباعیات انگلیسی خیام نیز شنیدنی است یقیناً می‌دانید رباعیات خیام توسط عده‌ای بزبانهای خارجی ترجمه شده است وحتی چند نفر به‌انگلیسی ترجمه نموده‌اند اما ترجمه‌ای‌که امروز خواص وعوام آنرا دوستدارند سروده و ترجمه فیتزجرالد است.

فیتز جرالد که هنگام تحصیل درکامبریج بزبان پارسی آشنا گشت وخود دارای مرام وعقیده‌ای همانند خیام بود باآنکه چند اثر فارسی‌را بانگلیسی برگردانیده بود معهذاچندان برایش لذت‌بخش ننمود تاآنکه روزی از استاد خود نسخه خطی ازرباعیات بدستش‌رسید (در این‌هنگام بوسیله سلاید فیتزجرالد ونسخه خطی رباعیات خیام بحضارنشان داده شد) وبامطالعه آن گمشده خودرا یافت وآنرا بانگلیسی درپیکره شعر درآورد و در دفعه اول که آنرا توسط ناشری بدون معرفی سراینده بچاپ رسانید بناکامی فرجام یافت زیراکسی بخریدش روی خوش‌نشان ندادکتابی‌که ده ریال ارزش داشت به‌یکریال‌هم‌نخریدند وجزء اوراق باطله درآمد.

چند سالی گذشت ویکی ازروزها شخصی درکنار خیابان یك نسخه از این‌کتاب را خرید وپس از مطالعه دوستان خودآقای‌روزنی وسوین برن رابوجود چنین کتابی‌مستحضر نمود وطولی نکشیدکه برای خرید این‌کتاب بجستجو پرداختند ولی بآسانی وببهای نازل میسر نگردید وبالاخره ازهمین جا فیتزجرالد را اقبال روی نمود و همین آقایان بدنبال سراینده بجستجو پرداخته وچون علاقه داشتند مترجم وسراینده آنرا بشناسند نسخه‌ای از رباعیات رابه راسکین نویسنده مشهور انگلیسی نشان دادند و مشارالیه هم شیفته این اثر ارزنده گشت وبکمك دوستان خود شتافت تاآنکه‌پس ازده‌سال جستجوفیتزجرالد راشناختند ودر انتشار اثرش بکوشش پرداختند تاآنجائیکه امروز شهرتش جهانگیر گشته و در ردیف پرفروشترین کتاب‌ها درآمده است وهمانندکتابهای مقدس در خانواده‌ها حفظ ومطالعه می‌شود .این بود اندکی ازتاریخچه‌ترجمه وانتشار رباعیات خیام‌درجهان.

بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور محترم و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی

جناب آقای دکتر عیسی صدیق سناتورمحترم.

بانوان وآقایان ارجمند از اینکه بذل عنایت فرموده دعوت انجمن زرتشتیان را قبول و برای شرکت در مجلس سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی تشریف آورده‌اید اظهار تشکر و سپاسگذاری مینماید.

بطوریکه خاطر حضار محترم مستحضر است خوشوقتانه انجمن زرتشتیان تهران بپاس انجام وظیفه دینی وملی وبمنظور خدمت بفرهنگ کشور وآموزش وپرورش نونهالان وفرزندان این آب و خاک که از ۵۹ سال پیش تاکنون بتأسیس دبستانها و دبیرستانهای دخترانه و پسرانه وکودکستان توفیق یافته و در این مدت از آموزشگاههای زرتشتیان ۵۲۸۱ نفر دختر و۵۶۶۱ نفر پسر ایرانی باخذ گواهینامه رسمی نائل شده‌اند که اکثراً امروزه شاغل مقامات عالیه کشوری و لشکری و از شخصیت‌های مفید و خدمتگذار کشور



شاهنشاهی میباشندکه موجب افتخار وسرافرازی است.

نظر باینکه انجمن زرتشتیان تهران بمنظور تکمیل خدمت فرهنگی ونشر و توسعه بیشتر دانش و بینش ازسال های پیش درفکر تأسیس کتابخانه برای استفاده عمومی بوده.

خوشوقتانه در۸ سال پیش سرکار بانوفرنگیس یگانگی‌دخت روانشاد ارباب کیخسرو شاهرخ و همسر روانشاد اردشیر یگانگی که از مردان خیر و دهشمند و نیکوکار زرتشتی بوده‌اند بانجمن زرتشتیان پیشنهاد نمودکه حاضر هستندکتابخانـه‌ای بنام روانشاد همسر گرامیشان برروی زمین ملکی انجمن زرتشتیان تهران‌که متعلق بجماعت زرتشتی است‌بنا شود ازاینرو درخواست ایشان با خوشوقتی مورد قبول واقع ودرجزو ساختمانهای جدید انجمن ساختمان این‌کتابخانه نیزکه ملاحظه میفرمائید برروی ۲۰۹ مترمربع ازاراضی ملکی بمبلغ ۷۹۴۰۰۰ ریال بنا و بنام‌کتابخانه اردشیریگانگی نامگذاری گردید و امید است این‌کتابخانه با مساعدت وکمك مصنفین و مؤلفین و فرهنگ دوستان وخیرخواهان ازکتابخانه‌های بزرگ جهان و موجب استفاده و استفاضه دانشمندان و مطالعه‌کنندگان و چراغ فروزان پویندگان راه دانش و معرفت‌گردد .

ضمناً باطلاع میرساندکه سرکار بانو فرنگیس یگانگی علاوه بر پـرداخت هزینه ساختمان‌کتابخانه اردشیر یگانگی مبلغ ۲۵۷۰۰۰ ریال نیز بـابت تهیه قفسه و میز و صندلی و سایر لوازم وکتب‌کتابخانه پـرداخته‌اندکه موجب سپاسگذاری است و انجمن زرتشتیان نیز از محل بودجه عمومی خود تاکنون جمعاً مبلغ ۵۱۰۴۰۴/۵ ریال بابت هزینه اداری و متفرقه‌وخرید کتاب‌و تجلید وصحافی کتب‌کتابخانه اردشیریگانگی پرداخت نموده است.

تعدادکتاب موجوده.

این‌کتابخانه تا امروز دارای ۶۸۷۸ جلد کتاب ومجلات بزبان فارسی و لاتین و زبانهای دیگرمیباشدکه ازاین عده کتاب تعداد۲۵۱۴جلد آنرا سرکاربانو منوچهرهومجی که یکی از پارسیان بنام و محترم و روزنامه نگارهند بـوده بکتابخانه انجمن زرتشتیان تهران نیازنموده‌اندکه آمرزش روان منوچهر هومجی و پاداش نیك بانوی خیراندیش و نیکوکارشان را ازخدای بزرگ خواستـاریم .

بعلاوه برای اینکه ذکر خیری‌ازدهش کنندگان کتاب شده‌باشداسامی‌اهداءکنندگان کتاب از اول دیماه ۱۳۴۴ تا دیماه ۱۳۴۴که جمعاً ۳۶۳ جلدکتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده‌اند بشرح زیر میباشد ضمناً باطلاع میرساند بطوریکه درگزارش سال پیش سـالگردکتابخانه یگانگی‌باطلاع حضارمحترم رسیده‌در۷ سال گذشته نیزتعداد۴۰۲۲

جلد کتاب ازسوی فرهنگ پژوهان بکتابخانه یگانگی اهداء گردیده است . اینك اسامی اهداءکنندگان ۳۶۳ جلد کتاب درسال اخیر.

کتابخانه آبرام‌لینکلن	۸۸جلدکتاب و۸٤ شماره مجله
آقای منوچهر لهراسب	۶۱ « «
« اردشیر فرهادیه	٤۸ جلدکتاب
« جهانگیر موبد	۳۹ «
« پرویز یگانگی	۲۲ «
جناب آقای دکتر اسفندیاریگانگی نماینده‌محترم مجلس	۲۱ «
بانو روشن روان	۱۹ «
« مروارید موبد	۱۶ «
آقای خسرو سترگی	۱۱ «
بانو فرنگیس یگانگی	۱۰ «
« کتایون اسپنتمان	۹ «
آقای انوشیروان ساسانی	۹ «
انجمن محترم پارسی پنچایت	۸ «
آقای مهربان مهر	۶ «
« اردشیر ساسانی	۶ «
« شجاع‌الدین شفا	۵ «
بانو مهین لهراسب	٤ «
آقای دکتر ایرج بهروزی	٤ «
بانومهین بهروزی (فرخزاد)	۳ «
« فیروزه بهروزی	۳ «
یکنفر ناشناس	۳ «
آقای افلاطون شاهرخ	۳عدد کلیشه بزرگ عکس اشوزرتشت
انجمن زرتشتیان تهران	۳ جلد کتاب
بانو خانم بهزادیان بنامگانه روانشاد دکتر شهریارسلامت	یك جلد کتاب نفیس و۹شماره مجله
آقای هورپاس	۲ «
هیربد جمشید کاووسجی کاتراك	۲ «

آقای اسلام ارجمندی ۲ جلد کتاب

بانو پری پیریان و آقایان هرمزد بهروزی ـ فریدون زرتشتی ـ اردشیر جهانیان ـ جهانگیر ایرمیان ـ محمدعلی امیرافسر ـ دکتر جوانمرد ـ سرکار سرهنگ بیگلرپور ـ بهرام عدالت ـ اردشیر فرزانگان ـ باغچه‌بان ـ سرکار سرهنگ دکتر راشیدری ـ رستم ماونداد ـ قاضی مرادی و مؤسسه عالی حسابداری و سازمان فروهر و انجمن فرهنگ ایران باستان هریك یکجلد.

جمع کل ۳٦۳ جلد کتاب و ۱٥٤ شماره مجله.

ضمناً باطلاع بانوان و آقایان محترم میرساند که آقای موبد رستم شهزادی علاوه بر مدیریت کتابخانه همیشه برای راهنمائی مراجعه کنندگان و پژوهندوگان فرهنگ و آئین ایران باستان و کمك بمؤلفین و نویسندگان کتب ورسالات ومقالات و سخنرانیها درکتابخانه آماده بانجام خدمت هستندفعالیت وعلاقمندی ایشان ودوشیزه شهین باستانی کتابدار کتابخانه موجب سپاسگذاری است درمدت یکسال اخیر ۸٦٥ نفر ازبانوان و آقایان برای مطالعه و پرسشهای دینی وفرهنگی بکتابخانه رجوع فرموده‌اند.

درپایان ازطرف انجمن زرتشتیان از هیئت محترم مدیره کتابخانه اردشیر یگانگی بویژه ازسرکار بانوفرنگیس یگانگی اظهارسپاسگذاری نموده پاداش نیك ایشان وروانشادی اردشیر یگانگی همسر گرامیشان را ازپروردگار توانا خواستاریم.

همچنین ازمؤسسات محترم فرهنگی و آقایان و بانوان دانش‌دوست که بمنظورخدمت بفرهنگ وعلم وادب تعدادی کتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده‌اند با تشکر و سپاسگذاری توفیق وکامیابی همگی راخواستاریم.

موقع‌را مغتنم شمرده باردیگرازتشریف فرمائی بانوان و آقایان محترم سپاسگذاری نموده وبا اظهار امتنان و تشکر از جناب آقای دکتر عیسی صدیق که استدعای انجمن زرتشتیان راقبول فرموده‌اند خواهشمنداست بابیانات‌خودحضار گرامی را مستفیض فرمایند

« عاقل به کنار جوی تاره می‌جست»
« دیوانهٔ پا برهنه از آب گذشت»
سعدی

حبیب‌اله فرازمند

تماشای جنون

من ودل هردو، دودیوانهٔ دل باخته‌ایم
وین دل باخته در پای تو انداخته‌ایم
تا توپیداشده‌ئی ، تیغ بهم آخته‌ایم
چشم بگشاکه دو دیوانه بهم تاخته‌ایم
تاتو فرزانه بیائی بتماشای جنون .

در تولای تو جستیم تـولای جنون
این زمان صدر نشینیم بدنیای جنون
تاشدی جلوه گر ازصافی مینای جنون
من و دل هر شبه مستیم زصهبای جنون
تانگوئی که ترا یاروفاداری نیست.

عشق اگر جلوه کند، بارجنون باری نیست
ورجنون چهره کند، هیچ شب تاری نیست
تو مپندار که غیر ازتو دگر یاری نیست
تا جنون هست مرا باتوسروکاری نیست
مابر آنیم که از چنگ جنون وانرهیم.

قصد ما بود که از دست تو زیبا، نرهیم
در خم زلف تو آویخته رسوا ، نرهیم
جاودان در طلبت واله و شیدا ، نرهیم
در فراقت بشکیبیم و شکیبا ، نرهیم
اینچنین بود که فرزانگی ازیاد برفت.

شد جنون جلوه گر وعقل ز بنیاد برفت
بود ونابود من ودل همه برباد برفت
ناله از دست تو و شکوه زبیداد برفت
از دل اندیشهٔ هر قصهٔ ناشاد برفت
مـا رسیدیم بدانجا کـه ترا راه نبود .

اندر آن خانه جنون بود وغم وآه نبود
نالهٔ نیمه شب و گریهٔ گه گاه نبود
خانه‌ای بود ولی خادم و درگاه نبود
ما چه دیدیم در آن خانه؟ کس آگاه نبود
اینچنین خانه بدنیای جنون ساخته‌ایم .

من ودل هر دو، دودیوانهٔ دل باخته‌ایم
وین دل باخته در پای تو انداخته‌ایم
تا تو پیدا شده‌ئی ، تیغ بهم آخته‌ایم
چشم بگشاکه دودیوانه بهم تـاخته‌ایم
تاتو فرزانه بیائی به تماشای جنون.

نوشته و گردآوردهٔ دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

در حاشیه مسافرت جناب آقای هویدا نخست وزیر بکرمان

(۲۲)

در گفتارهای قبل عمده صحبت در باره تاریخ گذشته کرمان ورویدادهای آن سر زمین بود . بمناسبت مسافرت اخیر نخست‌وزیر بکرمان و شهرستانهای تابعه دنباله‌تاریخ کرمان رابه بعدموکول نموده و در اطراف مسافرت نخست‌وزیر بکرمان‌مطالبی‌نوشته خواهد شد.

همانطوریکه میدانید مسافرت نخست‌وزیران به‌استانهای مختلف‌کشور بعد از سال ۳۲ بتدریج جزء برنامه بعضی از نخست وزیران مملکت شده و از نزدیك ضمن بـازدید مناطق مختلف بوضع عمومی و احتیاجات و موقعیت محلی و نواقص آشنا میشوند ومـژده اقدامات مختلفه در شئون مختلف عمران وآبادانی و تخصیص ۲ میلیارد وهفتصد میلیون ریال جهت انجام برنامه‌های‌ثمر بخش خود قدم مفیدی در راه جبران بی‌التفاتیهای گذشته میباشد.

قبل از اینکه بنتایج اصلی این مسافرت بپردازد بدوموضوع اشاره مینماید .

۱ ـ در اواخر مهرماه امسال بـرای انجام مـاموریتی بکرمان رفتـم و پیشرفت کارهائی راکه در شرف اجرا بود خوب دیدم و حتی با تماسی کـه بمناسبت آشنائی قبلی با جناب آقای سعیدی فیروزآبادی استاندار و آقای دکتر برادرشهردار گرفته‌شدفعالیت مخصوصی بچشم میخورد و امیدوار کننده بود .

۲ ـ چندسالی بعقب برمیگرددواز نامه‌ای یاد میشودکه درسال ۳۶ موقع نخست‌وزیری جناب آقای دکتر اقبال ازکرمانشاه در باره کرمان به نخست‌وزیری تقدیم و ایشان نیز بشرح زیر قول مساعد دادندکه عینا نقل میشود .

نخست وزیر

شماره ۲۶۱۷۶ - ۳۶/۹/۱۷ سرکار دکتر جهانگیراشیدری

پیشنهادهائیکه‌ضمن‌نامه مورخ ۳۶/۹/۸ در مورد آبادانی استان‌کرمان ارسال داشته‌بودید

واصل گردید البته هنگام مسافرت باین استان مورد مطالعه و استفاده قرارخواهد گرفت

امضاء نخست وزیر دکتر اقبال

و اما نامه - نامه طولانی است وقسمتهائی از آن که مورد توجه قرار گرفته ویا بمرحله عمل درآمده ذیلا برای اطلاع و استفاده سایر همشهریان نقل میشود .

۳۶/۹/۸

مقام محترم نخست وزیری

با عرض آمادگی خود برای شرکت در برنامه‌های آبادانی حتی بدترین نقاط استان بدینوسیله دو برگ پیشنهادات خودرا جهت آبادانی منطقه کرمان باستحضار رسانیده و موجب افتخار خواهد بود در این‌موقع که هیئت‌دولت قرار است از استان کرمان دیدن فرمایند من هم سهمی داشته باشم و بتوانم در آبادانی کشور و زاد و بوم خود فردموثر و مثبتی باشم .

امضاء دکتر جهانگیر اشیدری

و اینك پیشنهاداتی که در آنروز تقدیم شد .

امروز ۳۶/۹/۸ ضمن اخبار در روزنامه خواندم که قرار است هیئت دولت دومین سفر خود را باستان کرمان انجام و از نزدیك باوضاع و احوال کرمان و نواقص‌واحتیاجات آن آشنا گردند .

برای اینجانب که کرمانی علاقمند بکشور بخصوص بزاد و بوم خود میباشم نهایت مایه خوشحالی خواهد بود و ازآنجائیکه هر فردی تا اندازه‌ای بهتر ازدیگران ازاوضاع و احوال منزل خود اطلاع دارد لذا من هم بنوبه خود خواستم تا آنجائیکه اطلاع دارم نظریات خود را در اختیار بگذارم و اگر نتوانم آنطوریکه لازم است ادای مطلب نمایم بعلت شوری است که در راه آبادانی کشور در دل داشته و دارم و پوزش میطلبم .

عمده خدمت من (البته تاسال ۳۶) در کرمان - جیرفت و رودبار و سیرجان بوده است .

ضمناً از سایر شهرستانهای این استان مثل رفسنجان - بندر عباس - میناب بافت اسفندقه نیز دیدن کرده واطلاعاتی دارد و حتی قسمتی از این سرزمین را با شتر و دوچرخه‌طی کرده‌ام . اینك ضمن عرض آمادگی برای انجام خدمت در برنامه‌های این استان ذیلا نظریات خود را بطور خلاصه بعرض میرساند

۱ - آبادانی هر سرزمینی اول‌موکول بداشتن منابع طبیعی و دوم‌موکول بزحمت

کشیدن مردم وسوم موکول بفراهم بودن شرایط استفاده از آن منابع یعنی امنیت-عدالت مشتری و خریدار - راه - فرهنگ و بهداشت است .

۲ - این استان زرخیز دارای قسمتهای سردسیری و گرمسیری هردو میباشد هم دارای کوهستانهای نسبتامرتفع و معادن ارزنده و زیاد و هم دشتها و جلگه‌های وسیع و قابل است .

در قسمتهای ساردو - اسفندقه - بحر آسمان - بافت و غیره (که مامورین متخصص سازمانهای مختلفه مملکتی در سالهای اخیر بررسی‌های زیادی نموده‌اند)میتوان ازوجود منابع نهفته در زیر زمین استفاده کرد .

در قسمت سرزمین جیرفت و رودبار(که‌هند کوچکش‌نامند)دشت ارزود شتورمیتوان بهترین محصولات را از لحاظ کشاورزی بدست‌آورد.

در سرزمین بردسیراستعداد کشاورزو دامپروری و در نقاط بافتو بزنجان‌محصولات سردرختی و غیره‌که متخصصین بهتر میشناسند . در منطقه رودان موقع‌توقف دررودبار نقاطی دیدم که‌دارای نفت بود یعنی نفت با آب‌از چشمه بیرون میاید و اهالی‌برای معالجه شتران مبتلا به‌گال مورد استفاده قرار میدادند و برای‌بعضی امراض جلدی در آبهای‌آن آب‌تنی مینمودند .

در میناب و رودان‌استعداد کشت درختان گرمسیری(موز - انبه -خرما -مرکبات فلفل و سایر میوه‌های گرمسیری) زیاد است .

در جیرفت و رودبار و بم و نرماشیر تا جازموریان استعداد زمین ازلحاظ‌محصول فوق‌العاده زیاد است . خود من که‌در کهنوج شاهد رشد سبزی‌جات درمدت کمی‌بودم‌بوته کرچك درخت میشد و بادمجان محصول دوساله میداد .

از لحاظ دامپروری همه نوع استعداد دیده میشود . نگاهداری و ایجاد جنگل و مرتع پرسود وکمخرج است حتی میتوان در آن سرزمین پهناور شترداری‌کرد نه‌بمنظور حمل بار و کالا بلکه بمنظور تهیه پشم و پوست حتی‌گوشت و سایر محصولات آن .

در سبزواران جیرفت‌آثار سدی است که‌گویا اززمانهای‌خیلی قدیم (شایدساسانیان) است و دشت جیرفت و رودبار را سیراب مینموده‌که اکنون فقط آثار‌کمی ازآن‌باقیست (خوشبختانه در مسافرت اخیر مورد توجه قرار گرفته‌است) .

در عنبرآبادجیرفت‌هوکرد وسایر نقاط این جلگه هنوزهم که‌شده اهالی درخرابه‌ها و تپه‌ها میگردند و آثار وسکه‌های عهد ساسانیان‌پیدا میشود .

جلگه بم و نرماشیراستعداد خرما - حنا - مرکبات و دانه‌های روغنی رادارد.

در جیرفت استعداد دانه‌های روغنی و مرکبات و خرما زیاد است - سبزیکاری و صیفی کاری در موقعیکه سایر نقاط را یخ و برف پوشانیده محصول خوبی برای بازارهای نقاط دیگر است . (درسالهای اخیر محصولات جیرفت بحد فراوان ازقبیل هندوانه و باقلا ببازارتهران آمده است).

برنج نیز بخوبی در جیرفت بدست میآید .

گاوهای بمی و دارزینی در صورتیکه خوب تغذیه شوند از گاوهای گوشتی و شیری سنگین خارجی کمتر نیستند (اخیرا ایستگاههای دامپروری در بم ونقاط مختلفه تاسیس شده وبازهم تأسیس خواهدشد) .

سرزمین بشاکرد ازلحاظ منابع معدنی مثل پنبه‌نسوزو آهن و سایرمنابع غنی‌است که هنوز بواسطه نبودن راه و دست نیافتن عمقی دولت بکرمانده است (درصورتیکه از طریق میناب وبیابان ویاجاسك بدریاراه یابد پرسود خواهد بود).

وجود راههائی که بین بندرعباس - میناب - کهنوج - جیرفت دازرین یا نرماشیر احداث شود فوق‌العاده ضروری است که فعلا نیمه شوسه است (خوشبختانه راه تا جیرفت و رودبار قابل استفاده و پل رودخانه شورنیز چندی قبل افتتاح شد وجناب آقای نخست وزیر وعده تکمیل راهها رادادند) .

بنادر میناب - جاسك - تیاب - بندر عباس و سایر نقاط ساحلی باید وسیله جاده ساحلی ازیکطرف بهم مربوط شوند و هم بمراکز شهرستانهای این استان متصل گردند (که درباره بندرعباس و راه آن اقدامات جدی و فوق‌العاده درجریانست).

در رفسنجان و سیرجان استعدادکشت پسته - بادام زیاد است که محصول صادراتی خوبی است(که اخیراً خیلی خوب توجه میشود واحتیاج بآب زیاد هم ندارد).

محصول پشم وکرك - فرش - خشکبار- روغن و غیره را میتوان افزایش داد.

از وجود جنگلهای پسته‌کوهی (بنه) بادام‌کوهی با پیوند (سابقه داری) میتوان استفاده نمود قنوات مخروبه را باصطلاح کرمانیها (طایفه) میتوان باکمك دولت و غیره مورد استفاده قرار داد .

املاك خالصه ووقفی را باید از صورت فعلی خارج ساخت یعنی خالصه را فروخت ووقفی رابمدتهای طویل در اختیار کشاورزان باجاره واگذارکرد(خوشوقت است بدون آنکه از اصلاحات ارضی درآنموقع صحبتی باشد برای پیشرفت این نظریه را داده‌بود). زیرا خالصه ووقف وضعی ایجاد میکندکه ملك آباد نمیشودکما اینکه هرجاملك خالصه و وقف است رو بخرابی رفته وآنچه‌که‌خراب شده آباد نگردیده است اماعلل عقب افتادگی این استان - که توجه مرکز (بطوریکه درگفتارهای سابق تاریخ کرمان نیزگفته شد اعلیحضرت فقید موقع عبوراز کرمان در بندرعباس فرموده بودند بکرمان توجهی نشده‌به

بقیه درصفحه ۵۲

سروده
روانشاد مجدالاسلام کرمانی

جشن سده



شد موسم جشن سده ساقی بیار و می بده
وز آب آتش سان رسان ما را بنار موقده
برما خدا ازمکرمت فرموده آتش مرحمت
کاین نار پر نور و ضیاء دارد هزاران فایده
زین آخشج پربها زین نعمت نقمت نما
روشن شده تاریکها ظلمت شده آتشکده
آن ای نگار مهوشم آبی بزن بر آتشم
من باچنین آبی خوشم همچون یهود ازمائده
درهمچو روزی محترم درهمچو جشنی محتشم
باید شمردن مغتنم برخیز و ما را می بده
روزی خوش وخرم بودچون گفتگوز آتش بود
آبی چو آتش خوش بودویژ آنکه در آتشکده
بوده هزارین پیشتر فرزانگان جد وپدر
من هستم آنها راپسر که بودانداین ماجده
پس شمعها افروختم تا دانشی آموختم
نك از همین غم سوختم دانش بمن آتش زده
مجداین چنین گوید سخن اندرخورهرانجمن
بهتر ز استادان فن دارای چندین قاعده

از: خداداد خدابخشی

روز ششم فروردین یا روزیکه اولین خداشناس و یکتاپرست یعنی اشوزرتشت پا بعرصه وجود گذاشت

آیا لازم نیست برای بزرگداشت این روز فرخنده که دنیا بآن اهمیت میگذارد در ایران تعطیل عمومی اعلام گردد؟

چند هزار سال پیش که جهان راظلمت جهل ونادانی فراگرفته بود و مردم سراسر دنیا معتقد به پرستش خدایان متعدد و گوناگون بودند وبت‌هائیراکه خود میتراشیدند به آنها سجده میبردند وخلاصه دانش بشری بآن پایه نرسیده بودکه به یکتاپرستی ایمان پیداکنند واهورامزدا خدای توانا ویکتارا خالق همه بدانند دراستان آذربایجان نزدیکی های رود ارس طفلی پا بعرصه وجود گذاشت که او رازرتشت نام نهادند او برخلاف‌سایر اطفال موقع پیدایش خنده برلب داشت وگویا میخواست بمردم آنزمان بفهماندکه عقاید وکردارشان چه بسیار خنده‌دار است.

زرتشت درآغوش مادر بزرگ شد وپس ازچندین سال ریاضت‌کشیدن وفکر کردن درسن ۳۰ سالگی مردم ایران وسپس سایر کشورهای جهان را به‌یکتاپرستی دعوت نمود. پندار وگفتار وکردارنیک پایه‌های‌محکم دینش بود والبته پس‌ازمرارت‌ها ومشقت‌هاتوانست بمردم آن زمان‌که بوئی ازدانش وتمدن نبرده بودند بفهماندکه **«راه درجهان یکی است وآن راه راستی است»** ـ آنهارا متقاعد سازدکه خالق همه یکیست و اهورامزدا نام دارد وبالاخره ثابت نمایدکه دینی‌که او ارائه مینماید ازسوی‌اهورامزدا است‌وپیروی ازآن باعث سعادت این جهان ورستگاری سرای دیگر است.

زرتشت کسی نیست که نگارنده بخواهم برای او تبلیغ کنم ـ قرنهاست که مردم او را میشناسند ودانشمندان بزرگ جهان منجمله **دارمستتر ـ مستر جاکسن ـ دکتر هاك ـ افلاطون ـ نیچه** وغیره درباره وی مقالات نوشته‌اند واورا به‌نیکی یادکرده‌اند وبعلاوه درعصر ماکه سطح فرهنك ودانش بشری باوج ترقی وکمال خودرسیده بیش ازپیش درباره این پیغمبر بزرك راستگوی سخن گفته میشود و او را بزرگترین ناجی بشر میدانند ـ شوخی نیست درآن‌زمان که دیو جهل وبیسوادی ونادانی بر سر آدمیزاد سایه افکنده بود وفرقه‌های مختلف هریك برای خود خدایانی داشتند ونیز ازکشتن همدیگر لذت میبردند چطور ممکن بودکسی بتواند عقاید آنها رابی‌پایه قلمدادکند؟

چطور امکان داشت کسی قادرباشد بادمهای سراپاوحشی آن‌روز درس راستی وپاکی ویکتاپرستی بدهد؟

چطورکسی جرئت داشت بیان کندکه او ازطرف کسی ماموریت داردکه اهورامزدا نام دارد ـ اوتنهاست ـ یکی است ـ جسم ندارد ـ همتا ندارد ودیده هم‌نمیشود؟

واقعاً کار مشکلی بود ـ میلیونها تن همصدا چیزی شبیه هم بگویند و او تنها چیز دیگر ، همه سراب راآب تصورکنند وزرتشت آن‌آب راسراب قلمدادکند ـ همه خدایان خودرا نشان میدادند وهرفرقهٔ تعداد خدایانشان بیشتر بود مهمتر خودراجلوه میدادولی اومیگفت خدایکیست وآنهم دیده نمیشود. آری چون زرتشت اولین فرستاده‌خدابود وپایه یکتاشناسی رااوبنانهاد بعقیدهٔ من‌مقامش پیش خداوند ارج ومنزلت خاصی دارد و دراین جهان‌هم‌هرکس روی‌این موضوع عمیق فکرکندباین نتیجه خواهد رسید کـه سرآمد تمام راستان ودرستان یانیك اندیشان ـ نیك‌گفتاران ونیك‌کرداران زرتشت اسپنتمان است و باید ازتعالیم عالیه اوپیروی‌کرد وبرای بزرگداشت نام اوکوشید.

بقیه درشماره آینده

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

نوشته
محمدکریم رحیمی از (هرسین کرمانشاه)

درود بر روز خجسته ششم بهمن

نیروی معنوی وعظمت واقعی یك ملت وابسته بافرادی است که این جامعه راتشکیل میدهد هنوز ملت ایران بنام کورش وجمشید وانوشیروان میبالد ومباهات میکند که در بین فرزندان خود ستاره‌های درخشانی چون این مردان نیك کردار درعرصه سیاست ومملکت داری پا بعرصهٔ وجود گذاشته‌اند.

همانطور اشخاصی مثل ابن‌سینا ـ زکریای رازی ـ خواجه نصیرالدین‌طوسی صفحات تاریخ علمی مارا تابناك کردند.

این افراد موهبت‌هائی هستند که در دامان مام وطن پرورش یافته تاآبروی دنیائی برای ما تحصیل کنند.

بدون شك شاهنشاه آریامهر یکی از ستاره‌های درخشانی است که تاریخ خدمات ایشان را باین آب وخاك فراموش نمیکند وقلوب‌مردم حقشناس ایران فداکاریهای معظم‌له را درراه ترقی وتعالی وطن ازیاد نمیبرد.

آری قرنها بودکه دهقانان باعرق جبین موادا‌ولیه مملکت رافراهم‌می‌آوردند وعده دیگر درراحتی وخوشی بسر میبردند دهقانان درتنگدستی ومذلت بسر میبردند ولی پدر مملکت کسیکه بیش از همه دلش بحال مردم میسوزد یعنی شاهنشاه آریا مهر بـزرگترین انقلاب ایران یعنی قانون اصلاحات ارضی راشخصاً اجرا کردند.

یك صبح دهقان ایرانی سرازخواب برداشت دیددیگرفردی آزاد است زن ایرانی همراه شکفتن آفتاب دیدکه دیگر زنجیرسنت‌های‌تحمیلی بردست وپایش‌نیست کارگرایرانی دریافت در سود کاریکه میکند سهم دارد آنوقت ملتی‌پی‌برد مواهبی‌که طبیعت باو بخشیده است متعلق باوست.

درود بی‌پایان برجوانبخت شاهیکه درسایه اقبال وفروشکوهش بسرمیبریم و ازخوان فتوت وبخششهای بیکرانش افتادگان ودرماندگان بهره‌مند میگردند.

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)
دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

پاکمردان یا پیامبران

(۲)

گشت چون (عیسی بن مریم) رهنمای ناصری
گمرهان را رهنمایی کرد اندر روزگار
مشعل مهر و محبت را فروزان کرد او
در نصارا خوی انسان دوستی شد آشکار
عاقبت از رنج و آزار بداندیشان خود
در جوانی رفت اندر راه دین بالای دار
در میان تازیان مهر و وفا کمیاب شد
دزدی و آدم کشی بر سر کشان بود افتخار
از برای قرص نانی بود جانی در خطر
بیشتر خوراکشان شیر شتر یا سوسمار
خانه کعبه برای تازیان بتخانه شد
خون انسان پای بت میشد ز نادانی نثار
دختر تازی بسی بیچاره و بدبخت بود
دفن میشد زنده با دست پدر در گور تار
لطف حق جوشید بر آن دختران بیگناه
تازیان را کرد با دست (محمد) رستگار
از تعالیم (محمد) پاکمرد مهربان
ننگ‌های بت‌پرستی پاک شد از روزگار

پاکمردی این چنین از تازیان آن چنان
این نباشد جز نشان رحمت پروردگار
ریشه و بنیاد ادیان خدا باشد یکی
مهر میهن می کند بنیاد دین را استوار
آدمی را شاهراه زندگانی دین بود
دین هم بایست باشد با خردها سازگار
بار از دوش بشر پیغمبران برداشتند
تا نگردد آدمی فرسوده اندر زیر بار
هر زمان از کوشش پیغمبران اهل جهان
گشته اندر زندگانی شادمان و رستگار
غرب اگر بر دانش دانشوران نازش کند
شرق را پیغمبران کردند بذل افتخار
پایه آسایش و خرسندی نوع بشر
جز بآیین خدایی می نگردد پایدار
(هورمزد) و (یهوه) و (الله) شد نام خدا
از خدا باشد نظام آفرینش برقرار
بار از دوش بشر بردار اندر زندگی
خود مشو درباغ هستی شاخهٔ بی برگ وبار
خار از پای گرفتاران درآور هر زمان
هان مشو در شاهراه آدمیت همچو خار
مردمی اندر جهان خدمت بمردم کردن است
باش چون (سرباز) بر ایرانیان خدمتگزار

پایان

برگزاری مراسم سالروز درگذشت اشو زرتشت

روز یکشنبه خیرایزد دیماه بمناسبت سالروز درگذشت اشو زرتشت‌ازطرف سازمان فروهر مراسمی در کاخ فیروزه برگزارگردیدکه خلاصه برنامه این مراسم ذیلا درج میگردد.

برای رفت وآمد همکیشان ازطرف سازمان سه دستگاه اتوبوس ازصبح تا پاسی از شب گذشته ازمقابل آدریان بکاخ فیروزه وبالعکس درحرکت بوده‌اند.

ازکلیه مدعوین درتالارجمشیدآبادیان کاخ‌فیروزه با چای ونهار بطرز بسیار منظمی پذیرائی شد.

از ساعت ۲ پس از نیمروز مراسم دینی آغازگردید پیش ازآغاز این مراسم آقای موبد رستم شهزادی بجمعیت تذکردادندکه اوستائی برای همه روانان‌خوانده خواهدشد وهرکس‌که مایل باشد میتواند دراین امرهم‌بهره شود.



پس از پایان مراسم دینی بنا بتقاضای سازمان آقای موبد اردشیر آذرگشسب پشت میکروفون قرار گرفتند وسخنرانی جامعی درباره مسائل دینی واجرای صحیح آن ایراد فرمودند.

در پایان آقای خسرو باستانی بتفصیل درباره اصول زیر بیاناتی ایراد داشتند.

۱ ـ لزوم احترام به شعایر مذهبی وتعطیل نمودن روز درگذشت شت زرتشت.

۲ ـ عظمت آئین زرتشتی واهمیت و ارزش فرموده‌های شت زرتشت.

۳ ـ مفهوم واقعی فلسفه مزدیسنا وتغییراتی که بمقتضای زمان و مکان بوقوع پیوسته است.

٤ ـ لزوم تجدید نظر در تشریفات دینی و اجتماعی وحذف پیرایه‌هاوتشریفات زائد بشرح زیر.

الف ـ تجدید نظر درنحوه برگزاری مراسم پرسه.

ب ـ تجدید نظر درمراسم سی روزه ـ روز وسال و اتخاذ رویه‌ای که بصلاح وسود اجتماع باشد.

٥ ـ لزوم علاقمندی به امور اجتماعی وتوجه باحتیاجات و اقدام در رفع آنها بشرح ذیل.

الف ـ اسفالت راه کاخ فیروزه.

ب ـ احتیاج به ایجاد پرستشگاههای بیشتر بعلت تراکم جمعیت زرتشتی درتهران.

ج ـ لزوم ترجمه وتفسیر کتب مذهبی واحتیاج بهمکاری همکیشان بسازمان فروهر درتأمین هزینه‌های چاپ وانتشار کتب مزبور.



روانشاد جوان ناکام جمشید رستم ماونداد

افتتاح تالار جمشید رستم ماونداد در شیراز

گوهر پاك ببايد كه شود قابل فيض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

جناب آقای ارباب رستم ماونداد که در یزد بخیر خواهی مشهورند چندی قبل مبلغ شانزده هزار تومان توسط آقای منوچهر فرخی بشیراز فرستادند و آقای فرخی نیز یك سالن بسیار زیبا در آرامگاه زرتشتیان شیراز بنامگانه فرزندش جمشید رستم ماونداد که در سن بیست سالگی



درطهران در گذشته ساخته شد وروز جمعه ۲۶ دیماه ٤٤ باحضور تمام زرتشتیان آن‌سالن را افتتاح نمودند.

ابتدا بوسیله موبد خسرو جشن خوانده شد و بعد آقای فرخی طی نطق مبسوطی از آقای رستم ماونداد قدردانی نمودند و اضافه کردند که ایشان علاوه بر مخارج این ساختمان تعداد ۲۰ صندلی و۳میز اهدا نموده‌اند.

کلیه زرتشتیان شیرازطول‌عمر وعزت آقای رستم ماونداد وفرزندان ارجمندشان را از اهورامزدا خواهانند.

مجلس جشن خوانی

روز خیرایزد ودیماه درسالن آقای رستم ماونداد در آرامگاه زرتشتیان شیراز در ساعت ۳ بعدازنیمروز بمناسبت درگذشت شت اشوزرتشت مجلس جشن‌خوانی باحضورکلیه زرتشتیان برپابود وآقای منوچهر فرخی نیز نطقی درباره حضرت زرتشت ایراد نمودند.

تسلیت

با کمال تأسف در گذشت شادروان گلچهردیانت رابخاندان جلیلشان بویژه اخوی ایشان آقای شهریار خدایاری تسلیت عرض نموده بقای عمر بازماندگانش را ازاهورامزد خواستاریم

رئیس انجمن زرتشتیان نرسی آباد - بهرام فلاحت

تسلیت

انجمن زرتشتیان رحمت آباد یزد با نهایت تأسف در گذشت بهشت آشیان گلچهره خدایاری را به‌برادرمحترمشان آقای شهریار خدایاری وعموم بازماندگان گرام صمیمانه تسلیت میگوید

رئیس انجمن زرتشتیان رحمت آبادیزد

رستم خسرویانی

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ ـ آقای جهانگیر یل‌زاده فرزند رستم بادوشیزه لعل نیك‌منش دخت گشتاسب در ۴۴/۹/۲۶

۲ ـ آقای رستم خسروی فرزند آقای فریدون بادوشیزه فیروزه مهرشاهی دخت آقای رستم در ۴۴/۹/۲۹

۳ ـ آقای خداداد مهرشاهی فرزند آقای رستم بادوشیزه آدخت ماوندادی دخت آقای جمشید در ۴۴/۹/۲۹

۴ ـ آقای مهربان جاوید یزدی فرزند سروش بادوشیزه فرنگیس فرهادی دخت آقای بهمن در ۴۴/۱۰/۳

۵ ـ آقای دکتر ایرج یزدانی فرزند مهربان بادوشیزه هما زنده‌نوش دخت آقای آدرباد در ۴۴/۱۰/۶

سدره‌پوشی

۱ـ آقای رستم خدایار خسروی در ۴۴/۹/۲۷ از طرف وراث روانشاد فرنگیس کیخسرو زرتشتی درمنزل

۲ ـ دوشیزه مهناز خدابخش بلیوانی در ۴۴/۱۰/۱۰ ازطرف وراث روانشاد دینیار شهریار کیانی درمنزل

۳ ـ دوشیزه مهرناز هرمزدیار ریحانی در ۴۴/۱۰/۱۰ از طرف وراث دینیار شهریار کیانی درمنزل

ضمناً ٤ نفر افراد زیر از طرف وراث روانشاد سیروس اردشیر یگانگی در آدریان سدره پوش شدند:

٤ ـ آقای کیخسرو اردشیر سامیا در ۴۴/۱۰/۱۰

۵ ـ » جمشید رستم دینیاریان در ۴۴/۱۰/۱۰

٦ ـ دوشیزه مهربان خسروی در » »

۷ ـ » شیمین اسفندیار رستمی در » »

۸ ـ آقای سهراب خدامراد شاد در ۱۱ » ازطرف خودشان در منزل

۹ ـ دوشیزه هما خدامراد شاد در ۱۱ » ازطرف خودشان درمنزل

درگذشتگان

۱ ـ روانشاد مهربان اردشیر زنده‌نوش در ۴۴/۹/۲۸

۲ ـ روانشاد فریدون رشید کاویانی در ۴۴/۱۰/۲

۳ ـ روانشاد بهرام جمشید نوشیروانی چم در ۴۴/۱۰/۲

٤ ـ روانشاد فریدون مهرگان خسرویان باغ‌خندان در ۴۴/۱۰/۵

ورهرام ایزد کاردمیوه‌خوری ۱۲ دانه
ایضاً چنگال میوه خوری ۱۲ دانه
« قاشق سوپ خوری ۲۴ دانه
۵ ـ دهش مهربانو خانم ایدون نیازشاه ـ ورهرام ایزد بشقاب چینی لب‌تخت ۱۸ دانه
ایضاً بشقاب چینی ته‌گرد ۶ دانه

اخبار سازمان فروهر (جوانان زرتشتی)

دیدار

ساعت هفت پس از نیمروز پنجشنبه ۱۶ دیماه باشرکت عده‌زیادی ازعلاقمندان جلسه دیدار در محل سازمان برگزار گردید.

در ابتدا آقای دکتر داریوش جهانیان به حضار خیر مقدم گفتند و اظهارداشتند که سازمان برنامه‌های جالبی پیش‌بینی کرده است که بتدریج در آینده شاهد اجرای آن خواهیم بود سپس به تشریح تعدادی از این برنامه‌ها پرداخته و گفتند تأسیس کتابخانه ـ تأسیس کلاسهای رقص محلی ـ جلسات بحث درباره فلسفه زرتشت وایجاد برنامه های بزم شب ازجمله آنهاست که بزودی آغاز خواهد شد.

ایشان در پایان در باره دو کتاب «اعلام اوستا» و «ترجمه وتفسیر گاتها» که بایستی چاپ‌شود سخن گفتند و ضرورت همکاری اجتماعی را برای چاپ این دوکتاب تشریح کردند.

بعداز اجرای مسابقه آقای سروش مهر خداوندی قطعه‌ای باویلن نواختند که فوق‌العاده مورد توجه حاضرین قرارگرفت.

آقای محمودی بختیاری خاطراتی ازاوایل تأسیس سازمان نقل کردند آقای بهرام نامداری دربحث آزادشرکت جستندوپیرامون نظم‌وانضباط در جلسات اجتماعی سخنانی ایرادکردند.

آقای ایرج نوذری دو ترانه برای حضار خواندندکه با تحسین وتشویق‌فوق‌العاده‌حاضرین روبرو شد.

این جلسه که ازابتداباشور وهیجان‌وشادی فراوان شرکت‌کنندگان توأم بود درساعت ۸ و نیم پس از نیمروز پایان پذیرفت و اعلام شدکه جلسه آینده دیدار پنجشنبه ۱۴ بهمن خواهد بود.

تشکیل مجمع همگانی

مجمع همگانی سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) بنا بدعوت قبلی که کتباً وبصورت آگهی رسمی در جراید از اعضا بعمل آمده بوددرساعت ۶ ونیم پس ازنیمروز پنجشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۴در محل سازمان‌تشکیل گردید.

دستور جلسه عبارت بود از استماع گزارش وتصویب وبیلان سه‌ساله وانتخاب هیئت مدیره ـ هیئت امنا وهیئت بازرسان جدید.

ابتدا آقای خدایار هورمزدی بحاضرین خوش‌آمد گفتند و ازحضور آنان تشکر کردند و اظهار داشتند که بعلت تغییر اساسنامه سازمان در این دوره تعداد بیشتری‌ازهمکاران مسئولیت‌انجام وظایف هیئت مدیره راخواهندداشت وآقای‌دکتر داریوش جهانیان که درعمرپنجساله گذشته‌سازمان حقیقتاً خدمات ذیقیمت وبا ارزش درراه نیل به‌ هدفهای سازمان انجام داده‌اند متأسفانه بعلت

شاه ورهرام ایزد

۱ - بانو سهیل ۵۰۰ ریال
۲ - آقای مهربان شهمردان و برادران ۲۵۰ «
۳ - بانو خسروپور ۱۵۰ «
٤ - آقای مهربان مزدائی ۱۰۰ «
۵ - » بهرام بهی کیش ۱۰۰ «
۶ - » دکتر کابلی ۱۰۰ «
۷ - آقایان اسفندیار مذکوری - خسرو خسروان کیخسرو کاویانی - مهربان مهربانی - جاماسب فره‌وشی - بانو خسروپور جمعاً ۲۸۰ ریال
جمع ۱٤۸۰ «

گواه گیری وسالن جشنگاه

خسروی

۱ - آقای جهانگیر یل‌زاده بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال
۲ - آقای رستم خسروی بابت گواه گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال
۳ - آقای خداداد مهرشاهی بابت گواه گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال
٤ - آقای مهربان جاوید بابت گواه گیری وسالن ۲۵۰۰ ریال
۵ - آقای دکتر ایرج یزدانی بابت گواه گیری ۱۵۰۰ ریال
جمع ۱۰۵۰۰ ریال

سالن ایرج = پرسه

۱ - وراث روانشاد فریدون کاویانی فرزند رشید ۵۰۰ ریال
۲ - وراث روانشاد فریدون مهرگان خسرویان ۲۰۰ ریال
۳ - وراث روانشاد گوهر خداداد سامیا کلانتری ۱۰۰ ریال
جمع ۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۹۳۰ نفر
» دندانپزشکی	۱۸۱ «
» داروخانه	۵۱٤ «
» آبله	۱۰ «
» تزریقات و پانسمان	۵۲۷ «
» بخور پنیسیلینی	۲۰ «
» دیاترمی	۶ «
واکسن و باتزریق شده	۸۵ نفر
جمع	۲۲۷۳ نفر

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ - فرزندان نیکوکار روانشاد مهربان مهرانی (وکیل‌الرعایا) بنامگانه شادروان پدر گرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یك دانه

۲ - خواهران و برادران نیکوکار روانشاد رستم مهرانی فرزند روانشاد مهربان (وکیل الرعایا) بنامگانه شادروان برادر گرامیشان نیاز آدریان دولابچه آهنی شیشه‌دار یکدانه

۳ - فرزندان نیکوکار روانشاد بانو گل‌اندام اردشیر مهرانی بنامگانه شادروان مادر گرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یکدانه

٤ - دهش آقای کیخسرو بهریز نیازشاه-

سالروز درگذشت وخشور زرتشت اسپنتمان در یزد

مقارن ساعت ۳ و نیم پس از نیمروز پنجم دیماه ۴۴ ازطرف سازمان جوانان زرتشتی یزد مراسم جشن‌خوانی درگذشت شت زرتشت پیامبر ایران باستان درسالن معبد زرتشتیان یزد درحالیکه سالن مملو ازجمعیت بود برگزار گردید.

نخست آقای خداداد اردشیرپور از طرف سازمان جوانان زرتشتی ضمن عرض خیرمقدم به‌ـ منظور ادای احترام بروح تابنـاك شت زرتشت یکدقیقه سکوت اعلام وحضار درحال قیام سکوت نمودند و بروح وخشور پـاك شت زرتشت درود فرستادند.

سپس آقای اردشیرپور اظهارداشتند افراد سازمان در این مکان مقدس شادی روان پشوتن مارکار را از خداوند مسئلت دارند و از همکاری افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد سپاسگذارند واضافه نمودندکه سازمان از جناب آقای بهرام فلاح‌زاده که طبق معمول سنواتی مخارج برگزاری مجلس امروز راعهده‌دارشده‌اند سپاسگزار است.

آنگاه افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی برنامه بسیار جالبی اجرانمودند که فوق‌العاده مورد توجه وتحسین همگی قرار گرفت وبااعلام یکدقیقه سکوت بروح تابناك شت زرتشت درود فرستادند وبروان بهشت‌آشیان مارکار احترام گذاردند

آنگاه آقای سروش لهراسب سرپرست مؤسسات مارکار پشت تریبون قـرار گرفتند و از ابـراز احساساتی که ازطرف سازمان جوانان زرتشتی و سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد نسبت بشادروان مارکار شد اظهار تشکروقدردانی‌نمودند وازاینکه آقای شهریار خدایاری معاون سازمان جوانان زرتشتی یزد بعلت درگذشت روانشاد همشیره‌شان نتوانسته‌اند ازطرف سازمان در برنامه سخنرانی شرکت نمایند اظهار تأسف نموده بایشان تسلیت گفتند.

آنگاه‌ضمن‌بیانات جامعی ازترقیات‌شایانی که بعنایت پروردگار در سایه شاهنشاه آریا مهر نصیب‌جماعت زرتشتی گردیده سپاسگزاری‌نمودند

سپس آقای خدایاری ازمراحم جناب‌آقای لهراسب وجماعت زرتشتـی نسبت بمصیبت وارده بایشان اظهار تشکر وسپاسگزاری‌نموده‌وازحسن توجه سازمان دوشیزگان زرتشتی نسبت‌بکودکان جماعت درتعلیم علوم دینی‌وبالابردن‌سطح‌معلومات آنان سپاسگزاری‌کردند واضافه نمودندکه تعطیل امروزسینماسهیل بمدیریت‌آقای‌شهریارشهریاری‌و کلیه بنگاه‌ها ومغازه‌های برادران زرتشتی درخور تقدیر است.

این مراسم درساعت ۶ بعدازظهر پایـان یافت.

مراسم درگذشت اشو زرتشت باهمکاری سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد

دوشیزگان عشرت‌عشرت‌اشیدری- فرنگیس اشیدری -هما‌اشیدری -باهمکاری‌دوشیزگان‌زرتشتی یزد از ساعت ۱۰ بامداد تا نیمروز ۴۴/۱۰/۵

بمناسبت سالروز درگذشت وخشور زرتشت مراسمی درگهنبارخانه برگزار نمودند.

اظهارقدردانی

انجمن زرتشتیان یزد بموجب نامه ۶۸۵ مورخه ۴۴/۱۰/۱۰ ازاینکه آقای شهریارشهریاری مدیر سینما سهیل یزد بپاس احترام سالروز درگذشت اشوزرتشت پیامبر ایران باستان در ۱۰/۵ چهل وچهار سینما را تعطیل نموده است اظهار قدردانی کرده **است**.

دهش

ازطرف شرکت نسبی جمشید یگانگی و شرکاء بمنظور کمك ببودجه سازمان جوانان زرتشتی اهوازمبلغ ۲۵۰۰ ریال دراختیار آن سازمان قرار دادند.

مجلس یادبود و جشن خوانی در اصفهان

بنا بدعوت قبلی ازطرف انجمن زرتشتیان اصفهان مجلس جشن‌خوانی ازساعت سه بعدازظهر الی هفت بعدازظهر الی‌هفت بعدازظهر روز یکشنبه پنجم دیماه ۱۳۴۴ برابر باخیرایزد و دیماه به مناسبت درگذشت اشوزرتشت پیغمبرایران باستان درمحل باستان آباد و با حضور زرتشتیان مقیم اصفهان برپا گردید.

این مجلس باجشن‌خوانی وبرگذاری مراسم مذهبی پایان یافت.

تصحیح

لطفاً اشتباهات چاپی زیر را درشمارهٔ قبل تصحیح فرمائید:

صفحهٔ ۱۴ بیت ۱۰ و بیت ۱۲، «**هر آنکس**» نادرست و «**بر آنکس**» درست است.

همچنین درصفحهٔ ۳۷ (شعر مادر) سطر ۱۳ « نقش ترا همیشه وهر **کجا** بوده‌ام » نادرست و «نقش ترا همیشه وهر **جا** که بوده‌ام» درست است.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویا چاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهند وهمچنین آنهائیکه مایل باشتراك مجله هستند میتوانند تلفناً نام و آدرس خودرا اطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.

بقیه گوشه‌ای از تاریخ کرمان

اعلیحضرت بگوئید باین استان نیز توجه شود) دو دستگی‌ها چند دستگی‌ها در شهر (که آنهم درگفتارهای پیشین مفصلا بدان اشاره شده است) متمرکز بودن امور تجارتی در مرکز ـ انتقال امور بندری از بندرعباس بخرمشهر درصورتیکه در قدیم بندرعباس مرکز معاملات و واردات و صادرات بوده است (که باز هم خوشبختانه امروزه تجهیز اسکله بندر عباس مورد توجه دولت است). انتقال ثروت ملاکین ازاین استان بسایر جاها (درعوض فعالیت و ثروت بعضی‌ها در تپه‌ها و زمین‌هـای اطراف تهران بمصرف میرسد) عدم توجه بعضی‌ها بآبادانی املاك (که بابرنامه جدید جبران میشود) بالاخره بن‌بست بودن این استان (که بازهم با مژده ایجاد راههای مختلفه ازطریق بندر عباس ـ جیرفت ـ زاهدان راوروحتی ادامه راه آهن و استخراج معادن فلزات وذغال سنگ جبران شود).

راههای خدمت باین استان ـ ادامه راه آهن از طریق یزد بکرمان و زاهدان و انشعاب ازکرمان به بندرعباس (که بازهم خوشبختانه یکی دردست اجرا ودیگری درطرح میباشد). ـ بهره برداری ازمعادن ذغال سنگ وصدور بخارج (که درطرح است) ـ استفاده از منابع ماهی وکنسرو بندرعباس (که شیلات جنوب در برنامه دارد) ـ ایجاد راههای شوسه بین شهرستانها راه بندرعباس به جیرفت و زاهدان (که در طرح است) ـ فعالیت کشاورزی و دامپروری از هرجهت ـ ازبین بردن دو دستگی‌های بیجهت درکرمان ـ (که طبق اطلاع رفع شده) ـ توجه به بندرعباس (که عمل میشود) سدبندی درنقاط لازم (که درطرح است و نوید داده شده است) ـ حفر چاههای عمیق بتعداد زیاد (که در سالهای اخیر انجام وقسمتی از محصولات اخیر جیرفت محصول آبیاری چاههای عمیق است). ـ ازدیاد تلمبه‌هائیکه وسیله باد آب میدهند (درکرمان تعدادی موجود است). ایجاد صنعت در نقاطی که استعداد کشاورزی کمست.

این بود قسمتهائی از نامه که در سال ۳۶ بـوسیله اینجانب بنام یکنفر کرمانی و و علاقمند بآبادانی وترقی زاد وبوم خود به نخست وزیر تقدیم کرد و همانطوریکه تقاضا شده بود به دوکلمه پاسخ مفتخرشدم بطوریکه درابتدا دیده شد مراتب مورد توجه قرار گرفت ونظریاتی که داده شده بود بهر تقدیر قسمتهائی انجام و قسمتهائی هم درطرح و در دست اجرا میباشد.

در شماره‌های آتیه مجدداً دراین باره و مسافرت اخیرنخست وزیر وگوشه‌هائی از از نتایج مسافرت بحث خواهد شد.

ضمناً مشتاق دریافت نظریات اصلاحی وپیشنهادات خوانندگان بخصوص همشهریان میباشد.

بقلم: شهریار خدایاری

انجام دو عمل خیر و خداپسندانه در یزد

بانوی والانژاد و خیراندیش پریزاد خانم گودرز یکتخته قالی برای استفاده جماعت نیاز درب مهرنوش یزد (روبروی مسافرخانه پرویز) نمودند که فوق‌العاده ضروری ومورد احتیاج افراد جماعت بود بااین عمل خیر وخداپسندانه پریزاد خانم گودرزدرب مهرنوش (آتشکده) که خیراندیشان جماعت لوازم مورد احتیاج را با خلوص نیت نیاز نموده‌اند اکنون مجهز بکلیه لوازم مورد احتیاج است و اینجاست که باید گفت

گوهر پاك بباید که شود قابل فیض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

دومین عمل خیر و خداپسندانه بدست آقای دینیار فریدونی تفتی انجام شد این جوان نیکوکار محل آتش بهرام را که جای عبادت زرتشتیان یزد است بنحو آبرومندی رنگ آمیزی و نقاشی نمودکه فوق‌العاده ضروری بود واکنون سالن مزبور بطرز آبرومندی مورد استفاده افراد جماعت میباشد. توفیق خیراندیشان را نیز از درگاه اهورامزدا مسئلت مینماید.

درب مهرنوش درحال حاضر احتیاج مبرم به اقلا سی عدد بشقاب ملامین دارد چنانچه خیراندیشی بشقاب ملامین به آتشکده مزبور نیازنماید بسیار بجاست.

آقای شهریار زمردی صندوقدار انجمن زرتشتیان یزد که صندوقدار ابوا بجمعدار درب مهرنوش هم هستند با دلسوزی و مراقبت خاص ازلوازم مزبورکه اشخاص خیراندیش وقف نموده‌اند نگهداری مینمایند توفیق ایشان را از خداوند مسئلت دارد.

دلداری

اعضاء هیئت مدیره سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد به آقای داریوش دیانت مدیر داخلی سابق باشگاه در گذشت روانشاد مادرشان را تسلیت میگویند.

سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد

بقیه شاخه زرین

علاوه براین، دریشت دهم، مهریشت نیز دربارهٔ ایزدهوم گفت وگوشده است. در اینجا ایزد هوم چون پیشوایی روحانی معرفی شده است که سرودهای دینی می سراید و مراسم مذهبی انجام میدهد وشاید این کنایه ازآن باشد که این ایزد، علاوه برمقامهائی که دارد و سرپرستی‌هائی که بدو محول میباشد، ازدینداری و رسوم دینی نیز پشتیبانی میکند.[1] وچنانکه گذشت، ملاحظه شد که با بی‌دینان درمی‌افتد وآنان‌را به‌کیفر می‌رساند، چنانکه با کرسانی Keressani، آن شهریار معاند دین رفتارکرد.

در این قسمت ملاحظه میشود که سه وجه هوم چگونه درقطعه‌یی کوتاه با استادی و زبردستی توصیف شده است، وآن سه وجه عبارتند از شربت یا نوشابهٔ هوم، ایزدهوم و گیاه هوم:

هوم مقوی درمان بخش و فرماندهٔ زیبا با چشمهای زرد رنگ در بلندترین قلهٔ کوه هرئی‌تی [البرز کوه Haraiti] از برای آن[مهر] بی - آلایش، آن [هوم] بی آلایش از برسم [Barsam] بی آلایش و از زور [Zavr] بی آلایش واز کلام بی آلایش فدیه آورد.

درکرده یازدهم ازویسپرد نیز به روابطی مشابه میان هوم‌ایزد و مهر ایزد مواجه میشویم ودر آنجا نیز دریافته میشود که درمراسم دینی ستایش ایزدان، برایشان شربت هوم تقدیم میشده است. بزرگترین موبد و پیشوای روحانی که هاونن Havanan نام داشت مأمور تهیهٔ شیره‌ونوشابهٔ هوم بود.

هاونن کلمه‌یی‌است که درآن‌لفظ هاون‌نیز ملاحظه میشود که درآن‌هوم‌رامیکوبیده‌اند همچنین هاو نگاه نیز از همین لفظ است که یکی ازاوقات پنجگانهٔ روز میباشد که هنگام آن ازبرآمدن آفتاب‌تاگاه نیمروز است. پیشوای روحانی بامدادان ضمن مراسم مذهبی به تهیهٔ هوم که آنرا درهاون میکوبیدسرگرم‌میشد وبانگ هاون دینداران رابانجام‌مراسم دینی میخواند:

کسی که مثل نخستین هاونان اشام‌های هوم ستاره‌نشان مینوی تهیه شده را دربالای کوه هرئی‌تی نیازنمود بترکیب زیبایش اهورامزدا آفرین خواند. امشاسپندان نیز آفرین خواندند، خورشید دارندهٔ اسبهای تندتاز دور ستایش وی را بشارت داد.

---

۱ - یشت دهم، مهریشت ۲۳/۹۰-۸۸

این بودآنچه که در اوستا راجع است به هوم . اما باتوجه به ریگ ودا وادبیات ودایی متوجه میشویم که هوم اوستایی وسوم درسانسکریت یکی است وسوم یکی‌از خدایان بزرگ هندوایرانی بوده است ، ازجملهٔ آن‌خدایانی‌که دررستاخیز زرتشتی مردود واقع شد وبعد بااندکی جرح وتعدیل وافزودن رنگ زرتشتی بدان ، دگرباره مورد قبول‌واقع گشته ودر اوستا داخل شد .

محققان وخاورشناسان ازبرای اثبات این مدعای خود، دلیلی ازگاتاهاآورده‌اند. هرچند درگاتاها بصراحت از هوم یاد نشده است ، اما صفت ویژهٔ هوم ، یعنی « دوراش Duraosha » بمعنی «دوردارندهٔ مرگ» یا « مرگ زدای » درگاتاهاگونه‌یی آمده است‌که جای شك وشبهه‌یی باقی نمیگذاردکه منظور همان هوم بوده است .

برخی ازمحققان را رای برآن است‌که درگاتاها برای احتراز ازیادکردن هوم ـ ونام خدای بزرگ آریایی ، درکنایه از صفت یادشده است. برخی دیگر رارای بر آن است که این صفت از برای هوم ، ازنامش مشهورتر بوده است وبهمین جهت صفت را به جای اسم بکار برده‌اند.

اماآنچه‌که مهم است آنکه درتأیید اینکه در این قسمت ازگاتاهاکنایتاً هوم مورد نظر بوده است سخنی نیست وزرتشت‌کسانی رانکوهش‌میکندکه از برای‌این خدای‌آریائی مراسم قربانی برپاکرده به امید آنکه بوی تقرب جویند ودرآرزوهاشان کامیاب گردند. درگاتاهاکه‌کهن‌ترین قسمت اوستا است ازهوم ومراسم آن ، جزیك مورد که با نکوهش آمده است یادی نشده .

پس از گاتها در«هفت‌ها» یعنی یسنا ـ های سی‌وپنجم تا هـای چهل و یکم که قدمت بیشتری دارد نیز ازهوم یادی نشده است ؛ اما درسایر قسمت‌های‌اوستا ، به ویژه درهوم یشت ویسنا ـ های نهم ودهم ویازدهم ازآن بتفصیل یاد شده است و ازیشت بیستم نیز یـاد شده است وازیشت بیستم نیز یادخواهیم‌کرد :

از برای‌ستم به وی گرهم وکوی‌ها [Grehma - Kavi از پیشوایان دیویسنان] دیرباز است‌که خرد و درج خویش فرنهادند ، چه آنان برآن شدندکه دروغ پرست را یاری‌کنند وگفته شده‌که چارپاازبرای‌کشتن است تا این‌که مرگ زدای [دوراش] را بیاری‌کردن برانگیزاند. [1]

ترکیت اوستایی دوراش ـ مطابق فرهنگ کانگاکه بویژه در این قسمت با خاور‌ـ شناسان بزرگ موافقت دارد ، از دو جزء دورDura بمعنی دور و اوش Usha بمعنی

---

۱ ـ گاتها ـ یسناها ۱۴/۳۲

مرگ و نیستی مرکب است.

در یسنای نهم ودهم ویازدهم که مجموعاً هوم یشت خوانده شده از ایـن صفت هوم بارها یادشده است [1] به این جهت‌است که محققان هم رای هستند که درگاتاها پیـامبر در نکوهش مراسم دیویسنان که مراسم قربانی برای سوم Soma یا هوم بجای‌آورند سخن گفته است.

اما آنچه که در یشت‌ها بنام هوم یشت موسوم است و بیستمین یشت خوانده میشود، جز نقل‌قولهایی ومأخوذاتی ازیسنا ـ های نهم ودهم نمیباشد.

مراسم دربارهٔ هوم

مراسمی که دربارهٔ بدست آوردن عصارهٔ هوم که آنراپراهوم Parahom میگویند انجام میشود، یکی از مهمترین مـراسم مزدیسنان می باشد. به شکلی که در قسمت گذشته ملاحظه شد، ابتداگیاه ایزدی هوم درقلهٔ البرزکوه روییده و پس از آن بوسیلهٔ پرنده‌یی مقدس دانه‌های آن در جهان منتشرگشت. مراسم بدست آوردن عصارهٔ هوم بوسیلهٔ هفت موبد که تحت سرپرستی موبدی بزرگ قرار داشتند انجام میشد. اما امروزه این مراسم بوسیلهٔ دوموبد انجام میگردد.

نخستین موبد هاونن Havanan نام داشته که ساقه‌های گیاه رادرهاون میکوبیده است. ابتدا موبدانی که گیاه مقدس راجمع‌آوری میکردند آنرا در جعبه‌یی کوچك طی مراسمی خشك میکردند تامورد استفادهٔ شیره‌کشی قرار میگرفت. قطعاتی از این گیاه در جامی شسته میشد ودرهاونی چنانکه مذکور گشت کوبیده میشد.

دوم موبد اتروخش Atravahksh نام داشت که نگهبانی آتش باا‌و بود. سوم موبد فربرتر Frabreter نام داشت که ظروف و لوازم مورد نیاز را می‌آورد. موبد چهارم بنام ابرتار Abereta مأمور آوردن آب بود. پنجمین که اس نتر Asnatar خوانده میشد وظیفه‌اش صاف کردن شیرهٔ هوم‌بود. راسپی‌یاموبد ششم مأمور تقسیم پراهوم بود، وموبد هفتم سروشاورز Srushavrs مأمور تنظیم امور و مراقب عبادتگاه بود [2] مایعی که بدین طریق وضمن این تشریفات بدست می‌آمد دارای خواص درمانی بسیـاری بود ووجود همین خواص درمانی بودکه هوم را دارای چنین مقام رفیعی می‌کرد و چون در ایران باستان آنچه که سودرسان ودرمان‌بخش‌ونیك‌بود، قابل ستایش محسوب‌میگشت،

---

۱ ـ یشت بیستم، هوم یشت، بندیکم

۲ ـ نگاه شودبهمین‌کلمات وتفسیرآنها

آشکار است که گیاهی چنین درمان‌بخش وشادی افزا تاچه حد بایستی مورداحترام وستایش بوده باشد. [۱]

درادبیات ودایی ومقایسه با روایات پهلوی واوستایی

مقدس بودن برخی ازگیاهان در ادوارکهن، مرسوم میان اغلب ملل و اقوام بوده است. ذهن ابتدایی بشرچون ناآگاه از مواددرمانی موجود درگیاهان می بود، هنگامی که بتدریج برحسب تصادف و مقتضیات متوجه میگشت که گیاهی چگونه برخی از بیماریها را درمان میکند، برای آن گیاه نیرویی خدایی و مرموز قایـل می شد و به همین جهت احساس اعجاب و شگفتی می‌کرد و همین عکس‌العمل ذهنی بودکه موجب پیدایش ارباب انواع می‌گشت . هندو اروپائیان وهندو ایرانیان در زمانهای‌گذشته بیرون ازاین روش نبودند وپس ازگفتۀوگویی‌کوتاه در بارۀ مقایسۀ هوم در اوستا وسومSomaدر ریگ‌ودا بذکر موارد مشابه میان افسانه‌ها واساطیری از سامبان وآریاییان‌می‌پردازیم .

ناتمام

۱ ـ بواپسین قسمت مقاله ، خواص طبی‌هوم نگاه شود.

آگهی

از آنجا که از جشن سدره پوشی گذشته این سازمـان همکیشان ارجمنـد استقبال فرموده‌اندباخرسندی فراوان بآگاهی‌همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین‌پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد،سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

ازکسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن‌سدره پوش‌نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ۴۲۸۳۲

بقیه دین و فلسفه

حتا بنام ورشکستگی وفرار به «تل‌اویو» بفرستند ؟ چنین مینماید که هستی وحیاتشان در ایرانست ولی دلشان برای اسرائیل می‌تپد ، درجائیکه مردم آنجا اینها راخویشاوند خود نمی‌دانند و به‌بازیشان نمیگیرند .

یهودکه بارها بدست‌کلده وآشور تاراج شده واورشلیم‌زیر و روشده بود ، پس‌ازدوره باصطلاح هخامنشی در معرض تاخت وتازسلوکیدها بودند تانوبت برترکتازی رم رسید ، با ظهورعیسا جوانی آزادیخواه ومصلحی نیک‌اندیش ، بهترین آموزگاراخلاقی ودرویش‌مسلک ، باز دستگاه آفریدگار ، مانند یك خانواده متشکل از پدر - پسر وروح‌القدس بمیان‌آمد یا حواریون باو بستند وگفتند اوخودرا پسر خدا میداند ، داوران یهودکه دم و دستگاه پیشوائی خودرا درخطردیدند، تهمت‌دزدی بآن جوان نیکخواه‌زدند واورا با دو دزدبدار کشیدند ،گناهش چه بود؟ - اومردم فاسد وزرپرست ومتعصب به دین‌واخورده وازمدافتاده زمان را که به فلسفه آن عمل نمیشد ، نکوهش میکرد وآیین نوین انسانـی را پیشنهاد مینمود و خود را بحق میدانست و مانند حسین (حلاج) عارف ایران «اناالحق» میگفت بگفته خواجه - «جرمش این بودکه اسرارهویدامیکرد» .

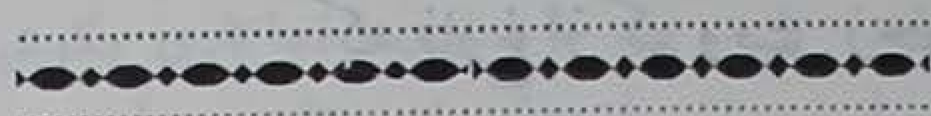
ابوالعلای معری فیلسوف عرب میگفت :

«درشگفتم ازیهودکه خداتراوش خون‌قربانی وبوی بخورکباب‌پروار را دوست دارد و ازنصاراکه (خود) خدا زیربار ستم میزیسته و ازکسی‌یاری ندیده است » .

پس ازعیسا زور وفشار رومیان بریهود افزون‌گردید . هفتادسال ازمیلادگذشته بود که سباستیان سردار «ترن»امپراتور رم ، اورشلیم رامحاصره‌کرد وپسرش برج وباروهای شهر راکوبید ، مردم را ازکوچك وبزرگ‌کشت ، خانه و بارگاه یهوه را ویران‌کرد و اثاثه خانه را ازخیمه ، تابوت عهد (قفسه تورات) خوان وشمعدان هفت‌شاخه وظروف و قندیلهای طلاو نقره وپارچه‌های دیبارابنام غنایم‌جنگی به‌رم‌برد واین واقعه ازرویدادهای مهم درتاریخ رم بشمار است .

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان



ز مهر دوست سخن میشود بدل اشراق
بیاد دوست زبان ناطق سخندان است
ز هجر دوست مرا آذری اندر دل
از آن آه دل خسته گرم و سوزان است
بهشت قرب بحق است و بعد آن دوزخ
که یاد دوست بهشت است و باغ و رضوان است
ندای حق بلند است در جهان شب و روز
که هر که عاشق روی من است انسان است
غم جهان مخور و وقت را غنیمت دان
جهان مسیر کمال ازبرای انسان است
ز گردش فلك و روزگار عبرت گیر
که ازتحول آن عقل مات وحیران است
ببین که گردش افلاك روی نظم وحساب
همی بچرخد و بر وفق عدل ومیزان است
جهان نه جای تن آسانی هوس رانی است
بودچون حیوان هر که او تن آسان است
سعادت من و تو نیست مال و ثروت جاه
کمال و فضل و هنر جاه نیک بختان است

بمنجلاب طبیعت کسیکه گشت غریق
مدام کشتی جانش دچار طوفان است
غلام همت آن رند عاقبت بین باش
که فارغ از کم و بیش زچون چندان است
مکن توصرف به بیهوده هیچ عمرعزیز
که هر دقیقه آن ناپذیر جبران است
اگر بروی تو خندد جهان مشو مغرور
بدانکه ازپس هر خنده دیده گریان است
برای دانهٔ خود را بدام آن مفکن
که دام و دانهٔ آن ابتلاء حرمان است
چو منحرف شود از اعتدال نفس جهول
مدام مفرط و بدخواه و روبطغیان است
زخود پسندی و کبروغروروخواهش‌نفس
بگیرد آن ره باطل ز حق گریزان است
عنان خویش بدست هوای نفس مده
که این ستمگر پتیاره بس هوس‌ران‌است
تو نفس خویش به تقوی سپارو ایمن‌باش
که آن نفس تو را پاسبان دربان است
بچند روزه عمر جهان مشو مغرور
نگر که این گذرعمر همچو آب روان‌است
مبند دل بچیزی که میدهی از دست
مخواب زیر بنائی که سست بنیاد است

نا تمام

بقیه سر مقاله

و انسانها بیشتر و بهتر میتوانند از زیبائیها ولذات دنیوی برخوردار گردند ولی آیا ملتها اجازه میدهند تا در اثر برخورد نژادهای مختلف با یکدیگر بنیان ملیت آنان متزلزل گردد - مسلماً خیر - پس برماست که به حراست این افتخار بزرگ که نیاکان پرارجمان بیادگار گذاشته‌اند تا سرحد جانبازی و فداکاری بکوشیم و خون پاك ایرانی ونژاد اصیل آریائی راهمواره دراثر ازدواجهای مناسب وپایبند بودن به آداب ورسوم کامل ملی برای آیندگان بارث بگذاریم واین افتخار بزرگی راکه درزمان فعلی ازآن برخوردار هستیم برای آنان نیز بیادگار بگذاریم وبدانیم که بزرگترین وگرانبهاترین میراثی که میتوانیم برای آنان باقی بگذاریم همین افتخاربزرگ نیاکان است وبس

قابل توجه مشترکین ارجمند کرمان

چون سال روبه پایان است خواهشمند است حساب آبونمان‌خودرا با آقای گودرز فرامرزی واریز نمایند . بدیهیست ازمشترکینی که قبلا بدهی خود را پرداخته‌اند سپاسگزار است. هوخت

همکیشان گرامی برنامه رفت وآمد تهران کاخ را بشرح زیر تعین و اعلام میدارد

حرکت از تهران کاخ تا موتور آب ایستگاه خط واحد		برگشت به تهران کاخ	
۶/۵	بامداد	۸/۵	بامداد
۷	بامداد	۱۲/۵	بامداد
۱۱/۵	بامداد	۲/۵	~~بامداد~~
۳	از نیمروز گذشته	۴/۴۵	از نیمروز گذشته
۴	از نیمروز گذشته	۷	از نیمروز گذشته

یادآوری - چنانچه بجز از ساعات تعین شده نیازی به وسیله رفت‌وآمد باشد میتوانید به تهران‌کاخ شماره **۷۹۱۰۷۸** تلفن نمائید تا ترتیب وسیله رفت‌و آمد به‌خیابان فرح‌آباد ایستگاه موتور آب داده شود .

سازمان خیریه تهران کاخ

تلگراف - تهران

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا ریاست ستاد کل بزرگ ارتشتاران

مفتخراً انتصاب تیمسار معظم که نمونه توجه و علاقه شاهنشاه آریا مهر نسبت به آن جناب در راه خدمت بکشور میباشد صمیمانه تبریك عرض نموده موفقیت تیمسار را از درگاه اهورامزدای یکتا خواستاریم.

سازمان جوانان زرتشتی اهواز

سال ۱۶ شماره ۱۱

شماره مسلسل ۱۹۰

دارندهٔ امتیاز- دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

نشانی :

خیابانشاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

اسفند ۱۳۴۴

هوخت

گفتار نیک



روانشاد دکتر هومی بهابها دانشمند بزرگ اتمی رجوع شود بصفحه ۳۸

شماره ۱۲

سال ۱۶

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا
ریاست محترم ستاد بزرگ ارتشتاران

درگذشت روانشاد بانو ملکتاج آریانا همه ارادتمندان و دوستداران آن تیمساروالاگهر را دچار اندوه فراوان ساخته و خود را در این سوك هم انباز و همدرد میشمارند و از درگاه خداوند بیهمتا خواستارندکه تندرستی و شادکامی همیشگی به خاندان آریانا و بازماندگان آنروانشاد دهش فرماید.

فهرست مندرجات

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

ندائی برای گوشهای آشنا

ملتهای مختلف اصولا سعی مینمایند که در مواقع حساس رشد اجتماعی خویشرا به‌منصه ظهور رسانند ودربین سایر ملل گیتی حیات اجتماعی خودرا بطورکامل نشان دهندتا بتوانند در مواقع ضرورت حقوق سیاسی واجتماعی خودرابنحو مطلوبی کسب نمایند. آنها سعی می‌کنند که همواره قشرهای فشرده‌ای را درمقابل مشکلات ومعضلات زندگی اجتماعی تهیه نمایند .

آنها پشتهای خودرا برهم می‌نهند ـ پنجه‌های آهنین‌خویش راباديگران درهم‌فرو می‌برند ـ عقل ومنطق وفهم وشعور وفکر واستعداد خودرا بکمك یکدیگر میفرستند تـا بتوانند در حل معضلات زندگی سرافراز وسربلند بدرآیند .

آنها هرگز درفکر منافع شخصی نیستند ومصالح عالیه ملی واجتماعی را بر منافع آنی رجحان وبرتری میدهند اینستکه آنها موفق بسیر درآفاق و انفاس گردیده‌اند اما ما هنوز درخم يك‌کوچه سرگردان و وامانده‌ایم .

در جامعه زرتشتی هم دوموقع موقعیت حساس را ایجاب مینماید که دراصطلاع‌میزان رشد ملی وشأن ومقام يك‌يك افراد اجتماعی دربرابر دیگران بثبوت برسد و اندیشه‌های پاك وتعالیم بزرك پیغمبر ایران باستان که خوشبختانه‌ماتاکنون باصول آن‌وفادارمانده‌ایم روشن وآشکار گردد .

ایندو زمان بـاریك یکی انتخاب نمایندگان مجلسین ودیگری انتخابـات انجمن زرتشتیان تهران میباشدکه البته درگذشته فعالیت دسته‌ها برای انتخاب شدن روی اصول پاك جریان داشته استواینعمل نیزدردنیا معمول بوده وهمواره رقبای انتخاباتی‌بایکدیگر بمبارزه برخواسته وباتمام قواکوشش نموده‌اند و موقعیکه رقیبی‌پیروز گردیده رقیب دیگر اولین فردی استکه پیروزی اورا تبریك گفته ودست اورامیفشارد وبرای همکاری‌درکنارش قرار میگیرد .

باکمال‌تأسف در انتخابات اخیر انجمن زرتشتیان‌تهران مثل اینکه موقعیت‌مناسبی برای دشمنان زرتشتیان ایران فراهم گردیده که هرکسی‌بنحوی وهرفردی بنامی‌بخادمین

اجتماع وفداکاران واقعی جماعت تهمت و افترا زده آنها را در کار خویش دلسرد و بر خدمات آنان خط بطلان کشیده راه را برای اضمحلال اجتماع هموار سازد.

آنها دشمنان جامعه زرتشتی هستند چراکه ازافشای نام خود که برملاء سازنده اصلیت آنهاست ننگ وعار دارند و چه بسا که ناخودآگاه تحریك شدگان دشمنانی هستندکه پیوسته مترصد ازهم پاشیدن قوم اصیل آریائی بوده و میباشند در اینجا باید گفت که اگر ذره‌ای ازذرات خون ایرانیت وخوی اصیل زرتشتیگری درکالبد وروح خود سراغ دارید بفرمائید این گوی واین میدان وارد گود شوید وشمه‌ای از خدمات خودراکه برای ترقی وتعالی این قوم مبذول داشته‌اید بیان دارید و دقیقه‌ای از دقایق وقت خویشراکه صرف انجام امورکارهای این ملت نموده‌اند برشمارید وانگشت برروی دیناری ازمال خود گذارید که برایگان برای پیشرفت این جماعت خرج نموده‌اید .

اینجانب باکمال شهامت وجسارتی خارق‌العاده بعرض همه افـراد دوست و دشمن میرسانم که اصولا صرف وقت وتحمل مشقت وکارکردن بسیار مشکل و ناراحت‌کننده است وکسانیکه واقعاً باخلوص نیت کاری بسیـار خطیر رابعهده میگیرند وشب‌و روز و وقت و بی‌وقت از راحت وآسایش خود وزن وفرزندان خویش میبرند وصرف‌امور عام‌المنفعه آنهم برایگان وبدون اجر وپاداشی می‌نمایند جزاینکه بگوئیم دچار یك جنون محض بـاشند چیز دیگری نیست ولی این دیوانگی چیزی جزعلاقه مفرط بحفظ شعائرملی وبزرگداشت یك ملت کهنسال چیز دیگری نمیتواند باشد.

اینستکه از سروران وزمامداران قوم ونیك‌اندیشان وپاك‌کرداران وراست‌گفتاران اجازه میطلبم‌که بهترین درودهای‌گرم وبی‌آلایش جامعه زرتشتی رانثار جانبازان راه‌حق وحقیقت نموده ازآنها صمیمانه درخواست نمایم که مثل نیاکان نامدار خویش شجاعـانه در برابر شدائد ایستادگی نموده واعمال اخیر وتهمت‌های ناروا وشب نـامه‌های سیاه جمعی مردم سیاه دل ونادان رابهیچ گرفته درکار خویش دلسرد نشده باهمان ثبات واستقامت و پشتکار وجدیت ذاتی خویش برای سرانجام دادن این ملت‌کهنسال بذل مساعدت نمایند.
اینجانب بنام یك فرد زرتشتی ازهمکیشان عزیز خویش استدعا دارم‌که بیش ازپیش‌متحد ومتفق‌گردند ودرنظر داشته باشندکه این ملت درمقابل سهمگینترین مصائب بـا درایت و شجاعتی خارق‌العاده ایستادگی‌کرده وهمیشه فاتح وپیروز بوده است.

همکیشان عزیز اندکی بخودآئید واین نکته را بدانید که این بار دشمن نابکار از خارج بخانه جماعت نفوذکرده است . برای تار ومارکردن اودست اتحـاد بهم دهید و

بقیه درصفحه ۵۷

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

مانده گفتار ۲۷

داستان بنای کعبه یا خانه خدا

در تورات، ازساختمان کعبه بدست ابراهیم واسماعیل و رفتن آنها به عربستان، یعنی چندصدفرسنگی کنعان، باهاجر یابدون هاجر سخنی نیست. در باره بیرون فرستادن هاجر با اسماعیل ازخیمه سارا ، تورات مینویسد:

ابراهیم آنها را درزمین‌قادش نزدیك خیمه خود برد وجاداد ، ولی قرآن آیاتی‌در این‌باره داردکه میتوان چنین استنباط کرد که چون مادر اسماعیل مصری بوده‌و خوداوزن مصری‌داشته ، گرچه تورات درباره اسماعیل وفرزندان اوکه در کنعان وخانه‌پدری‌بوده‌اند بارهـا یادکرده ، ولی چه بسا بافرزندان پدرکه از مادران یهود بوده‌اند سازش‌نداشته‌و به عربستان رفته باشد تا ازکید وکین اسحاق وفرزندان او درامان‌بماند ودرآنجا به‌اقوام صحرا پیوسته وتشکیل خانمان داده است.

در سوره بقره ازآیه ۱۲٤ تا ۱۳۰ چنین میفرماید:

« بیاد آرهنگامیکه خداوند ابراهیم رابه‌امری امتحان‌کرد ـ خدا بدوگفت ـ من تورا به‌پیشوایی مردم برگزیدم (ابراهیم) گفت به ذریت منهم ؟ خداگفت آری ولی پیمان من هرگز شامل حال ستمکاران نخواهد شد . بیادآرهنگامیکه ماخانه (کعبه) راجای‌امنی برای مردم قرار دادیم تاآنرا نمازگاه ابراهیم‌گیرند وبا ابراهیم و اسماعیل پیمان نهادیم که خانه رابرای‌کسانیکه طواف میکنند ودرآن جای میگیرند وستایش میکنندازآلایش‌پاك نگاهدارند. چون‌ابراهیم گفت ـ پروردگارا این شهر راجای‌امن وآسایش قرارده واهلش را ازمیوه‌ها برخوردارساز، برای هرکس ازآنهـاکه به الله وروزواپسین ایمان‌آورد. خدا اورا اجابت‌کرده ، فرمود ـ هرکه‌کفران‌کند هر چند از نعمت اندکی بهره برد ، ولی در واپسین باآتش دوزخ ـ عذاب‌خواهد شد وآنجا بدترین‌منزلگاه‌است. همینکه ابراهیم واسماعیل پایه‌های‌خانه راگذاشته ودیوارها برافراشتند ، عرض‌کردند ؛ پروردگارا ،

این خدمت را ازما بپذیر ـ توشنوا ودانا هستی . پروردگارا ، ما و زادگان مارا تسلیم به رضای خودبدار وانجام مناسك رابما بنما و برما آسان گیر که بخشنده مهربان هستی ، پروردگارا ازمیان زادگان مارسولی برانگیز که آیات تورا بر آنهافروخواند وکتاب حکمت را به آنها بیاموزد وروان آنانرا صفابخشد که تو دانای توانائی . فرمود ، هر که از ملت ابراهیم ، روی بگرداند ، نیست مگر کسیکه بی‌خردست وسفاهت نفس دارد و هرآینه ما ابراهیم را دردنیا بشرف رسالت برگزیدیم ودر واپسین زمان ازصالحین خواهدبود ».

این آیات بخوبی میرساند که ، محمد ـ خودرا اززادگان اسماعیل دانسته وازملت ابراهیم میداند . چون اسماعیل هم‌ازبنی‌اسرائیل نیست ، زیرا بنی‌اسرائیل فرزندان یعقوب هستند وچون ملت ابراهیم چنانکه درپیش گذشت از یهود نبوده ، محمدبگونه آشکاراخود را ازیهود ونصارا نمیداند ، چنانکه درسوره نحل آیه ۱۲۰ میفرماید:

« همانا ابراهیم ازتنها امت فرمانبردار خدابود وهرگز بخدای‌یکتا شرك‌نیاورد». ازاین‌روی‌او خود را ازملت ابراهیم می‌شناساند .

آغاز بت پرستی عرب از کی و چگونه بوده است ؟

عرب پیش‌از اسلام تاریخ ندارد ، هیچگونه آثار و نوشته‌ای که از عقـاید وروش او حکایت کند ، در دست نیست . همین اندازه معلوم‌است که درصحراگردی وچادرنشینی به سنگ ، درخت ، غول وجن وارواح ناشناخته‌خوب وبد وبه‌مار ودیگر جانوران‌خزنده وددهای درنده ، از توهم وترس، یا به‌ستارگان وماه‌ازلحاظ‌روشنائی‌وترحم‌وبه‌ابروباران‌از حیث آسایش خود،ایمان داشته ولی دشمن خورشید بوده است. تنها جهت جامعه و مرکز اجتماعی‌درداوستد وروابط میان آنها وکیش‌بت‌پرستی اززمانی آغازشده که خانه کعبه بنیاد گردیده‌است . درمیان آنهاشاعر وداستان‌سرا بسیار بوده ،فرمانروایانی‌بنام شیوخ داشته‌اند وخدایانی بنامهای‌گوناگون‌درکعبه‌بصورت‌بت ازسنگ وچوب‌ساخته‌که‌آنهارامیپرستیده‌اند اما چنین مینماید‌که نام ابراهیم وکلمه «اللهم» نزد آنها زبانزد بوده بدون اینکه الله را کاره و گره گشایاحاجت‌رواکن بدانند ولی‌چه بسا بنای خانه‌کعبه را ازابراهیم‌میدانسته‌اند.

پس از موسا وسپس عیسا، تیره‌هایی ازعرب کیش موسا وعیسا را اختیار کرده و نیز مذهب دهری وکیش مانی وداکترین مزدك براثر مسافرت مبلغان این مذاهب‌درعربستان رخنه‌کرده بود ودرقریش کیش‌دهری ومانی‌نافذ بوده است. دراینجا سخن‌ازآغاز بت‌پرستی تازیان درمیانست ، چنانکه میگویند : هنگـام ساختن کعبه ، فرشته خدا یك تخته سنگ بسیار سفید ونورانی بشکل استوانی چهارپر ، برای گزاشتن زیر پای ابراهیم که دیواردرا

بالا برد ، به اسماعیل داد واونزد پدرآورد ، ابراهیم آنرا بوسیده وصورت خودرا برآن مالید ، ازآن روزگار بهپس ، ازبس مردم آنرا بالبهای چرب و چرکین بوسیده و سینه پرپشم عرق‌کرده خودرا بدان مالیدند تاآن سنگ سپید وقشنگ راپلید وسیاه کردندکـه لقب «حجرالاسود» یعنی «سیه سنگ» بخود گرفت .میتوان انگاریدکه این سنك آسمانی (Meteoz) بوده است.

دیری نگذشت‌که آن شهرت اولیه ابراهیمی فراموش گردید وعرب‌هاکه‌مانندمردم دیگر آنسامان موهوم‌پرست بودند وهمان مذهب آنی‌میسم که‌گزارش آنراخواندید،داشتند به سنگ‌گراییدند و به پرستش آن پرداختند، مردم‌آن دوران ، چون ازدرك وجودهستی پروردگارجهان درمیماندند، به سنگ وچوب و هرچه بنظرشان خوش می‌آمد یا از آن میترسیدند دست نیاز بسویش درازمیکردند ، یابرای پرهیز ازگزند رویءجزودرخواست ترحم بدان می‌نمودند.

باری ـ طوایف دور از مکه و بیابان گردی‌که بـه سنگ (حجرالاسود) دسترسی نداشتند ، شیخ قبیله‌که به مکه می‌رفت یك تکه سنگ سفیدخوش‌ریخت بنام نمونه ونماینده آن همراه می‌آورد واین سنگ خدای قبیله میشد . یکی ازاین سنگها بنام هبلHebel خوانده شده بودکه از میان طوایف صحرا به‌کعبه باز برده شده و گفتند این سنگ گره گشا ومراد دهنده بوده وتوانائی انجام هر حاجتی را داشته است . سنگ دیگری الهه لات Lat بوده و در طایف چند فرسنگی مکـه‌سنگ سفید چارگوشی‌بودکه نشانه یا بازـ مانده دختری زیبا بوده است. زیر این‌سنگ چاله‌ای بنام غبغب بوده که چیزهای‌نذری‌از زرینه‌وگوهروچیزهائی که خوش‌آیندِدختران‌است‌درآن‌نگاهداری‌میشده‌است.عزاAzzaچه بود ؟ آنهم بت دختری بوده که بسیارعزیزش میداشته و درنزد عرب‌دختر محبوب‌خدایش می‌پنداشته‌اند ، برای مردم باران می‌فرستاد هم به او احترام میگذاشتند و هم از او بیم می‌نمودند . ابوالعلای معری فیلسوف عرب درباره مناسك حج می گوید: **« درشگفتم که گروه‌انبوهی‌ازدیارهای دوربرای‌پراندن ریگ‌(رمی‌حجر) بشیطان وبوسیدن سنگ (حجرالاسود) بمکه میآیند !!» .**

این‌ها همه وابسته به‌کیش آنی‌میسم Animism بوده که‌گزارش آن درپیش‌داده شد و در اعصار صباوت فکری بشرمنشاء اثرتصورمیشد ویك گونه‌پندارکودکانه‌درخداجوئی بشمار بوده است‌که بارشد تدریجی فکر وبالاگرفتن اندیشه بشر جنبه فلسفی‌وتصوف‌بخود گرفت ودرجامه منطقی‌تری بنام وحدت وجود درآمدکه‌آثار مهم‌ترآن هنوز دربتکده‌های هند وپرستشگاههای برهمانیسم وبودائیسم چین وجنوب شرقی آسیا دم و دستگاه آراسته

بقیه درصفحه ۵۹

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان

در مجمع عادی همگانی انجمن زرتشتیان تهران



همکیشان ارجمند بانوان و آقایان

نخست لازم میدانم ازاین اجتماع کم نظیری که در دومین جلسه مجمع عادی همگانی با حضور خود تشکیل داده اید از فرد فرد حضار سپاسگزاری نموده آنگاه بهمه تبریك گویم زیرا کمتر دیده شده است که در دومین جلسه مجمع همگانی عده بیشتری ازجلسهٔ نخست شرکت جویند وبهمین جهت است که قانونگذار برای بار اول ثلث عده راتعیین وبرای بار دوم حدودی قائل نگشته است وهرقدر هم عده ازثلث کمتر باشد کافی شمرده درهرحال چنین احساسات وشرکت در انجام یك وظیفهٔ اجتماعی نشان رشد وحیات آن اجتماع است که خوشبختانه امروز ما شاهد آنیم .

پس ازین مقدمه چون تشکیل این مجمع مقدمه‌ای برای انتخاب اعضای انجمن گردش بیست ونهم است ازینجهت لازم دیدم وظایفی که باید درانجمن انجام یابد باستحضار رسانم تا با توجه بآن شخصیتهائی را برگزینند که قدرت وصلاحیت قبول این مسئولیت خطیر اجتماعی راداشته باشند نه آنکه فقط برای کسب عنوان باشد.

چنانچه بخواهیم وظایف اجتماعی را درانجمن بخش بندی نمائیم ، کارهای انجمن بسه دسته تقسیم می گردد باین شکل :

بخش اول ـ تنظیم امور مالی واقتصادی

بخش دوم ـ کارهای اجتماعی

بخش سوم ـ دفاع ازحیثیت اجتماعی ومذهبی

بخش اول که مربوط بامور مالی است . همانطورکه استحضار دارید درسال ۱۳۳۹ که پایه حقوق فرهنگی وآموزشی درکشور افزایش یافت بر امورمالی انجمن نیز تأثیر فراوانی گذاشت وبالاخره همه ساله مواجه باکسر بودجه گشتیم وازطرفی برای تأمین کسر بودجه میسر نبود که همه ساله دست استمداد بسوی همکیشان دراز نمائیم هرچند که همیشه

دست ما را بگرمی فشرده‌اند اما هرکار حدودی و مقدوراتی دارد بنابراین طرح ساختمان جبهه شاهرضا ریخته شد و خوشبختانه عنقریب ساختمان مورد بحث آغاز ببهره‌برداری خواهد شد وامید است گرهی ازکارها گشوده شود.

اما در موازات این طرح اقدامات دیگری هم برای حذف هزینه‌ها بعمل آمد و منجمله در امر مالیات بردرآمد مستغلات انجمن که هرساله مورد کشمکش بود وحتی روزی آقای سفرنك باینجانب اطلاع دادند که مأمورین اجرای مالیاتی برای توقیف دارائی انجمن مشغول اقدام هستند بیدرنك بامراجعه بمقامات اداره کل وصول تلفناً دستور رفع مزاحمت داده شد اما این اقدام کافی نبود زیرا برابر قانون میبایستی تشریفاتی انجام یابد که انجمن بطور دائم از معافیت قانونی استفاده نماید و ضمناً رأی صادره ازکمیسیون عالی مالیاتی نیز ملغی گردد .

خوشبختانه بافراهم‌آوردن مقدمات‌کار وآمد ورفتهای زیاد توفیق یافتم که دستور قاطعی برای معافیت دائمی‌اموال‌انجمن صادر واخذ گردد وضمناً آن‌رأی هم که پس‌ازصدور اجرائیه درشرف وصول بود ملغی وبلااثر گردد .

همچنین موضوع عوارض شهرداری‌نیز که همه ساله خود مزاحمتی بشمارمیرفت‌این امرمهم همانطورکه درگزارش بنظرتان رسید ازطریق اداره حقوقی شهرداری نظرقطعی مبنی بر معافیت اخذگردید و حتی پیش‌آگهی ۴۸۰۰۰ ریال‌که از دبیرستان انوشیروان دادگر مطالبه عوارض شده بود پس ازچند جلسه آمد ورفت بالاخره درجلسه پنجم بهمن که بمعیت آقای اردشیر موبد درکمیسیون حل اختلاف حضور یافتم‌ازین قسمت نیزانجمن معاف‌گشت و با این تدبیر اموال انجمن از جهت مالیات وعوارض بطور دائمی از معافیت برخوردار گردید .

قسمت دوم راجع بکارهای اجتماعی است ـ جمعیت روزافزون ما درمرکز ازانجمن توقعات وانتظارات زیادی داردکه دستگاه محدود اجرائی انجمن بنام دبیرخانه‌که گذشته ازوظایف سنگینی‌که ازجهت مؤسسات‌آموزش وپرورش برعهده دارد معهذا بطورتوانفرسا تقاضاها را درحدود مقدور انجام‌داده است این توقعات و مراجعات محدود بهمکیشان مقیم مرکز وحل اختلافات فردی وخانوادگی نبوده‌بلکه‌از دورترین نقاط‌کشور نیزچشم انتظار برانجمن دوخته‌اند برای نمونه باستحضار میرسانم‌که دونفرازسپاهیان دانش‌همکیش اهل‌کرمان‌که دردهات دوردست خراسان مأموریت انجام وظیفه داشتند بشرایط نامناسب ودشواری مواجه بودندکه بانوشتن‌نامه استمداد مینمودند ودرجشن سپاه دانش‌که بمرکز آمده بودند باز تقاضای خودرا تجدید وبانجام آن اصرار میورزیدند در نتیجه اقدامات

جناب آقای ارباب رستم گیو سناتور وآقای اردشیر موبد آن دو بکرمان انتقال یافتند. همچنین آنگاه که دراستخدام وتحصیل دوشیزگان زرتشتی یزد درخدمت آموزش وپرورش اشکالی ایجاد شده بود بازاقدام مجدانه بعمل آمد ودرنتیجه ملاقـات هیئت رئیسه انجمن باوزیر آموزش وپرورش وقت این محدودیت رفع ودوشیزگان زرتشتی درشهر ودهات دور ونزدیك دریزد بهامرآموزگاری ودبیری بانهایت آزادی ورفاه اشتغال دارند.

اما راجع بهقسمت سوم وظیفه انجمن یعنی دفاع ازحیثیت اجتماعی ومذهبی که بعقیده بنده ازاهم وظایف هر انجمنی است در ایندوره توفیقهای شایان توجهی نصیب انجمن گشته است.

باید باختصار بعرض‌رسانم درهرمقاله ونوشته‌ای که درآن جمله‌ای‌توهین‌آمیزاحساس واستنباط میشد درمقام دفاع برآمده وبجبران آن اقدام شده است و مهمتر ازهمه در باره کتاب کارنامه بزرگان که ازطرف اداره انتشارات ورادیوی وقت چاپ و درشرف انتشار بود انجام یافت چون درفصلی که راجع بشرح احوال پیامبرمااشوزرتشت تحریریافته‌بود مطالب توهین‌آمیزی داشت که اینك برای نمونه جملاتی ازآن کتاب که تنها نسخه‌ایست که باقیمانده ودراختیار اینجانب قراردارد دراینجا میخوانم و ازخواندن بقیه مطالب آن کـه یقیناً احساسات همگی راجریحه‌دار میکند صرفنظر مینمایم مثلا چنین نوشته شده بود:

(زردشت حکیمی‌بود ازنسل منوچهر وشاگردی افلادوس‌حکیم کردچون‌علم‌بیاموخت در حدود سبلان‌کوه آذربایجان منزوی وبریاضت مشغول‌گشت وکتابی ساخت‌که‌آنرا زند نام نهادگویند شاگردی‌یکی ازپیامبران‌کرده وعلم نجوم راخوب میدانست).

بانوشتن نامهٔ مستدل وجامعی واستمداد ازجناب آقای معینیان که سلامتی همیشگی رابرای ایشان از خداوند آرزو مینمائیم بیدرنك کتابها جمع‌آوری و باهزینه‌گزافی‌یك‌فرم چاپی‌که محتوی فصل مربوط به اشوزرتشت بود تجدید چاپ‌گشت ومطالب آموزندهٔ توأم باحقایقی ازتعالیم وزندگانی اشوزرتشت درآن منعکس‌گشت‌که بااجازه حضار چندجمله‌ای ازآنرا میخوانم (حضار باکف زدن‌خواستند‌که تمامی فصل خوانده شود)

(زردشت‌که او را زرتشت ــ زردهشت و زرتشتره گویند از خاندان «سپیتمه» یا «سپنتمان» و پدرش «پوروشسب» و مادرش «دغدو» است ونسبش بفریدون میرسد.

در ششم فروردینماه وهمزمان باپادشاهی«شاه‌گشتاسب» درآذربایجان حوالی‌دریاچه رضائیه (چیچست) مجاور «گزن شهر» یا «شیز» تولد یافت.

در ۲۰ سالگی به‌پناه غاری دربالای‌کوه سبلان رفت ومدت ده‌سال بستایش‌خداوند ومطالعه درراز آفرینش پرداخت وآنگاه‌که باسرار بزرگی آگاه‌گشت نبوت خود راکه

پایه‌اش بریکتاپرستی نهاده شده بود بجهانیان اعلام نمود.

چون اهالی زادگاهش عوامل طبیعت رامی‌پرستیدند برعلیه اوشوریدند و در صدد قتلش برآمدند . از اینرو بسوی شرق یعنی بلخ که در آنجا شاه گشتاسب سلطنت مینمود روانه گشت و تعالیم وپیام پیامبری خودرا درآنجا اعلام داشت ودرخت‌سرو معروف کاشمر را دربرابر کاخ شاهی کاشت.

بنا بفرمان شاه گشتاسب دانشمندان آنزمان با زردشت ببحث وگفتگو پرداختند و بالاخره پس ازمباحثات طولانی تمام‌آنها در برابر تعالیم و احکام آن‌پیامبر سرتعظیم فرود آورده بدین وی گرویدند.

آنچنانکه درگاتاها آمده شاه گشتاسب وکتایون شهبانو نخستین کسانی بودند که به آئین وی ایمان آوردند.

سرآغاز تعالیم این پیامبر پرستش خدای یگانه «اهورامزدا» میباشدکـه معنی آن «هستی‌بخش بزرك داناست» وپایه واصول اخلاقی دین اوبرراستی‌ونیکی وپرهیز گاری‌نهاده شده است منش‌عالی سه‌گانه «اندیشه نیك ـ گفتار نیك ـ کردارنیك» ازدستورات آن‌پیامبر بزرك است.

برای حل‌مسئله خیر وشر یعنی نیکی و بدی، فلسفه‌ای‌بنام «سپنتامینو» (مظهرنیکی) و «انگرهمینو» (مظهر بدی) که از فکر واندیشه انسانی سرچشمه میگیرد ببشر تعلیم فرمود وبا این ترتیب موضوع غامض خیر وشر که ممکن بودبردامن کبریائی پروردگار که منشأ خیر ونیکی محض است‌گردی بنشیند ، حل‌نمود.

همچنین وسیلهٔ نیل بسعادت راکار وکوشش فرمود وازآن‌گذشته بقای‌روح و اعتقاد بجهان دیگر بنام «گروسمان» یاکشور جاودانی اهورا رابرای نخستین بار این پیامبر به بشر تعلیم داد وپاداش ومجازات اعمال نیك وبد انسانی را دراین دنیا واجر ومکافات‌در جهان دیگر راقانونی تغییرناپذیر دانست.

تعالیم و اصول آسمانی‌که بزردشت الهام‌گشت بزبان اوستائی‌که از باستانی‌ترین زبانها وهمزمان سانسکریت است ، بنظم سروده‌شده و «گاتاها» نام دارد و بنا بامر شاه گشتاسب آنرا بردوازده‌هزار پوست‌گاو بازر نوشتند ونسخه‌ای از آن در «گنج شاپیگان (محل آتشکده آذرگشسب) ونسخهٔ دیگری در «دژنبشتهٔ» کوشك شهریاری پارس نگاهداری میشده است وآنرا ۲۱ نسك یعنی ۲۱ جلد هم نوشته‌اند.

زمان این پیامبر را دانشمندان قدیم یونان مانند «دیوژنس‌لربتوس» و«خسانتوس» و همچنین «افلاطون» و شاگردانش «ارسطو» و «اوکسوس» و «هرمدروس» ششهزار سال

قبل از جنگ «ترویا» یعنی ۸۲ قرن پیش نوشته‌اند ؛ ولی مستشرقین بعدی عدد ششهزار را بششصد تقلیل داده وتا ۱۱۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح ذکر کرده‌اند.

اکثریت نویسندگان قدیم وجدید را عقیده بر آنست که زردهشت هنگام دومین حملهٔ تورانیان بایران در ۷۷ سالگی باهفتادتن ازپیروانش درپرستشگاه بلخ، حین نمازوستایش خدای یگانه بدست «براتور» نام‌تورانی بشهادت رسیده است.) این بودآنچه که در کتاب نامبرده چاپ ومنتشر شده است.

ازآن گذشته درکتابهای دبستانی ودبیرستانی نیز مطالب‌ناشایستی بچاپ رسیده‌بود که آنهم با اعتراض‌کتبی انجمن وملاقات باوزیران وقت خوشبختانه‌تمامی درچاپ ۱۳۴۴ حذف گردید حتی روزی که درجشن کتاب منعقده دردبیرستان انوشیروان دادگر شرکت داشتم ودرآنجا گذشته ازعده زیادی ازمدعوین جناب آقای مدرسی معاون وزارت آموزش ورؤسای ادارات نگارش وتعلیمات عالیه وبخشهای آن‌وزارتخانه نیز شرکت داشتندپس‌از سخنرانی واجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده اینجانب بعنوان آنکه ازحضور حضار تشکر نمایم طی بیانات سپاس‌آمیز ازطرف انجمن زرتشتیان ضمناً چنین ادای مطلب‌نمودم:

« میخواهم با استناد از یکی ازکهنسالترین‌کتاب جهان یعنی اوستا راجع بکیفیت کتاب سخنی چندباستحضاررسانم . دراوستا چنین‌تعلیم‌رفته «راست‌ترین دانش‌مزداآفریده مقدس رامیستائیم‌که راه نیك‌نماید وبگذرگاه نیك‌کشاند وسعادت‌ببارآورد» با این دستور آسمانی تکلیف‌کتاب‌که آموزنده وگسترنده دانش است کاملا معلوم‌گشته یعنی‌کتاب باید دارای چنین‌کیفیتی باشد تا برای اجتماع تأمین سعادت نماید.

در این چند روزه راجع بمحاسن‌کتاب دادسخن داده شد دراین مجلس نیز جناب آقای مدرسی وآقای جلالی بابیانی شیوا حق مطلب را ادانمودند اما شنیده‌نشدکه‌راجع بمفاسدکتاب بدکسی توجهی باجتماع بدهد ازاینجهت بااجازه حضار محترم میخواهم‌اینك که مقامات عالی آموزش وپرورش دراینجاحضوردارند این نکته را باستحضاررسانم‌که یك جمله خراب وفسادانگیز درکتاب هزاران جمله خوب وآموزنده رابلااثر خواهد نمودیا یك‌کتاب نامطلوب اثرش در اجتماع از هزارکتاب سودمند بیشتر است پس وظیفه اداره نگارش است‌که درامرکتاب دقت بیشتری بعمل آورده ومخصوصاً کتابهای‌درسی راازمطالب ناموزون منزه‌دارد »

پس ازپایان این سخنرانی همگی باستقبالم شتافته ضمن اظهار سپاسگزاری اصرار ورزیدندکه نکات مورد انتقادرا درکتاب درسی برای‌آنها بنویسم تابحذف آن اقدام‌شود. با این ترتیب تکلیفی برای اینجانب ایجادشدکه بروم و تمام‌کتابهای درسی از دبستانی و

دبیرستانی رامطالعه نمایم ومراتب موردنظررا گوشزد نمایم.

خوشبختانه پس از مطالعه کتابها باین نتیجه رسیدم که تقاضـای انجمن در اصلاح کتاب‌های دبیرستانی بمرحله عمل درآمده است اما درکتاب‌های دبستانی تاکلاس چهارم هنوز مواردی نامطلوب وجوددارد مثلا درضمن معرفی پیامبران نام‌اشوزرتشت که ازمفاخر بزرك اینکشوراست ذکری‌نشده وهمچنین موضوعات‌دیگر که‌طی‌نامه‌ای باطلاع اداره‌نگارش رسانیدم وباپاسخی که باینجانب دادند خوشبختانه اقدام باجرای این تقاضا را نیز وعده فرموده‌اند.

اظهار این مطالب نه از جهت خودستائی بود بلکه میخواستم داوطلبانی که برای عضویت درانجمن درنظر گرفته میشود وظیفه وبرنامه‌کار خود را برای اجتماع بدانند و برای قبول این امر ومسئولیت خطیر اجتماعی خودرا آماده نمایند.

اما مطلب اصلی که میخواستم باستحضار رسانم راجع بعضویت خود اینجانب در انجمن آینده است اینجانب باداشتن‌وظایف‌گوناگون اجتماعی دیگر ازقبیل عضویت افتخاری درکمیسیون عالی مالیاتی وزارت دارائی‌در هرهفته‌یکروز وشرکت درکمیسیون نظام جشن شاهنشاهی (هفته‌ای‌یکروز) وبالاترازهمه اداره امورمجله هوخت که مسئولیت‌وانجام آن بعهده‌اینجانب قرار دارد وبعقیده اینجانب و« قولیست که جملگی بر آنند» این‌تنها نشریه ما زرتشتیان باید همانطورکه درگذشته دارای آبرو واعتبار بوده در آینده نیز مقامش‌ارجمندتروشایسته‌تر حفظ وبحیاتش‌ادامه دهد وبنده انجام این وظیفه را ازوظایف دیگرمهمتر واصولی‌ترمیدانم وچون بیشتر اوقات‌بنده مصروف وظایف نامبرده‌است‌وباور نمائیدازرسیدگی باموررشخصی‌بازمانده‌ام ازاینجهت استدعایم از همکیشان‌ارجمنداینست که بنده‌رااز‌کسب‌این‌افتخار وعضویت‌درانجمن گردش ۲۹معاف‌فرمایند وشخصیت دیگری‌رابجای‌اینجانب درنظرگیرند که باداشتن فرصت بیشتر این مسئولیت خطیر را بتوانند انجام دهد از این عنـایت همواره سپاسگزار همکیشان ارجمنـد خواهم بود.

وضمناً خواهم توانست با فرصت بیشتری خاطرات چهارسال وچندماهه خدمتم‌رادرانجمن طی یادداشتی باستحضار برگزیدگان آینده رسانم تابرنامه شایسته‌ای برای انجام وظیفه خود تنظیم نمایند.

درپایان ازاینکه باحوصله عرایض بنده راشنیدید و مرتباً سخنانم را مورد تشویق قراردادید بینهایت سپاسگزارم وتوفیق همگی را ازدرگاه اهورا مزداخواهانم.

نوشته: هاشم رضی

شاخهٔ زرین

(۳)

هر گاه توجه کنیم که تقریباً یکدهم از ریگ‌ودا - مجموعاً درباره سوم وخواص وستایش آن است ، به اهمیت آن میان هندو - ایرانیان پی‌خواهیم برد . هرچند مطابق تحقیقاتی که شده است میان گیاه سوم درمیان هندیها وهوم میان ایرانیان تفاوت‌هائی موجود است، اما با این حال بی گمان ریشه هردو درآغازیکی بوده است ، هر چند بسیاری معتقدند که حتا گیاهی به‌نام هوم که امروزه در مراسم ویژهٔ مزدائیان بکارمی‌رود، بجز هومی‌است که در ادوارکهن مورد استعمال داشته .

سوم در ادبیات‌وافسانه‌های دینی ودایی دارای معانی ومفاهیم چندی است که برخی ازآنهابی‌تردید قابل مقایسه باهوم است وبرخیشان باتوجه به تفسیرهایی روشن ، قابلیت انطباق پیدا می کند. سوم بمعنی شیره وشربت مقدس است که دراوستا نیزهوم چنین است . بمعنی گیاه‌جاودانی بخش است ، چون«آب‌حیات»که به تقریب در اوستا نیزچنین مفهومی وجود دارد ، اما در ادبیات واساطیر سومری وبابلی این مفهوم صریح‌تر به نظر میرسد که ازآن یادخواهد شد . همچنین در ادبیات بابلی افسانه **Etana** قابل توجه است که برای داراشدن فرزندی ، باعقابی بآسمان بالامی‌رود تا از گیاه ولادت که در ارتفاعات‌جو وجود دارد بدست آورده وبخورد ودارای فرزند شود ، چون در آرزوی پسری است که وارث و جانشین وی شود . توجهی به یسنا - های نهم این شباهت فوق‌العاده را بیان می کند ، چون هوم بکسانی‌که دارای علاقه ومحبت است ، فرزندانی شایسته عطامی کند:

به زایندگان پسران نامور وفرزندان نامور دهد .....(۱)

همچنین صفت مشهور هوم «دورااش **Durâooha**» یعنی دور دارندهٔ مرگ است و این همان مفهوم گیاه حیات رامی‌دهدکه در افسانه‌های بابلی گیل گمش**Gilgamesh**

۱ - یسنا - ها ۲۲/۹

تا درون دروازه‌های شهرخدایان بدنبالش می‌رود.

همچنین گیاه هوم دارای جنبهٔ خشم و قهری است که چون برانگیخته شود موجب نیستی ومرك می‌شود. در اساطیر اسکاندیناوی بالدر **Balder** که یکی از خدایان بزرگ بود، بوسیلهٔ گیاه می‌سلتو **Mistletoe** « گیاه بوسه» کشت می‌شود، ودربارهٔ این‌افسانه‌ها پس ازذکر سوم ـ بکوتاهی یادخواهد شد.

گیاه سوم در هندوستان عبارت است ازگیاهی که دارای ساقهٔ پیچیده‌یی است و از تخمیر آن نوشابه‌یی بدست‌می‌آید که مستی‌بخش است ودر مراسم مذهبی بخدایـان بوسیلهٔ برهمنان تقدیم شده وخودنیز می‌نوشند . درمورد پیدایش گیاه سوم درودا روایتی است که باروایت « هوم‌یشت = یسنا ـ ها ـ ۱۱ـ۱۰ـ۹ » قابل مقایسه می‌باشد . چنانکه گذشت گیاه هوم را خداوند دربلندی کوه البرز می‌رویاند و پس‌ازآن پرندهٔ مقدسی که باحتمال قوی جز «شاهین ـ عقـاب » (۱) مرغی دیگر نیست دانه‌های آنرا بهمه جامی پراکند . مطابق با ریك‌ودا ، عقاب یا شاهین بهر ترتیبی که هست خودرا بآسمان ، بآن آشیانهٔ مستحکم خدایان می‌رساند و گیاه زندگی بخش سوم **Soma** را دزدیده و برمین‌می‌آورد تا مردمان ازآن استفاده کنند (۲). بجاست تابه‌افسانه مشابهی دراساطیر یونانی اشاره‌شود که بموجب آن اسطوره ، پرومه‌ته‌یوس **Prometheus** ، یکی از نیمه‌خدایان بآسمان راه یافته وآتش را دزدیده وجهت استفادهٔ سرنشینان زمین ، آنرا به کرهٔ خاکی منتقل می‌سازد .

اغلب صفاتی که در اوستا دربارهٔ هوم آمده است ، در ودا راجع به سوم نیزموجود است . سوم نیز بمقام خدایان ارتقاء یافته تاجائی که یکی ازمهتر خدایـان شده است . ایرانیان پس ازجدائی از هندوان همان معتقدات مشترك را نگاه داشتند ودرطی زمان و جدائی میان هند و ایرانیان ، در جزئیات زبان ، فرهنك ، زندگی ، دیانت و افسانه‌هاو اساطیرشان دیگرگونی‌هایی پدید آمد .

روایاتی مشابه در بارهٔ هوم وسوم از اینگونه است ودر حالی‌که اسکلت روایت و سرچشمهٔ اصلی یکی است ، دارای اختلافاتی جزئی نیز میباشد . یکـی از وجود فاصله میان هندو ایرانیان ، تغییراتی است درزبان ودرواقع زبان اوستایی و سانسکریت‌منشعب ازیك شاخهٔ اصلی هستند که هند و ایرانیان درآغاز بدان تکلم می‌کردند. در اوستا حرف

---

۱ ـ نگاه شود بمقالهٔ «سان = شاهین»

۲- Macdonell: Vedic Mythology. P. 111

«س» شاید بدل به «ه» شده باشدچنانکه سوم- هوم شد واسوره Asura ، اهوره Ahura گشت .

سوم ـ در ودا دارای قدرتی بی‌زوال است ، ابدی است وخدای درمان بخش است ونه تنها صحت وسلامت میبخشاید وبرهمهٔ بیماریها پیروز می‌شود ، بلکه بخشندهٔ زندگی و ثروت وخواسته است وگاه آنقدر درمقامش غلو می‌شودکه با خدای‌خدایان وقدرت‌اعلای جهانی یکی دانسته می‌شود . هرچند دراوستاکم وبیش ازاین‌همه قدرت دربارهٔ هوم‌نشان-هایی موجود است، اما بااین وصف وی‌آفریدهٔ اهورامزداست ونشان اصلاحات‌زرتشت‌کاملا آن بخوبی مشهود می‌باشد.

پس از مدتی نام سوم رابه ماه دادند وگیاه سوم باماه یکی دانسته شد . در زبان سانسکریت سوم بجای ماه نیز بکار می‌رود. این یکی دانسته شدن تنها در اسم ونام‌نبود، بلکه صفات سوم‌نیز بماه اطلاق‌شد وآنرارب‌النوع گیاهان دانستندومراسم عبادت وقربانی برایش انجام دادند وسالار گیاهان شفابخش خوانده شد . ازهمین رهگذر است‌که بموارد مشابه اصیل روایات ودایی واوستایی پی‌می‌بریم واین مقایسه‌ها بسیار دقیق وجالب‌خواهند بود. در اوستا بکرات اشاره باین موضوع شده است‌که نگاره‌های‌آسمانی ، بویژه ماه ، محل نطفهٔ گیاهان می‌باشند:

مهر و اهورای بزرگ فنانا‌پذیر مقدس رامی‌ستاییم، ستارگان و ماه وخورشید رانزدگیاه برسم وآن مهر راکه سرور سراسرممالك است رامی-ستاییم. (۱)

اما در باب چهارم از بند هشن است‌که ابهام اوستایی روشن‌تر مـی‌شود . بموجب روایت بندهشن چون خداوندگاو نر رابیافرید ، دیوان درصدد ایذا وآزارش برآمدند. چونانکه برکیومرث انسان نخست‌گذشت ، برگاو نخستین نیز این ماجرا گذشت و دیو رنج وگرسنگی ونیاز پیکرش را تکیده وناتوان ساخت تا سرانجام بمرد . چون‌لاشه‌اش متلاشی‌گشت ، دوازده قسم ازگیاهان سودرسان از آن بوجود آمد ونطفهٔ وهستهٔ اساسی‌آن گیاهان بکرهٔ ماه منتقل‌گشت وماه حافظ وسرپرست گیاهان گشت (۲) و بهمین جهت‌است که درمتن اوستا ماه رویاننده وپرورش دهنده وموکل گیاهان ورستنی‌ها شناخته شده است **و در هنگامی‌که ماه روشنایی بتابد همیشه دربهارگیاه سبز اززمین بروید،**

---

۱ ـ یشت دهم ـ مهریشت ۱۴۵/۳۵

۲ـ دارمس‌ته‌تر Darmesteter در Ormazd et Ahriman 144-145

تاریخ ادیان ـ جلددوم ، ۹۸۵-۹۸۲

من می ستایم ماه ... سودمند سبزی رویانندهٔ آباد کنندهٔ بغ درمان دهنده را . (۱)

وچنان که ملاحظه می‌شود ، صفت درمان‌بخشی که ویژهٔ هوم است ، بماه نیز نسبت داده شده ، کاملا روشی که در ریگ‌ودا ـ میان ماه وسوم بنظر می‌رسد وآن دو رایکی‌می‌دانند . در اوستا ازجمله صفات ووجه استعاراتی که برای هوم آمده است و درنظر اول بدون توجه بموارد مشابه ودایی گنگ ونامفهوم ممکن است بنظر رسد چنین است:

از برای تو فراز آورد مزدا نخست کمربند « کشتی » ستـاره نشان مینوی ... (۲)

آیا این کنایه‌یی ازیکی بودن ماه و هوم نیست چنانکه در ودا میباشد . توجهی به موارد مشابه این تمثیل وکنایه در اساطیر ملل دیگر، مارا برآن‌میدارد که «کمربندستاره نشان» هوم راکنایه ازآن بدانیم که منظور سراینده بیان یکی بودن هوم باماه بوده است، چون ماه است که ستارگان چون کمربندی گردش حلقه بسته‌اند.

سوم را در ریگ ودا وهوم رادراوستا می‌توان تااندازه‌یی بادیونی‌سوس **Dionisos** در اساطیر یونانی وروِمی مقایسه‌کرد. دیونی‌سوس یا باکوس **Bacchus** پسر زئـوس **Zeus** ومادرش سمل **Semele** بوده است که در اساطیر یونانی دارای اهمیت‌فراوانی است . وی خدای تاکستانها ، شراب وجذبهٔ عارفانه است وپیدایش شراب به وی منسوب است چنانکه در اساطیر ایرانی وهندی بجمشید منسوب است . براثر حوادثی که روی‌می‌دهد ، زئوس اجباراً پسر رابشهری در آسیابنام نیسا **Nysa** می‌فرستد وعده‌یی ازالاهگان آن دیار رابسرپرستی وتربیت وی‌می گمارد. پس ازچندی زئوس آن الاهگان را بصورت مجموعهٔ فلکی دبران «**Hyades**» درمی‌آورد که دیونی‌سوس را درمیان دارند.

دربرخی دیگر از روایات ودایی سوم ـ رادرمفهوم ماه بودنش ، پسراتری **Atri** که از ریشی‌هاست وهمسرش که‌انسویا **Ansoyâ** می‌باشددانسته‌اند . اما روایات در بارهٔ اصل ونسب او منحصر به‌یکی دوتانیست .

دربرخی دیگر از روایات آمده است که دراثر توفان دردریا بوجود آمده است . مقایسه‌یی ازاین مورد باروایات پهلوی دربارهٔ هوم جالب توجه است ، چون برابر بااین روایات گیاه هوم نیز میان دریا روییده است . چون درخت همه تخم دردریای‌فراخکرت بوجود آمد ، اهریمن برضدآن آسیب‌هایی آفرید ، درخت همه تخم درختی‌بودکه ازآن

---

۱ ـ یشت هفتم ـ ماه یشت ، بند چهارم

۲ ـ یسنا ۱۵ 9/۲٦

همهٔ رستنی‌ها وگیاهان بوجود می‌آمد ، چون دانهٔ همهٔ گیاهان دراو وجود داشت . پس درخت گئوکرن Gaokrena میان دریای فراخکرت پدید آمد که درخت همه تخم را از آسیبهای اهریمنی حفظ کند ودرخت گئوکرن راهوم سپید نیز میخوانند وبا آن یکی است. پس متوجه می‌شویم که چگونه ازجنبه‌های گوناگون می‌توان سوم - وهوم را مقایسه کرده هرگاه روایات گوناگون دربارهٔ هوم فراهم گشته وپس ازتلفیق وترکیب بقالب نخستینشان ریخته شوند ، آنگاه شکل اولیهٔ اسطورهٔ هوم بگونه‌یی کامل فراهم می‌شود.

مطابق روایات اساطیری ، یکی ازپرجاپت Parjapat ها ، یعنی یکی از ده آفریدهٔ نخستین خداوند بزرگ که دکش Dakasha نام داشت دارای شست دختر بود که بیست وهفت‌تای آنهارا بسوم - درهیأت ماه بودنش داد ومیتوان استنباط کرد که منظور از این کنایه بیست وهفت‌منزل ماه می‌باشد.

جالب توجه اینجاسب که اسطورهٔ «دکش» باروایاتی‌در اوستا وپهلوی دربارهٔ آفرینش شباهت جالب توجهی دارد و ازسویی دیگر قابل توجه است که دکش در سانسکریت نام گیاهی درمانبخش نیز می‌باشد . سوم - بدون توجه بزنان‌دیگر ، بچهارمی دل باخت و ازآن دیگران غفلت کرد . احساس حسادت دربیست وسه دختر جنبید وبپدر شکایت بردند ودکش‌نیز سوم رانفرین کرد که دائم ببیماری وناکامی مبتلا گردد. امادختران رادل بحال شوهر رحم آمد وازپدر خواستند تانفرین خودرا ازسوم - بردارد ، اما دیگر تغییر قضا امکان‌پذیر نبود وتنها کاری‌که دکش توانست انجام دهد آن بود که بیماری سوم - راادواری کرد واز دائم بودن تعدیل ساخت - بهمین جهت است درماه تغییراتی بوجود آمد و در صورگوناگون درآسمان ظاهرمی‌شود. بقایای این اسطوره بنحو روشنی درادبیات‌هندی و پارسی باقی مانده است ونسبتی‌که شاعران بتناوب در تشبیه ازبیماری وسلامت ماه میکنند برهمین مأخذ است که اصل‌آن فراموش شده است.

بقیه درصفحه ۵۳

قابل توجه مشترکین ارجمند کرمان

چون سال روبه پایان است خواهشمند است حساب آبونمان‌خودرا با آقای گودرز فرامرزی واریز نمایند . بدیهیست ازمشترکینی که قبلا بدهی خود را پرداخته‌اند سپاسگزار است.

هوخت

از : سرهنگ ۲ موبد (سرباز)

جشن جاوید است روز یادبود جان فشانان روز بذل مرحمت از سوی شاهنشاه میهن

ای بخاك و خون فتاده از برای خاك میهن
آخرین ورد زبانت بود نام پاك میهن
چون نکردی خویشتن را خوار پیش چشم دشمن
شد فداکاری تو چون خار اندر چشم دشمن
لاجرم تحریك شد بر کشتن تو خشم دشمن
روح تو از تن جدا شد رفت بر افلاك میهن
افتخار جانفشانی تاج شد اندر سر تو
خون زخم تیر دشمن گشت زیب و زیور تو
گر کنم از پرده کعبه کفن بر پیکر تو
برتر از آن میشماری خفتن اندر خاك میهن
گر نهم سنگ سیاه کعبه را روی مزارت
میکند آن سنگ روی سینه‌ات حس حقارت
هست در خلد برین لطف خدا در انتظارت
ای بخون آغشته و آلوده بر خاشاك میهن



خوش بحالت ای که دادی جان خود در راه میهن
خاندانت مفتخر در پیشگاه شاه میهن

آفرین بر تـو بـه پیمانت نمودی پایداری
گرچه‌افتادی زپابا مجد و عزت نی بخواری

گشت نام تـو بتاریخ شهیدان یـادگاری
ای ستون پایـدار خیمه و خرگـاه میهن

ای (پدر)ای آنکه پروردی شهیدی بهر میهن
در نهاد او نهادی ایـن چنین تـو مهر میهن

کی شوی در زندگانی تو دچار قهر میهن
داد جان خرسندوخندان او بمیدانگاه میهن

ای‌زن ای (مادر) که‌زادی‌توشهیدی‌بهرایران
شیر دادی پرورانیدیش انـدر مهد ایـران

نـام او شد زینـت اوراق تـاریخ دلیـران
خوش‌درخشیدعاقبت‌درآسمان‌چون‌ماه میهن

* * *

ای‌زن‌ای(همسر) که‌بودی همسر سربازمیهن
ای بکوهستان ایـران تو شکار بـاز میهن

ای که دادی‌دست‌خود بردست مردجانفشانی
همسر خود را ز کف دادی بـدوران جوانی

نام تـو با نـام آن جانباخته شد جاودانی
ای نشان تیر عقـل و عشق تیر انداز میهن

(دخترا) تو یادگـار رادمرد جان نثاری
با سرافرازی بمان در خاندانت روزگـاری

رفت از دستت پـدر اما تـرا شد افتخـاری
چون‌شدی زین پس به(شاهنشاه)چون(شهناز)میهن

بقیه درصفحه ۳۲

بقیه متن سخنرانی دانشمند خاورشناس آلمانی پروفسور رمپیس که روز جمعه ششم آذر ۴۳ بآلمانی ایراد فرمودند و آقای دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی آنرا بپارسی ترجمه نموده‌اند وقسمت اول آن در شماره دوم سال ۴۴ چاپ واینك دنباله آن درج میگردد

زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

(۲)

اکنون شایسته است بمنظور تکمیل کار - دوسه نمونهٔ دیگر از ترجمه‌های گاهان یا کتابهائی که دربارهٔ زردشت نوشته شده است یادکنیم :

یکی ترجمه وتوضیحاتی که بزبان فرانسه از سرودهای آسمانی این پیغمبر بوسیلهٔ ژ. دوشن گیمن . J. Duchesne-Guillemin (۱۹۴۸) و یکسال پیش از این تاریخ کاری که بانگلیسی در دوجلد ازطرف ارنست هرتسفلد « زردشت و جهان او[۱] » شد دوشن گیمن خود دربارهٔ کتابش : «دین ایران باستان [۲] » صفحه ۳۹۸ میگوید که من این کتابرا بنابرتشویق دومزیل Dumezil دانشمند بزرك زبانشناسی هند و ژرمنی نوشتم

هرتسفلد بما زردشت پیغمبر را در کتابش یك درباری وسیاستمدار نخستین پادشاهان هخامنشی معرفی میکند، همچنانکه والترهینس W. Hinz البته بکلی ازجهات ونظریات دیگر وبهرحال ازنظر وجنبهٔ دیگری - در «رمان»ی که در سال ۱۹۶۱ در بارهٔ زندگی زردشت نوشته است. ترجمه‌هائی ازگاهان در پایان کتاب بعنوان پیوست بسی سنجیده‌تر و اندیشیده‌تر از دیگران داده است .

۱ - Zoroaster andhis world 1947

۲ - La Religian de l'Iran Ancien 1962

این ترجمه‌ها را من بمناسبت سبك توراتی آن وبنا بر اصول ترجمه‌ای خودم نمی‌پذیرم ولی اعتراف میکنم که ترجمه‌های هینس نخستین ترجمه است از مرد دینداری که گفتارهای پیغمبر زردشت را برشنونده یاخواننده بسرحد اعتقاد و ایمان مؤثر میسازد و سرد ویخ زده مانند ترجمه‌های آلمانی «هومباخ» نیست. بعلاوه هینس ترجمه‌های آلمانی خودرا بازبردستی وتوانائی زبانشناسی انجام نداده است بلکه نتیجهٔ انتخاب ودست‌چینی او است. باین معناکه هرچه راکه وی‌برای تفسیر گاهان لازم تشخیص داده است آورده است.

پس ازاینکه مهمترین مترجمان‌اروپائی سرودهای‌زردشت وروش‌کارشان رایادکردم ونقطه نظر آنان بازشناساندم - کارهای دانشمندان پارسی، تاوادیا، تاراپوروالا، و بود ازموضوع بحث مابیرون هستند - هنگام آنست که توجه‌خودرا بوجود خودزردشت‌معطوف گردانیم.

در این مورد بهتر است مسائلی‌که باشخصیت و وجود تاریخی او و همچنین آنچه با تعالیم اوسروکار دارد یکجا مورد بحث قرار گیرد. در مورد شخصیت و وجود پیامبر ایران کهن، زردشت، باز بهتر ازهمه آنست‌که خاستگاه ومنشاء او، وآنجاکه اوزاده شده‌است وزمان زندگانی وقلمرو نفوذ او هریك جداگانه مورد مطالعه قرارگیرد.

در بارهٔ خاستگاه وزادگاه او، بعبارت دیگر بستگی او بیکی ازطبقات اجتماعی ایران عقاید بسیاری تاکنون اظهار شده است. ازآنجاکه این نکته بستگی تمام‌بااوضاع واحوال وروابط ومناسبات زندگانی پیغمبر دارد وهیچکدام ازاینها راباقطعیت واطمینان نمی‌شود بحث‌کرد، یعنی هرکدام از آنها بنظر هریك از دانشمندان و مترجمان مربوط میشود، هرگونه نتیجه‌گیری بخود محدود میشود.

فقط باید بفرضیه ا.هرتسفلدکه WIŠTA-ASPÖ پشتیبان‌زردشت راباگشتاسب پیشوای هخامنشی یکی دانسته اشاره‌کنیم. هرگاه ثابت شودکه این فرضیه غلط است، نتیجه‌هائی هم‌که ازآن‌گرفته بیهوده وغلط خواهد شد.

این فرضیه نیزکه زردشت ازگروه روحانیان وموبدان بود، قابل اثبات نیست، زیرا ما هیچگونه اشاره‌ای دراین‌باره نمی‌یابیم. بعکس مطالعه‌گاهان بیشتر ما را باین نتیجه میرساندکه زردشت وابسته بطبقه بزرگان بود.

کاویو (Käwayö) گمان نمیرودکه وابسته بطبقه دهقانان یا خوائیتو بوده است زیراوی بابزرگان نشست و برخاست داشت ونخستین‌پیروان باوفای او ازمیان همین‌طبقه **بودند.**

البته در یسن ۱۰/۳۲ بند یك و ۲ باکمال صراحت و روشنی برضد آن بزرگان (دئوا) سخن میگوید (ولی پیدا است که فقط برضدآن بزرگانی است که دشمن اوومخالف تعالیم اوهستند) چون پس ازاین درنشان دادن جایگاه زردشت دراین باره گفتگوخواهیم کرد این جا بیش ازاین چیزی نخواهیم گفت .

* * *

در بارهٔ زادگاه زردشت دانشمندان جوان اروپائی تااین جا همداستانند که زادگاه وی دریکی از نواحی «شرق» بوده است ، یعنی بر خلاف آنچه روایات پهلوی و مکتب بارتلمه معتقد است که درغرب درددریاچهٔ چچست Cëcast (درشهر «شیز» Šïz) میپندارند که نخست درآنجا بدنیاآمده وبراثر نزاع باقبیلهٔ خود بطرف شرق گریخته است . اینان برای اثبات این مطلب به یسن ۳/۴۶ استناد می‌جویند . ولی درآنجا فقط گفته‌است :

« بکدام سرزمین باید خودرا ساکن کنم ؟ بکجا باید بگروم ؟ آیابایدبروم؟ »

در اینجا هیچ سخن از گریز وپذیرشی درغربت نیست . و در نتیجهٔ قبول‌این‌فرضیهٔ شرقی بودن میهن پیامبر ، دانشمندان جوان مانند ژ . دوشن گیمن هرگونه تأثیر«یکتا پرستی سامی» را در تعلیمات زردشت که در یسن۴۴ بند۷ از مزدا اهورا بعنوان«آفریننده همه (چیز) سخن میرود که بیان هرخدای دیگری همسان یا برتر یا پائین‌ترازمزدااهورا را پاك ناممکن میسازد ، رد میکنند .

تمام این فرضیه‌ها ازسنت زردشتی متاخر درباره تعیین زمان زایش‌زردشت‌سرچشمه میگیرد . چه بنابراین‌سنت زمان زندگی زردشت پیرامون ۹۰۰ تا۶۲۸ پیش ازمیلاداست برای ثابت‌کردن این تاریخ است که هرتسفلد و هینس و ف . آلتهیم محاسبات شگفت‌آوری می‌کنند و این عدد تاریخی راکه ازسوی موبدان زردشتی پایان دورهٔ ساسانی پیدا شده است یك حقیقت تاریخی جلوه دهند.

با تعیین زمان زردشت ، دربرابر قسمت اصلی سئوال قرار میگیریم زیرااین‌سئوال مربوط بشخصیت و تعالیم پیامبر هردو میشود . هرچه زمان زندگی او دیرتر فرض شود بهمان اندازه دوره‌های تاریخی موضوع که بوسیله شرحها ونوشته‌های شرقی‌وغربی که باآن آشنا شده‌ایم نزدیکتر میآید وبهمان نسبت هم تأثیرات غربی دربرابر آن پیغمبر ایرانی بهتر وآسانتر ثابت میشود و درنتیجه یگانه تعلیم اورا درباره پیوند خدا وانسان همکاری انسان درکار آفرینش باید دردرجه دوم اهمیت بگذارند.

برای هر شناسندهٔ آگاه ودانندهٔ افسانهٔ پهلوانان ایرانی در نگاه اول آشکار میشود

بقیه درصفحه ۶۲

از: خداداد خدابخشی

روز ششم فروردین یا روزیکه اولین خداشناس و یکتاپرست یعنی اشوزرتشت پا بعرصه وجود گذاشت

آیا لازم نیست برای بزرگداشت این روز فرخنده که دنیا بآن اهمیت میگذارد در ایران تعطیل عمومی اعلام گردد؟ (۲)

خوانندگان گرامی درشماره قبل عرض شد که چون زرتشت اولین فرستاده خدا بود وپایه‌یکتاشناسی را اوبنا نهاد بنا براین بایدازتعالیم عالیه او پیروی کرد وبرای بزرگداشت نام‌او کوشید ــ ونیز اشاره شد که زرتشت رانه‌فقط دانشمندان ایرانی‌میشناسند بلکه فلاسفه ومحققین دانشمند خارجی امثال دارمستتر ــ دکترهاك ــ افلاطون‌وغیره نیز ازاین‌پیغمبر بزرك آریائی نام برده واورا بزرگترین واولین پیغمبر وناجی بشر دانسته‌اند.

چند روز پس ازارسال اولین قسمت این مقاله برای چاپ ، جناب آقای‌دکتررضا زاده شفق سناتور واستاد معظم دانشگاه درسخنرانی خودکه بوسیلهٔ سازمان فروهر(جوانان زرتشتی) ترتیب یافته بود وبنده نیز افتخار حضور داشتم‌ضمن بیانات‌پرمغز خویش تحت عنوان «**تعلیمات جهانی در ایران باستان**» اسامی چند محقق ودانشمند خارجی‌را بردندکه همگی از افکار وتعلیمات عالیه حضرت زرتشت تعریف وتمجید نموده‌اند از جمله مستر ویلیام جکسن آمریکائی وتاگور فیلسوف وشاعر بزرگ هندوستان که اولی در کتاب خود ضمن ستایش اززرتشت مینویسد :

«کمتر کتاب دینی است که مانندکتاب مقدس زرتشت این‌چنین احکام صریحی داشته باشد بخصوص درباره خیر وشر وزندگی در سرای دیگر» . ودومی یعنی فیلسوف بزرگ

رابیندرانات تاگور درکتاب خود نوشته است: « زرتشت تغییر اساسی در دین بوجود آورد و بآن خاصیت اخلاقی داد و جای شبهه نیست که **زرتشت اولین شخصی است که ما میشناسیم درجهان که توحید ویکتاپرستی رابمردم تعلیم داد»**

خوشبختانه کتب ومجلات وروزنامه‌ها پراست‌ازاینگونه مطالب که همه دسترنج تحقیق دانشمندان بزرگ جهان اعم از ایرانی وخارجی می‌باشد . دانشمندان و فلاسفه خارجی پس ازتحقیق فراوان کتاب‌ها درباره عظمت زرتشت نوشته‌اند ونیز استادان ایرانی‌هم‌الحق خاموش ننشستند وحقیقت راچنانکه باید و شاید آشکار ساخته‌اند .

راه دوری نرویم - درشماره گذشته مجله هوخت هرکس سرمقاله جناب آقای‌دکتر سروش صرفه‌نیا بعنوان « واینست افتخار » را خوانده باشد جملاتی راکه جناب آقـای پروفسور شوشتری دانشمند محترم ایرانی بامخبر مجلهٔ تهران مصور در میان نهاده‌انـد نیز ملاحظه نموده است واینجانب تکرار آنرا در اینجا لازم میدانم چون اولا اینگونـه مطالب بهتر است بارها تکرار شود وثانیاً جناب پروفسور کاربنده وخوانندگان عزیز را آسان کرده است ومطلبی راکه من میخواستم در یك صفحه بنویسم معظم‌اله در چند جمله خلاصه فرموده‌اند. فرمایشات ایشان چنین است :

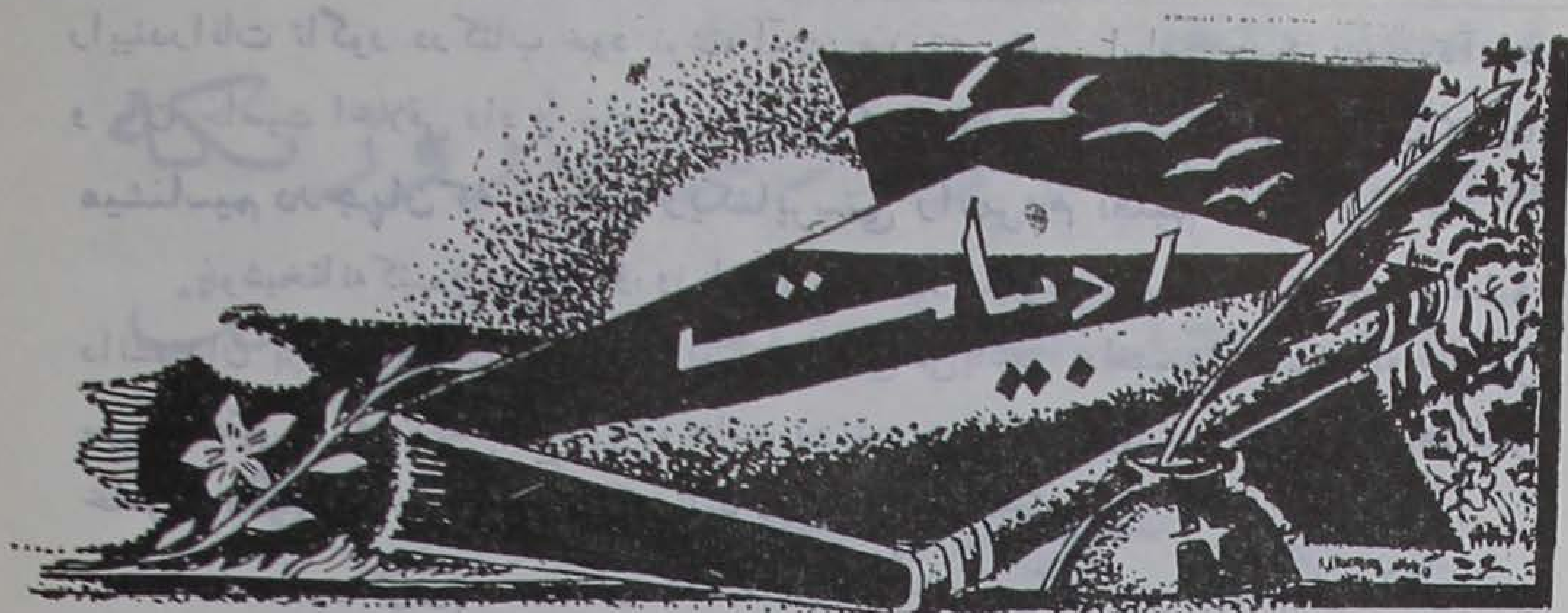
« بنظر من زرتشت یگانه کسی است که ما ایرانیها ازصمیم قلب باید باوافتخار کنیم، این مرد واقعاً ازلحاظ دانش وبینش درهمه دنیا نظیرش دیده نشده است ـ پایه‌های‌فلسفه زرتشت آنچنان محکم وعمیق ومنطقی است‌که بتحقیق هیچ فلسفه دیگری از این لحاظ با آن قابل مقایسه نیست .

عرفان حقیقی ایرانزمین را باید درگاتهای زرتشت جستجوکرد وبا اطمینان می‌توان‌گفت اگرکسی بتواند گاتهارا بخواند وبآن‌عمل‌کند صددرصد رستگارمی‌شود. اندیشه زرتشت نمونه برجسته‌ایست از روح ترقی و تکامل و ظرافت میلیونها سال اندیشهٔ بشر که دیگر ازآن کاملتر نشده مگرآنکه شاخ وبرگی بآن افزوده شده باشد»

ملاحظه فرمودید ـ این بودنظر یك دانشمند ایرانی عصر حاضر درباره زرتشت و تعالیمش .

فکرکنم این چنین عقیدهٔ را تمام روشنفکران وحقیقت بینان دارند واگردرایران بجای پنج روز تعطیل عید ۶ روز تعطیل عمومی اعلام گردد تا پیروان مکتب زرتشت اعم از زرتشتی وغیر زرتشتی بتوانند در جشن وشادی مخصوص آن روز شرکت‌نمایند وتعالیم آن وخشور بزرگ راکه روی پایه‌های پندارنیك ـ گفتار نیك وکردارنیك استوار است

بقیه درصفحه ۵۷



از : خرم کازرونی

دیدار

بروای یار که دارم نفس از یار دیگر
با تو هرگز نکنم صحبت دیدار دیگر

بستر خلوت وصل تو برای دیگری
که تمنا کند آن بستر دلدار دیگر

دست ما کوته از آن دامن دلجوی تو باد
تا بری گوهر خود را بخریدار دیگر

دل سرگشته نظر باز شد از همت عشق
از نظر رفتی و دل شد ره گلزار دیگر

میکنم خدمت خوبان که در این دیر مغان
کام دل جویم و جز این نکنم کار دیگر

خیز و در حلقه خوبان بتماشای من آی
تا ببینی دل سرگشته من بار دیگر

سرخوش از باده گلگونم و مست از دم وصل
وصل میخواهم و یک بوسه خونبار دیگر

ابلاغ مراحم شاهنشاه آریامهر

۲/۶۹۲۹
۱۳۴۴/۱۱/۴

ازطرف ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ضمن ابلاغ مراحم و عنایات شاهنشاه آریا مهر بآقای اردشیر موبد سرپرست استادیوم ورزشی والاحضرت فرحناز پهلوی چنین به‌نامبرده ابلاغ گردیده است:

خدمات صادقانه شما همیشه مورد توجه ملوکانه بوده و میباشد امر ومقرر فرمودند مراحم وعواطف **خاصه ذات اقدس شاهنشاه آریا مهر** را بدین وسیلهٔ بشما ابلاغ نماید.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی -هیراد

رونوشت بانجمن محترم زرتشتیان تهران ارسال می شودکه بطریقی مقتضی ازآقای اردشیر موبد تقدیر وتشویق بعمل آورند و نتیجه را اعلام دارندکه بشرفعرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی - هیراد

نقل از اطلاعات شماره ۱۱۸۹۷ وکیهان شماره ۶۷۴۹ مورخه ۱۳۴۴/۱۱/۱۳

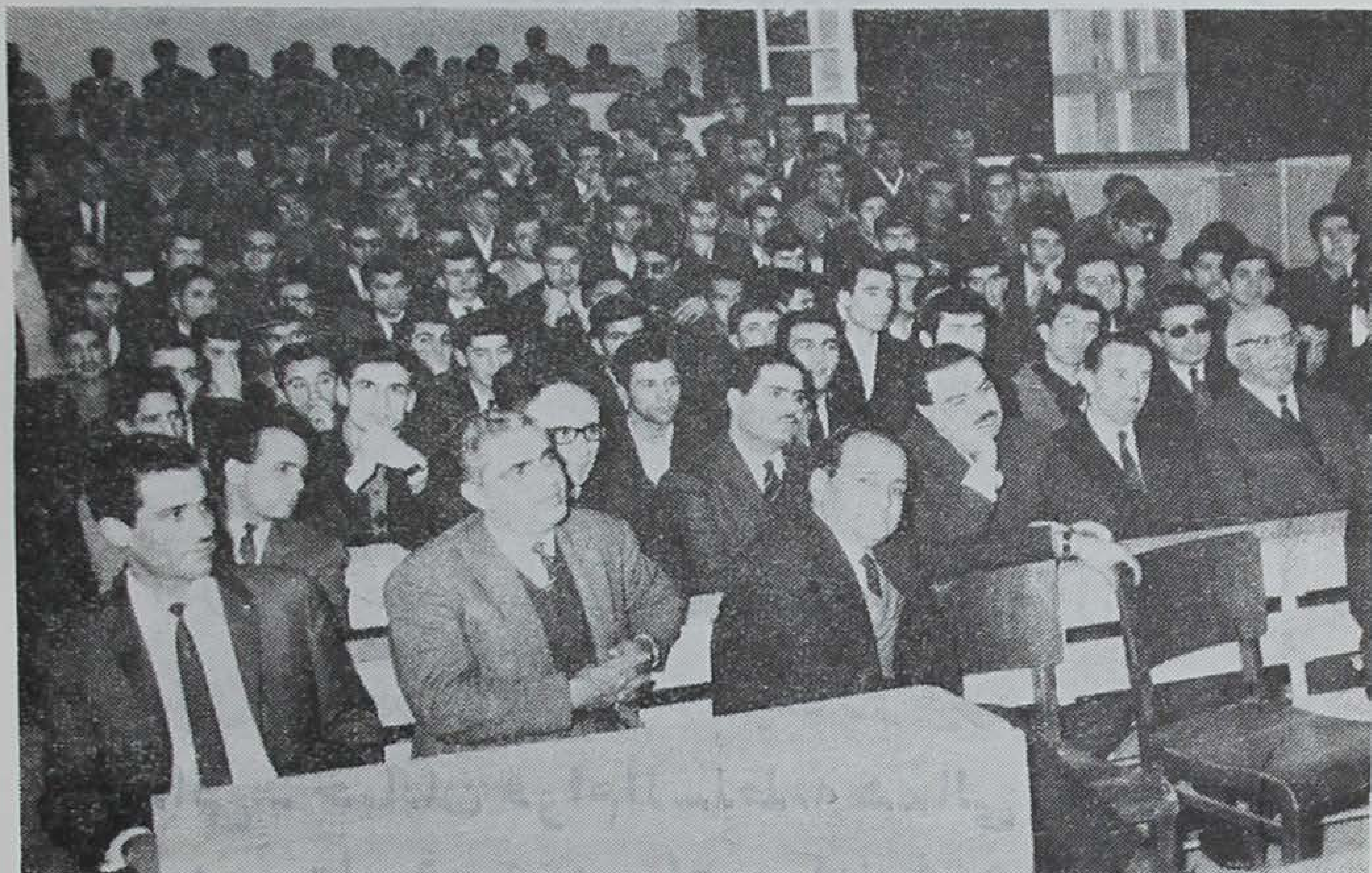
خبری از دانشگاه تهران

بر حسب دعوت دپارتمان فیزیك پزشکی دانشگاه تهران در ساعت ۱۱ صبح روز ٤٤/۱۰/۸ جمعی از استادان و دانشجویان در دانشکده پزشکی گرد آمدند . این جلسه بمنظور آشنائی باطرز کار دستگاه اختراعی آقای دکتر بهرام نامداری تشکیل گردیده بود .

نخست جناب آقای دکتر فریدون منوچهریان استاد و رئیس گروه فیزیك پزشکی آقای دکتر نامداری را معرفی کردند وپس از ستایش اززحمات وپشتکار ایشان خواستند راجع بدستگاه اختراعی خود توضیح بدهند.

آنگاه آقای دکتر نامداری ابتداچگونگی کار دستگاه‌را بیان کردند وسپس اظهار داشتند خوشوقتم که این افتخار نصیبم شد تاخدمتی بس کوچك بدانش پزشکی بنمایم . من پیوسته باین نکته توجه داشته‌ام که آنچه انجام میدهم برای دیگران مفید باشد و

بقیه درصفحه ٦۱



نوشته : اردشیر جهانیان

کتاب مقام زن در آفرینش

جناب آقای حبیب‌اله آموزگار که ازدانشمندان و نویسندگان بنام اینکشورند و تا بحال آثار بسیار ارزنده علمی وادبی بجهان دانش عرضه نموده وچون خورشیددرخشانی راه تحقیق ومطالعه را داروشن ساخته است این بار اثر گرانبهای دیگری بنام مقام زن درآفرینش که حاوی بحث ومطالب محققانه درباره زن چه ازنظر آفرینش و چه از نظر مقام در دوران مختلف تاریخ وهمچنین با بررسی درمذاهب وشریعتهای گوناگون حق‌مطلب را ادا ورازهای ناگشوده را بر خواننده گشوده‌است که ازهرجهت سزاوار ستایش وآفرین گوئی است .

در آن بخش که تحت عنوان مقام وحقوق زن در ایران باستان ببررسی پرداخته چنین ادای مطلب نموده است :

« ازمطالعه اوضاع اجتماعی ملت ماد وپارس که هردو ازنژاد آرین وایرانی‌هستند دانسته شده که زن دارای موقعیت قابل‌توجهی درایران بوده و اگر چه زنان در دربار پادشاهان وسران سپاه و بزرگان ونزدیکان خانواده شاهنشاهی بازنهای افراددیگرمردم ازحیث مقام وموقعیت فرق داشته‌اند لیکن رویهمرفته مقام زن در ایران بهتر از مصر و کلده وآشور وهند ویونان وروم بوده وغالب زنان پادشاهان نفوذ بسیاری دردربار وحرم‌سرای آنان داشته‌اند ومورد ملاحظه ورعایت زیادبوده‌اند .

اساس خانوادهٔ ایرانی درقدیم روی حفظ عائله وحکومت پدر برخانواده و اطاعت زن وفرزند ازشوهر وپدربوده وتعدد زوجات را هم جایز میدانسته‌اند در عین حال مقام زنها نزد رئیس خانواده بسیار محترم وبلند بوده وهرگاه رئیس خانواده فوت میشده و پسران کوچك بوده‌اندمادرزمام امور رابدست داشته ومخصوصاً در سلسله شاهنشان‌هخامنشی وساسانی‌اگر ولیعهد کوچك‌بوده ملکه زمام اموررا بعهده میگرفته‌چنانکه درمورد(اردشیر) ومادرش (هما) اتفاق افتاده است .

در جای دیگر راجع بوصلت باخویشان چنین نگاشته شده :

« ازحیث وصلت باخویشان ، مادها و پارسها و اشکانیها با خویشان خیلی نزدیك

زناشوئی نمیکردند و برای پاکی وحفظ نسل و نژاد و خون وصلت باخویشان دور را بر بیگانه برتری میدادندواینکه هردوت مورخ شهیریونانی نوشته است که پادشاهان‌هخامنشی با خواهران خود ازدواج میکردند اشتباهی محض است که این مورخ نامی کرده زیـرا مطابق تحقیقات ومطالعات درزبان پارسی پهلوی‌کلمه خواهر برغیر خواهر حقیقی‌هم‌اطلاق میشده و در حقیقت یك قسم نوعدوستی واحترام به زن بوده که آنهارا نوعاً خواهرخطاب میکردند چنانچه امروزه هم درمیان عامه مردم زن کهنسال را مادر و زن جـوان را در محاورات ومعاشرات همشیره یاخواهر میگویند واین‌دلیل براحترام‌بزنان ازطرف‌مردان بوده‌است.

همچنین درفصل زن در مذهب زرتشت نیز مطالب بسیار آموزنده‌ای منعکس است که قسمتی ازآن باستحضار میرساند :

در اینکه آئین زردشت خدای یگانه پرستی (بنام اهورامزدا) واحکام و تعلیمـات عالیه او : پندار نیك وگفتار نیك ورفتارنیك بوده همهٔ مورخین متفقند .

واین چهار اصل مهم پایه واساس مذهب اوست و برای ترقی و تهذیب اخلاق کافی است زیرا در سایه خداپرستی انسان معتقد بوجود مؤثری در عالم میشودکه شاهد وناظر اعمال اوست وقهراً به ثواب وعقاب عقیده‌مند میگردد واین جهان را جای عمل و کار و جهان دیگر رامحل مزد وپاداش میداند.

بوسیلهٔ‌گفتار نیك هرگز دروغ نمیگوید وبواسطه‌کردار یارفتارنیك دنیا آباد شده وبشر بدرجهٔ‌کمال وترقی میرسد وبسبب پندار یامنش نیك دارای خوی‌نیکو وروش‌پسندیده شده و در نتیجه دست مساعدت بهم‌نوع خود داده ودرراه خدمت بخلق میکوشد ودرهردو جهان‌رستگار وکامکار میگردد.

هروقت در ایران باین چهار اصل عمل میشده مردم دررفاه و آسایش و رو بترقی بوده‌اند ولی همینکه نسبت بهمه یابیکی ازآن اصول بی‌قید وبی‌علاقه میشده سیل بدبختی وبیچارگی بآنان روی‌می‌آورده ودچار جنگها وحمله‌های بیگانگان وغارت وچپاول می‌ـ گشتند . چنانکه درزمان‌کورش بزرگ وداریوش اول وشاپور بزرگ و نوشیروان‌دادگر در سایهٔ رعایت‌آن‌اصول ، مردم در رفاه وآسایش وکشورآباد ودشمنان مغلوب وسرکوب بودند لیکن درزمان دارای سوم وخسروپرویز که مردم نسبت باصول دین بی‌قید وبی‌اعتنا شده ودرباریان وپیشوایان مذهب هم بدان عمل نمیکردند دچار تزلزل وانحطاط‌اخلاقی وسیاسی و اجتماعی شده وبآسانی مغلوب اسکندر مقدونی واعراب بدوی شدند.

چیزی‌که قابل توجه است اینکه در آئین زرتشت زن مقام ارجمنـدی داشته و در

وظایف مذهبی فرقی میان زن ومرد نبوده وهرپسر ودختری که بسن هفت سالگی میرسد آداب دین ونمازهای پنجگانه را باید یادبگیرد وعمل کند ونسبت بپدر ومادر باید بطور تساوی رعایت احترام مبذول داشته واطاعت کند.

چهار فرمان زرتشت اول اعتقاد بخدای یگانه داشتن - دوم بپیغمبری او معتقد بودن سوم احترام پدر ومادر وآموزگار رانگاه‌داشتن - چهارم خدارا پرستش کردن است ملاحظه کنید احترام مادر را مقدم بر عبادت خدا دانسته و اورا از این جهت در عرض پدرقرار داده است.

مطالب آموزنده بالاکه حاکی از تحقیقات و مطالعه وسیع نگارنده دانشمند است بسیاری از نکات تاریك وتوهمات را برطرف داشته وموضوع ازدواج بامحارم که برخی‌از نویسندگان دچار اشتباه شده‌اند بادلایل موجهی به رد آن ارائه دلیل نموده است که از هرجهت آموزنده و اهل مطالعه را ازسرچشمه پربرکت خودسیرآب میسازد اما موضوعی که نویسندگان قدیم وجدید درباره آن دچاراشتباه بوده ودرآثار خود به‌لغزش افتاده‌اند موضوع رواج تعدد زوجات در ایران باستان است.

این اشتباه ازآنجا پیش‌آمده است که باپنج نوع پیمان زناشوئی (صیغه عقد) مواجه گشته‌اند و چنین توهمی برای آنها پیش آمده است که شاید این پیمان پنجگانه مجوز گرفتن تعدد زوجات است حال‌آنکه این پیمان پنجگانه هریك برای موارد خاصی‌اجرا میگشته است ودرهیچیك از دستورهای دینی حتی داشتن دوزن درآن واحد مجاز دانسته نشده است مگر درموارد بسیار دشوار وتحت شرایط خاصی از قبیل - نازائی و دیوانگی زن ودر مرحله نخست مشروط برضایت حتمی زن بوده و در مرحله دوم نیز تأمین امرار معاش وتعهد حتمی وکتبی باجرای آن چنین امری را میسر میداشته است.

اما پیمان پنجگانه زناشوئی که برای اکثر محققین و نویسندگان ایجاد سوء تعبیر نموده بدینقرارند:

۱ - پادشاه زنی - این پیمان برای پسر ودختری اجرا میگردد که دارای تمام شرایط لازم باشند یعنی برای نخستین بار وبارضایت پدر ومادر خود با یکدیگر ازدواج مینمایند وهر دو بسن قانونی رسیده وقبلا هم باکسی نامزد نگشته‌اند.

۲ - ایوك زنی - این پیمان برای دختر منحصر بفرد خانواده‌ای اجرا میگردد و ودرآن این زن وشوهر متعهدندکه نخستین پسرخود را بخانواده دختر تعلق دهندتاوارث آن خانواده گردد وباصطلاح چراغ آنخانواده خاموش نشود.

بقیه در صفحه ۵۸

دانشمند ارجمند استاد پورداود موفق بدریافت جایزهٔ تاگور گردید



دانشمند ارجمند استاد پورداود که کوکب درخشانی درجهان دانش وفرهنگ ما بشمار است با ترجمه صد شعر از آثار رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف شهیر هند بفارسی ـ بدریافت جائزه تاگور سال ۱۹۶۵ هند موفق گشته‌اند .

این چهارمین جایزه‌ایست که پس از برتراند راسل فیلسوف انگلیسی ـ راداکریشنان رئیس جمهور هند وآلبرت شوایتزر فیلسوف فقید ـ اینك نصیب دانشمند کشور ما گشته است.

بقیه جشن جاوید

ای (پسر) ای نوجوان‌ای وارث فیض شهادت
ای نشان زنـده از یك جانفشان با شهامت
نام جاوید پـدر بخشد تـرا مجد و شرافت
هان مکش ناز کسی رادرجهان چون نازمیهن

☆ ☆ ☆

قدردان جانفشانان توده آگـاه میهن
بذل جان شد آرمان ارتش اندرراه میهن

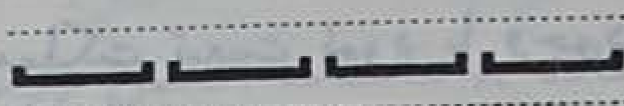
سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان

مخواه مهر و وفا از کسیکه غدار است
مجو درستی عهد ز آنکه نقض پیمان است
بهیچ قیمتی وجدان خویش را مفروش
اگر جهان ببهایش دهند خسران است
مده ز دست برای جهان تو عزت نفس
که این نه درخورشأن ومقام انسان است
که آدمی بشرافت همی بود انسان
کسیکه عاری از آن است همچو حیوان است
بدست آرمتاعی که با خود آن ببری تو
چومیروی بگذاری آنچه آن جهان است
بهر که هرچه جهان میدهد ستاند باز
قرار و کار جهان روی داد و بستان است
کمال و دانش و تقوی متاع انسان است
که آن مصون ززوال فنا وز فقدان است
بهوش باش و مکن یکدمی زخود غفلت
بلای جان بشر غفلت است و نسیان است
بسا آدم هفتاد ساله کز غفلتها
بسان کودك هفت ساله دبستان است
چو شادی و غم دوران عمر در گذر است
بنزد مردم دانا هر دو یکسان است

که آدمی بمیدان زندگی چون گوی
بزیر ضربه چوگان دهر غلطان است
بـه کیمیای سعادت کسی شود نائل
که او امین و صدیق است و اهل ایقان است
تو خویشتن بکن آماده بهر خدمت خلق
که این عبادت مردان پاك ایمان است
بجای هر بدی تا ممکن است نیکی کن
وظیفه من و تو نیکی است و احسان است
تو زینهار مکن بد که بد کنی بر خود
که بد کننده ببیند بد و پشیمان است
کسیکه بد کند از انجام خویش ایمن نیست
ز بیم کیفر حق خائف است و ترسان است
که باب داد حق در جهان باز است
جزا دهد بکسی کاهل ظلم و عدوان است
مکن نظر بحقارت بر این دل ویران
که اندرین دل ویرانه گنج پنهان است
اگرچه پیرم و فرسوده از غم دوران
ولی ضمیر من از لطف حق منیر جوان و است
نشسته دردل من یك نگار خوش گفتار
هر آنچه او بگوید بدل مرا بزبان است
درود حمد فروغان بروح پاك همام
ز یمن همت او ناطق و سخن دان است
برفت عمر و فروغان همی خورد افسوس
برای اینکه همی داند او که نادان است

مجمع همگانی عادی انجمن زرتشتیان ایران



بموجب آگهی مندرج در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی شماره ۱۹۰۷ مورخ ۱۳۴۴/۱۱/۶ سال بیست ویکم وروزنامه اطلاعات شماره ۱۱۸۸۸ مورخ شنبه ۴۴/۱۱/۲ سال چهلم وآگهی چاپی جداگانه منتشره بین افراد زرتشتیان تهران.

روز آدینه ۸ هشتم بهمن ماه ۱۳۴۴ ساعت ده بامداد دومین جلسه همگانی عادی زرتشتیان تهران بریاست سناتور آقای رستم گیو و دبیری سهراب سفرنگ رئیس و دبیر انجمن زرتشتیان تهران در گردش ۲۸ انجمن وبا حضورافرادزرتشتیان که طبق اساسنامه اصلاح شده و مصوبه جدید که حق شرکت درانتخابات انجمن زرتشتیان تهران در گردش بیست و نهم انجمن را داشته تشکیل گردید.

نخست آقای رئیس از حضار محترم که دعوت انجمن زرتشتیان تهران را برای باردوم قبول و برای شرکت درانتخابات انجمن زرتشتیان تهران و انجام وظیفه‌اجتماعی دردومین جلسه مجمع همگانی عادی امروز حضور بهمرسانیده‌اندابراز سپاسگزاری نموده و ضمناً فرمودند در جلسه گذشته بعلت سوء تفاهمی که درتفسیر برای کافی بودن عده حضار برای رسمیت یافتن جلسه پیش آمد متأسفانه عدم رسمیت و تجدید جلسه اعلام گردیده توضیح اینکه طبق قانون تجارت جلسه اول مجمع عمومی عادی با حضور ثلث عده واجد شرایط ولی جلسه اول مجمع عمومی فوق‌العاده با حضورنصف عده واجد شرایط حدنصاب حاصل مینماید ولی متأسفانه هیئت نظارت انتخابات درجلسه پیش برای مجمع عمومی‌عادی نصف عده را ملاك قرارداد وعدم رسمیت جلسه رااعلام نمود وبا وجودیکه درتمام جلسات مجمع همگانی زرتشتیان تهران که اینجانب افتخار حضور داشته‌ام هیچگاه عده حاضرین بنصاب تعداد جلسه گذشته نبوده است متأسفانه نه فقط یکروزوقت حضار محترم تلف بلکه دو هفته برمدت فترت و تشکیل انجمن دوره بیست ونهم افزوده شده و این بلاتکلیفی طبعاً برای هیچکس پسندیده نیست و اینجانب هم میخواهم هر چه زودتر تکلیف معین و وظایف خود را تحویل جانشین خود بدهم.

بهر تقدیر امروز جلسه دوم مجمع عمومی عادی زرتشتیان تشکیل گردیده و طبق

قانون تجارت چون مجمع عادی است عده حاضر هر چند نفر باشند جلسه رسمیت دارد ولی چون در اساسنامه انجمن این قسمت کاملا روشن نیست یعنی حد نصاب مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده مخلوط شده و بعلاوه در اساسنامه انجمن ذکر است که هیئت ۱۵ نفری منتخبه بایستی برای کافی بودن عده نظر خود را اعلام دارند و از آنجائیکه برابر مقررات قانونی مواردی که در اساسنامه ساکت باشد قانون کشوری در آن موارد حکومت خواهد نمود و باید از قانون مملکت تبعیت نمود با وجود این برای رفع هرگونه توهمی کافی بودن یا کافی نبودن عده این جلسه را موکول بنظر هیئت نظارت انتخابات مینمایم.

چون در این گردش انجمن که بانوان هم مثل مردان حق رأی دارند عده رأی - دهندگان زیاد شده و گرفتن رأی در سه شعبه که سابق معمول بوده کافی نیست و باید پنج شعبه تشکیل گردد بنابراین علاوه بر ۱۵ تن کارمندان اصلی هیئت نظارت انتخابات ۱۵ تن هم بعنوان عضو علی‌البدل هیئت نظارت انتخابات پیشنهاد و انتخاب خواهند شد که کارمندان اصلی و علی‌البدل جمعاً سی نفر باشند.

سپس برابر ماده ۷ اساسنامه مصوبه انجمن ۱۵ تن بانوان و آقایان نامبرده زیر را که مورد موافقت عده حاضر در مجمع همگانی واقع گردیدند پیشنهاد و معرفی نمودند:

بانوان . بانو لعل جمشیدیان - بانو رخشنده شاکر - بانو لعل کیخسروان

آقایان . اردشیر اسفندیار آذرگشسب - دکتر خسرو نامداران - رستم بهروزی - دکتر خدارحم رئیس بهرامی - نامدار کیخسروان - بهمن پوروشسب - خدایار هورمزدی - خسرو باستانی - جمشید ورهرامیان - خدارحم هرمزدزاده - مهربان بنداریان زاده - ماهیار پوربهرامی.

چون هیئت ۱۵ نفری که برای تشخیص حصول اکثریت در دومین جلسه مجمع همگانی عادی زرتشتیان تعیین شده بودند باتفاق آراء حصول اکثریت و رسمیت داشتن جلسه را اعلام نمودند بنابراین جلسه مجمع همگانی رسمیت یافت و بدستور آقای رئیس سهراب سفرنگ دبیر مجمع عادی همگانی برابر دستور جلسه خلاصه گزارش کارهای ۴ ساله انجمن زرتشتیان تهران در گردش ۲۸ را باطلاع حضار محترم رسانیدند و سپس با رعایت ماده ۸ اساسنامه مصوبه انجمن ۱۵ تن آقایان منتخبه نامبرده بالا مجدداً باتفاق آراء بسمت کارمندان اصلی هیئت نظارت انتخابات انجمن گردش ۲۹ و ۱۵ تن نامبردگان زیر بسمت کارمند علی‌البدل هیئت نظارت انتخابات انجمن زرتشتیان تهران در گردش ۲۹ تعیین و انتخاب شدند.

بانوان. بانو گوهر مهربانی - بانو مهین شید - بانو دکتر سیمین صرفه نیا (پوروشسب)

آقایان هرمزد هرمزدیاری - موبد فیروز آذرگشسب - مهربان منشنی - کیخسرو نامدار - منوچهر فروتن - رستم خدابخشی شریف آبادی - بهمن شهریاری - هرمزدیار خورشیدیان - شاهجهان سپاسی فریدون فریدونیان - هرمزدیار مهرخداوندی - رستم فرزانه.

بعداً جلسه هیئت نظارت انتخابات انجمن گردش ۲۹ با حضور ۱۵ تن کارمندان اصلی منتخبه در تالار خسروی تشکیل گردید نخست آقای رستم بهروزی بسمت ریاست و سرکار بانو لعل جمشیدیان بسمت نیابت ریاست و آقای خسرو باستانی بسمت دبیر انتخاب و پس از مذاکره و با رعایت بند ب از ماده ۸ اساسنامه انجمن زرتشتیان روز آدینه ۴۴/۱۱/۲۲ از ساعت ۸ صبح تا نیمروز و از ساعت ۴ بعد از نیمروز تا ساعت ۷ بعد از نیمروز برای اخذ آراء و روز شنبه ۱۳۴۴/۱۱/۲۳ از ساعت ۳ بعد از نیمروز برای استخراج آراء در تالار خسروی تعیین وقت و اعلام گردید و قرار شد با رعایت مواد ۱۰ و ۱۱ اساسنامه انجمن در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی - روزنامه اطلاعات و آگهی جداگانه هم برای مزید اطلاع همکیشان چاپ و منتشر گردد.

در پایان خلاصه گزارش کارهای ۴ ساله انجمن گردش ۲۸ که چاپ و آماده بود بین عموم حضار در مجمع همگانی توزیع و نیمساعت به نیمروز مانده جلسه پایان یافت.

رئیس مجمع همگانی عادی زرتشتیان تهران — دبیر مجمع همگانی عادی زرتشتیان تهران

سناتور رستم گیو — سهراب سفرنگ

جامعهٔ زرتشتیان دنیا بزرگترین دانشمند اتم شناس خود را از دست داد



دکتر هرمزدیار (هومی) جهانگیر بابا رئیس کمیسیون تحقیقات اتمی هند ویکی از اتم شناسان بزرگ دنیا در سانحه هوائی درروز ۲٤ ژانویه ۱۹٦٦ جهان را بدرود گفتند.

خبر درگذشت دکتر نامبرده ملت ودولت هند خصوصاً جامعه زرتشتیان را در اندوه بزرگی فرو برد.

دکتر راداکریشنان رئیس جمهوری هند مرگ اورا برای هند غیرقابل جبران دانست.

نخست وزیر هند خانم ایندرا گاندی مرگ دکتر بابا رازیان بزرگی برای هند دانست.

روزنامه‌های هند مرگ اورا با عنوان درشت

درصفحه اول منعکس نمودند وبیوگرافی اورا نوشتند .

مرحوم شاستری میخواست دکتر بابا را درکابینه خود برای‌پست تحقیقات علمی وارد نماید ولی او خودداری نمود . دکتر بابا برای شرکت درکنفرانس اتمی به وین میرفت که دچار سانحه هوائی شد .

چند سال‌پیش درکنفرانس اتمی که درژنو برگزار شد دکتر بابا بریاست آن انتخاب گردید . وی ۵۷ سال داشت.

شخصیت آن مرحوم بقدری عالمگیر بود که ازنقاط مختلف جهان تلگرامهای‌تسلیت به اولیای دولت هند مخابره گردید.

پرزیدنت جانسون رئیس جمهور آمریکا طی پیام تسلیتی که به رئیس جمهور هند مخابره گردید متذکر شده‌اند که مردم آمریکا ومن باهم درحادثه ناگوار مرگ دکتر هومی بابا همدردی قلبی خودرا بشما و خانم ایندرا گاندی نخست وزیر و خانواده آن مرحوم میفرستیم .

چت‌هولی فیلد رئیس کمیته انرژی‌اتمی‌آمریکا گفت :

دکتر هومی بابا یکی از اتم شناسان بزرگ جهان ونیز یکی ازهواخواهان بزرگ بکاربردن اتم درراه صلح بود. ماشدیداً ازمرك ناگهانی او متاسفیم وهمدردی خودرا به خانواده وملتش اظهارمیداریم.

دین راسك وزیر خارجه امریکا طی‌پیامی بوزیرخارجه هندگفت :

خبر متلاشی شدن جت مسافربری هند با۱۱۷ سرنشین در نزدیکی ژنو مرا بسیار متأثر ساخت خصوصاً مرگ همکار شما دکتر هومی بابا. لطفاً همدردی عمیق‌مرا بپذیرید.

ار انگلستان روسیه وسایرممالك دیگر پیامهای تسلیت برای ملت واولیای امورهند فرستاده شد.

آن‌مرحوم ازدواج نکرده بود ومادر پیر او زنده است .

***

ملت ایران عموماً وجماعت زرتشتیان ایران خصوصاً این ضایعه اسفناك و جبران‌ناپذیررا ببرادران هندی وپارسیان آن‌سامان تسلیت گفته وخودرا در این فاجعه‌دردناك سهیم میدانند.

آگهی

کتاب سودمند تعالیم زرتشت اثر هاشم رضی منتشرشد

نامه‌های رسیده



دوشیزه شهناز بهمن مهربانی طی نامه‌ای چهار پرسش از مجله نموده‌اند که با پاسخهای آن درزیر باستحضار خوانندگان مجله میرسد.

پرسش اول - درخت سروی که زرتشت کاشته درکجاست ؟ در ایران است یاخارج وآیا آن سرو باقیمانده است ؟

پاسخ - آنگونه که درتاریخها ضبط شده این‌درخت درکاشمر (استان خراسان‌فعلی) جلوکاخ شاهی شاه گشتاسب کاشته شده و تا زمان متوکل خلیفه عباسی هم‌سربرآسمان‌داشته ودر آن‌عهد بامر خلیفه عباسی برای پوشش شقف کاخ جعفریه دربغداد قطع و برکاروانی بسوی آن شهر حمل میگردد ولی هنگامی بدروازه شهر بغداد میرسد که خلیفه نامبرده بدست غلام خود کشته میشود.

پرسش دوم - تعداد جمعیت زرتشتیان ایران چقدر است؟

پاسخ - تعداد جمعیت زرتشتیان برابر آخرین آماری‌که‌گرفته شده ۱۷۲۹۷ نفر است‌که باید آن عده اززرتشتیان ایرانی مقیم بمبئی را برآن افزوده و آن عده نیز در حدود ۸۰۰۰ نفر هستند.

پرسش سوم - تعداد جمعیت زرتشتیان دنیا چقدر است ؟

پاسخ - تعداد جمعیت زرتشتیان جهان برابر آماریکه در دومین کنگره جهانی زرتشتیان انتشار یافت ازیکصدوسی‌هزارنفر هم تجاوز میکند زیرا تعداد زرتشتیان اروپا-امریکا وکانادا بحساب نیامده است.

پرسش چهارم - آیا درکتاب قرآن مجید آثاری ازکتاب اوستا دیده میشود؟

پاسخ - چنانچه باین اصل معتقدباشیم‌که تعالیم پیامبران ازیك منبع الوهیت الهام گرفته ومنظور اصلی هدایت بشر بسوی حق و حقیقت میباشد یقیناً موارد بسیاری میتوان در تعالیم هرپیامبری یافت‌که شبیه بگفته‌های پیشینیان او باشد ازآن‌گذشته اصول اخلاقی راستی و درستی در جهان تغییرناپذیر است چنانچه اشو زرتشت در تعالیم خود فرموده است : راه درجهان یکیست وآن راه راستیست.

بنابراین میتوان احساس‌کرد‌که دراینجا قدمت وزمان اثبات دلیل مینماید چنانکه درعربی مثلی است معروف که‌میگویند:

السابقون السابقون اولیئك المقربون

نامهٔ رسیده از بمبئی

آقای اردشیر خاضع شاعر سالخورده تحت عنوان سخنی چند بهمکیشان زرتشتی مقیم ایران وهندوستان یادآوریهائی نموده‌اندکه نکات برجستهٔ آن بدینقرار است:

نخست ازاینکه همانند نیاکان خویش پای‌بند آئین وکیش باستانی خودنیستنداظهار گله‌وشکایت نموده‌اند وضمناً ازآنعده‌ای که باهمت‌وپشتکار درشناسائی‌وآموزش تعالیم‌باستانی میکوشند تقدیرنموده‌اند.

همچنین از دانشمندان ونویسندگانی که رنج گران برده وگردآورده‌خودرادراختیار مطالعه دیگران قرارداده‌اند همانند آقایان: استاد پورداود - دکتر مقدم - اورنك - دکتر محمود نجم‌آبادی - مهردادمهرین - هاشم رضی ودیگر نیکمردان که دراینراه کمر همت بر بسته‌اند ستوده وبآن درود فرستاده‌اند.

ازآن پس راجع بسدره‌پوشی وبستن‌کشتی اندرزهای سودمندی بهمکیشان داده و آنها را ازواجبات دین شمرده وسپس آموختن وسخن‌گفتن زبان دری راازبایسته‌های‌دینی شمرده‌اند.

همچنین موضوع پیشوایان دینی یعنی موبدان ودستوران راکه تعدادشان روبکاهش نهاده با اظهار نگرانی ارائه طریق نموده‌اندکه مدارس ویژه‌ای برای‌تعالیم مذهبی‌تأسیس وکنکاشی برای رهبری آنان برانگیخته شود وفرزندان موبدان تشویق‌بآموزش علوم‌دینی شوند وبهمکیشان تأکید نموده‌اندکه بااحترام وتجلیل به‌پیشوایان دینی نگریسته وازبذل مال ودهش بآنان‌کوتاهی نورزند.

هوخت - یادآوریهای آقای خاضع سزاوار پیروی وستایش است.

تقاضا از مشترکین محترم شهرستانها

خواهشمند است آن عده‌ایکه تا بحال آبونمان خود را بنمایندگان مجله نپرداخته‌اند هرچه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهدبود.

دفتر مجله

خبر از : یزدانیار بنشاهی ـ بمبئی

جشن سده در بمبئی

روز دهم بهمن ۱۳۴۴ جشن سده بوسیله سازمان جوانان زرتشتی بمبئی در تالار دبیرستان جی‌جی بای با حضور تعداد زیادی از ایرانیان مقیم بمبئی با شکوه فراوان برگزار گردید .

برنامه جشن با خواندن سرود شاهنشاهی بوسیله اعضای سازمان شروع گردید . نخست آقای دینشاه ایرانی خیرمقدم گفتند و آقای هوشنگ بخت درموضوع جشن سخنرانی نمودند .

سپس برنامه‌های رقص وترانه‌های ایرانی وهندی بوسیله دوشیزگان وجوانان زرتشتی اجرا گردید.

بقیه درصفحه ۵۶



نوشته کشور مزدیسنا
مدیره دبیرستان کیخسرو شاهرخ کرمان

استمداد از خیراندیشان و دهشمندان جماعت

نام نیک نیکوکاران پیوسته جاویدان مانده و آثارخیرشان همیشه نمونهٔ بارزی ازروح بلند پرواز وهمت والای آنها میباشد، وظیفهٔ خود میداند باگهی آنجناب برساند:

ازاینکه دبیرستان دخترانهٔ کیخسروشاهرخ در کرمان درحال توسعه بوده وسال بسال بر تعداد دانش‌آموزان آن افزوده میشود ،سال گذشته دو کلاس در قسمت فوقانی ساختمان دبیرستان بکوشش و همت یکی از خیرخواهان و خیراندیشان ساخته و پرداخته شد و امسال ازآن بهره برداری گردید. ولی افزایش روزافزون دانش‌آموزان و استقبال بی‌نظیری که دختران این شهر به‌ثبت نام دراین دبیرستان نموده ومینمایند. این خدمتگزار را برآن داشت که دست نیاز بسوی جماعت خیرخواه زرتشتی دراز نمایم و از آنها یاری جویم، تا دو کلاس دیگر بنام خودشان دراین دبیرستان بنا گردد.

هزینه ساختمان این دو کلاس حدود دویست وپنجاه هزار(۲۵۰۰۰۰) ریال میشود، خواهشمند است خواسته اینجانب را درمجلهٔ متین ووزین خود منعکس فرموده و عواطف خیرخواهانه نیکوکاران و خیراندیشان را باین کارخیر معطوف نمایند، تا نام نیک آنها بر صفحه روزگار باقی بماند، ازکلیه افراد جماعت زرتشتی ایران انتظار بذل توجه دادارم.

آگهی

ازکلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خودرا بدفترمجله اطلاع دهند تا مجله باآدرس جدید آنها فرستاده‌شود.

دفتر مجله

اخبار ماه

تهران

زناشوئی

۱ - آقای شهریار اورمزدی خرمشاهی بادوشیزه همایون یزدانی الله‌آبادی دخت خدابخش در ۴۴/۱۱/۷

۲ - آقای سهراب برمشائی فرزند آقای رستم بادوشیزه لعل بلبلی دخت آقای جمشید در ۴۴/۱۱/۱۴

درگذشتگان

۱ - روانشاد کیخسرو شاهبهرام شاهبهرامی در ۴۴/۱۱/۱

۲ - روانشاد فرحناز رستم فرودی قاسم‌آبادی در ۴۴/۱۱/۵

۳ - روانشاد پاینده بهمرد پارسی گشتاسبی در ۴۴۱۱/۱۳

۴ - روانشاد دکتر جمشید خدابخش ترکی شریف آبادی در ۴۴/۱۱/۱۴

۵ - روانشاد بانو مهراب اشیدری در ۴۴/۱۱/۱۵

۶ - روانشاد گلچهره مهربان گلزار در ۴۴/۱۱/۱۹

از جهان درگذشته‌اند روانشان شاد و خشنود باد.

سدره‌پوشی

۱ - آقای رستم اسفندیار سرویان در ۴۴/۱۱/۲۲ ازطرف خودشان درمنزل

۲ - آقای منوچهر اسفندیار سرویان در ۴۴/۱۱/۲۲

گواه گیری و سالن جشنگاه خسروی

۱ - آقای شهریار اورمزدی خرمشاهی بابت گواه‌گیری ۱۵۰۰ ریال

۲ - آقای سهراب برمشائی بابت گواه - گیری ۱۵۰۰ ریال

جمع ۳۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان

آقای ارباب گشتاسب آرش در تاریخ ۴۱/۱۲/۱۴ برای لوله‌کشی آرامگاه جدید دهش نموده‌اند که درگزارش چهارساله ازقلم افتاده و چاپ نشده است مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال

۱ - آقای رستم رستمی برای مصرف امور خیریه دهش نموده‌اند ۲۰۰۰ ریال

۲ - آقای رستم رستمی برای امورخیریه شاهورهرام ایزد ۲۰۰۰ ریال

۳ - آقای دکتر شهریار قندی بمناسبت‌سر

سال روانشاد بهرام قندی پدرگرامیشان برای امور خیریه ۱۰۰۰ ریال

٤ ـ آقای هوشنگ سیروسی بمناسبت سر سال روانشاد ارباب خداداد سیروسی پدر گرامیشان کمك به نیازمندان ۲۰۰۰ ریال

دهش خیراندیشان اثاثیه

۱ ـ آقای خداداد خدابخش نیاز آدریان جارو نپتون یکدانه

۲ ـ آقای ایرج بلندی نیاز شاهورهرام ایزد قهوه‌خوری چینی یکدست

۳ ـ بانو سیمین افلاطونی نیاز شاهورهرام جارو نپتون یکدانه

٤ ـ آقای مهربان گودرزی (قالی‌شوئی ماژیك) شستن قالیهای شاهورهرام ایزد بهزینه خودشان ۷ دانه

اعاناتیکه دهش کنندگان نامبرده زیردر برابر استفاده از تالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته‌اند

آدریان

۱ ـ آقای دکتر خسرو خسروی	٤۰۰ ریال
۲ ـ » مهربان هوشنگی کرمانی	« ٤۰۰
۳ ـ » رستم ستوده نیا	« ۲۰۰
٤ ـ بانو کامران	« ۲۰۰
۵ ـ آقای سهراب دارابی	« ۲۰۰
٦ ـ » خسرو باستانی	« ۲۰۰
۷ ـ » بهرام خسرویانی	« ۱۵۰
۸ ـ آقای مهربان مهروزیاد	۱۰۰ ریال
۹ ـ » رشید ورجاوند	« ۱۰۰
۱۰ ـ » کیومرث خدابخش	« ۱۰۰
۱۱ ـ » مهندس افلاطون پور گشتاسب	« ۱۰۰
جمع	« ۲۱۵۰

شاهورهرام ایزد

۱ ـ بانو گودرزی	۳۵۰ ریال
۲ ـ بانو سهیل	« ۲۰۰
۳ ـ آقای بهرام انوشه	« ۱۰۰

٤ ـ بانو سرور ایزدی ـ گلستان مهراب ـ بانوی ناشناس ـ کیخسرو هخامنشی ـ جاماسب فره‌وشی ـ گلستان مهراب جمعاً ۲٦۰ ریال

جمع ۱۸۰ ریال

سال ایرج = پرسه

۱ ـ وراث روانشاد کیخسرو شاهبهرامی ۱۰۰ ریال

۲ ـ وراث روانشاد پاینده بهرود ۲۰۰ ریال

۳ ـ وراث روانشاد دکتر جمشید ترکی ۱۰۰ ریال

٤ ـ وراث روانشاد بانومهراب اشیدری ۱۰۰ ریال

۵ ـ وراث روانشاد بانوجمشید رشیدی ۲۰۰ ریال

٦ ـ وراث روانشاد گلچهره مهربان گلزار ۱۰۰ ریال

۷ ـ وراث روانشاد دینیار بامس باستانی پرسه اورمزد واسفندماه ۱۰۰۰ ریال

جمع ۱۸۰۰ ریال

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۱۳۳۲	نفر
« دندانپزشکی	۲۰۶	«
« داروخانه	۸۲۴	«
« آزمایشگاه	۱۲۱	«
« تزریقات و پانسمان	۹۹۶	«
« بخور پنیسیلینی	۹	«
« دیاترمی	۱۲	«
واکسن وباتزریق شده	۵	نفر
جمع	۴۵۰۵	نفر

اخبار سازمان فروهر

(جوانان زرتشتی)

بزم شب

چون برنامه اجتماعی سازمان فروهر در گذشته مورد تائید واستقبال همکشان قرارگرفته و نتایج بسیار سودمندی از اجرای آنها بدست آمده است.

سازمان فروهر بدنبال این برنامه‌ها و بنا به پیشنهاد وراهنمائی بسیاری ازهمکیشان بمنظور ایجاد آشنائی وصمیمیت بیشتر بین افراداجتماع درمحیط سالم توأم با بهترین برنامه‌های شادی بخش اقدام ببرگزاری برنامه نوینی بنام «بزم شب» نمود.

اولین برنامه آن بفرخندگی سالروزانقلاب شاه وملت درروز پنجشنبه۷ بهمن ۱۳۴۴ باحضور قریب چهارصد نفر از علاقمندان در تالارهای خسروی و بهمن در ساعت ۸ پس از نیمروز آغاز وتا ساعت یك بعد ازنیمه‌شب ادامه یافت.

در این برنامه چند گروه ازهنرمندان با ارزش شرکت وبرنامه‌های متنوعی اجرا نمودند. در آخر این بزم مسابقه ابتکاری و جالبی بنام گل شب انجام وجوایزی بین برندگان توزیع گردید.

نامه‌ها وتلفنهای زیادی ازهمکیشان عزیز که ضمن تشویق وقدردانی تقاضای تجدید برنامه بزم شب رانموده‌اند.

ضمن سپاسگزاری ازعلاقه وافراین‌دوستان که‌نشانه بارز تأئید اقدامات‌سازمان است. بدین وسیله‌نوید میدهیم که سازمان فروهر درنظردارد بامطالعه بیشتر برنامه‌های نوینی برای بزم شب طرح نمایدکه درآتیه مرتباً اجرا و ادامه یابد

جشن سده

روز یکشنبه مهرایزد بهمن‌ماه(۱۰ بهمن) بمناسبت جشن فرخنده سده ازطرف‌این سازمان با همکاری انجمن محترم زرتشتیان مراسمی در سالن دبستان گیو برگزار گردید.

درابتدانیایش بوسیله دوشیزه پریمازرتشتی بعمل‌آمد سپس آقای خسرو باستانی عضو هیئت مدیریره بحضار خیرمقدم گفتند.

آنگاه موسیقی‌جازتوسط هنرمندان‌سازمان اجراگردید.

بعد آقای محمودی بختیاری سخنرانی جالبی درباره این جشن و برگزاری‌آن ایراد کردندکه فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت. قسمت بعدی برنامه سرودآتش بودکه توسط‌دسته کر سازمان فروهرباهمکاری سازمان‌زنان‌زرتشتی

اجرا گردید .

پس از آن دوشیزه مقدادی سخنانی چند در باره سده و تاریخچه آن اظهار داشتند که بسیار جالب و ارزنده بود .

آخرین قسمت برنامه نیایش آتش توسط یکی از موبدان بعمل آمد و این جشن با آتش افروزی و آتش بازی مفصل در ساعت ۷ پس از نیمروز ضمن شادی و سرور حاضرین خاتمه یافت ومدعوین با خاطره‌ای خوش سالن را ترك نمودند.

اسامی و صورت ریز دهشمندان بسازمان فروهر (جوانان زرتشتی) در یك ماهه بهمن ۱۳۴۴ که پاداش خیراندیشان را از اهورامزدا خواستار است

آقای خدایار جهانبخش مزدیسنی ۱۰۰۰۰

سخنرانی

روز پنجشنبه ۳۰ دیماه در ساعت شش و نیم بعدازظهر طبق دعوت قبلی درحضور عده کثیری در سالن بهمن، دانشمندارجمند جناب آقای دکتر رضا زاده شفق سناتور و استادمحترم دانشگاه در باره « تعلیمات جهانی در ایران باستان» سخنرانی جامع و ارزنده‌ای ایراد فرمودند که فوق‌العاده مورد استفاده و توجه قرار گرفت .

سازمان فروهر از اینکه استادشفق دعوت ایرادسخنرانی‌رااجابت فرموده‌اند صمیمانه سپاس گذاراست.



ریال

آقای دکتر خدایار دینیاری کمك بمخارج جشن زایش ۱۰۰۰ ریال

آقای کورش استواری یکدست مبل ٤ پارچه ویکعدد میز گرد

شرکت محترم بافر بودجه برای خرید لباس اطفال بی بضاعت ۳۰۰۰۰ ریال

آقای افلاطون انوشیروانی بنامگانه اسفندیار وشیرین بائی انوشیروانی ۱۲۰۰ ریال

آقای ارسطو روزبه زاده کمك ببزم شب ۱۰۰۰ ریال

سرکار لعل خانم جمشیدیان کمك ببودجه اموردینی ۵۰۰۰ ریال

سرکار همایون خانم فرین کمك به سدره پوشی ۱۰۰۰ ریال

آقای هرمزدیار هرمزدیاری بمناسبت سر سال شادروان پدرشان فریدون بهرام هرمزدیاری از طرف ورثه ۳۰ عدد صندلی تاشو روکش دار ارج.

آقای هرمزدیار هرمزدیاری بیاد بود شاد- روان سرور فریدون هرمزدیاری ۲ عدد لاله

آقای هرمزدیار هرمزدیاری توسط خانمشان يك عدد مشربه مسی

آقای فریدون فریدونیان بابت کمك بهزینه معالجه هما خانم آفتابی ۳۰۰۰ ریال

توضیح آنکه نیازمندیهای سازمان بقوت خود باقی است.

سازمان فروهر از کلیه همکیشان دهشمند سپاسگزار است

اخبار شهرستانها

برگزاری جشن سده در اهواز

سازمان جوانان زرتشتی اهواز با همکاری انجمن محترم زرتشتیان جشن سده را با شکوه فراوان بسرپرستی آقای هوشنگ پارسی نژاد عضو هیئت مدیره برگذار نمود.

نخست سرود شاهنشاهی نواخته شد وسپس خیر مقدم توسط آقای فریدون رشیدی رئیس محترم انجمن ایرادشد.

بقیه برنامه جشن باین ترتیب اجرا شد:

سخنرانی مربوط بجشن سده بوسیله آقای رستم جمشیدی

رقص آتش و غیره توسط دوشیزه مهناز جمشیدی بسرپرستی دوشیزه ساساندخت ساسانی

دکلمه توسط دوشیزگان شهناز سروش ومیترا یزدانی

چند پرده نمایش کمدی بوسیله آقایان شاهرخ و منوچهر رشیدی و ساسانی و سروش و وجمشیدی ویگانه ،

در خاتمه دکتر ساسانی با بیانات شیوای خویش ازمدعوین اظهارتشکر و فعالیت جوانان بخصوص شهنازسروش وآقایان هوشنك پارسی نژاد وداریوش جهانیان و دوشیزه تهمینه جاماسبیان نماینده سازمان درآبادان راستودند

يك خبر از اصفهان

بنا بدعوت قبلی ازطرف انجمن زرتشتیان

اصفهان روز یکشنبه دهم بهمنماه ۱۳۴۴ ساعت ۴ الی ۷ بعدازظهر ، درمحل باستان آباد ، مراسم جشن سده باحضور زرتشتیان مقیم اصفهان برگزار گردید.

مدعوین ازطرف انجمن زرتشتیان اصفهان پذیرائی شدند وجشن با برافروختن آتش سده و مراسم مذهبی پایان یافت.

یزد

• از : آقای نسیمی

جشن سده در یزد

روز دهم بهمن ماه جشن سده دریزد بوسیله سازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد درآموزشگاه دخترانه مارکار برگزار گردید.

برنامه جشن عبارت بوداز سرود شاهنشاهی

خیر مقدم توسط آقای نسیمی

سخنرانی آقایان خداداد اردشیر پور ـ اردشیر خورشیدیان ومهندس باستانی

مسابقات هوش و بیست سئوالی بوسیله آقایان مهندس باستانی ـ اردشیر خورشیدیان و هوشنگ بخت مند.

برنامه مذهبی وسرود و نمایش بوسیله سازمان دوشیزگان

هنرنمائی توسط آقایان رستم فروزان و هوشنگ بخت مند.

سرودشاهنشاهی و آتش افروزی توسط موبد رستم خدابخشی.

آقای نسیمی درسخنرانی ازهمکاری آقای سروش لهراسب و اولیای آموزشگاه مارکار و سازمان دوشیزگان زرتشتی و افراد سازمان و باشگاه جوانان سپاسگزاری کرد واضافه نمود که امسال جماعت ، پشوتن دوسابائی مارکارراکه از میهن دوستان وخیراندیشان زرتشتی بوده و حق بزرگی بگردن فرهنگ ما داشته ازدست داد . ما شادی روان اورا ازدرگاه خدا آرزومندیم .

آقای نسیمی یادآور شدندکه برادر عزیز، شهریار خدایاری معاون سازمان و باشگاه بواسطه درگذشت خواهرشان گلچهر دیانت درجشن امسال درمیان ما نیستندما درغم ایشان وآقایان داریوش وسیروس دیانت مدیران داخلی باشگاه شریك هستیم وشادی روان گلچهر دیانت را ازخواستاریم.

جمعیت شرکت کننده در جشن سده امسال بقدری زیاد بودکه سالن آموزشگاه دخترانه مارکار گنجایش آنرا نداشت و عده کثیری از افراد مجبور بودند یادربیرون سالن بمانند یا برای استفاده از برنامه جشن که بسیار جالب بود از سروگردن هم بالا بروند .

ما باردیگر توجه خیراندیشان ارجمندرا بسالن نیمه تمام جماعتی وازدحام جمعیت درمواقع برگزاری جشنها جلب میکنیم و انتظار داریم که بخواست ویاری خداوند باتکمیل سالن یکی دیگر ازنواقص ما برطرف گردد.

انجمن زرتشتیان تفت وتوابع جشن سده را در مبارکه برگذارنمود

نخست سرود شاهنشاهی جشن آغاز گردید وخانم همیگل نمیرانیان و آقایان محمد حسین

جسمانی ـ رشید جوانمردی ـ بهرام‌هرمزدیاری فریدون خدادادی ـ رستم ماوندادی ـ اردشیر جمشیدیان ـ اسفندیار و خداداد جمشیدیان ـ هوشنگ جاماسبیان ـ نمیرنمیرانیان رئیس‌انجمن برنامه‌هائی اجرا وسخنرانی‌هائی ایرادنمودند و بدست موبد سروش آتش سده افروخته شد.

ورزش

آقایان داریوش کلانتری ـ فرشید سلامتی فریدون دمهری (ازپنجم ریاضی ایرانشهر) در قسمت بسکتبال وجمشید دمهری ازچهارم ریاضی در مسابقه پینگ پنگ برنده گلدان نقره‌شده‌اند.

انجمن خانه ومدرسه آموزشگاه دخترانه مارکار

انتخاب انجمن خانه و مدرسه آموزشگاه دخترانه مارکار در۴۴/۱۱/۲۱ درحضور سرکار بانو گلوریااعتضادی (امیرسلیمان)مدیره دبیرستان انجام واعضای انجمن بشرح زیر انتخاب شدند.

بانو گلوریااعتضادی ـ مرواریدخانم‌نامداری سیمین‌خانم نسیمی ـ ازطرف دبستان ودبیرستان آقایان محمد دادگری رئیس انجمن خانه و مدرسه دبیرستان ـ سیدعلی‌علائی رئیس انجمن خانه و مدرسه دبستان ـ حسن پیرنیا معاون ـ شهریار خدایاری دبیر ـ جمشید رشیدی خزانه دار ـ بقائی پورمعتمد ـ سروش نارنجی‌حسابدار

دهش خیراندیشان

الف ـ پنجم بهمن ماه ـ آقای شاه بهرام شهریاری فرزند روانشاد اسفندیار پولادبنامگانه شادروان برادرشان دکتر پولاد شهریاری یك دست صندلی ارج بشاه‌ورهرام ایزد یزد اهدا نمودند.

ب ـ هیجدهم بهمن‌ماه آقایان شاه‌فریدون زرتشتی ومهربان زرتشتی مبلغ پنجهزار ریال و شخص نیکوکاری مبلغ شش‌هزارریال بوسیله‌آقای رشیدی خزانه‌دار بانجمن‌خانه ومدرسه‌آموزشگاه دخترانه مارکار کمك نمودند.

ج ـ بیستم بهمن‌ماه آقای‌هرمزدیارهرمزدیاری بمناسبت سرسال روانشاد پدرشان فریدون بهرام هرمزدیاری از طرف ورثه مبلغ ده هزار ریال برای امور خیریه و اعانه‌بمستمندان‌بانجمن زرتشتیان یزد وپنجهزار ریال برای تهیه وسایل ورزشی ولباس کودکان بسازمان وباشگاه جوانان زرتشتی یزد پرداخت نمودند.

د ـ ۲۴ بهمن‌ماه ـ آقای دکترسروش‌صرفه نیا ـ تعداد۲۴ عدد بشقاب‌ملامین بدرب مهرنوش اهدا نمودند.

توفیق خیر و تندرستی دهشمندان نامبرده وآمرزش درگذشتگانشان راازدرگاه‌اهورامزدا آرزومندیم.

چند خبر از بمبئی

خبراز یزدانیار بنشاهی ـ بمبئی

عروس زرتشتی نخست وزیر هند

خانم ایندراگاندی دختر مرحوم جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر فقید هندچندی‌قبل بنخست وزیری کشور بزرگ هند انتخاب گردیدند.

خانم گاندی اکنون ۴۹ سال دارند در موقع تحصیل در لندن بایک دانشجوی زرتشتی پارسی بنام فیروز گاندی آشناء میگردند و بعداً بااجازه پدرش نهرو ومهاتما گاندی ازدواج مینمایند.

متأسفانه فیروز گاندی چند سال پیش بر اثر سکته قلبی فوت مینماید. ثمره این ازدواج ۲ پسر میباشد که برسوم و عادات مذاهب هندو وزرتشتی آشنا هستند.

مرحوم فیروز گاندی بامهاتما گاندی فقید هیچگونه رابطه خانوادگی ندارند.

تمدن ایران باستان و مذهب زرتشتی

بنا بدعوت پارسیان بمبئی پروفسور ریچارد فرای ایرانشناس دانشگاه هاروارد آمریکا ببمبئی آمدند وشش جلسه سخنرانی دربنگاه خاورشناسی کاما برای ایشان ترتیب داده شد.

پروفسور فرای درطی سخنرانیهای خوداز تمدن ایران باستان ومذهب زرتشتی بطور مفصل صحبت نمودند.

نکته قابل توجه درسخنرانی پروفسورفرای مقام «موبد ودستور» دردین زرتشتی بود وازاینکه زرتشتیان آنطور که باید وشاید از پیشوایان دین خود حمایت نمیکنند و دربزرگداشت آنها اقدام نمینمایند اظهار تأسف نمود وچندین مرتبه درطی سخنرانیهای خود گفتند «اگرموبد نباشد زرتشتیگری هم نخواهد بود».

(خوب است انجمن زرتشتیان ایران این جمله پروفسور فرای را درنظر بگیرند و برای ازدیاد موبد در ایران چاره‌ای بیاندیشند).

نفوذ ادبیات فارسی در ادبیات هند

آقای ناصر نیر محمدی معاون رایزن فرهنگی ایران وهندورئیس خانه فرهنگ ایران در بمبئی طی سخنرانی خود دربنگاه خاورشناسی کاما در روز ۲۵ ژانویه ۱۹۶۶ از ادبیات معاصر فارسی نفوذ ادبیات فارسی در ادبیات هند مفصلا صحبت نمودند.

این سخنرانی بوسیله خانه فرهنگ و انجمن فرهنگ ایران در بمبئی ترتیب داده شده بود.

در خاتمه چند حلقه فیلم مربوط بایران نمایش داده شد.

قابل توجه مشترکین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بداروخانه داریوش ویا چاپخانه راستی تلفن ۳۹۶۲۴ اطلاع دهند وهمچنین آنهائیکه مایل باشتراک مجله هستند میتوانند تلفناً نام وآدرس خود را اطلاع دهند تا قبض آبونمان ومجله برایشان فرستاده شود.

خبر ازکانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز

صورت اسامی و مبلغ اهدائی خیراندیشانی که درموقع زیارت همگانی سال گذشته پیرسبز جهت عمران و آبادانی و روشنائی آن محل مقدس کمک نموده‌اند

ارباب مهربان	۵۰۰ ریال	پرویز ظهرابی	۱۵۰
اردشیر آذرگشسب	۵۰۰	کیومرث ایزدیار	۱۰۰
سهراب رستمی	۵۰۰	کتایون کاویانی	۱۰۰
مهربانو سروش	۵۰۰	تهمینه ایزدیار	۱۰۰
خانواده بهرام شهزادی	۵۰۰	رشید اورمزدی	۱۰۰
خانواده شید	۶۰۰	ایرج کاویانی	۱۰۰
بانو و دکتر اورمزدی	۵۰۰	اردشیر کاویانی	۵۰
سیروس خرمشاهی	۲۰۰	سیروس شهمردانی	۱۰۰
کریمداد رستمیان	۱۵۰	سهراب رشیدی	۱۰۰
تابنده زارع زاده	۲۰۰	شاهبهرام نمیرانیان	۱۰۰
جمشید زره‌پوش	۲۰۰	اردشیر نمیرانیان	۱۰۰
رستم گشتاسب خسرویانی	۱۰۰	سروش بمان	۱۰۰
رستم جمشید خسرویانی	۱۰۰	شهریار نیریوسنگی	۵۰
هرمزدیار گشتاسب خسرویانی	۱۰۰	رشید شیرمردیان	۱۰۰
		بهرام بهمرد	۱۰۰
جمشید ماهیار	۱۰۰	مهربان بهرام اورمزدی	۵۰
دینیار خسرویانی	۲۰۰	فرهنگ اورمزدی	۵۰
گشتاسب کرمانی	۲۰۰	کتایون آرمیتی	۵۰
شهریار اردشیر مهرشاهی	۲۰۰	کامران رستگاری	۲۰۰
بانو نوشیروان تکسی	۱۰۰	دینیار رشیدی	۵۰
پوراندخت کیانپور	۱۰۰	منوچهر یزدانی	۵۰
گل لهراسب	۱۰۰	فریدون گشتاسبی	۵۰
رستم رشیدی	۲۰۰	کیخسرو جمشید	۵۰
بهرام ترکی	۱۰۰	دهشمندانی که اسم آنها خوانا نبود	۲۳۰

جمع کل ۸۱۸۰ ریال

بقیه شاخه زرین

پس از این ماجرا ، سوم - درکمال غرور مراسم قربانی راج سویا Raj-Suyâ راکه برای شاهان برقرارمیشد بجا آورد و درکمال بی‌پروایی زن زیبای یکـی از نیمه خدایان مورد توجه برهما Brahma راکه بری‌هس‌پتی Brihaspati نـام داشت و زوجه‌اش تارا Târâ نامیده میشد دزدید وتصاحب کرد.

بری‌هس‌پتی چون نتوانست جفت‌خودراپس‌بگیرد ببرهما خدای بزرگ شکایت کرد. در این ماجرا عده‌یی ازخدایان‌ازسوم - جانبداری کردند وعده‌یی‌دیگربهواخواهی‌برهما برخاستند ومیانشان پیکار درگرفت.

برهما که ازسوم سخت‌خشمگین بودوی‌را طردکرد وشیواShivâکه‌جزوطرفداران برهما بود ، سوم را باسلاح خود به دوپاره ساخت واز این جهت است که ویرا بهگ‌ناتما Bhagnâtma نیزمیگویند.

سرانجام برهماکه دامنهٔ نفاق میان خدایان راگسترده مشاهده میکندبا دخالت‌خود صلح وسازش رابرقرارکرده وتارا رابشوهرش بازمیگرداند . در اساطیر یونانی ماجرای پاریس pâris پسر شاه‌تروا بنام پریام Priam که هلن Helen زوجهٔ Menelas منلاس راکه برادرآگاممنون Agamemnon بود میربایدو براثر آن جنگی روی‌می دهدکه خدایان نیز درآن شرکت دارند، با اسطورهٔ فوق قابل مقایسه است.

آداب وشعایر بدست آوردن شیرهٔ هوم یاسوم دراوستا و ودا - تقریباً همانند است. مطابق بارسوم هندوان، روحانیان ابتدا ساقه‌های سوم- راشسته وبادستگاهی چون‌آسیاب کوچك خرد میکنند و برای مدتی درآب نهاده وآن آبرا ازصافی میگذرانند. عصاره‌یی راکه این سان فرادست‌می‌آید باروغن وآرد وبرخی‌چیزهای دیگر آمیخته ومی گذارند تاتخمیر شود.

نوشابه‌ای‌که بدین ترتیب فراهم میشود دارای نیروی سکرآوری است‌که در مراسم مذهبی تقدیم خدایان میشود وروحانیان نیز اندکی ازآن می‌آشامند. این نوشابـه بسیار مورد توجه خدایان قرارداشت وهنگامیکه برای پیکار بادیوان و غولان آماده می‌شدند، بمقادیر زیادی ازآن مینوشیدند.

مطابق روایات‌کهن ریگ‌ودا (۱) یکی از خدایان بزرگ ساکن جوکه گندهرب Gandharba نام داشت ، درآسمان ازگیاه سوم‌که گیاه محبوب خدایان بود محافظت

---

۱ - ریگ ودا - فصل نهم ۱۱٤ - ۱ همچنین درسراسر سام‌ودا Sâma Veda

میکرد و ازطریق این خدا بود که سوم - بخدایان میرسید.

اما زمانی ایندرا Indra ، آن خدای بزرگ جنگاورکه یار شفیق مردمان بود برآن میشود تاسوم - را برزمین منتقل سازد . پس ازپیکاری طولانی بر «گندهرب» پیروز شده وسوم رابرای استفادهٔ سرنشینان زمین ، ازآسمان پائین‌می‌آورد . مطابق با روایتی دیگر سوم - راکرکس بزمین آورده است وشرح روایتی که عقاب یا شاهین مصدر چنین عملی بود گذشت.

درودا‌ها گندهرب نخستین و بزرگترین پزشك معرفی شده است ، چون گیاه سوم را در اختیار داشته که درمان کنندهٔ دردها وبیماریها بوده است و از این جهت باتریت Thrita دراوستا شباهت دارد .

قابل توجه است که تریت دراوستا سومین راهب یا پرورندهٔ هوم بوده است (۱) و درجایی دیگر نخستین پزشك معرفی شده (۲) وملاحظه میشود که چگونه درصورت دقت پراکندگی وتشتت‌اوستایی قابل‌ترمیم وجمع وتلفیق میشود. گندهرب درودا - هم‌سرپرست ونگاهدارندهٔ سوم - میباشد وهم نخستین پزشك است ودر اوستا تریت نیز هردواین‌سمت رابعهده‌دارد، - هرچند که تریت‌درودا‌ها - ریگ‌ودا و اثروداAtharaveda جداگانه مورد گفتگو بوده وشخصیتی است جز گندهرب.

آنچه که در جائی ازریگ‌ودا جلب‌توجه میکند ، آن‌است که گندهرب‌باسوم -یکی دانسته شده واین تأییدی است درنظر فوق . همچنان‌که هوم در اوستا یار ویاورزنان‌است ودختران بی‌شوی را درشوی‌داری کومك میکند وزنان را درسختی زایمان یار میشود، سوم وگندهرب نیز در ادبیات واساطیر ودایی دختران وزنان را سرپرستی کرده ویاری می‌کنند ، اما البته در این مورد ، بانهایت صراحت ، پرده‌پوشی و عفت روح ایرانی در دگرگونی داستان بکار رفته است .

در روایات ودایی ، سوم و گندهرب ویارانش زنان زیبا را تعقیب میکنند وشایق نزدیکی با آنان میباشند وهردختری که بسن بلوغ میرسید ، چون رسمی که در اروپا تا قرون میانه رایج بود وعروس درشب اول متعلق بمالك وارباب ده‌می‌بود ، متعلق‌به سوم- یاگندهرب وآگنی Agniخدای آتش میبود (۳).

اما یکی از دیگرگونی‌های عمده‌یی‌که در روایات اساطیری اوستایی روی داد ،

---

۱ - یسنا - ها ۹/۱۰

۲ - وندیداد - فرگرد ۲۰/۳/۲-۲

۳ - نگاه شود بتاریخ ادیان - جلدچهارم ، پنجم وششم

عفت وحذف جنبه‌های غیراخلاقی بود ، چنانکه در این مورد مشاهده میشود و چنان‌که ملاحظه شد بی‌عفتی یاآن جنبه‌های غیر اخلاقی درروایات ودایی ـ دراوستا این چنین دیگرگونی یافت که هوم سرپرست دختران است وآنانرا به آرزوشان که شوی کردن است میرساند وزنان را در درد زایمان کومك میکند و بمردان شایسته پسران نامی می‌بخشاید در سراسر اساطیر وروایات افسانه‌یی ودینی ایران باستان‌این‌اصالت آشکار اخلاقی‌رعایت شده است و این اصالت میان اساطیر اقوام آریایی ، ویژهٔ ایرانیان است .

گیاه سوم ـ را درهندوستان با مراسم‌ویژه‌یی‌بدست آورده وچنانکه گذشت‌شیره‌کشی میکنند. درشبهایی که ماه در آسمان باقرص تمام می‌درخشد ، ضمن مراسم وخواندن‌ادعیه وسرودهایی‌گیاه سوم را ازبلندیهای کوهها گردمی‌آورند ومراسم شیره‌کشی نیز درروزهای دوشنبه انجام میشود ، چون دوشنبه مطابق تقویم ودایی روزماه بوده‌است. دراین جانیز پیوند ماه وسوم بخوبی مشهودمیباشد ، چون چه درهنگام گردآوری وچه زمان‌شیره‌کشی ، اوقاتی است که از آن ماه میباشد.

در اوستا ، جایی دیگر ازقسمت متأخرآن نیز دربارهٔ هوم یادشده است و آن در ویدیودات Vidivdat یا وندیداد میباشدکه هرگاه شربت هوم با لاشهٔ انسان یا سگ مرده اصابت‌کرد ، جهت تطهیر آن‌چه بایستی‌کرد (۱) وپس ازاین پرسش در روش‌تطهیر پاسخی می‌آیدکه ازنظرگاه اصالت وقدمت بدان‌صورت مورد شك است.

---

۱ ـ وندیداد ـ فرگرد۶/۴۳ـ۴۲

ناتمام

خواهش ویادآوری بنویسندگان

بطوریکه اکثرا مشاهده میشود مقالات و نامه‌هائی که بدفتر مجله واصل میگردد ناخوانا ودرهم میباشد که درموقع چاپ دچاراشکال میشودودرنتیجه‌بعضی از جملات غلط وباعث ناراحتی میگردد بدینجهت خواهشمندیم بنکات زیر توجه فرمایند :

۱ ـ کلیه نوشته‌ها خوانا وکمتر دارای خط‌خوردگی‌باشد

۲ ـ دریکروی‌کاغذ نوشته شود واسامی خارجی ولغات‌مشکل‌خواناتر‌باشد.

بقیه جشن سده در بمبئی

رقصهای دوشیزه دالی ایرانی مورد توجه قرار گرفت.

آقای یزدانیار بنشاهی گزارش سالانه سازمان را باطلاع رسانیدند و بعد آقای فریدون زرتشتی بنا بخواهش سازمان مختصر سخنرانی نمودند که بسیار مورد توجه قرار گرفت و فرزندان جماعت را برای تحصیل دررشته‌های صنعتی واقتصادی تشویق نمودند. جالب توجه اینکه آقای زرتشتی نایب رئیس انجمن زرتشتیان‌تهران بزبان‌دری‌سخنرانی نمودند.

آقای سهراب دهموبدی ازحضار تشکر نموده ودسته‌های گل بوسیله رئیس سازمان بآقای زرتشتی واجراءکنندگان برنامه هدیه داده شد.

در خاتمه پس ازصرف آشامیدنی سرد برنامه بانمایش فیلم ونواختن سرود ملی‌هند خاتمه یافت.

تشکر و سپاسگزاری

از آقایان رؤسای محترم دارائی .شهرداری . قند وشکر. دخانیات شهرستان یزد و برادران اداری که نسبت به در گذشت جانگداز روانشاد گلچهر خدایاری (دیانت) ابراز لطف و محبت فرموده‌اند و از برادران سازمان جوانان زرتشتی یزد که با برگزاری مجلس پرسه در باشگاه کمال محبت را فرموده‌اند. از ریاست و اعضای محترم انجمن‌های زرتشتیان رحمت آباد ونرسی آباد و سازمان که بذل لطف فرموده درمجله شریفه هوخت بما تسلیت گفته‌اند و از خواهران و برادران زرتشتی که دراین ضایعه دلخراش یار و غمخوار ما بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده سلامتی و پایداری همگی رااز درگاه اهورامزدا خواهان وخواستاریم.

خانواده دیانت خانواده خدایاری

بقیه سر مقاله

خودتان باعلاقه‌مفرط باموارات اجتماعی بپردازید و برای شرکت در انتخابات کارت‌شناسائی زرتشتیگری تهیه نمائید واصولا از انجمن زرتشتیان تهران وسایر مراجع‌زرتشتی‌خواستار شوید که کسانی راکه فاقد کارت شناسائی باشند در مجالس و مجامع و جشن‌های خود راه ندهند.

همیشه بیدار وهشیار ومراقب باشید و دستهای ناپاك را ازبیخ و بن برکنید تا به اعمال ننگینی که بهیچوجه در شأن و مقام جامعه زرتشتی نیست بـرای همیشه خاتمه داده شود.

امید است که باکمك شما زنان پارسا ومردان آزاده ستاره اقبال جامعه زرتشتی در بین سایر ملل روزبروز فروزانتر و تابناکتر گردد.

بقیه روز ششم فروردین

بخاطر بیاورند و بکار بندند نه فقط باعث خشنودی زرتشتیان عالم خواهد شد بلکه تمام زرتشت دوستان وایران پرستان که عده‌شان روی کره زمین بیش از آنست که ماحتی تصور آنراهم نمیتوانیم‌کنیم از این تصمیم راضی وخشنود خواهند بود وهمانطوریکه عرض کردم بابخاطرآوردن تعالیم آن حضرت وبکاربستن‌آن بقول پرفسور شوشتری رستگاری صددر صد حتمی‌است.

در شماره آینده ترجمهٔ قسمتی ازگاتها بنظر مبارکتان‌خواهد رسید.

بقیه مقام زن

۳ - ستَرزنی - این پیمان درحق پسر ودختری اجرا میگردد که ایندختر فرزند خوانده خانواده دیگری است دراینصورت نیز این زن وشوهر موظفند نخستین پسر خود رابخانواده‌ای که دختر فرزند خوانده آنهاست تعلق داده نامگذاری نماید.

٤ - چکرزنی - این پیمان در حق مرد یازنی است که بمرحله بیوه‌گی رسیده و جفت خودرا قبلا ازدست داده باشند.

۵ - خودسرزنی - این پیمان راجع است به پسر ودختری که بدون رضایت پدر و مادر ازدواج نمایند ودرصورتیکه پسر یادختر بسن ۲۱ سالگی نرسیده باشند پدر و مادر میتوانند آنهارا ازارث محروم سازند.

امید است توضیحات وبالا باتوجه بآنکه حتی اردشیر بابکان شاهنشاه ساسانی پس‌از متارکه بادختر اردوان وحتی صدور حکم قتل او وبی‌اطلاعی ازداشتن ولیعهد باردوم به- ازدواج اقدام نکرد بنابراین انتظار دارد درچاپ بعدی این‌کتاب گرانبها این نقطه ضعف هم ازآن زدوده گردد.

درهر حال مطالعه این‌کتاب که گنجینه‌ای از فضل وکمال است بر هراندوخته‌ای می‌افزاید .

آگهی

از آنجاکه از جشن سدره پوشی گذشته این سازمـان همکیشان ارجمنـد استقبال فرموده‌اندباخرسندی فراوان بآگاهی‌همگان برادران وخواهران گرامی میرساند که ازاین‌پس هرزمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد، سازمان اقدام ببرگزاری جشن سدره‌پوشی همگانی مینماید .

ازکسانیکه خواستارند فرزندانشان را دراین جشن‌سدره پوش نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه ازساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ۴۲۸۳۲

بقیه دین و فلسفه

وپیروان باایمانی دارد .(۱)

در دینهای توحیدشناسی ویگانه‌پرستی نیزاینگونه پندارها به‌نمودهای‌دیگر درآمده، مانند آرامگاهها ، قدمگاهها حتا درختان وغارهای نظرکرده وصلیب و برخی چیزها از مو ـ عصا ، ردا ، دندان پیشوایان گذشته که هنوز مایه کامرانی صومعه‌داران‌است و باآئین انجیل و آیات قرآن هیچگونه سازشی ندارد .

در سرودهای زرتشت که ۱۸ قرن‌برانجیل و۲٤ قرن‌برقرآن پیشی دارد،هرگونه اثر وبنیانی‌که دست‌آویز بهره گیری وفریب پیروان دین‌باشد، مانند رهبانی وصومعه‌داری که نوعی مفتخواری و تنبلی‌بشمارمی‌آیدغدغن شده و اسلام نیز رهبانی را نفی‌کرده و در سوره زخرف آیات ۳۲ تا۳٤ آراستن در وپیکر ساختمان راباسیم و زر، باکنایه نکوهش میکند و درآیه ۵۳ فرعون راکه به درباریان خود میگفته ـ موساکسی است کـه منطق و گفتار روشنی ندارد ودارای دم ودستگاه وطوق زرین در دست نیست ویافرشتگان‌آسمانی راکه دعوی میکند همراه ندارد ، قرآن فرعون را فاسق ونابکار میخواند ودرسوره‌تکاثر خطاب بمردم میفرماید : ـ«تاآنجا پیش رفته به خود وعشیره بنبالیدکه برسرگورمردگان خودنوحه‌سرمیدهید ومفاخرت‌می کنید؟».

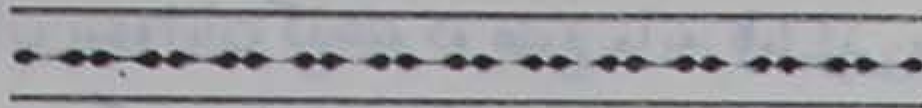
اکنون‌که مابرخلاف این اصول بازبه آراستن زر وزیور و تجمل‌گورها وعقیده به مادیات می‌پردازیم جزاینکه اعتراف به داشتن‌خوی وخیم ادوار جهالت‌کرده که‌بت‌پرستی جای خود را به‌مرده‌پرستی داده آیاسخنی بگزاف وبیجا گفته‌ایم ؟ در حالیکه بزرگان و پیشوایان دین نیزچنین گفته‌اند؟ .

---

۱ ـ به صفحه ۱۸۰ مکتبهـای فلسفی مهرداد مهرین (مکتب النقاطی لایب‌نتز مونا دولوژی بنگرید.

سروده
آقای دارا نور افروز کرمانی

کبوتر و باز



از آن آتش کـه زرتشت پیمبر	نمود ایـن گیتی خـاکی منور
که گوئی نـور ایزد نار او داشت	عجائب اخگری انـوار او داشت
کز آذربایجان آذر بـر افروخت	بنای دیـو تاریکی بهم سوخت
بسوزاند او همه جهل و دوتائی	گشود او دفتـر یکتا خـدائی
نـوای گاتها سر در جـهان داد	خدائی خط بدست مردمان داد
بخط دیـن دبیره آشنا کـرد	همـه ایرانیان را هم نـوا کرد
بفـر ایـزدی کـو داد هستی	پیـام آورد از یکتـا پرستی
نخستین کس که دینش راپذیرفت	فقـط گشتاسب را میتوان گفت
چو مردم بـر ره و دیـن شهانند	از ایـن زمره همه ایـرانیانند
به پندار و ز گفتار و ز کـردار	هر آنکس نیك شد ازخویش پندار
چو خون او ز خون آریا هست	ز اعقـاب نیای پـاك ما هست
چوهمخونی پدید آمدزیك خون	نخواهد ماند جائی برچه وچون
فرا راهش چراغ آئین بگیرید	فـروغ مزدیسنائیش بگیریـد
که‌او یاری‌است بس‌هجران کشیده	بجـز تـاریکی مطلق ندیـده
چوچشمش‌عادت این روشنی کرد	برون از خویشتن ما و منی کرد
مخوانیدش بخوان خویش مهمان	بدیدارش گـرامی تر ز جانان
چو این درمانده ره از راه آیـد	بـرام آن خجسته شاه آیـد
نـه مصداق کبوتر باز با بـاز	کنون با هر دو میبایست پرواز

بقیه خبری از دانشگاه

مسلماً این خط مشی من در آینده نیز خواهد بود.

کوششی که من درراه ساختن این دستگاه نمودم مربوط بهفتهها و ماهها نیست بلکه سه سال در این راه زحمت کشیدم ومجموعاً ۵۰۰ ساعت وقت برای ساختن نمونه آن صرف کردم. برای اینکه از دروس دانشکده بازنمانم تاساعت ۲ و ۳ بعد ازنیمه شب کارکردم. در این راه من مدیون حمایتهای معنوی تیمسارسرلشکر دکتر کنی هستم اگر ایشان مرا یاری نمیکردند شاید قادر بساختن این دستگاه نمیشدم.

از محبتهای جناب آقای دکتر آرمین معاون محترم دانشکده پزشکی وجناب آقای دکتر رئیس بهرامی استاد پاتولوژی که پیوسته مورد محبت ایشان بودهام، ازجناب آقای دکتر منوچهریان وجناب آقای دکترعزیزی استادان محترم فیزیك پزشکی که دربرگزاری این جلسه پرشکوه اقدام کردهاند ودرطی دوران تحصیلیام ازبذل هیچگونه محبتی دریغ نفرمودهاند وازهمه استادان ودانشجویان عزیزکه با تشریف فرمائیخود مرا سرافراز فرمودند صمیمانه تشکر میکنم.

آنگاه باردیگر آقای دکترمنوچهریان پشت تریبون قرار گرفتند وآرزوی پیشرفتهای بیشتری را برای آقای نامداری نمودند وجلسه درساعت ۱۲ بپایان رسید.

بقیه زرتشت از دیدگاه دانشمندان اروپائی

که این تعیین زمان زردشت در کتابهای پهلوی ، درخوتای - نامك وتمام تاریخهای اسلامی چه فارسی وچه عربی که سلسله روایات آنها بهمان کتابهای پهلوی برمیگردد، و تاریخهای واقعی که یونانیان نوشته‌اند ، کوشش دردناکی است بمنظور آنکه جهان پرافسانهٔ داستانهای پهلوانان ایرانی را بامیراث ناچیز وکمی که دردوره فرمانروائی ساسانیان باقیمانده‌است، پیوند بدهند و«بندبزنند» وبیك «یك‌دستی ووحدت» قانع کننده‌ای برسند.

ناتمام

سال ۱۶ شماره ۱۲ شماره مسلسل ۱۹۱

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

دارندهٔ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

نشانی :
خیابان‌شاه (نادری) چهارراه قوام
داروخانه داریوش
تهران - ایران

SUBSCRIPTION FEES

	Iran	Abroad
for 12 Months	200 Rls.	180 Rls.
« 6 »	100 »	90 »

آبونمان مجله ماهانه هوخت

	داخله	خارجه
یکساله	۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه	۹۰ ریال	۱۰۰ ریال